
هذا بيان للناس وهدى وموعظة للمتقين
قد طبع النسخة الأولى من هذا الكتاب المستطاب

فہرس مضامین خیر المواعظ



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

شروع مے کنم بنام خدا بخشندہ مہربان۔

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِيْ خَلَقَ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضَ وَاَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَاَخْرَجَ

ہمہ ستایش خدا ئرا کہ آفریدہ آسمان ہا و زمین را و فرود آورد از آسمان آب پس بیرون آورد

بِهٖ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَّكُمْ هُوَ الَّذِيْ يُرِيْكُمُ الْبَرْقَ خَوْفًا وَّطَمَعًا وَّيُنْشِئُ

بسببش از انواع میوہ ہا روزی برای شما اوست آنکہ مے نماید شمارا برق برای بیدا کردن ترس امید و پیدا کرد

السَّحَابَ الثِّقَالَ وَيُسَبِّحُ الرَّعْدُ بِحَمْدِهٖ وَالْمَلٰٓئِكَةُ مِنْ خِيْفَتِهٖ لَآ اِلٰهَ

ابرہاے گران را و بپاکی یاد میکند رعد بستایش او و فرشتگان از ترس او نیست ہیچ معبود

اِلَّا هُوَ يُحْيِيْ وَيُمِيْتُ رَبُّكُمْ وَرَبُّ اٰبَآئِكُمُ الْاَوَّلِيْنَ فَاِذَا قَضٰۤى اَمْرًا

مگر او زندہ میکند و می میراند پروردگار شما است و پروردگار پدران نخستین شما است پس چون میکند کارے

فَاِنَّمَا يَقُوْلُ لَهٗ كُنْ فَيَكُوْنُ يُعَذِّبُ مَنْ يَّشَآءُ وَيَرْحَمُ مَنْ يَّشَآءُ وَاِلَيْهِ تُقْلَبُوْنَ

پس جز این نیست کہ میگوید او را بشو پس میشود عذاب کند ہر کرا کہ خواہد و رحم کند ہر کرا کہ خواہد و بسوے او باز گردانیدہ خواہید شد

هو الذي جعل الشمس ضياء والقمر نورا وقدره منازل لتعلموا

او آنست که ساخت آفتاب را درخشنده و ماه را روشن و مقرر ساخت برای او منزلها تا دانید

عدد السنين والحساب ان يشأ يذهبكم ايها الناس ويأت بآخرين

شمار سالها و حساب را اگر خواهد دور کند شما را ای مردمان و بوجود آرد دیگران را

وكان الله على ذلك قديرا تبارك الذي نزل الفرقان على عبده

و هست خدا بر این کار توانا بسیار با برکت است آنکه فرود آورد فرقان بر بنده خویش

ليكون للعالمين نذيرا قد جاءكم من الله نور وكتاب مبين يهدي به

تا باشد ترساننده عالمیان را هر آئینه آمد شما را از جانب خدا نوری و کتابی روشن ...

الله من اتبع رضوانه سبل السلام ويخرجهم من الظلمات الى النور

خدا کسی را که طلب رضا کرد بسوی راه نجات و بیرون می آرد ایشان را از تاریکیها بسوی روشنی

باذنه ويهديهم الى صراط مستقيم لقد من الله على المؤمنين اذ بعث

بحکم خود و راه می نماید ایشان را بسوی راه راست هر آئینه نعمت فرو داد خدا بر مؤمنان چون برانگیخت

فيهم رسولا من انفسهم يتلوا عليهم آياته ويزكيهم ويعلمهم

در ایشان پیغمبری از قوم ایشان میخواند بر ایشان آیتهای خود و پاک میسازد ایشان را و می آموزد ایشان را

الكتاب والحكمة وان كانوا من قبل لفي ضلال مبين فآمنوا

کتاب و علم و هر آئینه ایشان بودند پیش ازین در گمراهی ظاهر پس ایمان آرید

بالله ورسوله النبي الامي الذي يؤمن بالله وكلماته واتبعوه لعلكم

بخدا و پیغمبر او که نبی امی است آنکه تصدیق میکند بخدا و سخنان او و پیروی او کنید تا بود که شما

تهتدون محمد رسول الله والذين معه اشداء على الكفار رحماء

راه یابید محمد پیغمبر خداست و آنانکه همراه وی اند سخت اند بر کافران مهربان

بينهم تراهم ركعا سجدا يبتغون فضلا من الله ورضوانا سيماهم

در میان خود می بینی ایشان را رکوع کنندگان سجده کنندگان می طلبند فضل را از خدا و خوشنودی را نشان ایشان

فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ اَثَرِ السُّجُودِ اِنَّ اللّٰهَ وَمَلٰئِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ

و در روى ايشان است از اثر سجود هر آينه خدا و فرشتگان او درود ميفرستند بر پيغامبر

يٰاَيُّهَا الَّذِينَ اٰمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا وَالسّٰبِقُونَ الْاَوَّلُونَ

اى مسلمانان درود فرستيد بروى و سلام سلام گفتنى و سبقت كنندگان نخستين

مِنَ الْمُهٰجِرِينَ وَالْاَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِاِحْسَانٍ رَضِيَ اللّٰهُ عَنْهُمْ

از مهاجران و انصار و آنانكه پيروى ايشان كردند به نيكوكارى خوشنود شد خدا از ايشان

وَرَضُوا عَنْهُ وَاَعَدَّ لَهُمْ جَنّٰتٍ تَجْرِي تَحْتَهَا الْاَنْهٰرُ خٰلِدِينَ فِيهَا

و خوشنود شدند ايشان از وى و آماده ساخت براى ايشان بوستانهائى كه ميرود زير آن جويها جاويد باشند آنجا

اَبَدًا ذٰلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِاِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا

هميشه اينست فيروزى بزرگ اى پروردگار بيامرز مارا و برادران مارا كه سبقت كردند بما

بِالْاِيمَانِ رَبَّنَا اَتْمِمْ لَنَا نُورَنَا وَاغْفِرْ لَنَا اِنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

با ايمان آوردن اى پروردگار ما تمام كن مارا نور ما و بيامرز مارا هر آينه تو بر هر چيزى توانا است

فِي ثَنَاءِ اللّٰهِ جَلَّ ذِكْرُهُ وَعَزَّ اسْمُهُ

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي الْاَرْضِ وَلَهُ الْحَمْدُ فِي الْاٰخِرَةِ

همه ستايش خدا راست كه مر اوراست آنچه در آسمانها و آنچه در زمين است و مر او راست ستايش در آخرت

وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ يَعْلَمُ مَا يَلِجُ فِي الْاَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ

و اوست با حكمت آگاه ميداند آنچه درمى‌آيد بزمين و آنچه بيرون مى‌آيد از وى و آنچه فرو مى‌آيد

مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا وَهُوَ الرَّحِيمُ الْغَفُورُ بَدِيعُ السَّمٰوٰتِ

از آسمان و آنچه بالا ميرود در وى و اوست مهربان آمرزنده نو پديد آورنده آسمانها

وَالْاَرْضِ وَاِذَا قَضٰى اَمْرًا فَاِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ وَهُوَ

و زمين است و چون بخواهد كارى پس جز اين نيست كه ميگويد او را بشو پس ميشود و او

القاهر فوق عباده وهو الحكيم الخبير وهو الذي ينزل الغيث

غالب بر بندگان خود و اوست با حکمت دانا و اوست آنکه فرو می آرد باران

من بعد ما قنطوا وينشر رحمته وهو الولي الحميد ومن آياته خلق

بعد از آن که نا امید شدند و پراکنده میسازد رحمت خود را و اوست کارساز ستوده کار و از نشانهای او

السموات والارض وما بث فيهما من دابة وهو على جمعهم اذا يشاء

آفریدن آسمانها و زمین و آنچه پراکنده کرده است در میان هر دو از جانوران و او بر جمع ایشان

قدير رب السموات والارض وما بينهما ان كنتم موقنين يسئله

توانا ست پروردگار آسمانها و زمین است و آنچه درمیان آنهاست اگر یقین آرید سوال

من في السموات والارض كل يوم هو في شأن وسخر لكم

می کنند از خدا هر که در آسمانها و زمین است هر روز او در کاری است و رام ساخت برای شما

الفلك لتجري في البحر بأمره وسخر لكم الانهار وسخر لكم

کشتی را تا برود در دریا بحکم او و رام ساخت برای شما جویها را و رام گردانید برای شما

الشمس والقمر دائبين وسخر لكم الليل والنهار وآتاكم من كل

آفتاب و ماه را همیشه روندگان و رام ساخت برای شما شب و روز و داد شما را از هر چه

ما سألتموه تبارك الذي جعل في السماء بروجا وجعل فيها سراجا

خواستید از آن بسیار برکت است خدا که ساخت در آسمان برجها را و ساخت در آن چراغ

وقمرا منيرا ان الله لا يخفى عليه شيء في الارض ولا في

و ماه روشن هر آینه خدا پوشیده نمی شود بروی چیزی در زمین و نه در

السماء هو الذي يصوركم في الارحام كيف يشاء لا اله الا هو

آسمان او آنست که صورت می بندد شما را در رحمها چنانکه خواهد نیست معبود

العزيز الحكيم والله اخرجكم من بطون

غالب با حکمت و خدا بیرون آورد شما را از شکم

أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْئًا وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ

مادران شما نمی‌دانستید چیزی را و ساخت برای شما شنوایی و چشمها و دلها

لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا إِنْ تَكْفُرُوا

شاید که شما شکر کنید و اگر بشمارید نعمت خدا را احاطه نتوانید کرد اگر کفران نعمت

أَنْتُمْ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا فَإِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ حَمِيدٌ إِنْ يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ

کنید شما و هر که در زمین است همه پس هر آینه خدا توانگر است ستوده شده اگر خواهد ببرد

وَيَأْتِ بِخَلْقٍ جَدِيدٍ وَمَا ذَٰلِكَ عَلَى اللَّهِ بِعَزِيزٍ وَلَوْ شَاءَ

شما را و بیارد آفرینش نو و نیست این کار بر خدا دشوار و اگر خواستی

رَبُّكَ لَآمَنَ مَنْ فِي الْأَرْضِ كُلُّهُمْ جَمِيعًا إِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ

پروردگار تو هر آینه ایمان آوردندی آنانکه در زمین اند همه ایشان هر آینه خدا میکند هر چه میخواهد

وَهُوَ أَعْلَمُ بِمَا يَفْعَلُونَ وَمَنْ يُهِنِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ مُكْرِمٍ وَإِنْ

و او داناتر است بانچه میکنند و هر که را خوار کند خدا پس نیست او را هیچ گرامی دارنده

يَمْسَسْكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَإِنْ يَمْسَسْكَ

و اگر رساند بتو خدا ضرری پس هیچ دفع کننده نیست او را مگر او و اگر نعمت رساند بتو

بِخَيْرٍ فَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكَ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ

پس او بر هر چیز توانا است بگو بار خدایا ای خداوند پادشاهی میدهی پادشاهی

مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَتُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَنْ

هر که را خواهی و باز میگیری پادشاهی از هر که خواهی و عزیز میسازی هر که را خواهی و خوار میسازی هر که

تَشَاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ تُولِجُ اللَّيْلَ فِي

خواهی بدست تست نیکی هر آینه تو بر هر چیز توانایی در می‌آری شب را

النَّهَارِ وَتُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَتُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَتُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَتَرْزُقُ

در روز و در می‌آری روز را در شب و بیرون می‌آری زنده را از مرده و بیرون می‌آری مرده را از زنده و روزی میدهی

بشر حسنه ويرسل الصواعق فيصيب بها من يشاء وهم يجادلون

بی شمار و میفرستد صاعقه‌ها پس میرساند آنرا بهر که خواهد و کافران مجادله میکنند

في الله وهو شديد المحال عالم الغيب والشهادة الكبير المتعال سواء

در باب خدا و او سخت کننده عقوبت است داناست پنهان و آشکارا بزرگ است بلند قدر

منكم من أسر القول ومن جهر به ومن هو مستخف بالليل وسارب

یکسانست از شما کسیکه پوشیده سخن را و کسیکه آواز بلند گوید آنرا و کسیکه وی پنهان است در شب و پیدا

بالنهار له معقبات من بين يديه ومن خلفه يحفظونه من

در روز برای او فرشتگان اند از پی یکدیگر پیش روی و پس پشت او نگاه میدارند او را

أمر الله إن الله لا يغير ما بقوم حتى يغيروا ما بأنفسهم وهو

بحکم خدا هر آینه خدا بدل نمیکند حالی را که بقومی باشد تا وقتیکه ایشان بدل کنند آنچه

القاهر فوق عباده ويرسل عليكم حفظة حتى إذا جاء أحدكم

ضرات است و اوست غالب بر بندگان خود و میفرستد بر شما نگاهبانان تا وقتیکه بیاید یکی

الموت توفته رسلنا وهم لا يفرطون ثم ردوا إلى الله مولاهم

از شما مرگ قبض روح او کنند فرشتگان ما و ایشان تقصیر نکنند باز گردانیده شوند بسوی خدا

الحق ألا له الحكم وهو أسرع الحاسبين ويوم يحشرهم كأن لم

ایشان که حق است بدانید برای اوست حکم و او شتابنده‌ترین حساب کنندگان است و روزیکه برانگیزد ایشانرا

يلبثوا إلا ساعة من النهار يتعارفون بينهم وما قدروا الله

گویا درنگ کرده بودند مگر ساعتی از روز با یکدیگر میشناسند و نشناختند خدا را

حق قدره والأرض جميعا قبضته يوم القيامة والسماوات مطويات

حق شناختن او و زمین همه در مشت او باشد روز قیامت و آسمانها پیچیده

بيمينه سبحانه وتعالى عما يشركون ونفخ في الصور فصعق

بدست راست او پاکی است و برتر است از آنچه شریک میآرند و دمیده شود در صور پس بیهوش شود

مَنْ فِي السَّمٰوٰتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللّٰهُ ثُمَّ نُفِخَ فِيهِ

هر که در آسمان و هر که در زمین هست مگر آنکه خواسته خدا است باز دمیده شود در صور

أُخْرَىٰ فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنْظُرُونَ وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَوُضِعَ

بار دیگر پس ناگهان ایشان ایستادگان باشند می‌نگرند و روشن شود زمین به نور پروردگار خود و نهاده شود

الْكِتٰبُ وَجِيءَ بِالنَّبِيِّينَ وَالشُّهَدَاءِ وَقُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ

نامه اعمال و آورده شود پیغامبران و گواهان و حکم کرده شود میان ایشان به راستی و ایشان ستم کرده نشوند

وَوُفِّيَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَا عَمِلَتْ وَهُوَ أَعْلَمُ بِمَا يَفْعَلُونَ إِنَّ اللّٰهَ لَا يَظْلِمُ

و تمام داده شود به شخصی جزای آنچه کرده است و خدا داناتر است به آنچه می‌کنند هر آینه خدا ستم نمی‌کند

النَّاسَ شَيْئًا وَلٰكِنَّ النَّاسَ أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ أَمَّنْ جَعَلَ الْأَرْضَ قَرَارًا وَ

بر مردمان چیزی و لیکن مردمان بر خویشتن ستم می‌کنند + آیا کیست که ساخت زمین را قرارگاه

جَعَلَ خِلَالَهَا أَنْهَارًا وَجَعَلَ لَهَا رَوَاسِيَ وَجَعَلَ بَيْنَ الْبَحْرَيْنِ حَاجِزًا

و پیدا کرد در میان آن جویها + و پیدا کرد برای زمین کوهها + و پیدا کرد میان دو دریا مانعی

أَإِلٰهٌ مَعَ اللّٰهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ

آیا معبودی هست با خدا بلکه بیشتر ایشان نمی‌دانند + آیا کیست که قبول کند دعای درمانده را چون بخواند او را

وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ أَإِلٰهٌ مَعَ اللّٰهِ قَلِيلًا مَا

و دفع کند بدی را و می‌گرداند شما را جانشینان در زمین آیا معبودی هست با خدا اندکی

تَذَكَّرُونَ أَمَّنْ يَهْدِيكُمْ فِي ظُلُمٰتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَنْ يُرْسِلُ الرِّيٰحَ

پند می‌پذیرید + آیا کیست که راه می‌نماید شما را در تاریکیهای بیابان و دریا و کیست که می‌فرستد بادها را

بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ أَإِلٰهٌ مَعَ اللّٰهِ تَعَالَى اللّٰهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ

مژده دهنده پیش از رحمت او + آیا معبودی هست با خدا برتر است خدا از آنچه شریک می‌آرند

أَمَّنْ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ وَمَنْ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ

آیا کیست که پیدا می‌کند خلق را باز زنده می‌کند او را و کیست که روزی می‌دهد شما را از آسمان و زمین

ءَإِلٰهٌ مَّعَ اللّٰهِ وَلَوْ أَنَّ مَا فِي الْأَرْضِ مِنْ شَجَرَةٍ أَقْلَامٌ وَالْبَحْرُ يَمُدُّهُ

آیا معبودی است با خدا و اگر آنچه در زمین است از درختان قلمها شوند و دریا سیاهی آن شود

مِنْ بَعْدِهِ سَبْعَةُ أَبْحُرٍ مَّا نَفِدَتْ كَلِمٰتُ اللّٰهِ إِنَّ اللّٰهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ

از پس او هفت دریای دیگر بپایان نرسند سخنان خدا هر آینه خدا غالب با حکمت است

فَسُبْحٰنَ الَّذِي بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ۝

پس پاکست آنکه بدست اوست پادشاهی هر چیز و بسوی او بازگردانیده شوید

وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللّٰهُ تَعَالَى عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى

روایت است از ابی هریره رضی الله تعالی عنه گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ لِلّٰهِ مِائَةَ رَحْمَةٍ أَنْزَلَ مِنْهَا رَحْمَةً وَاحِدَةً بَيْنَ الْجِنِّ

و سلم مر خدای تعالی راست صد رحمت فرود آورده است از آن صد رحمت یک رحمت را میان

وَالْإِنْسِ وَالْبَهَائِمِ وَالْهَوَامِّ فَبِهَا يَتَعَاطَفُونَ وَبِهَا يَتَرَاحَمُونَ

پریان و آدمیان و میان چارپایان و جنبندهای روی زمین پس بآن رحمت آنها مهربانی میکنند بر یکدیگر

وَبِهَا تَعْطِفُ الْوَحْشُ عَلَى وَلَدِهَا وَأَخَّرَ اللّٰهُ تِسْعًا وَتِسْعِينَ رَحْمَةً

و بآنست می‌شتابند بر یکدیگر و بآن رحمت مهر ورزند جانوران وحشی بر فرزندان خود و پس گذاشته است خدای تعالی نود و نه

يَرْحَمُ بِهَا عِبَادَهُ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَفِي رِوَايَةٍ لِمُسْلِمٍ عَنْ

که رحم میکند بآن بندگان خود را روز قیامت متفق علیه و در روایتی مر مسلم را از سلمان فارسی

سَلْمَانَ نَحْوَهُ وَفِي آخِرِهِ قَالَ فَإِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيٰمَةِ أَكْمَلَهَا بِهٰذِهِ الرَّحْمَةِ

مانند این آمده است و در آخرش ابن عباس است که گفت پس چون باشد روز قیامت تمام سازد آنرا باین یک رحمت

وَعَنْهُ رَضِيَ اللّٰهُ تَعَالَى عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

روایت است از وی رضی الله تعالی عنه گفت فرمود پیغامبر خدا رحمت خدا باد بر وی و

وَسَلَّمَ لَوْ يَعْلَمُ الْمُؤْمِنُ مَا عِنْدَ اللّٰهِ مِنَ الْعُقُوبَةِ مَا طَمِعَ بِجَنَّتِهِ

و سلام اگر بداند مؤمن چیزی را که نزد خداست از عذاب طمع نکند به بهشت خدا

أَحَدٌ وَلَوْ يَعْلَمُ الْكَافِرُ مَا عِنْدَ اللهِ مَا قَنَطَ مِنْ جَنَّتِهِ أَحَدٌ متفق عليه

یکی از مومنان و اگر بداند کافر چیزی را که نزد خداست از رحمت نا امید نگردد از بهشت او هیچ یکی از کافران

وَعَنْهُ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

روایت است از وی رضی الله عنه گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

يَدُ اللهِ مَلْأَى لَا تَغِيضُهَا نَفَقَةٌ سَحَّاءُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ أَرَأَيْتُمْ مَا أَنْفَقَ

دست عنایت خدا پر است نمی کاهد او را هیچ نفقه عطای ریزنده و سیل کننده در شب و روز

مُنْذُ خَلَقَ السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ فَإِنَّهُ لَمْ يَغِضْ مَا فِي يَدِهِ وَكَانَ عَرْشُهُ

دیدید چه قدر انفاق و عطا کرده است وی تعالی از آن باز که پیدا کرده است آسمان و زمین را پس بدستی که عطا او کم نساخت چیزی را که در

عَلَى الْمَاءِ وَبِيَدِهِ الْمِيزَانُ يَخْفِضُ وَيَرْفَعُ متفق عليه

دست او بود و بود [illegible] پیدا کردن آسمان و زمین عرش او بر آب [illegible] بدست قدرت اوست ترازو پست میکند و بر میدارد ترازو را متفق علیه است

وَعَنْ أَبِي مُوسَى رَضِيَ اللهُ عَنْهُ قَالَ قَامَ فِينَا رَسُولُ اللهِ صَلَّى

روایت است از ابی موسی اشعری رضی الله تعالی عنه گفت استاد میان ما پیغمبر خدا صلی الله علیه

اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِخَمْسِ كَلِمَاتٍ فَقَالَ إِنَّ اللهَ لَا يَنَامُ وَ

وسلم برای وعظ و تذکیر پنج سخن پس گفت آنحضرت بدستی که خدا تعالی خواب

لَا يَنْبَغِي لَهُ أَنْ يَنَامَ يَخْفِضُ الْقِسْطَ وَيَرْفَعُهُ يُرْفَعُ إِلَيْهِ عَمَلُ

نمیکند و نمی سزد او را که خواب کند پست میکند ترازو را و بالا میبرد [illegible] بر داشته میشود بسوی وی عمل

اللَّيْلِ قَبْلَ عَمَلِ النَّهَارِ وَعَمَلُ النَّهَارِ قَبْلَ عَمَلِ اللَّيْلِ حِجَابُهُ النُّورُ

شب پیش از عملهای روز و برداشته میشود عمل روز پیش از عمل شب پرده وی تعالی نور است

لَوْ كَشَفَهُ لَأَحْرَقَتْ سُبُحَاتُ وَجْهِهِ مَا انْتَهَى إِلَيْهِ بَصَرُهُ

اگر بردارد آن پرده را هر آینه بسوزد [illegible] روی وی [illegible] انوار [illegible] بصر خدا

مِنْ خَلْقِهِ رواه مسلم وَعَنْ أَبِي ذَرٍّ رضي الله عنه قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ

که خلق خدا باشد رواه مسلم و روایت است از ابی ذر رضی الله عنه فرمود پیغمبر خدا

صلى الله عليه وسلم يقول الله تعالى يا عبادي كلكم ضالّ

صلی الله علیه وسلم میگوید خدای تعالی ای بندگان من همه شما گمراهید

إلا من هديت فاستلوني الهدى أهدكم وكلكم فقراء إلا

مگر کسی که راه نمودم من او را پس سوال کنید از من راه راست بنمایم شما را راه را و همه شما فقیر اید

من أغنيت فسلوني أرزقكم وكلكم مذنب إلا من عافيت

مگر کسی که غنی کردم من او را پس سوال کنید از من که رزق دهم شما را و همه شما گناهگارانید مگر کسی که عفو کردم من

فمن علم أني ذو قدرة على المغفرة فاستغفرني غفرت له

او را پس کسیکه بداند که من خداوند قدرتم برامرزیدن گناهان پس طلب آمرزش کنید از من می آمرزم

ولا أبالي ولو أن أولكم وآخركم وحيكم وميتكم ورطبكم

او را و باک ندارم واگر هستی که اول شما و آخر شما و زنده شما و مرده شما و تر شما

ويابسكم اجتمعوا على أتقى قلب عبد من عبادي ما زاد

و خشک شما جمع شوند به پرهیزنده تر دل بنده از بندگان من زیاده نگرداند

ذلك في ملكي جناح بعوضة ولو أن أولكم وآخركم وحيكم

آن در ملک من مقدار بازوی پشه واگر هستی که اول شما و آخر شما و زنده شما

وميتكم ورطبكم ويابسكم اجتمعوا على أشقى قلب عبد

و مرده شما و تر شما و خشک شما جمع شوند بر بدبخت ترین دل بنده

من عبادي ما نقص ذلك من ملكي جناح بعوضة ولو أن

از بندگان من کم نگرداند آن از ملک من مقدار بازوی پشه واگر هستی

أولكم وآخركم وحيكم وميتكم ورطبكم ويابسكم اجتمعوا

که اول شما و آخر شما و زنده شما و مرده شما و تر شما و خشک شما جمع شوند

في صعيد واحد فسأل كل إنسان منكم ما بلغت أمنيته

در یک روی زمین پس سوال کند هر آدمی از شما چیزی که به نهایت آرزوی اوست -

فَأَعْطَيْتُ كُلَّ سَائِلٍ مِنْكُمْ مَا نَقَصَ ذٰلِكَ مِنْ مُلْكِي إِلَّا كَمَا

پس بدهم هر سائل را هرچه خواهد کم نکند آن از ملک من مگر چنانکه کم شدند

لَوْ أَنَّ أَحَدَكُمْ مَرَّ بِالْبَحْرِ فَغَمَسَ فِيهِ إِبْرَةً ثُمَّ رَفَعَهَا ذٰلِكَ

یکی از شما در دریا پس فرو برد دران سوزنی را پستر بردارد آن سوزن را

بِأَنِّي جَوَادٌ مَاجِدٌ أَفْعَلُ مَا أُرِيدُ عَطَائِي كَلَامٌ وَعَذَابِي كَلَامٌ

این بجهت اینکه من بخشنده ام بخشایش کننده بزرگم میکنم هرچه میخواهم وادن من سخن است وعذاب من سخن است

إِنَّمَا أَمْرِي لِشَيْءٍ إِذَا أَرَدْتُ أَنْ أَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ رَوَاهُ أَحْمَدُ

نیست کار من بچیزی وقتیکه خواهم مگر اینکه بگویم مر آنچیز را شو پس میشود آنچیز روایت کرد

وَالتِّرْمِذِيُّ وَابْنُ مَاجَهْ وَعَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا

این حدیث را احمد وترمذی وابن ماجه وروایت است از عبد الله ابن عمر رضی الله تعالی

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَطْوِي اللهُ السَّمٰوَاتِ

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم برپیچد خدای تعالی آسمانها را

يَوْمَ الْقِيٰمَةِ ثُمَّ يَأْخُذُهُنَّ بِيَدِهِ الْيُمْنٰى ثُمَّ يَقُولُ أَنَا الْمَلِكُ

روز قیامت پس بگیرد آسمانها بدست راست خود باز میگوید منم پادشاه

أَيْنَ الْجَبَّارُونَ أَيْنَ الْمُتَكَبِّرُونَ ثُمَّ يَطْوِي الْأَرَضِينَ بِشِمَالِهِ

کجا اند جبر کنندگان وکجا اند تکبر کنندگان پستر بپیچد زمین ها را بدست چپ خود

وَفِي رِوَايَةٍ يَأْخُذُهُنَّ بِيَدِهِ الْأُخْرٰى ثُمَّ يَقُولُ أَنَا الْمَلِكُ أَيْنَ

ودر روایت دیگر است که بگیرد آنها را بدست دیگر خود پستر میگوید منم پادشاه کجا اند

الْمُتَكَبِّرُونَ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنِ ابْنِ الدَّيْلَمِيِّ قَالَ أَتَيْتُ

تکبر کنندگان روایت کرد این حدیث را مسلم وروایت است از فرزند دیلمی گفت آمدم

أُبَيَّ بْنَ كَعْبٍ فَقُلْتُ لَهُ قَدْ وَقَعَ فِي نَفْسِي شَيْءٌ مِنَ الْقَدَرِ

نزد ابی ابن کعب پس گفتم مر او را بتحقیق در افتاد در دل من چیزے از شک از قضا وقدر

فَحَدِّثْنِي لَعَلَّ اللّٰهَ أَنْ يُذْهِبَهُ مِنْ قَلْبِي فَقَالَ لَوْ أَنَّ اللّٰهَ

پس حدیثی بخوان مرا شاید که خدا تعالی ببردان شکها از دل من پس گفت اگر آینه خدا تعالی

عَذَّبَ أَهْلَ سَمٰوَاتِهِ وَأَهْلَ أَرْضِهِ عَذَّبَهُمْ وَهُوَ غَيْرُ ظَالِمٍ

عذاب میکرد تمامه آسمانیانرا و زمینیانرا عذاب کند ایشانرا در حال آنکه وی غیر ظالم

لَهُمْ وَلَوْ رَحِمَهُمْ كَانَتْ رَحْمَتُهُ خَيْرًا لَهُمْ مِنْ أَعْمَالِهِمْ

کننده است مرایشانرا و اگر رحمت میکرد برآنها میبود رحمت او بهتر مرایشانرا از عملهاے ایشان

الْحَدِيثَ رَوَاهُ أَحْمَدُ وَأَبُو دَاوُدَ وَابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ أَبِي ذَرٍّ

تا آخر حدیث رواه احمد وابو داود وابن ماجه روایت است از ابی ذر

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِيمَا يَرْوِي عَنِ

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم در آنچه روایت میکند از

اللّٰهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَنَّهُ قَالَ يَا عِبَادِي إِنِّي حَرَّمْتُ الظُّلْمَ

خدا تعالی که تحقیق وی گفت ای بندگان من تحقیق که من حرام گردانیده ام ظلم

عَلَى نَفْسِي وَجَعَلْتُهُ بَيْنَكُمْ مُحَرَّمًا فَلَا تَظَالَمُوا يَا عِبَادِي كُلُّكُمْ

بر نفس خود و گردانیده ام ظلم را درمیان شما حرام پس ظلم نکنید بریکدیگر ای بندگان من همه

ضَالٌّ إِلَّا مَنْ هَدَيْتُهُ فَاسْتَهْدُونِي أَهْدِكُمْ يَا عِبَادِي كُلُّكُمْ جَائِعٌ

گمراهید مگر کسیکه راه نمودم او را پس طلب هدایت کنید از من که هدایت کنم شمارا ای بندگان من همه شما گرسنه اید

إِلَّا مَنْ أَطْعَمْتُهُ فَاسْتَطْعِمُونِي أُطْعِمْكُمْ يَا عِبَادِي كُلُّكُمْ عَارٍ

مگر کسیکه طعام بخورانم او را پس طلب طعام کنید از من که طعام کنم شمارا ای بندگان من همه شما برهنه اید

إِلَّا مَنْ كَسَوْتُهُ فَاسْتَكْسُونِي أَكْسُكُمْ يَا عِبَادِي إِنَّكُمْ

مگر کسی که جامه پوشانم او را پس طلب کسوت کنید از من که کسوت دهم شمارا ای بندگان من تحقیق شما

تُخْطِئُونَ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَأَنَا أَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا

گناه میکنید شب و روز و من می آمرزم همه گناهان را

فَاسْتَغْفِرُوْنِیْ اَغْفِرْ لَکُمْ یَا عِبَادِیْ اِنَّکُمْ لَنْ تَبْلُغُوْا

پس طلب آمرزش کنید از من که بیامرزم مر شما را ای بندگان من تحقیق که شما هرگز نرسید

ضَرِّیْ فَتَضُرُّوْنِیْ وَلَنْ تَبْلُغُوْا نَفْعِیْ فَتَنْفَعُوْنِیْ یَا عِبَادِیْ

گزند مرا تا که گزند رسانید مرا و هرگز نمی رسید سود مرا تا سود رسانید مرا ای بندگان من

لَوْ اَنَّ اَوَّلَکُمْ وَاٰخِرَکُمْ وَاِنْسَکُمْ وَجِنَّکُمْ کَانُوْا عَلٰی اَتْقٰی

اگر باشند اول شما و آخر شما و آدمیان شما و جنیان شما باشند بر پرهیزگارترین

قَلْبِ رَجُلٍ وَّاحِدٍ مِّنْکُمْ مَا زَادَ ذٰلِكَ فِیْ مُلْکِیْ شَیْئًا یَا عِبَادِیْ

دل یک مرد از شما زیاده نمی کند آن در ملک من چیزی را ای بندگان من

لَوْ اَنَّ اَوَّلَکُمْ وَاٰخِرَکُمْ وَاِنْسَکُمْ وَجِنَّکُمْ کَانُوْا عَلٰی اَفْجَرِ

اگر باشند اینکه اول شما و آخر شما و آدمیان شما و جنیان شما باشند بر گناه کننده ترین

قَلْبِ رَجُلٍ وَّاحِدٍ مِّنْکُمْ مَا نَقَصَ ذٰلِكَ مِنْ مُلْکِیْ شَیْئًا یَا عِبَادِیْ

دل یک مرد از شما کم نه کند آن از ملک من چیزی را ای بندگان من

لَوْ اَنَّ اَوَّلَکُمْ وَاٰخِرَکُمْ وَاِنْسَکُمْ وَجِنَّکُمْ قَامُوْا فِیْ صَعِیْدٍ

اگر باشند اینکه اول شما و آخر شما و آدمیان شما و جنیان شما بایستند در یک روی زمین

وَّاحِدٍ فَسَئَلُوْنِیْ فَاَعْطَیْتُ کُلَّ اِنْسَانٍ مَا نَقَصَ ذٰلِكَ مِمَّا

پس سوال کنند مرا پس بدهم هر آدمی را کم نکند آن از آنچه

عِنْدِیْ اِلَّا کَمَا یَنْقُصُ الْمِخْیَطُ اِذَا اُدْخِلَ الْبَحْرَ یَا عِبَادِیْ اِنَّمَا هِیَ

نزد من است مگر چنانچه کم میکند سوزن چون در آورده شود در دریا ای بندگان من نیست آن

اَعْمَالُکُمْ اُحْصِیْهَا عَلَیْکُمْ ثُمَّ اُوَفِّیْکُمْ اِیَّاهَا فَمَنْ وَجَدَ خَیْرًا

عملهای نیک و بد مگر عملهای شما که می شمارم بر شما پس تمام میدهم شما را جزای آن اعمال پس کسیکه یابد نیکی را

فَلْیَحْمَدِ اللّٰهَ وَمَنْ وَجَدَ غَیْرَ ذٰلِكَ فَلَا یَلُوْمَنَّ اِلَّا نَفْسَهٗ رَوَاهُ مُسْلِمٌ

پس باید که شکر کند خدا را و کسیکه بیابد غیر نیکی را پس باید که نکوهش نکند مگر نفس خود را رواه مسلم

فِي مَدْحِ النَّبِيِّ الْقُرَيْشِيِّ الْهَاشِمِيِّ الْمَكِّيِّ صَلَوٰةُ اللهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِ وَعَلَىٰ آلِهِ وَصَحْبِهِ

لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ

البته تحقیق آمده است بشما پیغمبری از قبیله شما دشوار است بروی رنج شما حریص است

عَلَيْكُم بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ ۝ وَمَا يَنطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ إِنْ

بر هدایت شما بمسلمانان شفقت کننده مهربان است و سخن نمیگوید از خواهش نفس نیست

هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ ۝ قَالَ اللهُ تَعَالَىٰ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا

ان سخن مگر وحی که بسوی او فرستاده میشود فرمود خدای تعالی هر آینه ما فرستادیم ترا بحق مژده دهنده

وَنَذِيرًا وَلَا تُسْأَلُ عَنْ أَصْحَابِ الْجَحِيمِ ۝ وَأَنزَلَ اللهُ عَلَيْكَ الْكِتَابَ

و ترساننده و پرسیده نخواهی شد از اهل دوزخ و فرود آورده است خدا بر تو کتاب

وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَكَ مَا لَمْ تَكُن تَعْلَمُ وَكَانَ فَضْلُ اللهِ عَلَيْكَ

و دانش و آموخته است ترا آنچه نمیدانستی و هست فضل خدا بر تو

عَظِيمًا ۝ وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَلَٰكِنَّ اللهَ رَمَىٰ ۝ وَمَا كَانَ اللهُ

بزرگ و نه افگندی تو وقتیکه افگندی ولیکن خدا افگند و نیست خدا که عذاب کند

لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنتَ فِيهِمْ ۝ وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ ۝

ایشان را و تو درمیان ایشان باشی و نه فرستادیم ما ترا مگر رحمت برای عالمیان -

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا ۝ وَدَاعِيًا

ای پیغامبر هر آینه ما فرستادیم ترا گواهی دهنده و مژده دهنده و ترساننده و خواننده

إِلَى اللهِ بِإِذْنِهِ وَسِرَاجًا مُّنِيرًا ۝ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ بِأَنَّ لَهُم

بسوی خدا بحکم او و چراغ روشن و بشارت ده مومنان را باآنکه ایشان را باشد

مِنَ اللّٰهِ فَضْلًا كَبِيرًا ۝ قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللّٰهِ إِلَيْكُمْ

از جانب خدا بخشایش بزرگ بگو که ای مردمان هرآینه من فرستاده خدا ام بسوی

جَمِيعًا الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ

همه شما آنخدا آنکه او راست پادشاهی آسمانها و زمین نیست معبود مگر او زنده میکند

يُحْيِي وَيُمِيتُ ۝ هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ

و می میراند اوست آنکه برانگیخت در ناخوانندگان پیغامبر را از قوم ایشان

يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتٰبَ وَالْحِكْمَةَ

میخواند بر ایشان آیات او را و پاک میکند ایشانرا و می آموزد ایشانرا کتاب و دانش

وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ ۝ إِنَّ اللّٰهَ وَمَلَائِكَتَهُ

و اگرچه ایشان بودند پیش ازین در گمراهی ظاهر هرآینه خدا و فرشتگان او درود

يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا

میخوانند بر پیغامبر ای مسلمانان درود بخوانید بروی و سلام گوئید سلام گفتنی

وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

روایت است از ابی هریره رض که گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

أَنَا سَيِّدُ وُلْدِ آدَمَ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ وَأَوَّلُ مَنْ يَنْشَقُّ عَنْهُ الْقَبْرُ

من سردار فرزندان آدم روز قیامت و نخست کسی ام که شگافته خواهد شد از وی قبر

وَأَوَّلُ شَافِعٍ وَأَوَّلُ مُشَفَّعٍ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ أَبِي سَعِيدٍ قَالَ

و من نخستین شفاعت کننده ام و نخستین کسیکه قبول کرده شود شفاعت وی، رواه مسلم روایت است از ابی سعید رض گفت

قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَا سَيِّدُ وُلْدِ آدَمَ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ

فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه و سلم من بهتر فرزندان آدم روز قیامت

وَلَا فَخْرَ وَبِيَدِي لِوَاءُ الْحَمْدِ وَلَا فَخْرَ وَمَا مِنْ نَبِيٍّ يَوْمَئِذٍ آدَمُ

و نمیگویم بطریق فخر و بدست من است رایت حمد و نیست فخر و نیست هیچ پیغمبری در روز قیامت چه آدم

وَمَنْ سِوَاهُ إِلَّا تَحْتَ لِوَائِي وَأَنَا أَوَّلُ مَنْ يَنْشَقُّ عَنْهُ الْأَرْضُ

وجہ سوای اوست مگر آنکہ در زیر لوای من در آید و من اول کسیکہ شکافتہ شود از وی زمین

وَلَا فَخْرَ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ جَابِرٍ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللّٰهُ

ونیست فخر رواہ ترمذی و روایت است از جابر کہ آنحضرت صلی اللہ علیہ

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ أَنَا قَائِدُ الْمُرْسَلِينَ وَلَا فَخْرَ وَأَنَا خَاتَمُ

وسلم فرمود من پیشوای مرسلینم ونیست فخر و من خاتم

النَّبِيِّينَ وَلَا فَخْرَ وَأَنَا أَوَّلُ شَافِعٍ وَمُشَفَّعٍ وَلَا فَخْرَ

الانبیا ام ونیست فخر و من نخستین شفاعت کنندہ و شفاعت قبول کردہ شدہ ام و نیست فخر

رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ أَنَسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى

رواہ ترمذی و روایت است از انس گفت فرمود پیغامبر خدا صلی اللہ

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَا أَوَّلُ النَّاسِ خُرُوجًا إِذَا بُعِثُوا وَأَنَا

علیہ وسلم من نخستین مردمم از روی بیرون آمدن از قبر وقتیکہ برانگیختہ شوند از قبر و من

قَائِدُهُمْ إِذَا وَفَدُوا وَأَنَا خَطِيبُهُمْ إِذَا أَنْصَتُوا وَأَنَا مُسْتَشْفِعُهُمْ

پیشوای مردمم وقتیکہ بیایند بدرگاہ خدا و من خطبہ خوانندہ ایشانم وقتیکہ خاموش شوند و من طلب کردہ شفاعت

إِذَا حُبِسُوا وَأَنَا مُبَشِّرُهُمْ إِذَا أَيِسُوا الْكَرَامَةُ وَالْمَفَاتِيحُ

شفاعت کنندہ وقتیکہ حبس کردہ شوند مردم و من بشارت دہندہ ام مردم را وقتیکہ ناامید شوند بزرگی و کلید ہا

يَوْمَئِذٍ بِيَدِي وَلِوَاءُ الْحَمْدِ يَوْمَئِذٍ بِيَدِي وَأَنَا أَكْرَمُ وُلْدِ

آن روز بدست من باشد ولوای حمد در آن روز بدست من باشد و من بزرگترین فرزندان

آدَمَ عَلَى رَبِّي يَطُوفُ عَلَيَّ أَلْفُ خَادِمٍ كَأَنَّهُمْ بَيْضٌ مَكْنُونٌ

آدم نزد پروردگار خود گرد من میگردند ہزار خادم گویا این خادمان بیضہای پوشیدہ اند

أَوْ لُؤْلُؤٌ مَنْثُورٌ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَالدَّارِمِيُّ وَعَنْهُ

یا مروارید ہای پراگندہ شدہ روایت کرد این را ترمذی و دارمی و روایت است از وی

قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَنَا اَوَّلُ شَفِيْعٍ فِي

گفت فرمود پیغامبر صلی الله علیه وسلم من تحقیق کسی ام که شفاعت کند در

الْجَنَّةِ لَمْ يُصَدَّقْ مِنَ الْاَنْبِيَاءِ مَا صُدِّقْتُ وَاِنَّ مِنَ الْاَنْبِيَاءِ

بهشت تصدیق کرده نشد هیچ پیغامبر از پیغامبران آن مقدار که تصدیق کرده شدم و تحقیق از جمله پیغامبران

نَبِيًّا مَا صَدَّقَهُ مِنْ اُمَّتِهِ اِلَّا رَجُلٌ وَاحِدٌ رواه مسلم وَعَنْ

پیغمبری است که تصدیق نکرد او را از امت وی مگر یک مرد رواه مسلم و در روایت است

جُبَيْرِ بْنِ مُطْعِمٍ قَالَ سَمِعْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُوْلُ

از جبیر ابن مطعم رض گفت شنیدم پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم را که میفرمود

اِنَّ لِي اَسْمَاءً اَنَا مُحَمَّدٌ وَاَنَا اَحْمَدُ وَاَنَا الْمَاحِي الَّذِي يَمْحُو اللّٰهُ

تحقیق که مرا نامها است من محمدم و من احمدم و من ماحی ام که محو میکند خدا

بِيَ الْكُفْرَ وَاَنَا الْحَاشِرُ الَّذِي يُحْشَرُ النَّاسُ عَلٰى قَدَمِي وَاَنَا

بوجود من کفر را و نام من حاشر است که برانگیخته شوند مردم بر قدم من و نام من

الْعَاقِبُ وَالْعَاقِبُ الَّذِي لَيْسَ بَعْدَهُ نَبِيٌّ متفق عليه وَعَنْ

عاقب است و عاقب آنکه نیست پس از وی پیغمبری متفق علیه است و در روایت است

اَبِي هُرَيْرَةَ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَنَّهُ قَالَ اِنَّمَا اَنَا رَحْمَةٌ

از ابی هریره رض از پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم تحقیق آنحضرت فرمود که من رحمت

مُهْدَاةٌ رواه الدارمي والبيهقي في شعب الايمان وَعَنْ عَمْرِو

راه یافته شده رواه دارمی و البیهقی در شعب الایمان و در روایت است از عمرو

بْنِ قَيْسٍ اَنَّ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ نَحْنُ

بن قیس تحقیق که پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم فرمود ما در وجود

الْاٰخِرُوْنَ وَنَحْنُ السَّابِقُوْنَ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ وَاِنِّي قَائِلٌ قَوْلًا غَيْرَ فَخْرٍ

پسترآمدیم و در مرتبه سابقیم روز قیامت و تحقیق من گوینده ام گفتاری را بی افتخار

اِبْرَاهِيْمُ خَلِيْلُ اللهِ وَمُوْسٰى صَفِيُّ اللهِ وَاَنَا حَبِيْبُ اللهِ وَمَعِيْ

که ابراهیم خلیل الله است و موسی برگزیده خداست و من محبوب خدا ام و با من باشد

لِوَاءُ الْحَمْدِ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ وَاِنَّ اللهَ وَعَدَنِيْ فِيْ اُمَّتِيْ وَاَجَارَهُمْ

لوای حمد روز قیامت و بتحقیق خدای تعالی وعده کرد مرا در باب امتان و امان داد ایشانرا

مِنْ ثَلٰثٍ لَا يَعُمُّهُمْ بِسَنَةٍ وَلَا يَسْتَاْصِلُهُمْ عَدُوٌّ وَلَا يَجْمَعُهُمْ

از سه چیز در نگیرد ایشانرا بقحط سال و هلاک نمیگرداند ایشانرا دشمنان و جمع نمی کند

عَلٰى ضَلَالَةٍ رَوَاهُ الدَّارِمِيُّ وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رض قَالَ اِنَّ اللهَ تَعَالٰى

ایشان را بر گمراهی رواه دارمی روایت است از ابن عباس رض گفت تحقیق که خدای تعالی

فَضَّلَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَى الْاَنْبِيَآءِ وَعَلٰى اَهْلِ السَّمَآءِ

فضیلت داد آنحضرت صلی الله علیه وسلم را بر پیغمبران و بر اهل آسمان

فَقَالُوْا يَا اَبَا عَبَّاسٍ بِمَ فَضَّلَهُ عَلٰى اَهْلِ السَّمَآءِ قَالَ اِنَّ اللهَ تَعَالٰى

گفتند ای ابا عباس بچه چیز فضل داد خدا آنحضرت را بر اهل آسما گفت تحقیق که خدای تعالی

قَالَ لِاَهْلِ السَّمَآءِ وَمَنْ يَّقُلْ مِنْهُمْ اِنِّيْٓ اِلٰهٌ مِّنْ دُوْنِهٖ فَذٰلِكَ

فرمود فرشتگان را ایشکارام و کسی که گوید از فرشتگان که من خدا ام جز خدا پس آنکس پاداش

نَجْزِيْهِ جَهَنَّمَ كَذٰلِكَ نَجْزِي الظّٰلِمِيْنَ وَقَالَ اللهُ تَعَالٰى لِمُحَمَّدٍ

میدهیم او را دوزخ همچنین پاداش میدهیم ظالمان را و فرمود خدای تعالی مر آنحضرت

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِيْنًا لِّيَغْفِرَ لَكَ اللهُ

صلی الله علیه وسلم را تحقیق که فتح دادیم ترا فتح ظاهر تا بیامرزد مر خدای ترا

مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَمَا تَاَخَّرَ قَالُوْا وَمَا فَضْلُهٗ عَلَى الْاَنْبِيَآءِ

هرچه پیش رفته از گناه تو و هرچه که پس آید گفتند و چیست فضل محمد بر انبیا

قَالَ قَالَ اللهُ تَعَالٰى وَمَآ اَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُوْلٍ اِلَّا بِلِسَانِ قَوْمِهٖ

گفت فرمود خدای تعالی و نفرستادیم ما هیچ پیغامبر را مگر بزبان قوم او

لِيُبَيِّنَ لَهُمْ فَيُضِلُّ اللّٰهُ مَنْ يَّشَاءُ الْاٰيَةِ وَقَالَ اللّٰهُ تَعَالٰى لِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ

تا آنکه بیان کند برای قوم خود پس گمراه میگرداند خدا هر که را میخواهد تا تمام آیه وگفت خدا تعالی مر محمد صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَمَآ اَرْسَلْنٰكَ اِلَّا كَآفَّةً لِّلنَّاسِ فَاَرْسَلَهٗ اِلَى الْجِنِّ

علیه و سلم را و نفرستادیم ما ترا مگر برای کافهٔ آدمیان پس فرستاد خدا ایشان او را سوی پریان

وَالْاِنْسِ رَوَاهُ الدَّارِمِيُّ وَعَنِ الْعَبَّاسِ رض اَنَّهٗ جَآءَ اِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ

وآدمیان رواه دارمی و روایت است از عباس رض که وی آمد بسوی آنحضرت صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَكَاَنَّهٗ سَمِعَ شَيْئًا فَقَامَ النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَى الْمِنْبَرِ

علیه و سلم پس گویا که عباس شنیده بود چیزی را پس ایستاد آنحضرت صلی الله علیه و سلم بر سر منبر

فَقَالَ مَنْ اَنَا فَقَالُوْا اَنْتَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ اَنَا

پس فرمود که من کیستم پس گفتند صحابه تو پیغمبر خدای صلی الله علیه و سلم فرمود که من

مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ اِنَّ اللّٰهَ خَلَقَ الْخَلْقَ فَجَعَلَنِيْ فِيْ

محمد بن عبد الله بن عبد المطلب ام تحقیق که خدای تعالی پیدا کرد خلق را پس گردانید

خَيْرِهِمْ ثُمَّ جَعَلَهُمْ فِرْقَتَيْنِ فَجَعَلَنِيْ فِيْ خَيْرِهِمْ فِرْقَةً ثُمَّ جَعَلَهُمْ

مرا در بهترین ایشان پستر گردانید آدمیان را دو گروه پس گردانید مرا در بهترین فرقه ایشان پستر گردانید ایشان را

قَبَآئِلَ فَجَعَلَنِيْ فِيْ خَيْرِهِمْ قَبِيْلَةً ثُمَّ جَعَلَهُمْ بُيُوْتًا فَجَعَلَنِيْ

قبیله پس گردانید مرا در بهترین ایشان از روی قبیله پستر گردانید ایشان را خانه ها پس گردانید مرا

فِيْ خَيْرِهِمْ بَيْتًا فَاَنَا خَيْرُهُمْ نَفْسًا وَخَيْرُهُمْ بَيْتًا رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ

در بهترین خانه های ایشان پس من بهترین ایشانم از روی نفس و بهترین ایشانم از روی خانه رواه ترمذی

وَعَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَثَلِيْ

و روایت است از ابی هریره گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم مثال من

وَمَثَلُ الْاَنْبِيَآءِ كَمَثَلِ قَصْرٍ اُحْسِنَ بُنْيَانُهٗ تُرِكَ مِنْهُ مَوْضِعُ

و مثل پیغمبران سابق همچو مثل کوشکی است که نیک کرده شد بنای او گذاشته شد از آن جای

لَبِنَةٍ فَطَافَ بِهِ النُّظَّارُ يَتَعَجَّبُونَ مِنْ حُسْنِ بُنْيَانِهِ إِلَّا مَوْضِعَ

خشت پس گرداگرد آن گشتند نظر کنندگان درحالیکه تعجب میکردند از خوبی بناے آن مگر جاے

تِلْكَ اللَّبِنَةِ فَكُنْتُ أَنَا سَدَدْتُ مَوْضِعَ اللَّبِنَةِ خُتِمَ بِيَ

آن خشت که خالی مانده پس بودم من که بستم جاے آن خشت را ختم کرده شد بمن

الْبُنْيَانُ وَخُتِمَ بِيَ الرُّسُلُ وَفِي رِوَايَةٍ فَأَنَا اللَّبِنَةُ وَأَنَا خَاتِمُ

بنا و ختم کرده شد بمن پیغمبران و در روایت دیگر پس منم مثل آن خشت و من ختم کننده

النَّبِيِّينَ متفق عليه وَعَنْ أَنَسٍ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ

پیغمبران ام متفق علیه است . و در روایت است از انس رض گفت فرمود پیغمبر خدا

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آتِي بَابَ الْجَنَّةِ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ فَأَسْتَفْتِحُ

صلے اللہ علیہ وسلم می آیم در بہشت را روز قیامت پس طلب کنم کشادن در را

فَيَقُولُ الْخَازِنُ مَنْ أَنْتَ فَأَقُولُ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَيَقُولُ

پس میگوید داروغه بہشت که تو کیستی پس میگویم من محمد ام صلے اللہ علیہ وسلم پس میگوید آن داروغه

بِكَ أُمِرْتُ أَنْ لَا أَفْتَحَ لِأَحَدٍ قَبْلَكَ رواه مسلم وَعَنِ الْعِرْبَاضِ

بسبب تو امر کرده شدم که نه کشایم برای کسے پیش از تو رواه مسلم و در روایت است از عرباض

بْنِ سَارِيَةَ عَنْ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ قَالَ

ابن ساریه رض از پیغامبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم بتحقیق آنحضرت فرمود

إِنِّي عِنْدَ اللهِ مَكْتُوبٌ خَاتَمُ النَّبِيِّينَ وَإِنَّ آدَمَ لَمُنْجَدِلٌ

که تحقیق من نزد خدا نوشته شده ام خاتم پیغمبران حال آنکه آدم هر آینه افتاده بود

فِي طِينَتِهِ وَسَأُخْبِرُكُمْ بِأَوَّلِ أَمْرِي دَعْوَةُ إِبْرَاهِيمَ وَبِشَارَةُ

در گل خود و قریب است که خبر دهم شما را به نخست کار خود دعاے ابراهیم است و خوشخبری

عِيسَى وَرُؤْيَا أُمِّي الَّتِي رَأَتْ حِينَ وَضَعَتْنِي وَقَدْ خَرَجَ لَهَا نُورٌ

عیسی است و خواب مادر من است که دید وقتیکه زائید مرا و بتحقیق برآمد مر آنرا روشنی

أَضَاءَ لَهَا مِنْهُ قُصُورُ الشَّامِ رَوَاهُ فِي شَرْحِ السُّنَّةِ وَرَوَاهُ
که ظاهر شد برای آن از نور او کوشکهای شام روایت کرده آنرا در شرح سنه و روایت کرده
أَحْمَدُ عَنْ أَبِي أُمَامَةَ مِنْ قَوْلِهِ سَأُخْبِرُكُمْ إِلَخْ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ
احمد از ابی امامه از قول او که ساخبرکم است تا آخر و روایت است از ابی هریره
عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ فَأُكْسَى حُلَّةً مِنْ حُلَلِ
از پیغمبر صلی الله علیه وسلم گفت پس پوشانیده میشوم من حله از حلهای
الْجَنَّةِ ثُمَّ أَقُومُ عَنْ يَمِينِ الْعَرْشِ لَيْسَ أَحَدٌ مِنَ الْخَلَائِقِ
بهشت پس برمی ایستم من از جانب راست عرش نیست کسی از خلق
يَقُومُ ذَلِكَ الْمَقَامَ غَيْرِي رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَفِي رِوَايَةِ
که باستد دران مقام بجز من رواه ترمذی و در روایة
جَامِعِ الْأُصُولِ عَنْهُ أَنَا أَوَّلُ مَنْ تَنْشَقُّ عَنْهُ الْأَرْضُ فَأُكْسَى
جامع اصول اینست که من اول آنکسی ام که شگافته میگردد از وی زمین پس پوشانیده میشوم
وَعَنْ أُبَيِّ بْنِ كَعْبٍ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ إِذَا
و روایت است از ابی بن کعب از پیغمبر صلی الله علیه وسلم فرمود آنحضرت چون
كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ كُنْتُ إِمَامَ النَّبِيِّينَ وَخَطِيبَهُمْ وَصَاحِبَ
باشد روز قیامت باشم پیشوای پیغمبران و باشم خطیب ایشان و خداوند
شَفَاعَتِهِمْ غَيْرَ فَخْرٍ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى
شفاعت ایشان بی آنکه فخر کنم رواه ترمذی و روایت است از نبی صلی
اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ سَلُوا اللَّهَ لِيَ الْوَسِيلَةَ قَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ
الله علیه وسلم فرمود بخواهید از خدا برای من وسیله گفتند ای پیغمبر خدا
وَمَا الْوَسِيلَةُ قَالَ أَعْلَى دَرَجَةٍ فِي الْجَنَّةِ لَا يَنَالُهَا إِلَّا رَجُلٌ
و چیست وسیله فرمود وسیله بلندترین پایه ایست در بهشت نمی یابد آنرا مگر یک مرد

وَاحِدٌ اَرْجُوْ اَنْ اَكُوْنَ اَنَا هُوَ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ

امید میدارم که باشم من آن مرد رواه ترمذی و در روایت است از

وَاثِلَةَ بْنِ الْاَسْقَعِ قَالَ سَمِعْتُ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

واثله بن اسقع رض گفت شنیدم پیغمبر خدا صلے الله علیه وسلم را

يَقُوْلُ اِنَّ اللّٰهَ اصْطَفٰى كِنَانَةَ مِنْ وُلْدِ اِسْمٰعِيْلَ وَاصْطَفٰى

که میگفت که بتحقیق که خدا برگزید کنانه را از اولاد اسمعیل و برگزید

قُرَيْشًا مِنْ كِنَانَةَ وَاصْطَفٰى مِنْ قُرَيْشٍ بَنِيْ هَاشِمٍ وَاصْطَفَانِيْ

قریش را از کنانه و برگزید از قریش بنی هاشم را و برگزید مرا

مِنْ بَنِيْ هَاشِمٍ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَفِيْ رِوَايَةٍ لِلتِّرْمِذِيِّ اِنَّ اللّٰهَ اصْطَفٰى

از بنی هاشم رواه مسلم و در روایت ترمذی اینقدر زیاده کرد بتحقیق خدا برگزید

مِنْ وُلْدِ اِبْرَاهِيْمَ اِسْمٰعِيْلَ وَاصْطَفٰى مِنْ وُلْدِ اِسْمٰعِيْلَ بَنِيْ كِنَانَةَ

از فرزند ابراهیم اسمعیل را و برگزید از اولاد اسمعیل بنی کنانه را

وَعَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا مِنَ الْاَنْبِيَاءِ

و روایت است از وی گفت فرمود پیغمبر خدا صلے الله علیه وسلم نیست از پیغمبران

مِنْ نَبِيٍّ اِلَّا قَدْ اُعْطِيَ مِنَ الْاٰيَاتِ مَا مِثْلُهٗ اٰمَنَ عَلَيْهِ الْبَشَرُ

هیچ پیغمبرے مگر به تحقیق داده شد از معجزات معجزه که مثل وی مرا عجاز ایمان آورده اند بر آن پیغمبر

وَاِنَّمَا كَانَ الَّذِيْ اُوْتِيْتُ وَحْيًا اَوْحَى اللّٰهُ اِلَيَّ فَاَرْجُوْ اَنْ

و جز این نیست معجزه که داده شده ام من وحی است که فرستاده است خدا بسوی من پس امید میدارم که

اَكُوْنَ اَكْثَرَهُمْ تَابِعًا يَوْمَ الْقِيٰمَةِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْهُ

باشم من اکثر پیغمبران از روی تابعان روز یوم قیامت متفق علیه و در روایت است از وی

اَنَّ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ فُضِّلْتُ عَلَى الْاَنْبِيَاءِ

تحقیق پیغمبر خدا صلے الله علیه وسلم فرمود فضیلت داده شدم من بر پیغمبران

بست اعطيت جوامع الكلم ونصرت بالرعب واحلت

بشش چیز داده شدم کلمات جامع را و نصرت داده شدم برعب و حلال کرده شد

لي الغنائم وجعلت لي الارض مسجدا وطهورا وارسلت

برای من غنیمت ها و گردانیده شد برای من همه زمین مسجد و پاک و فرستاده شدم من

الى الخلق كافة وختم بي النبيون رواه مسلم وعن

بسوے تمام خلق و ختم کرده شدند بمن پیغمبران رواه مسلم و روایت است از

ثوبان قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم ان الله

ثوبان رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلے الله علیه وسلم بتحقیق خدا

زوى لي الارض فرايت مشارقها ومغاربها وان امتي

جمع آورد برای من زمین را پس دیدم من بلاد مشرق و مغرب را و هر آئینه امت من

سيبلغ ملكها ما زوي لي منها واعطيت الكنزين

نزدیک است که برسد بادشاهی ایشان آنقدر که فراهم آورده شد برای من از زمین و داده شدم دو گنج

الاحمر والابيض الحديث وعن ابي هريرة قال قالوا يا

سرخ و سفید تا آخر حدیث و روایت است از ابی هریره رض گفت گفتند صحابه ای

رسول الله متى وجبت لك النبوة قال وآدم بين الروح

پیغمبر خدا کی لازم شد ترا نبوت فرمود درانحال که آدم میان روح

والجسد رواه الترمذي وعن عطاء بن يسار قال لقيت

و جسد بود رواه ترمذی و روایت است از عطاء بن یسار گفت ملاقات کردم

عبد الله بن عمرو بن العاص قلت اخبرني عن صفة

عبد الله ابن عمرو بن عاص را گفتم خبر ده مرا از بعضے صفات

رسول الله صلى الله عليه وسلم في التورية قال اجل والله

پیغمبر خدا صلے الله علیه وسلم که در توریت است گفت آرے سوگند بخدا

إِنَّهُ لَمَوْصُوفٌ فِي التَّوْرَاةِ بِبَعْضِ صِفَتِهِ فِي الْقُرْآنِ

تحقیق که آنحضرت وصف کرده شده است در توریت ببعض صفات وے که در قرآن است

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا وَحِرْزًا

ای پیغمبر ما فرستادیم ترا گواهی دهنده و بشارت دهنده و بیم کننده و پناه

لِلْأُمِّيِّينَ أَنْتَ عَبْدِي وَرَسُولِي سَمَّيْتُكَ الْمُتَوَكِّلَ لَيْسَ بِفَظٍّ

مر عرب را تو بنده خاص من و پیغمبر من هستی نام نهاده ام ترا متوکل که نیست درشت خو

وَلَا غَلِيظٍ وَلَا صَخَّابٍ فِي الْأَسْوَاقِ وَلَا يَدْفَعُ بِالسَّيِّئَةِ

و نه درشت سخن و نه آواز بلند کننده در بازار و نه دور کند به بدے

السَّيِّئَةَ وَلَكِنْ يَعْفُو وَيَغْفِرُ وَلَنْ يَقْبِضَهُ اللهُ حَتَّى يُقِيمَ

بدے را و لیکن درگذر میکند و می پوشد و هرگز قبض نمیکند خدا تعالی او را تا آنکه راست میکرداند

بِهِ الْمِلَّةَ الْعَوْجَاءَ بِأَنْ يَقُولُوا لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ وَيَفْتَحُ بِهَا أَعْيُنًا

بوجود وے دین قوم کج را که بگویند لا اله الا الله و تا آنکه بکشاید خدا باین کلمه چشمها

عُمْيًا وَآذَانًا صُمًّا وَقُلُوبًا غُلْفًا رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَكَذَا الدَّارِمِيُّ

کور را و گوشهاے کر را و دلها را که در غلاف اند روایت کرده بخارے و همچنین روایت کرده دارمے

عَنْ عَطَاءِ ابْنِ سَلَامٍ نَحْوَهُ وَعَنْ جَابِرٍ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ

از عطا بن سلام مانند آن و روایت است از جابر رض تحقیق که پیغمبر صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ إِنَّ اللهَ بَعَثَنِي لِتَمَامِ مَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ

علیه وسلم فرمود هر آئینه خدا فرستاده است مرا برای اتمام خوبیهاے نیک

وَكَمَالِ مَحَاسِنِ الْأَفْعَالِ رَوَاهُ فِي شَرْحِ السُّنَّةِ وَعَنْ

و برای کامل گردانیدن نیک اعمال روایت کرده فی شرح السنة و روایت است از

كَعْبٍ يَحْكِي عَنِ التَّوْرَاةِ قَالَ نَجِدُ مَكْتُوبًا مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللهِ

کعب رض حکایت میکند از توریت گفت که یافتم من نوشته که محمد رسول الله

عَبْدِي الْمُخْتَارُ لَا فَظٌّ وَلَا غَلِيظٌ وَلَا صَخَّابٌ فِي الْأَسْوَاقِ

بنده برگزیده من است نه سخت خو است و نه درشت سخن و نه آواز بلند کننده در بازار

وَلَا يَجْزِي بِالسَّيِّئَةِ السَّيِّئَةَ وَلٰكِنْ يَعْفُو وَيَغْفِرُ مَوْلِدُهُ

و پاداش نمیدهد بدی را به بدی و لیکن محو میکند و می بخشد ولادت او

بِمَكَّةَ وَهِجْرَتُهُ بِطَيْبَةَ وَمُلْكُهُ بِالشَّامِ وَأُمَّتُهُ الْحَمَّادُونَ

در مکه است و هجرت او بمدینه و بادشاهی او در شام و امت وے بسیار حمد گویان اند

يَحْمَدُونَ اللّٰهَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ يَحْمَدُونَ اللّٰهَ فِي كُلِّ

که حمد میگویند مر خدارا در شادی و غمے حمد میگویند مر خدارا در هر

مَنْزِلَةٍ وَيُكَبِّرُونَهُ عَلٰى كُلِّ شَرَفٍ رُعَاةٌ لِلشَّمْسِ يُصَلُّونَ

منزل و تکبیر میگویند خدارا در هر جاے بلند رعایت کنندگان آفتاب را میگذارند

الصَّلٰوةَ إِذَا جَاءَ وَقْتُهَا يَتَأَزَّرُونَ عَلٰى أَنْصَافِهِمْ

نماز چون آید وقت نماز ازار می بندند بر میانهاے خود

وَيَتَوَضَّئُونَ عَلٰى أَطْرَافِهِمْ مُنَادِيهِمْ يُنَادِي فِي جَوِّ

و وضو میکنند بر اطراف خود آواز کننده ایشان آواز میکند در میان

السَّمَاءِ صَفُّهُمْ فِي الْقِتَالِ وَصَفُّهُمْ فِي الصَّلٰوةِ سَوَاءٌ لَهُمْ

آسمان و صف بستن ایشان در کارزار و صف بستن ایشان در نماز برابر است مر ایشان را

بِاللَّيْلِ دَوِيٌّ كَدَوِيِّ النَّحْلِ هٰذِهٖ لَفْظُ الْمَصَابِيحِ

در شب آواز پست مانند آواز مگس شهد این لفظ مصابیح است

وَرَوَى الدَّارِمِيُّ مَعَ تَغَيُّرٍ يَسِيرٍ عَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ سَلَامٍ

و روایت کرد دارمے باندکے تغیر از عبد الله بن سلام

قَالَ مَكْتُوبٌ فِي التَّوْرٰىةِ صِفَةُ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

گفت نوشته است در توریت صفت محمد صلے الله علیه و سلم

وَعِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ يُدْفَنُ مَعَهُ قَالَ أَبُو مَوْدُودٍ وَقَدْ بَقِيَ

واینکه عیسی بن مریم دفن خواهد شد با آنحضرت گفت ابو مودود بتحقیق باقیمانده است

فِي الْبَيْتِ مَوْضِعُ قَبْرٍ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ

در خانه آنحضرت جاے یک قبر رواه ترمذے وروایت است از ابن عباس

قَالَ جَلَسَ نَاسٌ مِنْ أَصْحَابِ رَسُولِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

گفت نشسته بودند مردمان از یاران رسول خدا صلی اللہ علیہ وسلم

فَخَرَجَ حَتَّى إِذَا دَنَا مِنْهُمْ سَمِعَهُمْ يَتَذَاكَرُونَ قَالَ بَعْضُهُمْ

پس بیرون آمد آنحضرت تا آنکه چون نزدیک شد آنحضرت ایشانرا شنید اصحاب را که تذکره میکردند گفت بعض ایشان

إِنَّ اللّٰهَ اتَّخَذَ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا وَقَالَ آخَرُ مُوسَى

بتحقیق که خداتعالے گرفت ابراهیم را دوست و گفت دیگر که موسی

كَلَّمَهُ تَكْلِيمًا وَقَالَ آخَرُ عِيسَى كَلِمَةُ اللّٰهِ وَرُوحُهُ

سخن کرد خدا او را سخن کردنی و گفت دیگر که عیسے کلمه خدا و روح خداست

وَقَالَ آخَرُ آدَمُ اصْطَفَاهُ اللّٰهُ فَخَرَجَ عَلَيْهِمْ رَسُولُ

و گفت دیگر که آدم برگزیده ویرا خدا پس ناگاه بیرون آمد برایشان پیغمبر

اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَقَالَ قَدْ سَمِعْتُ كَلَامَكُمْ

خدا صلی اللہ علیہ وسلم و فرمود تحقیق شنیدم من سخن شمارا

وَعَجَبَكُمْ أَنَّ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلُ اللّٰهِ وَهُوَ كَذٰلِكَ وَمُوسَى

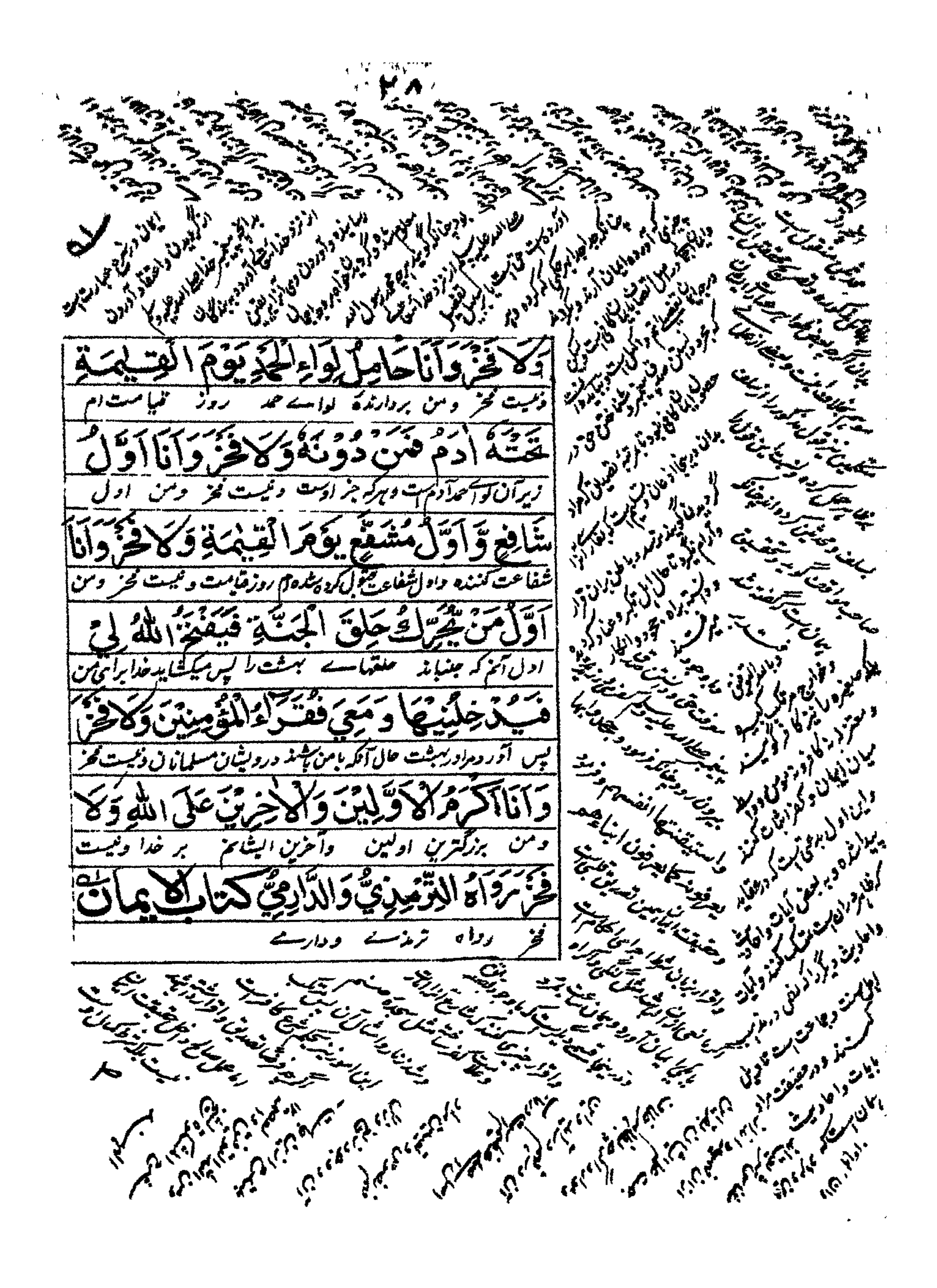
و تعجب آوردن شمارا که ابراهیم دوست خداست و وی همچنین است و موسے

نَجِيُّ اللّٰهِ وَهُوَ كَذٰلِكَ وَعِيسَى رُوحُهُ وَكَلِمَتُهُ وَهُوَ

همراز خداست و وی همچنین است و عیسے روح خدا و کلمه خداست و وی

كَذٰلِكَ وَآدَمُ اصْطَفَاهُ اللّٰهُ وَهُوَ كَذٰلِكَ أَلَا وَأَنَا حَبِيبُ اللّٰهِ

همچنین است و آدم برگزیده خداست و وی همچنین است آگاه باشید من دوست خدا ام



وَلَا فَخْرَ وَأَنَا حَامِلُ لِوَاءِ الْحَمْدِ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ

ونیست فخر ومن بردارندهٔ لواے حمد روز قیامت ام

تَحْتَهٗ آدَمُ فَمَنْ دُوْنَهٗ وَلَا فَخْرَ وَأَنَا أَوَّلُ

زیر آن لوا حمد آدم است وهرکه جز اوست ونیست فخر ومن اول

شَافِعٍ وَّأَوَّلُ مُشَفَّعٍ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ وَلَا فَخْرَ وَأَنَا

شفاعت کننده واول شفاعت قبول کرده شده ام روز قیامت ونیست فخر ومن

أَوَّلُ مَنْ يُّحَرِّكُ حِلَقَ الْجَنَّةِ فَيَفْتَحُ اللّٰهُ لِيْ

اول آنم که جنبانند حلقهاے بهشت را پس میکشاید خدا براے من

فَيُدْخِلُنِيْهَا وَمَعِيَ فُقَرَاءُ الْمُؤْمِنِيْنَ وَلَا فَخْرَ

پس آورد مرا در بهشت حال آنکه با من باشند درویشان مسلمانان ونیست فخر

وَأَنَا أَكْرَمُ الْأَوَّلِيْنَ وَالْآخِرِيْنَ عَلَى اللّٰهِ وَلَا

ومن بزرگترین اولین وآخرین ایشانم بر خدا ونیست

فَخْرَ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَالدَّارِمِيُّ كِتَابُ الْإِيْمَانِ

فخر روایه ترمذے ودارمے

هُوَ اللّٰهُ الَّذِي لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ

اوست خدا آنکه نیست هیچ معبود مگر او داننده نهان و آشکارا

هُوَ الرَّحْمٰنُ الرَّحِيمُ هُوَ اللّٰهُ الَّذِي لَا إِلٰهَ إِلَّا

اوست بخشاینده مهربان اوست خدا آنکه نیست هیچ معبود مگر

هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ

او بادشاه نهایت پاک سلامت از همه عیبها امن دهنده

الْمُهَيْمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ

نگاهبان غالب خود اختیار بزرگوار پاکی

اللّٰهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ هُوَ اللّٰهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ

خدا راهست از شریک مقرر کردن ایشان اوست خدا آفریدگار نو پیدا آرنده

الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ يُسَبِّحُ لَهُ مَا

صورت سازنده او راست نامهای نیک پاکی یاد میکند او را هرچه

فِي السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

در آسمانها و زمین است و اوست غالب با حکمت



هُوَ الَّذِي خَلَقَكُم مِّن طِينٍ ثُمَّ قَضَىٰ أَجَلًا

اوست آنکه آفرید شمارا از گل باز مقرر کرد وقت مرگ

وَأَجَلٌ مُّسَمًّى عِندَهُ ثُمَّ أَنتُمْ تَمْتَرُونَ وَهُوَ

و مدتے معین است نزدیک او باز شما شک میکنید و اوست

الَّذِي أَنشَأَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ

آنکه بیافرید برای شما شنوائی و دیده ها و دلها

قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ وَهُوَ الَّذِي ذَرَأَكُمْ

اندکے شکرگزاری میکنید و اوست آنکه پیدا کرد شمارا

فِي الْأَرْضِ وَإِلَيْهِ تُحْشَرُونَ وَهُوَ الَّذِي

در زمین و بسوے او برانگیخته خواهید شد و اوست آنکه

يُحْيِي وَيُمِيتُ وَلَهُ اخْتِلَافُ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ

زنده میکند و می میراند و او راست آمد و شد شب و روز

أَفَلَا تَعْقِلُونَ قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَىٰ يَا أَيُّهَا النَّاسُ

آیا نمی فهمید فرمود حق تعالے ای مردمان



إِن كُنتُمْ فِي رَيْبٍ مِّنَ الْبَعْثِ فَإِنَّا

اگر در شک اید از رستخیز پس هر آئینه ما

خَلَقْنَاكُم مِّن تُرَابٍ ثُمَّ مِن نُّطْفَةٍ ثُمَّ

آفریدیم شما را از خاک باز از نطفه باز

مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ مِن مُّضْغَةٍ مُّخَلَّقَةٍ

از خون بسته باز از گوشت پاره صورت داده

وَغَيْرِ مُخَلَّقَةٍ لِّنُبَيِّنَ لَكُمْ وَنُقِرُّ

و غیر صورت داده تا واضح سازیم برای شما و قرار میدهیم

فِي الْأَرْحَامِ مَا نَشَاءُ إِلَىٰ أَجَلٍ

در رحم ها چیزی را که خواهیم تا میعادی

مُّسَمًّى ثُمَّ نُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ

معین باز بیرون می آریم شما را کودک باز

لِتَبْلُغُوا أَشُدَّكُمْ وَمِنكُم مَّن يُتَوَفَّىٰ

تربیت میکنیم تا برسید بنهایت جوانی خود و از شما کسی بود که قبض روح کرده شود

وَمِنْكُمْ مَنْ يُرَدُّ إِلَىٰ أَرْذَلِ الْعُمُرِ لِكَيْلَا

و از شما کسی بود که باز گردانیده شود طرف بدترین عمر تا نه

يَعْلَمَ مِنْ بَعْدِ عِلْمٍ شَيْئًا قُلْ آمَنَّا بِاللَّهِ

داند چیزی را بعد از آنکه بدانسته بود بگو که ایمان آوردیم بخدا

وَمَا أُنْزِلَ عَلَيْنَا وَمَا أُنْزِلَ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ

وآنچه فرود آورده شده است بر ما و آنچه فرود آورده شده است بر ابراهیم

وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ

و اسمعیل و اسحاق و یعقوب و نبیرگان وی

وَمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ وَعِيسَىٰ وَالنَّبِيُّونَ

وآنچه داده شد موسی و عیسی و پیغمبران را

مِنْ رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ

از پروردگار ایشان فرق نمی کنیم میان هیچ یکی از ایشان

وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ

و ما خدا را منقادیم سوال میکنند ترا از قیامت

أَيَّانَ مُرْسٰهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ رَبِّيْ

کی باشد استقرار او بگو جز این نیست که علم قیامت نزدیک پروردگار منست

لَا يُجَلِّيْهَا لِوَقْتِهَا إِلَّا هُوَ ثَقُلَتْ فِي السَّمٰوٰتِ

ظاهر نگرداند آنرا در وقت او مگر او گران شده است در آسمانها

وَالْأَرْضِ لَا تَأْتِيْكُمْ إِلَّا بَغْتَةً إِنَّمَا

و زمین نیاید بشما مگر ناگهان جز این نیست

الْمُؤْمِنُوْنَ الَّذِيْنَ إِذَا ذُكِرَ اللّٰهُ

که مومنان آنانند که چون یاد کرده شود خدای

وَجِلَتْ قُلُوْبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ

بترسد دل ایشان و چون خوانده شود بر ایشان

اٰيٰتُهٗ زَادَتْهُمْ إِيْمَانًا وَّعَلٰى رَبِّهِمْ

آیات خدا زیاده سازد آن آیات ایمان ایشانرا و بر پروردگار خویش

يَتَوَكَّلُوْنَ ۝ الَّذِيْنَ يُقِيْمُوْنَ الصَّلٰوةَ وَمِمَّا

توکل میکنند آنانکه برپا میدارند نماز را و از آنچه

رَزَقْنٰهُمْ يُنْفِقُوْنَ ۝ أُولٰٓئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُوْنَ حَقًّا

روزی داده ایم ایشانرا خرج میکنند این جماعت ایشانند مومنان بتحقیق

لَهُمْ دَرَجٰتٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَمَغْفِرَةٌ وَّرِزْقٌ كَرِيْمٌ

ایشانراست مرتبها نزدیک پروردگار ایشان و آمرزش و روزی نیک



وعن عمر بن الخطاب رض قال بينما نحن

روایت ست از عمر بن خطاب رض گفت در اثنای آنکه ما نزد

عند رسول الله صلى الله عليه وسلم ذات

پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم بودیم

يوم إذ طلع علينا رجل شديد بياض الثياب

روزی ناگاه پیدا گشت بر ما مردی سخت سفید جامها سخت

شديد سواد الشعر لا يرى عليه أثر السفر ولا يعرفه

سخت سیاه موی دیده نمی شد بروی نشان سفر حال آنکه نمی شناخت او را

منا أحد حتى جلس إلى النبي صلى الله عليه

از ما هیچ یکی تا آنکه نشست بسوی آنحضرت صلی الله علیه

وسلم فأسند ركبتيه إلى ركبتيه ووضع كفيه

وسلم پس تکیه داد هر دو زانوی خود را بهر دو زانوی آنحضرت و نهاد آن مرد هر دو کف دست خود را

على فخذيه وقال يا محمد أخبرني عن الإسلام

بر هر دو ران آنحضرت و گفت ای محمد خبر ده مرا از حقیقت اسلام

قَالَ الْإِسْلَامُ أَنْ تَشْهَدَ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَأَنَّ

فرمود آنحضرت اسلام آنست که گواهی دهی تو که نیست هیچ معبود بحق مگر خدا و بتحقیق

مُحَمَّدًا رَّسُوْلُ اللّٰهِ وَتُقِيْمَ الصَّلٰوةَ وَتُؤْتِيَ

محمد فرستادهٔ خداست و برپا داری نماز را و بدهی

الزَّكٰوةَ وَتَصُوْمَ رَمَضَانَ وَتَحُجَّ الْبَيْتَ إِنِ

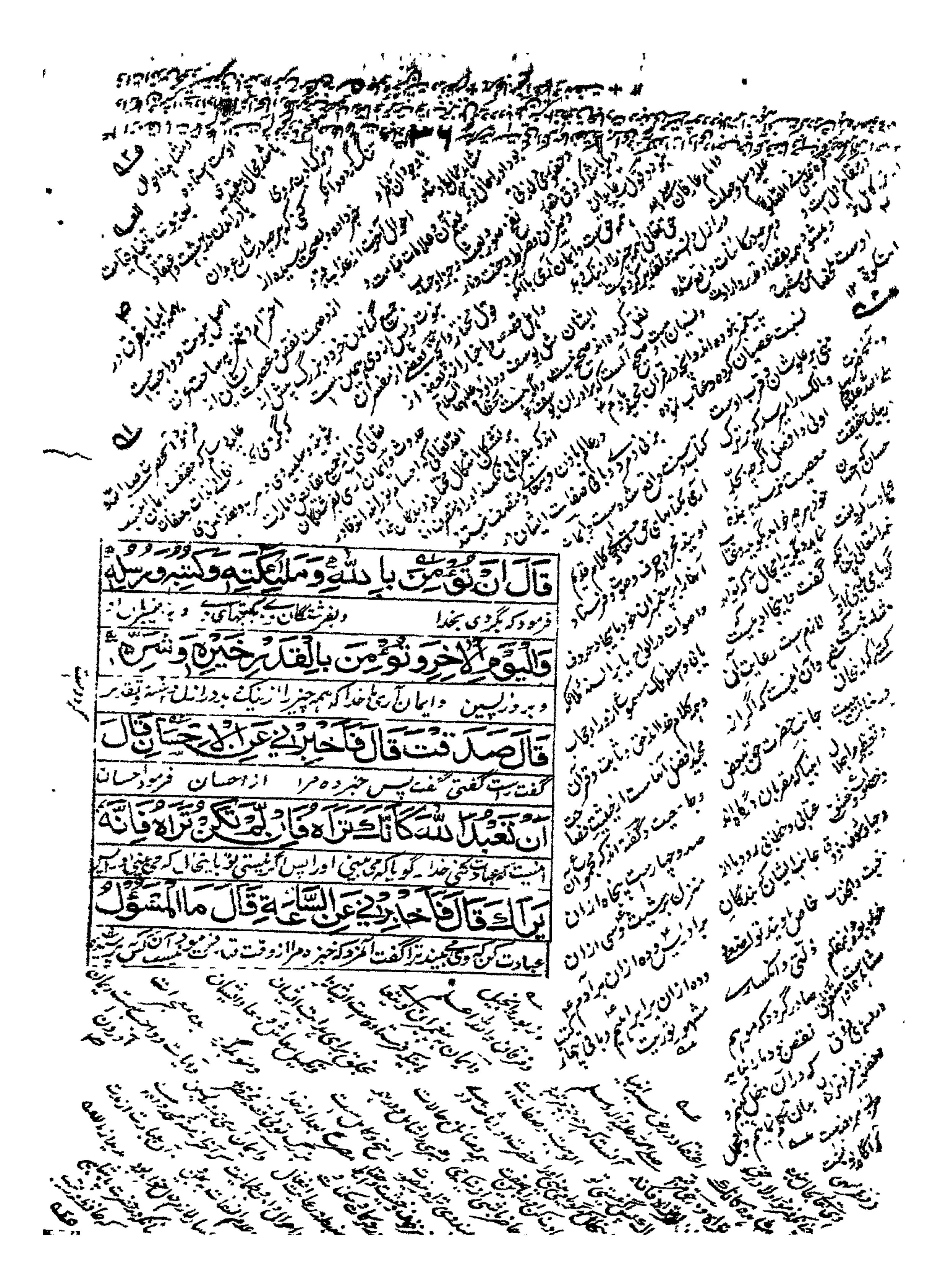
زکوة را و روزه داری بجای رمضان و بگذاری مناسک حج را اگر

اسْتَطَعْتَ إِلَيْهِ سَبِيْلًا قَالَ صَدَقْتَ فَعَجِبْنَا

میتوانی بسوی وی راه گفت آن مرد راست گفتی پس شگفت داشتیم ما

لَهٗ يَسْأَلُهٗ وَيُصَدِّقُهٗ قَالَ فَأَخْبِرْنِيْ عَنِ الْإِيْمَانِ

حال آن مرد را که می پرسد آنحضرت را و تصدیق میکند او را گفت آن مرد پس خبر ده مرا از ایمان



قال ان تؤمن بالله وملائكته وكتبه ورسله

فرمود که بگروی بخدا و بفرشتگان وی بکتابهای وی و به پیغمبران وی

واليوم الآخر وتؤمن بالقدر خيره وشره

و بروز پسین و ایمان آری بتقدیر خدا که همه چیز را …

قال صدقت قال فاخبرني عن الاحسان قال

گفت راست گفتی گفت پس خبر ده مرا از احسان فرمود احسان

ان تعبد الله كأنك تراه فان لم تكن تراه فانه

آنست که عبادت کنی خدا گویا که می بینی او را پس اگر نیستی تو …

يراك قال فاخبرني عن الساعة قال ما المسؤول

عبادت کن که وی می بیند ترا گفت آگاه کن مرا از وقت قیامت …

عنها با علم من السائل قال فاخبرني

از قیامت دانا تر از کسے که پرسنده است گفت پس خبر ده مرا

عن اماراتها قال ان تلد الامة ربتها

از علامتهای قیامت فرمود اینکه بزاید کنیزک مربی خود را

وان ترى الحفاة العراة العالة رعاء

و به بینی برهنه پایان برهنه تنان فقرا چرانندگان

الشاء يتطاولون في البنيان قال ثم

گوسفندان را زیادتی کنندگان بر یکدیگر در بناها گفت عمر رض پس

انطلق فلبثت مليا ثم قال لي يا عمر

روان شد پس درنگ کردم زمانی دراز باز فرمود آنحضرت مرا ای عمر رض

اتدري من السائل قلت الله ورسوله

آیا در می یابی که بود سائل گفتم خدا و رسول خدا

اعلم قال فانه جبرئيل اتاكم يعلمكم

دانا تر است فرمود پس این سائل جبرئیل بود آمد شمارا در حالیکه تعلیم میکند

دينكم رواه مسلم ورواه ابو هريرة مع

بشما دین شمارا روایت کرد آنرا مسلم و روایت کرد این حدیث را ابو هریره

اختلاف وفيه اذا رايت الحفاة العراة

اختلافے که با حدیث عمر دارد و در حدیث ابو هریره است که چون بینی تو برهنه



الصُّمُّ الْبُكْمُ مُلُوكُ الْأَرْضِ فِي خَمْسٍ

کران وگنگان اصحاب ملک وجاه علم قیامت در آن پنج گنجینه است

لَا يَعْلَمُهُنَّ إِلَّا اللهُ ثُمَّ قَرَأَ إِنَّ اللهَ عِنْدَهُ

که نمیدانند آنها را بجز خدا پس خواند آنحضرت بدرستیکه نزد خدا است

عِلْمُ السَّاعَةِ وَيُنَزِّلُ الْغَيْثَ وَيَعْلَمُ مَا فِي

علم قیامت و علم باران و علم آنچه در

الْأَرْحَامِ الْآيَةَ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنِ ابْنِ عُمَرَ

شکم زن حامله است تا آخر آیت متفق علیه است وروایت است ابن عمر

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ شَهَادَةِ أَنْ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ

بنا کرده شده است خانه مسلمانی بر پنج چیز اول گواهی دادن بجز خدا

وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَإِقَامِ الصَّلٰوةِ

وبنا بری محمد صلی الله علیه وسلم دوم برپا کردن نماز

٣٨

٣٩

وَإِيتَاءِ الزَّكٰوةِ وَالْحَجِّ وَصَوْمِ رَمَضَانَ

و سوم دادن زکوٰة چهارم حج و پنجم روزه ماه رمضان

مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ

متفق علیه ست و روایت ست از ابی هریره رض گفت

قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه و سلم

اَلْإِيمَانُ بِضْعٌ وَسَبْعُونَ شُعْبَةً فَأَفْضَلُهَا

ایمان هفتاد و چند شاخ است پس فاضلترین شعبها ایمان

قَوْلُ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَأَدْنَاهَا إِمَاطَةُ الْأَذَى

گفتن لا اله الا الله کلمه طیبه و فروترین شعبها دور کردن انچه ایذا کند مردم را

عَنِ الطَّرِيقِ وَالْحَيَاءُ شُعْبَةٌ مِنَ الْإِيمَانِ

از راه و شرم داشتن شعبه عظیم است از ایمان

مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ

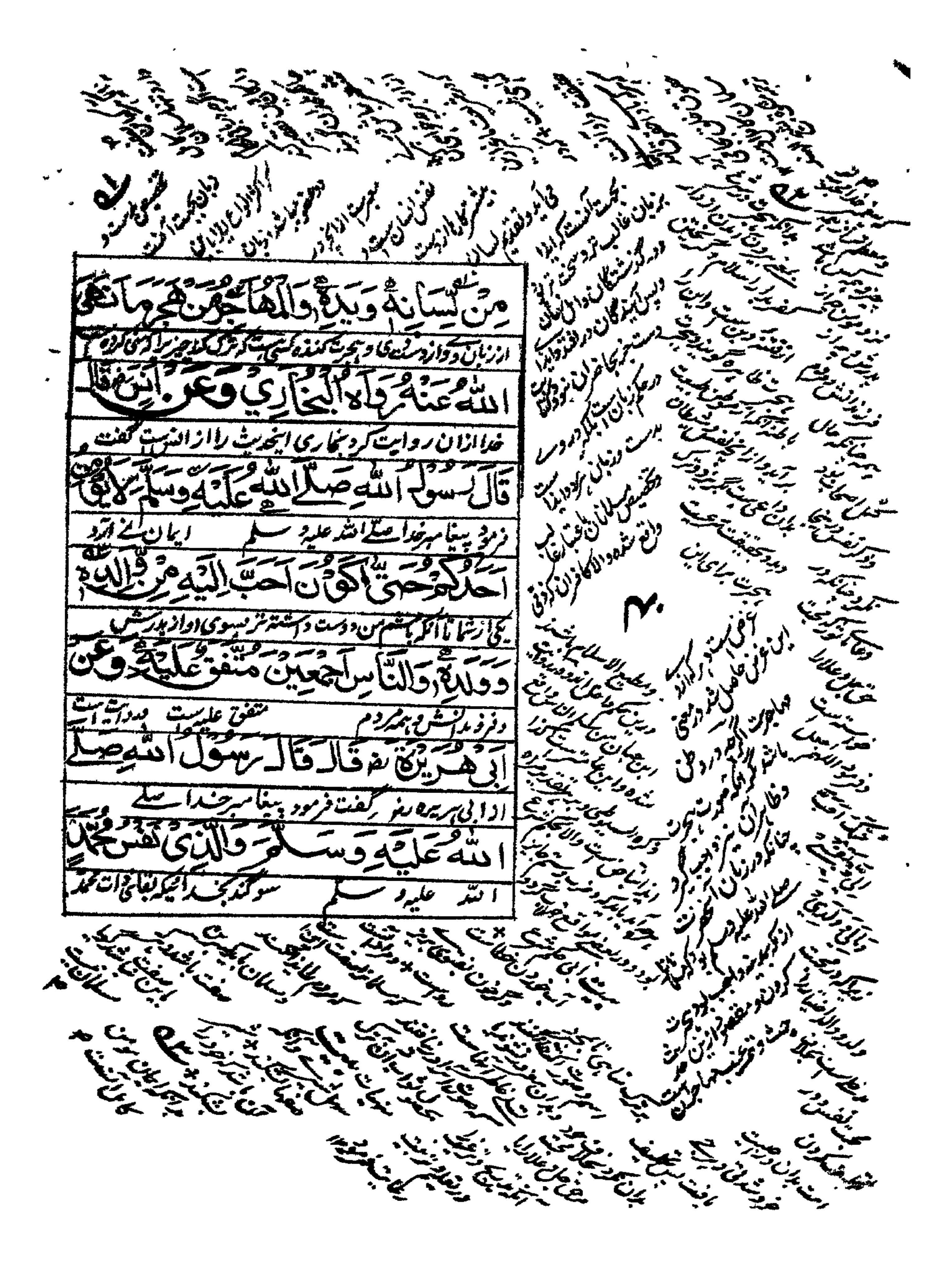
متفق علیه ست و روایت ست از عبد الله بن

عَمْرٍو رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

عمرو رض که گفت فرمود رسول الله صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الْمُسْلِمُ مَنْ سَلِمَ الْمُسْلِمُونَ

علیه و سلم مسلمان کامل کسے هست که سلامت مانند مسلمانان



مِنْ لِسَانِهِ وَيَدِهِ وَالْمُهَاجِرُ مَنْ هَجَرَ مَا نَهَى

از زبان وی و از دست وی و هجرت کننده کسی است که ترک کند چیزی را که منع کرده

اللهُ عَنْهُ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَعَنْ أَنَسٍ رض قَالَ

خدا از آن روایت کرد بخاری این حدیث را از انس رض گفت

قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا يُؤْمِنُ

فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم ایمان نمی آرد

أَحَدُكُمْ حَتَّى أَكُونَ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ وَالِدِهِ

یکی از شما تا آنکه باشم من دوست داشته تر بسوی او از پدرش

وَوَلَدِهِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ

و فرزندش و همه مردم متفق علیه است و روایت است

أَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى

از ابی هریره رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی

اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَالَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ

الله علیه وسلم سوگند بخدا ای که بقای ذات محمد

٤٠

بِيَدِهِ لَا يَسْمَعُ بِي أَحَدٌ مِنْ هٰذِهِ الْأُمَّةِ يَهُودِيٌّ وَلَا نَصْرَانِيٌّ

در دست اوست نشنود مرا هیچ کسی ازین امت یهودی باشد یا نصرانی

ثُمَّ يَمُوتُ وَلَمْ يُؤْمِنْ بِالَّذِي أُرْسِلْتُ بِهِ إِلَّا كَانَ مِنْ

پس بمیرد و حال آنکه ایمان نیاورده بدین و شریعتیکه فرستاده شده ام من بآن مگر آنکه باشد

أَصْحَابِ النَّارِ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضه قَالَ قَالَ

از اهل دوزخیان روایت کرد مسلم و روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود

رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ اللهُ تَعَالَى يُؤْذِينِي

پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم گفت خدای تعالی میرنجاند مرا

ابْنُ آدَمَ يَسُبُّ الدَّهْرَ وَأَنَا الدَّهْرُ بِيَدِي الْأَمْرُ أُقَلِّبُ

فرزند آدم دشنام میدهد ابن آدم روزگار را و حال آنکه منم در دست منست کار که میگردانم

اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ أَبِي مُوسَى الْأَشْعَرِيِّ

شب و روز را متفق علیه است روایت است از ابو موسی اشعری رضی الله عنه

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا أَحَدٌ أَصْبَرُ عَلَى

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم نیست هیچ کس صابر تر از خدا بر

أَذًى يَسْمَعُهُ مِنَ اللهِ يَدْعُونَ لَهُ الْوَلَدَ ثُمَّ يُعَافِيهِمْ وَيَرْزُقُهُمْ

مرنجی که میشنود آنرا میخوانند برای وی فرزند پستر تندرست میدارد و روزی میرساند ایشانرا

مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ أَبِي ذَرٍّ قَالَ أَتَيْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ

متفق علیه روایت است از ابی ذر رض گفت آمدم پیغمبر را صلی الله علیه

وَسَلَّمَ وَعَلَيْهِ ثَوْبٌ أَبْيَضُ وَهُوَ نَائِمٌ ثُمَّ أَتَيْتُهُ وَقَدْ

وسلم و حال آنکه بود برآنحضرت جامه سفید و آنحضرت در خواب بود پستر آمدم و حال آنکه بتحقیق

اسْتَيْقَظَ فَقَالَ مَا مِنْ عَبْدٍ قَالَ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ ثُمَّ مَاتَ

بیدار شده بود پس گفت نیست هیچ بنده که گفت لا اله الا الله پستر مرد



على ذلك إلا دخل الجنة قلت وإن زنى

پیا نجه گمیانکه در وی آید آن بنده بهشت را گفتم اگرچه زنا کرده باشد

وإن سرق قال وإن زنى وإن سرق

و دزدی کرده باشد گفت اگرچه زنا کرده باشد و اگرچه دزدی کرده باشد

قلت وإن زنى وإن سرق قال وإن زنى

گفتم اگرچه زنا کرده باشد و اگرچه دزدی کرده باشد گفت اگرچه زنا کرده باشد

وإن سرق قلت وإن زنى وإن سرق

و اگرچه دزدی کرده باشد گفتم من اگرچه زنا کرده باشد و اگرچه دزدی کرده باشد

قال وإن زنى وإن سرق على رغم أنف

گفت اگرچه زنا کرده باشد و اگرچه دزدی کرده باشد ذلیل شود و بر خاک آلوده گردد بینی

أبي ذر وكان أبو ذر إذا حدث بهذا

ابی ذر و بود ابو ذر در وقتی که بیان میکرد این حدیث را

قال وإن رغم أنف أبي ذر متفق عليه

میگفت اگرچه خاک آلوده شود بینی ابو ذر متفق علیه است

وعن ابی امامة رض قال قال رسول الله صلی الله

در روایت است از ابی امامه رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله

علیه وسلم من احب لله وابغض لله واعطی

علیه وسلم کسیکه دوست دارد کسی را برای خدا و کسیکه دشمن دارد و بدهد برای خدا

لله ومنع لله فقد استکمل الایمان رواه

برای خدا و ندهد برای خدا پس بتحقیق کامل گرداند ایمان خود را روای

ابوداود وعن ابی ذر رض قال قال

ابوداود و در روایت است از ابی ذر رض گفت فرمود

رسول الله صلی الله علیه وسلم افضل

پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم فاضل ترین

الاعمال الحب فی الله والبغض فی الله رواه

عملها دوست داشتن است کسی را از جهة خدا و دشمن داشتن از جهة خدا روایت کرده

ابوداود وعن جابر رض قال قال

ابوداود و در روایت است از جابر رض گفت فرمود

رسول الله صلی الله علیه وسلم ثنتان

پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم دو خصلت

موجبتان قال رجل یا رسول الله ما الموجبتان

واجب گرداننده اند گفت مردی ای پیغمبر خدا چیست معنی موجبتان



قَالَ مَنْ مَاتَ يُشْرِكُ بِاللّٰهِ شَيْئًا دَخَلَ النَّارَ

فرمود کسیکه بمرد درحالیکه شریک میگرداند با خدا چیزی را می درآید بآتش دوزخ

وَمَنْ مَاتَ لَا يُشْرِكُ بِاللّٰهِ شَيْئًا دَخَلَ الْجَنَّةَ

وکسیکه بمیرد درحالیکه شریک نگرداند بخدا چیزی را میدرآید به بهشت

رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ مُعَاذِ بْنِ جَبَلٍ

روایت کرده مسلم و روایت است از معاذ ابن جبل

قَالَ قَالَ لِي رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

گفت فرمود مرا پیغمبر خدا صلی الله علیه

وَسَلَّمَ مَفَاتِيحُ الْجَنَّةِ شَهَادَةُ أَنْ لَا إِلٰهَ

وسلم کلیدهای بهشت گواهی دادن است باین کلمه که لا اله

إِلَّا اللّٰهُ رَوَاهُ أَحْمَدُ وَعَنْ وَهْبِ بْنِ

الا الله است روایت کرده احمد روایت است از وهب ابن

مُنَبِّهٍ رضـ قِيلَ لَهُ أَلَيْسَ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ مِفْتَاحُ

منبه رضـ گفته شد او را آیا نیست لا اله الا الله کلید

الجنة قال بلى ولكن ليس مفتاح الا وله اسنان

بهشت گفت آری ولیکن نیست کلیدے مگر آنکه مر اورا دندانهاست

فان جئت بمفتاح له اسنان فتح لك والا لم يفتح لك

پس اگر آری تو کلیدی که مر اورا دندانهاست کشاده میشود برای تو ورنه گشاده نشود برای تو

رواه البخاري في ترجمة باب وعن ابي هريرة رض

روایت کرد اورا بخاری در ترجمه باب روایت است از ابی هریره رض

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم اذا احسن

گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم چون نیک گرداند

احدكم اسلامه فكل حسنة يعملها تكتب بعشر

یکی از شما اسلام خود را پس هر کار نیک که میکند او را نوشته می شود

امثالها الى سبع مائة ضعف وكل سيئة يعملها

برابر وه چند تا هفت صد زیادتی و هر بدی که می کند

تكتب بمثلها حتى يلقى الله متفق عليه وعن

نوشته می شود بمثل یکے تا وقت مرگ و لقاے خدا متفق علیه روایت است از

ابي امامة رض ان رجلا سأل رسول الله صلى الله

ابی امامه رض بدرستیکه مردی پرسید پیغامبر خدا را صلی الله

عليه وسلم ما الايمان قال اذا سرتك

علیه وسلم چیست نشان ایمان فرمود چون شاد گرداند ترا

حسنتك وساءتك سيئتك فانت مؤمن

عمل نیک تو و اندوهگین گرداند ترا بدی تو پس تو مؤمنی

قال يا رسول الله فما الاثم قال

گفت ای پیغامبر خدا پس چیست گناه



اِذَا حَاكَ فِي صَدْرِكَ فَدَعْهُ رَوَاهُ اَحْمَدُ

چون بخارد در سینهٔ تو چیزے پس بگذار آنکار را روایت کرد آنرا احمد

وَعَنْ عَبَّاسِ بْنِ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ قَالَ قَالَ

و روایت است از عباس ابن عبد المطلب رض گفت فرمود

رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ذَاقَ طَعْمَ

پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم چشید ذوق

الْاِيْمَانِ مَنْ رَضِيَ بِاللّٰهِ رَبًّا وَبِالْاِسْلَامِ دِيْنًا

ایمان آنکس که راضی باشد بخدا از روی پروردگار و باسلام از روی دین

وَبِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رَسُوْلًا

و با محمد صلی الله علیه وسلم از روی نبی

رَوَاهُ مُسْلِمٌ بَابُ الْكَبَائِرِ وَعَلَامَاتِ النِّفَاقِ

روایه مسلم این باب در بیان گناهان کبیره و نشانهای نفاق است

يَا اَيُّهَا النَّبِيُّ اِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يُبَايِعْنَكَ

ای پیغامبر چون بیایند نزدیک تو زنان با ایمان که بیعت کنند با تو



عَلٰى اَنْ لَّا يُشْرِكْنَ بِاللّٰهِ شَيْئًا وَّلَا يَسْرِقْنَ وَلَا يَزْنِيْنَ

باین شرط که نکنند شریک با خدا چیزی را و نکنند دزدی و نکنند زنا

وَلَا يَقْتُلْنَ اَوْلَادَهُنَّ وَلَا يَاْتِيْنَ بِبُهْتَانٍ

و نکشند اولاد خود را و پیش نیارند سخن دروغ

يَّفْتَرِيْنَهٗ بَيْنَ اَيْدِيْهِنَّ وَاَرْجُلِهِنَّ وَلَا يَعْصِيْنَكَ

که بربسته باشند آنرا در میان دستهای خویش و پاهای خویش و نافرمانی نکنند ترا

فِيْ مَعْرُوْفٍ فَبَايِعْهُنَّ وَاسْتَغْفِرْ لَهُنَّ اللّٰهَ

در کار نیک پس بیعت قبول کن از ایشان و طلب آمرزش کن برای ایشان

اِنَّ اللّٰهَ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ ۝ اِنَّ اللّٰهَ لَا يَغْفِرُ اَنْ

هر آئینه خدا آمرزگار مهربان است هر آئینه خدا نمی آمرزد آنرا

يُّشْرَكَ بِهٖ وَيَغْفِرُ مَا دُوْنَ ذٰلِكَ لِمَنْ يَّشَآءُ

که شریک آرد بخدای و می آمرزد غیر شریک را هر که را خواهد

وَمَنْ يُّشْرِكْ بِاللّٰهِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلٰلًا بَعِيْدًا

و هر که شریک مقرر کند با خدا هر آئینه گمراه شد از حق گمراهی دور یعنی در نهایت ضلالت

عَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ

روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود پیغمبر خدا

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِجْتَنِبُوا السَّبْعَ الْمُوْبِقَاتِ

صلی الله علیه وسلم پرهیز کنید از هفت خصلت که هلاک کننده گان اند



قالوا یا رسول الله وما هن قال الشرک

گفتند صحابه ای پیغمبر خدا چه چیز اند آن هفت فرمود شرک آوردن

بالله والسحر وقتل النفس التی حرم

با خدا و جادو کردن و کشتن ذاتیکه حرام کرده است

الله الا بالحق واکل الربوا واکل مال الیتیم

خدا مگر بحق و خوردن ربا و خوردن مال یتیم را

والتولی یوم الزحف وقذف المحصنات

و پشت دادن روز جنگ و دشنام دادن بزنان پارسا

الغافلات المؤمنات متفق علیه وعنه

مسلمان غافل از بد کرداری مسلمانان متفق علیه است و مرویست

قال قال رسول الله صلی الله علیه وسلم

که گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

لا یزنی الزانی حین یزنی وهو مؤمن

زنا نمیکند زنا کننده در هنگامی که زنا میکند و حال آنکه وی مومن است

٤٨

وَلَا يَسْرِقُ السَّارِقُ حِينَ يَسْرِقُ وَهُوَ مُؤْمِنٌ وَلَا يَشْرَبُ الْخَمْرَ

و دزدی نمیکند دزدی کننده هنگامی که دزدی میکند و حال آنکه مومن است و نمینوشد شراب آلکسی

حِينَ يَشْرَبُهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ وَلَا يَنْتَهِبُ نُهْبَةً يَرْفَعُ النَّاسُ

هنگامی که مینوشد و حال آنکه وی مومن است و غارت نمیکند که غارت کردنی که بر میدارند مردم

إِلَيْهِ فِيهَا أَبْصَارَهُمْ حِينَ يَنْتَهِبُهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ وَلَا يَغُلُّ

بسوی آن غارت کننده در آن غارت کردن چشمهای خود را وقتیکه غارت میکند و حال آنکه وی مومن است و خیانت

أَحَدُكُمْ حِينَ يَغُلُّ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَإِيَّاكُمْ إِيَّاكُمْ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ

یکی از شما از غنیمت هنگامیکه خیانت میکند و حال آنکه وی مومن است پس دور دارید خود را ازین گناه متفق علیه

وَفِي رِوَايَةِ ابْنِ عَبَّاسٍ وَلَا يَقْتُلُ حِينَ يَقْتُلُ وَهُوَ مُؤْمِنٌ

و در روایت ابن عباس است و نمیکشد هیچکس هنگامیکه میکشد و حال آنکه وی مومن است

قَالَ عِكْرِمَةُ قُلْتُ لِابْنِ عَبَّاسٍ كَيْفَ يُنْزَعُ الْإِيمَانُ مِنْهُ

گفت عکرمه گفتم من مر ابن عباس را چگونه کشیده میشود ایمان ازین شخص

قَالَ هٰكَذَا وَشَبَّكَ بَيْنَ أَصَابِعِهِ ثُمَّ أَخْرَجَهَا فَإِنْ تَابَ

گفت اینچنین و تشبیک کرد میان انگشتان خود پس برآورد هر دو را از هم

عَادَ إِلَيْهِ هٰكَذَا وَشَبَّكَ بَيْنَ أَصَابِعِهِ وَقَالَ

اگر توبه کرد و برگشت از آن معصیت باز میگردد ایمان بسوی وی و تشبیک کرد میان انگشتان خود و گفته است

أَبُو عَبْدِ اللهِ لَا يَكُونُ هٰذَا مُؤْمِنًا تَامًّا وَلَا يَكُونُ

ابو عبدالله بخاری نمیباشد این شخص مومن کامل و نمیباشد

لَهُ نُورُ الْإِيمَانِ هٰذَا لَفْظُ الْبُخَارِيِّ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ

مر او را نور ایمان این عبارت بخاری است روایت است از ابوهریره

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا زَنَى الْعَبْدُ

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم چون زنا میکند بنده

خرج منه الايمان فكان فوق رأسه كالظلة فاذا

بیرون می آید از وی ایمان پس می باشد بالای سر وی مانند سایبان پس چون

خرج من ذلك العمل رجع اليه الايمان رواه

بیرون میآید شده زان عمل باز میگردد بسوی وی ایمان روایه

الترمذي وابو داود ح وعن ابي هريرة رض

ترمذی و ابو داود ح و روایت است از ابی هریره رض

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

گفت فرمود رسول الله صلی الله علیه وسلم

آية المنافق ثلث زاد مسلم وان صام

نشان منافق سه خصلت زیاده کرده مسلم اگرچه روزه دارد

وصلى وزعم انه مسلم ثم اتفقا اذا

نماز میگذارد و گمان میبرد که من مومن ام پس اتفاق دارند بخاری و مسلم چون

حدث كذب واذا وعد خلف واذا ائتمن

دروغ گوید و چون وعده کند خلاف کند و چون امانت نهاده شود

خان متفق عليه وعن عبد الله بن عمرو رض

خیانت کند متفق علیه و روایت است از عبد الله بن عمرو رض

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم اربع

گفت فرمود پیغمبر صلی الله علیه وسلم چهار خصلت است

مَنْ كُنَّ فِيهِ كَانَ مُنَافِقًا خَالِصًا وَمَنْ كَانَتْ فِيهِ

هرکس که باشد این چهار در وی باشد منافق خالص و هرکه باشد در وی

خَصْلَةٌ مِنْهُنَّ كَانَتْ فِيهِ خَصْلَةٌ مِنَ النِّفَاقِ

یک خصلت ازین چهار باشد در وی یک خصلت از نفاق

حَتَّى يَدَعَهَا إِذَا ائْتُمِنَ خَانَ وَإِذَا حَدَّثَ كَذَبَ

تا آنکه بگذارد آنرا چون امانت داده شود خیانت کند و چون سخن گوید دروغ گوید

وَإِذَا عَاهَدَ غَدَرَ وَإِذَا خَاصَمَ فَجَرَ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ

و چون عهد بندد بشکند و چون پیکار کند سرکشی ورزد متفق علیه

بَابٌ فِي الْوَسْوَسَةِ

وَلَقَدْ خَلَقْنَا

این باب در بیان وسوسه است و هر آینه آفریدیم

الْإِنْسَانَ وَنَعْلَمُ مَا تُوَسْوِسُ بِهِ نَفْسُهُ

آدمی را و میدانیم چیزیکه بخاطر میگذراند نفس او

وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ بِسْمِ اللَّهِ

و نزدیکتریم بآدمی از رگ جان بنام خداوند بخشاینده

الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ مَلِكِ النَّاسِ

نهایت مهربان بگو پناه میگیرم به پروردگار مردمان بادشاه

إِلَهِ النَّاسِ مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ

مردمان معبود مردمان از شر وسوسه اندازنده پس خزنده

٥١



الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ مِنَ الْجِنَّةِ

آنكه وسوسه مى افكند در سينه هاى مردمان از جنس جن يا از جنس

وَالنَّاسِ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ

مردمان روايت است از ابي هريره گفت فرمود پيغمبر خدا

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ اللهَ تَجَاوَزَ عَنْ

صلى الله عليه وسلم بدرستيكه خداى تعالى درگذرانيده است

أُمَّتِي مَا وَسْوَسَتْ بِهِ صُدُورُهَا مَا لَمْ تَعْمَلْ

از امت من چيزيكه وسوسه كرد بدان چيز سينهاى ايشان تا آدم كه عمل نكرده

بِهِ أَوْ تَتَكَلَّمْ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْهُ قَالَ

بدان چيز يا گفته متفق عليه است روايت است از وى گفت

٥٢

جَاءَ نَاسٌ مِّنْ اَصْحَابِ رَسُوْلِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

آمدند جماعت از یاران پیغمبر خدا صلی الله علیه

وَسَلَّمَ اِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَسَاَلُوْهُ

وسلم بسوی پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم پس پرسیدند آنحضرت را

اِنَّا نَجِدُ فِيْ اَنْفُسِنَا مَا يَتَعَاظَمُ اَحَدُنَا اَنْ يَّتَكَلَّمَ

بتحقیق می‌یابیم در ذاتهای خود از وسواس چیزیکه سخت بزرگ میدارد یکی از ما که

بِهٖ قَالَ اَوَقَدْ وَجَدْتُمُوْهُ قَالُوْا نَعَمْ قَالَ ذَاكَ

از گفت آیا بتحقیق یافتید شما آنرا گفتند آری گفت این

صَرِيْحُ الْاِيْمَانِ رَوَاهُ مُسْلِمٌ عَنِ ابْنِ مَسْعُوْدٍ رض

محض ایمان است روایت کرد مسلم و روایت است از ابن مسعود رض

قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

مَا مِنْكُمْ مِّنْ اَحَدٍ اِلَّا وَقَدْ وُكِّلَ بِهٖ قَرِيْنُهٗ

نیست از شما کسی یک مگر آنکه بتحقیق گماشته شده است بروی قرین

مِنَ الْجِنِّ وَقَرِيْنُهٗ مِنَ الْمَلٰٓئِكَةِ قَالُوْا وَاِيَّاكَ

از جنیان و قرین وی از فرشتگان گفتند صحابه و نیز ترا ای

يَا رَسُوْلَ اللّٰهِ قَالَ وَاِيَّايَ وَلٰكِنَّ اللّٰهَ اَعَانَنِيْ

ای پیغمبر خدا فرمود و خود را نیز و اما این حکم میدارم و لیکن خدا یاری داد مرا



عَلَيْهِ فَأَسْلَمَ فَلَا يَأْمُرُنِي إِلَّا بِخَيْرٍ رَوَاهُ مُسْلِمٌ

وَعَنْ أَنَسٍ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى

و روایت است از انس رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی

اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ الشَّيْطَانَ يَجْرِي

الله علیه وسلم بدرستیکه شیطان میرود

مِنَ الْإِنْسَانِ مَجْرَى الدَّمِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ

در آدمی مانند رفتن خون در بدن متفق علیه است

وَعَنْ جَابِرٍ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى

و روایت است از جابر رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی

اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ إِبْلِيسَ يَضَعُ عَرْشَهُ

الله علیه وسلم بدرستیکه ابلیس می نهد تخت خود را

عَلَى الْمَاءِ ثُمَّ يَبْعَثُ سَرَايَاهُ يَفْتِنُونَ النَّاسَ

بر آب پس میفرستد لشکرهای خود را که در فتنه می اندازند مردم را

فَأَدْنَاهُمْ مِنْهُ مَنْزِلَةً أَعْظَمُهُمْ فِتْنَةً يَجِيءُ

پس نزدیکترین ایشان از روی مرتبه بزرگترین ایشانست از روی فتنه می آید

أَحَدُهُمْ فَيَقُولُ فَعَلْتُ كَذَا وَكَذَا فَيَقُولُ

یکی از ایشان پس میگوید کردم چنین و چنین پس میگوید ابلیس

ما صنعت شيئا قال ثم يجيء أحدهم فيقول

نكردي چيزي را گفت جابر پس مي آيد يكي از لشكريان او پس بگويد

ما تركته حتى فرقت بينه وبين امرأته قال

نگذاشتم فرزند آدم را تا آنكه جدائي افكندم ميان وي و ميان زن او

فيدنيه منه فيقول نعم أنت قال الأعمش

پس نزديك ميگرداند او را پس بگويد نيكو ياري تو گفت اعمش

أراه قال فيلتزمه رواه مسلم وعن

گمان ميبرم من جابر را كه گفت پس كنار ميگيرد او را روايت كرد اين حديث مسلم و روايت است

عثمان بن أبي العاص رض قال قلت يا

از عثمان ابن ابي العاص رضي الله عنه گفت گفتم اي

رسول الله صلى الله عليه وسلم إن

پيغمبر خدا صلى الله عليه وسلم بدرستيكه

الشيطان قد حال بيني وبين صلاتي و

شيطان حائل ميگردد ميان من و ميان نماز من و

بين قراءتي يلبسها علي فقال رسول الله صلى

ميان قراءة من و مخلوط ميكند قراءة را بر من پس گفت پيغمبر خدا صلى

الله عليه وسلم ذاك شيطان يقال له

الله عليه وسلم آنكه حائل ميشود شيطانيست كه گفته ميشود مر او را

خنزب فإذا أحسسته فتعوذ بالله منه واتفل

خنزب پس چون دريابي اين وسواس را پس پناه جو بخدا از آن شيطان و تف كن

على يسارك ثلثا ففعلت ذلك فأذهبه الله

بر جانب چپ خود سه بار پس كردم آنرا پس دور گردانيد او را خدا



عنی رواه مسلم باب الایمان بالقدر

ازین رواه مسلم این باب ایمان بقدر است

وعنده مفاتح الغيب لا يعلمها الا هو

ونزدیک اوست کلیدهای غیب نمیداندش مگر او

ويعلم ما في البر والبحر وما تسقط من

ومیداند آنچه در بیابان و دریاست ونمی افتد هیچ

ورقة الا يعلمها ولا حبة في ظلمات الارض

برگی مگر میداندش ونمی افتد هیچ دانه در تاریکیهای زمین

ولا رطب ولا يابس الا في كتاب مبين

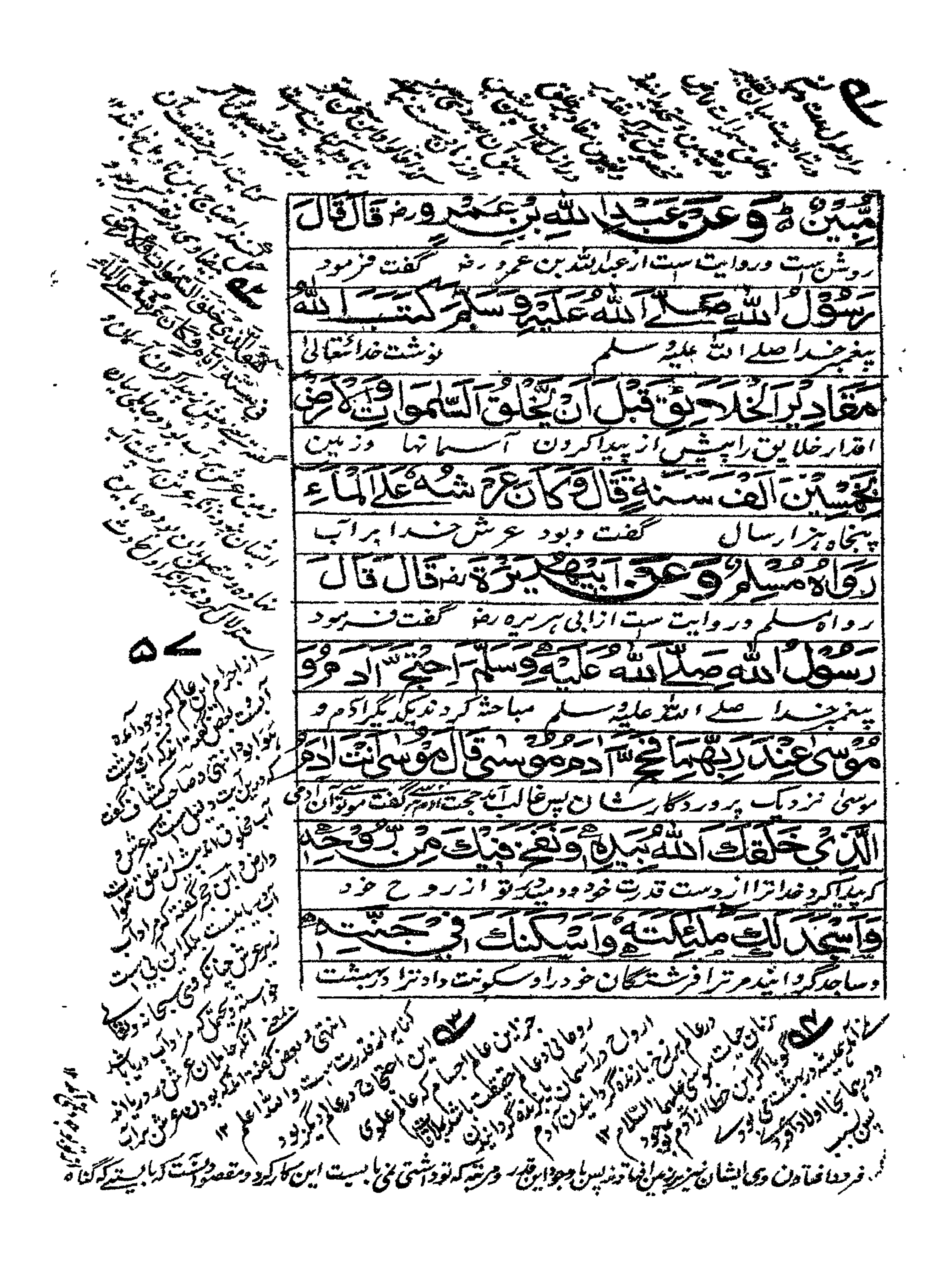
ونه هیچ ترے ونه هیچ خشکے مگر ثبت است در کتاب روشن

وما من دابة في الارض الا على الله رزقها

ونیست هیچ جنبنده در زمین مگر بر خداست روزی

ويعلم مستقرها ومستودعها كل في كتاب

ومیداند جای ماندن او وجای نگاهداشتن او را هر یک در کتاب



مُبِينٌ ۞ وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ عَمْرٍو رض قَالَ قَالَ

روشن ست و روایت ست از عبداللہ بن عمرو رض گفت فرمود

رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَتَبَ اللّٰهُ

پیغمبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم نوشت خدا تعالی

مَقَادِيرَ الْخَلَائِقِ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضَ

اقدار خلایق را پیش از پیدا کردن آسمانها و زمین

بِخَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ قَالَ وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ

پنجاه هزار سال گفت و بود عرش خدا بر آب

رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ

رواه مسلم و روایت ست از ابی ہریرہ رض گفت فرمود

رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ احْتَجَّ آدَمُ وَ

پیغمبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم مباحثہ کردند یکدیگر آدم و

مُوسَى عِنْدَ رَبِّهِمَا فَحَجَّ آدَمُ مُوسَى قَالَ مُوسَى أَنْتَ آدَمُ

موسی نزدیک پروردگار ایشان پس غالب آمد حجت آدم بر موسی گفت موسی تو آن آدمی

الَّذِي خَلَقَكَ اللّٰهُ بِيَدِهِ وَنَفَخَ فِيكَ مِنْ رُوحِهِ

که پیدا کرد خدا ترا از دست قدرت خود و دمید در تو از روح خود

وَأَسْجَدَ لَكَ مَلَائِكَتَهُ وَأَسْكَنَكَ فِي جَنَّتِهِ

و ساجد گردانید مر ترا فرشتگان خود را و سکونت داد ترا در بهشت

ثم اهبطت الناس بخطيئتك الى الارض قال

خود بیشتر فرود افگندی تو مردم را بسبب گناهی که کردی بر زمین گفت

آدم انت موسى الذي اصطفيك الله برسالته

آدم تو آن موسی هستی که برگزید ترا خدا تعالی به پیغمبری خود

وبكلامه واعطاك الالواح فيها تبيان كل شيء

و بکلام و داد ترا الواح که در آن بیان هر چیزیست

وقربك نجيا فكم وجدت الله كتب التورية

و نزدیک گردانید ترا راز گوینده پس بگو چند دریافتی خدا را که نوشت

قبل ان اخلق قال موسى باربعين عاما قال

پیش از آنکه پیدا کرده شوم گفت موسی بچهل سال گفت

آدم فهل وجدت فيها وعصى آدم ربه

آدم پس آیا یافتی تو در توریت وگناه کرده آدم پروردگار خود را

فغوى قال نعم قال افتلومني على ان عملت عملا

پس گم کرد راه را گفت موسی آری یافتم گفت آدم آیا پس ملامت میکنی مرا بر آنکه کردم



كتبه الله علي ان اعمله قبل ان يخلقني باربعين

نوشت خدا بر من که بکنم آنرا پیش از آنکه پیدا کند مرا بچهل

سنة قال رسول الله صلى الله عليه

سال فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه

وسلم فحج آدم موسى رواه مسلم وعن

وسلم پس غالب آمد آدم بر موسی رواه مسلم و روایت است

ابي هريرة رض قال قال رسول الله صلى الله عليه

از ابی هریره رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه

وسلم ما من مولود الا يولد على الفطرة فابواه

وسلم نیست هیچ زائیده شده مگر آنکه زائیده میشود بر فطرت پس مادر و پدر

يهودانه او ينصرانه او يمجسانه كما تنتج

یهودی میگردانند او را یا نصرانی یا مجوسی میسازند او را چنانکه زاییده میشود

البهيمة بهيمة جمعاء هل تحسون فيها من

چهارپایه چهارپا تمام کامل در اعضا آیا می بینید شما در آن بهایم هیچ بهیمه

جدعاء ثم يقول فطرة الله التي فطر الناس

یا گوش بریده پس گفت و خواند این آیه را لازم گیرید خلقت خدا که پیدا کرده است

عليها لا تبديل لخلق الله ذلك الدين القيم

آدمیان را بر آن نیست تغییر پیدایش خدا را این مقتضای دین و امت است

٥٩



متفق عليه وعن عبادة بن الصامت قال قال

متفق عليه روايت است از عباده بن صامت رض گفت فرمود

رسول الله صلى الله عليه وسلم ان اول ما

پيغمبر خدا صلى الله عليه وسلم بدرستى كه نخستين چيزى كه پيدا كرد

القلم فقال له اكتب قال ما اكتب قال اكتب القدر

خدا قلم است پس گفت مر او را بنويس گفت چه نويسم گفت بنويس تقدير را

فكتب ما كان وما هو كائن الى الابد رواه

كه تقدير كرده شده است پس نوشت آنچه بود و آنچه خواهد بود تا ابد رواه

الترمذي وعن ابي خزامة عن ابيه قال قلت

ترمذى و روايت است از ابى خزامه و او از پدر خود گفت گفتم

يا رسول الله ارايت رقى نسترقيها ودواء

اى پيغمبر خدا خبر ده مارا از حال افسونها كه افسونگرى ميكنيم بآنها و دوا

نتداوى به وتقاة نتقيها هل ترد من قدر

تداوى ميكنيم بآن و حمايها كه پناه ميجوييم بدان آيا بازمى گرداند آنها

الله شيئا قال هي من قدر الله رواه احمد

از قضا و قدر خدا تعالى چيزى را گفت اين چيزها از قضا و قدر خدا است روايت كرد احمد

والترمذي وابن ماجة وعن ابي هريرة قال

و ترمذى و ابن ماجه و روايت است از ابى هريره رض گفت

٦٠

خرج علينا رسول الله صلى الله عليه وسلم

برآمد از خانه بر ما پیغمبر خدا صلى الله عليه وسلم

ونحن نتنازع في القدر فغضب حتى احمر

و ما بحث و نزاع میکردیم در مسئله قضا و قدر پس خشم کرد آنحضرت تا آنکه سرخ شد

وجهه حتى كانما فقئ في وجنتيه حب

روی وی گویا شکسته شده است در هر دو رخساره وی دانهای

الرمان فقال ابهذا امرتم ام بهذا

انار پس گفت آیا باین امر کرده شده است شما را یا باین

ارسلت اليكم انما هلك من كان قبلكم

فرستاده شده ام من بسوی شما هلاک شدند کسانیکه بودند پیش از شما

حين تنازعوا في هذا الامر عزمت عليكم

هنگامیکه بحث کردند در قضا و قدر واجب میگردانم بر شما

عزمت عليكم الا تتنازعوا فيه رواه

واجب میگردانم بر شما که نزاع نکنید در این امر رواه

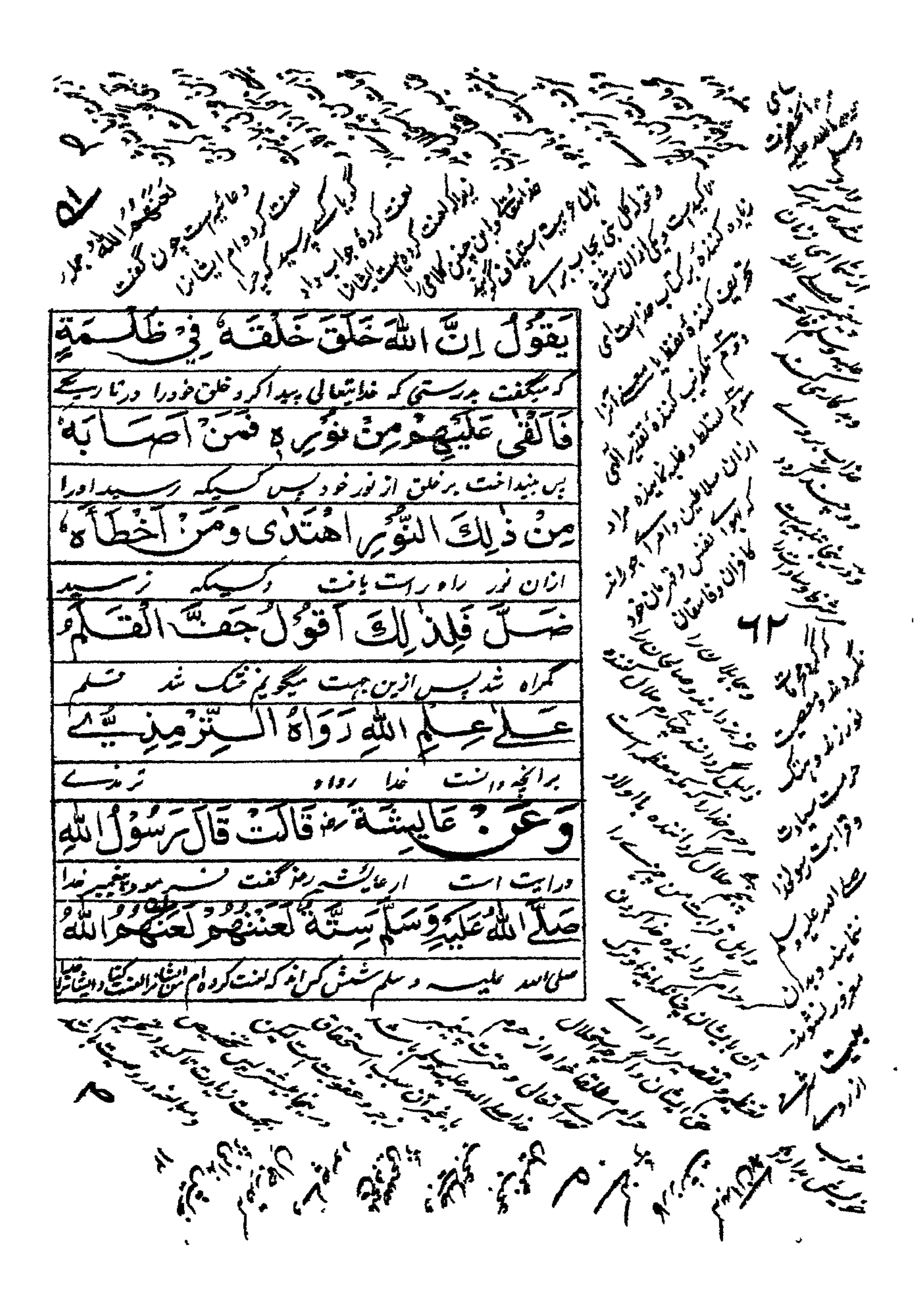
الترمذي وعن عبد الله بن عمر قال

ترمذی و روایت است از عبد الله ابن عمر رض گفت

سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم

شنیدم من پیغمبر خدا را صلى الله عليه وسلم

٦١



يقول إن الله خلق خلقه في ظلمة

که میگفت بدرستی که خدا تعالی بیدا کرد خلق خودرا در تاریکی

فألقى عليهم من نوره فمن أصابه

پس بنیداخت بر خلق از نور خود پس کسیکه رسید اورا

من ذلك النور اهتدى ومن أخطأه

ازان نور راه راست یافت و کسیکه نرسید

ضل فلذلك أقول جف القلم

گمراه شد پس ازین جهت میگویم خشک شد قلم

على علم الله رواه الترمذي

برانچه دانست خدا روایت کرده ترمذی

وعن عائشة رض قالت قال رسول الله

و روایت است از عائشه رض گفت فرمود پیغمبر خدا

صلى الله عليه وسلم ستة لعنتهم لعنهم الله

صلی الله علیه و سلم شش کس اند که لعنت کرده ام ایشانرا لعنت کناد ایشانرا خدا

٦٢

٤

وَكُلُّ نَبِيٍّ يُجَابُ الزَّائِدُ فِي كِتَابِ

و هر پیغمبری قبول کرده شده دعای او یکی از ان زیاده کننده در کتاب

اللهِ وَالْمُكَذِّبُ بِقَدَرِ اللهِ وَالْمُتَسَلِّطُ

خدا دوم تکذیب کننده بتقدیر الهی سوم غلبه نماینده بر مردم

بِالْجَبَرُوتِ لِيُعِزَّ مَنْ أَذَلَّهُ اللهُ وَ

بتکبر تا گرامی وارجمند گرداند کسیرا که خوار گردانیده است خدا او را

يُذِلَّ مَنْ أَعَزَّهُ اللهُ وَالْمُسْتَحِلُّ لِحُرَمِ

و خوار گرداند کسیرا که عزیز گردانیده است او را خدا چهارم استحلال کننده مر حرم

اللهِ وَالْمُسْتَحِلُّ مِنْ عِتْرَتِي مَا حَرَّمَ اللهُ

خدا را پنجم حلال دانده و از اهل قرابت من چیزیرا که حرام گردانیده است خدا

٦٣

ایشان را تا دار اهل عترت و قدرت نه بینند بعده امام احمد فرمود که ایا فساد اعظم از قتل آل رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم هست

وَالتَّارِكُ لِسُنَّتِي رَوَاهُ الْبَيْهَقِيُّ فِي الْمَدْخَلِ

و ششم ترک کننده سنت مرا روایت کرد بیهقی در مدخل

وَرَزِينٌ فِي كِتَابِهِ وَعَنْ مَطَرِ بْنِ عُكَامِسٍ رض

و رزین در کتاب خود و روایت است از مطر بن عکامس رض

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم که چون

قَضَى اللّٰهُ لِعَبْدٍ أَنْ يَمُوتَ بِأَرْضٍ جَعَلَ لَهُ

حکم کند خدا برآنیده که بمیرد در زمین بگرداند مر آن بنده را

إِلَيْهَا حَاجَةً رَوَاهُ أَحْمَدُ وَالتِّرْمِذِيُّ وَعَنْ

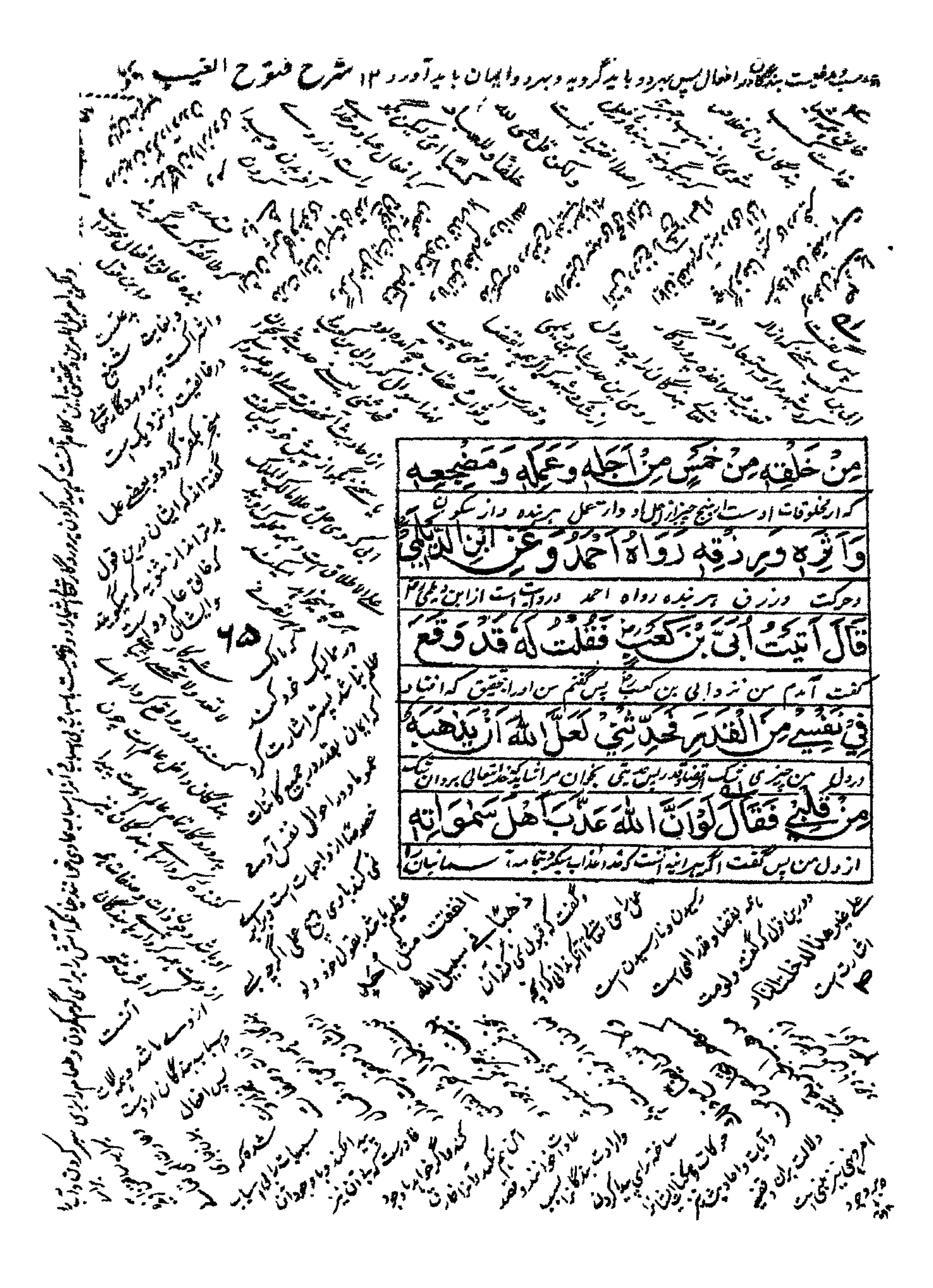
بسوی آن زمین حاجتی روایت کرد احمد والترمذی و روایت است

أَبِي الدَّرْدَاءِ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

از ابی درداء رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ اللّٰهَ عَزَّ وَجَلَّ فَرَغَ إِلَى كُلِّ عَبْدٍ

علیه وسلم بدرستیکه خدا تعالی فارغ شده بسوی هر بنده



در سید و فعلیت بندگان در افعال پس بهره و باید گروید و بهره و ایمان باید آورد

من خلقه من خمس من اجله وعمله ومضجعه

که از مخلوقات او ست از پنج چیز از اجل او و از عمل هر بنده و از سکونت

واثره ورزقه رواه احمد وعن ابن الديلمي

و حرکت و رزق هر بنده رواه احمد در روایت است از ابن دیلمی

قال اتيت ابى بن كعب فقلت له قد وقع

گفت آمدم من نزد ابی بن کعب پس گفتم من او را تحقیق که افتاده

في نفسي من القدر فحدثني لعل الله ان يذهبه

در دل من چیزی [illegible] قضا و قدر پس حدیث بگو [illegible] تا شاید که خدا تعالی ببرد آن

من قلبي فقال لو ان الله عذب اهل سمواته

از دل من پس گفت اگر بدرستیکه خدا عذاب بکند [illegible] آسمانهای

۶۵

وَأَهْلَ أَرْضِهِ عَذَّبَهُمْ وَهُوَ غَيْرُ ظَالِمٍ لَهُمْ وَلَوْ رَحِمَهُمْ

و زمینیان را عذاب میکرد ایشان را و حال آنکه وی غیر ظالم است مر ایشان را و اگر رحمت میکرد

كَانَتْ رَحْمَتُهُ خَيْرًا لَهُمْ مِنْ أَعْمَالِهِمْ وَلَوْ أَنْفَقْتَ مِثْلَ أُحُدٍ

میبود رحمت او بهتر مر ایشان را از عملهای ایشان اگر خرج کنی مانند کوه احد

ذَهَبًا فِي سَبِيلِ اللَّهِ مَا قَبِلَهُ اللَّهُ مِنْكَ حَتَّى تُؤْمِنَ بِالْقَدَرِ

طلا را در راه خدا قبول نکند خدا او را از تو تا آنکه ایمان نیاری بقضا و قدر

وَتَعْلَمَ أَنَّ مَا أَصَابَكَ لَمْ يَكُنْ لِيُخْطِئَكَ وَأَنَّ مَا أَخْطَأَكَ

و تا آنکه بدانی که آنچه رسیده است ترا نبود که نرسد ترا و بدانی که آنچه نرسیده است ترا

لَمْ يَكُنْ لِيُصِيبَكَ وَلَوْ مُتَّ عَلَى غَيْرِ هَذَا لَأُدْخِلْتَ النَّارَ

نبود که برسد ترا و اگر بمیری بر غیر این حال هر آینه در آئی باتش دوزخ

قَالَ ثُمَّ أَتَيْتُ عَبْدَ اللَّهِ بْنَ مَسْعُودٍ فَقَالَ مِثْلَ

گفت پستر آمدم من عبد الله ابن مسعود رض را پس گفت مانند

ذَلِكَ قَالَ ثُمَّ أَتَيْتُ حُذَيْفَةَ بْنَ الْيَمَانِ فَقَالَ

این سخن پستر آمدم من نزد حذیفه بن یمان پس گفت

مِثْلَ ذَلِكَ ثُمَّ أَتَيْتُ زَيْدَ بْنَ ثَابِتٍ فَحَدَّثَنِي

مانند این سخن پستر آمدم زید بن ثابت را پس حدیث کرد

عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مِثْلَ ذَلِكَ

مرا از پیغمبر صلی الله علیه وسلم مانند آن

رَوَاهُ أَحْمَدُ وَأَبُو دَاوُدَ وَابْنُ مَاجَةَ

رواه احمد و ابو داود و ابن ماجه

بَابُ الِاعْتِصَامِ بِالْكِتَابِ وَالسُّنَّةِ

این باب در چنگ زدن بکتاب و سنت است

قُلْ اِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّوْنَ اللّٰهَ فَاتَّبِعُوْنِيْ يُحْبِبْكُمُ اللّٰهُ

بگو اگر دوست میدارید خدارا پس پیروی من کنید تا دوست دارد شمارا خدا

وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوْبَكُمْ وَاللّٰهُ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ ۝ قُلْ

وبیامرزد شمارا گناهان شما وخدا امرزنده مهربان است بگو

اَطِيْعُوا اللّٰهَ وَالرَّسُوْلَ فَاِنْ تَوَلَّوْا فَاِنَّ اللّٰهَ لَا يُحِبُّ

فرمان برید خدارا وپیغمبر را پس اگر رو گردانید پس هر آئینه خدا دوست ندارد

الْكٰفِرِيْنَ ۝ وَمَنْ يُّطِعِ اللّٰهَ وَالرَّسُوْلَ فَاُولٰٓئِكَ

کافران را هرکه فرمان برد خدا ورسول را پس این جماعت

مَعَ الَّذِيْنَ اَنْعَمَ اللّٰهُ عَلَيْهِمْ مِّنَ النَّبِيّٖنَ وَ

همراه کسانند که انعام کرده است خدا برایشان از پیغمبران و

الصِّدِّيْقِيْنَ وَالشُّهَدَآءِ وَالصّٰلِحِيْنَ وَحَسُنَ

صدیقان وشهیدان وصالحان ونیکو رفیق

اُولٰٓئِكَ رَفِيْقًا ذٰلِكَ الْفَضْلُ مِنَ اللّٰهِ وَكَفٰى بِاللّٰهِ

اندایشان این بخشایش از خدا است وبس است خدا

عَلِيمًا ۵ وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا

دانا و نیافریدیم جن و انس را

لِيَعْبُدُونِ ۵ مَا أُرِيدُ مِنْهُمْ مِنْ رِزْقٍ

مگر تا که پرستند مرا نمیخواهم از ایشان رزق را

وَمَا أُرِيدُ أَنْ يُطْعِمُونِ ۵ إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ

که مرا طعام دهند هرآئینه خداهمونست رزق دهنده

ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ ۵ وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ

خداوند توانای استوار و هرچه بدهد شما را پیغمبر

فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا ۚ وَاتَّقُوا اللَّهَ

بگیرید از او هرچه منع کند شما را ازان باز ایستید و بترسید از خدا

إِنَّ اللّٰهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ۝ وَأَطِيعُوا اللّٰهَ وَأَطِيعُوا

هرآئینه خدا سخت کننده عقوبت است و فرمان برداری کنید خدا و فرمان برداری

الرَّسُولَ ۚ فَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَإِنَّمَا عَلَىٰ رَسُولِنَا الْبَلَاغُ

کنید رسول را پس اگر رو گردان شوید پس جز این نیست که بر پیغمبر ما پیغام رسانیدن

الْمُبِينُ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللّٰهَ وَلْتَنْظُرْ

آشکارا است ای مسلمانان بترسید از خدا و باید که تامل کند

نَفْسٌ مَا قَدَّمَتْ لِغَدٍ ۖ وَاتَّقُوا اللّٰهَ ۚ إِنَّ اللّٰهَ خَبِيرٌ

هر شخص چه چیز پیش فرستاده است برای فردا و بترسید از خدا هرآئینه خدا خبردار است

بِمَا تَعْمَلُونَ ۝ إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ

بآنچه میکنید هرآئینه ما پیش آوردیم امانت را بر آسمانها

وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ

و بر زمین و بر کوهها پس قبول نکردند که بردارند آنرا و بترسیدند

مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ ۖ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا

ازان و برداشت آنرا آدمی هرآئینه وی هست ستمگار نادان

69

سے جزء ۲۸ رکوع ۶   سے جزء ۲۲ رکوع ۵

وعن ابي سعيد رض قال قال رسول الله صلى الله عليه

و روایت است از ابی سعید رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه

وسلم لتتبعن سنن من قبلكم شبرا بشبر وذراعا

وسلم هرآئینه پیروی خواهید کرد شما طریقه پیشینیان را شبر بشبر و دست

بذراع حتى لو دخلوا جحر ضب تبعتموهم قيل يا رسول الله

بدست تا آنکه اگر داخل شوند ایشان بسوراخ سوسمار پیروی خواهید کرد شما ایشان را گفتند ای پیغمبر خدا

اليهود والنصارى قال فمن متفق عليه وعن

اراده یهود و نصاری را فرمود پس کیست متفق علیه و روایت است

عائشة رض قالت قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

از عائشه رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم

من احدث في امرنا هذا ما ليس منه فهو رد متفق عليه

کسیکه نو پیدا کرد در دین ما چیزی را که نیست از این دین پس آن چیز مردود است متفق علیه

وعن جابر رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

و روایت است از جابر رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم

اما بعد فان خير الحديث كتاب الله وخير الهدي

در خطبه بعد از حمد و نعت پس بهترین سخنان کتاب خدا است و بهترین طریقه

هدي محمد صلى الله عليه وسلم وشر الامور محدثاتها

طریقه محمد است صلی الله علیه و سلم و بدترین چیزها آنست که نو پیدا کرده شده است

وكل بدعة ضلالة رواه مسلم وعن ابن عباس رض

و هر بدعت سبب گمراهی است رواه مسلم و روایت است از ابن عباس رض

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم ابغض الناس الى الله

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم دشمن داشته شده ترین مردم بسوی خدا

ثَلٰثَةٌ مُلْحِدٌ فِي الْحَرَمِ وَمُبْتَغٍ فِي الْإِسْلَامِ سُنَّةَ الْجَاهِلِيَّةِ

سه کس اند الحاد کننده در زمین حرم و طلب کننده در اسلام طریقه جاهلیت را

وَمُطَّلِبُ دَمِ امْرِئٍ بِغَيْرِ حَقٍّ لِيُهَرِيْقَ دَمَهُ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ

و طلب کننده خون مردی را ناحق برای آنکه بریزد او را روایت کرده بخاری

وَعَنْ أَبِي مُوسٰى رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

و روایت است از ابی موسی رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه

وَسَلَّمَ إِنَّمَا مَثَلِي وَمَثَلُ مَا بَعَثَنِيَ اللّٰهُ بِهِ كَمَثَلِ رَجُلٍ

و سلم جز این نیست که قصه من و قصه چیزی که فرستاده است مرا پروردگار بدان چیز مانند قصه مردیکه

أَتٰى قَوْمًا فَقَالَ يَا قَوْمِ إِنِّي رَأَيْتُ الْجَيْشَ بِعَيْنَيَّ إِنِّي أَنَا

آمد قومی را پس گفت ای قوم بدرستی که من دیده ام لشکر را بدو چشم خود و بدرستیکه من

النَّذِيرُ الْعُرْيَانُ فَالنَّجَاءَ النَّجَاءَ فَأَطَاعَهُ طَائِفَةٌ مِنْ قَوْمِهِ

خبر خوف رسانیده ام برهنه شتابی کنید شتابی کنید پس فرمانبرداری کردند او را بعض از قوم او

فَأَدْلَجُوا فَانْطَلَقُوا عَلٰى مَهَلِهِمْ فَنَجَوْا وَكَذَّبَتْ طَائِفَةٌ

پس رفتند شبانه پس رفتند بر آهستگی خود پس رستگاری یافتند و تکذیب کردند بعض

مِنْهُمْ فَأَصْبَحُوا مَكَانَهُمْ فَصَبَّحَهُمُ الْجَيْشُ فَأَهْلَكَهُمْ

از قوم وی پس صبح کردند و بایستادند بمکان خود پس صبح گردانید ایشان را لشکر پس هلاک کرد ایشان را

وَاجْتَاحَهُمْ فَذٰلِكَ مَثَلُ مَنْ أَطَاعَنِي فَاتَّبَعَ مَا جِئْتُ بِهِ

و از بیخ برکند ایشان را پس این قصه کسی است که فرمانبرداری کرد مرا پس پیروی کرد چیزی را که آورده ام او را

وَمَثَلُ مَنْ عَصَانِي وَكَذَّبَ مَا جِئْتُ بِهِ مِنَ الْحَقِّ

و حال کسیکه نافرمانی کرد مرا و دروغ داشت چیزی را که آورده ام من او را از نزد خدا

مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ

متفق علیه و روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود پیغمبر خدا

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَثَلِي كَمَثَلِ رَجُلٍ اسْتَوْقَدَ نَارًا

صلى الله عليه وسلم حال من بچو حال مردی است که افروخت آتش را

فَلَمَّا اَضَاءَتْ مَا حَوْلَهَا جَعَلَ الْفَرَاشُ وَهٰذِهِ الدَّوَابُّ

پس هرگاه که روشن کرد آن آتش آنچه که گرد اوست در ایستادند پروانه ها و این خزنده که جانوران

الَّتِي تَقَعُ فِي النَّارِ يَقَعْنَ فِيهَا وَجَعَلَ يَحْجُزُهُنَّ وَيَغْلِبْنَهُ

که عادت ایشان است که می افتند در آتش در ایستاد مرد که منع میکند آن دواب را و غالب میشوند آن دواب بر آن مرد

فَيَتَقَحَّمْنَ فِيهَا فَاَنَا اٰخِذٌ بِحُجَزِكُمْ عَنِ النَّارِ وَاَنْتُمْ

پس ازدحام کرده در آتش پس من گیرنده ام جای بند ازار شما را که باز دارم شما را از آتش و شما

تَقَحَّمُونَ فِيهَا هٰذِهِ رِوَايَةُ الْبُخَارِيِّ وَلِمُسْلِمٍ نَحْوُهَا

ازدحام میکنید در آن آتش این روایت بخاری است و مر مسلم را مانند این روایت است

وَقَالَ فِي اٰخِرِهَا قَالَ فَذٰلِكَ مَثَلِي وَمَثَلُكُمْ اَنَا اٰخِذٌ

و گفته است مسلم در پایان روایت خود گفت پس آنست حال من و حال شما است من گیرنده ام

بِحُجَزِكُمْ عَنِ النَّارِ هَلُمَّ عَنِ النَّارِ هَلُمَّ عَنِ النَّارِ فَتَغْلِبُونِي

جای بند ازار شما را از آتش بیائید بسوی من از آتش پس غالب می آئید مرا

تَقَحَّمُونَ فِيهَا مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ اَبِي هُرَيْرَةَ

می افتید در آتش متفق علیه و روایت است از ابی هریره رض

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

يَكُونُ فِي اٰخِرِ الزَّمَانِ دَجَّالُونَ كَذَّابُونَ يَأْتُونَكُمْ

باشند در آخر زمان تلبیس کنندگان دروغ گویان می آرند شما را

مِنَ الْاَحَادِيثِ بِمَا لَمْ تَسْمَعُوا اَنْتُمْ وَلَا اٰبَاؤُكُمْ

از احادیث آنچه نشنیده اید شما و نه پدران شما

فَإِيَّاكُمْ وَإِيَّاهُمْ لَا يُضِلُّونَكُمْ وَلَا يُفْتِنُونَكُمْ

دور دارید خود را از ایشان و ایشان را از خود تا گمراه نکنند و در فتنه نیندازند شما را

رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ

رواه مسلم　　در روایت است از وی گفت فرمود پیغمبر خدا

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَفَى بِالْمَرْءِ كَذِبًا

صلی الله علیه وسلم　　بس است مرد را از روی دروغ گفتن

أَنْ يُحَدِّثَ بِكُلِّ مَا سَمِعَ رَوَاهُ مُسْلِمٌ

اینکه حدیث کند هر چیزی را که شنیده است　رواه مسلم

وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللهُ تَعَالَى عَنْهُ قَالَ

در روایت است از ابی هریره رضی الله عنه　گفت

قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

مَنْ دَعَا إِلَى هُدًى كَانَ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ مِثْلُ

کسیکه بخواند بسوی راه راست باشد او را از اجر مقدار

أُجُورِ مَنْ تَبِعَهُ لَا يَنْقُصُ ذَٰلِكَ مِنْ

مزدهای کسانیکه پیروی میکنند او را کم نمیکند این از

أُجُورِهِمْ شَيْئًا وَمَنْ دَعَا إِلَى ضَلَالَةٍ

اجرهای ایشان چیزی را و کسیکه بخواند بسوی گمراهی

۱۴ احادیث برای ترویج مذاهب خود مے ساختند و بعد از توبه و رجوع اقرار بدان مے کردند



كَانَ عَلَيْهِ مِنَ الْإِثْمِ مِثْلُ آثَامِ مَنْ تَبِعَهُ

باشد بر وى از بزه مقدار بزه‌هاى كسانيكه پيروى كنند اورا

لَا يَنْقُصُ ذَلِكَ مِنْ آثَامِهِمْ شَيْئًا رَوَاهُ

كم نمى كند اين از آثام ايشان چيزى را رواه

مُسْلِمٌ وَعَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ

مسلم در روايت است از وى رض گفت فرمود پيغمبر خدا

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بَدَأَ الْإِسْلَامُ غَرِيبًا

صلى الله عليه وسلم پيدا شد اسلام در آغاز كار غريب

وَسَيَعُودُ كَمَا بَدَأَ فَطُوبَى لِلْغُرَبَاءِ رَوَاهُ مُسْلِمٌ

و قريب است كه باز گردد غريب چنانكه در ابتدا بود پس خوشى باد مر غريبان را رواه مسلم



وعنه قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم إن

و روایت است از وی گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم بدرستیکه

الإيمان ليأرز إلى المدينة كما تأرز الحية إلى جحرها

ایمان کرده می آید بسوی مدینه چنانکه باز میگردد مار بسوی سوراخ خود

متفق عليه وعن العرباض بن سارية رض قال في

متفق علیه است و روایت است از عرباض ابن ساریه رض گفت در

حديثه عن النبي صلى الله عليه وسلم فعليكم بسنتي

حدیث خود از پیغمبر صلی الله علیه وسلم پس لازم گیرید بر خود سنت من

وسنة الخلفاء الراشدين المهديين تمسكوا بها

وسنت خلفای راشدین که راه یافتگان اند چنگ درزنید بسنت من

وعضوا عليها بالنواجذ وإياكم ومحدثات الأمور

وسخت بگیرید بر سنت خدا با دندانها و دور دارید خود را از کارها نو پیدا

فإن كل محدثة بدعة وكل بدعة ضلالة رواه أحمد

پس بدرستیکه هر خصلت احداث کرده شده بدعت است و هر بدعت ضلالت است روایت کرد احمد

وأبو داود والترمذي وابن ماجة وعن عبد الله بن عمرو

و ابو داود و ترمذی و ابن ماجه و روایت است از عبد الله ابن عمرو رض

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم لا يؤمن

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم ایمان نمی آرد



فصل خطاب

أَحَدُكُمْ حَتَّى يَكُونَ هَوَاهُ تَبَعًا لِمَا جِئْتُ بِهِ

یکی از شما تا آنکه باشد هوای نفس او تابع مر چیزی را که آوردم من آن را

رَوَاهُ فِي شَرْحِ السُّنَّةِ وَعَنْ بِلَالِ بْنِ الْحَارِثِ

روایت کرد در شرح سنته این حدیث را و روایت است از بلال ابن حارث

الْمُزَنِيِّ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ

مزنی رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ أَحْيَى سُنَّةً مِنْ سُنَّتِي

علیه وسلم کسیکه زنده گرداند سنتی از سنتهای مرا

قَدْ أُمِيتَتْ بَعْدِي فَإِنَّ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ مِثْلَ أُجُورِ

که بتحقیق میرانیده شده است پس از من پس بدرستیکه مر او راست از مزد مانند مزدهای

مَنْ عَمِلَ بِهَا مِنْ غَيْرِ أَنْ يَنْقُصَ مِنْ أُجُورِهِمْ

کسانیکه کار کنند بآن سنت بی آنکه کم کرده شود از مزدهای ایشان

شَيْئًا وَمَنِ ابْتَدَعَ بِدْعَةً ضَلَالَةً لَا يَرْضَاهَا اللهُ

چیزی و کسی که بدعت پیدا کرد بدعت ضلالت که راضی نیست از آن بدعت خدا

ورسوله كان عليه من الاثم مثل آثام من عمل بها

پیغمبر خدا باشد بروی از بزه مقدار بزه های کسانیکه پیروی کرده اند

لا ينقص ذلك من اوزارهم شيئا رواه الترمذي وعن

و را کم نمیکند این از آثام ایشان چیزیرا . رواه ترمذی و در روایت است

عمرو بن عوف رض قال قال رسول الله صلى الله عليه

از عمرو بن عوف رضی الله عنه گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه

وسلم ان الدين ليأرز الى الحجاز كما تأرز الحية

وسلم بدرستیکه اسلام گرد می آید بسوی حجاز چنانکه باز میگردد مار

الى جحرها وليعقلن الدين من الحجاز معقل الاروية

بسوی سوراخ خود و هر آئینه پناه بجوید دین از زمین حجاز بجو پناه جستن بز کوهی

من راس الجبل ان الدين بدأ غريبا وسيعود كما بدأ

از سر کوهی بدرستیکه دین پیدا شده است غریب و تنها و قریب است که باز گردد چنانکه

فطوبى للغرباء وهم الذين يصلحون ما افسد الناس

بود پس خوش خبری باد مر غریبانرا و غریبان آن کسانی اند که نیکو می سازند چیزیرا که بد ساخته اند مردم

من بعدي من سنتي رواه الترمذي وعن عبد الله

بعد از من از سنت من رواه ترمذی و در روایت است از عبد الله

بن عمرو رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

ابن عمرو رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم

ليأتين على امتي كما اتى على بني اسرائيل حذو النعل

هر آئینه بیاید بر امت من مانند آنچه آمده بر بنی اسرائیل مطابق یکدیگر

بالنعل حتى ان كان منهم من اتى امه علانية لكان

تا آنکه اگر بود از بنی اسرائیل کسیکه آمد بر مادر خود آشکارا هر آئینه باشد

ایشانند و احکام ولایت یقین ایشانند و از کشتی نوح و بحر موسی گو سکے و مقصود و مرادات همین ایشانند ۱۲

فِي أُمَّتِي مَنْ يَصْنَعُ ذٰلِكَ وَإِنَّ بَنِي إِسْرَائِيلَ

در امت من کسیکه بکند آن فعل شنیع را و هر آینه بنی اسرایل

تَفَرَّقَتْ عَلَىٰ ثِنْتَيْنِ وَسَبْعِينَ مِلَّةً وَتَفْتَرِقُ

جدا شدند بر هفتاد و دو ملت و جدا شو ند ست

أُمَّتِي عَلَىٰ ثَلٰثٍ وَسَبْعِينَ مِلَّةً كُلُّهُمْ

امت من بر هفتاد و سه مذهب همه ایشان

فِي النَّارِ إِلَّا مِلَّةً وَاحِدَةً قَالُوا مَنْ هِيَ يَا

مستحق در آمدن در دوزخ باشند مگر یک ملت گفتند کیست آن یک ملت ای

رَسُولَ اللّٰهِ قَالَ مَا أَنَا عَلَيْهِ وَأَصْحَابِي رَوَاهُ

پیغمبر خدا فرمود آن ملت که من بر آنم و صحابه من بر — روایت کرده

التِّرْمِذِيُّ وَفِي رِوَايَةِ أَحْمَدَ وَأَبِي دَاوُدَ

ترمذی و در روایت احمد و ابی داود

عَنْ مُعَاوِيَةَ ثِنْتَانِ وَسَبْعُونَ فِي النَّارِ

از معاویه آمده که اهل هفتاد و دو ملت در آتش اند



وَوَاحِدَةٌ فِي الْجَنَّةِ وَهِيَ الْجَمَاعَةُ وَإِنَّهُ سَيَخْرُجُ

واہل یک ملت در بهشت آن کسی به جماعت است وبدرستی که نشان هیست که بیرون خواهند آمد

فِي أُمَّتِي أَقْوَامٌ تَتَجَارَى بِهِمْ تِلْكَ الْأَهْوَاءُ

در امت من گروه های که روان میشود با ایشان آن اهوا

كَمَا يَتَجَارَى الْكَلَبُ بِصَاحِبِهِ لَا يَبْقَى مِنْهُ عِرْقٌ

چنانکه سرایت میکند گزیدن سگ مرصاحب خود را باقی نمیماند از صاحب وی هیچ

وَلَا مَفْصِلٌ إِلَّا دَخَلَهُ وَعَنِ ابْنِ عُمَرَ قَالَ قَالَ

ونبندی مگر درمی آید دران و روایت است از ابن عمر رضی الله عنه گفت فرمود

رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ اللّٰهَ لَا يَجْمَعُ

پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم بدرستیکه گرد نمی آرد خدا

أُمَّتِي أَوْ قَالَ أُمَّةَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

امت مرا یا گفت امت محمد صلی الله علیه وسلم را

عَلَى ضَلَالَةٍ وَيَدُ اللّٰهِ عَلَى الْجَمَاعَةِ وَمَنْ شَذَّ شُذَّ

برگمراهی ودست احسان حق بر جماعت است وکسیکه تنها افتاد از جماعت انداخته شود

فِي النَّارِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وعنه قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى

در آتش روایه ترمذی و روایت است از وی گفت فرمود پیغمبر خدا صلی

اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اتَّبِعُوا السَّوَادَ الْأَعْظَمَ فَإِنَّهُ مَنْ شَذَّ شُذَّ

الله علیه وسلم پیروی کنید جمهور را بدرستیکه شان این است که کسیکه تنها اند از جماعت انداخته میشود

فِي النَّارِ رَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ أَنَسٍ رض قَالَ قَالَ لِي

در آتش روایه ابن ماجه و روایت است از انس رض گفت فرمود مرا

رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَا بُنَيَّ إِنْ قَدَرْتَ أَنْ

پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم ای پسرک من اگر توانی که

تُصْبِحَ وَتُمْسِيَ وَلَيْسَ فِي قَلْبِكَ غِشٌّ لِأَحَدٍ فَافْعَلْ

صبح کنی و شام کنی و حال آنکه نیست در دل تو کینه با هیچ یکی پس بکن

ثُمَّ قَالَ يَا بُنَيَّ وَذَلِكَ مِنْ سُنَّتِي وَمَنْ أَحَبَّ سُنَّتِي فَقَدْ

باز گفت ای پسرک من و آن کار از سنت من است و کسیکه دوست داشت سنت مرا پس تحقیق

أَحَبَّنِي وَمَنْ أَحَبَّنِي كَانَ مَعِي فِي الْجَنَّةِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ

دوست میدارد مرا و کسیکه دوست دارد مرا باشد با من در بهشت روایه ترمذی

وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ

و روایت است از ابو هریره رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ تَمَسَّكَ بِسُنَّتِي عِنْدَ فَسَادِ أُمَّتِي فَلَهُ

علیه وسلم کسیکه چنگ در زند بسنت من نزد فساد امت من پس او راست

أَجْرُ مِائَةِ شَهِيدٍ رَوَاهُ الْبَيْهَقِيُّ فِي كِتَابِ الزُّهْدِ لَهُ مِنْ

مزد وثواب صد شهید روایه بیهقی در کتاب الزهد لفظ وی نیز از

حَدِيثِ ابْنِ عَبَّاسٍ رض وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ

از حدیث ابن عباس رض و روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود رسول الله

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّكُمْ فِي زَمَانٍ مَنْ تَرَكَ مِنْكُمْ عُشْرَ

صلی الله علیه و سلم بدرستیکه شما در زمانی هستید که هر که بکند از شما ده حصه

مَا أُمِرَ بِهِ هَلَكَ ثُمَّ يَأْتِي زَمَانٌ مَنْ عَمِلَ مِنْهُمْ بِعُشْرِ

آنچه امر کرده شده است بدان هلاک شود و پس تری آید زمانیکه هر که بکند از ایشان ده حصه

مَا أُمِرَ بِهِ نَجَا رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ مُعَاذِ بْنِ جَبَلٍ رض

آنچه امر کرده شده است بدان نجات یابد روایه ترمذی و روایت است از معاذ ابن جبل

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ الشَّيْطَانَ

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم بدرستیکه شیطان

ذِئْبُ الْإِنْسَانِ كَذِئْبِ الْغَنَمِ يَأْخُذُ الشَّاذَّةَ وَالْقَاصِيَةَ

گرگ آدمی است مانند گرگ گوسفند که بگیرد گوسفند پراگنده را نا گیرنده ست بجله

وَالنَّاحِيَةَ وَإِيَّاكُمْ وَالشِّعَابَ وَعَلَيْكُمْ بِالْجَمَاعَةِ وَ

و دور رونده از گله و یک جانب نشیننده است و دور دارید خود را از راههای میانه دو کوه لازم گیرید

الْعَامَّةِ رَوَاهُ أَحْمَدُ وَعَنْ أَبِي ذَرٍّ رض قَالَ قَالَ

و کثیر را روایه احمد و روایت است از ابی ذر رض گفت فرمود

رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ فَارَقَ الْجَمَاعَةَ

پیغمبر الله صلی الله علیه و سلم کسیکه جدائی کرد جماعت را

شِبْرًا فَقَدْ خَلَعَ رِبْقَةَ الْإِسْلَامِ مِنْ عُنُقِهِ رَوَاهُ أَحْمَدُ

مقدار یک شبر پس بتحقیق برکشید ربقه اسلام را از گردن خود روایه احمد

وابوداود وعن ابراهيم بن ميسرة رض

در ابوداود وروایت است از ابراهیم ابن میسره رض

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من وقر

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه تعظیم کرد

صاحب بدعة فقد اعان على هدم الاسلام

خداوند بدعت را پس تحقیق مدد کرد بر ویران کردن دین اسلام

رواه البيهقي في شعب الايمان مرسلا وعن

رواه بیهقی در شعب الایمان مرسل وروایت است از

ابن مسعود رض قال من كان مستنا فليستن بمن

ابن مسعود رض گفت کسیکه میخواهد که برود راه راست پس باید که برود راه

قد مات فان الحي لا تؤمن عليه الفتنة اولئك

کسانیکه بتحقیق از عالم گذشته اند پس بدرستیکه زندگان ایمنی کرده نمیشود برایشان از فتنه آنمردگان

اصحاب محمد صلى الله عليه وسلم كانوا افضل

یاران محمد صلی الله علیه وسلم اند که بودند فاضل تر

هذه الامة ابرها قلوبا واعمقها علما واقلها

از همه جز ایشان است درین امت ونیکتر است از روی دلها و دور اندیش تر از روی علم و کمتر است از آن

تكلفا اختارهم الله لصحبة نبيه ولاقامة دينه

از روی تکلف برگزید ایشانرا خدا از برای صحبت پیغمبر خود و برای برپا داشتن دین وی



فاعرفوا لهم فضلهم واتبعوهم على آثرهم وتمسكوا

پس بشناسید برای ایشان فضل ایشانرا و پیروی کنید ایشانرا بر نشانهای ایشان و چنگ در زنید

بما استطعتم من اخلاقهم وسيرهم فانهم كانوا

بانچه توانید از خوی های ایشان و روشهای ایشان که بتحقیق بودند

على الهدى المستقيم رواه رزين وعن

بر راه راست رواه رزین و روایت از

انس رض انه قال قال رسول الله صلى الله عليه

انس رض بدرستیکه وی گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه

وسلم لا يؤمن احدكم حتى اكون احب اليه

وسلم ایمان نمی آرد یکے از شما تا آنکه باشم دوست داشته تر بسوے او

من نفسه وماله وولده ووالده والناس اجمعين

از جانش و از مالش و از فرزندش و پدرش و مردمان همه

رواه الشيخان واحمد والنسائي وابن ماجة

رواه شیخان و احمد و نسائی و ابن ماجه

٨٣

وَقِيلَ لِرَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَتَى أَكُونُ

وگفته شد مر پیغمبر خدا را صلی الله علیه وسلم که باشم

مُؤْمِنًا وَفِي لَفْظٍ آخَرَ مُؤْمِنًا صَادِقًا قَالَ إِذَا أَحْبَبْتَ

مومن ودر لفظ آخر مومن صادق گفت چون دوست داشته باشی

اللهَ فَقِيلَ وَمَتَى أُحِبُّ اللهَ فَقَالَ إِذَا أَحْبَبْتَ رَسُولَهُ

خدا را پس گفته شد وکی باشم که دوست دارم خدا پس فرمود چون دوست داشته باشی پیغمبر او را

فَقِيلَ وَمَتَى أُحِبُّ رَسُولَهُ قَالَ إِذَا اتَّبَعْتَ طَرِيقَتَهُ

پس گفته شد وکی دوست دارم پیغمبر او را فرمود چون پیروی کنی طریقه او را

وَاسْتَعْمَلْتَ سُنَّتَهُ وَأَحْبَبْتَ بِحُبِّهِ وَأَبْغَضْتَ بِبُغْضِهِ

وعمل کنی سنت او را ودوست داری بسبب دوستی او ودشمن داری بسبب دشمنی وی

وَوَالَيْتَ بِوَلَايَتِهِ وَعَادَيْتَ بِعَدَاوَتِهِ وَيَتَفَاوَتُ

ودوست شوی بدوستی وی وعداوت کنی بعداوت وی ومتفاوت اند

النَّاسُ فِي الْإِيمَانِ عَلَى قَدْرِ تَفَاوُتِهِمْ فِي مَحَبَّتِي

مردمان در ایمان بمقدار تفاوت ایشان در محبت من

ويتفاوتون في الكفر على قدر تفاوتهم في بعض الا

ومتفاوت میشوند در کفر بر اندازه تفاوت ایشان در بعض من آگاه باشید

لا ايمان لمن لا محبة له الا لا ايمان لمن لا محبة له

نیست ایمان مر آن شخص را که نیست محبت مر ورا آگاه باش نیست ایمان مر آنکس را که نیست محبت مر او را

الا لا ايمان لمن لا محبة له كذا في الدلائل وقيل

آگاه باش نیست ایمان مر آنکس را که نیست محبت آنرا چنین است در دلائل خیرات - و گفته شد

لرسول الله صلى الله عليه وسلم نرى مؤمنا يخشع و

مر پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم را می بینیم مومنی را که خوف میکند

مؤمنا لا يخشع ما السبب في ذلك فقال من وجد لايمانه

و مومنی را که خوف نمیکند چیست سبب در آنمیان پس گفت کسیکه یافت برای ایمان خود

حلاوة خشع ومن لم يجدها لم يخشع فقيل بم توجد

ذائقه خوف میکند و کسیکه نیافت آنرا خوف نمی کند پس گفته شد بچه یافته میشود آن حلاوت

او بم تنال وبما تكتسب قال بصدق الحب في الله فقيل

یا بچه حاصل کرده میشود و بچه کسب کرده میشود گفت براستی محبت در مقدمهٔ خدا پس گفته شد

وبم يوجد حب الله او بم يكتسب فقال بحب رسوله

و بچه یافته میشود محبت خدا یا بچه کسب کرده شود پس گفت بسبب محبت پیغمبر وی

فالتمسوا رضاء الله ورضاء رسوله في حبهما كذا في الدلائل

پس بجوئید رضای خدا و رضای پیغمبر او در محبت هردو چنانست در دلائل الخیرات

وقيل لرسول الله صلى الله عليه وسلم من آل محمد

وگفته شد مر پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم را کیستند آل محمد

الذين أمرنا بحبهم وإكرامهم والبرور بهم فقال

که امر کرده شده ایم به محبت ایشان و گرامی کردن ایشان و نیکوکاری کردن با ایشان پس گفت

أهل الصفاء والوفاء من آمن وأخلص فقيل وما علاماتهم

صاحب صفا و وفا آنکسان که ایمان آوردند و خالص کردند پس گفته شد و چیست نشانهای ایشان

فقال إيثار محبتي على كل محبوب واشتغال الباطن

پس گفت اختیار کردن محبت من بر همه دوست داشته شده و مشغول داشتن باطن خود را

بذكري بعد ذكر الله وفي أخرى علامتهم إدمان

بیاد کردن من پس از ذکر خدا و در روایت دیگر نشان ایشان دوام کردن

ذكري والإكثار من الصلوات علي دلائل وقيل

[illegible] است و گفته شد

لرسول الله صلى الله عليه وسلم من القوي في الإيمان

مر پیغمبر خدا را صلی الله علیه وسلم کیست قوی در ایمان آوردن

بك فقال من آمن بي ولم يرني فإنه مؤمن بي على

بتو پس فرمود کسیکه ایمان آرد بمن و ندیده مرا پس بدرستیکه وی مؤمن است بمن بر

شوق منه وصدق في محبتي وعلامة ذلك منه أنه

شوقیکه اوراست و بر صدق که در محبت من است و نشان آن از وی آنست که او

يود رؤيتي بجميع ما يملك وفي أخرى بملء الأرض

دوست میدارد دیدار مرا باتمام آنچه مالک شده است و در روایت دیگر بقدر ملء الارض

ذهبا ذلك المؤمن بي حقا كذا في الدلائل وقال

زر پاره است آنکس مؤمن است بامن حقیقة چنین است در دلائل و گفته است

٨٦



صَاحِبُ الْمَطَالِعِ فِي هٰذِهِ الْاَحَادِيْثِ الْاَرْبَعَةِ لَا

صاحب المطالع درین چهار حدیث

اَعْرِفُهَا وَلَمْ اَجِدْهَا كُتُبُ الْعِلْمِ اِنَّمَا يَخْشَى اللّٰهَ

نیشناسم ایشان را و نیافتم این هر چهار را جزاین نیست که میترسد خدا

مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمٰٓؤُا وَلَا تَعْجَلْ بِالْقُرْاٰنِ مِنْ قَبْلِ

عالمان از بندگان او و شتابی مکن بخواندن قرآن پیش از آنکه

اَنْ يُّقْضٰى اِلَيْكَ وَحْيُهُ وَقُلْ رَّبِّ زِدْنِيْ عِلْمًا

انجام رسانیده شود بسوی تو وحی او و بگو ای پروردگار من بیفزا مرا دانش

بَابُ مَا جَاءَ فِي فَضْلِ الْعِلْمِ

۸۷



وَالْعُلَمَاءِ وَعَنْ كَثِيرِ بْنِ قَيْسٍ قَالَ كُنْتُ

و روایت است از کثیر ابن قیس گفت بودم من

جَالِسًا مَعَ أَبِي الدَّرْدَاءِ فِي مَسْجِدِ دِمَشْقَ فَجَاءَهُ رَجُلٌ

نشسته با ابو درداء در مسجد دمشق پس آمد او را مردی

فَقَالَ يَا أَبَا الدَّرْدَاءِ إِنِّي جِئْتُكَ مِنْ مَدِينَةِ الرَّسُولِ

پس گفت ای ابا درداء بدرستیکه من آمده ام ترا از مدینه پیغمبر

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لِحَدِيثٍ بَلَغَنِي أَنَّكَ تُحَدِّثُهُ

صلی الله علیه و سلم جهت شنیدن حدیثی که رسیده است مرا که تو خبر میدهی از آن

عَنْ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا جِئْتُ لِحَاجَةٍ

از پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم نیامده ام از جهت حاجتی دیگر

قَالَ فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

گفت پس بدرستیکه من شنیده ام پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم را

يَقُولُ مَنْ سَلَكَ طَرِيقًا يَطْلُبُ فِيهِ عِلْمًا سَلَكَ اللهُ بِهِ

گفت کسیکه برود راه را که طلب کند در وی علمی ببرد خدا او را

طَرِيقًا مِنْ طُرُقِ الْجَنَّةِ وَإِنَّ الْمَلَائِكَةَ لَتَضَعُ أَجْنِحَتَهَا

براهی از راههای بهشت و بدرستیکه فرشتگان هر آئینه می نهند بازوهای خود را

رِضًا لِطَالِبِ الْعِلْمِ وَإِنَّ الْعَالِمَ يَسْتَغْفِرُ لَهُ مَنْ

بجهت رضامندی طالب علم و بدرستیکه عالم هر آئینه آمرزش میخواهد برای او هر که



إِلَى السَّمٰوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ وَالْحِيتَانُ فِي جَوْفِ الْمَاءِ

در آسمان است و هر که در زمین است و ماهیان در میان آب

وَإِنَّ فَضْلَ الْعَالِمِ عَلَى الْعَابِدِ كَفَضْلِ الْقَمَرِ لَيْلَةَ

و بدرستیکه فضیلت عالم بر عابد همچو فضل ماه شب

الْبَدْرِ عَلَى سَائِرِ الْكَوَاكِبِ وَإِنَّ الْعُلَمَاءَ وَرَثَةُ

چهاردهم است بر باقی همه کواکب و بدرستیکه عالمان وارثان

الْأَنْبِيَاءِ وَإِنَّ الْأَنْبِيَاءَ لَمْ يُوَرِّثُوا دِينَارًا وَلَا دِرْهَمًا

پیغمبران اند و بدرستیکه پیغمبران وارث نگردانیده دینار را و نه درهم را

وَإِنَّمَا وَرَّثُوا الْعِلْمَ فَمَنْ أَخَذَهُ أَخَذَ بِحَظٍّ وَافِرٍ رَوَاهُ

و نگذاشته اند بارث مگر علم را پس کسیکه گرفت علم را گرفت نصیبی تمام روا

أَحْمَدُ وَالتِّرْمِذِيُّ وَأَبُو دَاوُدَ وَابْنُ مَاجَةَ وَ

احمد و ترمذی و ابو داود و ابن ماجه و

الدَّارِمِيُّ وَسَمَّاهُ التِّرْمِذِيُّ قَيْسَ ابْنَ كَثِيرٍ

دارمی و نام وی را ترمذی به قیس ابن کثیر

وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ

و روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا مَاتَ الْإِنْسَانُ انْقَطَعَ عَنْهُ عَمَلُهُ

علیه و سلم چون بمیرد آدمی بریده شود از وی هر عملی که میکند

۸۹



إِلَّا مِنْ ثَلٰثَةٍ إِلَّا مِنْ صَدَقَةٍ جَارِيَةٍ أَوْ عِلْمٍ يُنْتَفَعُ

گر از سه عمل یکی از آن صدقه جاریه و یا علم که نفع گرفته شود

بِهٖ أَوْ وَلَدٍ صَالِحٍ يَدْعُوْ لَهٗ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنِ

بآن یا فرزند نیک کردار که دعا کند او را رواه مسلم و در روایت است

ابْنِ مَسْعُوْدٍ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

از ابن مسعود رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه

وَسَلَّمَ لَا حَسَدَ إِلَّا فِي اثْنَيْنِ رَجُلٌ آتَاهُ اللّٰهُ

وسلم نیست حسد مگر در دو کس مرد یکه داد او را خدا

مَالًا فَسَلَّطَهٗ عَلٰى هَلَكَتِهٖ فِي الْحَقِّ وَرَجُلٌ آتَاهُ اللّٰهُ

مال پس برگماشت وی را آنمرد را بر هلاک کردن آن مال در طاعت حق و مرد یکه داد او را خدا

الْحِكْمَةَ فَهُوَ يَقْضِيْ بِهَا وَيُعَلِّمُهَا مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ

حکمت پس آنمرد عمل میکند بدان و تعلیم میکند آنرا متفق علیه

وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ عَمْرٍو رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ

و روایت است از عبد الله بن عمرو رض گفت فرمود پیغمبر خدا

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بَلِّغُوْا عَنِّيْ وَلَوْ آيَةً

صلی الله علیه وسلم برسانید از من اگرچه آیتی باشد

وَحَدِّثُوْا عَنْ بَنِيْ إِسْرَائِيْلَ وَلَا حَرَجَ

و حکایت کنید از بنی اسرائیل و نیست گناه



وَمَنْ كَذَبَ عَلَيَّ مُتَعَمِّدًا فَلْيَتَبَوَّأْ مَقْعَدَهُ مِنَ النَّارِ

وهر که دروغ بربند و برمن قصدا پس باید که بگیرد جای نشست خود را از آتش

رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَعَنْهُ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ

روایت کرد بخاری رحمه از وی روایت هست گفت فرمود پیغمبر خدا

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ نَفَّسَ عَنْ مُؤْمِنٍ كُرْبَةً

صلی الله علیه وسلم کسیکه رهایش دهد و دور گرداند از مسلمانی اندوهی

مِنْ كُرَبِ الدُّنْيَا نَفَّسَ اللّٰهُ عَنْهُ كُرْبَةً مِنْ

از اندوه های دنیا رهایش دهد و دور گرداند خدا تعالی از آنکس اندوه را از

كُرَبِ يَوْمِ الْقِيٰمَةِ وَمَنْ يَسَّرَ عَلٰى مُعْسِرٍ يَسَّرَ اللّٰهُ عَلَيْهِ

اندوه های روز قیامت وکسیکه آسان گرداند کار بر تنگی در کاری افتاده آسان گرداند بر وی حق تعالی

فِي الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ وَمَنْ سَتَرَ مُسْلِمًا سَتَرَهُ اللّٰهُ فِي

در دنیا و آخرت وکسیکه بپوشد عیب مسلمانی را بپوشد او را خدا تعالی

الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ وَاللّٰهُ فِي عَوْنِ الْعَبْدِ مَا كَانَ الْعَبْدُ

در دنیا و آخرت و خدا تعالی در یاری کردن بنده است مادام که بنده

فِي عَوْنِ أَخِيْهِ وَمَنْ سَلَكَ طَرِيْقًا يَلْتَمِسُ فِيْهِ عِلْمًا سَهَّلَ اللّٰهُ

در یاری کردن برادر خود است وکسیکه برود در راهی طلب کند در وی علم را آسان گرداند حق تعالی

لَهُ بِهِ طَرِيْقًا إِلَى الْجَنَّةِ وَمَا اجْتَمَعَ قَوْمٌ فِي بَيْتٍ مِنْ بُيُوْتِ اللّٰهِ

مر او را بسبب آن طریقی بسوی بهشت و نه فراهم آیند گروهی در خانه از خانه های خدا



يتلون كتاب الله ويتدارسونه بينهم الا نزلت

که بخوانند قرآن را بطریق ورد و یا تعلیم کنند آنرا با یکدیگر مگر آنکه فرود آید بر ایشان

عليهم السكينة وغشيتهم الرحمة وحفتهم

آرام باطن و بپوشند ایشانرا رحمت و گرد بگیرند ایشانرا

الملائكة وذكرهم الله فيمن عنده ومن بطأ

فرشتگان و یاد میکند ایشانرا خدا تعالی در میان جمعی که نزد او اند و کسیکه

به عمله لم يسرع به نسبه رواه مسلم

پس اندازد او را عمل او پیش نکند او را [illegible] نسب او روایه مسلم

وعن ابي امامة الباهلي رض قال ذكر

روایت است از ابی امامه باهلی رض گفت ذکر کرده شد

لرسول الله صلى الله عليه وسلم رجلان

رسول خدا صلی الله علیه وسلم دو مرد یکی

احدهما عابد والآخر عالم فقال رسول الله

ازان دو مرد عابد و دیگر عالم پس فرمود پیغمبر خدا

صلى الله عليه وسلم فضل العالم على العابد

صلی الله علیه وسلم فضل عالم بر عابد

كفضلي على ادناكم ثم قال رسول الله صلى الله

همچو فضل من است بر ادنای شما پس فرمود پیغمبر خدا صلی الله

٩٢



عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِنَّ اللّٰهَ وَمَلٰئِكَتَهٗ وَاَهْلَ السَّمٰوٰتِ

علیه وسلم بدرستیکه خدای تعالی و فرشتگان او واسمانیان

وَالْاَرْضِ حَتَّى النَّمْلَةَ فِيْ جُحْرِهَا وَحَتَّى الْحُوْتَ لَيُصَلُّوْنَ

وزمینیان تا مورچه در سوراخ خود و تا ماهی هر آینه درود میفرستند

عَلٰى مُعَلِّمِ النَّاسِ الْخَيْرَ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ

بر تعلیم کنند خیر مردم را روایه ترمذی و در روایت است

اَبِيْ هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

از ابی هریره رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

اَلْكَلِمَةُ الْحِكْمَةُ ضَالَّةُ الْحَكِيْمِ فَحَيْثُ وَجَدَهَا فَهُوَ

سخن علم و حکمت چیز گم شده حکیم است پس هر جا که یافت آنکلمه را پس آن حکیم

اَحَقُّ بِهَا رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ

سزاوار تر است بآنکلمه روایه ترمذی و ابن ماجه و در روایت است

ابْنِ عَبَّاسٍ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

ابن عباس رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه

وَسَلَّمَ فَقِيْهٌ وَّاحِدٌ اَشَدُّ عَلَى الشَّيْطَانِ مِنْ اَلْفِ

وسلم یک فقیه سخت تر است بر شیطان از هزار

عَابِدٍ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ اَنَسٍ رض

عابد روایه ترمذی و ابن ماجه و در روایت است از انس رض

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم طلب العلم

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم طلب علم

فريضة على كل مسلم وواضع العلم عند غير أهله

فرض است بر هر مسلم ونهنده علم نزد کسیکه اهل آن نیست

كمقلد الخنازير الجوهر واللؤلؤ والذهب

همچو اندازنده است بگردن خوکان قلاده جواهر و مروارید و طلا

رواه ابن ماجة وروى البيهقي في شعب الإيمان

رواه ابن ماجه و روایت کرد بیهقی در شعب ایمان

إلى قوله مسلم وقال هذا حديث متنه مشهور

تا قول او که مسلم است و گفت این حدیث حدیثی است که مشهور شده متن

وإسناده ضعيف وقد روي من أوجه كلها ضعيف

در میان مردم و اسناد او ضعیف است و تحقیق روایت کرده شده است از وجوه طرق که همه ضعیف است

وعن أنس رض قال قال رسول الله صلى الله

و روایت است از انس رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله

عليه وسلم من خرج في طلب العلم فهو في سبيل

علیه وسلم کسیکه بیرون آمد برای طلب علم پس وی در راه

الله حتى يرجع رواه الترمذي والدارمي

خدا است تا هنگام بازگشتن رواه ترمذی و دارمی

تا هنگام باز آمدن بخانه چنانکه کسیکه جهاد با کفار برآید تا باز آمدن در راه خدا است و در حج نیز همچنین گفته اند

و آنروز که این حدیث روایت کرده بود ترسیده بود از هیبت در ترکشت و موی بر اندام او بالیستاده ... که در میان ... گفت

وَعَنْ سَخْبَرَةَ الْاَزْدِيِّ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ

و روایت است از سخبره ازدی رض گفت فرمود پیغمبر خدا

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ طَلَبَ الْعِلْمَ كَانَ كَفَّارَةً

صلی الله علیه وسلم هرکه طلب کند علم را باشد این طلب او کفارت

لِمَا مَضٰى رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَالدَّارِمِيُّ وَعَنْ اَبِيْ سَعِيْدٍ

گناهان را که گذشته است رواه ترمذی و دارمی و روایت است از ابی سعید

الْخُدْرِيِّ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

خدری رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

لَنْ يَّشْبَعَ الْمُؤْمِنُ مِنْ خَيْرٍ يَّسْمَعُهُ حَتّٰى يَكُوْنَ مُنْتَهَاهُ

هرگز سیر نمیگردد مومن از شنیدن سخن نیک تا آنکه باشد نهایت وی

الْجَنَّةُ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنِ ابْنِ مَسْعُوْدٍ قَالَ سَمِعْتُ

بهشت رواه ترمذی و روایت است از ابن مسعود رض گفت شنیدم

رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُوْلُ نَضَّرَ اللّٰهُ

پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم که میگفت تر و تازه گرداند خدای تعالی

٩٥

عوض است کرد که یا رسول الله صلی الله علیه وسلم من هرچه از زبان مبارک شنوم یاد میگیرم بعضی حدیث یاد می مانند رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود ...

إِمْرَءً سَمِعَ مِنَّا شَيْئًا فَبَلَّغَهُ كَمَا سَمِعَهُ فَرُبَّ مُبَلَّغٍ أَوْعَى لَهُ مِنْ

مرد یرا که شنید از ما چیزی را پس برسانید آنرا همچنانکه شنید آنرا پس بسا کسیکه رسانیده شود بوی نگاه دارنده تر از وی

سَامِعٍ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ عَوْفِ بْنِ مَالِكٍ الْأَشْجَعِيِّ

شنونده روایت کرد ترمذی و روایت است از عوف ابن مالک اشجعی رض

قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا يَقُصُّ

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم وعظ نمیگوید

إِلَّا أَمِيْرٌ أَوْ مَأْمُوْرٌ أَوْ مُخْتَالٌ رَوَاهُ أَبُوْ دَاوُدَ وَعَنْ

مگر حاکم یا کسیکه امر کرده است اورا حاکم یا مردی متکبر روایت کرد ابو داود و روایت است

أَبِيْ هُرَيْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ

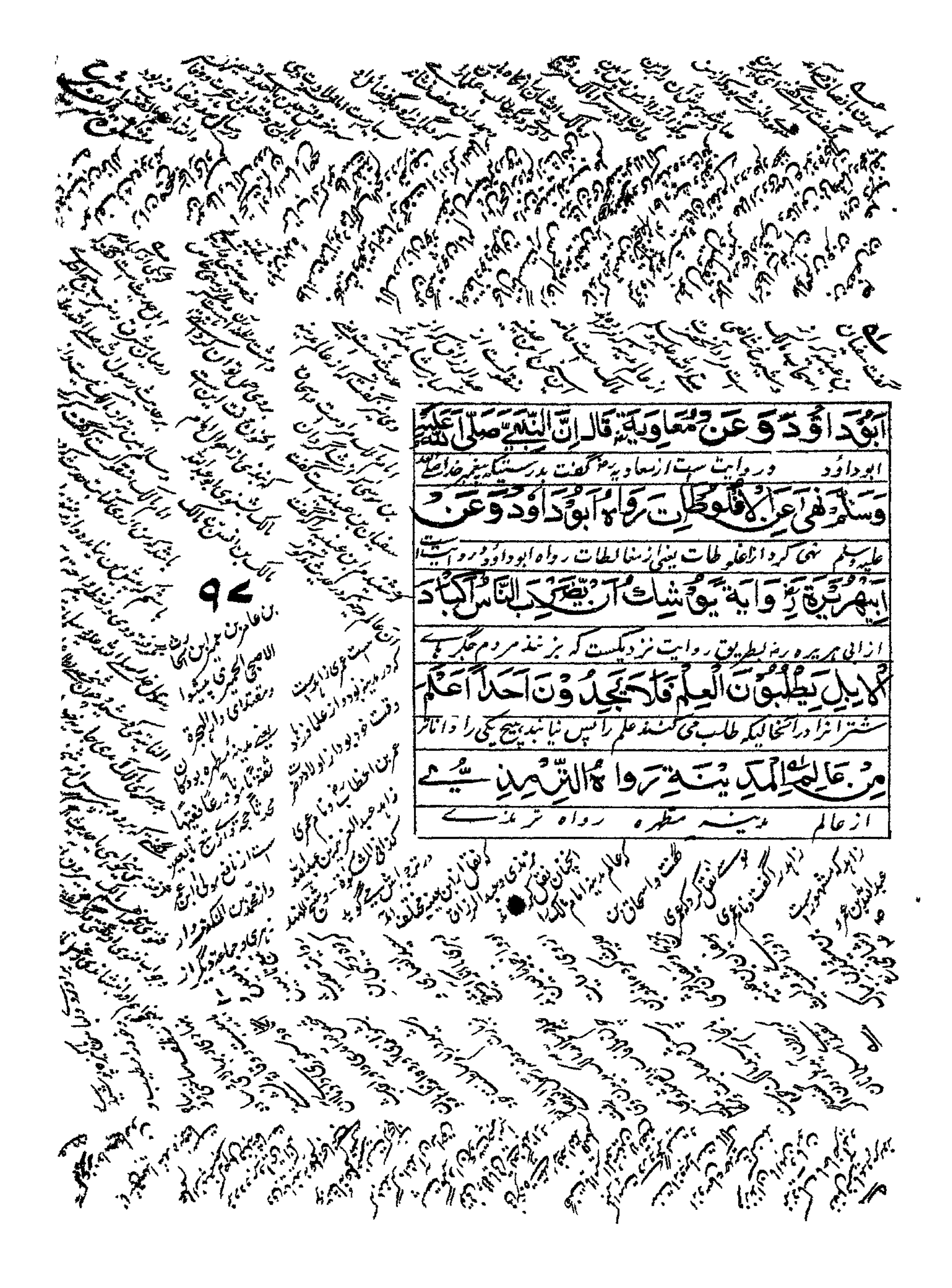
از ابی هریره رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی علیه و سلم کسیکه

أُفْتِيَ بِغَيْرِ عِلْمٍ كَانَ إِثْمُهُ عَلَى مَنْ أَفْتَاهُ وَمَنْ أَشَارَ عَلَى

فتوی داده شد بی دانش باشد گناه او بر کسیکه استفتا نمود و را و کسیکه امر کرد

أَخِيْهِ بِأَمْرٍ يَعْلَمُ أَنَّ الرُّشْدَ فِيْ غَيْرِهِ فَقَدْ خَانَهُ رَوَاهُ

برادر خود را بکاری که میداند آنکه صلاح کار در غیر آن کار است پس بتحقیق خیانت کرد او را روایت



ابوداود وعن معاوية قال ان النبي صلى الله عليه

ابوداود وروایت است از معاویه رض گفت بدرستیکه پیغمبر خدا صلی

وسلم نهى عن الاغلوطات رواه ابوداود وعن

علیه وسلم نهی کرد از اغلوطات یعنی از مغالطات رواه ابوداود وروایت است

ابي هريرة رواية يوشك ان يضرب الناس اكباد

از ابی هریره رض بطریق روایت نزدیکست که بزنند مردم جگرهای

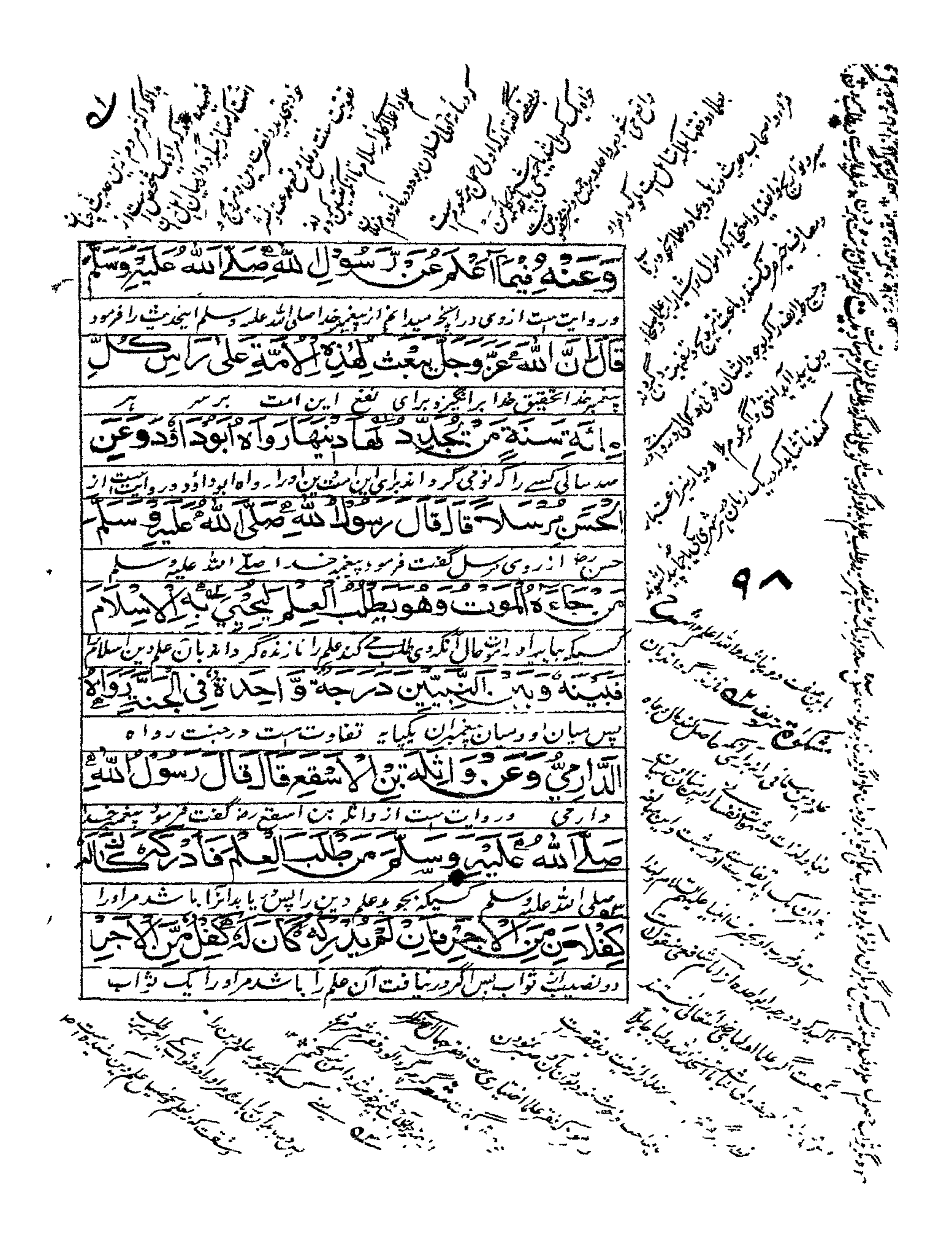
الابل يطلبون العلم فلا يجدون احدا اعلم

شتران را در اشتیاق کی طلب می کنند علم را پس نیابند هیچ یکی را داناتر

من عالم المدينة رواه الترمذي

از عالم مدینه مطهره رواه ترمذی

97



وعنه فيما اعلم عن رسول الله صلى الله عليه وسلم

و روایت است از وی در آنچه میدانم از پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم این حدیث را فرمود

قال ان الله عزوجل يبعث لهذه الامة على راس كل

پیغمبر خدا بتحقیق خدا برانگیزد برای نفع این امت بر سر هر

مائة سنة من يجدد لها دينها رواه ابوداؤد وعن

صد سالی کسی را که نو می گرداند برای این امت دین او را. رواه ابوداؤد و روایت است از

الحسن مرسلا قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

حسن رض از وی مرسل گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

من جاءه الموت وهو يطلب العلم ليحيي به الاسلام

کسیکه بیاید او را مرگ در حالیکه او می طلبد علم را تا زنده گرداند بآن علم دین اسلام

فبينه وبين النبيين درجة واحدة في الجنة رواه

پس میان او و میان پیغمبران یک پایه تفاوت است در جنت رواه

الدارمي وعن واثلة بن الاسقع قال قال رسول الله

دارمی و روایت است از واثله بن اسقع رض گفت فرمود پیغمبر خدا

صلى الله عليه وسلم من طلب العلم فادركه كان له

صلی الله علیه وسلم کسیکه بجوید علم دین را پس یابد آنرا باشد مر او را

كفلان من الاجر فان لم يدركه كان له كفل من الاجر

دو نصیب از ثواب پس اگر در نیابد آن علم را باشد مر او را یک ثواب

رَوَاهُ الدَّارِمِيُّ وَعَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ

روایت کرد دارمی و روایت ست از ابی ہریرہ رضا گفت فرمود پیغمبر خدا

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِنَّ مِمَّا يَلْحَقُ الْمُؤْمِنَ مِنْ عَمَلِهٖ

صلی اللہ علیہ وسلم بدرستیکہ از آنچه میرسد مسلمانرا از ثواب کردار وے

وَحَسَنَاتِهٖ بَعْدَ مَوْتِهٖ عِلْمًا عَلَّمَهٗ وَنَشَرَهٗ وَوَلَدًا

واز نیکیهای وے بعد از مرگ وے علمے کہ آموخت است اورا و پراگنده کرد آن را و فرزندے

صَالِحًا تَرَكَهٗ اَوْ مُصْحَفًا وَرَّثَهٗ اَوْ مَسْجِدًا بَنَاهُ اَوْ بَيْتًا

نیک کردار کہ گذاشت اورا یا مصحفے کہ بارث گذاشت اورا یا مسجدے کہ بنا کرد اورا یا خانہ

لِابْنِ السَّبِيْلِ بَنَاهُ اَوْ نَهْرًا اَجْرَاهُ اَوْ صَدَقَةً اَخْرَجَهَا

کہ برای مسافران بنا کرده ست یا نہرے کہ روان ساخت آنرا یا صدقه کہ بیرون آورد آنرا

مِنْ مَالِهٖ فِيْ صِحَّتِهٖ وَحَيَاتِهٖ تَلْحَقُهٗ بَعْدَ مَوْتِهٖ

از مال خود در زمان تندرستی خود و در حیات خود میرسد ثواب این چیزها آن مسلمان را پس مرگ او

رَوَاهُ ابْنُ مَاجَهْ وَالْبَيْهَقِيُّ فِيْ شُعَبِ الْاِيْمَانِ

روایت کرد ابن ماجه و بیهقی در شعب الایمان

وَعَنْ عَائِشَةَ رض اَنَّهَا قَالَتْ سَمِعْتُ رَسُوْلَ اللّٰهِ

و روایت ست از عائشه رض بدرستیکه گفت شنیدم من آنحضرت را

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُوْلُ اِنَّ اللّٰهَ عَزَّ وَجَلَّ اَوْحٰى اِلَيَّ

صلی اللہ علیہ وسلم میگفت بدرستیکه خدا تعالی وحی کرد بسوے من

آتيه من سلك مسلكا في طلب العلم سهلت له طريق

هر که برود راهی در طلب علم آسان گردانم مر او را راه

الجنة ومن سلبت كريمتيه أثبته عليهما الجنة وفضل

بهشت وکسیکه بربایم من هر دو چشم او را ثواب دهم او را در مقابله دو چشم بهشت و زیادتی

في علم خير من فضل في عبادة وملاك الدين الورع

در علم بهتر است از زیادتی در عبادت و سبب استحکام و قوت دین ورع و تقوی است

رواه البيهقي في شعب الايمان وعن ابن عباس رض

روایت کرد بیهقی در شعب الایمان و روایت است از ابن عباس رض

قال تدارس العلم ساعة من الليل خير من احيائها

گفت درس گفتن علم یک ساعت از شب بهتر است از زنده گردانیدن تمام شب

رواه الدارمي وعن عبد الله بن عمرو رض أن

روایت کرد دارمی و روایت است از عبد الله بن عمرو رض که

رسول الله صلى الله عليه وسلم مر بمجلسين في مسجده

پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم گذشت بدو مجلس در مسجد شریف خود

فقال كلاهما على خير وأحدهما أفضل من صاحبه أما

پس فرمود آن حضرت اهل هر دو مجلس ثابت اند بر نیکی و یکی از آن دو اهل مجلس فاضلتر است از دیگر اما

هؤلاء فيدعون الله ويرغبون اليه فإن شاء

این جماعت مشغول اند بدعا پس میخوانند خدا را و رغبت می کنند بسوی او پس اگر میخواهد

أعطاهم وإن شاء منعهم وأما هؤلاء فيتعلمون

میدهد ایشان را و اگر میخواهد منع کند ایشان را و اما اینها پس مشغول اند بمذاکره

الفقه او العلم ويعلمون الجاهل فهم أفضل

فقه را یا علم را و می آموزند نادان را پس ایشان فاضلتر اند

100

وَإِنَّمَا بُعِثْتُ مُعَلِّمًا ثُمَّ جَلَسَ فِيهِمْ رَوَاهُ الدَّارِمِيُّ وَعَنْ أَبِي

و جز این نیست که فرستاده شده ام من مگر آموزنده علم را پس نشست آنحضرت در میان آن قوم رواه دارمی و روایت است از ابی

الدَّرْدَاءِ قَالَ سُئِلَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا حَدُّ الْعِلْمِ الَّذِي

درداء رضی الله عنه گفت پرسیده شد از آن حضرت صلی الله علیه وسلم که چیست نهایت علمی که

إِذَا بَلَغَهُ الرَّجُلُ كَانَ فَقِيهًا فَقَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

چون برسد مرد بآن مرتبه را باشد در اعداد فقها پس فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

مَنْ حَفِظَ عَلَى أُمَّتِي أَرْبَعِينَ حَدِيثًا فِي أَمْرِ دِينِهَا بَعَثَهُ اللهُ فَقِيهًا

کسیکه یاد کرد و برساند بر امت من چهل حدیث از کار دین ایشان برانگیزد خدا تعالی او را در زمره فقها

وَكُنْتُ لَهُ يَوْمَ الْقِيمَةِ شَافِعًا وَشَهِيدًا وَعَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ

و باشم من او را روز قیامت شفاعت کننده و گواهی دهنده و روایت است از انس ابن مالک

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هَلْ تَدْرُونَ مَنْ أَجْوَدُ

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم آیا می دانید که کیست زیاده تر

جُودًا قَالُوا اللهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ قَالَ اللهُ تَعَالَى أَجْوَدُ جُودًا ثُمَّ أَنَا

از روی جود و کرم گفتند صحابه خدا و رسول خدا دانا تر است گفت کامل تر از روی جود خدا تعالی است پس تر من

أَجْوَدُ بَنِي آدَمَ وَأَجْوَدُهُمْ مِنْ بَعْدِي رَجُلٌ عَلِمَ عِلْمًا فَنَشَرَهُ

جواد ترم از میان آدمیان جواد ترین نوع انسان بعد از من مردیست که حاصل کرد علم را پس نشر کرد علم را

يَأْتِي يَوْمَ الْقِيمَةِ أَمِيرًا وَحْدَهُ أَوْ قَالَ أُمَّةً وَاحِدَةً وَعَنْهُ

می آید روز قیامت تنها مانند امیری که همراه او تابعان باشند یا گفت راوی مانند امت واحده و روایت است از وی

أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ مَنْهُومَانِ لَا يَشْبَعَانِ

بدرستیکه پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم فرمود دو حریص سیر نمی شوند

مَنْهُومٌ فِي الْعِلْمِ لَا يَشْبَعُ مِنْهُ وَمَنْهُومٌ فِي الدُّنْيَا لَا يَشْبَعُ

یکی حریص در علم سیر نمی شود از تحصیل علم و حریص در دنیا سیر نمی شود

مِنْهَا رَوَى الْبَيْهَقِيُّ الْأَحَادِيثَ الثَّلٰثَةَ فِي شُعَبِ الْإِيمَانِ وَقَالَ

ازان روایت کرد بیہقی این ہر سہ احادیث را در شعب الایمان و گفت

قَالَ الْإِمَامُ أَحْمَدُ فِي حَدِيثِ أَبِي الدَّرْدَاءِ هٰذَا مَتْنٌ مَشْهُورٌ فِيمَا

کہ گفت امام احمد در حدیث ابی درداء متن ایں حدیث مشہور است درمیان

بَيْنَ النَّاسِ وَلَيْسَ لَهُ إِسْنَادٌ صَحِيحٌ وَعَنْ عَوْنٍ قَالَ قَالَ عَبْدُ اللهِ

مردم و نیست مرویرا اسناد صحیح و روایت است از عون گفت گفت عبداللہ

بْنُ مَسْعُودٍ مَنْهُومَانِ لَا يَشْبَعَانِ صَاحِبُ الْعِلْمِ وَصَاحِبُ الدُّنْيَا

ابن مسعود دو حریص سیری نشوند اہل علم و اہل دنیا

وَلَا يَسْتَوِيَانِ أَمَّا صَاحِبُ الْعِلْمِ فَيَزْدَادُ رِضًا لِلرَّحْمٰنِ وَأَمَّا

و برابر نیستند این ہر دو اما صاحب علم پس زیادہ میکند خوشنودی خدای مہربان را ولیکن

صَاحِبُ الدُّنْيَا فَيَتَمَادَى فِي الطُّغْيَانِ ثُمَّ قَرَأَ عَبْدُ اللهِ كَلَّا إِنَّ

صاحب دنیا پس شدیت میرود در سرکشی باز خواند عبداللہ این آیۃ را حقا ہر آئینہ

الْإِنْسَانَ لَيَطْغٰى أَنْ رَآهُ اسْتَغْنٰى قَالَ وَقَالَ الْآخَرُ

آدمی از حد میگذرد وقتیکہ می بیند خود را توانگر شدہ گفت و گفت بار دیگر

إِنَّمَا يَخْشَى اللهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ رَوَاهُ الدَّارِمِيُّ وَعَنْهُ

جز این نیست کہ می ترسند از خدا عالمان از بندگان او رواہ دارمی و مرویست از وی

مُرْسَلًا قَالَ سُئِلَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنْ رَجُلَيْنِ

از وی مرسل گفت پرسیدہ شد پیغامبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم از حال دو مرد

كَانَا فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ أَحَدُهُمَا كَانَ عَالِمًا يُصَلِّي الْمَكْتُوبَةَ ثُمَّ

بودند در فرزندان یعقوب یکے ازان دو مرد بود عالم کہ میگذارد نماز فرض را پستر

يَجْلِسُ فَيُعَلِّمُ النَّاسَ الْخَيْرَ وَالْآخَرُ يَصُومُ النَّهَارَ وَيَقُومُ

می نشست پس می آموخت مردم را علم و دیگر روزہ میداشت بروز و نماز میگذارد

الليل ايهما افضل قال رسول الله صلى الله عليه وسلم فضل هذا

درشب کدام یکے ازین دو مرد فاضلترست فرمود پیغمبر خدا صلے الله علیه و سلم زیادتی ثواب این

العالم الذي يصلي المكتوبة ثم يجلس فيعلم الناس الخير على

عالم که صفتش اینست که میگذارد نماز فرض را پستر می نشست و تعلیم میکرد مردم را علم بران

العابد الذي يصوم النهار ويقوم الليل كفضلي على ادناكم

مرد عابد که روزه میداشت بروز و نماز میگذارد بشب همچو فضل من ست بر مردیکه پست پایه ترست از شما

رواه الدارمي باب ما جاء في علم بلا عمل وشرار العلماء

روایت کرد [illegible] باب [illegible] وارد شده است در علم بلا عمل و بدترین علماء

افر[illegible] اتخذ الهه هواه واضله الله على علم وختم

آیا دیدی [illegible] ست خواهش نفس خود را و گمراه کرد او را خدا با وجود دانش و مهر نهاد

على [illegible] وجعل على بصره غشاوة فمن يهديه من

بر گوش او و دل او و پیدا کرد بر چشم او پرده پس کیست که راه نماید او را

بعد الله افلا تذكرون ۵ اتامرون الناس بالبر وتنسون

بعد از خدا آیا پند نمی گیرید آیا میفرمائید مردمان را بنکوکاری و فراموش میکنید

انفسكم وانتم تتلون الكتاب افلا تعقلون وعن ابي هريرة

خویشتن را و شما میخوانید کتاب آیا نمی فهمید و روایت است از ابی هریره رض

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم مثل علم لا ينتفع به

گفت فرمود پیغمبر خدا صلے الله علیه وسلم مثال علمے که نفع گرفته نمی شود بو

كمثل كنز لا ينفق منه في سبيل الله رواه احمد والدارمي

همچو حال گنجے است که داده نمی شود از وی در راه خدا رواه احمد و دارمی

وعن علي قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم يوشك

و روایت است از علی رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلے الله علیه وسلم نزدیک است

أَنْ يَأْتِيَ عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ لَا يَبْقَى مِنَ الْإِسْلَامِ إِلَّا اسْمُهُ

که بیاید بر مردم روزگاری که باقی نماند از دین مگر نام او

وَلَا يَبْقَى مِنَ الْقُرْآنِ إِلَّا رَسْمُهُ مَسَاجِدُهُمْ عَامِرَةٌ وَهِيَ خَرَابٌ

و باقی نماند از قرآن مگر آئین وی مسجدهای ایشان آباد است و حال آنکه آن مسجدها ویران

مِنَ الْهُدَى عُلَمَاءُهُمْ شَرٌّ مِنْ تَحْتِ أَدِيمِ السَّمَاءِ مِنْ عِنْدِهِمْ

از هدایت دانشمندان ایشان بدترین مردم اند که زیر آسمان اند از نزد ایشان

تَخْرُجُ الْفِتْنَةُ وَفِيهِمْ تَعُودُ رَوَاهُ الْبَيْهَقِيُّ فِي شُعَبِ الْإِيمَانِ

بیرون می آید فتنه و باز هم در ایشان باز میگردد روایت کرد بیهقی در شعب ایمان این حدیث را

وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

و مروی است از ابی هریره رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

تَعَوَّذُوا بِاللهِ مِنْ جُبِّ الْحُزْنِ قَالُوا يَا رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ

پناه جوئید بخدا از جب حزن گفتند ای پیغمبر خدا صلی الله علیه

وَسَلَّمَ وَمَا جُبُّ الْحُزْنِ قَالَ وَادٍ فِي جَهَنَّمَ يَتَعَوَّذُ مِنْهُ جَهَنَّمُ كُلَّ

وسلم و چیست جب حزن فرمود وادی است در دوزخ پناه میجوید از وی دوزخ هر

يَوْمٍ أَرْبَعَ مِائَةِ مَرَّةٍ قِيلَ يَا رَسُولَ اللهِ وَمَنْ يَدْخُلُهَا قَالَ

روز چهار صد مرتبه گفته شد ای پیغمبر خدا که می درآید آنرا فرمود

الْقُرَّاءُ الْمُرَاءُونَ بِأَعْمَالِهِمْ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَكَذَا ابْنُ مَاجَةَ

قرآن خوانندگان ریا کنندگان بعملهای خود رواه ترمذی و همچنین ابن ماجه

وَزَادَ فِيهِ وَإِنَّ مِنْ أَبْغَضِ الْقُرَّاءِ إِلَى اللهِ الَّذِينَ يَزُورُونَ الْأُمَرَاءَ

و زیاده کرد در آن حدیث این کلام را و بدرستیکه از جمله دشمن داشته شده ترین قراء بسوی خدا آن کسان اند که ملاقات میکنند امرا را

قَالَ الْمُحَارِبِيُّ يَعْنِي الْجَوَرَةَ وَعَنِ الْحَسَنِ قَالَ الْعِلْمُ عِلْمَانِ

گفت محاربی مراد به امرا جابران اند و روایت است از حسن رض گفت علم دو علم است

فَعِلْمٌ فِي الْقَلْبِ فَذَاكَ الْعِلْمُ النَّافِعُ وَعِلْمٌ عَلَى اللِّسَانِ فَذَاكَ حُجَّةُ

پس یک علم علمی ست که در دل ست پس آن علمی ست سودمند و دیگر علمی ست که بر سر زبانست پس این علم حجت

اللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى ابْنِ اٰدَمَ رَوَاهُ الدَّارِمِيُّ وَعَنْ زِيَادِ بْنِ

خداست بر آدمیان که بدان الزام خواهد داد ابن آدم را رواه الدارمی و در روایت ست از زیاد ابن

حُدَيْرٍ قَالَ لِي عُمَرُ رض هَلْ تَعْرِفُ مَا يَهْدِمُ الْاِسْلَامَ قُلْتُ لَا قَالَ

حدیر که گفت مرا عمر رض آیا می شناسی چه چیز می شکند بنای اسلام را گفتم نمی شناسم گفت عمر

يَهْدِمُهُ زَلَّةُ الْعَالِمِ وَجِدَالُ الْمُنَافِقِ بِالْكِتَابِ وَحُكْمُ الْاَئِمَّةِ

می شکند بنای اسلام را لغزیدن عالم و نزاع منافقان بکتاب خدا و حکم کردن امرا و جور

الْمُضِلِّيْنَ رَوَاهُ الدَّارِمِيُّ وَعَنْ اَبِي الدَّرْدَاءِ رض قَالَ اِنَّ مِنْ

که گمراه کنندگان خلق اند رواه دارمی و مرویست از ابی درداء گفت بدرستیکه از جمله

اَشَرِّ النَّاسِ عِنْدَ اللّٰهِ مَنْزِلَةً يَوْمَ الْقِيٰمَةِ عَالِمٌ لَا يَنْتَفِعُ بِعِلْمِهِ رَوَاهُ

بدترین مردمان نزد خدای تعالی از روی مرتبه روز قیامت عالمی ست که فایده نمیگیرد از علم خود رواه

الدَّارِمِيُّ وَعَنِ الْاَحْوَصِ بْنِ حَكِيْمٍ عَنْ اَبِيْهِ قَالَ سَاَلَ رَجُلٌ النَّبِيَّ

دارمی و در روایت ست از احوص بن حکیم از پدر خود که گفت پرسید مردی پیغمبر خدا را

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنِ الشَّرِّ فَقَالَ لَا تَسْاَلُوْنِيْ عَنِ الشَّرِّ وَسَلُوْنِيْ

صلی الله علیه وسلم از بدی پس فرمود مپرسید مرا از شر و بپرسید مرا

عَنِ الْخَيْرِ يَقُوْلُهَا ثَلٰثًا ثُمَّ قَالَ اَلَا اِنَّ شَرَّ الشَّرِّ شِرَارُ الْعُلَمَاءِ وَاِنَّ

از خیر فرمود این کلمه را سه بار بیشتر فرمود بدانید که بدرستی بدترین بدان بدان علما اند و بدرستی که

خَيْرَ الْخَيْرِ خِيَارُ الْعُلَمَاءِ رَوَاهُ الدَّارِمِيُّ وَعَنْ سُفْيَانَ اَنَّ عُمَرَ بْنَ

نیکترین نیکان نیکان علما اند رواه دارمی و مرویست از سفیان بدرستی که عمر ابن

الْخَطَّابِ رض قَالَ لِكَعْبٍ مَنْ اَرْبَابُ الْعِلْمِ قَالَ الَّذِيْنَ يَعْمَلُوْنَ بِمَا يَعْلَمُوْنَ

خطاب رض گفت مر کعب را که کیستند خداوندان علم گفت آنکسان اند که عمل میکنند بانچه علم دارند

قَالَ فَمَا اَخْرَجَ الْعِلْمَ مِنْ قُلُوْبِ الْعُلَمَاءِ قَالَ الطَّمَعُ رَوَاهُ الدَّارِمِيُّ

گفت پس چه چیز بیرون می کند علم را از دلهای علماء گفت طمع بیرون کند رواه دارمی

وَعَنِ الْاَعْمَشِ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اٰفَةُ الْعِلْمِ

و روایت از اعمش رح گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم آفت علم

النِّسْيَانُ وَاِضَاعَتُهُ اَنْ تُحَدِّثَ بِهِ غَيْرَ اَهْلِهِ رَوَاهُ الدَّارِمِيُّ مُرْسَلًا

فراموشی است و ضائع کردن علم آنست که حدیث کنی علم را بغیر اهل علم رواه دارمی بطریق مرسل

وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ مَسْعُوْدٍ قَالَ لَوْ اَنَّ اَهْلَ الْعِلْمِ صَانُوا الْعِلْمَ

و روایت است از عبد الله ابن مسعود رض گفت اگر بودے که اهل علم نگاه میداشتند علم را

وَوَضَعُوْهُ عِنْدَ اَهْلِهِ لَسَادُوْا بِهِ اَهْلَ زَمَانِهِمْ وَلٰكِنَّهُمْ بَذَلُوْهُ

و می نهادند علم را نزد اهل آن هر آئینه مهتری می شدند بسبب علم اهل زمان خود را و لیکن اهل علم در باختند علم را

لِاَهْلِ الدُّنْيَا لِيَنَالُوْا بِهِ مِنْ دُنْيَاهُمْ فَهَانُوْا عَلَيْهِمْ سَمِعْتُ نَبِيَّكُمْ

مر اهل دنیا را تا بیابند بدان علم چیزے از دنیای ایشان پس خوار شدند نزد اهل دنیا شنیدم پیغمبر شما را

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُوْلُ مَنْ جَعَلَ الْهُمُوْمَ هَمًّا وَاحِدًا هَمَّ اٰخِرَتِهِ

صلی الله علیه وسلم میفرمود کسے که بگرداند قصدهای خود یک قصد که قصد آخرت است

كَفَاهُ اللّٰهُ هَمَّ دُنْيَاهُ وَمَنْ تَشَعَّبَتْ بِهِ الْهُمُوْمُ اَحْوَالَ الدُّنْيَا

بسنده کند او را خدا اندیشه مقصود دنیای وی را و کسے که پریشان گرداند او را قصدهای او که احوال دنیا است

لَمْ يُبَالِ اللّٰهُ فِيْ اَيِّ اَوْدِيَتِهَا هَلَكَ رَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ

باک و پروا ندارد خدا که در کدام یکے از وادیهای دنیا هلاک گردد رواه ابن ماجه و روایت است از

ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِنَّ اُنَاسًا

ابن عباس رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم بدرستیکه بعض مردم

مِنْ اُمَّتِيْ سَيَتَفَقَّهُوْنَ فِي الدِّيْنِ وَيَقْرَءُوْنَ الْقُرْاٰنَ وَيَقُوْلُوْنَ

از امت من نزدیک باشد که فقیه شوند در دین و خوانند قرآن را و بگویند

نَأْتِي الْأُمَرَاءَ فَنُصِيبُ مِنْ دُنْيَاهُمْ وَنَعْتَزِلُهُمْ بِدِينِنَا وَلَا يَكُونُ

می آییم امرا را پس میرسیم چیزے از دنیای ایشان و گوشه میگیریم از ایشان با دین خود و نمی شود

ذٰلِكَ كَمَا لَا يُجْتَنٰى مِنَ الْقَتَادِ إِلَّا الشَّوْكُ كَذٰلِكَ لَا يُجْتَنٰى مِنْ قُرْبِهِمْ

آن چنانکه چیده نمی شود از درخت خاردار مگر خار همچنین حاصل نمی شود از قرب امرا

إِلَّا قَالَ مُحَمَّدُ بْنُ الصَّبَّاحِ كَأَنَّهُ يَعْنِي الْخَطَايَا رَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ وَعَنْهُ

مگر گفت محمد بن صباح گویا میخواهد ازان گناهان را رواه ابن ماجه و در روایتست ازو

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ أَوَّلَ النَّاسِ يُقْضٰى عَلَيْهِ

گفت فرمود پیغامبر خدا صلے الله علیه وسلم بدرستیکه نخستین مردیکه حکم کرده شود بروے

يَوْمَ الْقِيٰمَةِ رَجُلٌ اسْتُشْهِدَ فَأُتِيَ بِهِ فَعَرَّفَهُ نِعَمَهُ فَعَرَفَهَا فَقَالَ

روز قیامت مردیست که کشته شده در راه خدا پس آورده میشود پس شناساند خدا مر آنرا نعمتهای خود را پس شناسد پس گفت خدا اپس

فَمَا عَمِلْتَ فِيهَا قَالَ قَاتَلْتُ فِيكَ حَتّٰى اسْتُشْهِدْتُ قَالَ كَذَبْتَ

با مرد پس بگو چه عمل کردی در شکر این نعمت بگوید آن مرد کارزار کردم براے تو تا آنکه کشته شدم میگوید خدا دروغ گفتی

وَلٰكِنَّكَ قَاتَلْتَ لِأَنْ يُقَالَ جَرِيءٌ فَقَدْ قِيلَ ثُمَّ أُمِرَ بِهِ فَسُحِبَ

و لیکن تو کارزار کردی براے اینکه گفته شود که فلان دلیرست پس تحقیق گفته شد پس امر کرده شود بجهت وے پس کشیده شود

عَلٰى وَجْهِهِ حَتّٰى أُلْقِيَ فِي النَّارِ وَرَجُلٌ تَعَلَّمَ الْعِلْمَ وَعَلَّمَهُ وَقَرَأَ

بر روے خود تا آنکه انداخته شود در آتش دوزخ و دیگر مردیکه آموخت علم را و آموزانید آنرا و خواند

الْقُرْاٰنَ فَأُتِيَ بِهِ فَعَرَّفَهُ نِعَمَهُ فَعَرَفَهَا قَالَ فَمَا عَمِلْتَ فِيهَا قَالَ

قرآن را پس آورده شود او را پس شناساند او را خدا نعمتها خود پس شناسد آن نعمتها را بگو بعد از پس چه کار کردی در شکر این نعمتها میگوید آن مرد

تَعَلَّمْتُ الْعِلْمَ وَعَلَّمْتُهُ وَقَرَأْتُ فِيكَ الْقُرْاٰنَ قَالَ كَذَبْتَ وَلٰكِنَّكَ

آموختم علم را و آموزانیدم آنرا و خواندم قرآن را در رضاے تو میگوید خدا تعالے دروغ گفتی و لیکن تو

تَعَلَّمْتَ الْعِلْمَ لِيُقَالَ إِنَّكَ عَالِمٌ وَقَرَأْتَ الْقُرْاٰنَ لِيُقَالَ هُوَ قَارِئٌ

علم آموختی تا اینکه گفته شود بتحقیق که تو عالمی و خواندی قرآن را تا بگویند مردم که فلان خواننده قرآنست

فَقَدْ قِيلَ ثُمَّ أُمِرَ بِهِ فَسُحِبَ عَلَى وَجْهِهِ حَتَّى أُلْقِيَ فِي النَّارِ وَرَجُلٌ وَسَّعَ

پس تحقیق گفته شد پس امر کرده شود بجهت وے پس کشیده شود بر روی وی تا آنکه انداخته شود در دوزخ و دیگر مردیکه فراخ گردانیده است

اللّٰهُ عَلَيْهِ الرِّزْقَ وَأَعْطَاهُ مِنْ أَصْنَافِ الْمَالِ كُلِّهِ فَأُتِيَ بِهِ فَعَرَّفَهُ نِعَمَهُ

خدا بروی روزی و داده است او را از گونه ها اموال همه مال پس آورده شود او را پس شناسانید خدا او را نعمت های خود

فَعَرَفَهَا قَالَ فَمَا عَمِلْتَ فِيهَا قَالَ مَا تَرَكْتُ مِنْ سَبِيلٍ تُحِبُّ أَنْ يُنْفَقَ

پس شناسد آن نعمت ها را میگوید پس چه عمل کردی در شکر این نعمت میگوید نگذاشتم هیچ راهی را که دوست داری تو که صرف کرده شود

فِيهَا إِلَّا أَنْفَقْتُ فِيهَا لَكَ قَالَ كَذَبْتَ وَلٰكِنَّكَ فَعَلْتَ لِيُقَالَ هُوَ

در آن مگر آنکه صرف کردم در آن برضای تو میگوید خدا تعالی دروغ گفتی و لیکن تو کردی این کار تا که گفته شود که او

جَوَادٌ فَقَدْ قِيلَ ثُمَّ أُمِرَ بِهِ فَسُحِبَ عَلَى وَجْهِهِ ثُمَّ أُلْقِيَ فِي النَّارِ رَوَاهُ

سخی است پس تحقیق گفته شد پس امر کرده شود بجهت وے پس کشیده شود بر روی خود پس انداخته شود در دوزخ رواه

مُسْلِمٌ وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ عَمْرٍو قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

مسلم و روایت است از عبد الله بن عمرو رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه

وَسَلَّمَ إِنَّ اللّٰهَ لَا يَقْبِضُ الْعِلْمَ انْتِزَاعًا يَنْتَزِعُهُ مِنَ الْعِبَادِ وَلٰكِنْ يَقْبِضُ

وسلم بدرستیکه خدا نمی گیرد علم را بطریق کشیدن که بکشد آنرا از دست بندگان و لیکن باز میگیرد

الْعِلْمَ بِقَبْضِ الْعُلَمَاءِ حَتَّى إِذَا لَمْ يُبْقِ عَالِمًا اتَّخَذَ النَّاسُ رُءُوسًا

علم را بمیرانیدن علما تا آنکه چون باقی نگذارد هیچ عالمی را میگیرند مردم سران

جُهَّالًا فَسُئِلُوا فَأَفْتَوْا بِغَيْرِ عِلْمٍ فَضَلُّوا وَأَضَلُّوا مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ

جهال را پس پرسیده شوند پس فتوی دهند بغیر علم پس گمراه شوند خود و دیگران را گمراه کنند متفق علیه و روایت است از

أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ سُئِلَ عَنْ عِلْمٍ

ابی هریره رض گفت فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه پرسیده شود از علمی

عَلِمَهُ ثُمَّ كَتَمَهُ أُلْجِمَ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ بِلِجَامٍ مِنْ نَارٍ رَوَاهُ أَحْمَدُ

که میداند آنرا پس پوشیده آنرا لگام کرده شود در دهن او روز قیامت از آتش دوزخ رواه احمد

وَأَبُو دَاوُدَ وَالتِّرْمِذِيُّ وَرَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ عَنْ أَنَسٍ وَعَنْ كَعْبِ بْنِ

و ابوداود و ترمذی و رواه ابن ماجه از انس رض و روایت از کعب ابن

مَالِكٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ طَلَبَ الْعِلْمَ لِيُجَارِيَ بِهِ

مالک رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه طلب کند علم را تا که همراهی کند علما را

الْعُلَمَاءَ أَوْ لِيُمَارِيَ بِهِ السُّفَهَاءَ أَوْ يَصْرِفَ بِهِ وُجُوهَ النَّاسِ إِلَيْهِ أَدْخَلَهُ

بآن یا آنکه جدال کند بآن علم جاهلان را یا بگرداند بآن علم روی های مردم بسوی خود درآورد او را

اللهُ النَّارَ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَرَوَى ابْنُ مَاجَةَ عَنِ ابْنِ عُمَرَ وَعَنِ

خدا در آتش دوزخ رواه ترمذی و روایت کرد ابن ماجه از ابن عمر رض و روایت از

ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ قَالَ فِي الْقُرْآنِ

ابن عباس رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم هرکه بگوید در قرآن بتفسیر

بِرَأْيِهِ فَلْيَتَبَوَّأْ مَقْعَدَهُ مِنَ النَّارِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ

از قیاس خود پس باید که بگیرد جای نشست خود را از آتش رواه ترمذی و روایت است از ابی هریره

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ تَعَلَّمَ عِلْمًا مِمَّا يُبْتَغَى بِهِ

گفت فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه بیاموزد علمی را از جنس علمی که طلب کرده شود بدان علم

وَجْهُ اللهِ لَا يَتَعَلَّمُهُ إِلَّا لِيُصِيبَ بِهِ عَرَضًا مِنَ الدُّنْيَا لَمْ يَجِدْ عَرْفَ

ذات الهی نیاموزد آن علم را مگر آنکه برسد بسبب آن علم متاعی را از دنیا نیابد آنکس بوی

الْجَنَّةِ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ يَعْنِي رِيحَهَا رَوَاهُ أَحْمَدُ وَأَبُو دَاوُدَ وَابْنُ مَاجَةَ

بهشت روز قیامت رواه احمد و ابوداود و ابن ماجه

وَعَنْ أُسَامَةَ بْنِ زَيْدٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

و روایت از اسامه بن زید رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

يُجَاءُ بِالرَّجُلِ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ فَيُلْقَى فِي النَّارِ فَتَنْدَلِقُ أَقْتَابُهُ فِي النَّارِ

آورده شود مردی روز قیامت پس انداخته شود در آتش پس بیرون آید بسرعت روده های او در آتش

فَيَطْحَنُ فِيهَا كَطَحْنِ الْحِمَارِ بِرَحَاهُ فَيَجْتَمِعُ أَهْلُ النَّارِ عَلَيْهِ فَيَقُولُونَ أَيْ

پس اس میکند گرد رود هاى خود همچو اس گردن خر آسیاى خود پس گرد آیند اهل دوزخ بر آنمرد پس گویند اى

فُلَانُ مَا شَأْنُكَ أَلَيْسَ كُنْتَ تَأْمُرُنَا بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَانَا عَنِ الْمُنْكَرِ

فلان چه حال تست آیا نبوده تو که امر میکردى مارا بمعروف ونهى میکردى مارا از منکر

قَالَ كُنْتُ آمُرُكُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَلَا آتِيهِ وَأَنْهَاكُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَآتِيهِ

میگوید آنمرد بودم من که امر میکردم شمارا بمعروف و خود نمیکردم آنرا و نهى میکردم شمارا از منکر وخود میکردم آنرا

مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ أَنَسٍ أَنَّ رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ

متفق علیه وروایتست از انس رضا بدرستیکه پیغمبر خدا صلى الله علیه وسلم گفت

رَأَيْتُ لَيْلَةَ أُسْرِيَ بِي رِجَالًا تُقْرَضُ شِفَاهُهُمْ بِمَقَارِيضَ مِنْ نَارٍ

دیدم من شبیکه سیر کنانیده شد مرا مردمانرا که بریده میشد لبهاى ایشان از مقراض هاى آتش

قُلْتُ مَنْ هٰؤُلَاءِ يَا جِبْرِيلُ قَالَ هٰؤُلَاءِ خُطَبَاءُ مِنْ أُمَّتِكَ

گفتم من کیستند ایشان اى جبرئیل گفت ایشان خطیب ها اند از امت تو که

يَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَيَنْسَوْنَ أَنْفُسَهُمْ رَوَاهُ فِي شَرْحِ السُّنَّةِ

بودند امر کنندگان مردم را بانیکى و فراموش میکردند ذات هاى خودرا روایت کرد در شرح سنة

كِتَابُ الطَّهَارَةِ

این کتاب طهارت است

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلٰوةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ

اى مسلمانان چون بر خیزید بسوى نماز پس بشوئید روهاى خودرا و دستهاى خودرا

إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ وَإِنْ كُنْتُمْ

تا آرنج و مسح کنید سرهاى خودرا وبشوئید پاهاى خودرا تا شتالنگ و اگر باشید

جُنُبًا فَاطَّهَّرُوا وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَىٰ أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِنْكُمْ

باجنابت پس غسل کنید واگر باشید بیمار یا مسافر یا بیاید یکى از شما

مِنَ الْغَائِطِ اَوْ لٰمَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوْا مَاءً فَتَيَمَّمُوْا صَعِيْدًا

از خلا جای یا مساس کرده باشید زنان را پس نیابید آب را پس قصد کنید خاک

طَيِّبًا فَامْسَحُوْا بِوُجُوْهِكُمْ وَاَيْدِيْكُمْ مِنْهُ مَا يُرِيْدُ اللّٰهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ

پاک را پس مسح کنید بر روهای خود و دستهای خود از آن خاک نمیخواهد خدا تعالی که مشروع کند بر شما

مِنْ حَرَجٍ وَّلٰكِنْ يُّرِيْدُ لِيُطَهِّرَكُمْ وَلِيُتِمَّ نِعْمَتَهٗ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ

مشقتی ولیکن میخواهد که پاک سازد شما را و تمام کند نعمت خود را بر شما تا شود که

تَشْكُرُوْنَ وَعَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

شکر کنید و روایتست از ابی هریرة رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

اَلَا اَدُلُّكُمْ عَلٰى مَا يَمْحُو اللّٰهُ بِهِ الْخَطَايَا وَيَرْفَعُ بِهِ الدَّرَجَاتِ قَالُوْا بَلٰى

آیا راه نمایم شما را بر عملهائیکه محو میکند خدا تعالی بسبب آن گناهان را و بلند میگرداند بسبب آن مرتبه ها را گفتند آری

يَا رَسُوْلَ اللّٰهِ قَالَ اِسْبَاغُ الْوُضُوْءِ عَلَى الْمَكَارِهِ وَكَثْرَةُ الْخُطٰى اِلَى

راه بنما ای پیغمبر خدا فرمود تمام و کمال کردن وضو در هنگام مشقت و بسیاری گامها در رفتن بسوی

الْمَسَاجِدِ وَانْتِظَارُ الصَّلٰوةِ بَعْدَ الصَّلٰوةِ فَذٰلِكُمُ الرِّبَاطُ رَوَاهُ مُسْلِمٌ

مسجدها و انتظار نماز بعد از نماز پس اینست رباط رواه مسلم

وَعَنْ عُثْمَانَ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ

و مرویست از عثمان رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه

تَوَضَّاَ فَاَحْسَنَ الْوُضُوْءَ خَرَجَتْ خَطَايَاهُ مِنْ جَسَدِهٖ حَتّٰى تَخْرُجَ مِنْ

وضو کند و نیک کند وضو را می برآیند گناهان او از بدن او تا آنکه برآید از

تَحْتِ اَظْفَارِهٖ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ

زیر ناخنهای او متفق علیه و روایتست از ابی هریره رض گفت فرمود پیغمبر خدا

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِذَا تَوَضَّاَ الْعَبْدُ الْمُؤْمِنُ اَوِ الْمُسْلِمُ فَغَسَلَ وَجْهَهٗ

صلی الله علیه وسلم چون وضو میکند بندهٔ مومن یا مسلم پس می شوید روی خود را

خَرَجَ مِنْ وَجْهِهِ كُلُّ خَطِيئَةٍ نَظَرَ إِلَيْهَا بِعَيْنَيْهِ مَعَ الْمَاءِ أَوْ مَعَ آخِرِ

بیرون می آید از روی وی هر گناه که نظر کرده است بسوی آن گناه بهر دو چشم خود همراه آب یا با آخر

قَطْرِ الْمَاءِ فَإِذَا غَسَلَ يَدَيْهِ خَرَجَ مِنْ يَدَيْهِ كُلُّ خَطِيئَةٍ بَطَشَتْهَا

قطره از قطرهای آب پس چون می شوید هر دو دست خود را بیرون می آید از دستهای وی هر گناهی که بگرفت آن گناه را

يَدَاهُ مَعَ الْمَاءِ أَوْ مَعَ آخِرِ قَطْرِ الْمَاءِ فَإِذَا غَسَلَ رِجْلَيْهِ خَرَجَ كُلُّ

هر دو دست او همراه آب یا همراه آخر قطره از قطرهای آب پس چون می شوید هر دو پای خود بیرون می آید هر

خَطِيئَةٍ مَشَتْهَا رِجْلَاهُ مَعَ الْمَاءِ أَوْ مَعَ آخِرِ قَطْرِ الْمَاءِ حَتَّى يَخْرُجَ

گناهیکه رفته است بسوی آن هر دو پای او همراه آب یا با آخر قطره از قطرهای آب تا آنکه بیرون می آید

نَقِيًّا مِنَ الذُّنُوبِ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ عُثْمَانَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ

از جای وضو پاک از گناهان رواه مسلم و مرویست از عثمان رض گفت فرمود پیغمبر خدا

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا مِنِ امْرِئٍ مُسْلِمٍ تَحْضُرُهُ صَلٰوةٌ مَكْتُوبَةٌ

صلی الله علیه وسلم نیست هیچ مردے مسلمان که حاضر میشود او را وقت نماز فرض

فَيُحْسِنُ وُضُوءَهَا وَخُشُوعَهَا وَرُكُوعَهَا إِلَّا كَانَتْ كَفَّارَةً لِمَا قَبْلَهَا

پس نیک میکند وضوی نماز را و نیک میکند خشوع نماز را و نیک کند رکوع نماز را مگر باشد این نماز کفاره مر آنچیز را که پیش

مِنَ الذُّنُوبِ مَا لَمْ يُؤْتِ كَبِيرَةً وَذٰلِكَ الدَّهْرَ كُلَّهُ رَوَاهُ مُسْلِمٌ

ازین کرده است از گناهان مادام که بوجود نیارد گناه کبیره را و این کفاره بودن همیشه است رواه مسلم

وَعَنْ عُقْبَةَ بْنِ عَامِرٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

و روایت است از عقبه ابن عامر رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

مَا مِنْ مُسْلِمٍ يَتَوَضَّأُ فَيُحْسِنُ وُضُوءَهُ ثُمَّ يَقُومُ فَيُصَلِّي رَكْعَتَيْنِ

نیست هیچ مسلمانے که وضو کند پس نیک سازد وضوی خود را پستر بایستد پس بگذارد دو رکعت

مُقْبِلٌ عَلَيْهِمَا بِقَلْبِهِ وَوَجْهِهِ إِلَّا وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ رَوَاهُ مُسْلِمٌ

درحالیکه وی پیش آینده است بدان دو رکعت بدل خود و روی خود مگر آنکه واجب گردد مر وی را بهشت رواه مسلم

وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ أُمَّتِي

وروایتست از ابی هریره رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم بدرستیکه امت من

يُدْعَوْنَ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ غُرًّا مُحَجَّلِينَ مِنْ آثَارِ الْوُضُوءِ فَمَنِ اسْتَطَاعَ مِنْكُمْ

خوانده شود در محشر غر محجلین از آثار وضو پس کسیکه می تواند از شما

أَنْ يُطِيلَ غُرَّتَهُ فَلْيَفْعَلْ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

که دراز کند غره خودرا باید که بکند متفق علیه وازوی روایتست گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تَبْلُغُ الْحِلْيَةُ مِنَ الْمُؤْمِنِ حَيْثُ يَبْلُغُ الْوُضُوءُ رَوَاهُ مُسْلِمٌ

علیه وسلم میرسد سیما ونشان وضو در دست وپای متوضی تا آنجا که میرسد آب وضو رواه مسلم

وَعَنِ ابْنِ عُمَرَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ تَوَضَّأَ

وروایتست از ابن عمر رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه وضو سازد

عَلٰى طُهْرٍ كُتِبَ لَهُ عَشْرُ حَسَنَاتٍ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ جَابِرٍ رض

بر طهارت نوشته شود برای وی ده نیکی رواه ترمذی وروایتست از جابر رض

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مِفْتَاحُ الْجَنَّةِ الصَّلٰوةُ وَمِفْتَاحُ

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم کلید بهشت ومقدمه درآمدن آن نماز است وکلید

الصَّلٰوةِ الطُّهُورُ رَوَاهُ أَحْمَدُ وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ الصُّنَابِحِيِّ رض قَالَ

نماز ومقدمه او طهارتست رواه احمد وروایتست از عبد الله صنابحی رض گفت

قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا تَوَضَّأَ الْعَبْدُ الْمُؤْمِنُ فَتَمَضْمَضَ

فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم چون وضو سازد بنده مسلمان پس آب در دهن میکند

خَرَجَتِ الْخَطَايَا مِنْ فِيهِ وَإِذَا اسْتَنْثَرَ خَرَجَتِ الْخَطَايَا مِنْ

بیرون می آیند گناهان از دهن وی وچون بینی را افشاند بیرون می آیند گناهان از

أَنْفِهِ وَإِذَا غَسَلَ وَجْهَهُ خَرَجَتِ الْخَطَايَا مِنْ وَجْهِهِ حَتّٰى

بینی وی وچون می شوید روی خودرا بیرون می آیند گناهان از روی وی تا آنکه

أَشْفَارِ عَيْنَيْهِ فَإِذَا غَسَلَ يَدَيْهِ خَرَجَتِ الْخَطَايَا مِنْ يَدَيْهِ حَتَّى تَخْرُجَ

موی پلکهای دو چشم او پس چون می شوید هر دو دست خود را بیرون می آیند گناهان از هر دو دست وی تا آنکه بیرون می آیند

مِنْ أَظْفَارِ يَدَيْهِ فَإِذَا مَسَحَ بِرَأْسِهِ خَرَجَتِ الْخَطَايَا مِنْ رَأْسِهِ حَتَّى

از ناخنهای هر دو دست وی پس چون مسح میکند به سر خود بیرون می آیند گناهان از سر وی تا آنکه

تَخْرُجَ مِنْ أُذُنَيْهِ فَإِذَا غَسَلَ رِجْلَيْهِ خَرَجَتِ الْخَطَايَا مِنْ رِجْلَيْهِ حَتَّى

بیرون می آیند از هر دو گوش وی پس چون می شوید هر دو پای خود را بیرون می آیند گناهان از هر دو پای وی تا آنکه

تَخْرُجَ مِنْ تَحْتِ أَظْفَارِ رِجْلَيْهِ ثُمَّ مَشْيُهُ إِلَى الْمَسْجِدِ وَصَلٰوتُهُ

بیرون می آیند از زیر ناخنهای هر دو پای او پستر میباشد رفتن او بسوی مسجد و نماز گذاردن او

نَافِلَةً لَهُ رَوَاهُ مَالِكٌ وَالنَّسَائِيُّ وَعَنْ أَبِي رَافِعٍ قَالَ أُهْدِيَتْ

زیادتی بر پاک شدن از گناهان مر او را روایت کرد مالک و نسائی و مرویست از ابی رافع رض گفت بهدیه فرستاده شد

لَهُ شَاةٌ فَجَعَلَهَا فِي الْقِدْرِ فَدَخَلَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ

مر او را گوسفندی پس گردانید آن گوسفند را ابو رافع در دیگ پس درآمد پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم پس فرمود

مَا هٰذَا يَا أَبَا رَافِعٍ فَقَالَ شَاةٌ أُهْدِيَتْ لَنَا يَا رَسُولَ اللّٰهِ فَطَبَخْتُهَا فِي

آنحضرت چیست اینکه در دیگ است ای ابا رافع پس گفت این گوشت گوسفندیست که بهدیه فرستاده شده است برای ما ای پیغمبر خدا پس پختم آنرا

الْقِدْرِ قَالَ نَاوِلْنِي الذِّرَاعَ يَا أَبَا رَافِعٍ فَنَاوَلْتُهُ الذِّرَاعَ ثُمَّ قَالَ نَاوِلْنِي

درین دیگ فرمود آنحضرت بده مرا دست ای ابا رافع پس دادم آنحضرت را ذراع پستر فرمود بده مرا

الذِّرَاعَ الْآخَرَ فَنَاوَلْتُهُ الذِّرَاعَ الْآخَرَ ثُمَّ قَالَ نَاوِلْنِي الذِّرَاعَ الْآخَرَ

ذراع دیگر پس دادم آنحضرت را ذراع دیگر پستر فرمود بده مرا ذراع دیگر

فَقَالَ يَا رَسُولَ اللّٰهِ إِنَّمَا لِلشَّاةِ ذِرَاعَانِ فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

پس گفت ای پیغمبر خدا نمی باشد گوسفند را مگر دو ذراع پس فرمود مر او را پیغمبر خدا صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَمَا إِنَّكَ لَوْ سَكَتَّ لَنَاوَلْتَنِي ذِرَاعًا فَذِرَاعًا مَا سَكَتَّ

علیه وسلم آگاه باش بدرستیکه اگر خاموش میماندی هر آئینه میدادی مرا ذراعی بعد از ذراعی مادام که خاموش می بودی

ثُمَّ دَعَا بِمَاءٍ فَتَمَضْمَضَ فَاهُ وَغَسَلَ أَطْرَافَ أَصَابِعِهِ ثُمَّ قَامَ فَصَلَّى

پستر طلبید آنحضرت آب را پس مضمضه کرد دہان مبارک خود را و بشست کرانہاے انگشتان خود را پستر باستاد پس بگذارد نماز

ثُمَّ عَادَ إِلَيْهِمْ فَوَجَدَ عِنْدَهُمْ لَحْمًا بَارِدًا فَأَكَلَ ثُمَّ دَخَلَ الْمَسْجِدَ

پستر باز گشت بسوی اہل و عیال ابی رافع پس یافت نزد ایشان گوشت سرد را پس بخورد آنحضرت پستر در آمد در مسجد را

فَصَلَّى وَلَمْ يَمَسَّ مَاءً رَوَاهُ أَحْمَدُ وَعَنْ أَنَسٍ رض قَالَ كَانَ رَسُولُ اللّٰهِ

پس بگذارد نماز را و مس نکرد آب را رواه احمد و مرویست از انس رض گفت بود پیغمبر خدا

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَتَوَضَّأُ بِرَطْلَيْنِ وَيَغْتَسِلُ بِالصَّاعِ جمع الجوامع

صلی الله علیه وسلم که وضو میکرد از دو رطل و غسل میکرد از یک صاع مرویست در جمع الجوامع

وَعَنْ أَبِي الدَّرْدَاءِ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

و روایت است از ابی دردا رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

أَنَا أَوَّلُ مَنْ يُؤْذَنُ لَهُ بِالسُّجُودِ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ وَأَنَا أَوَّلُ مَنْ يُؤْذَنُ

من اول کسے ام که دستوری داده شود مرا و را بسجده روز قیامت و من نخستین کسے ام که اذن کرده شود

لَهُ أَنْ يَرْفَعَ رَأْسَهُ فَأَنْظُرُ إِلَى مَا بَيْنَ يَدَيَّ فَأَعْرِفُ أُمَّتِي مِنْ بَيْنِ

مر او را که بر دارد سر خود را پس نگاه کنم بسوی خلقے که ایستاده اند پیش دو دست من پس شناسم امت خود را از میان

الْأُمَمِ وَمِنْ خَلْفِي مِثْلَ ذٰلِكَ وَعَنْ يَمِينِي مِثْلَ ذٰلِكَ وَعَنْ شِمَالِي

امتہاے دیگر و بینم از جانب پس پشت خود مانند آن و بینم از جانب راست مانند آن و از جانب چپ

مِثْلَ ذٰلِكَ فَقَالَ رَجُلٌ يَا رَسُولَ اللّٰهِ كَيْفَ تَعْرِفُ أُمَّتَكَ مِنْ بَيْنِ

مانند آن پس گفت مردے ای پیغمبر خدا چگونه شناسی امت خود را از میان

الْأُمَمِ فِيمَا بَيْنَ نُوحٍ إِلَى أُمَّتِكَ قَالَ هُمْ غُرٌّ مُحَجَّلُونَ مِنْ أَثَرِ

امتہا در میان آنچه مدید که درمیان نوح است تا امت تو گفت امت من نورانی پیشانی اند از نشان

الْوُضُوءِ لَيْسَ أَحَدٌ كَذٰلِكَ غَيْرَهُمْ وَأَعْرِفُهُمْ أَنَّهُمْ يُؤْتَوْنَ كُتُبَهُمْ

وضو نیست هیچکس باین صفت غیر ایشان و شناسم ایشانرا بآنکه داده شود ایشانرا نامہاے

بِاَيْمَانِهِمْ وَاَعْرِفُهُمْ تَسْعٰى بَيْنَ اَيْدِيْهِمْ ذُرِّيَّتُهُمْ رَوَاهُ اَحْمَدُ

بدست راست ایشان و شناسم ایشانرا بانکه بروند پیش پیش ایشان فرزندان خود ایشان رواه احمد

بَابُ آدَابِ الْخَلَاءِ

این باب در آداب بیت الخلا است

عَنْ اَبِیْ اَیُّوْبَ الْاَنْصَارِیِّ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَسَلَّمَ اِذَا

روایت از ابی ایوب انصاری رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم چون

اَتَیْتُمُ الْغَائِطَ فَلَا تَسْتَقْبِلُوا الْقِبْلَةَ وَلَا تَسْتَدْبِرُوْهَا وَلٰکِنْ شَرِّقُوْا

بیائید شما قضای حاجت را پس رو مکنید بسوی قبله و نه پشت دهید بجانب آن ولیکن رو بجانب شرق کنید

اَوْ غَرِّبُوْا مُتَّفَقٌ عَلَیْهِ وَعَنْ سَلْمَانَ قَالَ نَهَانَا یَعْنِیْ رَسُوْلَ اللّٰهِ

یا جانب غرب متفق علیه و روایت از سلمان رض گفت نهی کرد ما را یعنی پیغمبر خدا

صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَسَلَّمَ اَنْ نَسْتَقْبِلَ الْقِبْلَةَ لِغَائِطٍ اَوْ بَوْلٍ اَوْ اَنْ نَسْتَنْجِیَ

صلی الله علیه وسلم از روی آوردن بقبله برای پاخانه و شاشه و از استنجا کردن ما

بِالْیَمِیْنِ اَوْ اَنْ نَسْتَنْجِیَ بِاَقَلَّ مِنْ ثَلٰثَةِ اَحْجَارٍ اَوْ اَنْ نَسْتَنْجِیَ بِرَجِیْعٍ

بدست راست و از استنجا کردن بکمتر از سه سنگ و نهی کرد از استنجا کردن بسرگین

اَوْ بِعَظْمٍ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ اَنَسٍ قَالَ کَانَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّی

یا باستخوان رواه مسلم و روایت از انس رض گفت انس که بود پیغمبر خدا صلی

اللّٰهُ عَلَیْهِ وَسَلَّمَ اِذَا دَخَلَ الْخَلَاءَ یَقُوْلُ اللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَعُوْذُ بِکَ مِنَ

الله علیه وسلم چون درمی آمد پاخانه را میگفت اللهم انی اعوذ بک من

الْخُبُثِ وَالْخَبَائِثِ وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ مَرَّ النَّبِیُّ صَلَّی اللّٰهُ

الخبث والخبائث و روایت از ابن عباس رض گفت گذشت پیغمبر خدا صلی الله

عَلَیْهِ وَسَلَّمَ بِقَبْرَیْنِ فَقَالَ اِنَّهُمَا لَیُعَذَّبَانِ وَمَا یُعَذَّبَانِ فِیْ کَبِیْرٍ

علیه وسلم به دو گور پس فرمود بدرستیکه صاحب این دو گور هر آئینه عذاب کرده میشوند و عذاب کرده نمیشوند

أَمَّا أَحَدُهُمَا فَكَانَ لَا يَسْتَتِرُ مِنَ الْبَوْلِ وَفِي رِوَايَةٍ لِمُسْلِمٍ لَا يَسْتَنْزِهُ

اما یکی ازان دو حالش این بود که پرده نمیگرفت در بول و در روایت دیگر مسلم راست که طلب نزاهت نمیکرد

مِنَ الْبَوْلِ وَأَمَّا الْآخَرُ فَكَانَ يَمْشِي بِالنَّمِيمَةِ ثُمَّ أَخَذَ جَرِيدَةً رَطْبَةً

از بول اما دیگر پس بود که میرفت بسوی مردم بسخن چینی پستر گرفت شاخی از خرما که تر بود

فَشَقَّهَا بِنِصْفَيْنِ ثُمَّ غَرَزَ فِي كُلِّ قَبْرٍ وَاحِدَةً فَقَالُوا يَا رَسُولَ اللهِ

پس بازکرد آن شاخ را بدو پاره پستر خلانید در هر قبر یکی ازان دو پاره ها پس گفتند ای پیغامبر خدا

لِمَ صَنَعْتَ هٰذَا فَقَالَ لَعَلَّهُ أَنْ يُخَفَّفَ عَنْهُمَا مَا لَمْ يَيْبَسَا مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ

چرا کردی تو این فعل را پس گفت کردم بامید آنکه سبک گردانیده شود عذاب ازان دو قبر تا آنکه تر باشند متفق علیه

وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِتَّقُوا

و مرویست از ابی هریره گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم بپرهیزید

اللَّاعِنَيْنِ قَالُوا وَمَا اللَّاعِنَانِ يَا رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

از دو کار که سبب لعنت بشوند گفتند چیست آن دو کار ای پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

قَالَ الَّذِي يَتَخَلّٰى فِي طَرِيقِ النَّاسِ أَوْ فِي ظِلِّهِمْ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ

فرمود آنکه قضاء حاجت میکند در راه مردم یا در سایه ایشان رواه مسلم و روایت است از

أَنَسٍ قَالَ كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا دَخَلَ الْخَلَاءَ

انس رض گفت بود پیغامبر خدا صلی الله علیه و سلم چون میخواست که در آید در متوضا

نَزَعَ خَاتَمَهُ رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ وَالنَّسَائِيُّ وَالتِّرْمِذِيُّ وَقَالَ أَبُو دَاوُدَ هٰذَا

می کشید انگشتری خود را رواه ابو داود و نسائی و ترمذی و گفت ابو داود این

حَدِيثٌ مُنْكَرٌ وَفِي رِوَايَةٍ وَضَعَ بَدَلَ نَزَعَ وَعَنْ زَيْدِ بْنِ أَرْقَمَ قَالَ

حدیث منکر است و در روایت دیگر وضع آمده است در بدل نزع و مرویست از زید ابن ارقم رض گفت

قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ هٰذِهِ الْحُشُوشَ مُحْتَضَرَةٌ فَإِذَا أَتٰى

فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم بدرستی که این جاها جای حاضر شدن جن و شیاطین اند پس چون بیاید

أَحَدُكُمُ الْخَلَاءَ فَلْيَقُلْ أَعُوذُ بِاللهِ مِنَ الْخُبُثِ وَالْخَبَائِثِ رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ

یکی شما بخانه را باید که پناه بجوید و بگوید این کلمه را که اعوذ باللہ من الخبث والخبائث رواه ابو داؤد

وَابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ عَلِيٍّ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

وابن ماجه روایت است از علی رضی الله عنه گفت فرمود پیغامبر خدا صلے الله علیه وسلم

سِتْرُ مَا بَيْنَ أَعْيُنِ الْجِنِّ وَعَوْرَاتِ بَنِي آدَمَ إِذَا دَخَلَ أَحَدُكُمُ الْخَلَاءَ أَنْ

پرده میان چشمهای جن و اندام شرم آدمیان چون درآید یکے از شما محل قضای حاجت را اینست

يَقُولَ بِسْمِ اللهِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنِ ابْنِ مَسْعُودٍ قَالَ لَمَّا قَدِمَ

که بگوید بسم الله رواه ترمذی و روایت است از ابن مسعود رضی الله عنه گفت هرگاه که آمدند

وَفْدُ الْجِنِّ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالُوا يَا رَسُولَ اللهِ إِنْهَ أُمَّتَكَ

ایلچیان پریان بر آنحضرت صلی الله علیه وسلم گفتند اے پیغامبر خدا نهی کن است خود را

أَنْ يَسْتَنْجُوا بِعَظْمٍ أَوْ رَوْثَةٍ أَوْ حُمَمَةٍ فَإِنَّ اللهَ جَعَلَ لَنَا فِيهَا رِزْقًا

از استنجا کردن ایشان با استخوان یا سرگین یا انگشت زیرا که خدای تعالی گردانید برای ما درین سه چیز روزی

فَنَهَانَا رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنْ ذَلِكَ رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ

پس نهی کرد ما را پیغامبر خدا صلے الله علیه وسلم از آن رواه ابو داؤد

بَابُ السِّوَاكِ

این باب در بیان مسواک کردن است

عَنْ عَائِشَةَ قَالَتْ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَشْرٌ

روایت است از عائشه رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلے الله علیه وسلم ده خصلت

مِنَ الْفِطْرَةِ قَصُّ الشَّارِبِ وَإِعْفَاءُ اللِّحْيَةِ وَالسِّوَاكُ وَاسْتِنْشَاقُ

از فطرت است کوتاه کردن سبلت و فرو گذاشتن ریش و مسواک کردن و آب در بینی

الْمَاءِ وَقَصُّ الْأَظْفَارِ وَغَسْلُ الْبَرَاجِمِ وَنَتْفُ الْإِبْطِ وَحَلْقُ الْعَانَةِ

کردن و گرفتن ناخنها و شستن بندهای انگشتان و برکندن موی بغل و ستردن موی زهار

وانتقاص الماء يعني الاستنجاء قال الراوي ونسيت العاشرة الا ان

وکم کردن آبست یعنی راوی گوید مراد استنجا باشد و گفت راوی حدیث و فراموش کردم خصلت دهم را مگر اینکه

يكون المضمضة رواه مسلم وعن عائشة رض قالت قال رسول الله

باشد مضمضه رواه مسلم وروایت از عائشه رض گفت فرمود پیغامبر خدا

صلى الله عليه وسلم السواك مطهرة للفم مرضاة للرب رواه

صلی الله علیه وسلم مسواک پاک کننده است مر دهن را و راضی کننده پروردگار را رواه

الشافعي واحمد والدارمي والنسائي وروى البخاري في صحيحه بلا اسناد

الشافعی واحمد والدارمی والنسائی وروایت کرد بخاری در صحیح خود بغیر از اسناد

وعن ابي ايوب رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم اربع

وروایت از ابی ایوب رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم چهار خصلت اند

من سنن المرسلين الحياء ويروى الختان والتعطر والسواك

از سنتهای پیغمبران سابق یکی حیا است وروایت کرده می شود ختان بجای حیا دوم استعمال خوشبو سوم مسواک

والنكاح رواه الترمذي وعن ابي امامة رض ان رسول الله

و چهارم نکاح کردن است رواه ترمذی وروایت است از ابی امامه رض بدرستیکه پیغامبر خدا

صلى الله عليه وسلم قال ما جاءني جبرئيل قط الا امرني بالسواك

صلی الله علیه وسلم گفت نیامد جبرئیل هرگز مگر آنکه امر کرد مرا بمسواک کردن

لقد خشيت ان احفي مقدم في رواه احمد وعن انس قال قال

هر آیینه ترسیدم از بس مبالغه کردیست کنم پیش دهان خود را رواه احمد وروایت است از انس رض گفت فرمود

رسول الله صلى الله عليه وسلم لقد اكثرت عليكم في السواك رواه البخاري

پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم هر آیینه بتحقیق بسیار کردم بر شما سخن از جهت مسواک رواه البخاری

وعن عائشة قالت قال رسول الله صلى الله عليه وسلم تفضل الصلوة

وروایت است از عائشه رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم زیاده می شود در ثواب نمازیکه

الَّتِيْ يُسْتَاكُ لَهَا عَلَى الصَّلٰوةِ الَّتِيْ لَا يُسْتَاكُ لَهَا سَبْعِيْنَ ضِعْفًا رَوَاهُ

مسواک کرده شد برای وی بر نمازیکه مسواک کرده نمیشود برای وی هفتاد چند روایت کرد

الْبَيْهَقِيُّ فِيْ شُعَبِ الْاِيْمَانِ وَعَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى ابْنِ حَبَّانَ قَالَ قُلْتُ

بیهقی در شعب ایمان و مرویست از محمد بن یحیی ابن حبان رض گفت گفتم

لِعُبَيْدِ اللّٰهِ بْنِ عَبْدِ اللّٰهِ ابْنِ عُمَرَ اَرَاَيْتَ وُضُوْءَ عَبْدِ اللّٰهِ ابْنِ عُمَرَ

مر عبید الله بن عبد الله بن عمر را خبر ده مرا از وضوء عبد الله بن عمر

لِكُلِّ صَلٰوةٍ طَاهِرًا كَانَ اَوْ غَيْرَ طَاهِرٍ عَمَّنْ اَخَذَهُ فَقَالَ حَدَّثَتْهُ اَسْمَاءُ

برای هر نماز وضو باشد یا بے وضو از که گرفته است پس گفت که حدیث کرد اسماء

بِنْتُ زَيْدِ بْنِ الْخَطَّابِ اَنَّ عَبْدَ اللّٰهِ بْنَ حَنْظَلَةَ ابْنِ اَبِيْ عَامِرٍ الْغَسِيْلِ

دختر زید بن خطاب بدرستیکه عبد الله بن حنظله بن ابی عامر غسیل

حَدَّثَهَا اَنَّ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ اُمِرَ بِالْوُضُوْءِ لِكُلِّ

حدیث کرد اسماء بنت زید را بدرستیکه آنحضرت صلی الله علیه وسلم بود امر کرده شده بوضو برای هر

صَلٰوةٍ طَاهِرًا كَانَ اَوْ غَيْرَ طَاهِرٍ فَلَمَّا شَقَّ ذٰلِكَ عَلٰى رَسُوْلِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

نماز با وضو باشد یا بے وضو پس هرگاه که سخت آمد آن بر پیغامبر خدا صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اُمِرَ بِالسِّوَاكِ عِنْدَ كُلِّ صَلٰوةٍ وَّ وُضِعَ عَنْهُ الْوُضُوْءُ اِلَّا مِنْ

علیه وسلم امر کرده شد بمسواک کردن نزدیک هر نماز و نهاده شد از ذمه شریف آنحضرت وضو مگر

حَدَثٍ قَالَ فَكَانَ عَبْدُ اللّٰهِ يَرٰى اَنَّ بِهٖ قُوَّةً عَلٰى ذٰلِكَ فَفَعَلَهُ حَتّٰى

از جهت بیوضوئی گفت عبید الله پس عبد الله که اعتقاد میکرد که مر وی را قوتست بر این پس میکرد آن کار را تا آنکه

مَاتَ رَوَاهُ اَحْمَدُ ۞ كِتَابُ الصَّلٰوةِ ۞ وَاَقِيْمُوا الصَّلٰوةَ

مرد روایت کرد احمد این کتاب صلوة است و برپا دارید نماز را

وَاٰتُوا الزَّكٰوةَ وَاَطِيْعُوا الرَّسُوْلَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُوْنَ ۞ وَاسْتَعِيْنُوْا بِالصَّبْرِ

و بدهید زکوة را و فرمانبرداری کنید پیغامبر را بود که بر شما رحم کرده شود و مدد طلبید بشکیبائی

وَالصَّلٰوةِ وَاِنَّهَا لَكَبِيْرَةٌ اِلَّا عَلَى الْخَاشِعِيْنَ الَّذِيْنَ يَظُنُّوْنَ اَنَّهُمْ مُلٰقُوْا

و نماز و هر آئینه نماز دشوار است مگر بر فروتنی کنندگان آنانکه میدانند که ایشان را ملاقات خواهند کرد

رَبِّهِمْ وَاَنَّهُمْ اِلَيْهِ رَاجِعُوْنَ ۞ حَافِظُوْا عَلَى الصَّلَوٰتِ وَالصَّلٰوةِ الْوُسْطٰى

با پروردگار خویش و آنانکه ایشان بسوی وی بازخواهند گشت محافظت کنید بر همه نمازها و بر نماز میانه

وَقُوْمُوْا لِلّٰهِ قٰنِتِيْنَ ۞ وَاصْبِرْ عَلٰى مَا يَقُوْلُوْنَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوْعِ

و بایستید برای خدا فرمانبردار شده پس صبر کن بر آنچه میگویند و پاکی یاد کن همراه ستایش پروردگار خویش پیش از برآمدن

الشَّمْسِ وَقَبْلَ الْغُرُوْبِ ۞ وَمِنَ اللَّيْلِ فَسَبِّحْهُ وَاَدْبَارَ السُّجُوْدِ ۞

آفتاب و پیش از فرو شدن او و در بعضے اوقات شب پس بپاکی یاد کن وے را و عقب نماز

بَابُ مَا جَاءَ فِي التَّرْغِيْبِ فِيْهَا

باب احادیثے که در ترغیب آن وارد شده

اِنَّ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ وَاَقَامُوا الصَّلٰوةَ وَاٰتَوُا الزَّكٰوةَ لَهُمْ

هر آئینه کسانیکه ایمان آوردند و کردند کارهای شایسته و برپا داشتند نماز را و دادند زکوة را مر ایشان راست

اَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُوْنَ ۞ اَقِمِ الصَّلٰوةَ

مزد ایشان نزدیک پروردگار ایشان و نیست ترسی بر ایشان و نه ایشان اندوهگین شوند برپا دار نماز را

لِدُلُوْكِ الشَّمْسِ اِلٰى غَسَقِ اللَّيْلِ وَقُرْاٰنَ الْفَجْرِ اِنَّ قُرْاٰنَ الْفَجْرِ كَانَ

وقت زوال آفتاب تا هجوم تاریکی شب لازم گیر قرآن خواندن فجر را هر آئینه قرآن خواندن فجر

مَشْهُوْدًا ۞ وَعَنِ ابْنِ مَسْعُوْدٍ رَضِيَ اللّٰهُ تَعَالٰى عَنْهُ قَالَ سَاَلْتُ النَّبِيَّ

حاضر میشوند فرشتگان و روایت است از ابن مسعود رضی الله تعالی عنه گفت پرسیدم پیغمبر خدا را

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَيُّ الْاَعْمَالِ اَحَبُّ اِلَى اللّٰهِ قَالَ الصَّلٰوةُ لِوَقْتِهَا

صلی الله علیه وسلم کدام عمل از عملها محبوب تر است نزد خدا گفت نماز گزاردن در وقت وی

قُلْتُ ثُمَّ اَيٌّ قَالَ بِرُّ الْوَالِدَيْنِ قُلْتُ ثُمَّ اَيٌّ قَالَ الْجِهَادُ فِي سَبِيْلِ اللّٰهِ

گفتم پس کدام گفت نیکی کردن با مادر و پدر گفتم پس کدام فرمود کارزار کردن با کافران در راه خدا

قَالَ حَدَّثَنِي بِهِنَّ وَلَوِ اسْتَزَدْتُهُ لَزَادَنِي مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ أَبِي ذَرٍّ

گفت ابن مسعود حدیث کرد مرا آنحضرت باین اعمال و اگر طلب زیاده میکردم از آنحضرت هر آینه زیاده میکرد متفق علیه و روایت از ابی ذر رض

أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خَرَجَ زَمَنَ الشِّتَاءِ وَالْوَرَقُ يَتَهَافَتُ

بدرستی که پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم بیرون آمد در زمستان و حال آنکه برگها از درختان می افتاد پیاپی

فَأَخَذَ بِغُصْنَيْنِ مِنْ شَجَرَةٍ قَالَ فَجَعَلَ ذٰلِكَ الْوَرَقُ يَتَهَافَتُ وَقَالَ

پس گرفت آن حضرت دو شاخ را از درختی گفت ابوذر پس افتادن گرفت برگهای آن درخت بیشتر از آنچه بطور خود می افتاد گفت ابوذر

فَقَالَ يَا أَبَا ذَرٍّ قُلْتُ لَبَّيْكَ يَا رَسُولَ اللهِ قَالَ إِنَّ الْعَبْدَ الْمُسْلِمَ

پس فرمود آنحضرت ای ابوذر گفتم بخدمت استاده ام ای رسول خدا فرمود بدرستیکه هر بنده مسلمان

لَيُصَلِّي الصَّلٰوةَ يُرِيدُ بِهَا وَجْهَ اللهِ تَعَالٰى فَتَهَافَتُ عَنْهُ ذُنُوبُهُ كَمَا

هر آینه میگذارد نماز را در حالیکه میخواهد بآن نماز ذات خدا تعالی پس پیاپی می افتند از بنده گناهان او چنانکه

تَهَافَتُ هٰذَا الْوَرَقُ عَنْ هٰذِهِ الشَّجَرَةِ رَوَاهُ أَحْمَدُ وَعَنْ زَيْدِ بْنِ

می افتد این برگها از این درخت روایه احمد و مرویست از زید ابن

خَالِدٍ الْجُهَنِيِّ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ صَلّٰى

خالد جهنی رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه بجا آرد

سَجْدَتَيْنِ لَا يَسْهُو فِيهِمَا غَفَرَ اللهُ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ رَوَاهُ

دو رکعت را که سهو و غفلت نکند در ان بیامرزد خدا مر او را هر چه گذشته است از گناه وی روایه

أَحْمَدُ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

احمد و روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

اَلصَّلٰوةُ الْخَمْسُ وَالْجُمُعَةُ إِلَى الْجُمُعَةِ وَرَمَضَانُ إِلٰى رَمَضَانَ

نمازهای پنجگانه و نماز جمعه تا جمعه دیگر و روزه رمضان تا رمضان دیگر

مُكَفِّرَاتٌ لِمَا بَيْنَهُنَّ إِذَا اجْتُنِبَتِ الْكَبَائِرُ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْهُ

محو کننده اند گناهان را که واقع شده اند میان آنها وقتیکه پرهیز کرده شود از گناهان کبیره روایه مسلم و هم از ابی هریره رض

قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَرَاَيْتُمْ لَوْ اَنَّ نَهْرًا بِبَابِ اَحَدِكُمْ

گفت فرمود پیغامبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم خبر دہید مرا اگر ثابت شود که جوی روان است بدر خانہ یکے از شما

يَغْتَسِلُ فِيْهِ كُلَّ يَوْمٍ خَمْسًا هَلْ يَبْقٰى مِنْ دَرَنِهٖ شَيْءٌ قَالُوْا لَا يَبْقٰى مِنْ

که غسل میکند وی در آن جوی ہر روز پنج وقت آیا باقی میماند از ریم وی ہیچ گفتند باقی نمے ماند

دَرَنِهٖ شَيْءٌ قَالَ فَذٰلِكَ مَثَلُ الصَّلَوٰتِ الْخَمْسِ يَمْحُو اللّٰهُ بِهِنَّ الْخَطَايَا

از چرک وی چیزے فرمود پس الحال نماز ہای پنجگانہ محو میکند خدا تعالے بآنہا گناہان

مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ عُبَادَةَ بْنِ الصَّامِتِ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ

متفق علیہ و روایت است از عبادہ ابن صامت رض گفت فرمود پیغامبر خدا

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خَمْسُ صَلَوٰتٍ اِفْتَرَضَهُنَّ اللّٰهُ تَعَالٰى مَنْ اَحْسَنَ

صلی اللہ علیہ وسلم پنج نماز است که فرض گردانیده است آنہا را خدا تعالی کسیکہ نیک کند

وُضُوْءَهُنَّ وَصَلَّاهُنَّ لِوَقْتِهِنَّ وَاَتَمَّ رُكُوْعَهُنَّ وَخُشُوْعَهُنَّ كَانَ

وضو آن نمازہا و بگذارد آنہا را در وقت شان و بتمام بجا آرد رکوع شان و خشوع و خضوع شان بباشد

لَهٗ عَلَى اللّٰهِ عَهْدٌ اَنْ يَّغْفِرَ لَهٗ وَمَنْ لَّمْ يَفْعَلْ فَلَيْسَ لَهٗ عَلَى اللّٰهِ

مراو را بر خدا تعالے عہد که بیامرزد مراو را و کسیکہ نکند آنرا نگذارد نماز بر آن وجہ پس نیست مراو را بر خدا

عَهْدٌ اِنْ شَاءَ غَفَرَ لَهٗ وَاِنْ شَاءَ عَذَّبَهٗ رَوَاهُ اَحْمَدُ وَاَبُوْ دَاوُدَ وَرَوٰى

عہد لازم اگر میخواہد امرزد و را و اگر میخواہد عذاب کند او را رواہ احمد و ابو داؤد و روایت کرد

مَالِكٌ وَالنَّسَائِيُّ نَحْوَهٗ وَعَنْ اَبِيْ اُمَامَةَ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ

مالک و نسائی مانند آن و روایت است از ابی امامہ رض گفت فرمود پیغامبر خدا

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ صَلُّوْا خَمْسَكُمْ وَصُوْمُوْا شَهْرَكُمْ وَاَدُّوْا زَكٰوةَ

صلے اللہ علیہ وسلم بگذارید پنج نماز خود را و روزہ دارید ماہ خود را که رمضان است و بدہید زکوٰۃ

اَمْوَالِكُمْ وَاَطِيْعُوْا ذَا اَمْرِكُمْ تَدْخُلُوْا جَنَّةَ رَبِّكُمْ رَوَاهُ اَحْمَدُ وَالتِّرْمِذِيُّ

مالہای خود را و فرمانبرداری کنید خداوند امر خود را [illegible] بہشت پروردگار خود را رواہ احمد و الترمذی

وعن ابن مسعود قال ان رجلا اصاب من امرأة قبلة فاتى

و مرویست از ابن مسعود رض گفت بدرستیکه مردی رسید از زنی بوسه را پس آمد

النبي صلى الله عليه وسلم فاخبره فانزل الله تعالى واقم الصلوة

پیغمبر را صلی الله علیه و سلم پس خبر داد آنحضرت را پس فرود فرستاد خدا تعالی این آیه را و برپا دار نماز

طرفي النهار وزلفا من الليل ان الحسنات يذهبن السيئات

در دو طرف روز و بگذار نماز را در چند ساعت که نزدیک بروز اند بدرستیکه نیکیها میبرند بدیها را

فقال الرجل يا رسول الله الي هذا قال لجميع امتي كلهم وفي رواية

پس گفت آن مرد آیا ای پیغامبر خدا آیا مر است این حکم فرمود آنحضرت مر همه امت مراست و در روایت دیگر آمده

لمن عمل بها من امتي متفق عليه وعن عمارة بن رويبة

مر هر کس را که عمل کند بحسنات از امت من متفق علیه و مرویست از عمارة بن رویبه

قال سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول لن يلج النار احد

گفت شنیدم پیغامبر خدا را صلی الله علیه و سلم که میگفت البته در نیاید آتش دوزخ را کسیکه

صلى قبل طلوع الشمس وقبل غروبها يعني الفجر والعصر رواه مسلم

نماز گذارد پیش از طلوع آفتاب و پیش از غروب آفتاب یعنی نماز فجر و نماز عصر را

وعن ابي هريرة رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

و روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه و سلم

يتعاقبون فيكم ملئكة بالليل وملئكة بالنهار ويجتمعون في

در پی یکدیگر فرود می آیند در میان شما جماعت فرشتگان در شب و جماعت از فرشتگان در روز و جمع میشوند این جماعتها

صلوة الفجر وصلوة العصر ثم يعرج الذين باتوا فيكم فيسئلهم

نماز فجر و نماز عصر پس بالا میروند آنانکه شب کردند در میان شما پس میپرسد ایشان را

كيف تركتم عبادي فيقولون تركناهم

... باحوال بندگان چگونه گذاشته اید بندگان مرا پس میگویند گذاشتیم ایشانرا

وَهُمْ يُصَلُّوْنَ وَاَتَيْنَاهُمْ وَهُمْ يُصَلُّوْنَ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ

درحالیکه ایشان نماز میکردند و آمدیم درحالیکه ایشان نماز میکردند متفق علیه و مرویست از ابی هریره رض

قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي النِّدَاءِ

گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم اگر بدانند مردم ثوابیکه در اذان گفتن است

وَالصَّفِّ الْاَوَّلِ ثُمَّ لَمْ يَجِدُوْا اِلَّا اَنْ يَسْتَهِمُوْا عَلَيْهِ لَاسْتَهَمُوْا وَلَوْ

و در یافتن صف اول پستر نیابند مگر آنکه قرعه بیندازند برآن هرآئینه قرعه می اندازند و اگر

يَعْلَمُوْنَ مَا فِي التَّهْجِيْرِ لَاسْتَبَقُوْا اِلَيْهِ وَلَوْ يَعْلَمُوْنَ مَا فِي الْعَتَمَةِ وَالصُّبْحِ

بدانند فضیلتی که در نیم روز رفتن است هرآئینه پیشی میجویند بسوی آن و اگر بدانند فضیلتی که در گزاردن نماز عشا و صبح است

لَاَتَوْهُمَا وَلَوْ حَبْوًا مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

هرآئینه بیایند آنرا و نده بر هردو دست و سینه متفق علیه و مرویست از وی رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَيْسَ صَلوٰةٌ اَثْقَلَ عَلَى الْمُنَافِقِيْنَ مِنَ الْفَجْرِ وَالْعِشَاءِ وَلَوْ

علیه وسلم نیست هیچ نمازی گران تر بر منافقان از نماز بامداد و نماز خفتن و اگر

يَعْلَمُوْنَ مَا فِيْهِمَا لَاَتَوْهُمَا وَلَوْ حَبْوًا مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ عُثْمَانَ

بدانند ثوابی که درین نماز هست هرآئینه می آمدندی نماز را اگرچه بطریق حبو باشد و مرویست از عثمان رض

قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ صَلَّى الْعِشَاءَ فِيْ جَمَاعَةٍ

گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه بگذارد نماز عشا را بجماعت

فَكَاَنَّمَا قَامَ نِصْفَ اللَّيْلِ وَمَنْ صَلَّى الصُّبْحَ فِيْ جَمَاعَةٍ فَكَاَنَّمَا صَلَّى اللَّيْلَ

پس چنانکه نماز گذارد نیم شب وکسیکه گذارد نماز صبح بجماعت پس گویا نماز گذارد

كُلَّهُ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ سَلْمَانَ قَالَ سَمِعْتُ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

تمام شب رواه مسلم و مرویست از سلمان رض گفت شنیدم پیغامبر خدا را صلی الله علیه

وَسَلَّمَ يَقُوْلُ مَنْ غَدَا اِلَى صَلوٰةِ الصُّبْحِ غَدَا بِرَايَةِ الْاِيْمَانِ وَمَنْ غَدَا

وسلم که میگفت کسیکه بامداد میرود بسوی نماز بامداد میرود برایت ایمان وکسیکه بامداد میرود

إلى السوق غدا براية إبليس رواه ابن ماجة وعن ابن عمر قال

بسوے بازار میرود برایت ابلیس رواه ابن ماجه و مرویست از ابن عمر رضی الله عنه گفت

قال رسول الله صلى الله عليه وسلم اجعلوا في بيوتكم من صلواتكم

فرمود پیامبر خدا صلی الله علیه وسلم بگردانید در خانهاے خود چیزے از نماز ہاے شما

ولا تتخذوها قبورا متفق عليه وعن أبي هريرة قال قال

و مگیرید خانهاے خود را مانند گور متفق علیه و مرویست از ابی هریره رضی الله عنه گفت فرمود

رسول الله صلى الله عليه وسلم أقرب ما يكون العبد من ربه وهو

پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم که نزدیکترین بودن بنده از آفریدگار خود حاصل است در حالیکه بنده

ساجد فأكثروا الدعاء رواه مسلم وعنه قال قال رسول الله

سجده کننده است پس زیاده کنید دعا در حال سجده رواه مسلم و مرویست از وے رض گفت فرمود پیغامبر خدا

صلى الله عليه وسلم إذا قرأ ابن آدم السجدة فسجد اعتزل الشيطان

صلی الله علیه وسلم چون میخواند آدمی آیت سجده را پس سجده میکند گوشه میگیرد دیو لعین

يبكي يقول يا ويلتى أمر ابن آدم بالسجود فسجد فله الجنة وأمرت

در حالیکه میگرید میگوید ای اندوه امر کرده شد آدمی را بسجده پس سجده کرد پس مر او راست بهشت و امر کرده شدم

بالسجود فأبيت فلي النار رواه مسلم وعن ربيعة بن كعب

بسجده پس سر باز زدم از سجده پس شد مرا آتش رواه مسلم و مرویست از ربیعه بن کعب رض

قال كنت أبيت مع رسول الله صلى الله عليه وسلم فأتيته بوضوئه

گفت بودم من که شب میگذاردم با آنحضرت صلی الله علیه وسلم پس آوردم برای آنحضرت آب وضو را

وحاجته فقال لي سل فقلت أسألك مرافقتك في الجنة قال أو غير

و میآوردم حاجتهای دیگر او را پس فرمود [illegible]

ذلك قلت هو ذاك قال فأعني على نفسك بكثرة السجود رواه مسلم

[illegible] پس مدد کن مرا بر نفس خود به بسیار کردن سجود رواه مسلم

وَعَنْ مَعْدَانَ بْنِ طَلْحَةَ قَالَ لَقِيتُ ثَوْبَانَ مَوْلَى رَسُولِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

و مرویست از معدان بن طلحه رض گفت پیش آمدم ثوبان را که آزاد کردهٔ آنحضرت صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقُلْتُ أَخْبِرْنِي بِعَمَلٍ أَعْمَلُهُ يُدْخِلُنِي اللّٰهُ بِهِ الْجَنَّةَ فَسَكَتَ

علیه وسلم بود پس گفتم خبر ده مرا از کاری که کنم آن کار را تا درآرد مرا خدا تعالی بسبب آن در بهشت پس خاموش ماند

ثُمَّ سَأَلْتُهُ فَسَكَتَ ثُمَّ سَأَلْتُهُ الثَّالِثَةَ فَقَالَ سَأَلْتُ عَنْ ذٰلِكَ رَسُولَ اللّٰهِ

باز پرسیدم او را پس خاموش ماند پستر پرسیدم او را بار سوم پس گفت پرسیدم من ازین عمل پیغامبر خدا را

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ عَلَيْكَ بِكَثْرَةِ السُّجُودِ فَإِنَّكَ لَا تَسْجُدُ

صلی الله علیه وسلم پس فرمود بر تو باد که بسیار سجده کنی پس بدرستیکه تو نمی کنی

سَجْدَةً إِلَّا رَفَعَكَ اللّٰهُ بِهَا دَرَجَةً وَحَطَّ عَنْكَ بِهَا خَطِيْئَةً قَالَ

سجده مگر آنکه برسیاند ترا خدا تعالی بسبب آن سجده پایهٔ بزرگ و کم میکند از تو بسبب آن سجده گناه را گفت

مَعْدَانُ ثُمَّ لَقِيْتُ أَبَا الدَّرْدَاءِ فَسَأَلْتُهُ فَقَالَ لِيْ مِثْلَ مَا قَالَ لِيْ ثَوْبَانُ

معدان پستر ملاقات کردم ابو درداء را پس پرسیدم او را پس گفت مرا مانند آنچه گفته بود مرا ثوبان

رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنِ ابْنِ عُمَرَ قَالَ كَانَتِ الصَّلٰوةُ خَمْسِيْنَ وَالْغُسْلُ

روایت کرده مسلم و روایتست از ابن عمر رض گفت بوده است نماز پنجاه گانه و غسل

مِنَ الْجَنَابَةِ سَبْعَ مَرَّاتٍ وَغَسْلُ الْبَوْلِ مِنَ الثَّوْبِ سَبْعَ مَرَّاتٍ فَلَمْ يَزَلْ

از جنابت هفت مرتبه و شستن شاشه از جامه هفت بار پس همیشه بود

رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَسْأَلُ حَتّٰى جُعِلَتِ الصَّلٰوةُ خَمْسًا وَغُسْلُ

رسول خدا صلی الله علیه وسلم که سوال میکرد تا آنکه گردانیده شد نماز پنجگانه و غسل

الْجَنَابَةِ مَرَّةً وَغَسْلُ الثَّوْبِ مِنَ الْبَوْلِ مَرَّةً رَوَاهُ اَبُوْ دَاوُدَ

از جنابت یک مرتبه و شستن ثیاب از بول یک مرتبه روایت کرده ابو داود

بَابُ مَا جَاءَ فِيْ اٰخِرِ تَارِكِ الصَّلٰوةِ

باب احادیثی که وارد شده در گناه ترک کننده نماز

وعن ابي هريرة قال سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول ان

وروایت از ابی هریره رض گفت شنیدم از پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم که میگفت بدرستیکه

اول ما يحاسب به العبد يوم القيمة من عمله صلوته فان صلحت

نخستین چیزیکه محاسبه کرده شود بسبب آن چیز بنده روز قیامت از عمل او نماز اوست پس اگر درست آمد نماز

فقد افلح وانجح وان فسدت فقد خاب وخسر فان انتقص من فريضته شيء

پس بتحقیق فلاح ونجات یافت آن مرد واگر فاسد شد آن نماز پس بتحقیق ناامید خاسر آمد پس اگر ناقص شود از فریضه آن بنده چیزی

قال الرب تبارك وتعالى انظروا هل لعبدي من تطوع فيكمل بها ما انتقص

گوید پروردگار تبارک وتعالی ببینید آیا هست مر بنده مرا چیزی از نفل تا کامل کرده شود بسبب آن نفل آنچه ناقص شد

من الفريضة ثم يكون سائر عمله على ذلك وفي رواية ثم الزكوة

از فریضه او پس تر باشد باقی عمل او بر این طور ودر روایت دیگر همچنین هست پس تر زکوة

مثل ذلك ثم تؤخذ الاعمال على حسب ذلك رواه ابو داود ورواه

مانند آن پس تر مواخذه کرده شود اعمال بر این طریق رواه ابوداود ورواه [illegible]

احمد عن رجل وعن طلق بن علي الحنفي قال قال رسول الله صلى

احمد از مردی وروایت هست از طلق بن علی حنفی رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی

الله عليه وسلم لا ينظر الله عز وجل الى صلوة عبد لا يقيم فيها صلبه

الله علیه وسلم [illegible] نمیکند خدا عز وجل بسوی نماز بنده که راست نمیکند استخوان پشت خود را

بين ركوعها وسجودها رواه احمد وعن ابن عمر قال قال رسول الله

میان رکوع وسجود نماز رواه احمد وروایت از ابن عمر رض گفت فرمود پیغامبر خدا

صلى الله عليه وسلم الذي تفوته صلوة العصر فكانما وتر اهله

صلی الله علیه وسلم آنکسیکه فوت کرده شد ازو نماز عصر گویا نقصان کرده شد اهل خانه او

وماله رواه [illegible] وعن بريدة قال قال رسول الله صلى الله

[illegible] وروایت از بریده هست که گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ تَرَكَ صَلٰوةَ الْعَصْرِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ

علیه وسلم کسیکه ترک کند نماز عصر دیده و دانسته پس تحقیق باطل شود تمام عمل او رواه بخاری

وَعَنْ أَبِي ذَرٍّ قَالَ أَوْصَانِي خَلِيْلِي أَنْ لَا تُشْرِكَ بِاللّٰهِ شَيْئًا

و روایت ست از ابی ذر گفت وصیت کرد مرا دوست من که شریک مگردان بخدا چیزے را

وَإِنْ قُطِّعْتَ وَحُرِّقْتَ وَلَا تَتْرُكْ صَلٰوةً مَكْتُوْبَةً مُتَعَمِّدًا فَمَنْ تَرَكَهَا

اگرچه پاره پاره کرده شوے و سوخته شوے و ترک مکن نماز فرض را دیده و دانسته پس هر که ترک کند نماز فرض را

مُتَعَمِّدًا فَقَدْ بَرِئَتْ مِنْهُ الذِّمَّةُ وَلَا تَشْرَبِ الْخَمْرَ فَإِنَّهَا مِفْتَاحُ كُلِّ

دیده و دانسته پس بیزار شد از وی عهد مسلمانی و منوش شراب را پس بدرستیکه آن کلید همه

شَرٍّ رَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ شَقِيْقٍ قَالَ كَانَ أَصْحَابُ

بدی ست رواه ابن ماجه و روایت ست از عبد الله بن شقیق رح گفت بودند یاران

رَسُوْلِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا يَرَوْنَ شَيْئًا مِنَ الْأَعْمَالِ تَرْكُهُ كُفْرٌ

پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم اعتقاد نمیکردند هیچ عملے را که ترک وے کفر باشد

غَيْرَ الصَّلٰوةِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ عَمْرِو بْنِ الْعَاصِ

جز نماز رواه ترمذی و روایت ست از عبد الله بن عمرو بن عاص رض

عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ ذَكَرَ الصَّلٰوةَ يَوْمًا فَقَالَ مَنْ حَافَظَ

از پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم که آنحضرت ذکر کرده نماز را روزے پس فرمود کسیکه نگاهبانی کند

عَلَيْهَا كَانَتْ لَهُ نُوْرًا وَبُرْهَانًا وَنَجَاةً يَوْمَ الْقِيٰمَةِ وَمَنْ لَمْ يُحَافِظْ عَلَيْهَا

بر نماز باشد مراورا نماز سبب نورانیت و حجت قوی و نجات روز قیامت و کسیکه محافظت نکند بر نماز

لَمْ تَكُنْ لَهُ نُوْرًا وَلَا بُرْهَانًا وَلَا نَجَاةً وَكَانَ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ مَعَ قَارُوْنَ وَ

نباشد مر ویرا نور و نه حجت و نه سبب رستگاری و باشد آنکس در قیامت با کفار که قارون و

فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَأُبَيِّ بْنِ خَلَفٍ رَوَاهُ أَحْمَدُ وَالدَّارِمِيُّ وَالْبَيْهَقِيُّ

فرعون و هامان ست و ابی ابن خلف که اشقی این امت ست روایت کرد آنرا احمد و دارمی و بیهقی

فِي شُعَبِ الْإِيمَانِ وَعَنْ عَمْرِو بْنِ شُعَيْبٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ

در شعب الایمان و روایت ست از عمرو بن شعیب و او از پدر خود و او از جد او

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مُرُوا أَوْلَادَكُمْ بِالصَّلٰوةِ

گفت فرمود پیغامبر خدا صلے الله علیه وسلم امر کنید فرزندان خود را بنماز گذاردن

وَهُمْ أَبْنَاءُ سَبْعِ سِنِينَ وَاضْرِبُوهُمْ عَلَيْهَا وَهُمْ أَبْنَاءُ عَشْرِ سِنِينَ وَ

حال آنکه ایشان هفت ساله باشند و بزنید فرزندان خود را بر گذاردن نماز چون ده ساله شوند و

فَرِّقُوا بَيْنَهُمْ فِي الْمَضَاجِعِ رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ وَكَذَا رَوَاهُ فِي شَرْحِ السُّنَّةِ عَنْهُ

جدا کنید میان فرزندان در خوابگاه روایت کرد این حدیث را ابوداود و همچنین روایت کرده است در شرح السنه از عمرو بن شعیب

وَفِي الْمَصَابِيحِ عَنْ سَبْرَةَ بْنِ مَعْبَدٍ وَعَنْ بُرَيْدَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ

و در مصابیح روایت کرد از سبره بن معبد و روایت ست از بریده رض گفت فرمود پیغمبر خدا

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الْعَهْدُ الَّذِي بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمُ الصَّلٰوةُ مَنْ تَرَكَ الصَّلٰوةَ

صلے الله علیه وسلم عهد و امانتیکه در میان ما و میان منافقان ست نماز ست پس کسیکه گذارد نماز را

فَقَدْ كَفَرَ رَوَاهُ أَحْمَدُ وَالتِّرْمِذِيُّ وَالنَّسَائِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ

پس تحقیق ظاهر کفر او روایت کرد این حدیث را احمد و ترمذی و نسائی و ابن ماجه

وَعَنْ جَابِرٍ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

و روایت ست از جابر رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلے الله علیه وسلم

بَيْنَ الْعَبْدِ وَبَيْنَ الْكُفْرِ تَرْكُ الصَّلٰوةِ رَوَاهُ مُسْلِمٌ

حدیکه واقع شده ست میان بنده و میان کفر همین نماز ست روایت کرد این حدیث را مسلم

بَابُ تَعْجِيلِ الصَّلٰوةِ

باب احادیثی که در فضیلت تعجیل نماز وارد شده اند

حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلٰوةِ الْوُسْطٰى وَقُومُوا لِلّٰهِ قَانِتِينَ

... خصوصیت و بایستید برای خدا فرمان بردار شده

وعن ابن عمر رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم الوقت الاول

و روایت است از ابن عمر رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم اول وقت

من الصلوة رضوان الله والوقت الاخر عفو الله رواه الترمذي وعن

از نماز سبب رضای خدا تعالی است و گذاردن نماز در آخر وقت عفو خداست رواه ترمذی و روایت است

علي رض ان النبي صلى الله عليه وسلم قال يا علي ثلث لا تؤخرها الصلوة

از علی رض بدرستیکه پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم فرمود ای علی سه خصلت است تاخیر مکن در ان یکی نماز

اذا اتت والجنازة اذا حضرت والايم اذا وجدت لها كفوا رواه

چون بیاید دوم جنازه وقتیکه حاضر شود سوم زن بی شوهر وقتیکه بیابی مر او را کفو رواه

الترمذي وعن رافع بن خديج قال كنا نصلي المغرب مع رسول الله

ترمذی و روایت است از رافع بن خدیج رض گفت بودیم ما که میگذاردیم نماز مغرب را با پیغمبر خدا

صلى الله عليه وسلم فينصرف احدنا وانه ليبصر مواقع نبله متفق

صلی الله علیه وسلم پس میگشت یکی از ما و حال انکه وی برآینه میدید جای افتادن تیر خود را متفق

عليه وعن ابي ايوب قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

علیه و مرویست از ابی ایوب رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

لا يزال امتي بخير او قال على الفطرة ما لم يؤخروا المغرب الى ان

همیشه امت من پیوسته به نیکی یا گفت همیشه اند بر آفرینش اسلام مادام که تاخیر نکنند نماز شام تا آنکه

تشتبك النجوم رواه ابو داود وعن النعمان بن بشير رض قال

مختلط شوند ستارها رواه ابوداود و مرویست از نعمان بن بشیر رض گفت

انا اعلم بوقت هذه الصلوة صلوة العشاء الاخرة كان رسول الله

من داناترم بوقت این نماز که نماز عشاء پسین باشد میگذارد وی پیغامبر خدا

صلى الله عليه وسلم يصليها لسقوط القمر لثالثة رواه ابو داود والدارمي

صلی الله علیه وسلم آنرا در وقت افتادن ماه وغروب وی در شب سوم رواه ابوداود و دارمی

وعن رافع بن خديج رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

و روایت است از رافع بن خدیج رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

أسفروا بالفجر فإنه أعظم للأجر رواه الترمذي وأبو داود والدارمي

اسفار کنید در فجر و در روشنی بگذارید آنرا پس بدرستیکه اسفار بزرگتر است از جهت مزد و ثواب روایت کرده ترمذی و ابوداود و دارمی

وعن أبي هريرة رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم إذا اشتد

و روایت از ابی هریره رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم وقتیکه سخت شود

الحر فأبردوا بالصلوة وفي رواية البخاري عن أبي سعيد بالظهر

گرمی پس سرد کنید بنماز و در روایت بخاری از ابی سعید لفظ بالظهر واقع شده

فإن شدة الحر من فيح جهنم واشتكت النار إلى ربها فقالت

زیرا که تحقیق گرمی از جوشیدن دوزخ است و گله کرد آتش بسوی پروردگار خود پس گفت

يا رب أكل بعضي بعضا فأذن لها بنفسين نفس في الشتاء

ای پروردگار من خورد اجزاء من یکدیگر را پس دستوری داد پروردگار مر آتش را بدو نفس بر آوردن یکی در زمستان

ونفس في الصيف أشد ما تجدون من الحر وأشد ما تجدون

و دیگر در تابستان سخت تر آنچه می یابید شما از گرمی و سخت تر آنچه می یابید شما

من الزمهرير متفق عليه وفي رواية للبخاري فأشد ما تجدون

از سردی است از آن دو نفس است متفق علیه و در روایت دیگر مر بخاری را چنین آمده است پس سخت تر آنچه می یابید

من الحر فمن سمومها وأشد ما تجدون من البرد فمن زمهريرها

از گرمی پس از دم گرم آتش است و سخت تر آنچه می یابید شما از سردی پس از دم سرد اوست

باب فضل الأذان وإجابة المؤذن

عن أبي سعيد الخدري رض قال قال رسول الله صلى الله عليه

روایت است از ابی سعید خدری رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه

وَسَلَّمَ لَا يَسْمَعُ مَدَى صَوْتِ الْمُؤَذِّنِ جِنٌّ وَلَا إِنْسٌ وَلَا شَيْءٌ إِلَّا شَهِدَ لَهُ

وسلم نمی شنوند غایت آواز مؤذن را نه جن و نه انس و نه هیچ شیئ مگر آنکه گواهی میدهد برا

يَوْمَ الْقِيٰمَةِ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَعَنْ مُعَاوِيَةَ رضقَالَ سَمِعْتُ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى

روز قیامت رواه بخاری و مرویست از معاویه رضی الله عنه گفت شنیدم پیغامبر خدا را صلی

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُوْلُ الْمُؤَذِّنُوْنَ أَطْوَلُ النَّاسِ أَعْنَاقًا يَوْمَ الْقِيٰمَةِ رَوَاهُ مُسْلِمٌ

الله علیه وسلم که میگفت مؤذنان گردن دراز ترند از مردمان روز قیامت رواه مسلم

وَعَنْ أَبِيْ هُرَيْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا نُوْدِيَ

و مرویست از ابی هریره رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم وقتیکه آواز کرده میشود

لِلصَّلٰوةِ أَدْبَرَ الشَّيْطَانُ لَهُ ضُرَاطٌ حَتّٰى لَا يَسْمَعَ التَّأْذِيْنَ فَإِذَا قُضِيَ

برای نماز پشت میدهد شیطان درحالیکه تیز میزند تا نشنود اذان را پس چون تمام کرده شود

النِّدَاءُ أَقْبَلَ حَتّٰى إِذَا ثُوِّبَ بِالصَّلٰوةِ أَدْبَرَ حَتّٰى إِذَا قُضِيَ التَّثْوِيْبُ أَقْبَلَ

اذان پیش می آید تا آنکه وقتیکه اقامت گفته شود برای نماز پشت میدهد تا آنکه چون تمام کرده شد اقامت حاضر آید

حَتّٰى يَخْطُرَ بَيْنَ الْمَرْءِ وَنَفْسِهِ يَقُوْلُ اذْكُرْ كَذَا اذْكُرْ كَذَا لِمَا لَمْ يَكُنْ يَذْكُرُ

تا آنکه وسوسه می اندازد درمیان مرد و میان نفس وی میگوید یاد کن چنین یاد کن چنان یا میدهد بچیزیکه نبود یاد دا

حَتّٰى يَظَلَّ الرَّجُلُ لَا يَدْرِيْ كَمْ صَلّٰى مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ أَبِيْ هُرَيْرَةَ قَالَ

تا آنکه میگردد مرد چنانکه درنمی یابد که چند رکعت گذارده است متفق علیه مرویست از ابی هریره رض گفت

قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الْإِمَامُ ضَامِنٌ وَالْمُؤَذِّنُ مُؤْتَمَنٌ

فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم امام برخود گیرنده است کار و بار و مؤذن امانت دار است

اَللّٰهُمَّ أَرْشِدِ الْأَئِمَّةَ وَاغْفِرْ لِلْمُؤَذِّنِيْنَ رَوَاهُ أَحْمَدُ وَأَبُوْ دَاوٗدَ وَالتِّرْمِذِيُّ

خداوندا راه راست نما امامانرا و بیامرز مؤذنانرا رواه احمد و ابوداود و ترمذی

وَالشَّافِعِيُّ وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

و شافعی و مرویست از ابن عباس رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

من أذّن سبع سنين محتسبا كتب له براءة من النار رواه الترمذي

کسیکه اذان گوید هفت سال برای طلب اجر نوشته شود برای او بیزاری از آتش دوزخ رواه ترمذی

وابن ماجة وعن عقبة بن عامر قال قال رسول الله صلى الله

و ابن ماجه و روایت هست از عقبه بن عامر رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله

عليه وسلم يعجب ربك من راعي غنم في رأس شظية الجبل يؤذن

علیه وسلم عجب دارد پروردگار تو از چراننده گوسفندان در سر بلندی کوه که اذان میگوید

بالصلوة ويصلي فيقول الله عز وجل انظروا الى عبدي هذا يؤذن

برای نماز و میگذارد نماز را پس میگوید خدای بزرگ بفرشتگان نظر کنید بسوی بنده من که این است اذان میگوید

ويقيم الصلوة يخاف مني قد غفرت لعبدي وادخلته الجنة رواه

و برپای دارد نماز را میترسد از من بتحقیق آمرزیدم این بنده خود را و داخل کردم او را در بهشت رواه

ابوداود والنسائي وعن ابن عمر قال قال رسول الله صلى الله

ابوداود و نسائی و روایت هست از ابن عمر رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله

عليه وسلم ثلثة على كثبان المسك يوم القيمة عبد ادّى حق الله

علیه وسلم سه کس بر تلهای مشک در روز قیامت یکی بنده که گزارد حق خدا را

وحق مولاه ورجل امّ قوما وهم به راضون ورجل ينادي بالصلوة

و حق خداوند خود را و دیگر مردیکه امامت کرد گروهی را و ایشان از وی راضی بودند و دیگر مردیکه اذان میگوید هر روز

الخمس كل يوم وليلة رواه الترمذي وقال هذا حديث غريب وعن

نماز را هر روز و شب پنج وقت رواه ترمذی و گفت این حدیث غریب است و روایت هست از

ابي هريرة رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم المؤذن يغفر له مدى

ابی هریره رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم بانگ نماز گوینده آمرزیده شود مر او را تا غایت

صوته ويشهد له كل رطب ويابس وشاهد الصلوة يكتب له خمس

آواز او و گواهی دهد برای او هر تر و خشک و حاضر آینده نماز را نوشته میشود بیست و پنج

وَعِشْرُونَ صَلوٰةً وَيُكَفِّرُ عَنْهُ مَا بَيْنَهُمَا رَوَاهُ أَحْمَدُ وَأَبُو دَاوُدَ وَعَنْ

نماز و بخشیده میشود از وی گناهانی کہ واقع میشوند میان ہر دو نماز روایت کرد احمد و ابوداود و روایت است از

عُثْمَانَ بْنِ أَبِي الْعَاصِ قَالَ قُلْتُ يَا رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اجْعَلْنِي

عثمان بن ابی العاص گفت گفتم ای پیغامبر خدا صلی اللہ علیہ و سلم بگردان مرا

إِمَامَ قَوْمِي قَالَ أَنْتَ إِمَامُهُمْ وَاقْتَدِ بِأَضْعَفِهِمْ وَاتَّخِذْ مُؤَذِّنًا لَا يَأْخُذُ

امام قوم من فرمود تو امام قوم ہوا اقتدا کن بضعیف ترین ایشان و بگیر مؤذنے را کہ نگیرد

عَلَى أَذَانِهِ أَجْرًا رَوَاهُ أَحْمَدُ وَأَبُو دَاوُدَ وَعَنِ ابْنِ عُمَرَ أَنَّ رَسُولَ اللهِ صَلَّى

بر اذان خود اجرت رواه احمد و ابو داود و روایت است از ابن عمر بدرستیکہ پیغامبر خدا صلی

اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ مَنْ أَذَّنَ ثِنْتَيْ عَشْرَةَ سَنَةً وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ وَ

اللہ علیہ وسلم فرمود کسیکہ اذان گوید دوازدہ سال واجب گردد مر او را بہشت

كُتِبَ لَهُ بِتَأْذِينِهِ فِي كُلِّ يَوْمٍ سِتُّونَ حَسَنَةً وَبِكُلِّ إِقَامَةٍ ثَلَاثُونَ

و نوشتہ میشود مر او را بجزا اذان گفتن وی ہر روز ہر بار شصت نیکے و مر بر اقامت را سی

حَسَنَةً رَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ سَهْلِ بْنِ سَعْدٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ

نیکے رواه ابن ماجہ و روایت است از سہل ابن سعد رض گفت فرمود پیغمبر خدا

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ثِنْتَانِ لَا تُرَدَّانِ الدُّعَاءُ عِنْدَ النِّدَاءِ وَعِنْدَ

صلی اللہ علیہ وسلم دو چیز است کہ رد کردہ نمیشود دعا نزد بانگ نماز و نزدیک

الْبَأْسِ حِينَ يُلْحِمُ بَعْضُهُمْ بَعْضًا وَفِي رِوَايَةٍ وَتَحْتَ الْمَطَرِ رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ

جنگ کافران وقتیکہ بکشند بعضے ایشان بعض را و در روایتی آمدہ کہ دعا زیر باران مقبول است رواه ابوداود

وَعَنْ أُمِّ سَلَمَةَ قَالَتْ عَلَّمَنِي رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

و روایت است از ام سلمہ رضی اللہ عنہا گفت کہ تعلیم کرد مرا رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم

أَنْ أَقُولَ عِنْدَ أَذَانِ الْمَغْرِبِ اللّٰهُمَّ هٰذَا إِقْبَالُ لَيْلِكَ وَإِدْبَارُ نَهَارِكَ

اینکہ بگویم نزد بانگ نماز شام این دعا را خدایا اینوقت پیش آمدن شب تست و وقت پس شدن روز تست

وَاَصْوَاتُ دُعَاتِكَ فَاغْفِرْلِيْ رَوَاهُ اَبُوْدَاوُدَ وَالْبَيْهَقِيُّ فِي الدَّعَوَاتِ الْكَبِيْرِ

و این آواز های خوانندگان تست بعبادت پس بیامرز مرا روایت کرد ابوداود و روایت کرد بیهقی در دعوات کبیر

وَعَنْ عَبْدِاللّٰهِ بْنِ عَمْرِو بْنِ الْعَاصِ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

و روایت است از عبداللہ بن عمرو بن العاص گفت فرمود پیغمبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم

اِذَا سَمِعْتُمُ الْمُؤَذِّنَ فَقُوْلُوْا مِثْلَ مَا يَقُوْلُ ثُمَّ صَلُّوْا عَلَيَّ فَاِنَّهُ مَنْ صَلّٰى عَلَيَّ

چون بشنوید مؤذن را که اذان میگوید پس بگوئید مانند آنچه وی میگوید پس درود بفرستید بر من زیرا که هر که درود فرستد

صَلٰوةً صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ بِهَا عَشْرًا ثُمَّ سَلُوا اللّٰهَ لِيَ الْوَسِيْلَةَ فَاِنَّهَا مَنْزِلَةٌ

یکبار درود فرستد خدا تعالی بروی بجزای آن ده بار پس سوال کنید خدا را از برای من وسیله زیرا که وسیله درجه ایست

فِي الْجَنَّةِ لَا يَنْبَغِيْ اِلَّا لِعَبْدٍ مِّنْ عِبَادِ اللّٰهِ تَعَالٰى وَاَرْجُوْ اَنْ اَكُوْنَ اَنَا

در بهشت نمی سزد آن منزلت مگر برای یک بنده از بندگان خدا تعالی و امید میدارم که باشم من آن بنده

هُوَ فَمَنْ سَأَلَ لِيَ الْوَسِيْلَةَ حَلَّتْ عَلَيْهِ الشَّفَاعَةُ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ

پس هر که سوال کند برای من وسیله فرود آمد بروی شفاعت رواه مسلم و روایت است از

جَابِرٍ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ قَالَ حِيْنَ يَسْمَعُ النِّدَاءَ

جابر رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم کسیکه گوید هنگام شنیدن اذان

اَللّٰهُمَّ رَبَّ هٰذِهِ الدَّعْوَةِ التَّامَّةِ وَالصَّلٰوةِ الْقَائِمَةِ اٰتِ مُحَمَّدَا

خداوندا ای پروردگار این دعا تمام و صلوة قایم بده محمد را

نِ الْوَسِيْلَةَ وَالْفَضِيْلَةَ وَابْعَثْهُ مَقَامًا مَّحْمُوْدَا نِ الَّذِيْ وَعَدْتَّهٗ حَلَّتْ لَهٗ

وسیله و فضیلت و برانگیز او را در مقام محمود آنکه وعده کرده او را واجب شد برای او

شَفَاعَتِيْ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَعَنْ سَعْدِ بْنِ اَبِيْ وَقَّاصٍ

شفاعت من روز قیامت روایت کرد بخاری و روایت است از سعد بن ابی وقاص رضی اللہ عنه

قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ قَالَ حِيْنَ يَسْمَعُ الْمُؤَذِّنَ

گفت فرمود پیغامبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم کسیکه گوید هنگام شنیدن اذان

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ

اینکه گواهی میدهم که نیست هیچ معبود بحق مگر خدای واحد لاشریک است و گواهی میدهم بدرستیکه محمد بنده او و رسول او ست

رَضِيتُ بِاللّٰهِ رَبًّا وَبِمُحَمَّدٍ رَسُولًا وَبِالْإِسْلَامِ دِينًا غُفِرَ لَهُ ذَنْبُهُ رَوَاهُ

راضی شدم بخدا از روی ربی و بمحمد از روی رسول و با اسلام از روی دین آمرزیده شوند مر او را گناهان صغار و رواه

مُسْلِمٌ وَعَنِ ابْنِ عُمَرَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خَصْلَتَانِ

مسلم و روایت است از ابن عمر رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم دو خصلت

مُعَلَّقَتَانِ فِي أَعْنَاقِ الْمُؤَذِّنِينَ لِلْمُسْلِمِينَ صِيَامُهُمْ وَصَلَاتُهُمْ رَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ

آویخته شده اند در گردنهای بانگ نماز گویندگان برای مسلمانان روزه شان و نماز ایشان رواه ابن ماجه

بَابُ فَضْلِ الصَّلٰوةِ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

باب فضیلت درود بر نبی صلی الله علیه وسلم

إِنَّ اللّٰهَ وَمَلٰئِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ

هر آینه خدا و فرشتگان او درود میفرستند بر پیغامبر ای آن کسانیکه ایمان آورده اند درود فرستید

وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا وَعَنْ أَنَسٍ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

و سلام گوئید سلام گفتنی و روایت است از انس رض گفت فرمود رسول خدا صلی الله علیه

وَسَلَّمَ مَنْ صَلَّى عَلَيَّ صَلَاةً وَاحِدَةً صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ عَشْرَ صَلَوَاتٍ وَحُطَّتْ

وسلم کسیکه درود بفرستد بر من یکبار بفرستد خدا تعالی بروی ده بار درود را و دور کرده شود

عَنْهُ عَشْرُ خَطِيئَاتٍ وَرُفِعَتْ لَهُ عَشْرُ دَرَجَاتٍ رَوَاهُ النَّسَائِيُّ

از وی ده گناه و برداشته شود مر او را ده پایه در قرب حق رواه نسائی

وَعَنِ ابْنِ مَسْعُودٍ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَوْلَى

و روایت است از ابن مسعود رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم نزدیکترین

النَّاسِ بِي يَوْمَ الْقِيٰمَةِ أَكْثَرُهُمْ عَلَيَّ صَلَاةً رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ

مردم بمن روز رستخیز بیشترین ایشانست بر من درود گوینده رواه ترمذی

وَعَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ لِلّٰهِ مَلٰئِكَةً

و از وی مرویست گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم مر خدای را فرشتگانند

سَيَّاحِينَ فِي الْأَرْضِ يُبَلِّغُونِي مِنْ أُمَّتِي السَّلَامَ رَوَاهُ النَّسَائِيُّ وَالدَّارِمِيُّ

رونده در زمین که میرسانند مرا از امت من سلامی که میگویند بر من رواه نسائی و دارمی

وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا مِنْ أَحَدٍ

و روایت است از ابی هریره رضی الله عنه گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم نیست هیچ یکی

يُسَلِّمُ عَلَيَّ إِلَّا رَدَّ اللّٰهُ عَلَيَّ رُوحِي حَتّٰى أَرُدَّ عَلَيْهِ السَّلَامَ رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ

که سلام میفرستد بر من مگر آنکه باز میفرستد خدا تعالی بر من روح مرا تا آنکه جواب گویم بروی سلام را رواه ابو داود

وَالْبَيْهَقِيُّ فِي الدَّعَوَاتِ الْكَبِيرِ وَعَنْهُ قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

و بیهقی روایت کرده در دعوات کبیر و مرویست از وی گفت شنیدم پیغمبر خدا صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ لَا تَجْعَلُوا بُيُوتَكُمْ قُبُورًا وَلَا تَجْعَلُوا قَبْرِي عِيدًا

علیه وسلم را که میگفت مگردانید خانهای خود را مانند قبرها و مگردانید قبر مرا عیدگاه

وَصَلُّوا عَلَيَّ فَإِنَّ صَلَاتَكُمْ تَبْلُغُنِي حَيْثُ كُنْتُمْ رَوَاهُ النَّسَائِيُّ وَعَنْهُ

و درود فرستید بر من زیرا که درود شما میرسد مرا هر جاکه باشید رواه نسائی و روایت است از وی

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رَغِمَ أَنْفُ رَجُلٍ ذُكِرْتُ عِنْدَهُ

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم خاک آلوده باد بینی مردی که نزد او ذکر کرده شوم نزد او

فَلَمْ يُصَلِّ عَلَيَّ وَرَغِمَ أَنْفُ رَجُلٍ دَخَلَ عَلَيْهِ رَمَضَانُ ثُمَّ انْسَلَخَ قَبْلَ

پس درود نفرستد بر من و خاک آلوده باد بینی مردی که درآید بر وی ماه رمضان پس بگذرد پیش از آنکه

أَنْ يُغْفَرَ لَهُ وَرَغِمَ أَنْفُ رَجُلٍ أَدْرَكَ عِنْدَهُ أَبَوَاهُ الْكِبَرَ أَوْ

آمرزیده شود او و خاک آلوده باد بینی مردی که دریابد نزد وی مادر و پدرش پیری را یا

أَحَدُهُمَا فَلَمْ يُدْخِلَاهُ الْجَنَّةَ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ أَبِي طَلْحَةَ أَنَّ

یکی از مادر و پدرش پس نیارند پدر و مادر او را در بهشت رواه ترمذی و روایت است از ابی طلحه بدرستیکه

رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ جَاءَ ذَاتَ يَوْمٍ وَالْبِشْرُ فِيْ وَجْهِهٖ فَقَالَ

پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم آمد پیش اصحاب خود روزی و خوشحالی در روی مبارک بود پس فرمود

اِنَّهٗ جَاءَنِيْ جِبْرَئِيْلُ فَقَالَ اِنَّ رَبَّكَ يَقُوْلُ اَمَا يُرْضِيْكَ يَا مُحَمَّدُ اَنْ لَا يُصَلِّيَ

بدرستیکه آمد جبرئیل مرا پس گفت بدرستیکه پروردگار تو میگوید آیا راضی نمیسازد ترا ای محمد آنکه درود نفرستد

عَلَيْكَ اَحَدٌ مِّنْ اُمَّتِكَ اِلَّا صَلَّيْتُ عَلَيْهِ عَشْرًا وَلَا يُسَلِّمُ عَلَيْكَ اَحَدٌ مِّنْ

بر تو هیچ یکی از امت تو مگر درود بفرستم بروی ده بار و سلام نفرستد بر تو هیچ یکی از

اُمَّتِكَ اِلَّا سَلَّمْتُ عَلَيْهِ عَشْرًا رَوَاهُ النَّسَائِيُّ وَعَنْ اُبَيِّ بْنِ كَعْبٍ

امت تو مگر آنکه سلام بفرستم بروی ده بار روایت کرد او را نسائی و روایت است از ابی بن کعب

قَالَ قُلْتُ يَا رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِنِّيْ اُكْثِرُ الصَّلٰوةَ عَلَيْكَ فَكَمْ

گفت گفتم ای پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم بدرستیکه من بسیار میفرستم درود بر تو پس چه مقدار

اَجْعَلُ لَكَ مِنْ صَلٰوتِيْ فَقَالَ مَا شِئْتَ قُلْتُ الرُّبُعَ قَالَ مَا شِئْتَ فَاِنْ

گردانم برای درود فرستادن بر تو پس فرمود هر قدر که میخواهی گفتم چهار یک را فرمود هر قدر میخواهی پس اگر

زِدْتَ فَهُوَ خَيْرٌ لَّكَ قُلْتُ النِّصْفَ قَالَ مَا شِئْتَ فَاِنْ زِدْتَ فَهُوَ خَيْرٌ

زیاده کنی پس آن بهتر است مر ترا گفتم نصف زمان را بگردانم فرمود هر چه میخواهی پس اگر زیاده کنی پس آن بهتر است

لَّكَ قُلْتُ فَالثُّلُثَيْنِ قَالَ مَا شِئْتَ فَاِنْ زِدْتَ فَهُوَ خَيْرٌ لَّكَ قُلْتُ

مر ترا گفتم پس دو ثلث گفتم فرمود هر چه میخواهی پس اگر زیاده کنی آن بهتر است مر ترا گفتم

اَجْعَلُ لَكَ صَلٰوتِيْ كُلَّهَا قَالَ اِذًا يُكْفٰى هَمُّكَ وَيُكَفَّرُ لَكَ ذَنْبُكَ رَوَاهُ

میگردانم برای تو درود خود را همه فرمود آنگاه کفایت کرده شود مقصود تو و آمرزیده کرده شود گناه تو روایت کرد

التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ عَلِيٍّ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

ترمذی و روایت است از علی رضی گفت فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم

اَلْبَخِيْلُ الَّذِيْ مَنْ ذُكِرْتُ عِنْدَهٗ فَلَمْ يُصَلِّ عَلَيَّ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ

بخیل آنست که یاد کرده شوم من نزد وی پس او درود نفرستد بر من روایت کرد ترمذی

وَرَوَاهُ أَحْمَدُ عَنْ حُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ رض وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ

و رواه احمد از حسین بن علی رض و روایت است از ابی هریره رض گفت گفت

رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ صَلَّى عَلَيَّ عِنْدَ قَبْرِي سَمِعْتُهُ وَمَنْ صَلَّى

پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه درود فرستد بر من نزد قبر من می‌شنوم درود او را و کسیکه درود

عَلَيَّ نَائِيًا أُبْلِغْتُهُ رَوَاهُ الْبَيْهَقِيُّ فِي شُعَبِ الْإِيمَانِ وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ

بر من از دور رسانیده شود درود او مرا رواه بیهقی در شعب الایمان و روایت است از عبد الله

بْنِ عَمْرٍو رض قَالَ مَنْ صَلَّى عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَاحِدَةً صَلَّى

بن عمرو رض گفت کسیکه درود بفرستد بر آنحضرت صلی الله علیه وسلم یکبار درود فرستد

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَمَلٰئِكَتُهُ سَبْعِينَ صَلٰوةً رَوَاهُ أَحْمَدُ وَعَنْ رُوَيْفِعٍ أَنَّ

خدا تعالی بر وی و فرشتگان وی هفتاد بار درود رواه احمد و روایت است از رویفع که

رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ مَنْ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَقَالَ اللّٰهُمَّ أَنْزِلْهُ

پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم فرمود کسیکه درود فرستد بر محمد صلی الله علیه وسلم و بگوید خداوندا درآر محمد را

الْمَقْعَدَ الْمُقَرَّبَ عِنْدَكَ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ وَجَبَتْ لَهُ شَفَاعَتِي رَوَاهُ أَحْمَدُ

در نشستگاه که نزدیک گردانیده شد نزد تو در روز رستخیز واجب گردد باو شفاعت من رواه احمد

وَعَنْ عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ رض قَالَ إِنَّ الدُّعَاءَ مَوْقُوفٌ بَيْنَ السَّمَاءِ

و روایت است از عمر بن الخطاب رض گفت بدرستیکه دعا ایستاده گردانیده شود میان آسمان

وَالْأَرْضِ لَا يَصْعَدُ مِنْهَا شَيْءٌ حَتّٰى تُصَلِّيَ عَلٰى نَبِيِّكَ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ

و زمین نمیرود و بالا برده نمیشود از دعوت چیزی تا آنکه درود بفرستی بر نبی خود رواه ترمذی

وَقَالَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ صَلَّى عَلَيَّ صَلَّتْ عَلَيْهِ الْمَلٰئِكَةُ مَا دَامَ

و فرمود صلی الله علیه وسلم کسیکه درود فرستد بر من درود می‌فرستند بروی فرشتگان تا وقتیکه درود

يُصَلِّي عَلَيَّ فَلْيُقِلَّ عِنْدَ ذٰلِكَ أَوْ لِيُكْثِرْ أَخْرَجَهُ ابْنُ حِبَّانَ بِسَنَدٍ ضَعِيفٍ

می‌فرستد بر من پس باید که کم کند نزد آن یا زیاده کند آن بنده روایت کرد ابن حبان بسند ضعیف

وَالطَّبَرَانِيُّ فِي الْاَوْسَطِ بِسَنَدٍ حَسَنٍ وَالْاِمَامُ اَحْمَدُ وَسَعِيْدُ ابْنُ مَنْصُوْرٍ

وطبرانی در اوسط بسند حسن وامام احمد وسعید ابن منصور

وَاَبُوْ نُعَيْمٍ كُلُّهُمْ عَنْ عَامِرِ بْنِ رَبِيْعَةَ كَذَا فِيْ مَطَالِعِ الْمَسَرَّاتِ شَرْحِ

وابونعیم همه ایشان از عامر بن ربیعه همچنین است در مطالع مسرات که شرح

دَلَائِلِ الْخَيْرَاتِ وَقَالَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مِنْ اَفْضَلِ اَيَّامِكُمْ يَوْمُ

دلائل خیرات است وفرمود صلے الله علیه وسلم فاضلترین روزهای شما روز

الْجُمُعَةِ فِيْهِ خُلِقَ اٰدَمُ وَفِيْهِ قُبِضَ وَفِيْهِ النَّفْخَةُ وَفِيْهِ الصَّعْقَةُ

جمعه است درو آفریده شد آدم ودروی وفات یافت ودرو نفخه است ودرو صعقه است

فَاَكْثِرُوْا عَلَيَّ مِنَ الصَّلٰوةِ فِيْهِ فَاِنَّ صَلٰوتَكُمْ مَعْرُوْضَةٌ عَلَيَّ قَالُوْا

پس زیاده کنید بر من از درود درروز جمعه پس بدرستیکه درود شما عرض کرده شود بر من گفتند

يَا رَسُوْلَ اللّٰهِ وَكَيْفَ تُعْرَضُ عَلَيْكَ صَلٰوتُنَا وَقَدْ اَرِمْتَ اَيْ بَلِيْتَ اَيْ

یا رسول الله صلے الله علیه وسلم وچطور عرض کرده شود بر تو درود ما حال اینکه جسد شما در قبر کهنه شده باشد یعنی

صِرْتَ رَمِيْمًا قَالَ اِنَّ اللّٰهَ تَعَالٰى حَرَّمَ عَلَى الْاَرْضِ اَنْ تَاْكُلَ اَجْسَادَ

خاک شده باشد فرمود بدرستیکه خدا تعالے حرام کرده است بر زمین اینکه بخورد اجساد

الْاَنْبِيَاءِ اَخْرَجَهُ اَبُوْدَاوُدَ وَالنَّسَائِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ بِاَسَانِيْدَ صَحِيْحَةٍ وَابْنُ

پیغمبران را روایت کرد ابوداود ونسائی وابن ماجه بسندهاے صحیح وابن

حِبَّانَ وَالْحَاكِمُ وَقَالَ صَحِيْحٌ عَلٰى شَرْطِ الْبُخَارِيِّ مِنْ حَدِيْثِ اَوْسِ

حبان وحاکم وگفت این حدیث صحیح است بر شرط بخارے از حدیث اوس

بْنِ اَوْسٍ الثَّقَفِيِّ مطالع وَقَالَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ صَلّٰى عَلَيَّ

ابن اوس ثقفی نقل این حدیث در مطالع است وفرمود صلے الله علیه وسلم کسیکه درود نوشته برای من

فِيْ كِتَابٍ لَمْ تَزَلِ الْمَلٰئِكَةُ تُصَلِّيْ عَلَيْهِ مَادَامَ اسْمِيْ فِيْ ذٰلِكَ الْكِتَابِ

در کتاب همیشه اینست که فرشتگان درود میفرستند برو تا وقتیکه نام من در ان کتاب باشد

قال العراقي رواه الطبراني في الاوسط وابو الشيخ في الثواب والمستغفري

گفت عراقی روایت کرد طبرانی در اوسط و ابو شیخ در ثواب والمستغفری

في الدعوات من حديث ابي هريرة بسند ضعيف مطالع وقال

در دعوات از حدیث ابی هریره بسند ضعیف این حدیث در مطالع آت و گفت

ابو سليمان الداراني من اراد ان يسئل حاجة فليكثر بالصلوة على

ابو سلیمان دارانی کسیکه خواهد که سوال کند حاجت خود را پس باید که زیاده بفرستد درود را بر

النبي صلى الله عليه وسلم ثم يسئل الله حاجته وليختم بالصلوة على النبي

نبی صلی الله علیه وسلم پستر سوال کند خدا تعالی حاجت خود را و باید که تمام کند دعا را بدرود [illegible]

صلى الله عليه وسلم فان الله يقبل الصلوتين وهو اكرم من ان يدع

بر نبی صلی الله علیه وسلم پس بدرستیکه خدا قبول میکند هر دو درود را و آن خدا بزرگترست ازینکه ترک کند دعای را

ما بينهما كذا في دلائل الخيرات وروي عنه صلى الله عليه وسلم

که میان هر دو درود است چنان است در دلائل الخیرات و روایت از آنحضرت صلی الله علیه وسلم

انه قال من صلى علي يوم الجمعة مائة مرة غفرت له خطيئة

بدرستیکه آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود کسیکه درود فرستد بر من روز جمعه یکصد مرتبه آمرزیده شود برای وی گناه

ثمانين سنة اخرجه الديلمي عن انس مطالع وفي رواية

هشتاد ساله تخریج کرد این حدیث را دیلمی از انس رضی از مطالع نقل کرده شد و در روایت

عبد الرحمن بن عوف قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم جاءني جبرئيل

عبد الرحمن بن عوف گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم آمد نزد من جبرئیل

عليه السلام وقال يا محمد لا يصلي عليك احد الا صلى عليه سبعون

علیه السلام و گفت ای محمد صلی الله علیه وسلم درود نمی فرستد بر تو کسی یک مگر درود میفرستند بر وی هفتاد

الف ملك ومن صلت عليه ملائكة كان من اهل الجنة هكذا ذكره

هزار فرشتگان و کسیکه درود میفرستند بر وی فرشتگان می باشد آن شخص از اهل بهشت همچنین ذکر کرد آنرا

بهذا اللفظ ابن فرحون مطالع وقال صلى الله عليه وسلم اكثركم

باین الفاظ ابن فرحون از مطالع و فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم بیشتر از شما

على صلوة اكثركم ازواجا في الجنة ذكره ابن وداعة بهذا اللفظ

بر من از روی درود بسیارترین شما از روی ازواج است در جنت ذکر کرد این حدیث را ابن [illegible] به این لفظ

ونقله السخاوي عن صاحب الدر المنظم مطالع وعنه صلى الله عليه

و نقل کرد این حدیث را سخاوی از صاحب در منظم از مطالع و از وی صلی الله علیه

وسلم انه قال من صلى على صلوة تعظيما لحقي خلق الله عز وجل من ذلك

وسلم مرویست بدرستیکه فرمود کسیکه درود فرستد بر من یکبار برای تعظیم حق من آفرید خدای بزرگ [illegible] از آن

القول ملكا له جناح بالمشرق والآخر بالمغرب ورجلاه مقرورتان

قول یک فرشته که او را باشد یک بازو در مشرق و دیگر در مغرب و هر دو پای او قرار یافته

في الارض السابعة السفلى وعنقه ملتوية تحت العرش يقول الله

در زمین هفتمی تحتانی و گردن وی متصل زیر عرش میگوید خدای

عز وجل له صل على عبدي كما صلى على نبي صلى الله عليه وسلم

عز وجل مر وی را درود بفرست بر بنده من چنانکه درود فرستاده است آن بنده بر پیغامبر من صلی الله علیه

فهو يصلي عليه الى يوم القيمة الحديث ذكره ابن سبع [illegible]

پس آن فرشته درود میفرستد بر وی تا روز قیامت تا آخر حدیث ذکر کرد این حدیث را ابن سبع [illegible]

ذكره صاحب [illegible] ولا [illegible] وذكره ابن [illegible] [illegible] و

[illegible]

ابن وداعة واسنده [illegible]

ابن وداعه و باسناد [illegible]

ورجلاه الى تحت العرش مطالع [illegible] وعنه صلى الله عليه وسلم

[illegible] مطالع و روایت است از وی صلی الله علیه وسلم

أنه قال ليردن على الحوض يوم القيمة اقوام ما اعرفهم الا بكثرة

پیغمبر آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود هر آینه وارد شوند بر حوض کوثر روز رستخیز قومها که نمی شناسم من ایشانرا مگر بسبب زیادتی

الصلوة علی ذکره القاضی عیاض فی الشفاء وعنه صلی الله علیه

درود که بر من فرستاده اند ذکر کرده است قاضی عیاض در کتاب شفا فی حقوق مصطفی و در روایتست از آنحضرت صلی الله علیه

وسلم أنه قال من صلی علی مرة واحدة صلی الله علیه عشر مرات ومن

وسلم مرویست که آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود کسیکه درود فرستاد بر من یکبار درود میفرستد خدا تعالی بروی ده بار و کسیکه

صلی علی عشر مرات صلی الله علیه مائة ومن صلی علی مائة صلی

درود فرستد بر من ده مرتبه درود میفرستد خدا تعالی بروی صد بار و کسیکه درود فرستد بر من صد بار درود میفرستد

الله علیه الف مرة ومن صلی علی الف مرة حرم الله جسده علی النار

بروی خدا تعالی هزار مرتبه و کسیکه درود فرستد بر من هزار مرتبه حرام گرداند خدا تعالی جسد ویرا بر آتش دوزخ

وثبته بالقول الثابت فی الحیوة الدنیا وفی الآخرة عند المسئلة

و ثابت میدارد ویرا با قول ثابت که توحید است در حیات دنیا و در آخرت نزدیک سوال

وادخله الجنة وجاءت صلوته علی نورا له یوم القیمة علی الصراط

و داخل کند خدا تعالی آن بنده را در بهشت و آید درود وی بر من نور مر ویرا روز رستخیز بر پل صراط

مسیرة خمسمائة عام واعطاه الله بکل صلوة صلاها قصرا فی

که راه وی پنج صد ساله است و میدهد اورا خدا تعالی بسبب هر درود که خوانده است آنرا یک محل در

الجنة قل ذلک او کثر ذکره ابن وداعة کله من غیر نسبة

بهشت کم کند آن بنده یا زیاده کند ذکر کرد ابن وداعه همه این را بغیر نسبت

وقال صلی الله علیه وسلم ما من عبد یصلی علی الا خرجت الصلوة

و فرمود صلی الله علیه وسلم نیست هیچ یک بنده که درود میفرستد بر من مگر آنکه بیرون می آید آن درود

مسرعة من فیه فلا یبقی بر ولا بحر ولا شرق ولا غرب الا وتمر

بسرعت از دهن آن بنده پس باقی نمی ماند هیچ یک بیابان و نه دریا و نه شرق و نه غرب مگر اینکه گذر میکند آن درود

بِهٖ وَتَقُوْلُ اَنَا صَلٰوةُ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ صَلّٰى عَلٰى مُحَمَّدِ نِ الْمُخْتَارِ خَيْرِ خَلْقِ اللّٰهِ

بدان ومیگوید که درود فلان بن فلان ام که درود فرستاده بود بر محمد که برگزیده و بهترین مخلوق خدا اند

فَلَا يَبْقٰى شَيْءٌ اِلَّا وَصَلّٰى عَلَيْهِ وَيُخْلَقُ مِنْ تِلْكَ الصَّلٰوةِ طَائِرٌ لَهٗ

پس باقی نمیماند هیچ شی مگر حال آنکه درود میفرستد برو و آفریده میشود ازین درود یک طایر که بباشد مر وی را

سَبْعُوْنَ اَلْفَ جَنَاحٍ فِيْ كُلِّ جَنَاحٍ سَبْعُوْنَ اَلْفَ رِيْشَةٍ فِيْ كُلِّ رِيْشَةٍ

هفتاد هزار بازو و در هر بازو هفتاد هزار پر در هر پر

سَبْعُوْنَ اَلْفَ رَاْسٍ فِيْ كُلِّ رَاْسٍ سَبْعُوْنَ اَلْفَ وَجْهٍ فِيْ كُلِّ وَجْهٍ

هفتاد هزار سر در هر سر هفتاد هزار روی در هر روی

سَبْعُوْنَ اَلْفَ فَمٍ فِيْ كُلِّ فَمٍ سَبْعُوْنَ اَلْفَ لِسَانٍ كُلُّ لِسَانٍ يُسَبِّحُ اللّٰهَ

هفتاد هزار دهان و در هر دهان هفتاد هزار زبان هر زبان تسبیح میکند خدا

تَعَالٰى بِسَبْعِيْنَ اَلْفَ لُغَاتٍ وَيَكْتُبُ اللّٰهُ تَعَالٰى لَهٗ ثَوَابَ ذٰلِكَ كُلِّهٖ هٰكَذَا

تعالی را با هفتاد هزار لغت و مینویسد خدا تعالی مر ویرا ثواب اینهمه چنین است

فِيْ دَلَائِلِ الْخَيْرَاتِ وَقَالَ صَاحِبُ مَطَالِعِ الْمَسَرَّاتِ هٰذَا لَمْ اَجِدْهُ وَعَنْ

در دلائل الخیرات و گفت صاحب مطالع مسرات این لفظ را نیافتم و مرویست از

عَلِيِّ ابْنِ اَبِيْ طَالِبٍ رض اَنَّهٗ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ صَلّٰى

علی بن ابی طالب رض بدرستیکه علی گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه درود میفرستد

عَلَيَّ يَوْمَ الْجُمُعَةِ مِائَةً جَاءَ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ وَمَعَهٗ نُوْرٌ لَوْ قُسِمَ ذٰلِكَ النُّوْرُ بَيْنَ

بر من روز جمعه صد بیاید روز رستخیز حال آنکه همراه او نورے باشد که اگر تقسیم کرده شود این نور میان

الْخَلْقِ كُلِّهِمْ لَوَسِعَهُمْ اَخْرَجَهٗ اَبُوْ نُعَيْمٍ فِي الْحِلْيَةِ وَفِي الْحِرْزِ الثَّمِيْنِ

مخلوق همه ایشان هر آئینه گنجایش دارد ایشانرا روایت کرد آنرا ابو نعیم در حلیه شریف و در حرز ثمین

لِلْحِصْنِ الْحَصِيْنِ مَا جَلَسَ قَوْمٌ مَجْلِسًا لَمْ يَذْكُرُوا اللّٰهَ فِيْهِ وَلَمْ يُصَلُّوْا

شرح حصن حصین نوشته است نه نشینند قومی در مجلسے که نه یاد کنند خدا تعالی را در آن مجلس و درود نفرستند

على نبيهم الا كان عليهم حسرة يوم القيمة وان دخلوا الجنة للثواب

بر پیغمبر خود مگر باشد بر ایشان حسرتے در روز رستخیز اگرچه گردد داخل شوند در بهشت برای ثواب

رواه ابن حبان واحمد وابوداود والنسائي والحاكم كلهم عن ابي هريرة

رواه ابن حبان و احمد و ابو داود و نسائی و حاکم همه ایشان روایت کرده اند از ابی هریره

اكثروا علي من الصلوة يوم الجمعة فان صلوتكم معروضة علي رواه

زیاده بفرستید بر من درود روز شریف روز جمعه پس بدرستیکه درود شما عرض کرده میشود بر من رواه

ابوداود والنسائي وابن ماجة وابن حبان كلهم من حديث اوس ابن

ابو داود و نسائی و ابن ماجه و ابن حبان همه ایشان از حدیث اوس ابن

اوس الثقفي ما من احد يسلم علي الا رد الله علي روحي حتى

اوس ثقفی نیست هیچ کسیکه سلام کند بر من مگر باز پس میگرداند خدا تعالی بر من روح من تا آنکه

ارد عليه السلام رواه ابوداود عن ابي هريرة ورواه احمد ايضا

رد میکنم بر وی سلام را رواه ابو داود از ابی هریره و روایت کرد احمد نیز

اولى الناس بي يوم القيمة اكثرهم علي صلوة رواه الترمذي وابن

نزدیکترین مردمان با من روز قیامت درود فرستنده تر از آنها بر من رواه ترمذی و ابن

حبان كلاهما عن ابن مسعود البخيل من ذكرت عنده فلم يصل

حبان هر دو از ابن مسعود رضی بخیل آنکسیکه ذکر کرده شوم من نزد او پس درود نفرستد

علي رواه الترمذي والنسائي عن علي وابن حبان والحاكم عن حسين

بر من روایت کرد ترمذی و نسائی از علی رضی الله عنه و ابن حبان و حاکم از حسین

بن علي اكثروا الصلوة علي فانها زكوة لكم رواه ابو يعلى عن

بن علی رض زیاده بفرستید درود بر من پس بدرستیکه درود شما زکوة است مر شمارا رواه ابو یعلی از

ابي هريرة اني لقيت جبريل فبشرني وقال ان ربك يقول من صلى

ابی هریره رض بدرستیکه من ملاقات کردم جبرئیل را علیه السلام پس بشارت داد مرا و گفت بدرستیکه پروردگار تو میگوید

عَلَيْكَ صَلَّيْتُ عَلَيْهِ عَشْرًا وَمَنْ سَلَّمَ عَلَيْكَ سَلَّمْتُ عَلَيْهِ فَسَجَدْتُ لِلّٰهِ

بر تو درود بفرستد من بر او ده بار و کسیکه سلام کند بر تو سلام میفرستم بر وی پس سجده کردم خدا را

شُكْرًا رَوَاهُ الْحَاكِمُ وَاَحْمَدُ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمٰنِ بْنِ عَوْفٍ مَنْ صَلّٰى عَلَى النَّبِيِّ وَاحِدَةً

روایت کرد او را حاکم و احمد از عبد الرحمن بن عوف رضی کسیکه درود بفرستد بر نبی یکبار

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَمَلَائِكَتُهُ سَبْعِيْنَ صَلٰوةً رَوَاهُ اَحْمَدُ عَنِ ابْنِ عُمَرَ وَ

درود بفرستد خدا تعالی بر وی و فرشتگان وی هفتاد درود روایت کرد احمد از ابن عمر و

قَالَ عَلِيٌّ رَضِيَ اللّٰهُ تَعَالٰى عَنْهُ كُلُّ دُعَاءٍ مَحْجُوْبٌ حَتّٰى تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ

گفت علی رضی الله عنه همه دعاها محجوب است تا آنکه درود فرستی تو بر محمد صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ رَوَاهُ الطَّبْرَانِيُّ فِي الْاَوْسَطِ وَعَنْ عُمَرَ اَنَّ الدُّعَاءَ

علیه و سلم و بر آل محمد روایت کرد طبرانی در اوسط و مرویست از عمر رض بدرستیکه دعا

مَوْقُوْفٌ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْاَرْضِ لَا يَصْعَدُ مِنْهُ شَيْءٌ حَتّٰى تُصَلِّيَ عَلٰى نَبِيِّكَ

موقوف میماند میان آسمان و میان زمین بالا نمیرود از آن دعا چیزی تا آنکه درود فرستی بر نبی خود

رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ اِنْتَهٰى ذُكِرَ فِي بَعْضِ الْاَخْبَارِ اَنَّهُ مَكْتُوْبٌ عَلٰى سَاقِ

روایت کرد ترمذی آخر شد ذکر کرده شده در بعض اخبارات بدرستیکه شان آنچنانست که نوشته است بر ساق

الْعَرْشِ مَنِ اشْتَاقَ اِلٰى رَحِمْتُهُ وَمَنْ سَاَلَنِيْ اَعْطَيْتُهُ وَمَنْ تَقَرَّبَ اِلَيَّ

عرش کسیکه مشتاق است بسوی من رحم میکنم او را و کسیکه سوال کرد مرا میدهم او را هر چه خواسته است و کسیکه تقرب جوید بسوی من

بِالصَّلٰوةِ عَلٰى مُحَمَّدٍ غَفَرْتُ لَهٗ ذُنُوْبَهٗ وَلَوْ كَانَتْ مِثْلَ زَبَدِ الْبَحْرِ ذَكَرَهٗ

با درود فرستادن بر محمد آمرزیدم مر او را گناهان او را اگر چه باشد مانند کف دریا ذکر کرد این حدیث را

ابْنُ سَبْعٍ وَرُوِيَ عَنْ بَعْضِ الصَّحَابَةِ رِضْوَانُ اللّٰهِ عَلَيْهِمْ اَجْمَعِيْنَ

ابن سبع روایت کرده شده است از بعض صحابه رضوان الله علیهم اجمعین

اَنَّهُ قَالَ مَا مِنْ مَجْلِسٍ يُصَلّٰى فِيْهِ عَلٰى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِلَّا قَامَتْ

بدرستیکه فرمود آنحضرت نیست مجلسیکه درود فرستاده شود در وی بر محمد صلی الله علیه و سلم مگر برخیزد

مِنْهُ رَائِحَةٌ طَيِّبَةٌ حَتّٰى تَبْلُغَ عَنَانَ السَّمَاءِ فَتَقُوْلُ الْمَلٰئِكَةُ هٰذَا مَجْلِسٌ

از آن مجلس بوی خوش تا آنکه میرسد آن بوی ابر آسمان میگویند فرشتگان این مجلسے ست

صُلِّيَ فِيْهِ عَلٰى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَذَا فِيْ دَلَائِلِ الْخَيْرَاتِ قَالَ شَيْخٌ

که درود فرستاده شده ست در آن مجلس محمد صلی الله علیه وسلم چنین ست در دلایل خیرات گفت شیخ

اَبُوْ جَعْفَرِ ابْنُ وَدَاعَةَ رَحِمَهُ اللّٰهُ فِي الْحَدِيْثِ عَنْ بَعْضِ الصَّحَابَةِ اِنَّهُ قَالَ مَا مِنْ

ابو جعفر ابن وداعه رحمه الله در حدیث که مرویست از بعض صحابه رضی بدرستیکه گفت نیست هیچ

مَوْضِعٍ يُذْكَرُ فِيْهِ النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَيُصَلّٰى عَلَيْهِ فِيْهِ اِلَّا نَمَتْ مِنْهُ

جائی که ذکر کرده شود در آن جا اسم نبی صلی الله علیه وسلم و درود فرستاده شود بروی در آن جا مگر میخیزد از آن جای

رَائِحَةٌ تَخْرِقُ السَّمٰوَاتِ السَّبْعَ حَتّٰى تَنْتَهِيَ اِلَى الْعَرْشِ يَجِدُ رِيْحَهَا كُلُّ مَنْ

بوی که میشگافد آسمانهای هفت را تا آنکه میرسد تا عرش بر زمین می یابد آن بوی را هر آنکس که

خَلَقَ اللّٰهُ فِي الْاَرْضِ اِلَّا الْاِنْسَ وَالْجِنَّ فَاِنَّهُمْ لَوْ وَجَدُوْا رِيْحَهَا يَشْتَغِلُ كُلُّ وَاحِدٍ

آفریده ست خدا تعالی در زمین سوای انسان و پریان بدرستیکه ایشان اگر می یافتند بوی آن را هر آینه باز میماند هر یکی

مِنْهُمْ بِلَذَّتِهَا عَنْ مَعِيْشَتِهِ وَلَا يَجِدُ تِلْكَ الرَّائِحَةَ مَلَكٌ وَلَا خَلْقٌ مِنْ

از ایشان بسبب لذت آن از معیشت خود و نمی یابد این بوی خوش را هیچ فرشته و نه هیچ مخلوق از

خَلْقِ اللّٰهِ تَعَالٰى اِلَّا اسْتَغْفَرَ لِاَهْلِ الْمَجْلِسِ وَيُكْتَبُ لَهُمْ بِعَدَدِهِمْ حَسَنَاتٌ

مخلوق خدا تعالی مگر مغفرت میخواهد برای اهل مجلس نوشته میشود مر ایشان را بشمار ایشان نیکی ها

وَتُرْفَعُ لَهُمْ بِعَدَدِهِمْ دَرَجَاتٌ سَوَاءٌ كَانَ فِي الْمَجْلِسِ وَاحِدٌ اَوْ مِائَةُ اَلْفٍ

و بلند کرده میشود ایشان را بشمار ایشان پایه ها برابر ست که باشد در مجلس دو احد یا صد هزار

يَاْخُذُ مِنَ الْاَجْرِ هٰذَا الْعَدَدَ وَمَا عِنْدَ اللّٰهِ خَيْرٌ وَاَجْزَلُ كَذَا فِي الْمَطَالِعِ

میگیرد از ثواب بشمار آنچه کرده شد است از نیکی بهتر و عطای کثیر ست در مطالع

وَذُكِرَ فِيْ بَعْضِ الْاَخْبَارِ اَنَّ الْعَبْدَ الْمُؤْمِنَ اَوِ الْاَمَةَ الْمُؤْمِنَةَ اِذَا بَدَاَ

و ذکر کرده شد در بعض اخبار بدرستیکه بنده مومن یا زن مومنه چون شروع میکند

بِالصَّلٰوةِ عَلٰى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فُتِحَتْ لَهُ اَبْوَابُ السَّمَآءِ

درود فرستادن بر محمد صلی اللہ علیہ وسلم کشادہ میشود مر وی را بابہائے آسمان

وَالسُّرَادِقَاتُ حَتّٰى اِلَى الْعَرْشِ فَلَا يَبْقٰى مَلَكٌ فِى السَّمٰوٰتِ اِلَّا صَلّٰى عَلٰى

و پردہ ہا تا آنکہ تا عرش پس باقی نمیماند ہیچ فرشتہ در آسمانہا مگر درود میفرستند بر

مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَيَسْتَغْفِرُوْنَ لِذٰلِكَ الْعَبْدِ اَوِ الْاَمَةِ مَاشَآءَ

محمد صلی اللہ علیہ وسلم و مغفرت میخواہند مر این مرد یا زن را آنقدر کہ خواستہ است

اللّٰهُ كَذَا فِى الدَّلَائِلِ وَعَنْ جَابِرِ ابْنِ عَبْدِ اللّٰهِ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ

خدا یتعالے چنین ہست در دلائل و از جابر بن عبد اللہ مرویست گفت فرمود پیغامبر خدا

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ صَلّٰى عَلَىَّ فِىْ كُلِّ يَوْمٍ مِائَةَ مَرَّةٍ قُضِيَتْ

صلی اللہ علیہ وسلم کسیکہ درود میفرستد بر من در ہر روز صد مرتبہ روا کردہ شود

لَهٗ مِائَةُ حَاجَةٍ مِنْهَا ثَلٰثُوْنَ لِلدُّنْيَا وَسَائِرُهَا لِلْاٰخِرَةِ اَخْرَجَهُ

مر ویرا صد حاجت ازان صد سی حاجت دنیاوے و باقی شان اخروی باشد روایت کرد این حدیث را

الْمُسْتَغْفِرِىُّ كَذَا فِى الْمَطَالِعِ وَعَنْ بَعْضِ الصَّالِحِيْنَ اَنَّهٗ

مستغفری در مطالع ہست چنین و از بعض صالحین مرویست کہ بدرستیکہ

قَالَ كَانَ لِىْ جَارٌ نَسَّاخٌ فَمَاتَ فَرَاَيْتُهٗ فِى الْمَنَامِ فَقُلْتُ لَهٗ مَا فَعَلَ

گفت کہ بود مرا ہمسایہ دار کاتب پس مرد آن پس دیدم من او را در خواب پس گفتم مر او را چہ معاملہ کرد

اللّٰهُ بِكَ فَقَالَ غَفَرَ لِىْ فَقُلْتُ لَهٗ فَبِمَ ذٰلِكَ فَقَالَ كُنْتُ اِذَا كَتَبْتُ

خدا با تو پس گفت آمرزید مرا پس گفتم مر او را پس بچہ چیز حاصل شد این آمرزش پس گفت بودم من فیکہ مینوشتم

اِسْمَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِىْ كُتُبٍ صَلَّيْتُ عَلَيْهِ فَاَعْطَانِىْ رَبِّىْ

اسم مبارک محمد صلی اللہ علیہ وسلم در کتابہا درود میفرستادم بر آنحضرت پس داد مرا پروردگار من

مَالَا عَيْنٌ رَاَتْ وَلَا اُذُنٌ سَمِعَتْ وَلَا خَطَرَ عَلٰى قَلْبِ بَشَرٍ كَذَا

آنچہ کہ نہ چشمے دیدہ ہست و نہ گوشی شنیدہ ہست و نہ خطرہ گذشتہ است بر دل کسے بشر چنین است

فِي دَلَائِلِ الْخَيْرَاتِ وَقَالَ صَاحِبُ الْمَطَالِعِ الْمُرَادُ بِهٰذَا الْبَعْضِ هُنَا عُبَيْدُ اللهِ

در دلائل خیرات و گفت صاحب مطالع مراد باین بعض در اینجا عبید الله

بِالتَّصْغِيرِ ابْنُ عُمَرَ الْقَوَارِيرِيُّ بِفَتْحِ الْقَافِ رَحِمَهُ اللهُ تَعَالَى وَقَالَ

بتصغیر ابن عمر قواریری است بفتح قاف رحم کناد خدا تعالی او را و نیز گفت

أَيْضًا وَحِكَايَتُهُ هٰذِهِ ذَكَرَهَا غَيْرُ وَاحِدٍ مِنْهُمُ ابْنُ سَبُعٍ وَابْنُ بَشْكُوَالِ

حکایت این کاتب که اینست ذکر کرده اند آنرا بسیار کسان بعض از ایشان ابن سبع و ابن بشکوال

وَجَبْرٌ وَابْنُ وَدَاعَةَ وَابْنُ الْفَاكِهَانِيِّ وَقِيلَ لِرَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ

و جبر و ابن وداعه و ابن فاکهانی است و گفته شد مر رسول صلی الله علیه

وَسَلَّمَ أَرَأَيْتَ صَلٰوةَ الْمُصَلِّينَ عَلَيْكَ مِمَّنْ غَابَ عَنْكَ وَمَنْ يَأْتِي

و سلم را چه میفرمایید در حق فرستندگان درود بر تو از آن کسان که غایب اند از تو و در حق آنکسانکه می آیند

بَعْدَكَ مَا حَالُهُمَا عِنْدَكَ فَقَالَ أَسْمَعُ صَلٰوةَ أَهْلِ مَحَبَّتِي وَأَعْرِفُهُمْ

بعد تو چه مرتبه دارند نزد تو این هر دو پس فرمود میشنوم درود اهل محبت مرا و میشناسم ایشان را

وَتُعْرَضُ عَلَيَّ صَلٰوةُ غَيْرِهِمْ عَرْضًا كَذَا فِي الدَّلَائِلِ وَقَالَ صَاحِبُ الْمَطَالِعِ

و عرض کرده شود بر من درود غیر ایشان نوع عرض کردنی چنین است در دلائل و گفت صاحب مطالع

لَا أَعْرِفُهُ وَلَمْ أَجِدْهُ وَعَنْ أَنَسٍ قَالَ ارْتَقَى رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ

نمیشناسم من آنرا و نیافتم آنرا و از انس مرویست که گفت بر منبر آمد پیغامبر خدا صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الْمِنْبَرَ فَقَالَ آمِينَ ثُمَّ ارْتَقَى ثَانِيَةً فَقَالَ آمِينَ ثُمَّ

علیه و سلم پس گفت آمین پس بر منبر آمد آنحضرت دو بار پس گفت آنحضرت آمین پس

ارْتَقَى ثَالِثَةً فَقَالَ آمِينَ ثُمَّ اسْتَوٰى فَقَالَ آمِينَ فَقَالَ أَصْحَابُهُ

[illegible] سیوم [illegible] آمین پس راست شد بر منبر پس فرمود آمین پس گفتند یاران آنحضرت

آمِنْتَ يَا رَسُولَ اللهِ فَقَالَ أَتَانِي جِبْرِيلُ فَقَالَ لِي مُحَمَّدُ

[illegible] آمین گفته [illegible] پیغامبر خدا [illegible] فرمود آمد مرا جبرئیل علیه السلام پس گفت مرا ای محمد

رَغِمَ أَنفُ امْرِئٍ ذُكِرْتُ عِندَهُ فَلَمْ يُصَلِّ عَلَيْكَ فَقُلْتُ آمِينَ وَقَالَ

خوار باد امرد کو ذکر کرده شدی نزد وی پس درود نفرستاد بر تو پس گفتم آمین وگفت

رَغِمَ أَنفُ امْرِئٍ أَدْرَكَ وَالِدَيْهِ أَوْ أَحَدَهُمَا فَلَمْ يُدْخِلَاهُ الْجَنَّةَ فَقُلْتُ

خوار باد مرد یکه یافت والدین را یا یکی از ان ها پس داخل نکردند او را بهشت پس گفتم

آمِينَ وَقَالَ رَغِمَ أَنفُ امْرِئٍ أَدْرَكَ شَهْرَ رَمَضَانَ فَلَمْ يُغْفَرْ لَهُ

آمین، وگفت خوار باد امرد یکه یافت ماه رمضان مبارک پس آمرزیده نشود مر وی را

فَقُلْتُ آمِينَ ابن النجار جمع الجوامع

پس گفتم آمین روایة کرد ابن نجار در جمع الجوامع

بَابُ الذِّكْرِ بَعْدَ الصَّلٰوةِ

این باب در فضیلت ذکر بعد نماز است

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ إِنَّ فُقَرَاءَ الْمُهَاجِرِينَ أَتَوْا رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى

وروایت است از ابی هریره گفت بدرستیکه فقراء مهاجرین آمدند پیغامبر خدا صلی

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالُوا قَدْ ذَهَبَ أَهْلُ الدُّثُورِ بِالدَّرَجَاتِ الْعُلٰى وَالنَّعِيمِ

الله علیه وسلم پس گفتند بردند خداوندان اموال بسیار درجات بلند و نعمت

الْمُقِيمِ فَقَالَ وَمَا ذَاكَ قَالُوا يُصَلُّونَ كَمَا نُصَلِّي وَيَصُومُونَ كَمَا

پاینده را پس گفت و چیست این سخن گفتند ایشان نماز میگذارند چنانکه ما میگذاریم و روزه میدارند

نَصُومُ وَيَتَصَدَّقُونَ وَلَا نَتَصَدَّقُ وَيُعْتِقُونَ وَلَا نُعْتِقُ فَقَالَ رَسُولُ اللّٰهِ

چنانکه روزه میداریم و صدقه میدهند ایشان و ما صدقه نمیدهیم و بنده آزاد میکنند ایشان و آزاد نمیکنیم پس فرمود پیغامبر خدا

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَفَلَا أُعَلِّمُكُمْ شَيْئًا تُدْرِكُونَ بِهِ مَنْ سَبَقَكُمْ

صلی الله علیه وسلم آیا نیاموزم شما را عملی که دریابید بسبب آن عمل فضل سابقین را

وَتَسْبِقُونَ بِهِ مَنْ بَعْدَكُمْ وَلَا يَكُونُ أَحَدٌ أَفْضَلَ مِنْكُمْ إِلَّا مَنْ

و پیشی گیرید بسبب آن عمل کسانی را که بعد شما باشند و نباشد هیچ یکی از اغنیا افضل از شما مگر

بِمِثْلِ مَا صَنَعْتُمْ قَالُوا بَلٰى يَا رَسُولَ اللّٰهِ قَالَ تُسَبِّحُونَ وَتُكَبِّرُونَ وَ

مانند آن عملی که شما کنید گفتند آری تعلیم کن ای پیغامبر خدا فرمود تسبیح کنید و تکبیر گوئید و

تَحْمَدُونَ دُبُرَ كُلِّ صَلٰوةٍ ثَلٰثًا وَّثَلٰثِيْنَ مَرَّةً قَالَ اَبُوْ صَالِحٍ فَرَجَعَ فُقَرَاءُ

حمد خوانید پس هر نماز سی و سه بار گفت ابو صالح راوی پس باز گشتند فقرا

الْمُهَاجِرِيْنَ اِلٰى رَسُوْلِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالُوْا سَمِعَ اِخْوَانُنَا

مهاجرین بسوی آنحضرت صلی الله علیه و سلم پس گفتند که شنیدند برادران ما

اَهْلُ الْاَمْوَالِ بِمَا فَعَلْنَا فَفَعَلُوْا مِثْلَهٗ فَقَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

که مالها دارند عملی را که کردیم ما پس کردند مانند آن پس فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه

وَسَلَّمَ ذٰلِكَ فَضْلُ اللّٰهِ يُؤْتِيْهِ مَنْ يَّشَاءُ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَلَيْسَ قَوْلُ

وسلم این افزونی اغنیا بر شما فضل خداست که میدهد فضل خود را بهر که میخواهد متفق علیه و نیست قول

اَبِيْ صَالِحٍ اِلَى اٰخِرِهٖ اِلَّا عِنْدَ مُسْلِمٍ وَعَنْ كَعْبِ بْنِ عُجْرَةَ قَالَ قَالَ

ابی صالح تا آخر مگر نزد مسلم و مرویست از کعب ابن عجره گفت فرمود

رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مُعَقِّبَاتٌ لَا يَخِيْبُ قَائِلُهُنَّ اَوْ

پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم کلماتی که بعضی عقب بعضی آینده اند که نومید گرداننده نمیشود گوینده آن کلمات

فَاعِلُهُنَّ دُبُرَ كُلِّ صَلٰوةٍ مَكْتُوْبَةٍ ثَلٰثٌ وَّثَلٰثُوْنَ تَسْبِيْحَةً وَّثَلٰثٌ

کننده آن در پس هر نماز فریضه سی و سه بار سبحان الله گفتن و سی

وَّثَلٰثُوْنَ تَحْمِيْدَةً وَّاَرْبَعٌ وَّثَلٰثُوْنَ تَكْبِيْرَةً رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ

و سه بار الحمد لله گفتن و سی و چهار بار الله اکبر گفتن روایه مسلم و مرویست از

اَبِيْ هُرَيْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ سَبَّحَ

ابی هریره گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه سبحان الله

اللّٰهَ دُبُرَ كُلِّ صَلٰوةٍ ثَلٰثًا وَّثَلٰثِيْنَ وَحَمِدَ اللّٰهَ ثَلٰثًا وَّثَلٰثِيْنَ وَكَبَّرَ

بگوید در پس هر نماز فریضه سی و سه بار و الحمد لله بگوید سی و سه بار و الله اکبر گوید

اللهَ ثلاثًا وثلٰثين فتلك تسعة وتسعون وقال تمام المائة لا اله الا الله

سی و سه بار پس این مجموعه نود و نه بار میشود و بگوید برای تمام کردن عدد صد این کلمه لا اله الا الله

وحده لا شريك له له الملك وله الحمد وهو على كل شيء قدير غفرت

وحده لا شریک له له الملک وله الحمد وهو علی کل شیء قدیر آمرزیده شود

خطاياه وان كانت مثل زبد البحر رواه مسلم وعن ابي امامة قال

گناهان او اگرچه باشد گناهان مانند کف دریا روایت کرد مسلم و از ابی امامه مرویست گفت

قيل يا رسول الله اي الدعاء اسمع قال جوف الليل الآخر ودبر الصلوٰة

گفته شد ای پیغمبر خدا کدام دعا مسموع تر است فرمود در میانه شب آخر و عقب نمازهای

المكتوبات رواه الترمذي وعن انس قال قال رسول الله صلى الله

فرض روایت کرد ترمذی و مرویست از انس گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله

عليه وسلم لان اقعد مع قوم يذكرون الله من صلوٰة الغداة حتى تطلع

علیه وسلم که هر آینه نشستن من با گروهی که ذکر میکنند خدای تعالی را بعد از نماز بامداد تا برآمدن

الشمس احب الي من ان اعتق اربعة من ولد اسمٰعيل ولان اقعد مع

آفتاب محبوب تر است بسوی من از آزاد کردن چهار برده از اولاد اسمعیل و هر آینه نشستن من با

قوم يذكرون الله من صلوٰة العصر الى ان تغرب الشمس احب الي من

گروهی که ذکر میکنند خدا را بعد از نماز عصر تا غروب آفتاب محبوب تر است بسوی من از

ان اعتق اربعة رواه ابو داود وعنه قال قال رسول الله صلى الله

آزاد کردن چهار برده را روایت کرد ابو داود و از وست گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله

عليه وسلم من صلى الفجر في جماعة ثم قعد يذكر الله حتى تطلع الشمس

علیه وسلم هر که بگذارد نماز بامداد با جماعت پس نشست یاد میکند خدا را تا برآمدن آفتاب

ثم صلى ركعتين كانت له كاجر حجة وعمرة تامة تامة تامة

پس بگذارد دو رکعت باشد مر او را مانند اجر حج و عمره تمام تمام تمام

رواه الترمذي وعن علي قال سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم

رواه ترمذی و روایت است از علی رض گفت شنیدم پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم را

على أعواد هذا المنبر يقول من قرأ آية الكرسي في دبر كل صلوة لم يمنعه

بر چوبهای این منبر که میفرمود کسیکه بخواند آیة الکرسی را در پس هر نماز باز نمیدارد اورا از درآمدن

من دخول الجنة إلا الموت ومن قرأها حين يأخذ مضجعه آمنه الله

بهشت مگر مرگ و هر که بخواند آیة الکرسی را وقتیکه میگیرد خوابگاه خود را ایمن گرداند اورا خدا تعالی

على داره ودار جاره وأهل دويرات حوله رواه البيهقي في شعب الإيمان

بر سرای او و سرای همسایه او و اهل چند سرایها که گرد اویند رواه بیهقی در شعب الایمان

وعن عبد الرحمن بن غنم عن النبي صلى الله عليه وسلم قال من قال

و روایت است از عبد الرحمن بن غنم و او از نبی صلی الله علیه وسلم گفت آنحضرت کسیکه گفت

قبل أن ينصرف ويثني رجليه من صلوة المغرب والصبح لا إله إلا الله

پیش از آنکه برگردد از نماز و دوتا گرداند پایها خود را از نماز شام و بامداد لا اله الا الله

وحده لا شريك له له الملك وله الحمد بيده الخير يحيي ويميت وهو على

وحده لا شریک له له الملک وله الحمد بیده الخیر یحیی ویمیت وهو على

كل شيء قدير عشر مرات كتب له بكل واحدة عشر حسنات ومحيت عنه

کل شی قدیر ده مرتبه نوشته شود مر آنکس را بهر یکی ازین کلمات ده نیکی و محو کرده شود از وی

عشر سيئات ورفع له عشر درجات وكانت له حرزا من كل مكروه

ده بدی و بلند گردانیده شود مر اورا ده پایه و باشد مر کلمه اینکه نگاهدارنده اوامان از هر ناخوش

وحرزا من الشيطان الرجيم ولم يحل لذنب أن يدركه إلا الشرك

و پناه از شر شیطان سنگسار کرده شده و روا نیست هیچ گناهی را که دریابد اورا مگر کفر

وكان من أفضل الناس عملا إلا رجلا يفضله يقول أفضل مما قال رواه أحمد

و باشد گوینده این کلمات از بهترین مردم از روی عمل مگر مردیکه زیادتی کند اورا که بگوید بهتر از آنچه گفته است رواه احمد

بَابُ تَعْمِيْرِ الْمَسَاجِدِ

باب در فضیلت تعمیر مساجد

وَمَنْ اَظْلَمُ مِمَّنْ مَّنَعَ مَسَاجِدَ اللّٰهِ اَنْ يُّذْكَرَ فِيْهَا اسْمُهٗ وَسَعٰى فِيْ خَرَابِهَا

و کیست ستمگارتر از آنکه منع کرد مسجدهای خدا را از آنکه یاد کرده شود نام خدا در وی و کوشش کرد در ویرانی آنها

اُولٰٓئِكَ مَا كَانَ لَهُمْ اَنْ يَّدْخُلُوْهَا اِلَّا خَآئِفِيْنَ ۬ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَّلَهُمْ

این گروه نمی سزد ایشانرا که در آیند بمسجدها مگر ترسان ایشانراست در دنیا خواری و ایشانراست

فِي الْاٰخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيْمٌ ۝ اِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللّٰهِ مَنْ اٰمَنَ بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْاٰخِرِ

در آخرت عذاب بزرگ جز این نیست که عمارت میکنند مسجدهای خدا را کسیکه ایمان آورده است بخدا و بروز آخر

وَاَقَامَ الصَّلٰوةَ وَاٰتَى الزَّكٰوةَ وَلَمْ يَخْشَ اِلَّا اللّٰهَ فَعَسٰٓى اُولٰٓئِكَ اَنْ يَّكُوْنُوْا

و برپا داشته است نماز را و داده است زکوة را و نه ترسیده است مگر از خدا پس امید است که اینها باشند

مِنَ الْمُهْتَدِيْنَ ۝ فِيْ بُيُوْتٍ اَذِنَ اللّٰهُ اَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيْهَا اسْمُهٗ يُسَبِّحُ

از راه یافتگان باشند در خانهای که دستوری داده است خدا که بلند کرده شوند و یاد کرده شود در آنها نام او به پاکی یاد میکنند

لَهٗ فِيْهَا بِالْغُدُوِّ وَالْاٰصَالِ ۝ رِجَالٌ لَّا تُلْهِيْهِمْ تِجَارَةٌ وَّلَا بَيْعٌ عَنْ

خدا را آنجا صبح و شام مردانیکه باز ندارد ایشانرا سوداگری و نه خرید و فروخت از

ذِكْرِ اللّٰهِ وَاِقَامِ الصَّلٰوةِ وَاِيْتَآءِ الزَّكٰوةِ يَخَافُوْنَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيْهِ

یاد کردن خدا و برپا داشتن نماز و دادن زکوة میترسند از آن روز که مضطرب شوند در آن

الْقُلُوْبُ وَالْاَبْصَارُ ۝ لِيَجْزِيَهُمُ اللّٰهُ اَحْسَنَ مَا عَمِلُوْا وَيَزِيْدَهُمْ مِّنْ فَضْلِهٖ

دلهای و دیدها تا جزا دهد ایشانرا خدا بهترین آنچه کردند و زیاده میکند ایشانرا خدا از فضل خود

وَاللّٰهُ يَرْزُقُ مَنْ يَّشَآءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ ۝ وَعَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ رضـ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ

و خدا روزی میدهد هر کرا خواهد بغیر حساب یعنی بسیار روایت است از ابوهریره رضـ گفت فرمود پیغمبر خدا

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَحَبُّ الْبِلَادِ اِلَى اللّٰهِ مَسَاجِدُهَا وَاَبْغَضُ الْبِلَادِ

صلے اللہ علیہ وسلم دوست ترین جایها از شهرها بسوی خدا مسجدهای آن شهرها است و دشمن ترین جایها از شهرها

إلى الله أسواقها رواه مسلم وعن عثمان رض قال قال رسول الله صلى الله

بسوی خدا بازارها است روایت کرد آنرا مسلم روایت است از عثمان رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله

عليه وسلم من بنى لله مسجدا بنى الله له بيتا في الجنة متفق عليه

علیه وسلم کسیکه بنا کند برای خدا مسجد را بنا کند خدا تعالی مر برای او خانه در بهشت متفق علیه

وعن أبي هريرة رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من غدا إلى

و روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه رود در اول روز بسوی

المسجد أو راح أعد الله له نزله من الجنة كلما غدا أو راح متفق عليه

مسجد یا رود در آخر روز آماده گرداند خدا تعالی برای وی طعام مهمانی از بهشت هرگاه که یا مداد رود یا شبانگاه رود

وعن أبي موسى قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم أعظم الناس أجرا

و روایت است از ابی موسی گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم بزرگترین مردم از روی ثواب

في الصلوة أبعدهم فأبعدهم ممشى والذي ينتظر الصلوة حتى يصليها

در نماز دورترین ایشان است پس دورترین ایشان است در راه و آن کسیکه نشسته است در مسجد انتظار میکند نماز را تا آنکه

مع الإمام أعظم أجرا من الذي يصليها ثم ينام متفق عليه وعن

بگزارد با امام بزرگتر است از روی ثواب از آن کسیکه بگزارد و بعد از آن بخوابد متفق علیه و از

جابر قال خلت البقاع حول المسجد فأراد بنو سلمة أن ينتقلوا قرب

جابر روایت است گفت خالی شد زمینها گرد مسجد آنحضرت پس خواستند بنو سلمه که بیایند از منازل خود نزدیک مسجد

المسجد فبلغ ذلك النبي صلى الله عليه وسلم فقال لهم بلغني أنكم تريدون

در نزدیکی مسجد پس رسید این خبر پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم را پس گفت مر ایشان را که رسید مرا که شما میخواهید

أن تنتقلوا قرب المسجد قالوا نعم يا رسول الله قد أردنا ذلك فقال

نقل کردن از منازل خود در نزدیک مسجد گفتند بلی ای پیغمبر خدا بتحقیق خواسته ایم این را پس فرمود

يا بني سلمة دياركم تكتب آثاركم دياركم تكتب آثاركم رواه مسلم

ای بنی سلمه لازم گیرید خانهای خود را نوشته میشود آثار شما تکرار فرمود برای تاکید روایت کرد مسلم

وعن ابی هریرة قال قال رسول الله صلی الله علیه وسلم سبعة

وازابی هریره روایت است گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم هفت قوم اند از مردم

یظلهم الله فی ظله یوم لا ظل الا ظله امام عادل وشاب نشأ فی عبادة

که میدارد ایشانرا خدای تعالی در سایه خود روزیکه نیست هیچ سایه جز سایه وی یکی پادشاه عادل دوم جوانیکه نشو نما یافت در پرستش

الله ورجل قلبه معلق بالمسجد اذا خرج منه حتی یعود الیه

خدا سوم مردیکه دلش متعلق است بمسجد چون که بیرون آید از آن تا آنکه باز گردد به مسجد

ورجلان تحابا فی الله اجتمعا علیه وتفرقا علیه ورجل ذکر الله

چهارم هر یکی از دو مرد که دوست دارند یکدیگر را از جهت خدا نه از آنچه اند بر محبت خدا و جدا شوند بر محبت خدا پنجم مردیکه یاد کرد خدارا

خالیا ففاضت عیناه ورجل دعته امرأة ذات حسب وجمال

تنها پس اشک ریخت هر دو چشم وی ششم مردیکه خواند او را زنی صاحب حسب و جمال

فقال انی اخاف الله ورجل تصدق بصدقة فاخفاها حتی لا تعلم

پس گفت او که بدرستیکه من میترسم خدارا هفتم مردیکه صدقه کرد و خواست به صدقه پس پنهان کرد صدقه را تا آنکه نداند

شماله ما تنفق یمینه متفق علیه وعنه قال قال رسول الله صلی

دست چپ او آنچه میدهد دست راست وی متفق علیه واز وی مرویست گفت فرمود پیغمبر خدا صلی

الله علیه وسلم صلوة الرجل فی الجماعة تضعف علی صلوته فی

الله علیه وسلم نماز مردیکه میگذارد در مسجد بجماعت زیاده گردانیده میشود ثواب بر نماز او که میکند تنها در

بیته وفی سوقه خمسا وعشرین ضعفا وذلك انه اذا توضأ

خانه خود و در بازار خود بیست و پنج و چندان تضعیف ثواب بسبب آنست که چون وضو کند

فاحسن الوضوء ثم خرج الی المسجد لا یخرجه الا الصلوة لم یخط

پس نیک کرد وضو را پس بیرون آمد بسوی مسجد در حالیکه بیرون نمی آرد او را مگر نماز نمی نهد

خطوة الا رفعت له بها درجة وحط عنه بها خطیئة فاذا صلی

هیچ گامی مگر بلند گردانیده میشود مر او را بآن گام یک درجه ثواب و کم کرده میشود از وی بآن گام گناهی پس چون نماز گذارد

لم تزل الملائكة تصلي عليه ما دام في مصلاه اللهم صل عليه اللهم

همیشه فرشتگان درود میفرستند بروی تا آنکه نشسته است در جای نماز خود باین صیغه که خداوندا درود بفرست بروی خداوندا

ارحمه ولا يزال احدكم في صلوة ما ينتظر الصلوة وفي رواية قال اذا

رحمت کن او را و همیشه هست یکی از شما در نماز تا آنکه انتظار میکند نماز را و در روایتی همچنین آمده است که گفت آنحضرت چون

دخل المسجد كانت الصلوة تحبسه وزاد في دعاء الملائكة اللهم اغفر

در آید مسجد را [illegible] نماز که منع کند او را از بیرون [illegible] و زیاده کرده شده در دعای فرشتگان این عبارت خداوندا بیامرز

له اللهم تب عليه ما لم يؤذ فيه ما لم يحدث فيه متفق عليه

او را خداوندا [illegible] برحمت بروی تا مادام که [illegible] در مسجد [illegible] که حدث نکند در مسجد متفق علیه است

وعن ابي اسيد قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

و از ابی اسید [illegible] گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

اذا دخل احدكم المسجد فليقل اللهم افتح لي ابواب رحمتك واذا خرج

چون در آید یکی از شما مسجد را پس باید که بگوید خداوندا بگشا برای من درهای رحمت خود را و چون برآید از مسجد

فليقل اللهم اني اسئلك من فضلك رواه مسلم وعن ابي قتادة

پس باید که بگوید خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا از فضل و بخشش تو رواه مسلم و روایت است از ابی قتاده رض

ان رسول الله صلى الله عليه وسلم قال اذا دخل احدكم المسجد

بدرستیکه پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم فرمود چون در آید یکی از شما مسجد را

فليركع ركعتين قبل ان يجلس متفق عليه وعن معاوية بن

پس باید که ادا کند دو رکعت پیش از آنکه بنشیند متفق علیه و از معاویه ابن

قرة عن ابيه ان رسول الله صلى الله عليه وسلم نهى عن هاتين

قره [illegible] بدرستیکه آنحضرت صلی الله علیه وسلم نهی کرد از این دو درخت

الشجرتين يعني البصل والثوم وقال من اكلهما فلا يقربن مسجدنا

[illegible] یعنی پیاز و سیر و گفت هر کسیکه بخورد این دو درخت را پس نزدیک نشود مسجد ما را

وقال إن كنتم لا بد آكليهما فأميتوهما طبخا رواه أبو داود وعن

وگفت اگر هستید شما که ناچار خورندگان این دو درخت را پس بمیرانید و دور کنید بوی آنها را به پختن روایت کرد او را ابو داود و مرویست از

جابر رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من أكل من هذه الشجرة

جابر رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم کسی که بخورد این درخت ناخوش بوی را یعنی سیر را

المنتنة فلا يقربن مسجدنا فإن الملائكة تتأذى مما يتأذى منه

پس باید که قریب نشود در نیاید مسجد ما را زیرا که فرشتگان ازار میکشند از آن چیزی که ازار میکشند از وی

الإنس متفق عليه وعن عائشة قالت أمر رسول الله صلى الله

آدمیان متفق علیه است و مرویست از عائشه رض گفت امر کرد پیغمبر خدا صلی الله

عليه وسلم ببناء المسجد في الدور وأن ينظف ويطيب رواه أبو داود

علیه و سلم به بنا کردن مسجد در سراها و محلها و امر کرد که پاکیزه داشته شوند مسجدها و خوشبو کرده شوند روایت کرد ابو داود

والترمذي أي المحلات وابن ماجة وعنه قال قال رسول الله صلى الله

و ترمذی مراد داشته است از دور محلات را و ابن ماجه از وی مرویست گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله

عليه وسلم عرضت علي أجور أمتي حتى القذاة يخرجها الرجل من

علیه و سلم عرض کرده شد بر من عملهای امت من که بر آن ثواب میباید تا آنکه خس و خاشاک که بیرون می آرد او را مرد از

المسجد وعرضت علي ذنوب أمتي فلم أر ذنبا أعظم من سورة من

مسجد عرض کرده شد بر من گناهان امت من پس ندیدم هیچ گناهی بزرگتر از فراموش کردن سوره از

القرآن أو آية أوتيها رجل ثم نسيها رواه الترمذي وأبو داود وعن

قران یا آیتی که داده شد آن سوره یا آن آیه آن مرد را پستر فراموش کرد روایت کرد او را ترمذی و ابو داود و از

بريدة رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم بشر المشائين في الظلم

بریده رض مرویست گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم بشارت ده روندگان را در تاریکیها

إلى المساجد بالنور التام يوم القيامة رواه الترمذي وأبو داود

بمسجد به روشنی تمام در روز رستخیز روایت کرد ترمذی و ابو داود

وابن ماجه عن سهل بن سعد وانس وعن ابي سعيد الخدري

وابن ماجه از سهل ابن سعد واز انس رض واز ابی سعید خدری مرویست

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم اذا رأيتم الرجل يتعاهد المسجد

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم چون ببینید مردی را که عهده برای مسجد میکند

فاشهدوا له بالايمان فان الله يقول عز وجل انما يعمر مساجد الله من

پس گواهی دهید حاکم کنید مر او را که او مومن است زیرا که خدای تعالی میفرماید جز این نیست که آباد کنند مسجدهای خدا را مگر کسیکه

آمن بالله واليوم الآخر رواه الترمذي وابن ماجه والدارمي وعن

ایمان آورد به خدا و روز آخر روایت کرد ترمذی وابن ماجه و دارمی و روایت است

ابي امامة قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من خرج من

از ابی امامه رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه بیرون آید از

بيته متطهرا الى صلوة مكتوبة فاجره كاجر الحاج المحرم

خانه خود با وضو بسوی نماز فرض پس اجر او همچو اجر کسیکه حج بر آید است احرام بسته

ومن خرج الى تسبيح الضحى لا ينصبه الا اياه فاجره كاجر المعتمر

و کسیکه بیرون آید بسوی نماز چاشت نه در آورد او را مگر تسبیح چاشت پس اجر او همچو کسیکه عمره می آرد

وصلوة على اثر صلوة لا لغو بينهما كتاب في عليين رواه احمد

و نماز بر نمازی دیگر که نیست کلامی بیهوده در میان آن هر دو علیین است که نوشته شود در اعلی مرتبه روایت کرد احمد

وابو داود وعن ابي هريرة قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

و ابو داود و از ابی هریره رض مرویست گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

اذا مررتم برياض الجنة فارتعوا قيل يا رسول الله صلى الله عليه

چون بگذرید بر باغهای بهشت پس بچرید گفته شد ای پیغمبر خدا صلی الله علیه

وسلم وما رياض الجنة قال المساجد قيل وما الرتع يا رسول الله

وسلم و چیست باغهای بهشت فرمود مساجد گفته شد و چیست چریدن ای پیغمبر خدا

قال سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اكبر رواه الترمذي

و بود اینکه بگوید سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر روایت کرد ترمذی

وعنه قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من اتى المسجد

و از وی گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم کسیکه بیاید مسجد را

لشيء فهو حظه رواه ابو داؤد وعن ابي امامة قال ان حبرا

برای چیزی پس همان چیز بهره او است روایت کرد ابو داود و روایت است از ابی امامه رض گفت بدرستیکه دانشمندی

من اليهود سأل النبي صلى الله عليه وسلم اي البقاع خير فسكت عنه

از یهود پرسید پیغمبر خدا را صلی الله علیه و سلم کدام از جاها بهتر است پس خاموش ماند آنحضرت از وی

وقال اسكت حتى يجيء جبرئيل فسكت وجاء جبرئيل عليه السلام فسأل

و گفت خاموش میباشم تا آنکه بیاید جبرئیل پس خاموش ماند آنحضرت و آمد جبرئیل علیه السلام پس پرسید آنحضرت

فقال ما المسئول عنها باعلم من السائل ولكن اسأل ربي تبارك وتعالى

پس گفت جبرئیل نیست سوال کرده شده از آن داناتر از سوال کننده ولیکن میپرسم من پروردگار خود را تبارک و تعالی

ثم قال جبرئيل يا محمد اني دنوت من الله دنوا ما دنوت منه قط قال

پس گفت جبرئیل ای محمد بدرستیکه من نزدیک شدم از درگاه خدا نزدیک شدنی که نزدیک نبودم در مدت عمر از آنجا هرگز فرمود چگونه

وكيف كان يا جبرئيل قال كان بيني وبينه سبعون الف حجاب

بود ای جبرئیل آن نزدیک شدن تو با خدا گفت جبرئیل بود میان من و خدا هفتاد هزار پرده

من نور فقال شر البقاع اسواقها وخير البقاع مساجدها رواه ابن

از نور پس جبرئیل گفت پس فرمود حق تعالی بدترین جاها بازارها است و بهترین جاها مسجدها است روایت کرد ابن

حبان مس وعن ابي هريرة رض قال سمعت رسول الله صلى

حبان و روایت است از ابی هریره رض گفت شنیدم من پیغمبر خدا صلی

الله عليه وسلم يقول من جاء مسجدي هذا لم يأته الا لخير يتعلمه او يعلمه

الله علیه و سلم را که میگفت کسیکه بیاید بمسجد من که این مسجد است نیاید مگر برای کار نیک که خود بیاموزد یا بیاموزد دیگری را

فهو بمنزلة المجاهد في سبيل الله ومن جاء لغير ذلك فهو بمنزلة

پس اجر و ثواب همچو کسی است که جهاد میکند در راه خدا و کسیکه بیاید برای کار دیگر پس آنکس همچو

الرجل ينظر الى متاع غيره رواه ابن حبان والبيهقي في شعب الايمان

مردیکه می نگرد بجانب متاع دیگر روایه ابن حبان و بیهقی در شعب الایمان

وعن الحسن مرسلا قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم يأتي على

و مرویست از حسن بصری از روی مرسل گفت حسن فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم می آید بر

الناس زمان يكون حديثهم في مساجدهم في امر دنياهم فلا تجالسوهم

مردمان زمانیکه باشد گفتگوی ایشان در مسجدهای ایشان در کار دنیای ایشان پس همنشینی مکنید ایشانرا

فليس لله فيهم حاجة رواه البيهقي في شعب الايمان وعن انس

پس نیست مر خدا را در ایشان حاجتی روایه بیهقی در شعب ایمان و از انس رض

بن مالك قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم صلوة الرجل في

مرویست گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم نماز مردی در

بيته بصلوة وصلوته في مسجد القبائل بخمس وعشرين صلوة

خانه وی بمنزله یکنماز است و نماز وی در مسجد قبیله وی بمنزله بیست و پنج نماز است

وصلوته في المسجد الذي يجمع فيه بخمس مائة صلوة وصلوته

و نماز وی در مسجد یکه جمعه ادا کرده شود در آن مسجد بمنزله پانصد نماز است و نماز وی

في المسجد الاقصى بخمسين الف صلوة وصلوته في مسجدي بخمسين

در مسجد اقصی پنجاه هزار نماز است و نماز وی در مسجد من بمنزله پنجاه

الف صلوة وصلوته في المسجد الحرام بمائة الف صلوة رواه ابن

هزار نماز است و نماز وی در مسجد حرام بمنزله صد هزار نماز است روایه ابن

ماجه وعن ابي ذر قال قلت يا رسول الله اي مسجد وضع في

ماجه مرویست از ابی ذر رض گفت گفتم ای پیغمبر خدا کدام مسجد است که بنا کرده شد در

الأرضِ أوّلُ قالَ المسجدُ الحرامُ قلتُ ثمّ أيٌّ قالَ ثمّ المسجدُ الأقصى

زمین نخست فرمود مسجد حرام گفتم پس کدام فرمود پس مسجد اقصیٰ است

قلتُ كم بينهما قالَ أربعونَ عاماً ثمّ الأرضُ لكَ مسجدٌ فحيثُ ما

گفتم چند مدت هست میان آن هردو مسجد فرمود چهل سال پس زمین تمام مر ترا مسجد است پس هر کجا که

أدركتكَ الصلوةُ فصلِّ متفقٌ عليهِ وعن عبدِ اللهِ بنِ عمرو بنِ

دریابد ترا نماز پس بگذارد متفق علیه ومرویست از عبد الله بن عمرو بن

العاصِ قالَ كانَ رسولُ اللهِ صلّى اللهُ عليهِ وسلّمَ يقولُ إذا دخلَ المسجدَ

عاص رضہ گفت بود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم میگفت در وقت درآمدن مسجد

أعوذُ باللهِ العظيمِ وبوجهِهِ الكريمِ وسلطانِهِ القديمِ منَ الشيطانِ

پناه میجویم بخدای بزرگ وبذات پاک وی وبسلطنت وبرهان وی که قدیم است از شیطان

الرجيمِ قالَ فإذا قالَ ذلكَ قالَ الشيطانُ حفظَ منّي سائرَ اليومِ رواهُ

سنگسار کرده شده فرمود آنحضرت چون بگوید کسی این کلمات را میگوید شیطان نگاه داشته شد این بنده از من تمام روز

أبو داودَ وعن معاذِ بنِ جبلٍ قالَ احتبسَ عنّا رسولُ اللهِ صلّى اللهُ

ابو داود ومرویست از معاذ بن جبل رضہ گفت باز داشته شد از ما پیغمبر خدا صلی الله

عليهِ وسلّمَ ذاتَ غداةٍ عن صلوةِ الصبحِ حتّى كدنا نترائى عينَ الشمسِ

علیه وسلم یک بامداد از نماز صبح تا آنکه نزدیک بودیم که ببینیم آفتاب را طلوع کرده

فخرجَ سريعاً فثوّبَ بالصلوةِ فصلّى رسولُ اللهِ صلّى اللهُ عليهِ وسلّمَ

پس بیرون آمد از خانه شتابی پس تکبیر گفته شد برای نماز پس نماز گذارد پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

وتجوّزَ في صلوتِهِ فلمّا سلّمَ دعا بصوتِهِ فقالَ لنا على مصافّكم كما

وشتابان کرد نماز را بر خلاف عادت پس چون سلام خواند بآواز بلند پس گفت ما را باشید بر جای صفها بسته چنانکه

أنتم ثمّ انفتلَ إلينا ثمّ قالَ أما إنّي سأحدّثكم ما حبسني عنكم

هستید پس برگشت آنحضرت بجانب ما پس فرمود آگاه باشید بدرستی که من خبر دهم شما را که چه چیز باز داشت مرا از شما در این

الْغَدَاةَ إِنِّي قُمْتُ مِنَ اللَّيْلِ فَتَوَضَّأْتُ وَصَلَّيْتُ مَا قُدِّرَ لِي فَنَعَسْتُ فِي

بامداد که بدرستی من برخاستم از شب پس وضو کردم وگذاردم از نماز آنچه که تقدیر کرده شده بود برای من پس غنوده شدم در

صَلَوٰتِي حَتَّى اسْتَثْقَلْتُ فَإِذَا أَنَا بِرَبِّي تَبَارَكَ وَتَعَالَىٰ فِي أَحْسَنِ صُورَةٍ

نماز تا آنکه ثقیل شدم پس ناگاه می بینم که با پروردگار خودم تبارک و تعالی در نیکوترین صفت و حالت

فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ قُلْتُ لَبَّيْكَ رَبِّ قَالَ فِيمَ يَخْتَصِمُ الْمَلَأُ الْأَعْلَىٰ قُلْتُ

پس گفت حق تعالی ای محمد گفتم ایستاده ام در خدمت تو ای رب فرمود در چه بحث و نزاع میکنند فرشتگان ملا اعلی گفتم

لَا أَدْرِي قَالَهَا ثَلَاثًا قَالَ فَرَأَيْتُهُ وَضَعَ كَفَّهُ بَيْنَ كَتِفَيَّ حَتَّى وَجَدْتُ

در نمی یابم گفت حق تعالی این کلمه را سه بار پس گفت آنحضرت دیدم حق تعالی را که نهاده است دست خود را در میان دو شانه من تا آنکه یافتم

بَرْدَ أَنَامِلِهِ بَيْنَ ثَدْيَيَّ فَتَجَلَّىٰ لِي كُلُّ شَيْءٍ وَعَرَفْتُ فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ

سردی انگشتان او را میان دو پستان خود در این پس ظاهر شد مرا هر چیز از علوم و شناختم همه را پس فرمود حق تعالی ای محمد

قُلْتُ لَبَّيْكَ رَبِّ قَالَ فِيمَ يَخْتَصِمُ الْمَلَأُ الْأَعْلَىٰ قُلْتُ فِي الْكَفَّارَاتِ

گفتم ایستاده ام در خدمت تو ای پروردگار من در چه چیز نزاع میکنند فرشتگان ملا اعلی گفتم بحث میکنند در کفارات

قَالَ وَمَا هُنَّ قُلْتُ مَشْيُ الْأَقْدَامِ إِلَى الْجَمَاعَاتِ وَالْجُلُوسُ فِي الْمَسَاجِدِ

فرمود و چه چیز اند کفارات گفتم یکی رفتن با پا بسوی جماعتهای نماز و دوم نشستن در مسجد ها

بَعْدَ الصَّلَوٰةِ وَإِسْبَاغُ الْوُضُوءِ حِينَ الْكَرِيهَاتِ قَالَ ثُمَّ فِيمَ قُلْتُ

بعد از نماز و سوم کامل و سیراب کردن وضو در حالتهائی که ناخوش دارد طبیعت استعمال آب را از غایت سردی پس در چه چیز بحث میکنند گفتم

فِي الدَّرَجَاتِ قَالَ وَمَا هُنَّ قُلْتُ إِطْعَامُ الطَّعَامِ وَلِينُ الْكَلَامِ وَالصَّلَوٰةُ

در درجات فرمود و چه چیز هستند درجات گفتم درجات خورانیدن طعام بمسکینان و نرمی کردن در سخن و نماز گذاردن

بِاللَّيْلِ وَالنَّاسُ نِيَامٌ ثُمَّ قَالَ سَلْ قَالَ قُلْتُ اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ فِعْلَ

بشب حال آنکه مردم خواب باشند پس فرمود حق تعالی بخواه از خیرات گفتم و دعا کردم باین دعا خدایا بدرستیکه من سوال میکنم ترا کردن

الْخَيْرَاتِ وَتَرْكَ الْمُنْكَرَاتِ وَحُبَّ الْمَسَاكِينِ وَأَنْ تَغْفِرَ لِي وَتَرْحَمَنِي

نیکی ها و گذاشتن کارهای بد را که ناشناخته اند سوال میکنم دوستی مسکینان را و اینکه بیامرزی مرا و رحم کنی مرا

وَإِذَا أَرَدْتَ فِتْنَةً فِي قَوْمٍ فَتَوَفَّنِي غَيْرَ مَفْتُونٍ وَأَسْأَلُكَ حُبَّكَ وَحُبَّ

وچون خواهی فتنه در قومی پس بمیران مرا . الٰهی گرفتار فتنه نشوم و سوال میکنم از تو دوستی ترا و دوستی

مَنْ يُحِبُّكَ وَحُبَّ عَمَلٍ يُقَرِّبُنِي إِلَى حُبِّكَ فَقَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى

کسیکه دوست دارد ترا و دوستی کاری که نزدیک کند مرا به سوی دوستی تو پس فرمود پیغمبر خدا صلی

اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّهَا حَقٌّ فَادْرُسُوهَا ثُمَّ تَعَلَّمُوهَا رَوَاهُ أَحْمَدُ

الله علیه وسلم این واقعه که دیدم حق است پس بخوانید اورا پیش تعلیم کنید اورا روایت کرد احمد

وَالتِّرْمِذِيُّ وَقَالَ هٰذَا حَدِيثٌ حَسَنٌ صَحِيحٌ وَسَأَلْتُ مُحَمَّدَ بْنَ إِسْمٰعِيلَ

و ترمذی و گفت که این حدیث حسن صحیح است و پرسیدم محمد بن اسمعیل

عَنْ هٰذَا الْحَدِيثِ فَقَالَ هٰذَا حَدِيثٌ صَحِيحٌ

یعنی بخاری را از این حدیث که چه حال دارد پس گفت که این حدیث صحیح است

بَابُ فَضِيلَةِ الْجَمَاعَةِ

باب در فضیلت نماز با جماعت

وَأَقِيمُوا الصَّلٰوةَ وَآتُوا الزَّكٰوةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ

و برپا دارید نماز را و بدهید زکوة را و رکوع کنید همراه رکوع کنندگان

عَنِ ابْنِ عُمَرَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ صَلٰوةُ

مرویست از ابن عمر که گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم نماز به

الْجَمَاعَةِ تَفْضُلُ صَلٰوةَ الْفَذِّ بِسَبْعٍ وَعِشْرِينَ دَرَجَةً مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ

بجماعت بگذارد زیاده میشود در ثواب نماز تنها گذارنده بیست و هفت درجه متفق علیه است

وَعَنْ أُبَيِّ بْنِ كَعْبٍ قَالَ صَلَّى بِنَا رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

مرویست از ابی بن کعب که گفت نماز گزارد با ما حضرت صلی الله علیه وسلم

يَوْمًا الصُّبْحَ فَلَمَّا سَلَّمَ قَالَ أَشَاهِدٌ فُلَانٌ قَالُوا لَا قَالَ أَشَاهِدٌ

روزی نماز بامداد پس هرگاه که سلام داد فرمود که آیا حاضر است فلان گفتند نه حاضر نیست فرمود آیا

فلان قالوا لا قال إن هاتين الصلاتين أثقل الصلوات على المنافقين

فلان شخص گفتند که حاضر نیست فرمود آنحضرت که این دو نماز صبح و شام گرانترین نمازهاست بر منافقین

ولو تعلمون ما فيهما لأتيتموهما ولو حبوا على الركب وإن الصف الأول

اگر بدانید که در گذاردن این دو نماز است هر آینه می‌آمدید این دو نماز را اگرچه بر زانوها روید و بدرستیکه صف اول

على مثل صف الملائكة ولو علمتم ما فضيلته لابتدرتموه وإن صلاة

بر مانند صف فرشتگان است در فضل اگر بدانید که چیست فضیلت صف اول را هر آینه شتابی بگیرید بسوی آن و بدرستیکه نماز

الرجل مع الرجل أزكى من صلاته وحده وصلاته مع الرجلين أزكى من

مرد با مرد پاکیزه‌تر است از گذاردنش تنها و نماز وی با دو مرد پاکیزه‌تر است

صلاته مع الرجل وما كثر فهو أحب إلى الله رواه أبو داود والنسائي

از نماز گذاردنش با یک مرد و هر چه بسیار است از جماعت پس آن بهتر است بسوی خدا روایت کرد ابوداود و نسائی

وعن أم الدرداء قالت دخل علي أبو الدرداء وهو مغضب فقلت

و روایت است از ام درداء گفت در آمد بر من ابودرداء و حال آنکه وی در غضب آمده بود پس گفتم من

ما أغضبك قال والله ما أعرف من أمر أمة محمد صلى الله عليه وسلم

چه چیز در غضب آورد ترا گفت بخدا سوگند نمی‌شناسم از کار امت محمد صلی الله علیه وسلم

شيئا إلا أنهم يصلون جميعا رواه البخاري وعن أبي بكر

چیزی را مگر آنکه نماز میگذارند با جماعت روایت کرد بخاری و روایت است از ابی بکر

بن سليمان بن أبي حثمة أن عمر بن الخطاب فقد سليمان بن

بن سلیمان بن ابی حثمه مرویست که گم کرد عمر بن الخطاب رضی الله عنه سلیمان بن

أبي حثمة في صلاة الصبح وأن عمر غدا إلى السوق ومسكن سليمان

ابی حثمه را در نماز بامداد و بدرستیکه عمر رفت بامداد بسوی بازار و جای سلیمان

بين المسجد والسوق فمر على الشفاء أم سليمان فقال لها لم أر

در میان مسجد و بازار بود پس بگذشت بر شفاء که مادر سلیمان است پس گفت مر شفا را که ندیدم

سليمان في الصبح قالت إنه بات يصلي فغلبته عيناه فقال عمر

سلیمان را در نماز صبح پس گفت شفا ... سلیمان شب نماز میکرد در شب غالب آمد او را خواب چشم او پس گفت عمر رضی

لأن أشهد صلوة الصبح في جماعة أحب إلي من أن أقوم ليلة

سر آینه حاضر شدن من نماز را ادا در او جماعت محبوب تر است بسوی من از آنکه قیام کنم شب

رواه مالك وعن أبي موسى الأشعري قال قال رسول الله صلى

روایت کرد مالک و روایت است از ابی موسی اشعری رضی الله عنه گفت فرمود پیغمبر صلی

الله عليه وسلم اثنان فما فوقهما جماعة رواه ابن ماجة وعنه

الله علیه و سلم دو کس و آنچه زیاده از ایشان است جماعت است روایت کرد ابن ماجه و روایت است از وی

قال أتى النبي صلى الله عليه وسلم رجل أعمى فقال يا رسول الله إنه

گفت آمد بحضرت صلی الله علیه وسلم مرد نابینا پس گفت ای پیغمبر خدا بدرستیکه شان این است

ليس لي قائد يقودني إلى المسجد فسأل رسول الله صلى الله عليه

که نیست مرا کشنده که بکشد مرا بمسجد پس سوال کرد [illegible] و خواست از حضرت صلی الله علیه

وسلم أن يرخص له فيصلي في بيته فرخص له فلما ولى دعاه

وسلم که رخصت دهد او را که نماز گزارد در خانه خود پس رخصت داد او را پس وقتیکه پشت گردانید خواند او را

فقال هل تسمع النداء بالصلوة قال نعم قال فأجب رواه مسلم

پس فرمود آیا میشنوی آواز اذان را بنماز گفت آری فرمود پس اجابت کن روایت کرد مسلم

وعن عائشة أنها قالت سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم

و روایت است از عائشه رضی الله عنها گفت شنیدم پیغمبر صلی الله علیه و سلم را که

يقول لا صلوة بحضرة الطعام ولا هو يدافعه الأخبثان رواه

میگفت نیست نماز در حضور طعام و نه در حالیکه دفع کنند او را دو خبیث روایت کرد

مسلم وعن أبي هريرة قال قال رسول الله صلى الله عليه

مسلم و روایت است از ابی هریره گفت فرمود پیغمبر صلی الله علیه

إِذَا أُقِيمَتِ الصَّلٰوةُ فَلَا صَلٰوةَ إِلَّا الْمَكْتُوبَةُ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنِ

چو اقامت کرده شود نماز پس جایز نیست نماز غیر از نماز فرض روایت کرده مسلم و روایت است از

ابْنِ عُمَرَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا تَمْنَعُوا نِسَاءَكُمُ

ابن عمر رضی الله عنه گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم منع مکنید زنان خود را

الْمَسَاجِدَ وَبُيُوتُهُنَّ خَيْرٌ لَهُنَّ رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ

بر رفتن مساجد و خانهای ایشان بهتر است مر ایشان را روایت کرده ابو داود و از ابی هریره رضی الله عنه گفت

أَمَرَنَا رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا كُنْتُمْ فِي الْمَسْجِدِ فَنُودِيَ بِالصَّلٰوةِ

امر فرمود ما را رسول خدا صلی الله علیه وسلم که وقتیکه باشید در مسجد پس اذان گفته شود

فَلَا يَخْرُجْ أَحَدُكُمْ حَتّٰى يُصَلِّيَ رَوَاهُ أَحْمَدُ وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ أُمِّ

پس باید که بیرون نرود یکی از شما تا آنکه نماز گزارده شود روایت کرده احمد و روایت است از عبد الله ابن

مَكْتُومٍ قَالَ يَا رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ الْمَدِينَةَ كَثِيرَةُ الْهَوَامِّ

مکتوم رضی الله عنه گفت ای پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم بتحقیق که در مدینه بسیار است گزندها

وَالسِّبَاعِ وَأَنَا ضَرِيرُ الْبَصَرِ فَهَلْ تَجِدُ لِي مِنْ رُخْصَةٍ قَالَ هَلْ تَسْمَعُ حَيَّ

و درندها و من نابینا ام پس آیا رخصت میابی برای من فرمود شنوی این کلمات را که

عَلَى الصَّلٰوةِ حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ قَالَ نَعَمْ قَالَ فَحَيَّ هَلًا وَلَمْ يُرَخِّصْ رَوَاهُ

علی الصلوة حی علی الفلاح گفت آری فرمود پس حاضر شو و نداد رخصت روایت کرده

أَبُو دَاوُدَ وَالنَّسَائِيُّ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

ابو داود و نسائی و روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ تَوَضَّأَ فَأَحْسَنَ وُضُوءَهُ ثُمَّ رَاحَ فَوَجَدَ النَّاسَ قَدْ صَلَّوْا

علیه وسلم هر که وضو کرد پس نیکو کرد وضو خود را باز رفت بسوی مسجد پس یافت مردم را که نماز گزارده اند

أَعْطَاهُ اللّٰهُ مِثْلَ أَجْرِ مَنْ صَلَّاهَا وَحَضَرَهَا لَا يَنْقُصُ ذٰلِكَ مِنْ أُجُورِهِمْ

[illegible] ثواب کسیکه گزارده است نماز را و حاضر شده است در وی نقصان نکند این از ثوابهای ایشان

شيئا رواه ابو داؤد والنسائي من ايضا وعن انس قال قال رسول الله

چيزے رواه ابو داود و نسائي روايت است از انس گفت فرمود پيغمبر خدا

صلى الله عليه وسلم من صلى لله اربعين يوما في جماعة يدرك التكبيرة

صلے الله عليه وسلم كسيكه نماز گذارد براے خدا چهل روز در جماعت درحاليكه دريابد تكبير

الاولى كتب له براءتان براءة من النار وبراءة من النفاق رواه

اولى را نوشته ميشود مر ويرا دو خط بيزاري يكى بيزاري از آتش دوزخ و دوم بيزاري از نفاق روايت

الترمذي وعن عبد الله بن وهب عن ثوابة بن مسعود عمن

ترمذي و روايت است از عبد الله بن وهب او روايت ميكند از ثوابة بن مسعود از كسيكه

حدثه عن انس بن مالك قال توفي ابن لعثمان بن مظعون فاشتد

روايت كرده است از انس بن مالك گفت وفات كرد فرزند عثمان بن مظعون پس زياده شد

حزنه عليه حتى اتخذ في داره مسجدا يتعبد فيه فبلغ ذلك

غم او بر عثمان تا آنكه گرفت در خانه خود مسجد كه عبادت ميكرد در آن مسجد پس رسيد آن خبر

النبي صلى الله عليه وسلم فقال يا عثمان ان الله لم يكتب علينا

پيغمبر خدا صلے الله عليه وسلم را پس فرمود اي عثمان بدرستيكه خدا ننوشت برما

الرهبانية انما رهبانية امتي الجهاد في سبيل الله يا عثمان ابن

رهبانيت را جز اين نيست كه رهبانيت امت من جهاد است در راه خدا اي عثمان

مظعون ان للجنة ثمانية ابواب وللنار سبعة ابواب فما يسرك

مظعون بدرستيكه جنت را هشت در است و مر دوزخ را هفت در است پس خوش مى آيد ترا

الا تاتي بابا منها الا وجدت ابنك الى جنبك اخذ بحجزتك

اينكه بيائي در هيچ درے از درها مگر آنكه بيابي تو كه فرزند تو بر پهلوے تو گيرنده است بكمر بند تو

يستشفع لك الى ربك عز وجل قال بلى قيل يا رسول الله

طلب شفاعت كند براے تو بسوے پروردگار تو كه بزرگ بلند است گفت آرى گفته شد اي پيغمبر خدا

وكلنا في فرطنا ما لعثمان قال نعم لمن صبر منكم واحتسب ثم قال

در بین بشارت ما همه داخل ایم یا مر عثمان را امروز داری تمام همه داخل بین بشارت اند کسی که صبر کرد از شما و طلب ثواب کرد پس گفت

له يا عثمان بن مظعون من صلى صلوة الفجر في جماعة ثم جلس يذكر

مر عثمان را ای عثمان بن مظعون کسیکه نماز ادا کرد نماز بامداد را در جماعت پس نشست تا که ذکر میکند

الله حتى تطلع الشمس كان له في الفردوس سبعون درجة بين كل

خدا را تا آنکه طلوع شود آفتاب باشد مر ویرا در فردوس هفتاد درجه مسافت میان

درجتين كركض الفرس الجواد المضمر سبعين سنة ومن صلى الظهر

هر دو درجه مانند رفتار اسپ تیز رو و تضمیر کرده شده هفتاد ساله راه و کسیکه نماز ظهر جواد تیز

في جماعة كان له في جنات عدن خمسون درجة كركض الفرس الجواد

در جماعت باشد مر ویرا در جنت عدن پنجاه درجه مانند رفتار اسپ تیز رو

المضمر خمسين سنة ومن صلى العصر في جماعة كان له كأجر ثمانية

تضمیر کرده شده پنجاه ساله راه و کسیکه ادا کرد نماز عصر در جماعت باشد مر او را مانند ثواب هشت کس

من ولد اسمعيل كلهم رب بيت أعتقهم ومن صلى المغرب في

از اولاد اسمعیل همه ایشان مالک خانه ازاد کرد ایشان را و کسیکه نماز مغرب ادا کرد با

جماعة كان له كحجة مبرورة وعمرة متقبلة ومن صلى العشاء في

جماعت باشد آن مانند حج مبرور و عمره مقبول و کسیکه ادا کرد نماز عشا را با

جماعة كان له كقيام ليلة القدر هب جمع الجوامع

جماعت باشد مر ویرا مانند قیام و زنده داشتن شب قدر از جمع الجوامع

باب إثم ترك الجماعة

این باب در معصیت ترک جماعت است

عن أبي هريرة انه كان يقول من أدرك الركعة فقد أدرك

روایت است از ابی هریره رضی الله عنه بدرستیکه او بود که میگفت کسیکه یافت رکوع را پس تحقیق یافت

السَّجْدَةَ وَمَنْ فَاتَتْهُ قِرَاءَةُ أُمِّ الْقُرْآنِ فَقَدْ فَاتَهُ خَيْرٌ رَوَاهُ مَالِكٌ

سجده را یعنی رکعت را وکسیکه فوت شد او را خواندن فاتحه الکتاب پس تحقیق فوت شد از وی نیکی بسیار رواه مالک

وَعَنْهُ أَنَّهُ قَالَ الَّذِي يَرْفَعُ رَأْسَهُ وَيَخْفِضُهُ قَبْلَ الْإِمَامِ فَإِنَّمَا

و در روایتی است از وی بدرستیکه او گفت کسیکه برمیدارد سر خود را و پست کند سر را پیش از امام پس نیست

نَاصِيَتُهُ بِيَدِ الشَّيْطَانِ رَوَاهُ مَالِكٌ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض

موی پیشانی او مگر بدست شیطان رواه مالک و در روایتی است از ابوهریره رضی الله عنه

عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ لَوْلَا مَا فِي الْبُيُوتِ مِنَ النِّسَاءِ

از نبی صلی الله علیه وسلم فرمود اگر نمی بود چیزیکه در خانه هاست از زنان

وَالذُّرِّيَّةِ أَقَمْتُ صَلٰوةَ الْعِشَاءِ وَأَمَرْتُ فِتْيَانِي يُحْرِقُونَ مَا فِي

واطفال هر آینه بپا میکردم نماز عشا را و میفرمودم خادمان خود را که هر آینه بسوزند چیزیرا که در

الْبُيُوتِ بِالنَّارِ رَوَاهُ أَحْمَدُ وَعَنْ أَبِي الشَّعْثَاءِ قَالَ خَرَجَ رَجُلٌ مِنَ

خانهاست بآتش رواه احمد و در روایتیست از ابو شعثاء گفت بیرون آمد مردی از

الْمَسْجِدِ بَعْدَمَا أُذِّنَ فِيهِ فَقَالَ أَبُو هُرَيْرَةَ أَمَّا هٰذَا فَقَدْ عَصَى

مسجد بعد از آنکه اذان گفته شد در مسجد پس گفت ابوهریره رضه اما این مرد تحقیق که گناه کرد

أَبَا الْقَاسِمِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ عُثْمَانَ

اباقاسم را که کنیت آنحضرت است صلی الله علیه وسلم رواه مسلم و از عثمان

بْنِ عَفَّانَ رَضِيَ اللّٰهُ تَعَالٰى عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ

بن عفان رضی الله عنه مرویست گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه

أَدْرَكَهُ الْأَذَانُ فِي الْمَسْجِدِ ثُمَّ خَرَجَ لَمْ يَخْرُجْ لِحَاجَةٍ وَهُوَ لَا يُرِيدُ الرَّجْعَةَ

که دریابد او را بانگ نماز در مسجد پستر بیرون آمد در انحالیکه بیرون نیامده باشد برای حاجت ضروری و او نمیخواهد باز آمدن

فَهُوَ مُنَافِقٌ رَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللّٰهُ تَعَالٰى عَنْهُ

پس او منافق است رواه ابن ماجه و در روایتیست از ابن عباس رضی الله تعالی عنه

عن النبي صلى الله عليه وسلم قال من سمع النداء فلم يجبه فلا صلوٰة

از نبي صلى الله عليه وسلم فرمود کسيکه بشنود بانگ نماز را پس اجابت نکرد و برای نماز در مسجد نيامد پس نيست نماز

له الا من عذر رواه الدارقطني وعن مجاهد عن عبد الله بن عمر

مر او را مگر از جهت عذری روايت کرد دار قطني و روايت است از مجاهد و از عبد الله بن عمر

رضي الله عنهما ان النبي صلى الله عليه وسلم قال لا يمنعن رجل اهله

رضي الله عنهما بدرستيکه نبي صلى الله عليه وسلم فرمود منع نکند هيچ مردی کسان خود را

ان يأتوا المساجد فقال ابن لعبد الله بن عمر فانا نمنعهن فقال عبد الله

از آمدن مسجد پس گفت پسری که مر عبد الله بن عمر را بود که ما البته منع ميکنيم پس گفت عبد الله

احدثك عن رسول الله صلى الله عليه وسلم وتقول هذا قال فما كلمه

حديث ميگويم مر ترا از پيغمبر خدا صلى الله عليه وسلم و تو ميگوئی اين کلام گفت راوی پس کلام

عبد الله حتى مات رواه احمد وعن عبد الله بن مسعود قال

نکرد با فرزند عبد الله بن عمر تا آنکه مرد روايت کرد احمد و مرويست از عبد الله بن مسعود رض گفت

لقد رأيتنا وما يتخلف عن الصلوٰة الا منافق قد علم نفاقه او مريض

بتحقيق ديدم خود و صحابه ديگر را که حکم ميکرديم بانکه باز پس نمی ماند از جماعت نماز مگر منافقی که بتحقيق معلوم بود نفاق او يا بيماری که

وان كان المريض ليمشي بين رجلين حتى يأتي الصلوٰة وقال ان

و بتحقيق بود بيماری که راه ميرفت ميان دو مرد تکيه کرده بر ايشان تا آنکه می آمد در مسجد برای نماز و گفت ابن مسعود بدرستيکه

رسول الله صلى الله عليه وسلم علمنا سنن الهدى وان من سنن

پيغمبر خدا صلى الله عليه وسلم تعليم کرد مارا سنتهارا که عمل کردن آن سبب هدايت است بدرستيکه از جمله سنن هدی

الهدى الصلوٰة في المسجد الذي يؤذن فيه وفي رواية قال من سره

نماز است در مسجديکه اذان گفته شود در او و در روايتی آمده که ابن مسعود گفت کسيکه خوشحال سازد او را

ان يلقى الله غدا مسلما فليحافظ على هٰؤلاء الصلوات الخمس

[illegible] خدا را فردا مسلمان [illegible] پس بايد که نگهبانی کند بر نمازها [illegible] پنجگانه

حَيْثُ يُنَادٰى بِهِنَّ فَإِنَّ اللّٰهَ شَرَعَ لِنَبِيِّكُمْ سُنَنَ الْهُدٰى وَإِنَّهُنَّ مِنْ

در جاییکه ندا کرده شود برای آنها پس بدرستیکه خدای تعالی شرع کرده برای پیغامبر شما طریقهای هدایت را و بدرستیکه این نمازها از

سُنَنِ الْهُدٰى وَلَوْ أَنَّكُمْ صَلَّيْتُمْ فِي بُيُوتِكُمْ كَمَا يُصَلِّي هٰذَا الْمُتَخَلِّفُ فِي

جملهٔ آن طریقهاست اگر شما بگذارید نماز را در خانهای خود چنانکه میگذارد این شخص باز مانده در

بَيْتِهٖ لَتَرَكْتُمْ سُنَّةَ نَبِيِّكُمْ وَلَوْ تَرَكْتُمْ سُنَّةَ نَبِيِّكُمْ لَضَلَلْتُمْ وَمَا مِنْ

خانه خود هر آئینه ترک کرده باشید طریقه پیغامبر خود را و اگر ترک کنید طریقه پیغمبر خود را هر آئینه گمراه شوید و نیست هیچ

رَجُلٍ يَتَطَهَّرُ فَيُحْسِنُ الطُّهُورَ ثُمَّ يَعْمِدُ إِلٰى مَسْجِدٍ مِنْ هٰذِهِ الْمَسَاجِدِ إِلَّا

مردیکه طهارت کند پس نیک کند طهارت را پس قصد رفتن کند بسوی مسجدی از مساجد مگر آنکه

كَتَبَ اللّٰهُ لَهٗ بِكُلِّ خَطْوَةٍ يَخْطُوهَا حَسَنَةً وَرَفَعَهٗ بِهَا دَرَجَةً وَحَطَّ عَنْهُ

بنویسد خدای تعالی برای او بهر گامیکه مینهد نیکی و ثوابی بلند گرداند برای او پایه و [illegible] برای او گناهی گرداند

بِهَا سَيِّئَةً وَلَقَدْ رَأَيْتُنَا وَمَا يَتَخَلَّفُ عَنْهَا إِلَّا مُنَافِقٌ مَعْلُومُ النِّفَاقِ

بسبب آن بدی و بتحقیق دیدیم اصحاب را که تخلف نمیکرد از جماعت مگر منافق که نفاق او ظاهر بود

وَلَقَدْ كَانَ الرَّجُلُ يُؤْتٰى بِهٖ يُهَادٰى بَيْنَ الرَّجُلَيْنِ حَتّٰى يُقَامَ فِي الصَّفِّ

و بتحقیق بود مرد بیماری که آورده میشد در حالیکه تکیه میکرد از غایت ضعف میان دو مرد تا آنکه ایستاده کرده میشد در صف نماز

رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

روایت کرد مسلم و روایتست از ابن عباس رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه

وَسَلَّمَ مَنْ سَمِعَ الْمُنَادِيَ فَلَمْ يَمْنَعْهُ مِنِ اتِّبَاعِهٖ عُذْرٌ قَالُوا وَمَا

وسلم کسیکه بشنود بانک نماز پس باز ندارد او را از پیروی کردن آن هیچ بهانه گفتند صحابه که چیست عذر

الْعُذْرُ قَالَ خَوْفٌ أَوْ مَرَضٌ لَمْ تُقْبَلْ مِنْهُ الصَّلٰوةُ الَّتِي صَلّٰى رَوَاهُ

فرمود ترس هلاک یا بیماری پذیرفته نمیشود از وی نمازیکه گذارده است روایت

أَبُو دَاوٗدَ وَالدَّارَقُطْنِيُّ وَعَنْ أَبِي الدَّرْدَاءِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ

ابوداود و دارقطنی و روایتست از ابی درداء رض گفت فرمود پیغمبر

صلى الله عليه وسلم ما من ثلثة في قرية ولا بدو لا تقام فيهم الصلوة

صلى الله عليه وسلم نيست سه مرد در ده و ديار بادية كه بهم كرده نشود در ميان ايشان نماز جماعت

إلا قد استحوذ عليهم الشيطان فعليك بالجماعة فإنما يأكل الذئب

مگر آنکه غالب شد برايشان شيطان پس بر تو باد که لازم گيري جماعت را زيراکه ميخورد گرگ گوسفند را

القاصية رواه أحمد وأبو داود والنسائي وعن ابن عمر رضي

که دور افتاده است رواه احمد وابو داود ونسائي ودر روايت است از ابن عمر رضي

الله تعالى عنه صلوة الجماعة تفضل صلوة الفذ بسبع وعشرين درجة

الله تعالى عنه نمازي که بجماعت گذارده شود زياده مي باشد بر نماز که تنها گذارد به بست وهفت درجه

متفق عليه وعنه قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

متفق عليه روايت است از ابي هريره رضي الله عنه گفت فرمود پيغمبر خدا صلى الله عليه وسلم

والذي نفسي بيده لقد هممت أن آمر بحطب فيحطب ثم آمر

بخداي که بقاي ذات من بدست قدرت اوست تحقيق آهنگ کردم که امر کنم بجمع کردن هيزم پس جمع کرده شود هيزم پس امر کنم

بالصلوة فيؤذن لها ثم آمر رجلا فيؤم الناس ثم أخالف إلى

بنماز پس اذان گفته شود براي نماز پس امر کنم مردي را تا امامت کند مردم را پس بيايم بسوي

رجال وفي رواية لا يشهدون الصلوة فأحرق عليهم بيوتهم

مرداني که ودر روايتي اين کسانيکه حاضر نشوند براي نماز پس بسوزانم برايشان خانهاي ايشان

والذي نفسي بيده لو يعلم أحدهم أنه يجد عرقا سمينا أو مرماتين

بخدا سوگند اگر بداند يکي ازايشان که او مي يابد استخوان فربه يا دو سم گاو

حسنتين لشهد العشاء رواه البخاري ولمسلم نحوه

وگوسفند که نيکو در آيد در نظر مرد وزن هرآئينه حاضر شود در نماز عشا را رواه بخاري ومر مسلم را مانند آن است

باب تسوية الصف

باب در برابر کردن صف وقت نماز

عَنِ النُّعْمَانِ ابْنِ الْبَشِيْرِ رَضِيَ اللّٰهُ تَعَالٰى عَنْهُ قَالَ كَانَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى

وروایت است از نعمان ابن بشیر رضی الله تعالی عنه گفت نعمان که بود پیغمبر خدا صلی

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُسَوِّيْ صُفُوْفَنَا حَتّٰى كَاَنَّمَا يُسَوِّيْ بِهَا الْقِدَاحَ حَتّٰى رَاٰى

الله علیه وسلم که برابر میکرد صفهای ما را در نماز تا آنکه گویا برابر میکرد بآن صفها تیرها را تا آنکه دید آنحضرت

اَنَّا قَدْ عَقَلْنَا عَنْهُ ثُمَّ خَرَجَ يَوْمًا فَقَامَ حَتّٰى كَادَ اَنْ يُّكَبِّرَ فَرَاٰى رَجُلًا

که ما بتحقیق فهمیدیم از قول و فعلش پس بیرون آمد آنحضرت روزی پس ایستاد تا آنکه قریب بود که الله اکبر بگوید پس دید مرد را

بَادِيًا صَدْرُهٗ مِنَ الصَّفِّ فَقَالَ عِبَادَ اللّٰهِ لَتُسَوُّنَّ صُفُوْفَكُمْ اَوْ

که بیرون است سینهٔ او از صف پس گفت ای بندگان خدا هر آینه باید که برابر کنید صفهای خود را یا البته

لَيُخَالِفَنَّ اللّٰهُ بَيْنَ وُجُوْهِكُمْ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ عَائِشَةَ

بتحقیق مخالفت می اندازد خدا تعالی در میان ذاتهای شما روایت کرد مسلم و روایت است از عائشه

رَضِيَ اللّٰهُ عَنْهَا قَالَتْ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِنَّ اللّٰهَ

رضی الله عنها گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم بدرستیکه خدا

وَمَلٰٓئِكَتَهٗ يُصَلُّوْنَ عَلٰى مَيَامِنِ الصُّفُوْفِ وَعَنْ اَبِيْ اُمَامَةَ

و فرشتگان او درود میفرستند بر جانبهای راست از صفوف و روایت است از ابی امامه

رَضِيَ اللّٰهُ عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِنَّ اللّٰهَ

رضی الله عنه گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم بدرستیکه خدا تعالی

وَمَلٰٓئِكَتَهٗ يُصَلُّوْنَ عَلَى الصَّفِّ الْاَوَّلِ قَالُوْا يَا رَسُوْلَ اللّٰهِ وَعَلَى

و فرشتگان او درود میفرستند بر صف اول گفتند ای پیغمبر خدا و بر

الثَّانِيْ قَالَ اِنَّ اللّٰهَ وَمَلٰٓئِكَتَهٗ يُصَلُّوْنَ عَلَى الصَّفِّ الْاَوَّلِ قَالُوْا يَا

صف دوم نیز فرمود بدرستیکه خدا و فرشتگان او درود میفرستند بر صف اول گفتند ای

رَسُوْلَ اللّٰهِ وَعَلَى الثَّانِيْ قَالَ اِنَّ اللّٰهَ وَمَلٰٓئِكَتَهٗ يُصَلُّوْنَ عَلَى الصَّفِّ

پیغمبر خدا و بر صف دوم نیز فرمود آنحضرت بدرستیکه خدا و فرشتگان او درود میفرستند بر صف

الاول قالوا يا رسول الله وعلى الصف الثاني قال وعلى الثاني وقال

اول گفتند یاران پیغمبر خدا و بر صف دوم نیز فرمود آنحضرت و بر صف دوم نیز و فرمود

رسول الله صلى الله عليه وسلم سووا صفوفكم وحاذوا بين

پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم برابر سازید صفهای خود را و برابری کنید میان

مناكبكم ولينوا في ايدي اخوانكم وسدوا الخلل فان الشيطن

دوشهای خود و نرمی کنید در پیش دستهای برادران خود و بندید فرجهای صف خود زیرا که شیطان

يدخل فيما بينكم بمنزلة الحذف يعني اولاد الضان الصغار

میدر آید در میان شما در رنگ حذف خواست راوی بلفظ حذف بچهای میش که خرد باشند

رواه احمد وعن ابن عمر رضي الله تعالى عنه قال قال رسول الله

روایت کرد احمد وازابن عمر روایت رضی الله تعالی عنه گفت فرمود پیغمبر خدا

صلى الله عليه وسلم اقيموا الصفوف وحاذوا بين المناكب وسدوا

صلی الله علیه وسلم برپا کنید صفوف را و برابری کنید در میان دوشهای خود و بندید

الخلل ولينوا بايدي اخوانكم ولا تذروا فرجات الشيطن ومن

فرجهای صف را و نرمی کنید در پیش دستهای برادران شما و مگذارید فرجها شیطان را و کسیکه

وصل صفا وصله الله ومن قطعه قطعه الله رواه ابو داود

وصل کند صف را وصل کند او را خدا تعالی و کسیکه ببرد و رخنه کند صف را ببرد و دور انداز داو خدا تعالی روایت کرد ابو داود

وعن عائشة رضي الله تعالى عنها قالت قال رسول الله صلى الله

و روایت است از عائشه رضی الله تعالی عنها گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله

عليه وسلم لا يزال قوم يتأخرون عن الصف الاول حتى يؤخرهم

علیه وسلم همیشه اند گروهی که پس می افتند از صف اول تا آنکه پس اندازد ایشان را

الله في النار رواه ابو داود وعن ابي هريرة رضي الله تعالى عنه

خدا تعالی در آتش روایت کرد ابو داود و روایت است از ابی هریره رضی الله تعالی عنه

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم اما يخشى الذي يرفع راسه

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم آیا نمی ترسد آنکس که برمیدارد سر خود را

قبل الامام ان يحول الله راسه راس حمار متفق عليه وعن انس

پیش از امام ازینکه بگرداند خدا تعالی سر او را بسر خر متفق علیه است واز انس رضی الله عنه روی

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم رصوا صفوفكم وقاربوا

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم پیوسته دارید و استوار کنید صفهای خود را و نزدیکی کنید

بينها وحاذوا بالاعناق فوالذي نفسي بيده اني لارى الشيطن

میان صفها و برابر کنید گردنها را پس سوگند بخدا آنکه [illegible] ذات من بدست اوست بدرستیکه من هر آینه می بینم شیطان را

يدخل من خلل الصف كانها الحذف رواه ابوداود وعن

که در می آید از رخنه صف گویا آن شیطان بچه میش است روایت کرد ابوداود و روایت است از

ابي هريرة رضي الله تعالى عنه قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم خير

ابی هریره رضی الله تعالی عنه گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم بهتر

صفوف الرجال اولها وشرها آخرها وخير صفوف النساء آخرها

صفهای مردان اولین آنهاست و بدترین صفهای مردان پسین آنهاست و بهترین صفهای زنان پسین آنهاست

وشرها اولها رواه مسلم وعن ابي سعيد الخدري

و بدترین صفهای زنان پیشین آنهاست روایت کرد مسلم و از ابی سعید الخدری

رضي الله تعالى عنه رأى رسول الله صلى الله عليه وسلم في اصحابه تأخرا

رضی الله عنه مروی است که دید پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم در یاران خود پس ماندگی از صف نماز

فقال لهم تقدموا وائتموا بي وليأتم بكم من بعدكم لا يزال

پس گفت مر ایشانرا پیش آیید و اقتدا کنید بمن و باید که اقتدا کنند بشما کسیکه پس آید از شما همیشه اند

قوم يتأخرون حتى يؤخرهم الله رواه مسلم وعن ابي مسعود

قومی که پس می ایستند تا آنکه پس می افگند ایشانرا خدا تعالی از ثواب عظیم روایت کرد مسلم و روایت است از ابی مسعود

الانصاري رضي الله تعالى عنه قال كان رسول الله صلى الله عليه وسلم

انصاری رضی الله تعالی عنه گفت بود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

يمسح مناكبنا في الصلوة ويقول استووا ولا تختلفوا فتختلف

که مسح میکرد کتفهای ما را در نماز و میفرمود که برابر شوید و اختلاف مکنید پس مختلف گردد

قلوبكم ليليني منكم اولوا الاحلام والنهى ثم الذين يلونهم

دلهای شما باید که متصل شوند مرا از شما خداوندان بلوغ و عقل و زیرکی اول پس آنکسانیکه قریب باشند بایشان پس آنکه

ثم الذين يلونهم قال ابو مسعود فانتم اليوم اشد اختلافا

پس آنکسانیکه قریب اند بایشان گفت ابو مسعود انصاری رضی پس شما امروز سخت ترایید از روی اختلاف

رواه مسلم وعن البراء بن عازب رضي الله تعالى عنه قال كان

روایت کرد مسلم و روایت است از براء بن عازب رضی الله عنه گفت بود

رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول ان الله وملئكته يصلون

پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم که میفرمود بدرستیکه خدا و فرشتگان او درود میفرستند

على الذين يلون الصفوف الاولى وما من خطوة احب

بر آنانکه متصل اند صفهای پیشین را و نیست هیچ گامی محبوب تر

الى الله من خطوة يمشيها يصل بها صفا رواه ابو داود

بسوی خدا از گامی که میرود برای که بپیوندد به وی صف را روایت کرد ابو داود

باب السترة واثم المرور بين يدي المصلي

باب در احادیثی که وارد است در بیان ستره و گناه گذشتن از روبروی مصلی

عن طلحة بن عبيد الله قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

روایت است از طلحه ابن عبید الله گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

اذا وضع احدكم بين يديه مثل مؤخرة الرحل فليصل ولا يبال

چون بنهد یکی از شما پیش خود مانند پس پالان شتر پس باید که نماز بگذارد و باک ندارد کسی را که بگذرد

مِنْ مَرَّ وَرَاءَ ذٰلِكَ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ أَبِي جُهَيْمٍ رَضِيَ اللهُ تَعَالَىٰ عَنْهُ

پس آن ستره روا مسلم و روایت است از ابی جهیم رضی الله عنه

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَوْ يَعْلَمُ الْمَارُّ بَيْنَ يَدَيِ الْمُصَلِّي

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم اگر بداند گذرنده پیش مصلی

مَاذَا عَلَيْهِ لَكَانَ أَنْ يَقِفَ أَرْبَعِينَ خَيْرًا لَهُ مِنْ أَنْ يَمُرَّ بَيْنَ يَدَيْهِ قَالَ

که چه گناه است بر وی هر آینه باشد ایستادن او تا چهل بهتر مر او را از گذشتن

أَبُو النَّضْرِ لَا أَدْرِي قَالَ أَرْبَعِينَ يَوْمًا أَوْ شَهْرًا أَوْ سَنَةً مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ

ابو النضر که یکی از راویان است که در نمی یابم که گفت چهل روز یا چهل ماه یا چهل سال است متفق علیه

وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللهُ تَعَالَىٰ عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ

و روایت است از ابو هریره رضی الله عنه گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه

وَسَلَّمَ إِذَا صَلَّى أَحَدُكُمْ فَلْيَجْعَلْ تِلْقَاءَ وَجْهِهِ شَيْئًا فَإِنْ لَمْ يَجِدْ فَلْيَنْصِبْ

وسلم چون نماز گذارد یکی از شما پس باید که بگرداند در مقابل روی خود چیزی را پس اگر نیابد چیزی را پس باید که ایستاده کند

عَصَاهُ فَإِنْ لَمْ يَكُنْ مَعَهُ عَصًا فَلْيَخْطُطْ خَطًّا ثُمَّ لَا يَضُرُّهُ مَا مَرَّ

عصای خود را پس اگر نباشد با وی عصا پس باید که بکشد خطی را بر زمین پس ترساندن ندارد و او را چیزی که گذرد

أَمَامَهُ رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ وَابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ أَبِي سَعِيدٍ رَضِيَ اللهُ

پیش او روا ابو داود و ابن ماجه و روایت است از ابی سعید رضی الله

تَعَالَىٰ عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا يَقْطَعُ الصَّلٰوةَ شَيْءٌ

تعالی عنه گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم باطل نمی گرداند نماز را چیزی

وَادْرَءُوا مَا اسْتَطَعْتُمْ فَإِنَّمَا هُوَ شَيْطَانٌ رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ وَعَنْ

پیش مصلی بگذرد و دفع کنید بقدر یکه توانید زیرا که آن گذرنده شیطان است روا ابو داود و روایت است

أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللهُ تَعَالَىٰ عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَوْ يَعْلَمُ أَحَدُكُمْ

ابی هریره رضی الله تعالی عنه گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم اگر بداند یکی از شما آنچه در آنجاست

مَا لَهُ فِي اَنْ يَمُرَّ بَيْنَ يَدَيْ اَخِيْهِ مُعْتَرِضًا فِي الصَّلٰوةِ كَانَ لَاَنْ يُقِيْمَ

از گناه در گذشتن وی از پیش برادر مسلمان از مقابل در نماز باشد هر آئینه ایستادن او

مِائَةَ عَامٍ خَيْرًا لَهُ مِنَ الْخُطْوَةِ الَّتِيْ خَطَا رَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ

صد سال بهتر مر او را از گامی که میزند آنرا رواه ابن ماجه واز

كَعْبِ الْاَحْبَارِ قَالَ لَوْ يَعْلَمُ الْمَارُّ بَيْنَ يَدَيِ الْمُصَلِّيْ مَاذَا

کعب احبار مرویست گفت اگر بداستی گذرنده از پیش مصلی آنچه براوست

عَلَيْهِ لَكَانَ اَنْ يُخْسَفَ بِهِ خَيْرًا لَهُ مِنْ اَنْ يَمُرَّ بَيْنَ

از گناه هر آئینه بهتر بود فرو برده شدن او در زمین از گذشتن وی از پیش

يَدَيْهِ وَفِيْ رِوَايَةٍ اَهْوَنُ عَلَيْهِ رَوَاهُ مَالِكٌ

مصلی و در روایتی این لفظ یعنی آسان تر است بروی رواه مالک

بَابُ السُّنَنِ

این باب در بیان سنتهاست

عَنْ اُمِّ حَبِيْبَةَ رَضِيَ اللّٰهُ تَعَالٰى عَنْهَا قَالَتْ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

روایت است از ام حبیبه رضی الله تعالی عنها گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ صَلّٰى فِيْ يَوْمٍ وَّلَيْلَةٍ ثِنْتَيْ عَشْرَةَ رَكْعَةً بُنِيَ لَهُ بَيْتٌ

علیه وسلم کسیکه بگذارد در روز و شب دوازده رکعت بنا کرده شود برای وی خانه

فِي الْجَنَّةِ اَرْبَعًا قَبْلَ الظُّهْرِ وَرَكْعَتَيْنِ بَعْدَهَا وَرَكْعَتَيْنِ بَعْدَ الْمَغْرِبِ

در بهشت چهار رکعت سنت پیش از نماز پیشین و دو رکعت پس از ظهر و دو رکعت نماز بعد از نماز شام

وَرَكْعَتَيْنِ بَعْدَ الْعِشَاءِ وَرَكْعَتَيْنِ قَبْلَ صَلٰوةِ الْفَجْرِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ

و دو رکعت نماز بعد از نماز خفتن و دو رکعت پیش از نماز فجر رواه ترمذی

وَعَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللّٰهُ تَعَالٰى عَنْهَا قَالَتْ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

واز عائشه رضی الله عنها مرویست گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رَكْعَتَا الْفَجْرِ خَيْرٌ مِّنَ الدُّنْيَا وَمَا فِيهَا رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ

علیہ وسلم دو رکعت سنت فجر بہتر است از عالم سفلے و ہرچہ در ویست روایت کرد اورا مسلم و از

ابْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ قَالَ كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا يُصَلِّي بَعْدَ

ابن عمر رضی اللہ عنہ مرویست گفت کہ بود پیغمبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم کہ نمیکرد بعد از نماز

الْجُمُعَةِ حَتَّى يَنْصَرِفَ فَيُصَلِّي رَكْعَتَيْنِ فِي بَيْتِهِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ

جمعہ تا آنکہ برگشت از نماز پس بگذارد دو رکعت در خانہ خود متفق علیہ و مرویست از

أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللهُ تَعَالَى عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ كَانَ

ابوہریرہ رضی اللہ تعالے عنہ گفت فرمود پیغمبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم کسیکہ است

مِنْكُمْ مُصَلِّيًا بَعْدَ الْجُمُعَةِ فَلْيُصَلِّ أَرْبَعًا رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنِ ابْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللهُ

از شما نماز گذارنده بعد از جمعہ پس باید کہ بگذارد چہار رکعت روایت کرد اورا مسلم و از ابن عمر رضی اللہ

تَعَالَى عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رَحِمَ اللهُ امْرَءًا صَلَّى

تعالی عنہ مرویست گفت فرمود پیغمبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم رحمت کند خدا آن مرد را کہ بگذارد

قَبْلَ الْعَصْرِ أَرْبَعًا رَوَاهُ أَحْمَدُ وَالتِّرْمِذِيُّ وَأَبُو دَاوُدَ وَعَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ

پیش از نماز عصر چہار رکعت روایت کرد اورا احمد و ترمذی و ابو داود و روایت است از عایشہ رضی

اللهُ تَعَالَى عَنْهَا قَالَتْ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ صَلَّى بَعْدَ الْمَغْرِبِ

اللہ تعالی عنہا گفت فرمود پیغمبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم کسیکہ بگذارد بعد مغرب

عِشْرِينَ رَكْعَةً بَنَى اللهُ لَهُ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ

بست رکعت را بنا کند خدا برای وی خانہ در بہشت روایت کرد اورا ترمذی و روایت است از

مَكْحُولٍ يَبْلُغُ بِهِ أَنَّ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ مَنْ صَلَّى بَعْدَ الْمَغْرِبِ

مکحول میرساند حدیث را بآنحضرت پیغمبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم کسیکہ بگذارد بعد از مغرب

قَبْلَ أَنْ يَتَكَلَّمَ رَكْعَتَيْنِ وَفِي رِوَايَةٍ أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ رُفِعَتْ صَلٰوتُهُ

پیش از آنکہ تکلم کند دو رکعت و در روایتے آمدہ است کہ بگذارد چہار رکعت برداشتہ شود نماز او

فِي عِلِّيِّينَ مُرْسَلًا وَعَنْ حُذَيْفَةَ نَحْوَهُ وَزَادَ فَكَانَ يَقُولُ

در علیین از روی مرسل و از حذیفه رضی مانند این حدیث و زیاده کرده است این عبارت پس بود که میگفت

عَجِّلُوا الرَّكْعَتَيْنِ بَعْدَ الْمَغْرِبِ فَإِنَّهُمَا تُرْفَعَانِ مَعَ الْمَكْتُوبَةِ رَوَاهُمَا

شتابی کنید دو رکعت را که بعد مغرب اند زیرا که این دو رکعت برداشته میشوند بعلیین با فرض ورد و ترمذی روا هما

رَزِينٌ وَرَوَى الْبَيْهَقِيُّ الزِّيَادَةَ عَنْهُ نَحْوَهَا فِي شُعَبِ الْإِيمَانِ

رزین و روایت کرد بیهقی زیادت را از حذیفه مانند آن در شعب ایمان

بَابُ صَلٰوةِ التَّهَجُّدِ وَالتَّحْرِيضِ عَلَى قِيَامِ اللَّيْلِ

باب در بیان احادیثیکه در باب فضیلت نماز تهجد و تحریض بر قیام شب واقع شده

وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَكَ عَسٰى أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا

و بعضی شب بیدار باش بقرآن در شب چیزی که زیاده برای تو قریب است که ایستاده کند ترا پروردگار تو بمقامی

مَحْمُودًا تَتَجَافٰى جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفًا وَطَمَعًا

پسندیده و دور میمانند پهلوی ایشان از خوابگاه میخوانند پروردگار خود را بترس و امید داری

وَمِمَّا رَزَقْنٰهُمْ يُنْفِقُونَ فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ لَهُمْ مِنْ قُرَّةِ أَعْيُنٍ

و از آنچه روزی داده ایم ایشانرا خرج میکنند پس نمیداند هیچ نفس چه چیز پنهان داشته شد برای ایشان از خنکی چشم

جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ وَعَنْ أَسْمَاءَ بِنْتِ يَزِيدَ عَنْ رَسُولِ اللهِ

پاداش داده شد باینچه میکردند روایت است از اسما بنت یزید رضی از پیغمبر خدا

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ يُحْشَرُ النَّاسُ فِي صَعِيدٍ وَّاحِدٍ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ

صلی الله علیه وسلم فرمود فراهم آورده میشود مردم بصعید واحد روز قیامت

فَيُنَادِي مُنَادٍ فَيَقُولُ أَيْنَ الَّذِينَ كَانَتْ تَتَجَافٰى جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ

پس ندا کند ندا کننده پس بگوید کجا اند آنکسانیکه دور و جدا میشدند پهلوهای ایشان از خوابگاههای ایشان

فَيَقُومُونَ وَهُمْ قَلِيلٌ فَيَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ بِغَيْرِ حِسَابٍ ثُمَّ يُؤْمَرُ

پس بر خیزند حال آنکه ایشان کم باشند پس در آیند بهشت بی آنکه حساب گرفته شوند پس امر کرده میشود

بِسَائِرِ النَّاسِ اِلَى الْحِسَابِ رَوَاهُ الْبَيْهَقِيُّ فِي شُعَبِ الْاِيْمَانِ بَابُ الْحِسَابِ

سائر مردم را بحساب گرفتن رواه البیهقی در شعب الایمان باب حساب

وَعَنْ اَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَنْزِلُ رَبُّنَا

و مرویست از ابوهریره رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم فرود آید پروردگار ما

تَبَارَكَ وَتَعَالَى كُلَّ لَيْلَةٍ اِلَى السَّمَاءِ الدُّنْيَا حِيْنَ يَبْقَى ثُلُثُ اللَّيْلِ الْاٰخِرِ

که بزرگ بلندست هر شب باسمانیکه فرو تر و با مان تر است وقتیکه باقی بماند سیم حصه که شب آخر است

يَقُوْلُ مَنْ يَدْعُوْنِيْ فَاَسْتَجِيْبَ لَهُ مَنْ يَسْاَلُنِيْ فَاُعْطِيَهُ مَنْ يَسْتَغْفِرُنِيْ

میفرماید حق تعالی کیست که دعا کند مرا تا قبول کنم دعا او را کیست که درخواست کند از من تا دهم بخشم او را کیست که آمرزش خواهد

لِيْ فَاَغْفِرَ لَهُ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَفِيْ رِوَايَةٍ لِمُسْلِمٍ ثُمَّ يَبْسُطُ يَدَيْهِ يَقُوْلُ

از من تا بیامرزم او را متفق علیه است و در روایت مسلم آمده پس فراخ میکند دو دست خود را میگوید پروردگار

مَنْ يُقْرِضُ غَيْرَ عَدُوْمٍ وَلَا ظَلُوْمٍ حَتّٰى يَنْفَجِرَ الْفَجْرُ وَعَنْ جَابِرٍ

کیست که قرض دهد کسی را که نه فقیر است و نه ظلم کننده میگوید خدا تا بشکافد فجر و از جابر مرویست

رَضِيَ اللهُ تَعَالٰى عَنْهُ قَالَ سَمِعْتُ رَسُوْلَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُوْلُ اِنَّ

رضی الله عنه گفت شنیدم پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم را که میگفت بدرستیکه

فِي اللَّيْلِ لَسَاعَةً لَا يُوَافِقُهَا رَجُلٌ مُسْلِمٌ يَسْاَلُ اللهَ خَيْرًا مِنْ اَمْرِ الدُّنْيَا

در شب آینه ساعتی است که موافق نمیشود آنرا مرد مسلمان در حالیکه سوال میکند خدا را چیزی از کار دنیا

وَالْاٰخِرَةِ اِلَّا اَعْطَاهُ اللهُ اِيَّاهُ وَذٰلِكَ كُلَّ لَيْلَةٍ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ

و آخرت مگر آنکه میدهد خدا آنچیز را او را و این ساعت در هر شب است رواه مسلم و روایت است از

عَبْدِ اللهِ بْنِ عَمْرٍو رَضِيَ اللهُ تَعَالٰى عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ

عبدالله بن عمرو رضی الله تعالی عنه گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه

وَسَلَّمَ اَحَبُّ الصَّلٰوةِ اِلَى اللهِ تَعَالٰى صَلٰوةُ دَاوُدَ وَاَحَبُّ الصِّيَامِ اِلَى اللهِ

وسلم دوست داشته شده ترین نمازها بسوی خدا تعالی نماز داود و دوست داشته ترین روزه ها بسوی خدا

صِيَامُ دَاوٗدَ وَكَانَ يَنَامُ نِصْفَ اللَّيْلِ وَيَقُوْمُ ثُلُثَهٗ وَيَنَامُ سُدُسَهٗ وَيَصُوْمُ

روزه داود است و بود داود که خواب میکرد نصف شب برمی خاست و دو دانگ خواب میکرد باز یکدانگ روزه داشت

يَوْمًا وَيُفْطِرُ يَوْمًا مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ أَبِيْ أُمَامَةَ رَضِيَ اللّٰهُ تَعَالٰى

یکروز و روزه میگشاد در روز دیگر متفق علیه است و از ابی امامه رضی الله تعالی

عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَيْكُمْ بِقِيَامِ اللَّيْلِ فَإِنَّهٗ

عنه مرویست گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم بر شما باد برخواستن شب برای نماز زیرا که شب خیزی

دَأْبُ الصَّالِحِيْنَ قَبْلَكُمْ وَهُوَ قُرْبَةٌ لَّكُمْ إِلٰى رَبِّكُمْ وَمُكَفِّرَةٌ لِّلسَّيِّئَاتِ

عادت نیکوکاران است که پیش از شما بودند و قیام لیل سبب نزدیکیست مر شما را بسوی پروردگار شما و سبب پوشیدن است مر بدیها را

وَمَنْهَاةٌ عَنِ الْإِثْمِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ أَبِيْ سَعِيْدِنِ الْخُدْرِيِّ

و بازدارنده است از گناهان رواه ترمذی و از ابی سعید الخدری

رَضِيَ اللّٰهُ تَعَالٰى عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ثَلٰثَةٌ يَضْحَكُ

رضی الله تعالی عنه مرویست گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم سه کس اند که میخندد

اللّٰهُ تَعَالٰى إِلَيْهِمُ الرَّجُلُ إِذَا قَامَ بِاللَّيْلِ يُصَلِّيْ وَالْقَوْمُ إِذَا صَفُّوْا فِي

خدای تعالی برای ایشان یکی مردیکه چون برخیزد بسوی نماز شب و دوم قوم چون صف بندند در

الصَّلٰوةِ وَالْقَوْمُ إِذَا صَفُّوْا فِيْ قِتَالِ الْعَدُوِّ رَوَاهُ فِيْ شَرْحِ السُّنَّةِ

نماز سوم قومیکه چون صف بندند در کشتن دشمنان دین رواه در شرح سنة

وَعَنْ أَبِيْ هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللّٰهُ تَعَالٰى عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

و روایت است از ابی هریره رضی الله تعالی عنه مرویست گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه

وَسَلَّمَ يَعْقِدُ الشَّيْطَانُ عَلٰى قَافِيَةِ رَأْسِ أَحَدِكُمْ إِذَا هُوَ نَامَ ثَلٰثَ

وسلم گره می بندد شیطان بر پس سر یکی از شما وقتیکه او در خواب میکند سه

عُقَدٍ يَضْرِبُ عَلٰى كُلِّ عُقْدَةٍ عَلَيْكَ لَيْلٌ طَوِيْلٌ فَارْقُدْ فَإِنِ اسْتَيْقَظَ

گره میزند بر گرهی لازم گیر بر خود خواب را که شب دراز است پس خواب بکن پس اگر بیدار شود

فَذَكَرَ اللّٰهَ انْحَلَّتْ عُقْدَةٌ فَاِنْ تَوَضَّأَ انْحَلَّتْ عُقْدَةٌ فَاِنْ صَلّٰى انْحَلَّتْ

پس اگر گوید خدا را گشاده شود گرهی پس اگر وضو کند گشاده شود گرهی پس اگر نماز کند گشاده شود

عُقْدَةٌ فَاَصْبَحَ نَشِيْطًا طَيِّبَ النَّفْسِ وَاِلَّا اَصْبَحَ خَبِيْثَ النَّفْسِ كَسْلَانَ

گرهی پس صبح کند شادمان پاک نفس و اگر بیدار نشود و ذکر نکند صبح میکند پلید نفس کاهل

مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنِ الْمُغِيْرَةِ قَالَ قَامَ النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حَتّٰى

متفق علیه است و روایت است از مغیره رض گفت ایستاد آنحضرت صلی الله علیه وسلم بنماز شب

تَوَرَّمَتْ قَدَمَاهُ فَقِيْلَ لَهٗ لِمَ تَصْنَعُ هٰذَا وَقَدْ غُفِرَ لَكَ مَا تَقَدَّمَ مِنْ

تا آنکه آماسید قدم مبارک پس گفته شد مر آنحضرت را که برای چه میکنی این را باشدت او حال آنکه آمرزیده شد مر ترا آنکه پیش از تو

ذَنْبِكَ وَمَا تَأَخَّرَ قَالَ اَفَلَا اَكُوْنُ عَبْدًا شَكُوْرًا مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنِ

گناه پیش رفته و آنچه پس ماند فرمود آنحضرت آیا پس نباشم من بنده سپاس گذار متفق علیه است و از

ابْنِ مَسْعُوْدٍ رَضِيَ اللّٰهُ تَعَالٰى عَنْهُ قَالَ ذُكِرَ عِنْدَ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

ابن مسعود رضی الله عنه گفت ذکر کرده شد نزدیک پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

رَجُلٌ فَقِيْلَ لَهٗ مَا زَالَ نَائِمًا حَتّٰى اَصْبَحَ مَا قَامَ اِلَى الصَّلٰوةِ قَالَ ذٰلِكَ رَجُلٌ

مردی پس گفته شد مر او را که همیشه ماند خواب کننده تا آنکه صبح کرد و نایستاد برای نماز شب فرمود آن مردیست

بَالَ الشَّيْطَانُ فِيْ اُذُنِهٖ اَوْ قَالَ فِيْ اُذُنَيْهِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ عَمْرِو بْنِ

که شاشید شیطان در گوش او یا گفت آنحضرت در دو گوش او متفق علیه و از عمرو بن

عَبَسَةَ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَقْرَبُ مَا يَكُوْنُ الرَّبُّ مِنَ

عبسه مرویست گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم نزدیکتر بودن پروردگار از بنده

الْعَبْدِ فِيْ جَوْفِ اللَّيْلِ الْاٰخِرِ فَاِنِ اسْتَطَعْتَ اَنْ تَكُوْنَ مِمَّنْ يَّذْكُرُ اللّٰهَ

میانهٔ شب است در جانب آخر پس اگر میتوانی که باشی تو ای عمرو از آن جماعت که یاد میکنند خدا را

فِيْ تِلْكَ السَّاعَةِ فَكُنْ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ قَالَ قَالَ

در آن ساعت پس باش تو از آن رواه ترمذی و از ابی هریره رض گفت فرمود

رسول الله صلى الله عليه وسلم رحم الله رجلا قام من الليل فصلى وايقظ

پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم بخشاید خدا تعالی مرد را که برخاست بنماز شب پس گذارد نماز را و بیدار کرد

امرأته فصلت فان ابت نضح في وجهها الماء رحم الله امرأة قامت

زن خود را پس نماز گذارد زن پس اگر انکار کند بپاشد در روی آن زن آب را بخشاید خدا تعالی زنی را که برخاست

من الليل فصلت وايقظت زوجها فصلى فان ابى نضحت في وجهه

از شب پس نماز گذارد و بیدار کرد مرد خود را پس نماز گذارد آن مرد پس اگر سر باز زند آن مرد بپاشد آن زن در روی او

الماء رواه ابوداود والنسائي وعن ابي امامة رضي الله تعالى عنه

آب را روایت ابوداود والنسائی و از ابی امامه رضی الله تعالی عنه مرویست

قال قيل يا رسول الله صلى الله عليه وسلم اي الدعاء اسمع قال جوف الليل

گفت گفته شد ای پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم کدامین دعا مسموع تر است باجابت فرمود دعائیکه در میان

الآخر ودبر الصلوة المكتوبات رواه الترمذي وعن ابي مالك

اخر واقع شد و پس نمازهای فرض که شامل است عادا را در آخر شب روایت ترمذی و از ابی مالک

الاشعري رضي الله تعالى عنه قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

اشعری رضی الله تعالی عنه مرویست گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

ان في الجنة غرفا يرى ظاهرها من باطنها وباطنها من ظاهرها اعدها

بدرستیکه در بهشت غرفهاست که دیده میشود ظاهرش از باطنش و باطنش از ظاهرش از عین لطافت و صفا آماده ساخته است

الله لمن الان الكلام واطعم الطعام وتابع الصيام وصلى بالليل

خدا آنها را برای کسیکه نرم گوید سخن را و بخوراند طعام را و پی در پی دارد روزه را و نماز گذارد بشب

والناس نيام رواه البيهقي في شعب الايمان وروى الترمذي

و حال آنکه مردم در خواب باشند روایت کرد بیهقی در شعب ایمان و روایت ترمذی

عن علي نحوه وفي روايته لمن اطاب الكلام وعن عبد الله

از علی رضی مانند آن و در روایتی آمده است طیب کلام بجای لین کلام و از عبد الله

بْنِ عَمْرِو بْنِ الْعَاصِ رَضِيَ اللّٰهُ تَعَالٰی عَنْهُ قَالَ لِيْ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ
بن عمرو بن عاص رضی اللہ تعالی عنہ مرویست فرمود مرا پیغمبر خدا صلے اللہ علیہ
وَسَلَّمَ يَا عَبْدَ اللّٰهِ لَا تَكُنْ مِثْلَ فُلَانٍ كَانَ يَقُوْمُ مِنَ اللَّيْلِ فَتَرَكَ قِيَامَ
وسلم ای عبداللہ مباش مانند فلان بود وی که برمیخاست نماز شب پس بگذاشت
اللَّيْلِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ عُثْمَانَ بْنِ أَبِي الْعَاصِ رَضِيَ اللّٰهُ تَعَالٰی عَنْهُ
تہجد را متفق علیہ و روایت است از عثمان بن ابی العاص رضی اللہ تعالے عنہ
قَالَ سَمِعْتُ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُوْلُ كَانَ لِدَاوُدَ عَلَيْهِ
گفت شنیدم پیغمبر خدا را صلے اللہ علیہ وسلم میفرمود بود داود علیہ
السَّلَامُ مِنَ اللَّيْلِ سَاعَةٌ يُوْقِظُ فِيْهَا أَهْلَهُ يَقُوْلُ يَا آلَ دَاوُدَ قُوْمُوْا فَصَلُّوْا
السلام را از شب ساعتی که بیدار میکرد در آن ساعت اہل خود را میگفت ای اہل عیال داود برخیزید پس نماز
فَإِنَّ هٰذِهِ سَاعَةٌ يَسْتَجِيْبُ اللّٰهُ عَزَّ وَجَلَّ فِيْهَا الدُّعَاءَ إِلَّا لِسَاحِرٍ أَوْ
زیرا که بتحقیق این ساعتے است که قبول میکند خدا تعالی درو دعا را مگر ساحر را
عَشَّارٍ رَوَاهُ أَحْمَدُ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللّٰهُ تَعَالٰی عَنْهُ قَالَ سَمِعْتُ
و عشر ستان را رواه احمد و از ابی ہریرہ رضی اللہ تعالے عنہ مرویست گفت شنیدم
رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُوْلُ أَفْضَلُ الصَّلٰوةِ بَعْدَ الْفَرِيْضَةِ صَلٰوةٌ
پیغمبر خدا را صلے اللہ علیہ وسلم که میفرمود افزون ترین نماز در ثواب بعد از نماز فرض
فِيْ جَوْفِ اللَّيْلِ رَوَاهُ أَحْمَدُ وَعَنْهُ قَالَ جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ
درون شب است رواه احمد و از وی مرویست گفت آمد مردی نزدیک آنحضرت صلی اللہ
عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ إِنَّ فُلَانًا يُصَلِّيْ بِاللَّيْلِ فَإِذَا أَصْبَحَ سَرَقَ فَقَالَ إِنَّهُ
علیہ وسلم پس گفت که بتحقیق فلان شخص نماز میکند بشب پس چون صبح میکند دزدی میکند پس گفت آنحضرت ستنہاہ
سَيَنْهَاهُ مَا تَقُوْلُ رَوَاهُ أَحْمَدُ وَالْبَيْهَقِيُّ فِيْ شُعَبِ الْإِيْمَانِ وَعَنْ
باز دارد آن نماز او را از دزدی رواه احمد و بیہقی در شعب الایمان و از

اِبی سعید وابی ہریرۃ رضی اللہ تعالیٰ عنہما قالا قال رسول اللہ صلی اللہ

ابی سعید وابی ہریرہ رضی اللہ عنہما گفتند ہر دو کہ فرمود پیغمبر خدا صلی اللہ

علیہ وسلم اذا ایقظ الرجل اھلہ من اللیل فصلیا او صلی رکعتین جمیعا

علیہ وسلم چون بیدار کند مرد زن خود را پاره شب پس بگذارد دو رکعت ہر دو یا ہر یکے را جدا دو رکعت را ہمہ

کُتبا فی الذاکرین والذاکرات رواہ ابو داود وابن ماجۃ وعن

نوشتہ میشوند ہر دو در حلقہ مردان ذاکرین و زنان ذاکرات رواہ ابو داود وابن ماجہ و مروی است از

ابن عباس قال قال رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم اشراف امتی

ابن عباس رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم بزرگ قدران است من

حملۃ القرآن واصحاب اللیل رواہ البیہقی فی شعب الایمان وعن

بیدار ندگان قرآن یعنی حافظان وشب خیزندگان آن در نماز رواہ بیہقی در شعب الایمان و مروی است از

ابن عمر ان اباہ عمر بن الخطاب کان یصلی من اللیل ما شاء اللہ

ابن عمر رضی اللہ عنہ بدرستیکہ پدر او عمر بن الخطاب بود نماز شب میگزارد اندازه مقدار شب آنچہ خواستے خدا

حتی اذا کان من آخر اللیل ایقظ اھلہ للصلوۃ یقول لہم الصلوۃ ثم

تا آنکہ چون میشد آخر شب بیدار میکرد اہل خود را برائے نماز شب میگفت اہل خود را کہ وقت نماز است بگذارید نماز را پس

یتلو ھذہ الآیۃ وأمر اھلک بالصلوۃ واصطبر علیھا لا نسئلک

میخواند این آیۃ را بفرما اہل خود را بنماز و مبالغہ کن در صبر کردن بر نماز نمی طلبیم ما از تو

رزقا نحن نرزقک والعاقبۃ للتقوی رواہ مالک وعن عبد اللہ

رزق را ما روزی میرسانیم ترا و خوبی عاقبت کار مر متقیان راست رواہ مالک و در عبد اللہ

بن مسعود قال قال رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم عجب ربنا من رجلین

بن مسعود مرویست گفت فرمود پیغمبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم عجب دارد پروردگار ما از دو مرد

رجل ثار عن وطائہ ولحافہ من بین حبہ واھلہ الی صلوتہ فیقول

مردیکہ برجستہ از فرش نرم خود و از لحاف خود بیست از میان محبوب و اہل خود بسوی نماز پس میگوید

اللہ لملٰئکتہ انظروا الی عبدی ثار عن فراشہ ووطائہ من بین

خدا تعالیٰ بفرشتگان خود نگاہ کنید بسوی بندہ من کہ برخاست از فراش خود و از لحاف خود از میان

حبہ واھلہ الی صلوتہ رغبۃ فیما عندی وشفقا مما عندی ورجل غزا

محبوب خود و اہل خود بسوی نماز خود از جہت رغبت نمودن بسوی آنچہ نزد منست و از جہت ترسیدن از عقاب کہ نزد منست و مردی جنگ کرد با کفار

فی سبیل اللہ فانھزم مع اصحابہ فعلم ما علیہ فی الانھزام وما

در راہ خدا پس شکست خورد با یاران خود پس دانست آنچہ لازمست او را در شکست خوردن و آنچہ

لہ فی الرجوع فرجع حتی اھریق دمہ فیقول اللہ لملٰئکتہ انظروا

مر او راست در باز گشتن پس برگشت تا آنکہ ریختہ شد خون او پس میگوید خدا تعالیٰ بفرشتگان خود نظر کنید

الی عبدی رجع رغبۃ فیما عندی وشفقا مما عندی حتی اھریق دمہ

بسوی بندہ من کہ برگشت از جہت خواہش در ثواب کہ نزد منست و از جہت ترسیدن از عقابیکہ نزد منست تا آنکہ ریختہ شد خون او

رواہ فی شرح السنۃ ٭ باب صلوۃ الضحی ٭ وعن ابی ذر

روایت کرد در شرح سنۃ — باب نماز چاشت — روایت است از ابی ذر

قال قال رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم یصبح علی کل سلامی من

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم ثابت میگردد بر ہر بند استخوان از

احدکم صدقۃ فکل تسبیحۃ صدقۃ وکل تحمیدۃ صدقۃ وکل تھلیلۃ

یکی از شما صدقہ پس ہر بار سبحان اللہ گفتن صدقہ است و ہر بار الحمد للہ گفتن صدقہ است و ہر بار لا الہ الا اللہ گفتن

صدقۃ وکل تکبیرۃ صدقۃ وامر بالمعروف صدقۃ ونھی عن

صدقہ است و ہر بار اللہ اکبر گفتن صدقہ است و فرمودن کسی را بکار مشروع صدقہ است و باز داشتن از

المنکر صدقۃ ویجزئ من ذلک رکعتان یرکعھما من الضحی

کار نامشروع صدقہ است و کفایت میکند از شکرانہ سلامی و صدقہ آن دو رکعت کہ بگذارد آن را در وقت چاشت

رواہ مسلم وعن ابی الدرداء وابی ذر رضی اللہ تعالی عنھما

روایت کرد مسلم — روایت است از ابی درداء و ابی ذر رضی اللہ تعالیٰ عنہما

قالا قال رسول الله صلى الله عليه وسلم عن الله تبارك وتعالى انه

گفتند پیرو و گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم از خدا تعالی

قال يا ابن آدم اركع لي اربع ركعات من اول النهار اكفك آخره

فرمود ای آدمی زاد بگذار برای من چهار رکعت را در اول روز بسنده و کارگزاری میکنم ترا در آخر روز

رواه الترمذي ورواه ابو داود والدارمي عن نعيم بن همار

رواه ترمذی و رواه ابو داود و الدارمی از نعیم بن همار

الغطفاني واحمد عنهم وعن بريدة رضي الله تعالى عنه قال

غطفانی و احمد از همه در روایت است از بریده رضی الله تعالی عنه گفت

سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول في الانسان ثلثمائة

شنیدم پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم را که میگفت در آدمی سه صد

وستون مفصلا فعليه ان يتصدق عن كل مفصل منه بصدقة

و شصت بند است پس بر اوست باید که تصدق کند از هر بندی از خود بصدقه

قالوا ومن يطيق ذلك يا نبي الله قال النخاعة في المسجد تدفنها

گفتند صحابه که طاقت دارد آنرا ای پیغمبر خدا فرمود آنحضرت آب دهن افتاده در مسجد دفن کنی آنرا

والشيء تنحيه عن الطريق فان لم تجد فركعتا الضحى تجزئك

و چیزی که یکسو کنی آنرا از راه مردم پس اگر نیابی آنرا پس دو رکعت نماز چاشت بسندگی میکند ترا

رواه ابو داود وعن انس رضي الله تعالى عنه قال قال رسول الله

رواه ابو داود و در روایت است از انس رضی الله تعالی عنه گفت فرمود پیغمبر خدا

صلى الله عليه وسلم من صلى الضحى ثنتي عشرة ركعة بنى الله له

صلی الله علیه وسلم کسیکه بگذارد نماز ضحی را دوازده رکعت بنا کند خدا تعالی برای او

قصرا من ذهب في الجنة رواه الترمذي وابن ماجة وعن

کوشکی از طلا در بهشت رواه ترمذی و ابن ماجه و در روایت است از

معاذ بن انس الجهني قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من

معاذ بن انس جهني رضو گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم هرکه

قعد في مصلاه حين ينصرف من صلوة الصبح حتى يسبح ركعتي

بنشیند در جای نماز وقتیکه بر گردد از نماز بامداد تا آنکه بگذارد دو رکعت

الضحى لا يقول الا خيرا غفر له خطاياه وان كانت اكثر من زبد البحر

چاشت را نگوید مگر سخن نیک آمرزیده شود مرا او را گناهان او اگر چه مانند بسیار است دریا در بسیاری

رواه ابوداود وعن ابي هريرة رضي الله تعالى عنه قال قال

روایت ابوداود و روایت است از ابو هریره رضی الله تعالى عنه گفت گفت پیغمبر خدا

رسول الله صلى الله عليه وسلم من حافظ على شفعة الضحى غفرت

پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه نگاهداشت کند هر دو رکعت ضحی آمرزیده شود

له ذنوبه وان كانت مثل زبد البحر رواه احمد والترمذي وابن

گناهان او اگر چه باشد مانند کف دریا رواه احمد و الترمذی و ابن

ماجة وعن عائشة رضي الله تعالى عنها انها كانت تصلي الضحى

ماجه و روایت است از عائشه رضی الله تعالی عنها که حضرت عائشه میگذارد نماز چاشت را

ثماني ركعات ثم تقول لو نشرلي ابواي ما تركتهما رواه مالك

هشت رکعت پس میگفت اگر زنده کرده شوند برای من پدر و مادر من ترک نکنم رواه مالک

وعن ابي سعيد رضي الله تعالى عنه قال كان رسول الله صلى الله

و روایت است از ابی سعید رضی الله تعالی عنه گفت بود پیغمبر خدا صلی الله

عليه وسلم يصلي الضحى حتى نقول لا يدعها ويدعها حتى نقول

علیه وسلم که میگذارد چندگاه نماز ضحی را تا آنکه میگفتیم هرگز ترک نخواهد کرد آنرا و ترک میکرد آنرا تا آنکه میگفتیم

لا يصليها رواه الترمذي

هرگز نخواهد گذارد آنرا رواه ترمذی

بَابُ التَّطَوُّعِ

باب در احادیثی که در نوافل وارد اند

عَنْ جَابِرٍ رَضِيَ اللّٰهُ تَعَالَىٰ عَنْهُ قَالَ كَانَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

روایت است از جابر رضی الله تعالیٰ عنه گفت بود پیغمبر خدا صلی الله علیه

وَسَلَّمَ يُعَلِّمُنَا الْاِسْتِخَارَةَ فِي الْاُمُوْرِ كَمَا يُعَلِّمُنَا السُّوْرَةَ مِنَ الْقُرْاٰنِ

وسلم تعلیم میکرد ما را دعاء استخاره و نماز در کارهای مقصوده چنانکه تعلیم میکرد ما را سوره از قرآن

يَقُوْلُ اِذَا هَمَّ اَحَدُكُمْ بِالْاَمْرِ فَلْيَرْكَعْ رَكْعَتَيْنِ مِنْ غَيْرِ الْفَرِيْضَةِ

میگفت چون قصد کند یکی از شما بکاری پس باید که بگذارد دو رکعت را غیر نماز فرض

ثُمَّ لْيَقُلْ اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْتَخِيْرُكَ بِعِلْمِكَ وَاَسْتَقْدِرُكَ بِقُدْرَتِكَ

پستر باید که بخواند این دعا را خداوندا من طلب میکنم خیر از تو باستعانت علم تو و طلب قدرت میکنم برین کار خیر از تو بسبب قدرت تو

وَاَسْئَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ الْعَظِيْمِ فَاِنَّكَ تَقْدِرُ وَلَا اَقْدِرُ وَتَعْلَمُ

و سوال میکنم از تو چیزی فضل تو که بزرگ است پس بدرستیکه تو قادری و من قدرت ندارم و تو میدانی

وَلَا اَعْلَمُ وَاَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوْبِ اَللّٰهُمَّ اِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ اَنَّ هٰذَا

و من نمیدانم و تو داننده غیب ها را خداوندا اگر هستی تو که میدانی که این

الْاَمْرَ خَيْرٌ لِّيْ فِيْ دِيْنِيْ وَمَعَاشِيْ وَعَاقِبَةِ اَمْرِيْ اَوْ قَالَ فِيْ عَاجِلِ

کار من بهتر است اور دین من و در زندگانی من و پایان کار من یا گفت آنحضرت بجای

اَمْرِيْ وَاٰجِلِهٖ فَاقْدُرْهُ لِيْ وَيَسِّرْهُ لِيْ ثُمَّ بَارِكْ لِيْ فِيْهِ وَاِنْ كُنْتَ

فی معاشی در اینجهان و در آنجهان پس تقدیر کن آنرا برای من پستر برکت ده مرا بدان کار و اگر

تَعْلَمُ اَنَّ هٰذَا الْاَمْرَ شَرٌّ لِّيْ فِيْ دِيْنِيْ وَمَعَاشِيْ وَعَاقِبَةِ اَمْرِيْ اَوْ قَالَ

میدانی تو که این کار بدست مرا در دین من و در زندگانی من و در پایان کار من یا گفت

فِيْ عَاجِلِ اَمْرِيْ وَاٰجِلِهٖ فَاصْرِفْهُ عَنِّيْ وَاصْرِفْنِيْ عَنْهُ وَاقْدُرْ لِيَ الْخَيْرَ

در این جهان و در آنجهان پس برگردان آنرا از من و برگردان مرا از وی و تقدیر کن مرا نیکی را

حيث كان ثم أرضني به قال وفيه حاجته رواه البخاري وعن

هر جا که باشد پس تر راضی گردان مرا بوی گفتم آنحضرت یاد نماید حاجت خود را روایت کرد بخاری و روایت است از

علي رضي الله عنه قال حدثني أبو بكر وصدق أبو بكر رضي الله عنه قال

علی رضی الله عنه گفت حدیث کرد مرا ابو بکر و راست گفت ابو بکر رضی الله عنه گفت

سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول ما من رجل يذنب ذنبا

شنیدم من پیغمبر خدا را صلی الله علیه وسلم که میگفت نیست هیچ مردی که بکند گناهی را

ثم يقوم فيتطهر ثم يصلي ثم يستغفر الله إلا غفر الله له ثم قرأ

پس برخیزد پس طهارت کند پس نماز گذارد پس آمرزش خواهد از خدا مگر آنکه بیامرزد خدا تعالی مر او را پس خواند

والذين إذا فعلوا فاحشة أو ظلموا أنفسهم ذكروا الله فاستغفروا

آنحضرت این آیه را و آنکسانیکه چون میکنند کار بد را یا ظلم کنند بر جانهای خود یاد میکنند خدا تعالی را پس طلب آمرزش میکنند

لذنوبهم رواه الترمذي وابن ماجة إلا أن ابن ماجة لم يذكر الآية

مر گناهان ایشان را روایت کرد ترمذی و ابن ماجه مگر آنکه ابن ماجه ذکر نکرد آیه را

وعن بريدة رضي الله تعالى عنه قال أصبح رسول الله صلى الله عليه وسلم

و روایت است از بریده رضی الله تعالی عنه گفت صبح کرد آنحضرت صلی الله علیه وسلم

فدعا بلالا فقال بما سبقتني إلى الجنة ما دخلت الجنة قط إلا سمعت

پس طلب کرد بلال را پس گفت بچه عمل پیشی کردی تو مرا بسوی بهشت نه درآمدم بهشت را هرگز مگر شنیدم

خشخشتك أمامي قال بلال يا رسول الله صلى الله عليه وسلم ما أذنت قط

آواز نعلین ترا [illegible] گفت بلال ای فرستاده خدا صلی الله علیه وسلم اذان نگفتم هرگز

إلا صليت ركعتين وما أصابني حدث قط إلا توضأت عنده ورأيت

مگر آنکه گذاردم دو رکعت را و بعد از آن نرسید بمن حدثی هرگز مگر که وضو ساختم نزد آن و دانستم که

أن لله علي ركعتين فقال رسول الله صلى الله عليه وسلم بهما رواه الترمذي

مر خدا راست در گردن من دو رکعت پس فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم بسبب این دو چیز [illegible] یافتی این مرتبه را

وعن ابن عباس أن النبي صلى الله عليه وسلم قال للعباس بن

روایت است از ابن عباس رض بدرستیکه نبی صلی الله علیه و سلم فرمود مر عباس ابن

عبد المطلب يا عباس يا عماه ألا أعطيك ألا أمنحك ألا أخبرك

عبد المطلب یا عباس ای عم من آیا ندهم ترا آیا نه بخشم ترا آیا خبر ندهم ترا

ألا أفعل بك عشر خصال إذا أنت فعلت ذلك غفر الله لك ذنبك أوله

آیا نکنم با تو ده خصلت چون تو بکنی آنرا بیامرزد خدای تعالی مر گناه ترا که پیش از آن کردی

وآخره قديمه وحديثه خطأه وعمده صغيره وكبيره سره وعلانيته

و پس از این و گناهی کهنه و گناه تازه آن که بقصد کرده و بی قصد کرده و گناه خرد و کلان و پوشیده و آشکارا

أن تصلي أربع ركعات تقرأ في كل ركعة فاتحة الكتاب وسورة فإذا

بگذار تو چهار رکعت نماز را بخوان در هر رکعت سوره فاتحه و سوره از قرآن و چون

فرغت من القراءة في أول ركعة وأنت قائم قلت سبحان الله والحمد لله

فارغ شوی از قراءة در اول رکعت و حالانکه تو ایستاده میگوئی این کلمه تمجید را

ولا إله إلا الله والله أكبر خمس عشرة مرة ثم تركع فتقولها وأنت راكع

پانزده بار پس میگوئی تو این کلما ترا و حالانکه تو راکع باشی

عشرا ثم ترفع رأسك من الركوع فتقولها عشرا ثم تهوي ساجدا

ده بار بعد از سبحان ربي العظيم پس تر برمیداری سر خود را از رکوع پس میگوئی تو این کلمات را ده بار بعد سمع الله لمن حمده پس فرود آئی برای سجده

فتقولها وأنت ساجد عشرا ثم ترفع رأسك من السجود وتقولها

پس میگوئی آنرا و حالانکه تو در سجده باشی ده بار پس تر برمیداری سر خود را از سجده و میگوئی آنرا

عشرا ثم تسجد فتقولها عشرا ثم ترفع رأسك فتقولها عشرا

ده بار پس سجده میکنی پس میگوئی آنرا ده بار پس تر برمیداری سر خود را پس میگوئی آنرا ده بار

فذلك خمس وسبعون في كل ركعة تفعل ذلك في أربع ركعات

پس مجموع آن هفتاد و پنج بار میشود در هر رکعت میکنی آنرا و چهار رکعت

إِنِ اسْتَطَعْتَ أَنْ تُصَلِّيَهَا فِي كُلِّ يَوْمٍ مَرَّةً فَافْعَلْ فَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ

اگر میتوانی بگذاری این نماز را در هر روز یکبار پس بکن پس اگر نکنی تو در هر جمعه

فَفِي كُلِّ جُمُعَةٍ مَرَّةً فَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَفِي كُلِّ شَهْرٍ فَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ

پس بکن در هر جمعه یکبار پس اگر نکنی در هر جمعه پس بکن در هر ماه پس اگر نکنی در هر ماه

فَفِي كُلِّ سَنَةٍ مَرَّةً فَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَفِي عُمُرِكَ مَرَّةً رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ وَابْنُ مَاجَةَ

پس بکن در هر سال یکبار پس اگر نکنی در هر سال بکن در عمر خود یکبار رواه ابوداود و ابن ماجه

وَالْبَيْهَقِيُّ فِي الدَّعَوَاتِ الْكَبِيرِ وَرَوَى التِّرْمِذِيُّ عَنْ أَبِي رَافِعٍ نَحْوَهُ وَعَنْ

بیهقی در دعوات کبیر و روایت کرد ترمذی از ابی رافع رضی مانند آن و از

أَبِي أُمَامَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا أَذِنَ اللّٰهُ لِعَبْدٍ فِي

ابی امامه رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم اجازت نمیدهد خدا تعالی مر بنده را در

شَيْءٍ أَفْضَلَ مِنْ رَكْعَتَيْنِ يُصَلِّيهِمَا وَإِنَّ الْبِرَّ لَيُذَرُّ عَلَى رَأْسِ الْعَبْدِ

چیزی که فاضلتر است از دو رکعت که میگذارد آنها را و بدرستیکه نیکی پاشیده کرده شود بر سر بنده

مَا دَامَ فِي صَلَاتِهِ وَمَا تَقَرَّبَ الْعِبَادُ إِلَى اللّٰهِ بِمِثْلِ مَا خَرَجَ مِنْهُ

مادام که بنده در نماز خود است و نزدیکی نجستند بنده ها بسوی خدا مانند چیزیکه بیرون آمده از خدا تعالی

يَعْنِي الْقُرْآنَ رَوَاهُ أَحْمَدُ وَالتِّرْمِذِيُّ

که قرآنست رواه احمد و ترمذی

بَابُ الْجُمُعَةِ

باب در بیان جمعه

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَى

ای مسلمانان چون اذان داده شود برای نماز در روز جمعه پس بروید بسوی

ذِكْرِ اللّٰهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ذٰلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ فَإِذَا قُضِيَتِ

ذکر خدا و بگذارید خرید و فروخت را این بهتر است شما را اگر میدانید پس چون تمام کرده شود

جزء ۲۸ سوره جمعه ع ۲

الصلوة فانتشروا في الارض وابتغوا من فضل الله واذكروا الله كثيرا

از پس متفرق شوید در زمین وطلب کنید از فضل خدا و یاد کنید خدا را بسیار

لعلكم تفلحون وعن ابي هريرة رضي الله تعالى عنه قال قال رسول الله

تا شما رستگار شوید و روایت است از ابی هریره رضی الله تعالی عنه گفت فرمود پیغمبر خدا

صلى الله عليه وسلم نحن الآخرون السابقون يوم القيمة بيد انهم

صلی الله علیه وسلم ما پسینانیم و در روز قیامت پیشینانیم در آخرت و شرف جز این نیست که اهل کتاب

اوتوا الكتب من قبلنا واوتيناه من بعدهم ثم هذا يومهم الذي فرض

داده شدند کتاب پیش از ما و داده شدیم ما کتاب را پس از ایشان پس این روز یهود و نصاری است که فرض کرده

عليهم يعني يوم الجمعة فاختلفوا فيه فهدانا الله له والناس لنا فيه

برایشان یعنی روز جمعه پس اختلاف کردند ایشان در وی پس راه نمود ما را خدا آن روز را و مردم یعنی یهود و نصاری

تبع اليهود غدا والنصارى بعد غد متفق عليه وعن ابي هريرة

تابع ما اند یهود فردا و نصاری پس فردا متفق علیه است و روایت است از ابی هریره

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم خير يوم طلعت عليه الشمس

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم بهترین روزی که برآمد بروی آفتاب

يوم الجمعة فيه خلق آدم وفيه ادخل الجنة وفيه اخرج منها ولا تقوم

روز جمعه است در وی پیدا کرده شد آدم علیه السلام و در وی در آورده شد در بهشت و در وی بیرون کرده شد از آن و قائم نشود

الساعة الا في يوم الجمعة مسلم وعنه قال قال رسول الله

قیامت مگر در روز جمعه و روایت است از وی گفت فرمود پیغمبر خدا

صلى الله عليه وسلم ان في الجمعة لساعة لا يوافقها عبد مسلم

صلی الله علیه وسلم بدرستیکه در روز جمعه هر آینه ساعتی است که موافق نشود آن را بنده مسلمان

يسأل الله فيها خيرا الا اعطاه اياه متفق عليه وزاد مسلم قال وهي

در حالتیکه سوال میکند خدا را در آن ساعت [illegible] آن [illegible] و زیاده کرد مسلم [illegible] گفت

ساعة خفيفة وعن أبي هريرة رضي الله عنه قال خرجت إلى الطور

تا محسبک یعنی کوتاه است در روایت است از ابی هریره رضی الله تعالی عنه گفت بیرون آمدم بسوی کوه طور

فلقيت كعب الأحبار فجلست معه فحدثني عن التوراة وحدثته

پس یافتم کعب احبار را پس نشستم با او پس حدیث کرد مرا از توریت و حدیث کردم او را

عن رسول الله صلى الله عليه وسلم فكان فيما حدثته أن قلت قال

از رسول الله صلی الله علیه وسلم پس بود از جمله آنچه حدیث کردم او را آنکه گفتم فرمود

رسول الله صلى الله عليه وسلم خير يوم طلعت عليه الشمس يوم

پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم بهترین روزیکه تافت بر وے آفتاب روز

الجمعة فيه خلق آدم وفيه أهبط وفيه تيب عليه وفيه مات

جمعه است که پیدا کرده شد آدم در آن روز و درین روز فرود آورده شد و درین روز رجوع برحمت کرده شد بروے و درین روز مرد

وفيه تقوم الساعة وما من دابة إلا وهي مصيخة يوم الجمعة

و درین روز برپا شود قیامت و نیست هیچ جنبنده بر زمین مگر آنکه وی گوش نهنده و انتظار برنده است روز جمعه

من حين تصبح حتى تطلع الشمس شفقا من الساعة إلا الجن

از وقتیکه صبح میکند تا آنکه برآید آفتاب از جهت ترسیدن از قیامت مگر پریان

والإنس وفيه ساعة لا يصادفها عبد مسلم وهو يصلي يسأل

و آدمیان و درین روز جمعه ساعتی است که نمی یابد آنرا بنده مسلم در حالیکه او نماز و دعا میکند میخواهد

الله شيئا إلا أعطاه إياه وقال كعب ذلك في كل سنة يوم

از خدا چیزی را مگر آنکه عطا کند آن بنده را آنچیز گفت کعب احبار آن ساعت در هر سالی یک روز اندر از جمعه است

فقلت بل في كل جمعة فقرأ كعب التوراة فقال صدق

پس گفتم بلکه در هر جمعه است پس خواند کعب توریت را پس گفت کعب راست گفته است

رسول الله صلى الله عليه وسلم الحديث رواه مالك وأبو داود

پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم تا آخر حدیث روایه مالک و ابو داؤد

والترمذي والنسائي واحمد الى قوله صدق كعب وعن انس

و ترمذی و نسائی و احمد در روایت است از انس

رضي الله تعالى عنه قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم التمسوا

رضی الله تعالی عنه گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم طلب کنید

الساعة التي ترجى في يوم الجمعة بعد العصر الى غيبوبة الشمس

ساعتی را که امید داشته میشود اجابت دعا را در روز جمعه بعد از نماز عصر تا غایب شدن آفتاب

رواه الترمذي وعن اوس بن اوس قال قال رسول الله

روایت کرد ترمذی و از اوس بن اوس مرویست گفت فرمود پیغمبر خدا

صلى الله عليه وسلم ان من افضل ايامكم يوم الجمعة فيه خلق

صلی الله علیه و سلم بدرستیکه از فاضلترین روزهای شما روز جمعه است که در وی پیدا کرده شد

آدم وفيه قبض وفيه النفخة وفيه الصعقة فاكثروا علي

آدم و در وی قبض کرده شد جان او و در وی نفخه است و در وی صعقه است پس بسیار کنید بر من

من الصلوة فيه فان صلوتكم معروضة علي قالوا يا رسول الله

درود فرستادن در این روز زیرا که درود شما عرض کرده میشود بر من گفتند ای پیغمبر خدا

وكيف تعرض صلوتنا عليك وقد ارمت قال يقولون بليت

و چگونه عرض کرده شود درود ما بر تو و حال آنکه پوسیده شده باشی گفت راوی میگویند صحابه بلفظ ارمت یعنی بلیت یعنی کهنه شدی

قال ان الله حرم على الارض اجساد الانبياء رواه ابوداود

گفت بدرستیکه خدای تعالی حرام گردانید بر زمین تنهای پیغمبران خدا رواه ابوداود

والنسائي وابن ماجة والدارمي والبيهقي في الدعوات الكبير وعن

و نسائی و ابن ماجه و دارمی و بیهقی در دعوات کبیر در روایت است از

ابي هريرة قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم اليوم الموعود يوم

ابی هریره رضی الله عنه گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم که مراد بیوم موعود روز

الْقِيٰمَةِ وَالْيَوْمُ الْمَشْهُوْدُ يَوْمُ عَرَفَةَ وَالشَّاهِدُ يَوْمُ الْجُمُعَةِ وَمَا طَلَعَتِ

قیامت است ومراد بیوم مشهود عرفه است ومراد بشاهد روز جمعه است ونه طلوع کرد

الشَّمْسُ وَلَا غَرَبَتْ عَلٰى يَوْمٍ اَفْضَلَ مِنْهُ فِيْهِ سَاعَةٌ لَا يُوَافِقُهَا عَبْدٌ

آفتاب ونه غروب کرد برروزی که فاضل تر از روز جمعه باشد دراین روز ساعتی است که موافق نمیشود آن را بنده

مُؤْمِنٌ يَدْعُو اللّٰهَ بِخَيْرٍ اِلَّا اسْتَجَابَ اللّٰهُ لَهُ وَلَا يَسْتَعِيْذُ مِنْ شَيْءٍ

مومن که دعا کند خدا را بخیر مگر آنکه قبول کند خدا برای او دعا او را وپناه نجوید از چیزی بد

اِلَّا اَعَاذَهُ مِنْهُ رَوَاهُ اَحْمَدُ وَالتِّرْمِذِيُّ وَعَنْ اَبِيْ لُبَابَةَ ابْنِ

مگر آنکه پناه دهد او را از وی رواه احمد وترمذی وروایت است از ابی لبابه بن

عَبْدِ الْمُنْذِرِ قَالَ قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِنَّ يَوْمَ الْجُمُعَةِ

عبد المنذر گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم بدرستی که روز جمعه

سَيِّدُ الْاَيَّامِ وَاَعْظَمُهَا عِنْدَ اللّٰهِ وَهُوَ اَعْظَمُ عِنْدَ اللّٰهِ مِنْ يَوْمِ الْاَضْحٰى

بهتر روزهاست وبزرگترین روزهاست نزد خدا تعالی وروز جمعه بزرگ تر است نزد خدا از روز

وَيَوْمِ الْفِطْرِ فِيْهِ خَمْسُ خِلَالٍ خَلَقَ اللّٰهُ فِيْهِ اٰدَمَ وَاَهْبَطَ اللّٰهُ فِيْهِ

وعید رمضان در روز جمعه پنج خصلت است پیدا کرد خدا در وی آدم را وفرود آورد خدا در این روز

اٰدَمَ اِلَى الْاَرْضِ وَفِيْهِ تَوَفَّى اللّٰهُ اٰدَمَ وَفِيْهِ سَاعَةٌ لَا يَسْئَلُ

آدم را بسوی زمین ودر وی بمیرانید خدا تعالی آدم را ودر وی ساعتی است که نطلبید

الْعَبْدُ فِيْهَا شَيْئًا اِلَّا اَعْطَاهُ مَا لَمْ يَسْئَلْ حَرَامًا وَفِيْهِ تَقُوْمُ السَّاعَةُ

بنده در وی چیزی را مگر آنکه بدهد خدا او را مادام که نطلبید چیزی را که حرام است ودر روز جمعه برپا میشود قیامت

مَا مِنْ مَلَكٍ مُقَرَّبٍ وَلَا سَمَاءٍ وَلَا اَرْضٍ وَلَا رِيَاحٍ وَلَا جِبَالٍ

نیست هیچ فرشته نزدیک گردانیده شده ونه آسمانی ونه زمینی ونه بادها ونه کوهها

وَلَا بَحْرٍ اِلَّا هُوَ مُشْفِقٌ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ رَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ

ونه دریاها مگر آنکه وی ترسنده است از روز جمعه رواه ابن ماجه وروایت است از

اَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ قِيلَ لِلنَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لِاَيِّ شَيْءٍ سُمِّيَ يَوْمُ

ابی ہریرہ رض گفت گفته شد مرآنحضرت را صلی الله علیه وسلم که از چه چیز نامیده شد روز

الْجُمُعَةِ قَالَ لِاَنَّ فِيهَا طُبِعَتْ طِينَةُ اَبِيكَ اٰدَمَ وَفِيهِ الصَّعْقَةُ

جمعه بجمعه فرمود آنحضرت از جهت آنکه در جمعه ساخته شد گل توکه آدم است و در روز جمعه هلاک شدن یا نوران است

وَالْبَعْثَةُ وَفِيهَا الْبَطْشَةُ وَفِي اٰخِرِ ثَلٰثِ سَاعَاتٍ مِنْهَا سَاعَةٌ

و برانگیختن ایشان در وی بطشت ای اخذ قوی شدید و در آخر سه ساعت از ساعات جمعه ساعتی است

مَنْ دَعَا اللهَ فِيهَا اسْتُجِيبَ لَهُ رَوَاهُ اَحْمَدُ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ عَمْرٍو

که کسیکه دعا کند خدا را در آن ساعت قبول کرده میشود دعای او و رواه احمد و روایت است از عبد الله بن عمرو

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا مِنْ مُسْلِمٍ يَمُوتُ يَوْمَ

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم نیست هیچ مسلمانی که بمیرد روز

الْجُمُعَةِ اَوْ لَيْلَةَ الْجُمُعَةِ اِلَّا وَقَاهُ اللهُ فِتْنَةَ الْقَبْرِ رَوَاهُ اَحْمَدُ

جمعه یا شب جمعه مگر آنکه نگاه دارد او را خدا تعالی از عذاب قبر رواه احمد

وَالتِّرْمِذِيُّ وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ اَنَّهُ قَرَأَ اَلْيَوْمَ

و الترمذی و روایت است از ابن عباس رضی الله عنه بدرستیکه وی می خواند این آیت را

اَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ الْاٰيَةَ وَعِنْدَهُ يَهُودِيٌّ فَقَالَ لَوْ نَزَلَتْ هٰذِهِ

امروز کامل گردانیدم دین شما را تا آخر آیت و نزد ابن عباس یهودی بود پس گفت یهودی اگر فرود می آمدی این

الْاٰيَةُ عَلَيْنَا لَاتَّخَذْنَاهَا عِيدًا فَقَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ فَاِنَّهَا نَزَلَتْ فِي

آیت بر ما هر آئینه میگرفتیم روز نزول این آیت را روز عید پس گفت ابن عباس پس بدرستیکه این آیت فرود آمده است در

يَوْمِ عِيدَيْنِ فِي يَوْمِ جُمُعَةٍ وَيَوْمِ عَرَفَةَ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ

روز دو عید در روز جمعه و در روز عرفه رواه ترمذی و روایت است از

اَنَسٍ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ قَالَ كَانَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

انس رضی الله عنه گفت بود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

إذا دخل رجب قال اللهم بارك لنا في رجب وشعبان وبلغنا

چون می درآمد ماه رجب میگفت خداوندا افزونی ده ما را در خیر و رحمت در ماه رجب و شعبان و برسان ما را

رمضان قال وكان يقول ليلة الجمعة ليلة أغر ويوم الجمعة

برمضان گفت انس رضی و بود آنحضرت که میگفت شب جمعه شبے است سفید و روز جمعه

يوم أزهر رواه البيهقي في الدعوات الكبير وعن سلمان

روزیست سفید و روشن روایت کرد بیهقی در دعوات کبیر و روایت ... از سلمان

رضي الله عنه قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم لا يغتسل

رضی الله عنه گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم غسل نکند

رجل يوم الجمعة ويتطهر ما استطاع من طهر ويدهن من دهنه

مردی روز جمعه برای نماز جمعه و بجا نیارد پاکی را بقدر که تواند یا انکه بدن و موی را و روغن نمالد از روغن خود

أو يمس من طيب بيته ثم يخرج فلا يفرق بين اثنين ثم يصلي

یا نساید از بوی خوش که هرچه در خانه وی باشد پستر بیرون آید بسوی مسجد پس جدا نکند میان دو کس پس نماز گذارد

ما كتب له ثم ينصت إذا تكلم الإمام إلا غفر له ما بينه و

آنچه تقدیر کرده شده است برای وی از نوافل پستر خاموش نشیند وقتیکه خطبه خواند امام مگر آنکه آمرزیده شود مر او را گناه

بين الجمعة الأخرى رواه البخاري وعن أبي هريرة رضي

و میان جمعه دیگر گذشت رواه البخاری و روایت است از ابوهریره رضی

الله عنه قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من توضأ

الله عنه گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه وضو کند

فأحسن الوضوء ثم أتى الجمعة فاستمع وأنصت غفر له ما بينه و

پس نیک کند وضو را پستر بیاید بجمعه پس بشنود خاموش نشیند آمرزیده شود آنچه گذشت میان و

بين الجمعة وزيادة ثلاثة أيام ومن مس الحصى فقد لغا

و میان جمعه و زیاده سه روز و کسیکه مساس کند سنگریزه را بجهت بازی تحقیق لغو کرد

رواه مسلم وعنه قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

رواه مسلم و روایت است ازوی گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

إذا كان يوم الجمعة وقفت الملائكة على باب المسجد يكتبون

چون بیباشد روز جمعه بایستند فرشتگان بر در مسجد جمعه بنویسند نام

الأول فالأول ومثل المهجر كمثل الذي يهدي بدنة ثم

هر که پیشتر آید بترتیب مقدمه حال آنکه اول می آید همچو حال کسیکه بفرستد شتر را بکه برای خدا پس

كالذي يهدي بقرة ثم كبشا ثم دجاجة ثم بيضة فإذا خرج

حال کسیکه پس از وی آید همچو گاو فرستنده است پس شاه پس ماکیان پس بیضه تصدق کنند پس چون بیرون آید

الإمام طووا صحفهم ويستمعون الذكر متفق عليه وعن

امام می پیچند صحیفه خود را و استماع میکنند ذکر خطبه را متفق علیه است و روایت است از

أبي سعيد وأبي هريرة قالا قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

ابی سعید و از ابی هریره رض گفتند هر دو که فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

من اغتسل يوم الجمعة ولبس من أحسن ثيابه ومس من طيب

هر کسیکه غسل کند روز جمعه و بپوشد از بهترین جامهای خود و مس کند از بوی خوش

إن كان عنده ثم أتى الجمعة فلم يتخط أعناق الناس ثم صلى

اگر باشد نزد وی پس بیاید جمعه را پس نگذارد پای خود بر گردن مردمان پس نماز بگذارد

ما كتب الله له ثم أنصت إذا خرج إمامه حتى يفرغ من صلاته

آنچه نوشته است خدا برای وی پس خاموش شود تا وقتیکه بیرون آمد امام وی تا آنکه فارغ شود از نماز خود

كانت كفارة لما بينها وبين جمعة التي قبلها رواه أبو داود

باشند این اعمال پوشنده مر آن گناهان را که میان این جمعه و جمعه پیشین بود رواه ابو داود

وعن أوس بن أوس قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

و روایت است از اوس بن اوس گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

مَنْ غَسَّلَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ وَاغْتَسَلَ وَبَكَّرَ وَابْتَكَرَ وَمَشٰى وَلَمْ يَرْكَبْ وَدَنَا

کسیکه غسل کنانددر روز جمعه و خود غسل کند و بیاید نماز را در اول وقت و اول خطبه را بیابد و پیاده رود و سوار نشود و نزدیک شود

مِنَ الْإِمَامِ وَاسْتَمَعَ وَلَمْ يَلْغُ كَانَ لَهٗ بِكُلِّ خُطْوَةٍ عَمَلُ سَنَةٍ أَجْرُ

از امام و بشنید خطبه را و لغو نکرد باشد او را بهر گام ثواب عبادت یک سال پاداش

صِيَامِهَا وَقِيَامِهَا رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَأَبُوْ دَاوُدَ وَالنَّسَائِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ

روزه یکساله و نماز شب یکساله رواه ترمذی و ابو داود و نسائی و ابن ماجه

وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ سَلَامٍ رَضِيَ اللّٰهُ عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى

و روایت است از عبد الله بن سلام رضی الله عنه گفت فرمود پیغمبر صلی

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا عَلٰى أَحَدِكُمْ إِنْ وَجَدَ أَنْ يَتَّخِذَ ثَوْبَيْنِ لِيَوْمِ الْجُمُعَةِ

الله علیه وسلم نیست بر یکی از شما باکی و نقصی اگر بیابد و تواند که بگیرد و بسازد دو جامه برای روز جمعه

سِوٰى ثَوْبَيْ مِهْنَتِهٖ رَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ وَرَوَاهُ مَالِكٌ عَنْ يَحْيٰى

ورای دو جامه خدمت خود رواه ابن ماجه و روایت کرد این حدیث را مالک از یحیی

بْنِ سَعِيْدٍ وَعَنْ عُبَيْدِ بْنِ السَّبَّاقِ مُرْسَلًا قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ

بن سعید و روایت است از عبید الله بن سباق از وی مرسلا گفت فرمود پیغمبر

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِيْ جُمُعَةٍ مِنَ الْجُمَعِ يَا مَعْشَرَ الْمُسْلِمِيْنَ إِنَّ هٰذَا

صلی الله علیه وسلم در روز جمعه از جمعها ای گروه مسلمانان بتحقیق این

يَوْمٌ جَعَلَهُ اللّٰهُ عِيْدًا فَاغْتَسِلُوْا وَمَنْ كَانَ عِنْدَهٗ طِيْبٌ فَلَا يَضُرُّهٗ

روزیست که گردانیده است آن را خدا ابتشار روز جشن و اجتماع پس غسل کنید و هر که نزد وی بوی خوش باشد پس زیان ندارد او را

أَنْ يَمَسَّ مِنْهُ وَعَلَيْكُمْ بِالسِّوَاكِ رَوَاهُ مَالِكٌ وَرَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ

که مس کند از آن و بر شما باد که مسواک کنید رواه مالک و روایت کرد ابن ماجه

عَنْهُ وَهُوَ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ مُتَّصِلًا وَعَنِ الْبَرَاءِ رَضِيَ اللّٰهُ عَنْهُ

از وی و او از ابن عباس متصل و روایت است از براء رضی الله عنه

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حَقًّا عَلَى الْمُسْلِمِينَ اَنْ يَغْتَسِلُوا

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم حق و ثابت است بر مسلمانان که غسل کنند

يَوْمَ الْجُمُعَةِ وَلْيَمَسَّ اَحَدُهُمْ مِنْ طِيبِ اَهْلِهِ فَاِنْ لَمْ يَجِدْ فَالْمَاءُ لَهُ

روز جمعه و باید که مساس کند یکی از ایشان از بوی خوش زن خود پس اگر نیابد طیب پس آب برای او

طِيبٌ رَوَاهُ اَحْمَدُ وَالتِّرْمِذِيُّ وَعَنْ سَهْلِ بْنِ سَعْدٍ رَضِيَ

طیب است رواه احمد و ترمذی و روایت است از سهل بن سعد رضی الله تعالی

اللّٰهُ عَنْهُ قَالَ مَا كُنَّا نَقِيلُ وَلَا نَتَغَدَّى اِلَّا بَعْدَ الْجُمُعَةِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ

الله عنه گفت نبودیم ما که قیلوله میکردیم و نه طعام چاشت میخوردیم مگر بعد از نماز جمعه متفق علیه است

وَعَنِ السَّائِبِ بْنِ يَزِيدَ قَالَ كَانَ النِّدَاءُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ اَوَّلُهُ

و روایت است از سایب بن یزید گفت بود اذان روز جمعه اول وی

اِذَا جَلَسَ الْاِمَامُ عَلَى الْمِنْبَرِ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

وقتیکه می نشست امام بر منبر در زمان پیغمبر خدا صلی الله علیه

وَسَلَّمَ وَاَبِي بَكْرٍ وَعُمَرَ فَلَمَّا كَانَ عُثْمَانُ وَكَثُرَ النَّاسُ زَادَ النِّدَاءَ

وسلم و ابی بکر و عمر پس آنگاه که موجود شد زمان عثمان و بسیار شدند مردم زیاده کرد اذان

الثَّالِثَ عَلَى الزَّوْرَاءِ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَعَنِ ابْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللّٰهُ

سیوم را بر مقام زوراء و روایت کرد این حدیث را بخاری و از ابن عمر رضی الله تعالی

عَنْهُ قَالَ كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَخْطُبُ خُطْبَتَيْنِ كَانَ يَجْلِسُ اِذَا

عنه مرویست گفت که بود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم خطبه میخواند دو خطبه و بود که می نشست چون بر می آمد

صَعِدَ الْمِنْبَرَ حَتَّى يَفْرُغَ اُرَاهُ الْمُؤَذِّنُ ثُمَّ يَقُومُ فَيَخْطُبُ ثُمَّ يَجْلِسُ فَلَا يَتَكَلَّمُ ثُمَّ

منبر را تا آنکه فارغ میشد گفت راوی گمان میبرم که گفت ابن عمر حتی یفرغ المؤذن پس بر میخاست پس خطبه میخواند پس می نشست و تکلم نمیکرد پس

يَقُومُ فَيَخْطُبُ رَوَاهُ اَبُو دَاوُدَ وَعَنْ اَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللّٰهُ عَنْهُ

بر میخاست پس خطبه دوم را رواه ابو داود و روایت است از ابو هریره رضی الله عنه

عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ الْجُمُعَةُ عَلَى مَنْ آوَاهُ اللَّيْلُ إِلَى أَهْلِهِ

از پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم فرمود جمعه فرض است بر کسیکه جای دهد او را شب بسوی خانه وی

رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ طَارِقِ بْنِ شِهَابٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى

رواه الترمذی ودر روایت است از طارق بن شهاب رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الْجُمُعَةُ حَقٌّ وَاجِبٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ فِي جَمَاعَةٍ إِلَّا

الله علیه وسلم جمعه حق واجب است بر هر مسلمان در جماعت مگر

عَلَى أَرْبَعَةٍ عَبْدٍ مَمْلُوكٍ أَوِ امْرَأَةٍ أَوْ صَبِيٍّ أَوْ مَرِيضٍ رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ

بر چهار گروه یکی بنده که در ملک کسی است دوم زن سوم کودک چهارم بیمار رواه ابو داود

بَابُ بَيَانِ إِثْمِ تَرْكِ الْجُمُعَةِ

باب در بیان گناه ترک جمعه

وَعَنِ ابْنِ مَسْعُودٍ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ لِقَوْمٍ

روایت است از ابن مسعود رض بدرستیکه پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم فرمود مر گروهی را که

يَتَخَلَّفُونَ عَنِ الْجُمُعَةِ لَقَدْ هَمَمْتُ أَنْ آمُرَ رَجُلًا يُصَلِّي بِالنَّاسِ

پس میمانند از نماز جمعه سر آینه بتحقیق قصد کردم من که بفرمایم مردی را که بگذارد نماز جمعه را با مردم وامامت کند ایشانرا

ثُمَّ أُحَرِّقَ عَلَى رِجَالٍ يَتَخَلَّفُونَ عَنِ الْجُمُعَةِ بُيُوتَهُمْ رَوَاهُ مُسْلِمٌ

پستر بسوزم بر سر مردانی که حاضر نمیشوند نماز جمعه را خانهای ایشانرا رواه مسلم

وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ مَنْ تَرَكَ

روایت است از ابن عباس رض بدرستیکه پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم فرمود کسیکه ترک کند

الْجُمُعَةَ مِنْ غَيْرِ ضَرُورَةٍ كُتِبَ مُنَافِقًا فِي كِتَابٍ لَا يُمْحَى وَلَا يُبَدَّلُ

نماز جمعه را بی ضرورت نوشته میشود از جمله منافقان در کتابیکه سترده نمیشود و تغییر داده نمیشود

وَفِي بَعْضِ الرِّوَايَاتِ ثَلَاثًا رَوَاهُ الشَّافِعِيُّ وَعَنْ جَابِرٍ

و در بعض روایت [illegible] سه کرت یعنی سه بار ترک کند جمعه را رواه شافعی [illegible] جابر [illegible]

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَعَلَيْهِ

صلے اللہ علیہ وسلم فرمود کسیکہ ایمان دارد بخدا و بروز قیامت پس فرض است بر وے

الْجُمُعَةُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ إِلَّا مَرِيضٌ أَوْ مُسَافِرٌ أَوِ امْرَأَةٌ أَوْ صَبِيٌّ أَوْ مَمْلُوكٌ

نماز جمعہ در روز جمعہ مگر بیمار و مسافر و زن و کودک و بندہ

فَمَنِ اسْتَغْنَى بِلَهْوٍ أَوْ تِجَارَةٍ اسْتَغْنَى اللّٰهُ عَنْهُ وَاللّٰهُ غَنِيٌّ حَمِيدٌ

پس کسیکہ بی نیاز شود از نماز جمعہ بسبب بازی کردن و بازرگانی کردن بی نیاز گردد خدا تعالیٰ از وی و خدا تعالیٰ بی نیاز است و ستودہ

رَوَاهُ الدَّارَقُطْنِيُّ وَعَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

رواہ دارقطنی و روایت است از وی گفت فرمود پیغمبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم

إِذَا قُلْتَ لِصَاحِبِكَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ أَنْصِتْ وَالْإِمَامُ يَخْطُبُ فَقَدْ لَغَوْتَ

وقتیکہ بگوئی مر یار خود را کہ با تو نشستہ است روز جمعہ خاموش باش در حال آنکہ امام خطبہ میخواند پس تحقیق لغو گفتی

مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ جَابِرٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

متفق علیہ و روایت است از جابر رضی اللہ عنہ گفت فرمود پیغمبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم

لَا يُقِيمَنَّ أَحَدُكُمْ أَخَاهُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ ثُمَّ يُخَالِفُ إِلَى مَقْعَدِهِ فَيَقْعُدَ

باید کہ بر نخیزاند یکی از شما برادر خود را روز جمعہ پس برابر باید کسوی نشستگاہ وے پس بنشیند

فِيهِ وَلٰكِنْ يَقُولُ افْسَحُوا رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ سَمُرَةَ بْنِ جُنْدُبٍ

در وے ولیکن بگوید کشادہ کنید جائی را رواہ مسلم و از سمرہ بن جندب رضہ مرویست

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ احْضُرُوا الذِّكْرَ وَادْنُوا مِنَ

گفت فرمود پیغمبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم حاضر شوید ذکر را یعنی خطبہ را و نزدیک شوید از

الْإِمَامِ فَإِنَّ الرَّجُلَ لَا يَزَالُ يَتَبَاعَدُ حَتَّى يُؤَخَّرَ فِي الْجَنَّةِ وَإِنْ دَخَلَهَا

امام زیرا کہ مرد ہمیشہ دور و پس می افتد از موضع فضایل تا آنکہ پس افگندہ میشود در بہشت اگرچہ می در آید بہشت را

رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ وَعَنْ سَهْلِ بْنِ مُعَاذِ بْنِ أَنَسٍ الْجُهَنِيِّ عَنْ أَبِيهِ

رواہ ابو داؤد و روایت است از سہل بن معاذ بن انس جہنی از پدر خود

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من تخطى رقاب الناس يوم

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه بگذرد بر گردنهای مردم روز

الجمعة اتخذ جسرا الى جهنم رواه الترمذي وعن معاذ بن

جمعه گرفته میشود پل بسوی دوزخ روایت کرد او ترمذی و روایت است از معاذ بن

انس ان النبي صلى الله عليه وسلم نهى عن الحبوة يوم الجمعة

انس رض مرویست بدرستیکه پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم نهی کرد از احتبا یعنی بکرد نشستن روز جمعه

والامام يخطب رواه الترمذي وابو داود وعن ابن عمر

در حالیکه امام خطبه میخواند روایت کرد او ترمذی وابو داود و روایت است از ابن عمر رض

عنهما قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم اذا نعس احدكم يوم الجمعة

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم چون پینکی زند یکی از شما روز جمعه

فليتحول من مجلسه ذلك رواه الترمذي وعن نافع قال

پس باید که بگردد از نشستگاه خود که در انجا نشسته است روایت کرد او ترمذی واز نافع رض مرویست گفت

سمعت ابن عمر يقول نهى رسول الله صلى الله عليه وسلم ان يقيم

شنیدم ابن عمر را رض که میگفت نهی کرد پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم از برخیزانیدن

الرجل الرجل من مقعده ويجلس فيه قيل لنافع في الجمعة قال

مردی مردی را از جای نشست وی و نشستن وی در انجای گفته شد مر نافع را این نهی در روز جمعه است گفت

في الجمعة وغيرها متفق عليه وعن عبد الله بن عمرو رض

در جمعه وغیر جمعه است متفق علیه و روایت است از عبد الله بن عمرو رض

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم يحضر الجمعة ثلثة نفر

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم حاضر میشود جمعه را سه نفر

فرجل حضرها بلغو فذلك حظه ورجل حضرها بدعاء فهو

پس مردیست که حاضر میشود جمعه را بلغو پس آن لغو حصه اوست و مردیست که حاضر میشود آنرا بدعا پس وی

رَجُلٌ دَعَا اللّٰهَ اِنْ شَاءَ اَعْطَاهُ وَاِنْ شَاءَ مَنَعَهُ وَرَجُلٌ حَضَرَهَا

مردیست که دعا کرد خدا را اگر خواهد عطا کند مطلوب او را و اگر خواهد منع کند و دیگر مردیست که حاضر شد

بِاِنْصَاتٍ وَّسُكُوْتٍ وَّلَمْ يَتَخَطَّ رَقَبَةَ مُسْلِمٍ وَّلَمْ يُؤْذِ اَحَدًا فَهِيَ

جمعه را بخاموشی و استماع و گذر نکرده است گردن مسلمانی را و ایذا نکرده است کسی را پس این

كَفَّارَةٌ اِلَى الْجُمُعَةِ الَّتِيْ تَلِيْهَا وَزِيَادَةُ ثَلٰثَةِ اَيَّامٍ وَّذٰلِكَ بِاَنَّ

کفاره است تا جمعه دیگر که متصل است با جمعه زیادتی سه روز و این بسبب این است

اللّٰهَ يَقُوْلُ مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهٗ عَشْرُ اَمْثَالِهَا رَوَاهُ اَبُوْ دَاوٗدَ

که خدای تعالی میگوید کسیکه بیارد نیکی را پس او راست ده مانند آن رواه ابو داود

وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

روایت است از ابن عباس رضی الله عنه گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

مَنْ تَكَلَّمَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ وَالْاِمَامُ يَخْطُبُ فَهُوَ كَمَثَلِ الْحِمَارِ يَحْمِلُ

کسی که سخن کند در روز جمعه و حال آنکه امام خطبه میخواند پس مثل وی چون خر است که بر میدارد

اَسْفَارًا وَّالَّذِيْ يَقُوْلُ لَهٗ اَنْصِتْ لَيْسَ لَهٗ جُمُعَةٌ رَوَاهُ اَحْمَدُ

کتابها را بر پشت و آنکس که گوید مر او را خاموش باش نیست مر او را ثواب جمعه رواه احمد

وَعَنِ ابْنِ عُمَرَ وَاَبِيْ هُرَيْرَةَ اَنَّهُمَا قَالَا سَمِعْنَا رَسُوْلَ اللّٰهِ

و روایت است از ابن عمر رضی الله عنه و ابو هریره رضی الله عنه که ایشان هر دو گفتند که شنیدیم پیغمبر خدا

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُوْلُ عَلٰى اَعْوَادِ مِنْبَرِهٖ لَيَنْتَهِيَنَّ اَقْوَامٌ

صلی الله علیه وسلم را که میگفت بر چوبهای منبر خود هر آینه البته باز آیند گروههای مسلمان

عَنْ وَّدْعِهِمُ الْجُمُعَاتِ اَوْ لَيَخْتِمَنَّ اللّٰهُ عَلٰى قُلُوْبِهِمْ ثُمَّ لَيَكُوْنُنَّ

از ترک کردن ایشان جمعه را یا هر آینه مهر کند خدا بر دلهای ایشان پس هر آینه باشند

مِنَ الْغَافِلِيْنَ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ اَبِي الْجَعْدِ الضَّمْرِيِّ رض

از غافلین رواه مسلم و روایت است از ابی جعد ضمیری رضی الله عنه

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من ترك ثلث جمع

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه ترک کند سه جمعه را

تهاونا بها طبع الله على قلبه رواه ابوداود والترمذي والنسائي

از جهت آسانی و حقیر پنداشتن آنرا مهر میکند خدا تعالی بر دل وی رواه ابوداود و ترمذی و نسائی

وابن ماجة والدارمي ورواه مالك عن صفوان ابن سليم

و ابن ماجه و دارمی و روایت کرد آنرا مالک از صفوان ابن سلیم

واحمد عن ابي قتادة وعن سمرة ابن جندب رضي الله عنه قال

و احمد از ابی قتاده و روایت است از سمره بن جندب رضی الله عنه گفت

قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من ترك الجمعة من غير

فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه ترک کند جمعه را الا کتفی بغیر کند

عذر فليتصدق بدينار فان لم يجد فبنصف دينار رواه احمد

بعذر شرعی پس باید که تصدق کند یکدینار پس اگر دینار نیابد پس نصف دینار تصدق کند رواه احمد

وابوداود وابن ماجة وعن صالح بن ابراهيم بن عبد الرحمن

و ابوداود و ابن ماجه و از صالح بن ابراهیم بن عبدالرحمن

بن عوف قال دخل علينا انس يوم الجمعة والامام يخطب

بن عوف مرویست گفت درآمد بر ما انس رض روز جمعه و حالانکه امام خطبه میخواند

ونحن نتحدث فقال مه فلما اقيمت الصلوة قال اني اخاف

و ما سخن میکردیم پس گفت انس رض خاموش باشید پس هرگاه که تکبیر نماز گفته شد گفت بتحقیق من میترسم

ان اكون قد ابطلت جمعتي بقولي لكم مه ابن سعد كو

که باشم با آنکه باطل کرده شود جمعه من بسبب گفتن من شما را خاموش باشید روایت

جمع الجوامع ❊ باب العيدين ❊ وعن ابي سعيد

از جمع الجوامع این باب در بیان احکام عید الفطر و عید اضحی است و مرویست از ابی سعید

الخدري قال كان النبي صلى الله عليه وسلم يخرج يوم الفطر

خدری رض گفت بود پیغمبر صلی الله علیه وسلم که بیرون می آمد روز عید فطر

والأضحى إلى المصلى فأول شيء يبدأ به الصلوة ثم ينصرف

و روز اضحی بسوی مصلی پس نخست چیزی که آغاز میکرد آنحضرت بآن چیز نماز بود پس میگشت

ثم يقوم مقابل الناس والناس جلوس على صفوفهم فيعظهم

از نماز پس می ایستاد روبروی مردم و حالانکه مردم نشسته بودند بر صفهای خود پس پند میکرد ایشان را

ويوصيهم ويأمرهم وإن كان يريد أن يقطع بعثا قطعه

و وصیت میکرد و امر میکرد ایشان را و اگر میخواست که جدا بکند و بفرستد لشکری را جدا میکرد آنرا

أو يأمر بشيء أمر به ثم ينصرف متفق عليه وعن ابن

یا میخواست که بفرماید بکاری را امر میفرمود آنرا پس برمیگشت متفق علیه و روایت است از ابن

عباس رضي الله عنهما قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم ما من أيام

عباس رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم نیست هیچ از روزها

العمل الصالح فيهن أحب إلى الله من هذه الأيام العشر قالوا

که کار نیک در وی دوست داشته تر باشد نزد خدا از این ده روز که ده ذی الحجه است گفتند

يا رسول الله ولا الجهاد في سبيل الله قال ولا الجهاد في

ای پیغمبر خدا و نه کارزار کردن در راه خدا فرمود آنحضرت نه جهاد در

سبيل الله إلا رجل خرج بنفسه وماله فلم يرجع من ذلك

راه خدا مگر جهاد آن کسی که بیرون آید به نفس خود و مال خود پس باز برنگشت از نفس و نه مال خود

بشيء رواه البخاري وعن أبي هريرة رض قال قال رسول الله

بچیزی روایت کرد بخاری و از ابی هریره رضی الله عنه گفت فرمود پیغمبر خدا

صلى الله عليه وسلم ما من أيام أحب إلى الله أن يتعبد له

صلی الله علیه وسلم نیست هیچ از روزها که دوست داشته تر نزد خدا عبادت کردن مر خدا را

فِيهَا مِنْ عَشْرِ ذِي الْحِجَّةِ يَعْدِلُ صِيَامُ كُلِّ يَوْمٍ مِنْهَا بِصِيَامِ سَنَةٍ

و از روزها از ده ذی حجه برابر است روزه هر روز از آن روزها بروزه یکسال

وَقِيَامُ كُلِّ لَيْلَةٍ مِنْهَا بِقِيَامِ لَيْلَةِ الْقَدْرِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَا

و برابر است برخاستن هر شب از شبهای آن روزها بنماز شب قدر روایت کرد ترمذی و ا

مَاجَةَ وَعَنْ عَائِشَةَ قَالَتْ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

ماجه و روایت است از عایشه رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه

وَسَلَّمَ مَا عَمِلَ ابْنُ آدَمَ مِنْ عَمَلٍ يَوْمَ النَّحْرِ أَحَبَّ إِلَى اللّٰهِ مِنْ

وسلم نکرد آدمی هیچ کاری روز نحر دوست تر بسوی خدا از

إِهْرَاقِ الدَّمِ وَإِنَّهُ لَيَأْتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِقُرُونِهَا وَأَشْعَارِهَا

ریختن خون و بدرستیکه آن جانور می آید روز قیامت بشاخهای خود و مویهای خود

وَأَظْلَافِهَا وَإِنَّ الدَّمَ لَيَقَعُ مِنَ اللّٰهِ بِمَكَانٍ قَبْلَ أَنْ يَقَعَ

و سمهای خود و بدرستیکه خون هر آینه می افتد نزد خدا بمرتبه قبول پیش از آنکه بیفتد

بِالْأَرْضِ فَطِيبُوا بِهَا نَفْسًا رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ

بزمین پس خوشحال گردانید بدان نفس را روایه ترمذی و ابن ماجه

وَعَنْ زَيْدِ بْنِ أَرْقَمَ قَالَ قَالَ أَصْحَابُ رَسُولِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

و روایت است از زید ابن ارقم گفت گفتند یاران پیغمبر خدا صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَا رَسُولَ اللّٰهِ مَا هٰذِهِ الْأَضَاحِيُّ قَالَ سُنَّةُ أَبِيكُمْ

علیه وسلم ای پیغمبر خدا چیست این قربانیها گفت سنت است اصل این قربانی پدر شما

إِبْرَاهِيمَ قَالُوا فَمَا لَنَا فِيهَا يَا رَسُولَ اللّٰهِ قَالَ بِكُلِّ شَعْرَةٍ حَسَنَةٌ

ابراهیم است گفتند صحابه پس چیست ما را در آن ای رسول خدا فرمود بهر موی نیکی

قَالُوا فَالصُّوفُ يَا رَسُولَ اللّٰهِ قَالَ بِكُلِّ شَعْرَةٍ مِنَ الصُّوفِ حَسَنَةٌ

گفتند پس پشم چه ای رسول خدا فرمود بهر موی از پشم نیکی

رواه احمد وابن ماجة وعن عبد الله

رواه احمد و ابن ماجه و روایت است از عبد الله

بن عمرو قال قال رسول الله صلى الله عليه

بن عمرو گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه

وسلم أمرت بيوم الأضحى عيدا جعله الله لهذه

وسلم امر کرده شده ام بروز اضحی در حالیکه این عید است گردانید آنرا خدای تعالی برای

الأمة قال له رجل يا رسول الله أرأيت

این امت گفت آنحضرت را مردی ای پیغمبر خدا که خبر ده مرا

إن لم أجد إلا منيحة أنثى أفأضحي

که اگر نیابم مگر منیحه انثی که مرست آیا پس قربانی کنم

بها قال لا ولكن خذ من شعرك

بدان فرمود مکن و لیکن بگیر از موی خود

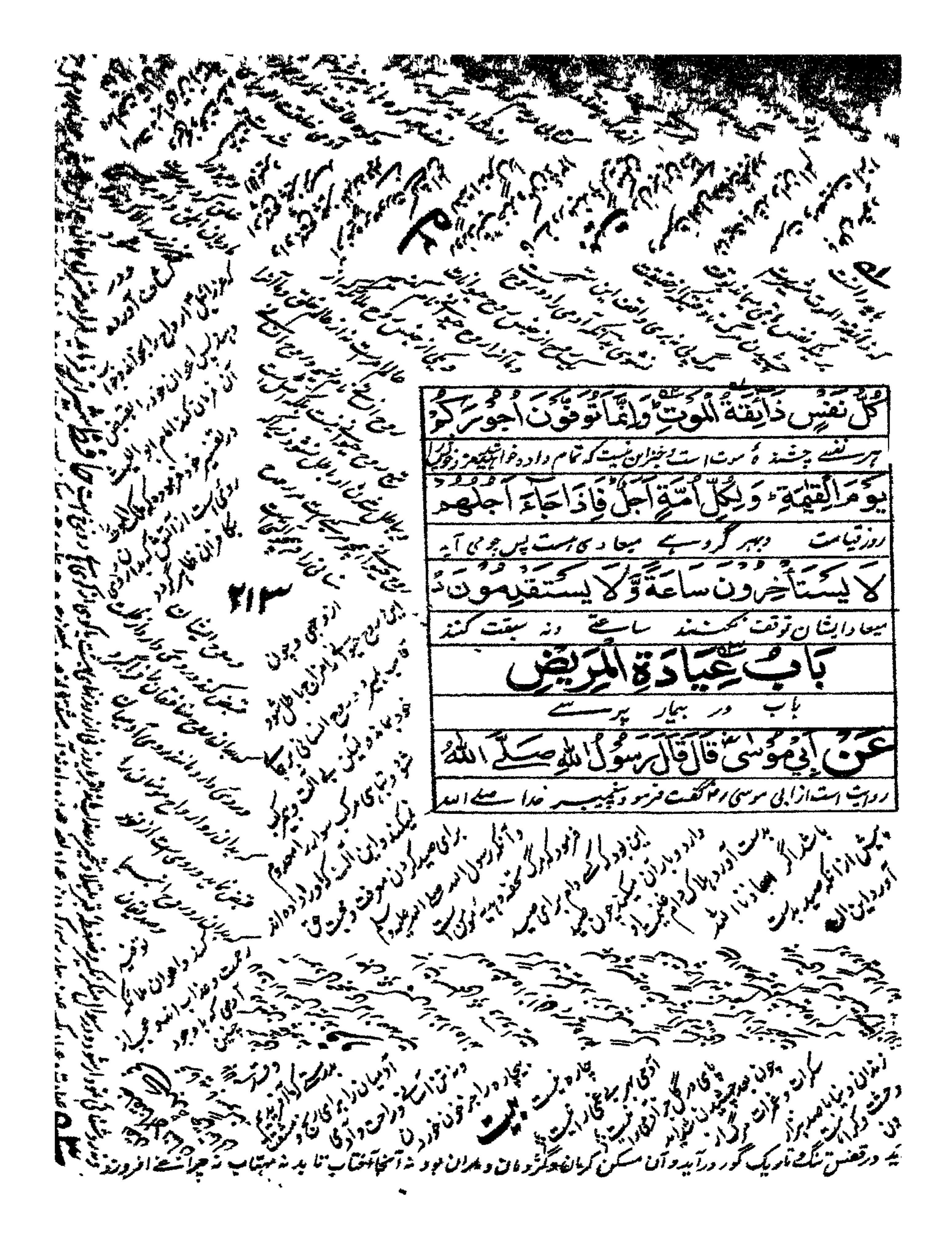
وأظفارك وتقص شاربك وتحلق عانتك

و ناخنهای خود و ببر سبر بروتهای خود را و بتراش موی زیر ناف خود

فذلك تمام أضحيتك عند الله رواه أبو داود والنسائي

پس آن افعال تمام قربانی است نزد خدا تعالی رواه ابو داود و نسائی

كتاب الجنائز



٢١٣

كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَإِنَّمَا تُوَفَّوْنَ أُجُورَكُمْ

هر نفسے چشنده مرگ است و جز این نیست که تمام داده خواهید مزد خود را

يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ فَإِذَا جَاءَ أَجَلُهُمْ

روز قیامت وبهر گروهے میعادی است پس چون آید

لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ

میعاد ایشان توقف نکنند ساعتے و نه سبقت کنند

بَابُ عِيَادَةِ الْمَرِيضِ

باب در بیمار پرسے

عَنْ أَبِي مُوسَى قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ

روایت است از ابی موسی رضی گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله

عليه وسلم اطعموا الجائع وعودوا المريض وفكوا العاني

عليه وسلم طعام بدهيد گرسنه را و عيادت كنيد بيمار را و خلاص كنيد اسير را

رواه البخاري وعن ثوبان قال قال رسول الله صلى الله

رواه بخارى است روايت است از ثوبان رض گفت فرمود پيغمبر خدا صلى الله

عليه وسلم ان المسلم اذا عاد اخاه المسلم لم يزل في خرفة

عليه وسلم بدرستيكه مسلمان چون عيادت ميكند برادر خود مسلمان را هميشه ميباشد در چيدن

الجنة حتى يرجع رواه مسلم وعن البراء بن عازب

بهشت تا آنوقت كه باز گردد رواه مسلم روايت است از براء بن عازب رض

قال امرنا النبي صلى الله عليه وسلم بسبع ونهانا عن سبع

گفت امر كرد ما را آنحضرت صلى الله عليه وسلم از هفت چيز و منع كرد ما را از هفت چيز

امرنا بعيادة المريض واتباع الجنائز وتشميت العاطس

امر كرد به عيادت بيمار و پس روى كردن جنازها و دعا كردن عطسه كننده را

ورد السلام واجابة الداعي وابرار المقسم ونصر المظلوم

و جواب سلام دادن و قبول كردن دعوت طعام و برآوردن سوگند [illegible] و مدد كردن ستم رسيده

ونهانا عن خاتم الذهب وعن الحرير والاستبرق والديباج

و نهى كرد ما را از انگشترى طلا و از پوشيدن جامه حرير و از پوشيدن استبرق و ديبا

والميثرة الحمراء والقسي وآنية الفضة وفي رواية

و نهى كرد از ميثره سرخ و نهى كرد از [illegible] و از آوندهاى نقره و در روايت ديگر

وعن الشرب في الفضة فانه من شرب فيها في الدنيا

و از نوشيدن از نقره پس بدرستيكه كسيكه بنوشد در آوند نقره در دنيا

لم يشرب فيها في الآخرة متفق عليه وعن ابي هريرة رض

ننوشد در آن در آخره متفق عليه است و روايت است از ابو هريره رض

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم حق المسلم على المسلم

گفت فرمود پیغمبر خدا صلے الله علیه وسلم حق مسلمان بر مسلمان

خمس رد السلام وعيادة المريض واتباع الجنائز واجابة

پنج است جواب سلام دادن است و بیمار پرسیدن است و پس رفتن جنازه و قبول کردن

الدعوة وتشميت العاطس متفق عليه وعنه قال قال

دعوت بطعام و دعا کردن است عطسه کننده را متفق علیه و روایت است از وی گفت فرمود

رسول الله صلى الله عليه وسلم حق المسلم على المسلم ست

پیغمبر خدا صلے الله علیه وسلم حق مسلمان بر مسلمان شش است

قيل ما هن يا رسول الله قال اذا لقيته فسلم عليه واذا

گفته شد چیست آن شش ای پیغمبر خدا فرمود چون پیش آئی مسلمان را پس سلام کن بروی و چون

دعاك فاجبه واذا استنصحك فانصح له واذا عطس

بخواند ترا بطعام پس اجابت کن او را و چون نصیحت طلب کند از تو پس نصیحت کن مر او را و چون عطسه زند

فحمد الله فشمته واذا مرض فعده واذا مات فاتبعه

[illegible] و چون بیمار شود پس عیادت کن او را و چون بمیرد پس از پی او رو جنازه او را

رواه مسلم وعن ابي هريرة قال قال رسول الله

روایت کرده مسلم و روایت است از ابی هریره رضی گفت فرمود پیغمبر خدا

صلى الله عليه وسلم ان الله تعالى يقول يوم القيمة

صلے الله علیه وسلم بدرستیکه خدای تعالی میفرماید در روز قیامت

يا ابن ادم مرضت فلم تعدني قال يا رب كيف اعودك

ای پسر آدم بیمار شدم من پس نکردی پرسش مرا گوید ای پروردگار من چگونه عیادت کنم ترا

وانت رب العالمين قال اما علمت ان عبدي فلانا مرض

[illegible] پروردگار عالمیانی گوید خدا آیا ندانستی که بدرستیکه بنده [illegible]

فَلَمْ تَعُدْهُ أَمَا عَلِمْتَ أَنَّكَ لَوْ عُدْتَهُ لَوَجَدْتَنِي عِنْدَهُ يَا ابْنَ آدَمَ

پس پرسیدی او را آیا ندانستی تو که اگر عیادت میکردی آن بنده را هر آئینه می یافتی مرا نزد وی ای پسر آدم

اسْتَطْعَمْتُكَ فَلَمْ تُطْعِمْنِي قَالَ يَا رَبِّ كَيْفَ أُطْعِمُكَ وَأَنْتَ

طعام طلب کردم از تو پس ندادی طعام مرا گوید آدمی ای پروردگار چگونه طعام دهم ترا و تو

رَبُّ الْعَالَمِينَ قَالَ أَمَا عَلِمْتَ أَنَّهُ اسْتَطْعَمَكَ عَبْدِي فُلَانٌ

پروردگار عالمیان هستی گوید حق تعالی آیا ندانستی تو که طعام طلبید از تو بنده من فلان

فَلَمْ تُطْعِمْهُ أَمَا عَلِمْتَ أَنَّكَ لَوْ أَطْعَمْتَهُ لَوَجَدْتَ ذٰلِكَ عِنْدِي

پس ندادی تو او را طعام آیا ندانستی تو که اگر طعام میدادی او را می یافتی ثواب آن را یعنی جزای آن طعام را نزد من

يَا ابْنَ آدَمَ اسْتَسْقَيْتُكَ فَلَمْ تَسْقِنِي قَالَ يَا رَبِّ كَيْفَ أَسْقِيكَ

ای فرزند آدم طلبیدم از تو آب پس ندادی تو مرا آب گوید آدمی ای پروردگار من چگونه آب دهم ترا

وَأَنْتَ رَبُّ الْعَالَمِينَ قَالَ اسْتَسْقَاكَ عَبْدِي فُلَانٌ فَلَمْ تَسْقِهِ

و تو پروردگار عالمی و منزه هستی از آب خوردن بگوید حق تعالی آب طلبید از تو بنده من فلان پس ندادی آب او را

أَمَا عَلِمْتَ أَنَّكَ لَوْ سَقَيْتَهُ وَجَدْتَ ذٰلِكَ عِنْدِي رَوَاهُ

آیا ندانستی تو که اگر آب میدادی او را می یافتی جزای آن را نزد من روایت کرده

مُسْلِمٌ وَعَنْ عَائِشَةَ رض قَالَتْ كَانَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

مسلم و روایت است از عائشه رض گفت بود پیغمبر خدا صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا اشْتَكَى مِنَّا إِنْسَانٌ مَسَحَهُ بِيَمِينِهِ ثُمَّ قَالَ

علیه وسلم چون بیمار میشد از ما آدمی مسح میکرد او را بدست راست خود بعد از آن میگفت آنحضرت این دعا را

أَذْهِبِ الْبَأْسَ رَبَّ النَّاسِ وَاشْفِ أَنْتَ الشَّافِي لَا شِفَاءَ

که ببر این درد را ای پروردگار آدمیان و تندرستی ده تو تندرستی دهنده نیست شفا

إِلَّا شِفَاؤُكَ شِفَاءً لَا يُغَادِرُ سَقَمًا مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ عَلِيٍّ رض

مگر شفای تو شفائی که نگذارد بیماری را متفق علیه است و روایت است از علی رض

قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ مَا مِنْ مُسْلِمٍ

گفت علی شنیدم پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم را که میگفت نیست هیچ مسلمانے

يَعُودُ مُسْلِمًا غُدْوَةً إِلَّا صَلَّى عَلَيْهِ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ حَتّٰى

که بیمار پرسی کند مسلمانے را در وقت بامداد مگر آنکه صلوة بفرستند بروے هفتاد هزار فرشته تا آنکه

يُمْسِيَ وَإِنْ عَادَهُ عَشِيَّةً إِلَّا صَلَّى عَلَيْهِ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ

شام کند و اگر عیادت کرد او را بوقت شام مگر دعای رحمت کنند بروی هفتاد هزار فرشته

حَتّٰى يُصْبِحَ وَكَانَ لَهُ خَرِيفٌ فِي الْجَنَّةِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَأَبُو دَاوُدَ

تا آنکه صبح کند و باشد مرو یرا بستانے در بهشت روایه ترمذی و ابو داؤد

وَعَنْ أَنَسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

و روایت است از انس رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

مَنْ تَوَضَّأَ فَأَحْسَنَ الْوُضُوءَ وَعَادَ أَخَاهُ الْمُسْلِمَ مُحْتَسِبًا

کسیکه وضو کند پس نیک کند وضو را و بیمار پرسی کند برادر مسلمان را بقصد ثواب

بُوعِدَ مِنْ جَهَنَّمَ مَسِيرَةَ سِتِّينَ خَرِيفًا رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ

دور کرده شود از دوزخ مقدار راه شصت سال روایه ابو داؤد

وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

و روایت است از ابن عباس رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه

وَسَلَّمَ مَا مِنْ مُسْلِمٍ يَعُودُ مُسْلِمًا فَيَقُولُ سَبْعَ مَرَّاتٍ أَسْأَلُ

وسلم نیست هیچ مسلمانے که عیادت کند مسلمانے را پس بگوید هفت کرت سوال میکنم

اللّٰهَ الْعَظِيمَ رَبَّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ أَنْ يَشْفِيَكَ إِلَّا شُفِيَ

خداے بزرگ را که پروردگار عرش بزرگ است که تندرستی دهد ترا مگر آنکه تندرستی داده شود

إِلَّا أَنْ يَكُونَ قَدْ حَضَرَ أَجَلُهُ رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ وَالتِّرْمِذِيُّ

آن مسلمان مگر آنکه باشد که بتحقیق حاضر شده وقت موت او روایه ابو داؤد و ترمذی

وَعَنْ أَبِي سَعِيدٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ
و روایت ست از ابی سعید رضا گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه
وَسَلَّمَ إِذَا دَخَلْتُمْ عَلَى الْمَرِيضِ فَنَفِّسُوا لَهُ فِي أَجَلِهِ فَإِنَّ ذٰلِكَ
وسلم چون درآئید بر بیمارے برای عیادت پس کشاده هید و بردید غم اورا در دراز مدت حیات
لَا يَرُدُّ شَيْئًا وَيُطَيِّبُ بِنَفْسِهِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ
زیراکه تنفیس باز نمیگرداند چیزیراکه مقدرست و خوش میگرداند نفس اورا رواه ترمذی و ابن ماجه
وَقَالَ التِّرْمِذِيُّ هٰذَا حَدِيثٌ غَرِيبٌ وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رضـ
و گفت ترمذی این حدیث غریب ست و روایت ست از ابن عباس رضـ
قَالَ إِنَّ عَلِيًّا رضـ خَرَجَ مِنْ عِنْدِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
گفت که علی رضـ برآمد از نزد آنحضرت صلی الله علیه وسلم
فِي وَجَعِهِ الَّذِي تُوُفِّيَ فِيهِ فَقَالَ النَّاسُ يَا أَبَا الْحَسَنِ كَيْفَ
در بیمارے وی که وفات کرد آنحضرت صلی الله علیه وسلم در وے پس گفتند مردم ای ابوالحسن چگونه
أَصْبَحَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ أَصْبَحَ بِحَمْدِ اللهِ
صبح کرد پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم گفت شکر کرده شد بخدا
بَارِئًا رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَعَنْ جَابِرٍ رضـ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ
بشونده زبیمارے رواه بخارے و روایت ست از جابر رضـ گفت فرمود پیغمبر خدا
صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ عَادَ مَرِيضًا لَمْ يَزَلْ يَخُوضُ الرَّحْمَةَ
صلی الله علیه وسلم کسیکه بپرسد بیمارے را همیشه درآید دریاے رحمت را
حَتَّى يَجْلِسَ فَإِذَا جَلَسَ اغْتَمَسَ فِيهَا رَوَاهُ مَالِكٌ وَأَحْمَدُ
تاآنکه می نشیند پس چون می نشیند فرو میرود دران رواه مالک و احمد
وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رضـ قَالَ مِنَ السُّنَّةِ تَخْفِيفُ الْجُلُوسِ
و روایت ست از ابن عباس رضـ گفت ابن عباس از سنت ست سبکی کردن در نشستن

فنفسوا له یعنی چون در اجله ... بشارت دهید ... شفا خواهی یافت ... تنفیس ... بارئا ... [illegible]

وَقِلَّةَ الصَّخَبِ فِي الْعِيَادَةِ عِنْدَ الْمَرِيضِ قَالَ وَقَالَ رَسُولُ اللهِ

وکم کردن بانگ وفریاد درعیادت نزد بیمار گفت ابن عباس وفرمود آنحضرت

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَمَّا كَثُرَ لَغَطُهُمْ وَاخْتِلَافُهُمْ قُومُوا عَنِّي

صلی الله علیه وسلم هرگاه که بسیار شد آواز اصحاب آنحضرت واختلافشان برخیزید از نزد من

رَوَاهُ رَزِينٌ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ

رواه رزین وروایت ست از ابی هریره رض گفت فرمود پیغمبر خدا

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ عَادَ مَرِيضًا نَادَى مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ

صلی الله علیه وسلم کسیکه بپرسد بیمارے را آواز میدهد آوازدهنده از آسمان

طِبْتَ وَطَابَ مَمْشَاكَ وَتَبَوَّأْتَ مِنَ الْجَنَّةِ مَنْزِلًا رَوَاهُ

یعنی فرشته خوشی باد ترا در دنیا وخوش باد بر پاے رفتن تو یا جاے مشی تو در آخرت وبگیری تو از بهشت منزلت را

ابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ عُمَرَ ابْنِ الْخَطَّابِ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ

رواه ابن ماجه وروایت ست از عمر بن الخطاب رض گفت فرمود پیغمبر خدا

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا دَخَلْتَ عَلَى مَرِيضٍ فَمُرْهُ يَدْعُو

صلی الله علیه وسلم چون درآئی بر بیمارے پس بفرما اورا که دعا کند

لَكَ فَإِنَّ دُعَاءَهُ كَدُعَاءِ الْمَلَائِكَةِ رَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ

ترا زیرا که بدرستی دعاے او یعنی بیمار مانند دعای فرشتگان ست رواه ابن ماجه

بَابُ مَا جَاءَ فِي أَجْرِ الْمَصَائِبِ إِذَا صَبَرَ عَلَيْهَا

باب احادیثی که وارد شده در اجر مصائب وقتے که صبر بران کند

وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

وروایت ست از ابی هریره رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

مَنْ يُرِدِ اللهُ بِهِ خَيْرًا يُصِبْ مِنْهُ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَعَنْهُ

کسیکه بخواهد خداتعالی با آنکس نیکی را گرفته میشود یا میگیرد حق از وی رواه بخاری واز وے

وعن ابي سعيد الخدري عن النبي صلى الله

واز ابي سعيد خدري مرويست از انحضرت صلى الله

عليه وسلم قال ما يصيب المسلم من نصب

عليه وسلم فرمود نميرسد مسلمان را از هيچ رنج وتعب

ولا وصب ولا هم ولا حزن ولا اذى ولا

ونميرسد درد ونه اندوه ونه غم ونه آزار ونه

غم حتى الشوكة يشاكها الا كفر الله بها

اندوه تا آنكه خلانيده ميشود آدمي را خاري مگر كه مي پوشد حق سبحانه اين

من خطاياه متفق عليه وعن عبد الله

مر اورا از مصايب گناهان كه رسيده است متفق عليه وروايتست از عبد الله

بن مسعود رض قال دخلت على النبي صلى الله

بن مسعود رض گفت در آمدم بر انحضرت صلى الله

عليه وسلم وهو يوعك فمسسته بيدي

عليه وسلم درحاليكه وي تب زده شده بود پس لمس نمودم انحضرت را بدست خود

فقلت يا رسول الله انك لتوعك وعكا

پس گفتم اى پيغامبر خدا بدرستيكه تو هر آئينه تب زده ميشوى تب شدنى

شديدا فقال النبي صلى الله عليه وسلم

سخت پس فرمود پيغمبر خدا صلى الله عليه وسلم

۲۲۰

واقتضا بود كه بسبب ضيق نطاق جسمانيت از تحمل آن در صورت سكرات ومجاهدات مينمود واين وجه اوجه وجوه ست بمقام شريف

أَجَلْ إِنِّي أُوعَكُ كَمَا يُوعَكُ رَجُلَانِ مِنْكُمْ قَالَ فَقُلْتُ

آرے تب زده میشوم چنانکہ تب زده میشوند دو مرد از شما ابن مسعود گوید پس گفتم من

ذٰلِكَ لِأَنَّ لَكَ أَجْرَيْنِ فَقَالَ أَجَلْ ثُمَّ قَالَ مَا مِنْ

آن یعنے شدت تب بسبب آنست که ترا دو اجرست پس گفت آنحضرت آری پس گفت آنحضرت نیست

مُسْلِمٍ يُصِيبُهُ أَذًى مِنْ مَرَضٍ فَمَا سِوَاهُ إِلَّا حَطَّ اللّٰهُ

هیچ مسلمانے که برسد اورا آزارے از بیماری پس چیزیکه جز بیماریست مگر آنکه فرو می افگند خدا تعالیٰ

بِهِ سَيِّئَاتِهِ كَمَا تَحُطُّ الشَّجَرَةُ وَرَقَهَا مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ

بدیهاے اورا چنانکه فرو افگند درخت برگ هاے خود را متفق علیه است

وَعَنْ جَابِرٍ رض قَالَ دَخَلَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

و روایت است از جابر رض گفت در آمد پیغامبر خدا صلے الله علیه

وَسَلَّمَ عَلَى أُمِّ السَّائِبِ فَقَالَ مَا لَكِ تُزَفْزِفِينَ

وسلم بر مادر سائب پس گفت آنحضرت چه شده است ترا که میلرزے

قَالَتِ الْحُمّٰى لَا بَارَكَ اللّٰهُ فِيهَا فَقَالَ لَا تَسُبِّي الْحُمّٰى

گفت أم سائب سبب لرزیدن من تب است برکت نکند خدا در وے پس گفت مکن دشنام تب را

فَإِنَّهَا تُذْهِبُ خَطَايَا بَنِي آدَمَ كَمَا يُذْهِبُ الْكِيرُ خَبَثَ

زیراکه تب می برد گناهان بنے آدم را چنانکه مے برد دمه آهنگران چرک پلیدی

الْحَدِيدِ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ أَبِي مُوسَى رض قَالَ قَالَ

آهن را رواه مسلم و روایت است از ابی موسی رض گفت فرمود

رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا مَرِضَ الْعَبْدُ

پیغمبر خدا صلے الله علیه وسلم چون بیمار شود بنده

أَوْ سَافَرَ كُتِبَ لَهُ بِمِثْلِ مَا كَانَ يَعْمَلُ مُقِيمًا صَحِيحًا

یا سفر میکند نوشته میشود برای آن بنده آنچه بود عمل میکرد درحالیکه مقیم و تندرست بود

رواه البخاري وعن كعب بن مالك قال قال

رواه البخاری و روایت است از کعب بن مالک گفت فرمود

رسول الله صلى الله عليه وسلم مثل المؤمن كمثل

پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم حال مومن همچو حال

الخامة من الزرع تفيئها الرياح تصرعها مرة

شاخ نرم از کشت است مایل و راجع میگرداند آنرا بادها گاه می افگند آنرا یکبارگی

وتعدلها أخرى حتى يأتيه أجله ومثل المنافق

و راست میگرداند آنرا بار دیگر تا آنکه بیاید او را وقت موت و حال منافق

كمثل الأرزة المجذية التي لا يصيبها شيء حتى يكون

همچو حال درخت صنوبر است که محکم و ثابت است آن درختی که نمیرسد آنرا چیزی از بادها تا آنکه باشد

انجعافها مرة واحدة متفق عليه وعن أبي هريرة

برکندن و افتادن آن درخت یکبارگی متفق علیه و روایت است از ابو هریره

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم مثل المؤمن

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم حال مومن

كمثل الزرع لا يزال الريح تميله ولا يزال المؤمن

همچو حال کشت است که همیشه باد مایل میگرداند و همیشه است مومن

يصيبه البلاء ومثل المنافق كشجرة الأرزة لا تهتز

که میرسد او را بلا و حال منافق همچو حال درخت صنوبر است که نمی جنبد

حتى تستحصد متفق عليه وعن أسامة بن زيد

تا آنکه درو ده شود و بریده شود متفق علیه و روایت است از اسامه بن زید

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم الطاعون

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم طاعون

٢٢٣

دجزا ارسل على طائفة من بني اسرائيل او على من

عذابی است که فرستاده شده است بر گروهی از بنی اسرائیل یا بر کسی که

كان قبلكم فاذا سمعتم به بارض فلا تقدموا عليه

بودند پیش از شما پس چون بشنوید شما طاعون را در زمینی پس پیش نیائید بر آن زمین

واذا وقع بارض وانتم بها فلا تخرجوا فرارا منه

و چون بیفتد طاعون بر زمینی حالی آنکه شما در آن زمین باشید پس بیرون نیائید بجهت گریختن از آن

متفق عليه وعن انس رض قال سمعت النبي

متفق علیه است و روایت است از انس رض گفت شنیدم آنحضرت

صلى الله عليه وسلم يقول قال الله سبحانه وتعالى

صلی الله علیه وسلم را که میگفت میگوید الله سبحانه و تعالی

اذا ابتليت عبدي بحبيبتيه ثم صبر عوضته منهما

چون مبتلا گردانم بنده خود را بدو محبوب وی پس صبر کند آن بنده عوض دهم آن

الجنة يريد عينيه رواه البخاري وعن علي بن

بنده را بدل حبیبتین بهشت را که میخواهد دو چشم وی رواه البخاری و روایت است از علی بن

زيد عن امية انها سالت عائشة عن قول الله عز

زید از امیه مر ستیکه امیه پرسید عائشه رض از حقیقت معنی قول حق جل

وجل ان تبدوا ما في انفسكم او تخفوه يحاسبكم

و علا که همینست (اگر آشکارا کنید چیزی را که در دل شماست یا نهان دارید حساب کند شما

به الله وعن قوله عز وجل من يعمل سوء يجز به

بآن خدای تعالی و پرسید از قول وی تعالی (هر که بکند بدی را پاداش داده شود به آن

فقالت ما سالني عنها احد منذ سالت رسول الله

پس گفت عائشه رض سوال نکرد مرا ازین محاسبه و مجازات هیچ یکی از آنگاه که پرسیدم پیغمبر خدا را

صلّى الله عليه وسلّم فقال هذه معاتبة الله العبد

صلى الله عليه وسلم پس گفت آنحضرت این محاسبه و مجازات عتاب دل خدا است بنده را

بما يصيبه من الحمّى والنكبة حتّى البضاعة

بآنچه میرسد بنده را از تپ و از نکبت تا آنکه این مصیبت که پاره از مال

يضعها في يد قميصه فيفقدها فيفزع لها حتّى

می نهد بنده آنرا در دست پیراهن خود پس گم میکند آن بضاعت را پس میترسد آن بضاعت را تا آنکه

انّ العبد ليخرج من ذنوبه كما يخرج التبر

بنده هر آئینه بیرون می آید از گناهان خود چنانکه بیرون می آید زر

الاحمر من الكير رواه الترمذي وعن

سرخ از بوته روایت کرد ترمذی و روایت است از

ابي موسى رض انّ رسول الله صلّى الله عليه وسلّم

ابو موسی رض بدرستیکه پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

قال لا يصيب عبدًا نكبة فما فوقها او دونها

فرمود نمیرسد بنده را مصیبتی حقیر پس آنچه بالای اوست یا فرود اوست

الّا بذنب وما يعفو الله عنه اكثر وقرأ

مگر بسبب گناهی که کرده است و آنچه عفو و محو میکند خدای تعالی از و بیشتر است و خواند آنحضرت این آیت را

وما اصابكم من مصيبة فبما كسبت ايديكم

و هر چه میرسد شما را از مصیبت پس بسبب چیزیست که کرده است آنرا دستهای شما یعنی ذاتها

ويعفو عن كثير رواه الترمذي وعن

و عفو میکند خدا تعالی از بسیاری از آن روایت کرد ترمذی و روایت است از

عبد الله بن عمرو قال قال رسول الله صلّى الله

عبد الله بن عمرو رض گفت گفت پیغمبر خدا صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا كَانَ عَلَى طَرِيقَةٍ حَسَنَةٍ مِنَ

علیه وسلم بدرستیکه بنده چون میباشد برحالت نیک از

الْعِبَادَةِ ثُمَّ مَرِضَ قِيلَ لِلْمَلَكِ الْمُوَكَّلِ بِهِ اكْتُبْ لَهُ

عبادت پس بیمار شود گفته میشود مر فرشته را که گماشته شده است بر وی بنویس

مِثْلَ عَمَلِهِ إِذَا كَانَ طَلِيقًا حَتَّى أُطْلِقَهُ أَوْ أَكْفِتَهُ

برای وی مانند عمل وی در وقتیکه بود غیر مقید بازن بیماری تا آنکه رها کنم اورا یا قبض کنم وگردانم اورا

إِلَيَّ وَعَنْ أَنَسٍ رضي أَنَّ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

بسوی خود و روایت است از انس رض بدرستیکه رسول الله صلی الله علیه وسلم

قَالَ إِذَا ابْتُلِيَ الْمُسْلِمُ بِبَلَاءٍ فِي جَسَدِهِ قِيلَ لِلْمَلَكِ اكْتُبْ لَهُ

گفت چون مبتلا گردانیده می شود مسلمان ببلای در تن او گفته میشود مر فرشته را بنویس برای وی

صَالِحَ عَمَلِهِ الَّذِي كَانَ يَعْمَلُ فَإِنْ شَفَاهُ غَسَلَهُ وَطَهَّرَهُ

عمل نیک وی را که می کرد پیش از ابتلا پس اگر شفا بخشد او را می شوید او را و پاک میگرداند

وَإِنْ قَبَضَهُ غَفَرَ لَهُ وَرَحِمَهُ رَوَاهُمَا فِي شَرْحِ السُّنَّةِ

و اگر قبض کند او را بیامرزد مر او را و رحمت میکند او را روایت کرد این دو حدیث را در شرح سنت

وَعَنْ سَعْدٍ قَالَ سُئِلَ النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَيُّ النَّاسِ

روایت ست از سعد ابن ابی وقاص گفت که پرسیده شد آنحضرت صلی اللّٰه علیه وسلم که کدام از

اَشَدُّ بَلَاءً قَالَ الْاَنْبِيَاءُ ثُمَّ الْاَمْثَلُ فَالْاَمْثَلُ وَيُبْتَلَى الرَّجُلُ

سخت رست از روی بلا و آزمایش فرمود سخت ترین از آدمیان و بلا پیغامبران اند پستر هر که فاضل

عَلٰی حَسَبِ دِيْنِهٖ فَاِنْ كَانَ فِيْ دِيْنِهٖ صُلْبًا اِشْتَدَّ بَلَاؤُهٗ وَاِنْ كَانَ

از روی مرتبه از مرتبه جهان و مبتلا کرده میشود مرد برابر دین و کیش اگر باشد در دین خود سخت و درشت سخت

فِيْ دِيْنِهٖ رِقَّةٌ هُوِّنَ عَلَيْهِ فَمَا زَالَ كَذٰلِكَ حَتّٰى يَمْشِيَ مَالَهٗ

در دین وی نرمی و تنگی سبک کرده میشود بروی پس همیشه همچنین حال است تا آنکه میرود بر زمین و حال آنکه نیست

ذَنْبٌ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ وَالدَّارِمِيُّ وَقَالَ التِّرْمِذِيُّ

مر او را گناهی روایت کرد ترمذی و ابن ماجه و الدارمی و گفت ترمذی

هٰذَا حَدِيْثٌ حَسَنٌ صَحِيْحٌ وَعَنْ اَنَسٍ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ

این حدیث حسن صحیح ست و روایت ست از انس رض گفت فرمود پیغامبر خدا

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِنَّ عِظَمَ الْجَزَاءِ مَعَ عِظَمِ

صلی اللّٰه علیه وسلم بدرستی بزرگی پاداش با بزرگی

الْبَلَاءِ وَاِنَّ اللّٰهَ عَزَّ وَجَلَّ اِذَا اَحَبَّ قَوْمًا

بلا ست و بدرستی که خدا تعالی بزرگ و برتر چون دوست میدارد گروهی را

ابْتَلَاهُمْ فَمَنْ رَضِيَ فَلَهُ الرِّضٰى وَمَنْ سَخِطَ

مبتلا کرد اند ایشان را پس کسیکه خوشنود بود از خدا در بلا پس مر او راست خوشنودی و کسیکه

فَلَهُ السَّخَطُ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَابْنُ

پس مر او راست خشم او. رواه الترمذی و ابن

مَاجَةَ وَعَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

ماجه و از وی روایت ست گفت فرمود پیغامبر خدا صلی اللّٰه

عليه وسلم إذا أراد الله بعبده الخير عجل له

عليه وسلم چون خواهد خداى تعالى به بنده خود نيكى را شتاب كند

العقوبة في الدنيا وإذا أراد الله بعبده الشر

سزاى گناهان او را در دنيا و چون خواهد خداى تعالى به بنده خود بدى را

أمسك عنه بذنبه حتى يوافيه به يوم

نگاه دارد از وى عقوبت وى گذارد او را با گناهان وى تا آنكه تمام بيايد بوى بنده را

القيامة رواه الترمذي وعن أبي هريرة

آنچه مستحق است روز قيامت روايت كرد او را الترمذى و روايت است از ابى هريره رض

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم لا يزال

گفت فرمود پيغامبر خدا صلى الله عليه وسلم هميشه مى باشد

البلاء بالمؤمن والمؤمنة في نفسه وماله وولده

بلا در مرد مسلمان يا زن مسلمان در ذات هر يكى و در مال هر يكى و در اولاد هر يكى

حتى يلقى الله وما عليه من خطيئة رواه

تا آنكه پيش آيد خدا را در روز جزا و حال آنكه نيست بر وى هيچ گناهى

الترمذي وروى مالك نحوه وعن محمد بن خالد

روايت كرد او را الترمذى و روايت كرد مالك مانند وى و روايت است از محمد بن خالد

السلمي عن أبيه عن جده قال قال رسول الله صلى الله عليه

السلمى از پدرش از جدش گفت فرمود پيغامبر خدا صلى الله عليه

وسلم إن العبد إذا سبقت له من الله منزلة لم

وسلم بدرستى كه بنده چون گذشته باشد براى وى از خدا مرتبه

يبلغها بعمله ابتلاه الله في جسده أو في ماله أو في ولده ثم

كه نرسد بآن مرتبه بعمل صالح خود مبتلا كرد او را خدا در تن وى يا در مال وى يا در اولاد وى

عَلَى ذٰلِكَ حَتّٰى يُبْلِغَهُ الْمَنْزِلَةَ الَّتِي سَبَقَتْ لَهُ مِنَ اللّٰهِ

بر آن خداتعالی بر آن بلا تا آنکه برساند این بلا بنده را بمرتبه که گذشته است مر او را از

رَوَاهُ أَحْمَدُ أَبُو دَاوُدَ وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ الشِّخِّيرِ

رواه احمد و ابوداود و روایت است از عبد الله بن شخیر

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مُثِّلَ ابْنُ آدَمَ

گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم تصویر کرده شد فرزند آدم

وَإِلَى جَنْبِهِ تِسْعٌ وَتِسْعُونَ مَنِيَّةً إِنْ أَخْطَأَتْهُ الْمَنَايَا وَقَعَ فِي

و حال آنکه بجانب پهلوی او است نود و نه مرگ اگر خطا می کنند او را مرگها او افتاد در

الْهَرَمِ حَتّٰى يَمُوتَ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَقَالَ هٰذَا حَدِيثٌ غَرِيبٌ

پیری تا آنکه بمیرد رواه ترمذی و گفت این حدیث غریب است

وَعَنْ جَابِرٍ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

و از جابر رضی مرویست گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه

وَسَلَّمَ يَوَدُّ أَهْلُ الْعَافِيَةِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حِينَ يُعْطٰى أَهْلُ

وسلم دوست میدارند اهل عافیت روز قیامت وقتیکه داده شوند اهل

الْبَلَاءِ الثَّوَابَ لَوْ أَنَّ جُلُودَهُمْ كَانَتْ قُرِضَتْ فِي الدُّنْيَا

بلاء ثواب این را کاشکے پوستهای ایشان بریده و پاره کرده میشد در دنیا

بِالْمَقَارِيضِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَقَالَ هٰذَا حَدِيثٌ غَرِيبٌ

بکاردها رواه ترمذی و گفت که این حدیث غریب است

وَعَنْ عَامِرٍ الرَّامِ قَالَ ذَكَرَ رَسُولُ اللّٰهِ الْأَسْقَامَ

و روایت است از عامر رامی گفت ذکر کرد پیغامبر خدا بیماریها را

فَقَالَ إِنَّ الْمُؤْمِنَ إِذَا أَصَابَهُ السَّقَمُ

پس فرمود که مسلمان چون میرسد او را بیماری

ثُمَّ عَافَاهُ اللّٰهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنْهُ كَانَ كَفَّارَةً لِمَا مَضَى مِنْ

پس از صحت می بخشد او را خدا تعالی از آن می باشد پوشنده مر گناهان گذشته را

ذُنُوبِهِ وَمَوْعِظَةً لَهُ فِيمَا يَسْتَقْبِلُ وَإِنَّ الْمُنَافِقَ

و می باشد نصیحت و پند مر او را در آنچه پیش شد به آینده‌ها و به درستی که منافق

إِذَا مَرِضَ ثُمَّ أُعْفِيَ كَانَ كَالْبَعِيرِ عَقَلَهُ أَهْلُهُ ثُمَّ

چون بیمار شود پس تر عافیت داده شود می باشد مانند شتر که ببستند او را اهل او پس

أَرْسَلُوهُ فَلَمْ يَدْرِ لِمَ عَقَلُوهُ وَلِمَ أَرْسَلُوهُ فَقَالَ

رها کردند او را پس ندانست آن شتر که چرا بستند او را و چرا گشادند او را پس گفت

رَجُلٌ يَا رَسُولَ اللّٰهِ وَمَا الْأَسْقَامُ وَاللّٰهِ مَا مَرِضْتُ

مردی ای پیغامبر خدا چه چیز است بیماریها بخدا سوگند بیمار نشدم

قَطُّ فَقَالَ قُمْ عَنَّا فَلَسْتَ مِنَّا رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ وَعَنْ

هرگز پس فرمود آنحضرت برخیز از پیش ما پس نیستی از ما روایت کرد ابو داود و روایت است

عَطَاءِ بْنِ أَبِي رَبَاحٍ قَالَ قَالَ لِي ابْنُ عَبَّاسٍ أَلَا أُرِيكَ

عطاء بن ابی رباح گفت گفت مرا ابن عباس آیا بنمایم ترا

امْرَأَةً مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ فَقُلْتُ بَلَى قَالَ هٰذِهِ

زنی از اهل بهشت گفتم بلی گفت این

الْمَرْأَةُ السَّوْدَاءُ أَتَتِ النَّبِيَّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

زن سیاه که نام وی سعدیه است آمد این پیغامبر خدا صلی الله علیه و سلم

فَقَالَتْ يَا رَسُولَ اللّٰهِ إِنِّي أُصْرَعُ وَإِنِّي أَتَكَشَّفُ

پس گفت ای پیغامبر خدا به تحقیق من صرع زده میشوم و به درستی که من برهنه میشوم

فَادْعُ اللّٰهَ لِي فَقَالَ إِنْ شِئْتِ صَبَرْتِ وَلَكِ الْجَنَّةُ

پس دعا کن خدا را برای من پس فرمود آنحضرت اگر خواسته … صبر کنی … شد مر ترا بهشت

وَاِنْ شِئْتَ دَعَوْتُ اللّٰهَ اَنْ يُعَافِيَكِ فَقَالَتْ

و اگر خواهی دعا کنم خدای را که عافیت دهد ترا پس گفت آن زن

اَصْبِرُ فَقَالَتْ اِنِّی اَتَکَشَّفُ فَادْعُ اللّٰهَ اَنْ لَا

صبر میکنم پس گفت آن زن که تحقیق من برهنه میشوم پس دعا کن خداے را که

اَتَكَشَّفَ فَدَعَا لَهَا مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ يَحْيَى

برهنه نشوم پس دعا فرمود آنحضرت مر آن زن را متفق علیه و روایت از یحیی

بْنِ سَعِيدٍ قَالَ اِنَّ رَجُلًا جَاءَهُ الْمَوْتُ فِی زَمَنِ

بن سعید رض که گفت مردے آمد او را موت در زمان

رَسُولِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ رَجُلٌ

پیغامبر خدا صلے الله علیه وسلم پس گفت مردی دیگر

هَنِيْئًا لَهٗ مَاتَ وَلَمْ يُبْتَلَ بِمَرَضٍ فَقَالَ رَسُولُ اللّٰهِ

گوارا باد مر او را که مرد و مبتلا نگردانیده شد بمرضی پس فرمود پیغامبر خدا

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَيْحَكَ مَا يُدْرِيْكَ لَوْ اَنَّ

صلے الله علیه وسلم وای بر تو عجب است تو چه چیز دانا سید ترا اگر می بود اینکه

اللّٰهَ ابْتَلَاهُ بِمَرَضٍ فَكَفَّرَ عَنْهُ مِنْ سَيِّئَاتِهٖ رَوَاهُ

خدا تعالی می مبتلا گردانید او را به بیماری پس کفاره میکرد از او از بدیهای او رواه

مَالِكٌ مُرْسَلًا وَعَنْ شَدَّادِ بْنِ اَوْسٍ

مالک از روی مرسل و روایت است از شداد بن اوس

وَالصُّنَابِحِيِّ أَنَّهُمَا دَخَلَا عَلَى رَجُلٍ مَرِيضٍ يَعُودَانِهِ فَقَالَا

والصنابحی بدرستیکه ایشان درآمدند بر مردی بیمار در حالیکه عیادت کنند مر او را پس گفتند

لَهُ كَيْفَ أَصْبَحْتَ قَالَ أَصْبَحْتُ بِنِعْمَةٍ قَالَ شَدَّادُ أَبْشِرْ

مر او را چگونه صبح کردی گفت آن مرد صبح کردم ملتبس بنعمت گفت شداد خوش خبر و خوشحال باش

بِكَفَّارَاتِ السَّيِّئَاتِ وَحَطِّ الْخَطَايَا فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللّٰهِ

بخصلتهای که پوشنده است بدیها را و بفرو افکندن گناهان زیرا که شنیدم پیغمبر خدا را

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ إِنَّ اللّٰهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ إِنَّا

صلی الله علیه وسلم که میگفت که خدای تعالی میگوید که

أَنَا ابْتَلَيْتُ عَبْدًا مِنْ عِبَادِي مُؤْمِنًا فَحَمِدَنِي عَلَى مَا

من مبتلا میگردانم بنده را از بندگان خود که مومن است پس ثنا کند آن بنده مرا بر

ابْتَلَيْتُهُ فَإِنَّهُ يَقُومُ مِنْ مَضْجَعِهِ ذٰلِكَ كَيَوْمِ وَلَدَتْهُ

مبتلا گردانیدن من او را پس بدرستیکه آن بنده برمیخیزد از خوابگاه خود چون روز زائیدن او را

أُمُّهُ مِنَ الْخَطَايَا وَيَقُولُ الرَّبُّ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَنَا

مادر او از گناهان و میگوید پروردگار تبارک و تعالی من

قَيَّدْتُ عَبْدِي وَابْتَلَيْتُهُ فَأَجْرُوا لَهُ مَا كُنْتُمْ تُجْرُونَ لَهُ

بند کردم بنده خود را و مبتلا گردانیدم او را پس اجر کنید برای وی آنچه جاری کردید برای وی

وَهُوَ صَحِيحٌ رَوَاهُ أَحْمَدُ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ قَالَ

در حالیکه تندرست بوده رواه احمد و روایت است از ابو هریره رضی عنه

ذُكِرَتِ الْحُمَّى عِنْدَ رَسُولِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَسَبَّهَا

ذکر کرده شد تپ نزد پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم پس دشنام داد

رَجُلٌ فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا تَسُبَّهَا فَإِنَّهَا تَنْفِي

مردی پس فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم دشنام مده او را زیرا که آن دور میکند

الذُّنُوبَ كَمَا تَنْفِي النَّارُ خَبَثَ الْحَدِيدِ رَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ

گناہان را چنانکہ دور میکند آتش چرک آہن را رواہ ابن ماجہ

وَعَنْهُ قَالَ إِنَّ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَادَ

وہم از ابی ہریرہ رض گفت بدرستیکہ آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم عیادت کرد

مَرِيضًا فَقَالَ أَبْشِرْ فَإِنَّ اللهَ تَعَالَى يَقُولُ هِيَ نَارِي

بیمارے را کہ تپ زدہ بود پس فرمود خوش باش زیرا کہ بدرستیکہ حق تعالی میفرماید تپ آتش من ست

أُسَلِّطُهَا عَلَى عَبْدِي الْمُؤْمِنِ فِي الدُّنْيَا لِتَكُونَ حَظَّهُ مِنَ

مسلط گردانم آنرا بر بندۂ خود کہ مومن ست در دنیا تا باشد تپ بخش آن بندہ از

النَّارِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ رَوَاهُ أَحْمَدُ وَابْنُ مَاجَةَ وَالْبَيْهَقِيُّ فِي

آتش دوزخ روز قیامت رواہ احمد و ابن ماجہ و بیہقی در

شُعَبِ الْإِيمَانِ وَعَنْ أَنَسٍ رض أَنَّ رَسُولَ اللهِ صَلَّى

شعب ایمان و روایت ست از انس رض کہ آنحضرت صلے

اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ إِنَّ الرَّبَّ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى يَقُولُ

اللہ علیہ وسلم فرمود کہ پروردگار سبحانہ و تعالے میفرماید

وَعِزَّتِي وَجَلَالِي لَا أُخْرِجُ أَحَدًا مِنَ الدُّنْيَا أُرِيدُ أَغْفِرَ

سوگند بعزت ذات من و جلال صفت من بیرون نمی آرم ہیچ یکے را از دنیا میخواہم بیامرزم

لَهُ حَتَّى أَسْتَوْفِيَ كُلَّ خَطِيئَةٍ فِي عُنُقِهِ بِسُقْمٍ فِي بَدَنِهِ

مر اورا تا آنکہ بگیرم [illegible] ہر گناہے را کہ در گردن اوست بسبب بیماری در تن وی

وَإِقْتَارٍ فِي رِزْقِهِ رَوَاهُ رَزِينٌ وَعَنْ شَقِيقٍ قَالَ

و تنگی در رزق وی رواہ رزین و روایت ست از شقیق گفت

مَرِضَ عَبْدُ اللهِ فَعُدْنَاهُ فَجَعَلَ يَبْكِي فَعُوتِبَ فَقَالَ إِنِّي

بیمار شد عبداللہ بن مسعود پس عیادت کردیم اورا پس گریستن گرفت پس ملامت کردہ شد پس گفت بدرستیکہ من

لا أبكي لأجل المرض لأني سمعت النبي صلى الله عليه

من نمیگریم از بهر بیماری زیرا که من شنیدم پیغامبر خدا را صلی الله علیه

وسلم يقول المرض كفارة وإنما أبكي أنه أصابني على

و سلم که میفرمود بیماری کفارهٔ است گناهان را و نمیگریم مگر از جهت آنکه رسید بیماری مرا بر

حال فترة ولم يصبني في حال اجتهاد لأنه يكتب للعبد

حال فتور وضعف و پیری و نرسید مرا مرض در حال قوت و کوشش زیرا که نوشته میشود مر بنده را

من الأجر إذا مرض ما كان يكتب له قبل أن يمرض فمنعه

از مزد وقتیکه بیمار میشود چیزیکه نوشته میشد مراورا پیش از آنکه بیمار گردد پس بازداشته بود

منه المرض رواه رزين وعن أنس قال سمعت رسول الله

ازان عمل بیماری رواه رزین و روایت است از انس رض شنیدم من پیغامبر خدا

صلى الله عليه وسلم يقول أيما رجل عاد مريضا فإنما يخوض

صلی الله علیه وسلم که میفرمود هر مردیکه بپرسد بیماری را پس جز این نیست که در آید

في الرحمة فإذا قعد عند المريض غمرته الرحمة هذا للصحيح

در دریای رحمت را پس چون نشیند نزد بیمار غرق میسازد آنرا رحمت الهی این ثواب برای صحیح است

فما للمريض قال تحط ذنوبه هب وعن أنس

پس چه قدر ثواب باشد بیمار را گفت ساقط میشود گناهان او و روایت است از انس رض

قال عطش عثمان بن عفان عند النبي صلى الله عليه وسلم

گفت تشنه شد عثمان بن عفان نزد آنحضرت صلی الله علیه وسلم

فقال النبي صلى الله عليه وسلم ألا أبشرك فقال بلى

پس فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم آیا خوشخبری ندهم ترا پس گفت عثمان آری بده

بأبي أنت وأمي قال هذا جبرئيل يخبرني عن الله تعالى

فدای تو باد مادر و پدر من فرمود این جبرئیل است خبر میدهد مرا از جانب خدای تعالی

ایما مؤمن عطش ثلث عطشات متوالیات الا کان

نماند مومن تشنہ بسہ تشنگیہاے پیاپے مگر آنکہ می باشد

الایمان ثابتا فی قلبہ الدیلمی

ایمان او ثابت و قوے در دل وے دیلمی

باب تمنی الموت وذکرہ

باب در آرزو کردن موت و ذکر آن

عن ابی ہریرۃ رض قال قال رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم

روایت است از ابی ہریرہ رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم

لا یتمنی احدکم الموت اما محسنا فلعلہ ان یزداد خیرا

آرزو نمیکند یکے از شما مرگ را یا او نیکوکار باشد پس شاید کہ زیادہ کند نیکی را بجائے

واما مسیئا فلعلہ ان یستعتب رواہ البخاری

و یا اینکہ می باشد بدکار پس شاید کہ وی طلب کند رضا رحق را بتوبہ و تلافی مافات رواہ بخاری

وعنہ قال قال رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم

وہم از وی روایت است گفت فرمود پیغامبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم

لا یتمنی احدکم الموت ولا یدع بہ من قبل ان یاتیہ

کہ آرزو نکند یکے از شما موت را و دعا نکند بوے پیش از آنکہ بیاید مرگ او را

انہ اذا مات انقطع املہ وانہ لا یزید المؤمن عمرہ

بدرستیکہ او وقتیکہ مُرد بریدہ میشود امید او و بدرستی کہ شان آنست کہ زیادہ نمی کند مسلمان را عمر وی

الا خیرا رواہ مسلم وعن انس قال قال رسول اللہ

مگر نیکی را رواہ مسلم و روایت است از انس رض گفت فرمود پیغامبر خدا

صلی اللہ علیہ وسلم لا یتمنین احدکم الموت من ضر

صلی اللہ علیہ وسلم باید کہ آرزو نکند یکے از شما مرگ را ز گزند دنیا

أَصَابَهُ فَإِنْ كَانَ لَا بُدَّ فَاعِلًا فَلْيَقُلِ اللّٰهُمَّ

گر رسیده است او را پس اگر هست البته آرزو کننده پس باید که بگوید خداوندا

أَحْيِنِي مَا كَانَتِ الْحَيٰوةُ خَيْرًا لِّي وَتَوَفَّنِي

زنده دار مرا تا آنجا که باشد زندگی بهتر مرا و بمیران مرا

إِذَا كَانَتِ الْوَفَاةُ خَيْرًا لِّي مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ

وقتیکه باشد مردن بهتر مرا متفق علیه

وَعَنْ عُبَادَةَ بْنِ الصَّامِتِ رض قَالَ قَالَ

و روایت است از عباده بن الصامت رض گفت فرمود

رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ أَحَبَّ

پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه دوست دارد

لِقَاءَ اللّٰهِ أَحَبَّ اللّٰهُ لِقَاءَهُ وَمَنْ كَرِهَ لِقَاءَ

لقاے خدا را دوست دارد خدا تعالی لقاء او را و کسیکه ناخوش دارد لقاے

اللّٰهِ كَرِهَ اللّٰهُ لِقَاءَهُ فَقَالَتْ عَائِشَةُ رض

خدا را ناخوش دارد خدا تعالی لقاء او را پس گفت عائشه صدیقه رض

أَوْ بَعْضُ أَزْوَاجِهِ إِنَّا لَنَكْرَهُ الْمَوْتَ قَالَ

یا گفت بعض ازواج مطهره آنحضرت ﷺ بدرستیکه ما هر آئینه مکروه میداریم موت را فرمود حضرت

لَيْسَ ذٰلِكَ وَلٰكِنَّ الْمُؤْمِنَ إِذَا حَضَرَهُ الْمَوْتُ

نیست آنچنانکه پنداشته و لیکن مسلمان وقتیکه نزدیک شود او را مرگ

بُشِّرَ بِرِضْوَانِ اللّٰهِ وَكَرَامَتِهِ فَلَيْسَ شَيْءٌ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِمَّا

بشارت داده شود برضای خدای تعالی و کرامت او پس نیست هیچ چیزی محبوب تر بسوی وی از چیزی

أَمَامَهُ فَأَحَبَّ لِقَاءَ اللّٰهِ وَأَحَبَّ اللّٰهُ لِقَاءَهُ وَإِنَّ الْكَافِرَ

پیش اوست پس دوست دارد مومن لقای خدا را و دوست دارد خدا لقای او را و بدرستیکه کافر

إِذَا حُضِرَ بُشِّرَ بِعَذَابِ اللّٰهِ وَعُقُوبَتِهِ فَلَيْسَ شَيْءٌ أَكْرَهَ

چون حاضر کرده شود موت را خبر داده شود بعذاب خدا و سزا دادن وی پس نیست هیچ چیز مکروه تر

إِلَيْهِ مِمَّا أَمَامَهُ فَكَرِهَ لِقَاءَ اللّٰهِ وَكَرِهَ اللّٰهُ لِقَاءَهُ

بسوی وی از چیزی که پیش اوست پس ناخوش دارد کافر لقای خدا را و ناخوش میدارد خدای تعالی لقای او را

مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَفِي رِوَايَةِ عَائِشَةَ وَالْمَوْتُ قَبْلَ لِقَاءِ اللّٰهِ

متفق علیه و در روایت عایشه صدیقه است و موت پیش از لقای خداست و مقدم است بر لقای خدا

وَعَنْ أَبِي قَتَادَةَ رض أَنَّهُ كَانَ يُحَدِّثُ أَنَّ رَسُولَ اللّٰهِ

و از ابی قتاده مرویست که وی بود که حدیث میکرد که آنحضرت

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مُرَّ عَلَيْهِ بِجَنَازَةٍ فَقَالَ مُسْتَرِيحٌ

صلی الله علیه وسلم گذرانیده شد بروی جنازه پس فرمود آنحضرت صلعم آسوده باراحت است

أَوْ مُسْتَرَاحٌ مِنْهُ فَقَالُوا يَا رَسُولَ اللّٰهِ مَا الْمُسْتَرِيحُ

یا راحت یافته شده است از وی پس گفتند صحابه ای پیغامبر خدا صلعم چیست معنی مستریح

وَمَا الْمُسْتَرَاحُ مِنْهُ فَقَالَ الْعَبْدُ الْمُؤْمِنُ يَسْتَرِيحُ مِنْ

و مستراح منه پس فرمود آنحضرت صلعم که بنده مومن صالح راحت می یابد از رنج از

نَصَبِ الدُّنْيَا وَأَذَاهَا إِلَى رَحْمَةِ اللّٰهِ وَالْعَبْدُ الْفَاجِرُ

تعب و رنج دنیا و آزار دنیا بسوی رحمت خدا و بنده فاسق

يَسْتَرِيحُ مِنْهُ الْعِبَادُ وَالْبِلَادُ وَالشَّجَرُ وَالدَّوَابُّ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ

راحت می یابد از وی بندگان و شهرها و درختان و جنبندگان زمین متفق علیه است

وعن جابرؓ قال سمعت رسول الله صلى الله عليه

و روایت است از جابر رض گفت شنیدم من پیغامبر خدا را صلی الله علیه

وسلم قبل موته بثلاثة ایام یقول لا یموتن احدکم

وسلم پیش از موت او سه روز که میگفت باید نمیرد یکی از شما

الا وهو یحسن الظن بالله رواه مسلم وعن

مگر آنکه نیک دارد گمان خود را بخدا رواه مسلم و روایت است از

ابی هریرة رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

ابی هریره رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

اکثروا ذکر هادم اللذات الموت رواه الترمذی

بسیار کنید یاد ویران کننده و قطع کننده لذت ها را که موت است رواه ترمذی

والنسائی وابن ماجة وعن ابن مسعود رض ان نبی الله

و نسائی و ابن ماجه و روایت است از ابن مسعود رض بدرستیکه حضرت

صلى الله عليه وسلم قال ذات یوم لاصحابه استحیوا

صلی الله علیه وسلم فرمود روزی بیاران خود شرم دارید

من الله حق الحیاء قالوا انا نستحیی من الله یا نبی الله والحمد

از خدا چنانکه باید شرم داشتن گفتند صحابه که ما شرم میداریم از خدا ای پیغمبر خدا و حمد و ستایش

لله قال لیس ذلك ولکن من استحیی من الله حق الحیاء

مر خدا را بر توفیق دادن او فرمود نیست این حق حیا ولیکن کسیکه شرم دارد از خدا حق شرم داشتن

فلیحفظ الراس وما وعی ولیحفظ البطن وما حوى

پس باید که نگاه دارد سر را و نگاه دارد چیزی را که جمع کرده است آن سر و باید نگاه دارد شکم را از اکل حرام و چیزی که

ولیذکر الموت والبلی ومن اراد الآخرة ترك زینة

و باید که یاد دارد مرگ را و پوسیده شدن استخوان را و کسیکه خواهد ثواب آخرت ترک دهد آرایش

الدُّنْيَا فَمَنْ فَعَلَ ذٰلِكَ فَقَدِ اسْتَحْيٰى مِنَ اللّٰهِ حَقَّ الْحَيَاءِ رَوَاهُ
دنیا را پس کسے کہ بکند این مذکور را پس تحقیق شرم داشت از خدا حق شرم داشتن رواہ
أَحْمَدُ وَالتِّرْمِذِيُّ وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ عَمْرٍو رض قَالَ قَالَ
احمد و ترمذی و روایت ست از عبداللہ بن عمرو رض گفت فرمود
رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تُحْفَةُ الْمُؤْمِنِ الْمَوْتُ
پیغمبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم تحفہ و ہدیہ مسلمان مرگ ست
رَوَاهُ الْبَيْهَقِيُّ فِي شُعَبِ الْإِيْمَانِ وَعَنْ عُبَيْدِ اللّٰهِ
یعنے موصل بجنت و قرب اوست رواہ بیہقی در شعب الایمان و روایت ست از عبیداللہ
بْنِ خَالِدٍ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
بن خالد رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم
مَوْتُ الْفُجَاءَةِ أَخْذَةُ الْأَسِفِ رَوَاهُ أَبُوْدَاوُدَ وَزَادَ
موت ناگہانی گرفتن خشم ست رواہ ابو داود و زیادہ کرد
الْبَيْهَقِيُّ فِي شُعَبِ الْإِيْمَانِ وَرَزِيْنٌ فِي كِتَابِهِ أَخْذَةُ أَسِفٍ
بیہقی در شعب الایمان و رزین در کتاب خود این لفظ را کہ گرفتن غضب ست
لِلْكَافِرِ وَرَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِيْنَ وَعَنْ جَابِرٍ رض قَالَ قَالَ
مر کافران را و مہربانی حق تعالے مر مؤمنان را و روایت ست از جابر رض گفت فرمود
رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا تَمَنَّوُا الْمَوْتَ فَإِنَّ هَوْلَ
پیغامبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم کہ آرزو نکنید مرگ را زیراکہ بدرستی ترس
الْمُطَّلَعِ شَدِيْدٌ وَإِنَّ مِنَ السَّعَادَةِ أَنْ يَطُوْلَ عُمْرُ الْعَبْدِ
مطلع سخت ست و بدرستی از نیک بختی ست کہ دراز شود عمر بندہ
وَيَرْزُقَهُ اللّٰهُ عَزَّ وَجَلَّ الْإِنَابَةَ رَوَاهُ أَحْمَدُ وَعَنْ
و روزی گرداند او را خدا عزوجل رجوع و توجہ بجناب خود رواہ احمد و روایت ست از

أَبِي أُمَامَةَ رضـ قَالَ جَلَسْنَا إِلَى رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَذَكَّرَنَا

از ابی امامه رض گفت که نشستیم روبروی پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم پس پند داد ما را

وَرَقَّقَنَا فَبَكَى سَعْدُ بْنُ أَبِي وَقَّاصٍ رض فَأَكْثَرَ الْبُكَاءَ فَقَالَ يَا لَيْتَنِي

احوال آخرت و نرم گردانید دلها را پس گریه کرد سعد بن ابی وقاص رض پس بسیار گریه کرد پس گفت ای کاشکی

مُتُّ فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَا سَعْدُ أَعِنْدِي تَتَمَنَّى

بمردمی پس فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم ای سعد آیا نزد من آرزو میکنی

الْمَوْتَ فَرَدَّدَ ذٰلِكَ ثَلٰثَ مَرَّاتٍ ثُمَّ قَالَ يَا سَعْدُ إِنْ كُنْتَ

موت را که نا مرضی حق است پس تکرار کرد آنحضرت این لفظ را سه بار پس فرمود ای سعد اگر هستی تو

خُلِقْتَ لِلْجَنَّةِ فَمَا طَالَ عُمُرُكَ وَحَسُنَ مِنْ عَمَلِكَ فَهُوَ خَيْرٌ

که پیدا کرده شده ای برای بهشت پس آنچه دراز شود عمر تو و نیک باشد عمل تو پس آن بهتر است

لَكَ رَوَاهُ أَحْمَدُ وَعَنْ حَارِثَةَ بْنِ مُضَرِّبٍ قَالَ دَخَلْتُ

مر ترا رواه احمد و روایت است از حارثه بن مضرب گفت در آمدم من

عَلَى خَبَّابٍ وَقَدِ اكْتَوَى سَبْعًا فَقَالَ لَوْلَا أَنِّي سَمِعْتُ

بر خباب و حال آنکه داغ سوخته بود خباب بر بدن هفت جا پس گفت خباب اگر نه آنکه شنیدم

رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ لَا يَتَمَنَّ أَحَدُكُمُ

پیغمبر خدا را صلی الله علیه وسلم که میگفت باید که تمنا نکند یکی از شما

الْمَوْتَ لَتَمَنَّيْتُهُ وَلَقَدْ رَأَيْتُنِي مَعَ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ

مرگ را هر آئینه آرزو میکردم او را و بتحقیق دیدم و دانستم خود را با پیغمبر خدا صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا أَمْلِكُ دِرْهَمًا وَإِنَّ فِي جَانِبِ بَيْتِي

علیه وسلم که مالک نبودم یک درهم را و در بیت در گوشه خانه من

الْآنَ لَأَرْبَعِينَ أَلْفَ دِرْهَمٍ ثُمَّ أُتِيَ بِكَفَنِهِ فَلَمَّا رَآهُ بَكَى

اکنون هر آئینه چهل هزار درهم است پس آورده شد کفن او پس چون دید او را گریست

قال ولكن حمزة لم يوجد له كفن إلا بردة ملحاء إذا جعلت

گفت ولیکن حمزه بن عبدالمطلب یافته نشد برای وی کفن مگر چادر ابلق که در وے خطوط سیاه و سفید بود چون کرده شد

على رأسه قلصت عن قدميه وإذا جعلت على قدميه

بر سر وے کوتاه می آمد از پایهای وی و چون گردانیده می شد بر پایهای وے

قلصت عن رأسه حتى مدت على رأسه وجعل على

کوتاه می آمد از سر وے تا آنکه کشیده شد آن برده بر سر حمزه و گردانیده شد بر

قدميه الإذخر رواه أحمد والترمذي إلا أنه لم يذكر

پایهای حمزه گیاه که مشهور است در مکه معظمه رواه احمد و ترمذی مگر ترمذی ذکر نکرد لفظ

ثم أتي بكفنه الخ

ثم اتی بکفنه تا آخر

باب ما يقال عند من حضره الموت

باب بیان چیزیکه گفته می شود نزد کسے که حاضر شده اورا موت

عن أبي سعيد وأبي هريرة رض قالا قال رسول الله

روایت است از ابی سعید و ابی هریره رض گفتند این هردو که فرمود پیغامبر خدا

صلى الله عليه وسلم لقنوا موتاكم لا إله إلا الله رواه

صلی الله علیه وسلم تلقین کنید مرده های خود را کلمه طیبه که لا اله الا الله محمد رسول الله است

مسلم وعن أم سلمة رض قالت قال رسول الله صلى

رواه مسلم و روایت است از ام سلمه رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی

الله عليه وسلم إذا حضرتم المريض أو الميت فقولوا

الله علیه وسلم وقتیکه حاضر شوید شما بیمار را یا میتی را که نزدیک موت رسید پس گوئید

خيرا فإن الملائكة يؤمنون على ما تقولون رواه مسلم

خیر سے زیرا که فرشتگان آمین میگویند بر آنچه میگوئید شما و دعا کنید رواه مسلم

وَعَنْهَا قَالَتْ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا مِنْ

وهم از ام سلمه است گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم نیست هیچ

مُسْلِمٍ تُصِيْبُهُ مُصِيْبَةٌ فَيَقُوْلُ مَا أَمَرَهُ اللّٰهُ بِهِ إِنَّا لِلّٰهِ وَإِنَّا

مسلمان که برسد او را مصیبتے پس بگوید چیزیرا که امر کرده است خدا تعالی بگفتن آن آن کلمه

إِلَيْهِ رَاجِعُوْنَ ۝ اَللّٰهُمَّ أْجُرْنِيْ فِيْ مُصِيْبَتِيْ وَأَخْلِفْ لِيْ خَيْرًا

استرجاع است لله و این کلمه تا آخر یعنی بار خدایا اجر ده مرا در مصیبت من و بدل گردان مرا بهتر

مِنْهَا إِلَّا أَخْلَفَ اللّٰهُ لَهُ خَيْرًا مِنْهَا فَلَمَّا مَاتَ أَبُوْ سَلَمَةَ قُلْتُ

ازان مگر آنکه بدل میگرداند خدا برای وی بهتر از آنچه فوت شد پس هرگاه مرگ یافت ابو سلمه زوج من گفتم

أَيُّ الْمُسْلِمِيْنَ خَيْرٌ مِنْ أَبِيْ سَلَمَةَ أَوَّلُ أَهْلِ بَيْتٍ هَاجَرَ

که کدام یکے از مسلمانان بهتر است از ابی سلمه که بدل او بمن خواهد رسید که او اول صاحب خانه بود که هجرت کرده

إِلٰى رَسُوْلِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ثُمَّ إِنِّيْ قُلْتُهَا فَأَخْلَفَ

بسوے پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم پس بدرستی من باوجود این استبعاد کلمه اللهم اجرنی تا آخر گفتم پس

اللّٰهُ لِيْ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رَوَاهُ مُسْلِمٌ

خدای تعالی برای من رسول الله صلی الله علیه وسلم را   روا ه مسلم

وَعَنْهَا قَالَتْ دَخَلَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

وهم از ام سلمه رض گفت در آمد آنحضرت صلی الله علیه وسلم

عَلٰى أَبِيْ سَلَمَةَ وَقَدْ شَقَّ بَصَرُهُ فَأَغْمَضَهُ ثُمَّ قَالَ إِنَّ الرُّوْحَ

برابو سلمه حالی که تحقیق باز مانده بود چشم ابی سلمه پس فرو خوابانید آنحضرت بصر را پس فرمود آنحضرت

إِذَا قُبِضَ تَبِعَهُ الْبَصَرُ فَضَجَّ نَاسٌ مِنْ أَهْلِهِ فَقَالَ

که جان چون قبض کرده میشود پس وی میکند او را بصر پس بانگ و فریاد کردند مردمان از اهل خانه ابی سلمه پس گفت

لَا تَدْعُوْا عَلٰى أَنْفُسِكُمْ إِلَّا بِخَيْرٍ فَإِنَّ الْمَلٰئِكَةَ

آنحضرت دعا مکنید برذاتهاے خود مگر به نیکی. زیرا که فرشتگان

يُؤَمِّنُونَ عَلٰى مَا تَقُولُونَ ثُمَّ قَالَ اللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِاَبِيْ سَلَمَةَ

آمین مے گویند بر چیزیکه میگوئید شما پس گفت آنحضرت خداوندا بیامرز ابی سلمہ را

وَارْفَعْ دَرَجَتَهٗ فِي الْمَهْدِيِّيْنَ وَاخْلُفْهُ فِيْ عَقِبِهٖ فِي

و بلند گردان پایہ او را در کسانیکه راه راست نموده شده اند و خلیفه شو در پس وے در

الْغَابِرِيْنَ وَاغْفِرْ لَنَا وَلَهٗ يَا رَبَّ الْعٰلَمِيْنَ وَافْسَحْ لَهٗ

باقی ماندگان وے و بیامرز ما را و مر او را ای پروردگار جهانیان و فراخی کن مر او را

فِيْ قَبْرِهٖ وَنَوِّرْ لَهٗ فِيْهِ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ عَائِشَةَ

در قبر او و روشن گردان مر او را در قبرش رواه مسلم و روایت ست از عائشه صدیقه رضه

قَالَتْ اِنَّ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حِيْنَ تُوُفِّيَ

گفت بدرستی که آنحضرت صلے الله علیه وسلم وقتی که وفات یافت

سُجِّيَ بِبُرْدٍ حِبَرَةٍ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ مُعَاذِ بْنِ جَبَلٍ

پوشیده شد بجامه یعنی بردیمانی مخطط متفق علیه روایت ست از معاذ بن جبل رضه

قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ كَانَ اٰخِرُ

گفت آنحضرت صلے الله علیه وسلم کسیکه باشد آخر

كَلَامِهٖ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ دَخَلَ الْجَنَّةَ رَوَاهُ اَبُوْ دَاوٗدَ

سخن او لا اله الا الله می در آید بهشت را روایت کرد آنرا ابو داؤد

وَعَنْ مَعْقِلِ بْنِ يَسَارٍ رضه قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

و روایت ست از معقل بن یسار رضه گفت فرمود پیغامبر خدا صلے الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِقْرَءُوْا سُوْرَةَ يٰسٓ عَلٰى مَوْتَاكُمْ رَوَاهُ

علیه وسلم بخوانید سوره یس بر مردهای شما یعنی کسیکه بموت قریب است روایت کرد

اَحْمَدُ وَاَبُوْ دَاوٗدَ وَابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ عَائِشَةَ

احمد و ابو داؤد و ابن ماجه و روایت ست از عائشه صدیقه رضه

قَالَتْ اِنَّ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَبَّلَ عُثْمَانَ

گفت بدرستیکه آن حضرت صلی الله علیه وسلم بوسه داد عثمان

بْنَ مَظْعُوْنٍ وَهُوَ مَيِّتٌ وَهُوَ يَبْكِيْ حَتّٰى سَالَ دُمُوْعُ

بن مظعون را وحال آنکه وی مرده بود وآنحضرت گریه می کرد تا آنکه روان شد اشکهای

النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلٰى وَجْهِ عُثْمَانَ رَوَاهُ

پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم بر روی عثمان روایت کرد

التِّرْمِذِيُّ وَاَبُوْ دَاؤدَ وَابْنُ مَاجَةَ وَعَنْهَا قَالَتْ

ترمذی و ابو داؤد و ابن ماجه و هم از عائشه رضـ مرویست که گفت

اِنَّ اَبَا بَكْرٍ رضـ قَبَّلَ النَّبِيَّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَهُوَ

بدرستی که ابو بکر رضـ بوسه داد پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم را وحال آنکه

مَيِّتٌ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ حُصَيْنِ بْنِ وَحْوَحٍ

آنحضرت مرده بود روایت کرد ترمذی و ابن ماجه و روایت است از حصین بن وحوح

اَنَّ طَلْحَةَ بْنَ الْبَرَاءِ مَرِضَ فَاَتَاهُ النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

بدرستیکه طلحه بن براء انصاری بیمار شد پس آمد او را پیغمبر خدا صلی الله علیه

وَسَلَّمَ يَعُوْدُهُ فَقَالَ اِنِّيْ لَا اَرٰى طَلْحَةَ اِلَّا قَدْ حَدَثَ بِهِ

وسلم درحالتیکه عیادت میکرد او را پس فرمود بدرستی که من گمان نمی برم طلحه را مگر آنکه تحقیق پیدا شده

الْمَوْتُ فَاٰذِنُوْنِيْ بِهٖ وَعَجِّلُوْا فَاِنَّهٗ لَا يَنْبَغِيْ لِجِيْفَةِ

مرگ پس خبر کنید مرا بموت وی وشتابی کنید در تجهیز و تکفین زیراکه سزاوار نیست مرده

مُسْلِمٍ اَنْ تُحْبَسَ بَيْنَ ظَهْرَانَيْ اَهْلِهٖ رَوَاهُ اَبُوْ دَاؤدَ

مسلمانی را که بند داشته شود میان اهل خانه وی زیراکه مبادا گندیده شود روایت کرد ابو داود

وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ جَعْفَرٍ رضـ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

و روایت است از عبد الله بن جعفر رضـ گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَقِّنُوا مَوْتَاكُمْ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ الْحَلِيْمُ الْكَرِيْمُ

علیه وسلم تلقین کنید مردهٔ شما را این کلمه توصیف این صفت بشارت بعفو و کرم الهی است نیست هیچ معبودی به حق مگر خدای بردبار کریم پاکست خدا

سُبْحَانَ اللّٰهِ رَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيْمِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعٰلَمِيْنَ ○

شانیست بعظمت و کبریائی حق است تا بشوق حضور گاه نعمت عزت و عظمت شما بفوقت از این محنت باد شاه و راضی باشد بحضور

قَالُوْا يَا رَسُوْلَ اللّٰهِ كَيْفَ لِلْأَحْيَاءِ قَالَ أَجْوَدُ رَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ

گفتند صحابه ای پیغمبر خدا چگونه است این اذکار مر زندگان را گفت اگر برای زنده ایم و تلقین کنیم مر مرده را بهتر و نیکوتر است رواه ابن ماجه

بَابُ سَكَرَاتِ الْمَوْتِ وَمَا يَلْحَقُ الْمَيِّتَ بَعْدَ مَوْتِهِ

باب در بیان سکرات موت و آنچه که لاحق می شود مرده را بعد از موت وی

وَلَوْ تَرٰى إِذْ يَتَوَفَّى الَّذِيْنَ كَفَرُوا الْمَلٰٓئِكَةُ يَضْرِبُوْنَ وُجُوْهَهُمْ

و تعجب می کردی اگر ببینید چون قبض ارواح کافران می کنند فرشتگان میزنند بر روی ایشان

وَأَدْبَارَهُمْ وَذُوْقُوْا عَذَابَ الْحَرِيْقِ ذٰلِكَ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيْكُمْ

و بر پشت ایشان و میگویند بچشید عذاب سوزان این بسبب آن کردار است که پیش فرستاده است دستهای

وَأَنَّ اللّٰهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِّلْعَبِيْدِ وَلَوْ تَرٰى إِذِ الظّٰلِمُوْنَ

و تحقیق که خدای ظلم کننده نیست بر بندگان و تعجب کنی چون بنگری وقتیکه ظالمان

فِيْ غَمَرَاتِ الْمَوْتِ وَالْمَلٰٓئِكَةُ بَاسِطُوْا أَيْدِيْهِمْ أَخْرِجُوْا

در شدائد مرگ باشند و فرشتگان دست خود را دراز می کنند میگویند بیرون آرید

أَنْفُسَكُمُ الْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُوْنِ بِمَا كُنْتُمْ

روحهای خود را امروز جزا داده خواهید شد عذاب رسوا کننده بسبب آن که

تَقُوْلُوْنَ عَلَى اللّٰهِ غَيْرَ الْحَقِّ وَكُنْتُمْ عَنْ اٰيٰتِهٖ تَسْتَكْبِرُوْنَ

می گفتید بر خدا ناحق بسبب آنکه از تصدیق آیات او سرکشی می کردید

وَلَقَدْ جِئْتُمُوْنَا فُرَادٰى كَمَا خَلَقْنٰكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَّتَرَكْتُمْ

و گوییم هر آئینه آمدید پیش ما تنها چنانکه آفریده بودیم شما را اول بار و بگذاشتید

ما خولناكم وراء ظهوركم إن الذين توفاهم الملائكة

...بودیم شما را پس پشت خویش هر آئینه آنکه فرشتگان قبض ارواح ایشان کردند

ظالمي أنفسهم قالوا فيم كنتم قالوا كنا مستضعفين

در حالیکه ستمگار بودند بر خویشتن فرشتگان گفتند در چه حال بودید شما گفتند بودیم بیچارگان

في الأرض قالوا ألم تكن أرض الله واسعة فتهاجروا فيها

در زمین گفتند آیا فراخ نبود زمین خدا تا هجرت میکردید در آن

فأولئك مأواهم جهنم وساءت مصيرا إلا

پس این جماعت جای ایشان جهنم است و بد جائیست مگر

المستضعفين من الرجال والنساء والولدان لا يستطيعون

آنانکه بیچاره اند از مردان و زنان و کودکان هیچ چاره نمی توانند

حيلة ولا يهتدون سبيلا فأولئك عسى الله أن

و هیچ راه نمی یابند پس آنجماعت نزدیک است که خدا

يعفو عنهم وكان الله عفوا غفورا و يرسل عليكم

عفو کند از ایشان و هست خدا عفو کننده آمرزنده و می فرستد بر شما

حفظة حتى إذا جاء أحدكم الموت توفته رسلنا

ملائکه نگاهبان تا وقتیکه بیاید یکی از شما مرگ قبض روح او کنند فرستادگان ما

وهم لا يفرطون ثم ردوا إلى الله مولاهم الحق

و ایشان تقصیر نمیکنند باز گردانیده شوند مردگان بسوی خدا خداوند ایشان حق

ألا له الحكم وهو أسرع الحاسبين الله يتوفى

مر او راست حکم و او شتاب ترین حساب کنندگان است خدا تعالی قبض میکند

الأنفس حين موتها والتي لم تمت في منامها فيمسك

ارواح را نزدیک موت آن و آن روح که مرده است قبض آن میکند در میان خواب آن پس نگاه میدارد

الَّتِي قَضٰى عَلَيْهَا الْمَوْتَ وَيُرْسِلُ الْاُخْرٰى اِلٰى اَجَلٍ مُّسَمًّى

آنرا که حکم موت کرده است بر وے وحی گذارد آن دیگر را تا وقتی معین

اِنَّ فِي ذٰلِكَ لَاٰيٰتٍ لِّقَوْمٍ يَّتَفَكَّرُوْنَ وَعَنْ اَبِي هُرَيْرَةَ

هرآینه درین مقدمه نشانهاست برائے قومیکه تامل می کنند و روایت است از ابی هریره رض

قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الْمَيِّتُ تَحْضُرُهُ

گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم شخصے که میرد حاضر می شوند او را

الْمَلٰٓئِكَةُ فَاِذَا كَانَ الرَّجُلُ صَالِحًا قَالُوا اخْرُجِيْ اَيَّتُهَا

فرشتگان پس چون میباشد مرد میرنده نیکوکار میگویند فرشتگان بیرون آئی ای

النَّفْسُ الطَّيِّبَةُ كَانَتْ فِي الْجَسَدِ الطَّيِّبِ اخْرُجِيْ حَمِيْدَةً

جان پاک که بوده است در تن پاک بیرون آئے ستوده نزد خدا

وَاَبْشِرِيْ بِرَوْحٍ وَّرَيْحَانٍ وَّرَبٍّ غَيْرِ غَضْبَانَ فَلَا يَزَالُ

وخوش باش براحت و رزق پاک و بهشت و پروردگار خشم ناکننده پس همیشه است آن نفس

يُقَالُ لَهَا ذٰلِكَ حَتّٰى تَخْرُجَ ثُمَّ يُعْرَجُ بِهَا اِلَى السَّمَآءِ

که گفته می شود مر او را آن کلام مذکور از روح و بشارت تا آنکه بیرون می آید پس برده می شود او را بسوے

فَيُفْتَحُ لَهَا فَيُقَالُ مَنْ هٰذَا فَيَقُوْلُوْنَ فُلَانٌ فَيُقَالُ مَرْحَبًا

پس کشاده می شود برائے اوی در آسمان پس گفته می شود کیست این پس میگویند ملائکه که او فلان بن فلان است پس گفته

بِالنَّفْسِ الطَّيِّبَةِ كَانَتْ فِي الْجَسَدِ الطَّيِّبِ حَمِيْدَةً وَاَبْشِرِيْ

جان پاک را که بود در تن پاک در آئی ستوده وخوش باش

بِرَوْحٍ وَّرَيْحَانٍ وَّرَبٍّ غَيْرِ غَضْبَانَ فَلَا تَزَالُ يُقَالُ لَهَا

براحت و رزق و پروردگار خشم نکننده پس همیشه است آن نفس که گفته می شود مر او را

ذٰلِكَ حَتّٰى تَنْتَهِيَ اِلَى السَّمَآءِ الَّتِي فِيْهَا اللّٰهُ فَاِذَا كَانَ

آن کلام و برده می شود از آسمانے بآسمان دیگر تا آنکه میرسد بآسمانی که در وے خداست یعنی جهت عرش مجید

الرجل السوء قال اخرجي ايتها النفس الخبيثة كانت

مرد بد میگوید یکی از فرشتگان حاضر بیرون آی ای جان پلید که بودی

في الجسد الخبيث اخرجي ذميمة وابشري بحميم

در تن پلید بیرون آی نکوهیده وخوش باش بآب گرم

وغساق وآخر من شكله ازواج فما تزال يقال

وریم وبعذاب دیگر که مشابه عذاب مذکور اند طرح طرح پس همیشه ست که گفته می شود

لها ذلك حتى تخرج ثم يعرج بها الى السماء فيفتح لها فيقال من

آن نفس را این کلمه تا آنکه بیرون می آید [illegible] برده می شود بسوی آسمان پس گشاده میشود برای وی آسمان [illegible] گفته می شود که کیست

هذا فيقال فلان فيقال لا مرحبا بالنفس الخبيثة كانت في

این پس گفته می شود که فلان بن فلان است پس گفته می شود که مباد فراخی جای جان پلید را که بود در

الجسد الخبيث ارجعي ذميمة فانها لا تفتح لك

تن پلید برگرد نکوهیده زیرا که گشاده نشود برای تو

ابواب السماء فترسل من السماء ثم تصير الى القبر

درهای آسمان پس فرستاده و انداخته می شود بر زمین این پس باز میگردد بسوی قبر

رواه ابن ماجة وعنه ان رسول الله صلى الله

روایت کرد این را ابن ماجه وهم از ابی هریره روایت است بدرستیکه پیغامبر خدا صلی الله

عليه وسلم قال اذا خرجت روح المؤمن تلقاها

علیه وسلم فرمود چون بیرون می آید جان مسلمان پیش می آیند اورا

ملكان يصعدانها قال حماد فذكر من طيب ريحها

دو فرشته که بالا میبرند آنرا گفت حماد که یکی از راویان این حدیث است پس ذکر کرده ابوهریره یا آنحضرت از خوش بوئی آن روح

وذكر المسك قال ويقول اهل السماء روح طيبة

ذکر کرده مشک را گفت ابوهریره یا آنحضرت ومیگویند آسمانیان جانیست پاک

جَاءَتْ مِنْ قِبَلِ الْاَرْضِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْكِ وَعَلٰى جَسَدٍ

که آمده است از جانب زمین درود فرستد خدای تعالی بر تو و بر تنی

كُنْتِ تَعْمُرِيْنَهٗ فَيُنْطَلَقُ بِهٖ اِلٰى رَبِّهٖ ثُمَّ يَقُوْلُ انْطَلِقُوْا

که آباد ان می‌ساختی تو آنرا پس پیش برده می‌شود او را بسوی پروردگار وی پس میگوید ببرید

بِهٖ اِلٰى اٰخِرِ الْاَجَلِ قَالَ وَاِنَّ الْكَافِرَ اِذَا خَرَجَتْ رُوْحُهٗ

او را بسوی آخرت که مراد از آن قیامت است فرمود آنحضرت و بدرستیکه کافر چون بیرون می آید روح او

قَالَ حَمَّادٌ وَذَكَرَ مِنْ نَتْنِهَا وَذَكَرَ لَعْنًا وَيَقُوْلُ اَهْلُ

گفت حماد و ذکر کرد ابو هریره یا آنحضرت از بوی ناخوش آن روح و ذکر کرد لعنت را و میگویند

السَّمَاءِ رُوْحٌ خَبِيْثَةٌ جَاءَتْ مِنْ قِبَلِ الْاَرْضِ فَيُقَالُ

آسمانیان جانیست پلید که آمده است از جانب زمین پس گفته می شود

انْطَلِقُوْا بِهٖ اِلٰى اٰخِرِ الْاَجَلِ قَالَ اَبُوْ هُرَيْرَةَ فَرَدَّ رَسُوْلُ اللّٰهِ

ببرید او را بسوی آخرت که مراد بآن قیامت است گفت ابو هریره پس باز گردانید

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رَيْطَةً كَانَتْ عَلَيْهِ عَلٰى اَنْفِهٖ

صلی الله علیه وسلم چادر ریگه بود بروی بر بینی خود

هٰكَذَا رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى

همچنین روایت کرده مسلم و هم از ابی هریره مرویست گفت فرمود پیغامبر خدا صلی

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِذَا حُضِرَ الْمُؤْمِنُ اَتَتْ مَلٰٓئِكَةُ

الله علیه وسلم چون حاضر کرده می شود مومن یعنے حاضر می شود او را مرگ می آیند ملائکه

الرَّحْمَةِ بِحَرِيْرَةٍ بَيْضَاءَ فَيَقُوْلُوْنَ اخْرُجِيْ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً

رحمت با بریشم پاره سفید پس میگویند فرشتگان بیرون آی خوشنود از خدا خوشنودی کرده شده

عَنْكِ اِلٰى رَوْحِ اللّٰهِ وَرَيْحَانٍ وَرَبٍّ غَيْرِ غَضْبَانَ فَتَخْرُجُ

از تو بسوی راحت که از جانب خداست و بسوی رزق روحانی و پروردگار خشم نکننده پس بیرون می آید

كَأَطْيَبِ رِيحِ الْمِسْكِ حَتَّى أَنَّهُ لَيُنَاوِلُهُ بَعْضُهُمْ بَعْضًا

روح چه بهترین بوی مشک تا آنکه هر آئینه میدهند آن روح را بعضے از فرشتگان بعضی را یعنے دست بدست

حَتَّى يَأْتُوا بِهِ أَبْوَابَ السَّمَاءِ فَيَقُولُونَ مَا أَطْيَبَ هٰذِهِ الرِّيحَ الَّتِي

تا آنکه می آرند اورا نزد درهاے آسمان پس میگویند ملائکه چه خوش است این بوے که

جَاءَتْكُمْ مِنَ الْأَرْضِ فَيَأْتُونَ بِهِ أَرْوَاحَ الْمُؤْمِنِينَ فَلَهُمْ

آمده است شمارا از زمین پس می آرند اورا نزد ارواح مومنان پس هر آئینه ارواح مومنان

أَشَدُّ فَرَحًا مِنْ أَحَدِكُمْ بِغَائِبِهِ يَقْدَمُ عَلَيْهِ فَيَسْأَلُونَهُ

سخت تراند از روی شادمانی از یکے از شما بغایب خود که باز می آید از سفر بروی پس می پرسند اورا

مَاذَا فَعَلَ فُلَانٌ مَاذَا فَعَلَ فُلَانٌ فَيَقُولُونَ دَعُوهُ فَإِنَّهُ

چه شد و چه حال دارد فلان و فلان نام آشناهای برند و حال ایشان می پرسند پس میگویند که بگذارید اورا زیرا که او

فِي غَمِّ الدُّنْيَا فَيَقُولُ قَدْ مَاتَ أَمَا أَتَاكُمْ فَيَقُولُونَ قَدْ

در غم دنیا است پس میگوید به تحقیق مرده است آن آیا نیامده است پیش شما پس میگویند به تحقیق

ذُهِبَ بِهِ إِلَى أُمِّهِ الْهَاوِيَةِ وَإِنَّ الْكَافِرَ إِذَا احْتُضِرَ

برده شده اورا بسوے مادر وی که آتش دوزخ است و بدرستیکه کافر وقتے که حاضر می شود او را موت

أَتَتْهُ مَلٰئِكَةُ الْعَذَابِ بِمِسْحٍ فَيَقُولُونَ اخْرُجِي سَاخِطَةً

می آیند اورا ملائکه عذاب بپلاس درشت پس میگویند بروح کافر بیرون آی ناخوش شوده

مَسْخُوطًا عَلَيْكِ إِلَى عَذَابِ اللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ فَتَخْرُجُ كَأَنْتَنِ

و ناخوشنودی کرده شده بر تو بسوے عذاب خدائے بزرگ پس بیرون می آید روح بسوے ناخوش بچو گنده ترین

رِيحِ جِيفَةٍ حَتَّى يَأْتُونَ بِهِ إِلَى بَابِ الْأَرْضِ فَيَقُولُونَ

بوے مردار تا آنکه می آرند اورا نزد در زمین پس میگویند

مَا أَنْتَنَ هٰذِهِ الرِّيحَ حَتَّى يَأْتُونَ بِهِ أَرْوَاحَ الْكُفَّارِ رَوَاهُ

چه گنده است این بوے تا آنکه می آرند اورا نزد ارواح کافران رواه

أحمد والنسائي وعن البراء بن عازب رضـ قال خرجنا مع

احمد والنسائی در روایت است از براء بن عازب رضـ گفت بیرون آمدیم با

النبي صلى الله عليه وسلم في جنازة رجل من الأنصار

آنحضرت صلی الله علیه وسلم در جنازه مردے از انصار

فانتهينا إلى القبر ولم يلحد فجلس رسول الله صلى الله

پس آخر رسیدیم تا قبر و لحد کرده نشده بود پس نشست پیغمبر خدا صلی الله

عليه وسلم وجلسنا حوله كأن على رؤوسنا الطير

علیه وسلم ونشستیم باگرد آنحضرت سر فرو برده گویا بر سرما پرنده نشسته است

وفي يده عود ينكت به في الأرض فرفع رأسه فقال

و در دست آنحضرت چوبے بود که می کاوید و خط می کشید بآن چوب در زمین پس برداشت سر خود را

استعيذوا بالله من عذاب القبر مرتين أو ثلثا ثم قال

پناه جوئید بخدا از عذاب قبر دو بار گفت این سخن را یا سه بار پستر گفت آنحضرت

إن العبد المؤمن إذا كان في انقطاع من الدنيا وإقبال

بدرستیکه بنده مسلمان وقتی که می باشد در پے بریدگی از دنیا و می باشد در رو آوردن

من الآخرة نزل إليه ملئكة من السماء بيض الوجوه

باخرت فرود می آیند بسوئے وے فرشتگان از آسمان که روهای ایشان سفید است

كأن وجوههم الشمس معهم كفن من أكفان الجنة

گویا که روهای ایشان آفتاب است با ایشان کفنی است از کفنها ے بهشت

وحنوط من حنوط الجنة حتى يجلسوا منه مد البصر

وحنوط است از حنوطهای بهشت تا آنکه می نشینند این فرشتگان از میت دور تا درازی بصر

ثم يجيء ملك الموت عليه السلام حتى يجلس عند رأسه فيقول

باز می آید فرشته موت که عزرائیل است تا آنکه می نشیند نزد سر میت پس میگوید

أَيَّتُهَا النَّفْسُ الطَّيِّبَةُ اخْرُجِي إِلَى مَغْفِرَةٍ مِّنَ اللهِ وَرِضْوَانٍ

ای جان پاک بیرون آی بسوی آمرزش از خدا و رضای عظیم از وی

قَالَ فَتَخْرُجُ تَسِيلُ كَمَا تَسِيلُ الْقَطْرَةُ مِنَ السِّقَاءِ فَيَأْخُذُهَا

فرمود آنحضرت پس بیرون آید روح در حالیکه روان میشود چنانکه روان میگردد آب از مشک پس بگیرد ملک الموت

فَإِذَا أَخَذَهَا لَمْ يَدَعُوهَا فِي يَدِهِ طَرْفَةَ عَيْنٍ حَتَّى يَأْخُذُوهَا

پس چون میگیرد ملک الموت آنرا نمیگذارند فرشتگان آن روح را در دست ملک الموت یک چشم زدن تا آنکه میگیرند فرشتگان روح را

فَيَجْعَلُوهَا فِي ذٰلِكَ الْكَفَنِ وَفِي ذٰلِكَ الْحَنُوطِ وَتَخْرُجُ مِنْهَا

پس میکنند آن روح را در آن کفن و در آن حنوط و بیرون آید از آن روح رائحه

كَأَطْيَبِ نَفْحَةِ مِسْكٍ وُجِدَتْ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ قَالَ

همچو خوشبوترین دمیدن بوی مشک که یافته شده است بر روی زمین فرمود آنحضرت

فَيَصْعَدُونَ بِهَا فَلَا يَمُرُّونَ يَعْنِي بِهَا عَلَى مَلَإٍ مِّنَ

پس بالا می برند فرشتگان آنرا پس نمیگذرند فرشتگان یعنی با آن روح بر هیچ جماعتی از

الْمَلٰٓئِكَةِ إِلَّا قَالُوا مَا هٰذَا الرُّوحُ الطَّيِّبُ فَيَقُولُونَ فُلَانُ

فرشتگان مگر آنکه میگویند چیست این روح پاک پس میگویند فلان

بْنُ فُلَانٍ بِأَحْسَنِ أَسْمَائِهِ الَّتِي كَانُوا يُسَمُّونَهُ بِهَا فِي

بن فلان است میخوانند آنرا به نیکوترین نامهای وی که میخواندند او را بدان نامها در

الدُّنْيَا حَتَّى يَنْتَهُوا بِهَا إِلَى السَّمَاءِ الدُّنْيَا فَيَسْتَفْتِحُونَ

دنیا تا آنکه میرسند با وی تا آسمان که فرود ترین آسمانها است پس طلب در کشادن میکنند

لَهُ فَيُفْتَحُ لَهُمْ فَيُشَيِّعُهُ مِنْ كُلِّ سَمَاءٍ مُقَرَّبُوهَا إِلَى السَّمَاءِ

برای وی پس کشاده می شود در برای ایشان پس متابعت میکنند او را از هر آسمان مقربان آن تا آسمانی

الَّتِي تَلِيهَا حَتَّى يُنْتَهَى بِهِ إِلَى السَّمَاءِ السَّابِعَةِ فَيَقُولُ اللهُ

که متصل است تا آنکه بآخر رسیده می شود بآن روح تا آسمان هفتم پس میگوید خدای تعالی

عَزَّ وَجَلَّ اُكْتُبُوْا كِتَابَ عَبْدِيْ فِيْ عِلِّيِّيْنَ وَاَعِيْدُوْهُ اِلَى

بنویسید نامهٔ بندهٔ مرا در علیین که نام موضعی است در آسمان و باز گردانید او را

الْاَرْضِ فَاِنِّيْ مِنْهَا خَلَقْتُهُمْ وَفِيْهَا اُعِيْدُهُمْ وَمِنْهَا اُخْرِجُهُمْ

بسوی زمین برا که من از زمین پیدا کرده ام آدمیان را و در زمین باز میگردانم ایشان را و از زمین بیرون می آرم ایشان را

تَارَةً اُخْرٰى قَالَ فَتُعَادُ رُوْحُهُ فِيْ جَسَدِهِ فَيَاْتِيْهِ مَلَكَانِ

بار دگر فرمود آنحضرت پس باز گردانیده می شود روح وی در تن وی پس می آیند پیش او دو فرشته

فَيُجْلِسَانِهِ فَيَقُوْلَانِ لَهُ مَنْ رَّبُّكَ فَيَقُوْلُ رَبِّيَ اللّٰهُ

پس می نشانند او را پس میگویند او را کیست پروردگار تو پس میگوید بنده پروردگار من خداست

فَيَقُوْلَانِ لَهُ مَا دِيْنُكَ فَيَقُوْلُ دِيْنِيَ الْاِسْلَامُ فَيَقُوْلَانِ

پس میگویند او را چیست دین تو پس میگوید دین من اسلام است پس میگویند

لَهُ مَا هٰذَا الرَّجُلُ الَّذِيْ بُعِثَ فِيْكُمْ فَيَقُوْلُ هُوَ رَسُوْلُ اللّٰهِ

او را چیست این مردی که بر انگیخته شده است در شما پس میگوید میت وی پیغمبر خدا است

فَيَقُوْلَانِ لَهُ وَمَا عِلْمُكَ فَيَقُوْلُ قَرَأْتُ كِتَابَ اللّٰهِ فَاٰمَنْتُ

پس میگویند او را چیست علم تو برسالت وی پس میگوید میت خواندم کتاب خدا را که قرآن است پس ایمان آوردم

بِهِ وَصَدَّقْتُ فَيُنَادِيْ مُنَادٍ مِّنَ السَّمَآءِ اَنْ صَدَقَ عَبْدِيْ

باو و راست گرو داشتم پس آواز میدهد آواز دهنده از آسمان که راست گفت بندهٔ من

فَافْرِشُوْهُ مِنَ الْجَنَّةِ وَاَلْبِسُوْهُ مِنَ الْجَنَّةِ وَافْتَحُوْا لَهُ بَابًا

پس فرش گردانید برای او از بهشت و بپوشانید او را لباس از بهشت و بکشائید برای او دروازه

اِلَى الْجَنَّةِ قَالَ فَيَاْتِيْهِ مِنْ رَّوْحِهَا وَطِيْبِهَا وَيُفْسَحُ لَهُ فِيْ

بسوی بهشت فرمود آنحضرت پس می آید او را از راحت بهشت و خوشبوی بهشت پس کشاده می شود برای وی

قَبْرِهِ مَدَّ بَصَرِهِ قَالَ وَيَاْتِيْهِ رَجُلٌ حَسَنُ الْوَجْهِ حَسَنُ الثِّيَابِ

قبر وی تا درازی بصر فرمود آنحضرت و می آید او را مردی نیک روی نیکو جامه

طِيبِ الرِّيحِ فَيَقُولُ أَبْشِرْ بِالَّذِي يَسُرُّكَ هٰذَا يَوْمُكَ

خوشبوئی پس میگوید آنمرد که مژده باد ترا بآنچه شادمان گرداند ترا این روز تست

الَّذِي كُنْتَ تُوعَدُ فَيَقُولُ لَهُ مَنْ أَنْتَ فَوَجْهُكَ الْوَجْهُ

که وعده کرده میشدی تو پس میگوید مرده مر آنمرد را که چه کسے تو پس روی تو روی کامل و حسن و جمال

يَجِيءُ بِالْخَيْرِ فَيَقُولُ أَنَا عَمَلُكَ الصَّالِحُ فَيَقُولُ رَبِّ أَقِمِ

که می آرد نیکی را پس میگوید آنمرد که من عمل نیک توام پس می گوید اے پروردگار برپا کن

السَّاعَةَ أَقِمِ السَّاعَةَ حَتّٰى أَرْجِعَ إِلٰى أَهْلِي وَمَالِي قَالَ

قیامت که کنایه است از حیات تا آنکه باز برگردم بسوے اہل خانہ خود و بسوے مال خود فرمود آنحضرت

وَإِنَّ الْعَبْدَ الْكَافِرَ إِذَا كَانَ فِي انْقِطَاعٍ مِنَ الدُّنْيَا

بدرستیکه بنده کافر وقتے که می باشد در بریدگی از دنیا

وَإِقْبَالٍ مِنَ الْآخِرَةِ نَزَلَ إِلَيْهِ مِنَ السَّمَاءِ مَلَائِكَةٌ سُودُ

وروے آوردن از آخرت فرود می آیند بسوے وے از آسمان فرشتگان سیاه

الْوُجُوهِ مَعَهُمُ الْمُسُوحُ فَيَجْلِسُونَ مِنْهُ مَدَّ الْبَصَرِ

روے و با ایشان پلاسہا آدمی نشینند از میت تا آنجا که نظر کار می کند

ثُمَّ يَجِيءُ مَلَكُ الْمَوْتِ حَتّٰى يَجْلِسَ عِنْدَ رَأْسِهِ فَيَقُولُ

پستر می آید ملک الموت تا آنکه می نشیند نزد سر او پس می گوید

أَيَّتُهَا النَّفْسُ الْخَبِيثَةُ اخْرُجِي إِلٰى سَخَطٍ مِنَ اللّٰهِ قَالَ

ای جان خبیث بیرون آ بسوے خشم و ناخوشنودی از خدا فرمود آنحضرت

فَتَفَرَّقُ فِي جَسَدِهِ فَيَنْتَزِعُهَا كَمَا يُنْتَزَعُ السَّفُّودُ مِنَ

پس پریشان می شود روح در جسد کافر پس میکشد آنروح را ملک الموت چنانکه کشیده میشود سیخ گرم از

الصُّوفِ الْمَبْلُولِ فَيَأْخُذُهَا فَإِذَا أَخَذَهَا لَمْ يَدَعُوهَا

پشم تر پس میگیرد ملک الموت آنروح را پس چون میگیرد آنروح را نمیگذارند فرشتگان آنروح

فِي يَدِهِ طَرْفَةَ عَيْنٍ حَتَّى يَجْعَلُوهَا فِي تِلْكَ الْمُسُوحِ

در دست او چشم زدن تا آنکه می کنند فرشتگان آن روح را درین مسوح

وَيَخْرُجُ مِنْهَا كَأَنْتَنِ رِيحِ جِيفَةٍ وُجِدَتْ عَلَى وَجْهِ

و بیرون می آید از آن روح مانند بوی بدترین مرداری که یافته می شود بر روی

الْأَرْضِ فَيَصْعَدُونَ بِهَا فَلَا يَمُرُّونَ بِهَا عَلَى مَلَإٍ مِنَ

زمین پس بالا می برند فرشتگان او را پس نمی گذرند فرشتگان با او بر جماعتی از

الْمَلَائِكَةِ إِلَّا قَالُوا مَا هَذَا الرُّوحُ الْخَبِيثَةُ فَيَقُولُونَ

فرشتگان مگر آنکه میگویند چیست این روح خبیث پس میگویند فرشتگان همراهیان که

فُلَانُ بْنُ فُلَانٍ بِأَقْبَحِ أَسْمَائِهِ الَّتِي كَانَ يُسَمَّى بِهَا فِي

فلان بن فلان است میخوانند آنرا به بدترین نامها که میخواندند او را بدان نامها در

الدُّنْيَا حَتَّى يُنْتَهَى بِهِ إِلَى السَّمَاءِ الدُّنْيَا فَيُسْتَفْتَحُ لَهُ

دنیا تا آنکه میرسند با وی تا آسمان دنیا پس طلب در کشادن میکنند برای وی

فَلَا يُفْتَحُ لَهُ ثُمَّ قَرَأَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

پس کشاده نمی شود در برای وی پس خواند پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

لَا تُفَتَّحُ لَهُمْ أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَلَا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتَّى

کشاده نمی شود برای کافران درهای آسمانها و در نمی آیند کافران در بهشت تا آنکه

يَلِجَ الْجَمَلُ فِي سَمِّ الْخِيَاطِ فَيَقُولُ اللهُ عَزَّ وَجَلَّ

در آید شتر با آن ضخامت در سوراخ سوزن پس میگوید حق تعالی بزرگ و بلند

اكْتُبُوا كِتَابَهُ فِي سِجِّينٍ فِي الْأَرْضِ السُّفْلَى فَتُطْرَحُ

بنویسید نامه او را در سجین که نام جائی است در تحت زمین پائین ترین پس انداخته می شود

رُوحُهُ طَرْحًا ثُمَّ قَرَأَ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللهِ فَكَأَنَّمَا خَرَّ

روح کافر انداختنی [illegible] پس خواند این آیت را که کسیکه شرک آرد بخدا پس گویا که افتاد

مِنَ السَّمَاءِ فَتَخْطَفُهُ الطَّيْرُ اَوْ تَهْوِیْ بِهِ الرِّیْحُ فِیْ مَكَانٍ

از آسمان پس میربایند او را پرندگان یا می اندازد او را باد در جاے

سَحِیْقٍ فَتُعَادُ رُوْحُهُ فِیْ جَسَدِهِ وَیَاْتِیْهِ مَلَكَانِ فَیُجْلِسَانِهِ

دور پس عود کرده میشود روح او در تن او و می آید او را دو فرشته پس می نشانند او را

فَیَقُوْلَانِ لَهُ مَنْ رَّبُّكَ فَیَقُوْلُ هَاهْ هَاهْ لَا اَدْرِیْ فَیَقُوْلَانِ

پس میگویند او را کیست پروردگار تو پس میگوید کافر هاه هاه کلمهٔ تحسر و حیرت نمی دانم پس میگویند

لَهُ مَا هٰذَا الرَّجُلُ الَّذِیْ بُعِثَ فِیْكُمْ فَیَقُوْلُ هَاهْ هَاهْ لَا اَدْرِیْ

مر او را چیست حال این مرد که برانگیخته شده است در شما پس میگوید کافر هاه هاه دانستم کیست او

فَیُنَادِیْ مُنَادٍ مِّنَ السَّمَاءِ اَنْ كَذَبَ فَافْرِشُوْهُ مِنَ النَّارِ

پس آواز میدهد آواز دهنده از آسمان که دروغ گفت پس فرش گردانید برای وی از آتش

وَافْتَحُوْا لَهُ بَابًا اِلَى النَّارِ فَیَاْتِیْهِ مِنْ حَرِّهَا وَسَمُوْمِهَا

و بکشایید برای وی دری بسوی آتش پس می آید وی را از حرارت دوزخ و باد گرم آتش

وَیُضَیَّقُ عَلَیْهِ قَبْرُهُ حَتّٰى تَخْتَلِفَ فِیْهِ اَضْلَاعُهُ وَیَاْتِیْهِ

و تنگ گردانیده میشود بر کافر قبر او تا آنکه در هم شکند و استخوانهای پهلوی وی و می آید او را

رَجُلٌ قَبِیْحُ الْوَجْهِ قَبِیْحُ الثِّیَابِ مُنْتِنُ الرِّیْحِ فَیَقُوْلُ

مردی بدشکل و بد جامه گنده بوی پس میگوید آنمرد

اَبْشِرْ بِالَّذِیْ یَسُوْءُكَ هٰذَا یَوْمُكَ الَّذِیْ كُنْتَ تُوْعَدُ

مژده باد ترا بآنچه که غمگین گرداند ترا این روز تست که وعده کرده میشدی تو

فَیَقُوْلُ مَنْ اَنْتَ فَوَجْهُكَ الْوَجْهُ یَجِیْءُ بِالشَّرِّ فَیَقُوْلُ

پس میگوید میت کافر کیست تو پس روی تو روی کامل است در زشتی روی که میآرد بتو شر را پس میگوید آنمرد

اَنَا عَمَلُكَ الْخَبِیْثُ فَیَقُوْلُ رَبِّ لَا تُقِمِ السَّاعَةَ وَفِیْ رِوَایَةٍ

که من عمل بد توام پس میگوید میت کافر ای پروردگار من قایم مکن قیامت را و در روایتی دیگر

نحوه وزاد فيه اذا خرج روحه صلى عليه كل ملك بين

مانند آنچه که مذکور شده است و زیاده کرده در روایت که چون بیرون آید جان مومن درود میفرستد بر وی هر فرشته که

السماء والارض وكل ملك في السماء وفتحت ابواب السماء

آسمان و زمین است و هر فرشته که در آسمان است و کشاده شود برای وی درهای آسمان

ليس من اهل باب الا وهم يدعون الله ان يعرج بروحه

نیست هیچ جماعه از اهل هیچ دری از درهای آسمان مگر آنکه ایشان میخواهند خدا را و دعا میکنند که برداشته شود روح او

من قبلهم وتنزع نفسه يعني الكافر مع العروق

از جانب ایشان و کشیده میشود جان وی یعنی جان کافر با رگهای او

فيلعنه كل ملك بين السماء والارض وكل ملك في

پس لعنت میکنند او را هر فرشته که میان آسمان و زمین است و هر فرشته که در میان

السماء وتغلق ابواب السماء ليس من اهل باب الا وهم

آسمان است و بسته می شود درهای آسمان نیستند از اهل هر در مگر آنکه ایشان

يدعون الله ان لا يعرج روحه من قبلهم رواه احمد

میخواهند خدا را و دعا میکنند که برداشته نشود روح او از جانب ایشان رواه احمد

وعن عبد الرحمن بن كعب عن ابيه قال لما حضرت

و روایت است از عبد الرحمن بن کعب از پدر خود گفت هرگاه که حاضر شد

كعبا الوفاة اتته ام بشر بنت البراء بن معرور

کعب را وفات آمد او را ام بشر بنت براء بن معرور

فقالت يا ابا عبد الرحمن ان لقيت فلانا فاقرا عليه

پس گفت ای ابا عبد الرحمن اگر ملاقات بکنی فلان را پس بخوان بر وی

مني السلام فقال غفر الله لك يا ام بشر نحن اشغل

از جانب ما سلام پس گفت کعب بن مالک بیامرزد ترا خدا ای ام بشر ما مشغول تر ایم

مِنْ ذٰلِكَ فَقَالَتْ يَا اَبَا عَبْدِ الرَّحْمٰنِ اَمَا سَمِعْتَ رَسُوْلَ اللّٰهِ

از ینکه سلام و پیام برسانم پس گفت ام بشر اے ابو عبد الرحمن آیا نشنیدی آنحضرت را

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُوْلُ اِنَّ اَرْوَاحَ الْمُؤْمِنِيْنَ فِيْ طَيْرٍ

صلی اللہ علیہ وسلم که میگفت بدرستیکه ارواح مومنان نهاده میشوند در پرندگان

خُضْرٍ تَعْلُقُ بِشَجَرِ الْجَنَّةِ قَالَ بَلٰى قَالَتْ فَهُوَ ذَاكَ رَوَاهُ

سبز که میچرند در درختان بهشت گفت آرے شنیدم گفت ام بشر پس این آن فضل و کرم است روایه

ابْنُ مَاجَةَ وَالْبَيْهَقِيُّ فِيْ كِتَابِ الْبَعْثِ وَالنُّشُوْرِ

ابن ماجه و بیهقی در کتاب بعث و نشور

وَعَنْ اَبِيْهِ اَنَّهٗ كَانَ يُحَدِّثُ اَنَّ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

و روایت است از پدر وے بدرستیکه او در که حدیث میکرد بدرستیکه پیغامبر خدا صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ اِنَّمَا نَسَمَةُ الْمُؤْمِنِ طَيْرٌ تَعْلُقُ فِيْ شَجَرِ الْجَنَّةِ

علیه وسلم فرمود نیست روح مومن مگر طیر که میچرد در درختان بهشت

حَتّٰى يَرْجِعَهُ اللّٰهُ فِيْ جَسَدِهٖ يَوْمَ يَبْعَثُهٗ رَوَاهُ مَالِكٌ

تا آنکه باز بسگرداند او را خدای تعالیٰ در تن او روزیکه برانگیزد او را خداے [illegible]

وَالنَّسَائِيُّ وَالْبَيْهَقِيُّ فِيْ كِتَابِ [illegible] وَالنُّشُوْرِ

و النسائی و بیهقی در کتاب [illegible] نشور

وَعَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْمُنْكَدِرِ قَالَ دَخَلْتُ عَلٰى جَابِرِ بْنِ

و روایت است از محمد بن منکدر گفت در آمدم بر جابر بن

عَبْدِ اللّٰهِ وَهُوَ يَمُوْتُ فَقُلْتُ اقْرَأْ عَلٰى رَسُوْلِ اللّٰهِ

عبد الله رض حال نکه [illegible]

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ [illegible] رَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ

صلی الله علیه وسلم [illegible] روایه ابن ماجه

۲۵۷

وَعَنْ بُرَيْدَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ
وروایت است از بریده رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی اللہ علیه
وَسَلَّمَ الْمُؤْمِنُ يَمُوْتُ بِعَرَقِ الْجَبِيْنِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَ
وسلم مومن بمیرد با عرق پیشانی روایه ترمذی و
النَّسَائِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ عُمَرَ رض قَالَ قَالَ
النسائی وابن ماجه وروایت است از عبد الله بن عمر رض گفت فرمود
رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِنَّ اَحَدَكُمْ اِذَا مَاتَ عُرِضَ
پیغمبر خدا صلی اللہ علیه وسلم بدرستیکه یکی از شما چون بمیرد ظاهر کرده شود
عَلَيْهِ مَقْعَدُهُ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ اِنْ كَانَ مِنْ اَهْلِ الْجَنَّةِ
برای نشست گاه او بهامداد و شبانگاه اگر باشد آن شخص از اهل بهشت
فَمِنْ اَهْلِ الْجَنَّةِ وَاِنْ كَانَ مِنْ اَهْلِ النَّارِ فَمِنْ اَهْلِ النَّارِ
پس باشد جای او از بهشت و اگر باشد آنکس از اهل دوزخ پس باشد جای نشست او از دوزخ
هٰذَا مَقْعَدُكَ حَتّٰى يَبْعَثَكَ اللّٰهُ اِلَيْهِ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ مُتَّفَقٌ
گفته شود که این جای نشست تو است تا آنکه برانگیزد ترا خدای تعالی بسوی خود روز قیامت متفق
عَلَيْهِ وَعَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ
علیه است وروایت کرده شده است از ابی هریره گفت فرمود پیغامبر خدا
صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِذَا قُبِرَ الْمَيِّتُ اَتَاهُ مَلَكَانِ اَسْوَدَانِ
صلی اللہ علیه وسلم چون نهاده میشود میت در قبر می آیند او را دو فرشته در صورت آدمی سیاه رنگ
اَزْرَقَانِ يُقَالُ لِاَحَدِهِمَا الْمُنْكَرُ وَلِلْاٰخَرِ النَّكِيْرُ فَيَقُوْلَانِ
کبود چشم گفته میشود مر یکی را از ایشان منکر و دیگری را نکیر پس میگویند آن هر دو
مَا كُنْتَ تَقُوْلُ فِيْ هٰذَا الرَّجُلِ فَيَقُوْلُ هُوَ عَبْدُ اللّٰهِ وَرَسُوْلُهُ
چه بود تو که میگفتی در حال این مرد پس میگوید میت که آن مرد بنده خدا و پیغمبر اوست

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ فَيَقُولَانِ

گواهی میدهم بآنکه نیست هیچ معبود مگر خدای و گواهی میدهم که محمد بنده خدا و رسول اوست پس میگویند هر دو

قَدْ كُنَّا نَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُولُ هٰذَا ثُمَّ يُفْسَحُ لَهُ فِي قَبْرِهِ سَبْعُونَ

که بدرستیکه ما بودیم بر دانستن که بتحقیق تو میگوئی این پس کشاده کرده می شود برای وے در قبر وے هفتاد

ذِرَاعًا فِي سَبْعِينَ ثُمَّ يُنَوَّرُ لَهُ فِيهِ ثُمَّ يُقَالُ لَهُ نَمْ

ذراع در هفتاد ذراع پس روشن کرده شود در قبر او پس گفته میشود برای وے که خواب باش

فَيَقُولُ أَرْجِعُ إِلَى أَهْلِي فَأُخْبِرُهُمْ فَيَقُولَانِ نَمْ كَنَوْمَةِ الْعَرُوسِ

میگوید که باز میروم بسوی اہل خانه من پس خبر میدهم ایشانرا پس میگویند هر دو فرشته خواب کن همچو خواب عروس

الَّذِي لَا يُوقِظُهُ إِلَّا أَحَبُّ أَهْلِهِ إِلَيْهِ حَتّٰى يَبْعَثَهُ اللّٰهُ مِنْ

که بیدار نمیکند او را مگر محبوب‌ترین از اہل وے بسوی وے یعنی زوج تا آنکه بر خیزاند او را خدا تعالی از

مَضْجَعِهِ ذٰلِكَ وَإِنْ كَانَ مُنَافِقًا قَالَ سَمِعْتُ النَّاسَ يَقُولُونَ

جای آرام او که اینست و اگر باشد آن میت منافق میگوید در جواب فرشته که شنیدم من مردمانرا که میگفتند

قَوْلًا فَقُلْتُ مِثْلَهُ لَا أَدْرِي فَيَقُولَانِ قَدْ كُنَّا نَعْلَمُ أَنَّكَ

قولے پس گفتم من مثل آن قول نمیدانم از واقعیت آن پس میگویند بتحقیق ما می دانستیم که تو

تَقُولُ ذٰلِكَ فَيُقَالُ لِلْأَرْضِ الْتَئِمِي فَتَلْتَئِمُ عَلَيْهِ فَتَخْتَلِفُ

میگوئی همچنین پس گفته میشود مر زمین را که بر هم آبی بر وے پس با هم بر میاید و می پیچد زمین بر وے پس مختلف میشود

أَضْلَاعُهُ فَلَا يَزَالُ فِيهَا مُعَذَّبًا حَتّٰى يَبْعَثَهُ اللّٰهُ مِنْ مَضْجَعِهِ

پهلوی وے پس همیشه باشد آن میت در آن قبر عذاب کرده شده تا آنکه بر انگیزد او را خدا از آن جا بجاء

ذٰلِكَ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنِ الْبَرَاءِ بْنِ عَازِبٍ رض

وے روایت ترمذی در روایت است از براء بن عازب رض

عَنْ رَسُولِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا ... الْمُؤْمِنُ

از پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم فرمود چون ... هر مومن

يَأْتِيهِ مَلَكَانِ فَيُجْلِسَانِهِ فَيَقُولَانِ لَهُ مَا دِينُكَ فَيَقُولُ

مى‌آيند آنرا دو فرشته پس مى نشانند اورا پس ميگويند مر اميت را كه چيست دين تو پس ميگويد

دِينِيَ الْإِسْلَامُ فَيَقُولَانِ مَا هٰذَا الرَّجُلُ الَّذِي بُعِثَ

دين من اسلام است پس ميگويند چيست حال اين مرد كه برانگيخته شده است

فِيكُمْ فَيَقُولُ هُوَ رَسُولُ اللّٰهِ فَيَقُولَانِ لَهُ وَمَا يُدْرِيكَ

در شما پس ميگويد مومن كه وى فرستاده خداست پس ميگويند مر اورا چه چيز دانا كرد ترا كه رسول خداست

فَيَقُولُ قَرَأْتُ كِتَابَ اللّٰهِ فَآمَنْتُ بِهِ وَصَدَّقْتُ فَذٰلِكَ

پس ميگويد مومن خواندم كتاب خدارا پس ايمان آوردم بوے و گرويدم پس آنست مراد

قَوْلُهُ تَعَالَى يُثَبِّتُ اللّٰهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي

بقول خداوند تعالى براو تثبيت درين قول جواب فرشتگان است و در قبر

الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا الاية قَالَ فَيُنَادِي مُنَادٍ مِّنَ السَّمَاءِ

بران وجه كه مذكور شده فرمود آنحضرت پس آواز ميدهد آواز دهنده از آسمان

أَنْ صَدَقَ عَبْدِي فَافْرِشُوهُ مِنَ الْجَنَّةِ وَأَلْبِسُوهُ مِنَ

كه راست گفت بنده من بگسترانيد براے بنده فرشے از فرشهاے بهشت و بپوشانيد اورا از

الْجَنَّةِ وَافْتَحُوا لَهُ بَابًا إِلَى الْجَنَّةِ فَيُفْتَحُ لَهُ قَالَ فَيَأْتِيهِ

رختهاے جنت و بگشائيد براے وى درے بسوے بهشت پس گشاده ميشود براو درے پس فرمود آنحضرت پس مى‌آيد مومن را

مِنْ رَوْحِهَا وَطِيبِهَا وَيُفْسَحُ لَهُ فِيهَا مَدَّ بَصَرِهِ وَأَمَّا

از راحت بهشت ونسيم آن و فراخ كرده ميشود اورا در جاے بهشت تا غايتے كه ميرسد نظر وى وليكن

الْكَافِرُ فَذَكَرَ مَوْتَهُ قَالَ وَيُعَادُ رُوحُهُ فِي جَسَدِهِ وَ

كافر پس ذكر كرد آنحضرت مرگ اورا فرمود و باز آورده ميشود روح او در تن وے و

يَأْتِيهِ مَلَكَانِ فَيُجْلِسَانِهِ فَيَقُولَانِ مَنْ رَبُّكَ فَيَقُولُ

مى‌آيند پياده دو فرشته پس مى نشانند اورا پس ميگويند كيست پروردگار تو پس ميگويد كافر

هَاهْ هَاهْ لَا اَدْرِيْ فَيَقُوْلَانِ لَهٗ مَا دِيْنُكَ فَيَقُوْلُ هَاهْ

هاه هاه نمی دانم و در نمی یابم پس میگویند مر او را چیست دین تو پس میگوید هاه

هَاهْ لَا اَدْرِيْ فَيَقُوْلَانِ مَا هٰذَا الرَّجُلُ الَّذِيْ بُعِثَ فِيْكُمْ

هاه نمی دانم و در نمی یابم پس میگویند چیست حال اینمرد که برانگیخته شده است در شما

فَيَقُوْلُ هَاهْ هَاهْ لَا اَدْرِيْ فَيُنَادِيْ مُنَادٍ مِّنَ السَّمَآءِ اَنْ

پس میگوید هاه هاه نمی دانم و در نمی یابم پس آواز میدهد آواز دهنده از آسمان که

كَذَبَ فَافْرِشُوْهُ مِنَ النَّارِ وَ اَلْبِسُوْهُ مِنَ النَّارِ وَافْتَحُوْا لَهٗ

دروغ گفت این کافر پس بگسترانید فرشے برائے وے از آتش و بپوشانید او را از پوششهای دوزخ و بگشائید برائے او

بَابًا اِلَى النَّارِ قَالَ فَيَاْتِيْهِ مِنْ حَرِّهَا وَسَمُوْمِهَا قَالَ

درے بسوئے دوزخ فرمود آنحضرت پس می آید او را از گرمی و تاب آتش و باد گرم آن گفت آنحضرت

وَيُضَيَّقُ عَلَيْهِ قَبْرُهٗ حَتّٰى تَخْتَلِفَ فِيْهِ اَضْلَاعُهٗ ثُمَّ

و تنگ کرده میشود بر کافر گور او تا آنکه مختلف و متبدل گردد در قبر وے استخوانهائے او پس تر

يُقَيَّضُ لَهٗ اَعْمٰى وَاَصَمُّ مَعَهٗ مِرْزَبَّةٌ مِّنْ حَدِيْدٍ

مسلط گردانیده میشود بر وے کورے و کرے که نمی شنود و گوش نمی نهد بفریاد او و با او کلوخ کوب است از آهن

لَوْ ضُرِبَ بِهَا جَبَلٌ لَصَارَ تُرَابًا فَيَضْرِبُهٗ بِهَا ضَرْبَةً

اگر زده شود بر کوهے هر آئینه میگردد خاک پس میزند او را بآن زدنی

يَسْمَعُهَا مَا بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ اِلَّا الثَّقَلَيْنِ فَيَصِيْرُ

میشنود آواز آن را هر چه درمیان مشرق و مغرب است مگر جن و انس پس میگردد کافر

تُرَابًا ثُمَّ يُعَادُ فِيْهِ الرُّوْحُ رَوَاهُ اَحْمَدُ وَاَبُوْ دَاوٗدَ وَعَنْ

خاک بستر باز آورده میشود روح در بدن او روایت کرد احمد و ابو داؤد و روایت است

عُثْمَانَ رض اَنَّهٗ كَانَ اِذَا وَقَفَ عَلٰى قَبْرٍ بَكٰى حَتّٰى يَبُلَّ لِحْيَتَهٗ

از عثمان رض بدرستیکه بود وے رض چون می استاد بر سر گورے میگریست تا آنکه تر میساخت ریش خود را

مرگ بهتر از دیار... دیدم اگر یک ذره از شدائد مرگ بر کوهها افتند همه کوهها ریزه ریزه شوند و کوه طاقت نیارد بیچاره آدمی طاقت او برای شدت و مشقت و رنج و محنت شده است نه برای تن آسانی و راحت کما قال الله تعالی جل شانه لَقَدْ خَلَقْنَا الْاِنْسَانَ فِيْ كَبَدٍ

فَقِيلَ لَهُ تَذْكُرُ الْجَنَّةَ وَالنَّارَ فَلَا تَبْكِي وَتَبْكِي مِنْ هٰذَا

پس گفته شود او را که ذکر میکنی بهشت را و دوزخ را پس نمیگریی و گریه میکنی ازین یعنے از استادن بر قبر

فَقَالَ إِنَّ رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ إِنَّ الْقَبْرَ

پس گفت بدرستیکه آنحضرت صلے الله علیه وسلم فرمود بدرستیکه قبر

أَوَّلُ مَنْزِلٍ مِنْ مَنَازِلِ الْآخِرَةِ فَإِنْ نَجَا مِنْهُ فَمَا بَعْدَهُ

نخستین منزلیست از منزل های آخرت پس اگر کسے برست از عذاب قبر پس چیزیکه پس از وست از منزلها

أَيْسَرُ مِنْهُ وَإِنْ لَمْ يَنْجُ مِنْهُ فَمَا بَعْدَهُ أَشَدُّ مِنْهُ وَقَالَ

آسان تر است و اگر نرست از عذاب قبر پس آنچه بعد از وست سخت تر است ازان وگفت عثمان

قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا رَأَيْتُ مَنْظَرًا قَطُّ

فرمود آنحضرت صلے الله علیه وسلم ندیده ام هیچ نظرگاه هرگز هیچ

إِلَّا وَالْقَبْرُ أَفْظَعُ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ

مگر آنکه گور زشت تر است ازان رواه ترمذی و ابن ماجه وروایت است از

أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

ابی سعید خدری رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلے الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُسَلَّطُ عَلَى الْكَافِرِ فِي قَبْرِهِ تِسْعَةٌ وَتِسْعُونَ

علیه وسلم هر آئینه گماشته می شود بر کافر در گور او نود و نه

تِنِّينًا تَنْهَسُهُ وَتَلْدَغُهُ حَتّٰى تَقُومَ السَّاعَةُ لَوْ أَنَّ تِنِّينًا

اژدها میگزد کافر را ومیگزد او را تا آنکه برپا میشود قیامت اگر اژدهاے

مِنْهَا نَفَخَ فِي الْأَرْضِ مَا أَنْبَتَتْ خَضِرًا رَوَاهُ الدَّارِمِيُّ

ازان دم زند در زمین نمی رویاند زمین هیچ سبزیرا رواه الدارمی

وَالتِّرْمِذِيُّ نَحْوَهُ وَقَالَ سَبْعُونَ بَدَلَ تِسْعَةٍ وَتِسْعُونَ

والترمذی مانند وے وگفت هفتاد بجاے نود و نه

وعن جابر رض قال خرجنا مع رسول الله صلى الله عليه

و روایت است از جابر رض گفت بیرون آمدیم با پیغامبر خدا صلے اللہ علیه

وسلم الى سعد بن معاذ حين توفي فلما صلى عليه

وسلم بسوی سعد بن معاذ رض هنگامی که وفات یافت پس هرگاه که نماز گذارد بروی

رسول الله صلى الله عليه وسلم ووضع في قبره وسوي

پیغمبر خدا صلے اللہ علیه وسلم و نهاده شد معاذ در قبرش و برابر کرده شد خاک

عليه سبح رسول الله صلى الله عليه وسلم فسبحنا طويلا

بر وی تسبیح کرد پیغامبر خدا و گفت سبحان الله صلی الله علیه وسلم پس تسبیح کردیم ما نیز تسبیح دراز

ثم كبر فكبرنا فقيل يا رسول الله لم سبحت ثم

پستر تکبیر گفت پس تکبیر گفتیم ما پس گفته شد ای پیغمبر خدا برای چه تسبیح کردی پستر

كبرت قال لقد تضايق على هذا العبد الصالح قبره

تکبیر برآوردی فرمود آنحضرت بتحقیق تنگ گردید بر این بنده نیک قبر وی رض

حتى فرجه الله تعالى عنه رواه احمد وعن ابن عمر

تا آنکه گشاد و بیرون آورد او را خدا تعالی از آن دشواری رواه احمد و روایت است از ابن عمر رض

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم هذا الذي تحرك

گفت فرمود پیغامبر خدا صلے اللہ علیه وسلم در حق سعد بن معاذ این آن کسے است جنبید

له العرش وفتحت له ابواب السماء وشهده سبعون

بجهت وی عرش گشاده شد برای وی درهای آسمان بجهت نزول رحمت و حاضر گردید او را هفتاد

الفا من الملائكة لقد ضم ضمة ثم فرج عنه رواه الترمذي

هزار فرشته بتحقیق تنگ کرده شد تنگ کردنی سخت پستر آسان کرده شد از وی رواه ترمذی

وعن جابر رض عن النبي صلى الله عليه وسلم قال

و روایت است از جابر رض از آنحضرت صلے اللہ علیه وسلم گفت

إذا أُدخل الميت القبر مُثِّلت له الشمس عند غروبها

چون در آورده میشود مرده در گور متمثل کرده می شود و نموده میشود مر او را آفتاب چنانکه در وقت غروب

فيجلس يمسح عينيه ويقول دعوني أصلي رواه ابن ماجة

پس نشسته میشود در حالیکه میمالد هر دو چشم خود را و میگوید بگذارید مرا که نماز شام بگذارم رواه ابن ماجه

وعن أبي هريرة رض عن النبي صلى الله عليه وسلم

و روایت است از ابی هریرة رض از آنحضرت صلی الله علیه وسلم

قال إن الميت يصير إلى القبر فيجلس الرجل في قبره

گفت بدرستیکه میت میرود بسوی قبر پس می نشیند مرد در گورش در حالیکه

غير فزع ولا مشعوب ثم يقال فيم كنت فيقول كنت

ترسنده نیست و غیر مفتون سپس گفته می شود که در چه دین و ملت بودی تو پس میگوید بوده ام

في الإسلام فيقال ما هذا الرجل فيقول محمد رسول الله

در دین اسلام پس گفته می شود که چیست صفت این مرد پس میگوید که محمد فرستاده خدا

صلى الله عليه وسلم جاءنا بالبينات من عند الله فصدقناه

صلی الله علیه وسلم که آورد ما را معجزات ظاهر و باهر از نزد خدا پس تصدیق کردیم ما او را

فيقال له هل رأيت الله فيقول ما ينبغي لأحد أن يرى

پس گفته می شود او را آیا دیدهٔ تو خدا را پس میگوید که نمیرسد و نمی سزد مر کسی را که به بیند

الله فيفرج له فرجة قبل النار فينظر إليها يحطم بعضها

خدایتعالی را پس کشاده می شود مر او را شگافی بجانب آتش دوزخ پس نگاه میکند بجانب آتش می شکند و پامال

بعضا فيقال له انظر إلى ما وقاك الله ثم يفرج له فرجة

بعض و بعض را پس گفته می شود مر او را که بنگر بجانب چیزیکه نگاه داشته است ترا خدا ازان پس کشاده میشود مر او را شگافی

قبل الجنة فينظر إلى زهرتها وما فيها فيقال له هذا

بجانب بهشت پس نگاه میکند بجانب خوبی و تازگی بهشت و آنچه در بهشت است پس گفته می شود مر او را این

شادان و هر که در آید درین عالم بیرون آید ازین دو نسخه ١٢

مَقْعَدُكَ عَلَى الْيَقِينِ كُنْتَ وَعَلَيْهِ مُتَّ وَعَلَيْهِ تُبْعَثُ إِنْ شَاءَ

جای نشست تو است زیرا که بر یقین و ایمان بوده تو در حیات و همین یقین مرده تو و همین را ایمان و یقین برانگیخته میشوی

اللّٰهُ تَعَالَى وَيُجْلَسُ الرَّجُلُ السُّوءُ فِي قَبْرِهِ فَزِعًا مَشْعُوفًا فَيُقَالُ

خدای تعالی و نشانده می شود مرد بد در قبرش ترسناک و مفتون و تباه پس گفته میشود

لَهُ فِيمَ كُنْتَ فَيَقُولُ لَا أَدْرِي فَيُقَالُ لَهُ مَا هٰذَا الرَّجُلُ فَيَقُولُ

مر او را در چه دین بوده پس میگوید نمی دانم و دینی یا نمی پس گفته میشود مر او را چیست صفت این مرد پس میگوید

سَمِعْتُ النَّاسَ يَقُولُونَ قَوْلًا فَقُلْتُهُ فَيُفْرَجُ لَهُ قِبَلَ الْجَنَّةِ فَيَنْظُرُ

شنیدم مردم را که میگفتند سخنی را پس گفتم من نیز آنرا پس کشاده کرده میشود مر او را شگافی در بهشت پس نگاه میکند

إِلَى زَهْرَتِهَا وَمَا فِيهَا فَيُقَالُ لَهُ انْظُرْ إِلَى مَا صَرَفَ اللّٰهُ عَنْكَ

بسوی خوبی و تازگی بهشت و آنچه در بهشت است پس گفته میشود مر او را بنگر بسوی آنچه که باز داشت خدای تعالی از تو

ثُمَّ يُفْرَجُ لَهُ فُرْجَةٌ إِلَى النَّارِ فَيَنْظُرُ إِلَيْهَا يَحْطِمُ بَعْضُهَا بَعْضًا

پستر کشاده میشود مر او را شگافی بسوی آتش دوزخ پس نگاه میکند بسوی آتش دوزخ که بعضی شکند و پایمال میکند بعض بعض را

فَيُقَالُ لَهُ هٰذَا مَقْعَدُكَ عَلَى الشَّكِّ كُنْتَ وَعَلَيْهِ مُتَّ

پس گفته میشود مر او را که اینست جای نشست تو که بودی تو بر شک در حیوة تو و همین شک مردهٔ تو

وَعَلَيْهِ تُبْعَثُ إِنْ شَاءَ اللّٰهُ تَعَالَى رَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ

و همین شک برانگیخته میشوی از قبر اگر خواهد خدای تعالی روایت کرد ابن ماجه و روایت است از

قَتَادَةَ عَنْ أَنَسٍ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ لَوْلَا

قتاده رض از انس بدرستیکه پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم فرمود اگر نمی بود ترس

أَنْ لَا تَدَافَنُوا لَدَعَوْتُ اللّٰهَ أَنْ يُسْمِعَكُمْ عَذَابَ الْقَبْرِ

و ملاحظه آنکه بگور نکنید شما مرده را خود را هر آئینه دعا کردمی خدا را که بشنواند شما را عذاب قبر

فِي كِتَابِ عَذَابِ الْقَبْرِ وَعَنْ شَيْبَةَ بْنِ مُسَاوِرٍ

در کتاب عذاب قبر و روایت است از شیبه بن مساور

عن انس قال مر رسول الله صلی الله علیه وسلم بقبر

از انس رض گفت گذر کرد آنحضرت صلی الله علیه وسلم بگورے

فنفرت بغلته الشهباء فاخذ القوم فقال خلوا عنها فان

پس فرار گرفت مرکب آنحضرت پس گرفتند قوم پس فرمود بگذارید از ان بدرستیکه

صاحب القبر یعذب فانه لا یستنزه من البول ق فیه

صاحب آن قبر عذاب کرده مے شود پس بدرستیکه او طلب نمیکرد تربت را و پاکی نمیکرد از بول

وعن انس رض عن رسول الله صلی الله علیه وسلم قال

و روایت است از انس رض از پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم فرمود آنحضرت

ان الله تعالی وکل لعبده المؤمن ملکین یکتبان عمله

بدرستیکه خدا تعالی گماشته است برای بنده مومن خود دو فرشته را که می نویسند عمل آن بنده

فاذا مات قال الملکان اللذان وکلا به قد مات فاذن

پس چون بمیرد آن مومن میگویند دو فرشته که گماشته شده بودند بدان بنده تحقیق که مرد پس اذن ده

لنا ان نصعد الی السماء فیقول الله عز وجل سمائی

مارا که برما برویم بسوی آسمان پس میگوید خدا تعالی آسمان من

مملوۃ من ملائکتی یسبحون فیقولان افنقیم فی الارض

پر است از فرشتگان من که تسبیح میکنند پس میگویند آن دو فرشته آیا پس اقامت کنیم در زمین

فیقول الله ارضی مملوۃ من خلقی یسبحونی فیقولان

پس میگوید خدای تعالی زمین من پر است از مخلوق من که تسبیح میکنند مرا پس می گویند

فاین فیقول قوما علی قبر عبدی فسبحانی واحمدانی

پس کجا نشینیم پس میفرماید بایستید شما بر قبر بنده من پس تسبیح کنید مرا و حمد گوئید مرا

وکبرانی وهللانی واکتبا ذلک لعبدی الی یوم القیمة

و تکبیر گوئید مرا و تهلیل گوئید مرا و بنویسید ثواب این را برای بنده من تا روز قیامت

المروزي في الجنائز وابو بكر الشافعي في الغيلانيات

روایت کرده شده در جنائز وابو بکر شافعی در غیلانیات

وابو الشيخ في العظمة هب والديلمي واورده

وابو الشیخ در عظمت ... والدیلمی و وارد کرد آن را

ابن الجوزي في الموضوعات فلم يصب جمع ابوابه

ابن جوزی در موضوعات پس بصواب نرسید جمیع ابواب

باب غسل الميت وتكفينه

باب در بیان غسل میت و در کفن در آوردن آن

عن جابر رض قال قال رسول الله صلى الله

روایت است از جابر رض گفت فرمود پیغامبر صلی الله

عليه وسلم اذا كفن احدكم اخاه فليحسن كفنه

علیه وسلم چون کفن کند یکی از شما برادر خود را پس باید که نیک کند کفن او را

رواه مسلم وعن عبد الله بن عباس رض

روایت کرد مسلم و از عبد الله بن عباس روایت

قال ان رجلا كان مع النبي صلى الله عليه وسلم

که فرمود بدرستیکه مردی بود با پیغمبر صلی الله علیه وسلم

فوقصته ناقته وهو محرم فمات ...

پس انداخت او را ناقه او وحال آنکه وی محرم بود پس مرد ...

رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِغْتَسِلُوْهُ بِمَاءٍ وَسِدْرٍ

پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم بشوئید ورا باب و برگ درخت کنار

وَكَفِّنُوْهُ فِيْ ثَوْبَيْهِ وَلَا تَمَسُّوْهُ بِطِيْبٍ وَلَا تُخَمِّرُوْا

وتکفین کنید اورا در دو جامهٔ او و مسا سید اورا ببوی خوش و نپوشید

رَأْسَهٗ فَاِنَّهٗ يُبْعَثُ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ مُلَبِّيًا مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ

سر او را چنانکه حکم محرم است پس بدرستیکه او برانگیخته شود در روز قیامت از قبر لبیک گویان متفق علیه

وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

و از ابن عباس مرویست رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه

وَسَلَّمَ اِلْبَسُوْا مِنْ ثِيَابِكُمُ الْبَيَاضَ فَاِنَّهَا مِنْ خَيْرِ ثِيَابِكُمْ

وسلم بپوشید جامهای سفید خود را زیرا که جامهای سفید از جمله بهترین جامهای شما است

وَكَفِّنُوْا فِيْهَا مَوْتَاكُمْ وَمِنْ خَيْرِ اَكْحَالِكُمُ الْاِثْمِدُ فَاِنَّهٗ يُنْبِتُ

وتکفین کنید در آن مردهای شما را و از بهترین سرمهای شما اثمد است زیرا که آن میرویاند

الشَّعْرَ وَيَجْلُو الْبَصَرَ رَوَاهُ اَبُوْدَاوٗدَ وَالتِّرْمِذِيُّ وَرَوٰى

موی مژگان را و روشن میکند بینائی را رواه ابوداؤد و الترمذی و روایت کرد

ابْنُ مَاجَةَ اِلٰى مَوْتَاكُمْ وَعَنْ عَلِيٍّ رض قَالَ قَالَ

ابن ماجه تا لفظ موتاکم و روایت است از علی رض گفت فرمود

رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا تَغَالَوْا فِي الْكَفَنِ فَاِنَّهٗ

پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم گران بها نکنید در کفن زیرا که کفن

يُسْلَبُ سَلْبًا سَرِيْعًا رَوَاهُ اَبُوْدَاوٗدَ وَعَنْ اَبِيْ سَعِيْدِ

ربوده میشود ربودنی شتاب رواه ابوداؤد و روایت است از ابی سعید

نِ الْخُدْرِيِّ رض اَنَّهٗ لَمَّا حَضَرَهُ الْمَوْتُ دَعَا بِثِيَابٍ جُدُدٍ

خدری رض هنگامیکه حاضر شد او را موت طلبید جامه های نو را

فلبسها ثم قال سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول

پس پوشید آنها را بستر گفت شنیدم پیغامبر خدا را صلی اللہ علیہ وسلم می گفت

الميت يبعث في ثيابه التي يموت فيها رواه ابو داود

مرده برانگیخته شود در جامهای خود که میرد در وے روایت کرد ابو داود

باب المشي بالجنازة والصلوة عليها

باب در رفتن همراه جنازه و نماز گذاردن بران

عن ابي هريرة رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم

اسرعوا بالجنازة فان تك صالحة فخير تقدمونها

شتاب کنید بجنازه یعنی بردن او سوی قبر پس اگر باشد میت نیکوکار پیشانی کردن

اليه وان تك سوى ذلك فشر تضعونه عن رقابكم متفق

و اگر باشد میت غیر صالح پس دور کردن سبب وضع شری است که می نهید آنرا از گردن

عليه وعن ابي سعيد رض قال قال رسول الله صلى الله عليه

علیہ و روایت است از ابی سعید رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی اللہ علیہ

وسلم اذا وضعت الجنازة فاحتملها الرجال على اعناقهم

وسلم وقتی که نهاده شود جنازه بر نعش پس بردارند مردان آن بر گردنهای خود

فان كانت صالحة قالت قدموني وان كانت غير صالحة

پس اگر باشد مرده نیکوکار می گوید پیش فرستید مرا و اگر باشد بدکار

قالت لاهلها يا ويلها اين تذهبون بها يسمع صوتها

می گوید بکسان خود ای وای کجا می برید او را می شنود آواز او را

كل شيء الا الانسان ولو سمع الانسان لصعق رواه البخاري

هر چیز از حیوانات و جمادات و غیره مگر انسان و اگر بشنید آدمی هر آئینه بیهوش شد روایت کرد بخاری

وعنه قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم اذا رأيتم

و هم از وی روایت است گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم چون ببینید

الجنازة فقوموا فمن تبعها فلا يقعد حتى توضع متفق عليه

جنازه را پس برخیزید پس کسی که پیروی کند جنازه را پس باید که ننشیند تا آنکه نهاده شود

وعن ابي هريرة رضي الله عنه قال قال رسول الله صلى الله

و روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله

عليه وسلم من اتبع جنازة مسلم ايمانا واحتسابا وكان معه

علیه وسلم هر کسیکه پیروی کند جنازه مسلمانی را از روی ایمان و طلب کردن ثواب و باشد با وی

حتى يصلى عليه ويفرغ من دفنها فانه يرجع من الاجر

تا آنکه نماز کرده شود بر وی و تا آنکه فارغ کرده شود از دفن وی پس بدرستیکه باز میگردد از اجر

بقيراطين كل قيراط مثل احد ومن صلى عليها ثم رجع

بدو قیراط هر قیراط مانند کوه احد است و کسیکه نماز گذارد بر وی پس باز گردد

قبل ان تدفن فانه يرجع بقيراط متفق عليه وعن

پیش از آنکه دفن کرده شود پس بدرستیکه بر میگردد بیک قیراط متفق علیه و روایت است از

عوف ابن مالك قال صلى رسول الله صلى الله عليه وسلم

عوف ابن مالک رض گفت نماز کرد آنحضرت صلی الله علیه وسلم

على جنازة فحفظت من دعائه وهو يقول اللهم اغفر له وارحمه

بر جنازه پس یاد گرفتم من از دعای آنحضرت و وی میگفت بار خدایا بیامرز مر او را و رحم کن

وعافه واعف عنه واكرم نزله ووسع مدخله واغسله

و عافیت ده او را و سلامت بخش و عفو کن از وی و گرامی دار مهمانی او را و کشاده گردان جای

بالماء والثلج والبرد ونقه من الخطايا كما نقيت الثوب

به آب و برف و ژاله و پاکیزه گردان او را از گناهان چنانکه پاکیزه گردانیدی توجامه

الأبيض من الدنس وأبدله دارا خيرا من داره وأهلا

سفید را از چرک و بدل کن او را سرای بهتر از سرایے او که در آنجهان بود و اهل او

خيرا من أهله وزوجا خيرا من زوجه وأدخله الجنة

بهتر از اهل او و جفتے بهتر از جفت وے و در آر او را در بهشت

وأعذه من عذاب القبر أو من عذاب النار وفي رواية

و پناه ده او را از عذاب گور یا گفت آنحضرت پناه ده از عذاب آتش و در روایتی آمده

وقه فتنة القبر وعذاب النار قال حتى تمنيت أن

و نگهدار او را از فتنهٔ گور و از عذاب آتش گفت راوی تا آنکه آرزو بردم و آرزو کردم که

أكون أنا ذلك الميت رواه مسلم وعن أبي هريرة

باشے من آن مرده که آنحضرت این دعا در حق من میکرد رواه مسلم و روایت است از ابی هریره

أن امرأة سوداء كانت تقم المسجد أو شاب ففقدها

بدرستیکه زنی سیاه بود که جاروب میداد مسجد را یا جوانے بود پس گم کرد آن زن را

أو فقده رسول الله صلى الله عليه وسلم فسأل عنها أو عنه

یا آن جوان را پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم پس پرسید آنحضرت از حال آن زن

فقالوا مات قال أفلا كنتم آذنتموني قال فكأنهم

پس گفتند مرد وی فرمود آنحضرت آیا پس چرا خبر نکردید مرا گفت ابوهریره پس گویا کم شمردند

صغروا أمرها أو أمره فقال دلوني على قبره فدلوه فصلى

شان آن زن را یا شان آن مرد را پس فرمود آن حضرت که راه نمائید مرا بر گور آن

عليها ثم قال إن هذه القبور مملوءة ظلمة على أهلها وإن

بر قبر وے پس فرمود بدرستیکه این قبرها پر کرده شدند تاریکی بر اهل خود و بدرستیکه

الله ينورها لهم بصلاتي عليهم متفق عليه ولفظه لمسلم

خداوند تعالی منور میگرداند گورها را برای ایشان به سبب نماز کردن من بر ایشان متفق علیه و لفظه مسلم راست

وَعَنْ كُرَيْبٍ مَوْلَى ابْنِ عَبَّاسٍ رض عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ عَبَّاسٍ رض

در روایت است از کریب که مولی ابن عباس است رض از عبد الله ابن عباس رض

أَنَّهُ مَاتَ لَهُ ابْنٌ بِقُدَيْدٍ أَوْ بِعُسْفَانَ فَقَالَ يَا كُرَيْبُ انْظُرْ

که مرد پسری مر ابن عباس را در موضع قدید یا در موضع عسفان پس گفت ابن عباس ای کریب نگاه کن

مَا اجْتَمَعَ لَهُ مِنَ النَّاسِ قَالَ فَخَرَجْتُ فَإِذَا نَاسٌ قَدِ اجْتَمَعُوا

آنچه فراهم آمدند برای نماز وی از مردان گفت کریب پس بیرون آمدم ناگاه مردان بتحقیق جمع شده اند از جهت نماز

لَهُ فَأَخْبَرْتُهُ فَقَالَ تَقُولُ هُمْ أَرْبَعُونَ قَالَ نَعَمْ قَالَ أَخْرِجُوهُ

وی پس خبر دادم ابن عباس را پس گفت ابن عباس که میگوئی تو ایشان که چهل اند گفت آری گفت بیرون آرید جنازه وی را

فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ مَا مِنْ

پس بدرستیکه من شنیده ام رسول خدا صلی الله علیه وسلم را که می گفت نیست هیچ

رَجُلٍ مُسْلِمٍ يَمُوتُ فَيَقُومُ عَلَى جَنَازَتِهِ أَرْبَعُونَ رَجُلًا

مرد مسلمانی که بمیرد پس بایستند بر جنازه وی چهل مرد

لَا يُشْرِكُونَ بِاللهِ شَيْئًا إِلَّا شَفَّعَهُمُ اللهُ فِيهِ رَوَاهُ مُسْلِمٌ

که شریک نمی گردانند آن چهل مرد بخدا چیزی را مگر آنکه قبول کند شفاعت ایشان را خدا در حق وی رواه مسلم

وَعَنْ عَائِشَةَ رض عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ مَا مِنْ

در روایت است از عائشه رض از آنحضرت صلی الله علیه وسلم که گفت نیست هیچ

مَيِّتٍ تُصَلِّي عَلَيْهِ أُمَّةٌ مِنَ الْمُسْلِمِينَ يَبْلُغُونَ مِائَةً كُلُّهُمْ

مرده که نماز بگذارند بر وی گروهی از مسلمانان که برسند عدد صد را همه ایشان

يَشْفَعُونَ لَهُ إِلَّا شُفِّعُوا فِيهِ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ أَنَسٍ رض

شفاعت و دعا کنند او را بمغفرت مگر آنکه شفاعت ایشان قبول گردانیده شود رواه مسلم و در روایت است از انس رض

قَالَ مَرُّوا بِجَنَازَةٍ فَأَثْنَوْا عَلَيْهَا خَيْرًا فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ

گفت انس رض گذشتند جماعتی بجنازه پس ثنا کردند بر وی به نیکی پس فرمود آنحضرت صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَجَبَتْ ثُمَّ مَرُّوْا بِأُخْرٰى فَأَثْنَوْا عَلَيْهَا شَرًّا

علیه وسلم واجب شد پس گذشتند بجنازهٔ دیگر پس ذکر کردند بر وی به بدی

فَقَالَ وَجَبَتْ فَقَالَ عُمَرُ رض مَا وَجَبَتْ فَقَالَ هٰذَا أَثْنَيْتُمْ عَلَيْهِ

پس فرمود واجب شد پس گفت عمر رض که چه چیز واجب شد پس فرمود آنحضرت که این مرده که یاد کردید

خَيْرًا فَوَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ وَهٰذَا أَثْنَيْتُمْ عَلَيْهِ شَرًّا فَوَجَبَتْ

به نیکی پس واجب شد برای وی بهشت و این مرده که یاد کردید او را به بدی پس واجب شد

لَهُ النَّارُ أَنْتُمْ شُهَدَاءُ اللّٰهِ فِي الْأَرْضِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَفِيْ رِوَايَةٍ

برای وی آتش شما گواهان خدا اید در زمین متفق علیه است و در روایتی آمده است

اَلْمُؤْمِنُوْنَ شُهَدَاءُ اللّٰهِ فِي الْأَرْضِ وَعَنْ عُمَرَ رض قَالَ

مسلمانان گواهان خدای تعالی اند در زمین و در روایت است از عمر رض گفت

قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَيُّمَا مُسْلِمٍ شَهِدَ لَهُ

فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم هر مسلمانیکه گواهی دهند او را

أَرْبَعَةٌ بِخَيْرٍ أَدْخَلَهُ اللّٰهُ الْجَنَّةَ فَقُلْنَا وَثَلَاثَةٌ قَالَ وَثَلَاثَةٌ

چهار مرد به نیکی در آرد او را خدای تعالی به بهشت پس گفتیم و اگر گواهی دهند سه کس فرمود و اگر سه کس

فَقُلْنَا وَاثْنَانِ قَالَ وَاثْنَانِ ثُمَّ لَمْ نَسْأَلْهُ عَنِ الْوَاحِدِ رَوَاهُ

گفتیم و اگر دو کس گواهی دهند فرمود و اگر دو کس گواهی دهند نیز داخل بهشت شود پس سوال نکردیم از یک روایت کرد

الْبُخَارِيُّ وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ ابْنِ مَسْعُوْدٍ رض قَالَ قَالَ

بخاری و از عبد الله بن مسعود روایت است گفت فرمود

رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الْجَنَازَةُ مَتْبُوْعَةٌ وَلَا تَتْبَعُ

پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم که جنازه پس روی کرده شده جنازه و پیش روی نمیکند

لَيْسَ مَعَهَا مَنْ تَقَدَّمَهَا رَوَاهُ أَبُوْ دَاوُدَ وَالتِّرْمِذِيُّ وَابْنُ مَاجَهْ

نیست همراه جنازه یا بد ثواب همراهی آنکسی که پیش رود جنازه را روایت کرد ابوداود والترمذی وابن ماجه

وعن ابي هريرة رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

وازابی هریره رض مرویست گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

من تبع جنازة وحملها ثلث مرار فقد قضى ما عليه من

کسیکه پس روی کند جنازه را و بردارد آنرا سه بار پس بتحقیق پورا کرد چیزیرا که بر او است از

حقها رواه الترمذي وعن ثوبان قال خرجنا مع النبي

حق جنازه رواه ترمذی وازثوبان مرویست که گفت بیرون آمدیم همراه آنحضرت

صلى الله عليه وسلم في جنازة فرأى ناسا ركبانا فقال

صلی الله علیه وسلم بجهت متابعت جنازه پس دید آنحضرت مردمانرا سواره پس فرمود که

الا تستحيون ان ملئكة الله على اقدامهم وانتم على

شرم ندارید که فرشتگان خدا تعالی بر پایهای خود میروند وشما بر

ظهور الدواب رواه الترمذي وابن ماجة وروى ابوداود

پشتهای چهارپایان میروید رواه ترمذی وابن ماجه وروایت کرد ابوداود

نحوه وعن ابي هريرة رض قال كان رسول الله صلى الله

مانند آن وروایت است از ابی هریرة رض گفت وی که بود آنحضرت صلی الله

عليه وسلم اذا صلى على الجنازة قال اللهم اغفر لحينا

علیه وسلم چون میگذارد نماز بر جنازه میگفت خداوندا بیامرز زنده های ما را

وميتنا وشاهدنا وغائبنا وصغيرنا وكبيرنا وذكرنا

ومرده های مارا وحاضر مارا وغائب مارا وخرد مارا وبزرگ مارا ونرینه مارا

وانثانا اللهم من احييته منا فاحيه على الاسلام

ومادینه مارا خداوندا کسیکه زنده داری تو او را از ما پس زنده دار او را بر مسلمانی

ومن توفيته منا فتوفه على الايمان اللهم لا تحرمنا

وکسیکه بمیرانی او را از ما پس بمیران او را بر ایمان خداوندا نا امید مگردان مارا

أجره ولا تفتنا بعده رواه أحمد وأبو داود والترمذي

از مزد او و در فتنه میندازما پس از وے رواه احمد و ابوداود و ترمذی

وابن ماجة وعن عائشة رض قالت قال رسول الله صلى

و ابن ماجه و روایت است از عائشه رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی

الله عليه وسلم لا تسبوا الأموات فإنهم قد أفضوا إلى

الله علیه وسلم که دشنام مکنید و بد مگوئید مرده ها را زیرا که ایشان بتحقیق رسیدند بسوئے

ما قدموا رواه البخاري وعن ابن عمر رض قال قال

که پیش فرستادند رواه البخاری و روایت است از ابن عمر رض گفت فرمود

رسول الله صلى الله عليه وسلم اذكروا محاسن موتاكم

پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم یاد کنید و بگوئید نیکیهائے مرده هائے خود را

وكفوا عن مساويهم رواه أبو داود والترمذي

و باز ایستید از ذکر کردن بدیها ایشان رواه ابوداود و الترمذی

وعن مالك بن هبيرة قال سمعت رسول الله صلى

و روایت است از مالک بن هبیره گفت شنیدم پیغامبر خدا صلی

الله عليه وسلم يقول ما من مسلم يموت فيصلي عليه

الله علیه وسلم را میگفت نیست مسلمانے که بمیرد پس نماز بگذارند بروے

ثلاثة صفوف من المسلمين إلا أوجب فكان مالك

سه صف از مسلمانان مگر واجب گرداند خدا او را بهشت پس بود مالک بن هبیره

إذا استقل أهل الجنازة جزأهم ثلاثة صفوف

وقتی که کم میدید اهل جنازه را یعنی شریک حاضر آمده بودند بخشش میکرد و میساخت سه صف

لهذا الحديث رواه أبو داود

بسبب این حدیث رواه ابوداود

بَابُ دَفْنِ الْمَيِّتِ

باب دفن الميت

عَنْ سُفْيَانَ التَّمَّارِ اَنَّهُ رَاٰی قَبْرَ النَّبِيِّ صَلَّی اللّٰهُ

روایت است از سفیان تمار بدرستیکه وے دید قبر آنحضرت را صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مُسَنَّمًا رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَعَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ

علیه وسلم سنم یعنے بر شکل کوهان شتر رواه البخاری و روایت است از ابی هریره

قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّی اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَاَنْ يَّجْلِسَ

گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم هر آئینه اینکه بنشیند

اَحَدُكُمْ عَلٰی جَمْرَةٍ فَتُحْرِقَ ثِيَابَهُ فَتَخْلُصَ اِلٰی جِلْدِهٖ

یکے از شما . اخگر سوزان پس بسوزاند جامه های اورا پس برسد آن جمره تا بپوست وے

خَيْرٌ لَّهُ مِنْ اَنْ يَّجْلِسَ عَلٰی قَبْرٍ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنِ

بهتر است مراورا از نشستن وے بر قبر روایت کرد این حدیث را مسلم و از

ابْنِ عُمَرَ رض اَنَّ النَّبِيَّ صَلَّی اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ

ابن عمر مرویست که بدرستیکه پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم بود

اِذَا اَدْخَلَ الْمَيِّتَ الْقَبْرَ قَالَ بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ وَعَلٰی مِلَّةِ

که چون می در آورد مرده را در قبر میگفت بسم الله وبالله وعلی ملة

رَسُوْلِ اللّٰهِ وَفِيْ رِوَايَةٍ وَعَلٰی سُنَّةِ رَسُوْلِ اللّٰهِ رَوَاهُ

رسول الله و در روایتے و بر سنت پیغامبر خدا صلی رواه

اَحْمَدُ وَالتِّرْمِذِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ وَرَوٰی اَبُوْدَاوُدَ الثَّانِيَةَ

احمد والترمذی وابن ماجه و روایت کرد ابوداود روایت ثانی را

وَعَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ اَبِيْهِ مُرْسَلًا اَنَّ النَّبِيَّ

و روایت است از جعفر ابن محمد از پدرش از روے مرسل بدرستیکه آنحضرت

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حَثَّى عَلَى الْمَيِّتِ ثَلٰثَ حَثَيَاتٍ بِيَدَيْهِ

صلى الله عليه وسلم خاک انداخت بر مرده سه بار خاک انداختن بهر دو دست خود

جَمِيعًا وَاَنَّهُ رَشَّ عَلٰى قَبْرِ ابْنِهٖ اِبْرَاهِيْمَ وَوَضَعَ عَلَيْهِ حَصْبَاءَ

و بدرستیکه آب پاشید بر گور پسر خود ابراهیم و نهاد بر قبر وی سنگریزه ها

رَوَاهُ فِيْ شَرْحِ السُّنَّةِ وَعَنْ جَابِرٍ رض قَالَ نَهٰى رَسُوْلُ اللّٰهِ

روایت کرد این حدیث را در شرح سنة و روایت است از جابر رض گفت جابر نهی کرده است پیغامبر خدا

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَنْ تُجَصَّصَ الْقُبُوْرُ وَاَنْ يُّكْتَبَ عَلَيْهَا

صلى الله عليه وسلم از گچکاری کردن قبرها و از آنکه نوشته شود بر قبور

وَاَنْ يُّبْنٰى عَلَيْهَا وَاَنْ تُوْطَاَ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْهُ قَالَ

و نهی کرد از آنکه بنا کرده شود بر قبر و از آنکه پایمال کرده شود قبور روایه ترمذی و هم از وی مرویست گفت جابر

رُشَّ قَبْرُ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَكَانَ الَّذِيْ رَشَّ الْمَاءَ

که آب پاشیده شد قبر آنحضرت صلى الله عليه وسلم و بود آنکس که پاشید آب را

عَلٰى قَبْرِهٖ بِلَالُ بْنُ رَبَاحٍ بِقِرْبَةٍ بَدَاَ مِنْ قِبَلِ رَاْسِهٖ

بر قبر آنحضرت بلال ابن رباح از مشک که شروع کرد از جانب سر آنحضرت

حَتّٰى انْتَهٰى اِلٰى رِجْلَيْهِ رَوَاهُ الْبَيْهَقِيُّ فِيْ دَلَائِلِ النُّبُوَّةِ

تا آنکه رسید بهر دو پای مبارک آنحضرت روایه بیهقی در دلائل نبوة

وَعَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ قَالَ دَخَلْتُ عَلٰى عَائِشَةَ رض

و روایت است از قاسم بن محمد گفت که در آمدم بر عائشه رض

فَقُلْتُ يَا اُمَّاهُ اكْشِفِيْ لِيْ عَنْ قَبْرِ رَسُوْلِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

پس گفتیم ای مادر من بکشا ای و پرده بردار برای من از قبر آنحضرت صلى الله عليه

وَسَلَّمَ وَصَاحِبَيْهِ فَكَشَفَتْ لِيْ عَنْ ثَلٰثَةِ قُبُوْرٍ لَا مُشْرِفَةٍ

وسلم و بهر دو یار وے پس پرده برداشت برای من از سه قبر که نه بلند بود

وَلَا لَاطِئَةٍ مَبْطُوحَةٍ بِبَطْحَاءِ الْعَرْصَةِ الْحَمْرَاءِ رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ

و نه متصل بزمین سنگریزه چیده شده بودند سنگریزه یا سرخ رواه ابو داؤد

وَعَنْ عَائِشَةَ رض أَنَّ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

روایت است از عائشه رض بدرستیکه پیغامبر خدا صلے اللہ علیه وسلم

قَالَ كَسْرُ عَظْمِ الْمَيِّتِ كَكَسْرِهِ حَيًّا رَوَاهُ مَالِكٌ وَأَبُو دَاوُدَ

فرمود شکستن استخوان مرده همچو شکستن استخوان اوست در حال حیات رواه مالک و ابو داؤد

وَابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ عَمْرِو بْنِ حَزْمٍ قَالَ رَآنِي النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ

و ابن ماجه و روایت است از عمرو بن حزم گفت دید مرا آنحضرت صلے اللہ

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مُتَّكِئًا عَلَى قَبْرٍ فَقَالَ لَا تُؤْذِ صَاحِبَ

علیه وسلم تکیه زننده بر قبرے فرمود آزار مکن صاحب

هٰذَا الْقَبْرِ أَوْ لَا تُؤْذِهِ رَوَاهُ أَحْمَدُ

این قبر را یا فرمود آزار مکن آنرا رواه احمد

بَابُ الْبُكَاءِ عَلَى الْمَيِّتِ وَبَيَانِ

باب گریستن بر مرده و بیان

أَجْرِ مَنْ صَبَرَ عَلَى مَوْتِ أَوْلَادِهِ

مزد کسے که صبر کرد بر موت اولاد خود

عَنْ أَنَسٍ رض قَالَ دَخَلْنَا مَعَ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ

روایت است از انس رض گفت انس که در آمدیم ما همراه آنحضرت صلے اللہ علیه

وَسَلَّمَ عَلَى أَبِي سَيْفٍ الْقَيْنِ وَكَانَ ظِئْرًا لِإِبْرَاهِيمَ فَأَخَذَ

وسلم بر ابی سیف آهنگر و بود وے شوهر دایه ابراهیم بن محمد ص پس گرفت

رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِبْرَاهِيمَ فَقَبَّلَهُ وَشَمَّهُ

آنحضرت صلے اللہ علیه وسلم ابراهیم را پس بوسه داد اورا و بو کرد اورا

ثُمَّ دَخَلْنَا عَلَيْهِ بَعْدَ ذٰلِكَ وَاِبْرَاهِيمُ يَجُودُ بِنَفْسِهِ

پس در آمدیم بآنحضرت بعد از آنکه همراه آنحضرت و حال آنکه ابراهیم جود و سخاوت میکرد بجان خود

فَجَعَلَتْ عَيْنَا رَسُولِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

پس در ایستاد هر دو چشم آنحضرت صلی الله علیه وسلم

تَذْرِفَانِ فَقَالَ لَهُ عَبْدُ الرَّحْمٰنِ ابْنُ عَوْفٍ وَاَنْتَ

که روان شد اشکها از آن پس گفت بآنحضرت عبد الرحمن ابن عوف و تو گریه میکنی

يَا رَسُولَ اللّٰهِ فَقَالَ يَا ابْنَ عَوْفٍ اِنَّهَا رَحْمَةٌ ثُمَّ

ای پیغمبر خدا با این معرفت پس فرمود او فرزند عوف این اشکها اثر رحمت است پستر

اَتْبَعَهَا بِاُخْرٰى فَقَالَ اِنَّ الْعَيْنَ تَدْمَعُ وَالْقَلْبَ

پس در گرد و ید آن اشکها را باشکهای دیگر پس فرمود بدرستیکه چشم اشک میریزد و دل

يَحْزَنُ وَلَا نَقُولُ اِلَّا مَا يَرْضٰى رَبُّنَا وَاِنَّا بِفِرَاقِكَ

اندوهگین میگردد و نمیگوییم مگر آنچه که خوشنود است پروردگار ما و بدرستیکه ما بجدائی تو

يَا اِبْرَاهِيمُ لَمَحْزُونُونَ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ

ای ابراهیم هر آئینه اندوهگینیم متفق علیه است و روایت است از

عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ مَسْعُودٍ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى

عبد الله بن مسعود رضـ گفت فرمود پیغمبر خدا صلی

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَيْسَ مِنَّا مَنْ ضَرَبَ الْخُدُودَ

الله علیه وسلم نیست از اهل طریقه ما کسیکه بزند رخسارها را

وَشَقَّ الْجُيُوبَ وَدَعَا بِدَعْوَى الْجَاهِلِيَّةِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ

وپاره کند گریبان ها را و بخواند بخواندن جاهلیت چنانکه نوحه و دعا بویل و غیره متفق علیه

وَعَنْ أَبِي بُرْدَةَ قَالَ أُغْمِيَ عَلَى أَبِي مُوسَى فَأَقْبَلَتْ

و روایت است از ابی بردة گفت که بیهوش شد ابوموسی اشعری پس پیش آمد

امْرَأَتُهُ أُمُّ عَبْدِ اللهِ تَصِيحُ بِرَنَّةٍ ثُمَّ أَفَاقَ فَقَالَ

زن وی که کنیت او ام عبدالله است در حالتیکه آواز میکرد به بکا پس بهوش آمد پس گفت

أَلَمْ تَعْلَمِي وَكَانَ يُحَدِّثُهَا أَنَّ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ

آیا نمی دانی تو و بود ابوموسی که خبر میداد که آنحضرت صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ أَنَا بَرِيءٌ مِمَّنْ حَلَقَ وَصَلَقَ وَخَرَقَ

علیه وسلم فرمود که من بیزارم از کسیکه بستر د موی سر را و بلند کند آواز را و پاره کند گریبان را

مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَلَفْظُهُ لِمُسْلِمٍ وَعَنْ أَبِي مَالِكٍ

متفق علیه و لفظ این مر مسلم راست و روایت است از ابی مالک

الْأَشْعَرِيِّ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

اشعری رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

أَرْبَعٌ فِي أُمَّتِي مِنْ أَمْرِ الْجَاهِلِيَّةِ لَا يَتْرُكُونَهُنَّ الْفَخْرُ

چهار خصلت است در امت من از کار جاهلیت که نمی گذارند آنها را یکی نازیدن

فِي الْأَحْسَابِ وَالطَّعْنُ فِي الْأَنْسَابِ وَالْاِسْتِسْقَاءُ بِالنُّجُومِ

در حسبها و دوم طعن کردن در نسبها مردم و سوم طلب باران کردن بستارها و چهارم

وَالنِّيَاحَةُ وَقَالَ النَّائِحَةُ إِذَا لَمْ تَتُبْ قَبْلَ مَوْتِهَا تُقَامُ

نوحه کردن بر مرده و فرمود آنحضرت که زن نوحه گر چون توبه نکند پیش از مرگ خود استاده کرده شود

يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَعَلَيْهَا سِرْبَالٌ مِنْ قَطِرَانٍ وَدِرْعٌ مِنْ جَرَبٍ

در روز قیامت و حال آنکه بر آن زن پیراهنی است از قطران و پیراهن است مر او را از جرب

رواه مسلم وعن انس قال مرّ النبيّ صلى الله عليه

رواه مسلم و روایت است از انس رض گفت گذشت آنحضرت صلی الله علیه

وسلم بامرأة تبكي عند قبر فقال اتقي الله واصبري

وسلم بزنیکه گریه میکرد نزد گورے پس فرمود آنحضرت که بترس از خدا و شکیبائی کن

قالت اليك عني فانك لم تصب بمصيبتي ولم تعرفه

گفت آن زن بآنحضرت که یکسو شو از من زیراکه تو مصیبت زده نشدی بمصیبت من و نشناخت آن زن حضرت را

فقيل لها انه النبيّ صلى الله عليه وسلم فاتت باب النبيّ

پس گفته شد آن زن را که آنکه این سخن گفت پیغامبر بود صلی الله علیه وسلم پس آمد آن زن بدر پیغامبر

صلى الله عليه وسلم فلم تجد عنده بوابين فقالت

صلی الله علیه وسلم پس نیافت آن زن نزد آنحضرت دربانانرا پس گفت آن زن

لم اعرفك فقال انما الصبر عند الصدمة الاولى

که من نشناختم ترا پس فرمود آنحضرت جز این نیست که صبر نزد کوفت نخستین است

متفق عليه وعن ابي سعيد الخدري قال

متفق علیه و روایت است از ابی سعید خدری رض گفت

لعن رسول الله صلى الله عليه وسلم النائحة والمستمعة

لعنت کرده است پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم زن نوحه کننده را و زن گوش دارنده نوحه را

رواه ابوداود وعن سعد بن ابي وقاص قال قال

رواه ابوداؤد و روایت است از سعد بن ابی وقاص رض گفت فرمود

رسول الله صلى الله عليه وسلم عجب للمؤمن ان اصابه

آنحضرت صلی الله علیه وسلم عجب است مر مسلمان را که اگر برسد او را

خير حمد الله وشكر وان اصابته مصيبة حمد الله وصبر

نیکی از نعمت ستایش میکند خدا را و سپاس میگوید اگر رسد او را رنجی و اندوه ثنا میگوید خدا را و شکیبائی میورزد

فَالْمُؤْمِنُ يُؤْجَرُ فِي كُلِّ اَمْرِهٖ حَتّٰى فِي اللُّقْمَةِ يَرْفَعُهَا اِلٰى

پس مسلمان مزد داده می شود در همه کارها تا آنکه در لقمه که بلند می کند آنرا

فِي امْرَاَتِهٖ رَوَاهُ الْبَيْهَقِيُّ فِي شُعَبِ الْاِيْمَانِ وَعَنْ اَنَسٍ

در دهن زن خود رواه بیهقی در شعب ایمان و روایت است از انس رض

قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا مِنْ مُؤْمِنٍ اِلَّا

گفت فرمود پیغامبر خدا صلے اللہ علیه وسلم نیست هیچ مومن مگر آنکه

وَلَهٗ بَابَانِ بَابٌ يَصْعَدُ مِنْهُ عَمَلُهٗ وَبَابٌ يَنْزِلُ مِنْهُ

اورا دو در است دریکه که بالا میرود ازان عمل او و دریست که فرود می آید ازان در

رِزْقُهٗ فَاِذَا مَاتَ بَكَيَا عَلَيْهِ فَذٰلِكَ قَوْلُهٗ فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ

رزق او پس چون بمیرد مسلمان میگریند آن هر دو در برو پس آن مراد است بقول حق تعالے که نگریست بر

السَّمَاءُ وَالْاَرْضُ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ ابْنِ

آسمان و زمین رواه ترمذی و روایت است از عبد اللہ بن

مَسْعُوْدٍ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ عَزّٰى

مسعود رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلے اللہ علیه وسلم کسے که تعزیت کند و تسلی دہد

مُصَابًا فَلَهٗ مِثْلُ اَجْرِهٖ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ

مصیبت زده را پس مر او راست مانند اجر وے رواه الترمذی و ابن ماجه

وَعَنْ اَبِيْ بَرْزَةَ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

و روایت است از ابی برده گفت فرمود آنحضرت صلے اللہ علیه

وَسَلَّمَ مَنْ عَزّٰى ثَكْلٰى كُسِيَ بُرْدًا فِي الْجَنَّةِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ

وسلم کسیکه تعزیت کند و صبر فرماید ثکلے را پوشانیده شود مر او را جامه در بهشت رواه ترمذی

وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ جَعْفَرٍ رض قَالَ لَمَّا جَاءَ نَعْيُ جَعْفَرٍ

و روایت است از عبد اللہ بن جعفر رض گفت هرگاه که آمد خبر موت جعفر رض

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِصْنَعُوْا لِاٰلِ جَعْفَرٍ طَعَامًا فَقَدْ

فرمود آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم بسازید برائے آل واولاد جعفر طعامے را پس تحقیق

اَتَاهُمْ مَا يَشْغَلُهُمْ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَاَبُوْدَاوُدَ وَابْنُ مَاجَةَ

آمدہ است ایشان را چیزے کہ باز میدارد ایشانرا از طعام رواہ ترمذی وابوداود وابن ماجہ

وَعَنِ الْمُغِيْرَةِ بْنِ شُعْبَةَ رض قَالَ سَمِعْتُ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى

وروایت است از مغیرہ بن شعبہ رض گفت شنیدم من آنحضرت صلی

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُوْلُ مَنْ نِيْحَ عَلَيْهِ فَاِنَّهٗ يُعَذَّبُ بِمَا نِيْحَ

اللہ علیہ وسلم را کہ میگفت کسیکہ نوحہ کردہ میشود بروے پس بدرستیکہ او عذاب کردہ شود بچیزیکہ نوحہ کردہ

عَلَيْهِ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ اَبِيْ مُوْسٰى رض قَالَ

بروے روز قیامت متفق علیہ است وروایت است از ابی موسی رض گفت

سَمِعْتُ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُوْلُ مَا مِنْ مَيِّتٍ

شنیدم آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم را کہ میگفت نیست ہیچ مردہ کہ

يَمُوْتُ فَيَقُوْمُ بَاكِيْهِمْ فَيَقُوْلُ وَاجَبَلَاهْ وَاسَيِّدَاهْ وَنَحْوَ

بمیرد پس می ایستد گریہ کنندہ قوم پس میگوید آن گریہ کنندہ وا کوہ وا مہتر و مانند آن

ذٰلِكَ اِلَّا وُكِّلَ اللّٰهُ بِهٖ مَلَكَيْنِ يَلْهَزَانِهٖ وَيَقُوْلَانِ

الفاظ دیگر مگر آنکہ می سپارد خدای باو دو فرشتہ را کہ مشت میزنند آن میت را و میگویند اورا

اَهٰكَذَا كُنْتَ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رض

بطریق استہزا آیا ہمچنین بودہ تو رواہ ترمذی وروایت است از ابن عباس رض

قَالَ مَاتَتْ زَيْنَبُ بِنْتُ رَسُوْلِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

گفت مرد زینب بنت پیغامبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم

فَبَكَتِ النِّسَاءُ فَجَعَلَ عُمَرُ رض يَضْرِبُهُنَّ بِسَوْطِهٖ فَاَخَّرَهٗ

پس گریستند زنان پس در ایستاد عمر رض کہ میزد ایشانرا بتازیانہ خود پس دور کرد عمر را

رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِيَدِهٖ وَقَالَ مَهْلًا يَا عُمَرُ

آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم بدست مبارک خود و فرمود کہ آہستہ شو اے عمر

ثُمَّ قَالَ اِيَّاكُنَّ وَنَعِيقَ الشَّيْطَانِ ثُمَّ قَالَ اِنَّهٗ مَهْمَا كَانَ

پستر فرمود آنحضرت آن زنان را کہ دور دارید خود را از آواز شیطان پستر گفت آنحضرت ؐ بدرستیکہ شان اینست ہرچہ

مِنَ الْعَيْنِ وَمِنَ الْقَلْبِ فَمِنَ اللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ وَمِنَ الرَّحْمَةِ وَمَا كَانَ

باشد از چشم و از دل پس آن از خدا است عزوجل و از مہربانیست و چیزیکہ باشد

مِنَ الْيَدِ وَمِنَ اللِّسَانِ فَمِنَ الشَّيْطَانِ رَوَاهُ اَحْمَدُ

از دست و از زبان پس آن از شیطان است رواہ احمد

وَعَنِ الْبُخَارِيِّ تَعْلِيقًا قَالَ لَمَّا مَاتَ الْحَسَنُ بْنُ الْحَسَنِ

و بخاری در صحیح خود بطریق تعلیق آوردہ است کہ چون مرد حسن بن امام حسن

بْنِ عَلِيٍّ رض ضَرَبَتِ امْرَأَتُهُ الْقُبَّةَ عَلٰى قَبْرِهٖ سَنَةً ثُمَّ

بن علی رض زد زن او خیمہ را بر قبر او تا یکسال پستر

رُفِعَتْ فَسَمِعَتْ صَائِحًا يَقُولُ اَلَا هَلْ وَجَدُوا مَا فَقَدُوا

برداشت خیمہ را پس شنید آواز کنندہ را کہ میگوید آگاہ باشید کہ آیا یافتند چیزیرا کہ گم کردہ بودند

فَاَجَابَهٗ اٰخَرُ بَلْ يَئِسُوا فَانْقَلَبُوا وَعَنْ عِمْرَانَ بْنِ

پس آواز داد دیگری بلکہ نومید شدند پس برگشتند و در روایت است از عمران بن

حُصَيْنٍ وَاَبِي بَرْزَةَ رض قَالَا خَرَجْنَا مَعَ رَسُولِ اللّٰهِ صَلَّى

حصین و از ابی برزہ رض گفتند کہ بیرون آمدیم ما با پیغمبر خدا صلے

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي جَنَازَةٍ فَرَاٰى قَوْمًا قَدْ طَرَحُوا اَرْدِيَتَهُمْ

اللہ علیہ وسلم در متابعت جنازۂ پس دید آنحضرت گروہی را کہ بتحقیق انداختند رداہای خود را

يَمْشُونَ فِي قُمُصٍ فَقَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

میرفتند در پیراہنہای خود پس فرمود پیغمبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم

أَبِفِعْلِ الْجَاهِلِيَّةِ تَأْخُذُونَ أَوْ بِصَنِيعِ الْجَاهِلِيَّةِ تَشَبَّهُونَ

آیا بکردار اہل جاہلیت عمل میکنید یا بکار و پیشه جاهلیت مانند میشوید

لَقَدْ هَمَمْتُ أَنْ أَدْعُوَ عَلَيْكُمْ دَعْوَةً تَرْجِعُونَ فِي غَيْرِ صُوَرِكُمْ

بتحقیق قصد کردم که دعای بد کنم بر شما اینچنین دعائے که برگردید شما در غیر صورت شما

قَالَ فَأَخَذُوا أَرْدِيَتَهُمْ وَلَمْ يَعُودُوا لِذَٰلِكَ رَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ

گفت راوی که پس گرفتند ردا ہائے خود را و باز نگشتند بفعل رواه ابن ماجه

وَعَنِ ابْنِ عُمَرَ رض قَالَ نَهَى رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنْ

و روایت است از ابن عمر رض گفت که نهی کرد پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم از آنکه

تُتْبَعَ جَنَازَةٌ مَعَهَا رَانَّةٌ رَوَاهُ أَحْمَدُ وَابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ

پس روی کرده شود جنازه را که با آن نوحه گری باشد رواه احمد و ابن ماجه و روایت است از

أَبِي أُمَامَةَ رض عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ يَقُولُ

ابی امامه رض از آنحضرت صلی الله علیه وسلم گفت آنحضرت میگوید

اللهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى ابْنَ آدَمَ إِنْ صَبَرْتَ وَاحْتَسَبْتَ عِنْدَ

خدای تعالی ای فرزند آدم اگر صبر کنی و امید ثواب داری نزد

الصَّدْمَةِ الْأُولَى لَمْ أَرْضَ لَكَ ثَوَابًا دُونَ الْجَنَّةِ رَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ

اول وقت مصیبت راضی نمیشوم ترا از روی ثواب غیر بهشت یعنی البته دهم ترا بهشت رواه ابن ماجه

وَعَنِ الْحُسَيْنِ ابْنِ عَلِيٍّ رض عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

و روایت است از حسین بن علی رض از آنحضرت صلی الله علیه وسلم

قَالَ مَا مِنْ مُسْلِمٍ وَلَا مُسْلِمَةٍ يُصَابُ بِمُصِيبَةٍ فَيَذْكُرُهَا

فرمود نیست هیچ مرد مسلمانی و نه زن مسلمان که رسیده میشود بمصیبت پس یاد میکند آن مصیبت را

وَإِنْ طَالَ عَهْدُهَا فَيُحْدِثُ لِذَٰلِكَ اسْتِرْجَاعًا إِلَّا جَدَّدَ اللهُ

اگرچه دراز بود زمان آن پس تو پدید کند مر آن وقت را از مصیبت استرجاع مگر آنکه نو میکند

تبارك وتعالى عند ذلك فاعطاه مثل اجرها يوم أصيب

تبارک و تعالی ثواب را نزد آن پس میدهد خدا او را مانند اجر او در روزیکه رسیده است

بها رواه أحمد والبيهقي في شعب الإيمان وعن

بآن مصیبت روایه احمد و بیهقی در شعب ایمان در روایت است از

أبي هريرة رضي الله عنه قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

ابی هریره رضی گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم

إذا انقطع شسع أحدكم فليسترجع فإنه من المصائب

که چون بسته شود دوال نعل یکے از شما پس باید که استرجاع کند زیرا که گسستن دوال نیز از مصیبت است

وعن أم الدرداء قالت سمعت أبا الدرداء يقول سمعت

و روایت است از ام الدرداء که گفت شنیدم ابو الدرداء را که میگفت شنیدم

أبا القاسم صلى الله عليه وسلم يقول إن الله تبارك

آنحضرت را صلی الله علیه وسلم که میگفت بدرستیکه خدا تبارک

وتعالى قال يا عيسى إني باعث من بعدك أمة إذا أصابهم

و تعالی گفت و فرمود ای عیسی بدرستیکه من برانگیزنده ام پس از تو گروهی را که چون برسد ایشان را

ما يحبون حمدوا الله وإن أصابهم ما يكرهون احتسبوا

چیزیکه دوست میدارند شکر کنند خدا را و اگر برسد ایشان را چیزیکه ناخوش دارند آنرا از بلیه و مصیبت

وصبروا ولا حلم ولا عقل فقال يا رب كيف

و صبر میکنند در مصیبت ایشان را نه بردباری و نه عقل و تدبیر پس گفت عیسی ای پروردگار من چگونه

يكون هذا لهم ولا حلم ولا عقل فقال أعطيهم من

باشد این ایشان را و حال آنکه نیست حلم و عقل پس گفت پروردگار که میدهم من ایشان را از

حلمي وعلمي رواهما البيهقي في شعب الإيمان وعن

حلم و علم خود روایت کرد این دو حدیث را بیهقی در شعب ایمان و روایت است از

أَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

ابی هریره رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلے الله علیه و سلم

لَا يَمُوتُ لِمُسْلِمٍ ثَلَاثَةٌ مِنَ الْوَلَدِ فَيَلِجُ النَّارَ إِلَّا تَحِلَّةَ الْقَسَمِ

نمی میرد مسلمانے را سه کس از فرزندان پس درآید آتش دوزخ را مگر برائے حلال گردانیدن وکشادن سوگند حق سبحانه

مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

متفق علیه و روایت است ازو گفت ابوهریره که فرمود پیغامبر خدا صلے الله علیه

وَسَلَّمَ لِنِسْوَةٍ مِنَ الْأَنْصَارِ لَا يَمُوتُ لِإِحْدَاكُنَّ ثَلَاثَةٌ

وسلم مر جماعهٔ زنان را از قبیله انصار که نمی میرد مریکے را از شما سه

مِنَ الْوَلَدِ فَتَحْتَسِبُهُ إِلَّا دَخَلَتِ الْجَنَّةَ فَقَالَتِ امْرَأَةٌ مِنْهُنَّ

فرزند پس صبر کند وطلب ثواب دارد مگر آنکه درآید بهشت را پس گفت زنی از میان ایشان

أَوِ اثْنَانِ يَا رَسُولَ اللّٰهِ قَالَ أَوِ اثْنَانِ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَفِي رِوَايَةٍ

یا دو فرزند هم بمیرد ای پیغامبر خدا فرمود آنحضرت یا دو بمیرد حکم او همین است روایه مسلم و در روایتے

لَهُمَا ثَلَاثَةٌ لَمْ يَبْلُغُوا الْحِنْثَ وَعَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ

مر بخاری و مسلم را چنین آمده نمی میرند سه کس که نرسیده اند بحد گناه یعنی بالغ نشده اند و هم ازو گفت فرمود آنحضرت

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ اللّٰهُ مَا لِعَبْدِي الْمُؤْمِنِ عِنْدِي

صلے الله علیه وسلم در حدیث قدسی که میگوید خدا تعالی نیست مر بندهٔ مسلمان را نزد من

جَزَاءٌ إِذَا قَبَضْتُ صَفِيَّهُ مِنْ أَهْلِ الدُّنْيَا ثُمَّ احْتَسَبَهُ إِلَّا

پاداشی چون قبض کنم و میرانم دوست خالص او را از اهل دنیا چنانچه فرزند است پس صبر کند و نظر بر ثواب دارد مگر

الْجَنَّةُ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ قَالَ

بهشت را رواه البخاری و روایت است از ابن عباس رض گفت فرمود

رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ كَانَ لَهُ فَرَطَانِ مِنْ أُمَّتِي

پیغامبر خدا صلے الله علیه وسلم کسے که باشد او را دو فرط از امت من

ادخله الله بهما الجنة فقالت عائشة رض فمن كان له

درآرد او را خدای تعالی بسبب آن دو فرط در بهشت پس گفت عائشه صدیقه رض پس کسیکه باشد مر او را

فرط من امتك قال ومن كان له فرط يا موفقة فقالت

یک فرط از امت تو پس آورد ایشانرا فرمود و کسیکه باشد مر او را یک فرط ای توفیق داده شده بر تعلیم شرایع

فمن لم يكن له فرط من امتك قال فانا فرط امتي لن يصابوا

پس گفت عائشه پس کسیکه نباشد مر او را فرط از امت تو حال او چه باشد فرمود آنحضرت پس من فرط امت من ام هرگز مصیبت زده

بمثلي رواه الترمذي وعن ابي موسى الاشعري

بمانند مصیبت من روایت کرده ترمذی و روایت است از ابی موسی اشعری رض

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم اذا مات ولد

گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم چون می میرد فرزند

العبد قال الله تعالى لملائكته قبضتم ولد عبدي

بنده میگوید خدای تعالی بفرشتگان خود که قبض کردید شما فرزند بنده مرا

فيقولون نعم فيقول قبضتم ثمرة فؤاده فيقولون نعم

پس میگویند فرشتگان آری قبض کردیم پس میگوید باری تعالی قبض کردید میوه دل او را پس میگویند فرشتگان آری قبض کردیم

فيقول ماذا قال عبدي فيقولون حمدك واسترجع

پس میگوید حق تعالی چه چیز گفت بنده من پس میگویند فرشتگان حمد گفت ترا و انا لله وانا الیه راجعون گفت

فيقول الله ابنوا لعبدي بيتا في الجنة وسموه بيت

پس میگوید حق تعالی بنا کنید برای بنده من خانه در بهشت و میگوید حق تعالی و نام نهید آنرا خانه

الحمد رواه احمد والترمذي وعن ابي هريرة رض

حمد روایت کرده احمد و الترمذی و روایت است از ابی هریره رض

ان رجلا قال له مات ابن لي فوجدت عليه هل سمعت

که مردی گفت مر او را مرد پسری که مرا بود پس اندوهگین شدم بر وی آیا شنیدی تو

مِنْ خَلِيلِكَ صَلَوَاتُ اللّٰهِ عَلَيْهِ شَيْئًا يُطَيِّبُ بِأَنْفُسِنَا عَنْ

از دوست تو درود باد خدا براو چیزی که خوش سازد نفسهای ما را از جانب

مَوْتَانَا قَالَ نَعَمْ سَمِعْتُهُ قَالَ صِغَارُهُمْ دَعَامِيصُ الْجَنَّةِ

مردگان خود گفت آری شنیدم آنحضرت را که گفت خردان مسلمانان دعامیص بهشت اند

يَلْقَى أَحَدُهُمْ أَبَاهُ فَيَأْخُذُ بِنَاحِيَةِ ثَوْبِهِ فَلَا يُفَارِقُهُ حَتَّى

پیش می آید یکی از خردان پدر خود را پس میگیرد کنار جامهٔ پدر یا پسر را پس جدا نمی شود از وی تا آنکه

يُدْخِلَهُ الْجَنَّةَ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَأَحْمَدُ وَاللَّفْظُ لَهُ وَعَنْ مُعَاذِ

در می آرد او را در بهشت روایت کرد این را مسلم و احمد ولفظ حدیث مر احمد راست و روایت است از معاذ

ابْنِ جَبَلٍ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا مِنْ

ابن جبل رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم نیستند

مُسْلِمَيْنِ يُتَوَفَّى لَهُمَا ثَلَاثَةٌ إِلَّا أَدْخَلَهُمَا اللّٰهُ الْجَنَّةَ

دو مسلمان یعنی مادر و پدر که بمیرد مرایشان را سه کس از فرزندان مگر آنکه درآرد آن دو مسلمان را خدای تعالی در بهشت

بِفَضْلِهِ وَرَحْمَتِهِ إِيَّاهُمَا فَقَالُوا يَا رَسُولَ اللّٰهِ أَوِ اثْنَانِ

بفضل و مهربانی خود بر دو مادر و پدر را پس گفتند ای پیغامبر خدا یا دو کس بمیرند

قَالَ أَوِ اثْنَانِ قَالُوا أَوْ وَاحِدٌ قَالَ أَوْ وَاحِدٌ ثُمَّ قَالَ وَالَّذِي

گفت آنحضرت یا دو کس بمیرند گفتند یا یک کس بمیرد فرمود یا یک کس بمیرد پس فرمود سوگند بآنخدای

نَفْسِي بِيَدِهِ إِنَّ السِّقْطَ لَيَجُرُّ أُمَّهُ بِسَرَرِهِ إِلَى الْجَنَّةِ

که بقای ذات من بدست اوست بدرستیکه بچه ناتمام هر آئینه میکشد مادر خود را بسر خود بسوی بهشت

إِذَا احْتَسَبَتْهُ رَوَاهُ أَحْمَدُ وَرَوَى ابْنُ مَاجَةَ مِنْ قَوْلِهِ

چون صبر کند بر وے روایت کرد احمد و روایت کرد ابن ماجه از قول آنحضرت که

وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ ابْنِ مَسْعُودٍ رض قَالَ

والذی نفسی بیده است و روایت است از عبد الله بن مسعود رض گفت

قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ قَدَّمَ ثَلَاثَةً مِنَ

گفت پیغامبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم کسی کہ پیش فرستد سہ کس از

الْوَلَدِ لَمْ يَبْلُغُوا الْحِنْثَ كَانُوا لَهُ حِصْنًا حَصِينًا مِنَ النَّارِ

اولاد کہ نرسیدند بحد بلوغ را باشند این سہ فرزند برا او پناہ استوار از آتش دوزخ

فَقَالَ أَبُو ذَرٍّ قَدَّمْتُ اثْنَيْنِ قَالَ وَاثْنَيْنِ قَالَ أُبَيُّ ابْنُ

پس گفت ابو ذر کہ پیش فرستادم دو کس گفت آنحضرت و دو کس ہم پناہ باشند گفت ابی ابن

كَعْبٍ أَبُو الْمُنْذِرِ سَيِّدُ الْقُرَّاءِ قَدَّمْتُ وَاحِدًا قَالَ وَوَاحِدًا

کعب کہ کنیت او ابو منذر است و در شان وی سید القراء واقع شدہ است پیش فرستادہ ام یکی را گفت آنحضرت و یکی ہم

رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ قُرَّةَ الْمُزَنِيِّ

روایت کرد ترمذی و ابن ماجہ و روایت است از قرہ مزنی

أَنَّ رَجُلًا كَانَ يَأْتِي النَّبِيَّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَمَعَهُ

بدرستیکہ بود مردی کہ می آمد نزد پیغامبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم و حال آنکہ با وی بود

ابْنٌ لَهُ فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَتُحِبُّهُ

پسری مر او را پس گفت او را پیغامبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم آیا دوست میداری این پسر را

فَقَالَ يَا رَسُولَ اللّٰهِ أَحَبَّكَ اللّٰهُ كَمَا أُحِبُّهُ فَفَقَدَهُ النَّبِيُّ

پس گفت آن مرد ای پیغامبر خدا دوست دارد ترا خدای تعالی آنچنانکہ دوست دارم او را پس گم کرد و ندید آن پسر را

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ مَا فَعَلَ ابْنُ فُلَانٍ فَقَالُوا

صلی اللہ علیہ وسلم پس گفت آنحضرت کہ چہ شد فرزند فلانے پس گفتند

يَا رَسُولَ اللّٰهِ مَاتَ فَقَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

ای پیغامبر خدا مرد آن پسر پس فرمود پیغامبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم

أَمَا تُحِبُّ أَنْ لَا تَأْتِيَ بَابًا مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ إِلَّا وَجَدْتَهُ

کہ آیا دوست نمیداری تو کہ نیائی تو ہیچ دری از درہای بہشت مگر آنکہ یابی تو او را کہ

يَنْتَظِرُكَ فَقَالَ رَجُلٌ يَا رَسُولَ اللهِ لَهٗ خَاصَّةً

انتظار میبرد ترا پس گفت مردے کہ اے پیغامبر خدا امر او را است این شرده خاص

اَمْ لِكُلِّنَا قَالَ بَلْ لِكُلِّكُمْ رَوَاهُ اَحْمَدُ وَعَنْ

یا بهمه ما است گفت آنحضرت بلکه بهمه شما رواه احمد و روایت است از

عَلِيٍّ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

علی رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

اِنَّ السِّقْطَ لَيُرَاغِمُ رَبَّهٗ اِذَا اَدْخَلَ اَبَوَيْهِ النَّارَ

بدرستیکه بچه افگنده هر آئینه حجت میکند بر پروردگار خود وقتیکه در آرد پروردگار پدر وی را و مادر او را در آتش

فَيُقَالُ اَيُّهَا السِّقْطُ الْمُرَاغِمُ رَبَّهٗ اَدْخِلْ اَبَوَيْكَ

پس گفته می شود ای سقط مراغمه کننده پروردگار خود را در آر مادر و پدر خود را

الْجَنَّةَ فَيَجُرُّهُمَا بِسَرَرِهٖ حَتّٰى يُدْخِلَهُمَا

در بهشت پس میکشد این سقط مادر و پدر خود را بسر ناف خود تا آنکه در می آرد مادر و پدر خود را

الْجَنَّةَ رَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ

در بهشت رواه ابن ماجه

بَابُ زِيَارَةِ الْقُبُوْرِ

باب در بیان زیارة قبور

عَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ رض قَالَ زَارَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

روایت است از ابی هریره رض گفت ابو هریره زیارت کرد آنحضرت صلی الله علیه وسلم

٢٩١

و استغفار بر آن ارباب در رسانیدن نفع بایشان بدعا و استغفار و تلاوت قرآن و اشارت کرده اند آنرا مشائخ صوفیه قدس الله اسرارهم و بعض فقها رحمهم الله و این امر محقق و مقرر است نزد اهل کشف و کمال از ایشان تا آنکه بسیاری را فیوض و فتوح از ارواح رسیده

بعد از وفات وی و یکی از مشایخ عظام گفته است که دیدم از مشایخ چهار کس را که تصرف می کنند در قبور خود مانند تصرفهای ایشان

قَبْرَ أُمِّهِ فَبَكَى وَأَبْكَى مَنْ حَوْلَهُ فَقَالَ اسْتَأْذَنْتُ رَبِّي

قبر ... خود پس گریه کرد و گریانید کسی را که گرد آنحضرت بود پس فرمود که طلب اذن کردم پروردگار خود را

فِي أَنْ أَسْتَغْفِرَ لَهَا فَلَمْ يُؤْذَنْ لِي فَاسْتَأْذَنْتُهُ فِي

در آنکه طلب آمرزیدن کنم برای او پس اذن داده نشد مرا پس اذن طلب کردم پروردگار خود را در

أَنْ أَزُورَ قَبْرَهَا فَأَذِنَ لِي فَزُورُوا الْقُبُورَ فَإِنَّهَا

آنکه زیارت کنم قبر او را پس اذن داده شد مرا پس زیارت کنید قبرها را زیرا که قبرها

تُذَكِّرُ الْمَوْتَ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ بُرَيْدَةَ رض قَالَ

یاد میدهند موت را رواه مسلم و روایت است از بریده رض گفت

كَانَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُعَلِّمُهُمْ إِذَا خَرَجُوا

بود آنحضرت صلی الله علیه وسلم که تعلیم میکرد صحابه را چون بیرون می آمدند

إِلَى الْمَقَابِرِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الدِّيَارِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ

بسوی قبرها این کلمات را که سلام بر شما ای اهل سراها از گروندگان

وَالْمُسْلِمِينَ وَإِنَّا إِنْ شَاءَ اللهُ بِكُمْ لَلَاحِقُونَ نَسْأَلُ

و گردن نهندگان و ما اگر خواسته است خدا تعالی بشما رسندگانیم و پیوستگانیم میطلبیم از

اللهَ لَنَا وَلَكُمُ الْعَافِيَةَ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ

خدا برای خود و برای شما عافیت و سلامت از عذاب رواه مسلم و روایت است از

مُحَمَّدِ بْنِ النُّعْمَانِ يَرْفَعُ الْحَدِيثَ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ

محمد بن نعمان در حالتیکه میرساند حدیث را به پیغمبر خدا صلی الله علیه

وَسَلَّمَ قَالَ مَنْ زَارَ قَبْرَ أَبَوَيْهِ أَوْ أَحَدِهِمَا فِي كُلِّ جُمُعَةٍ

وسلم گفت آنحضرت کسیکه زیارت کرد قبر مادر و پدر خود را یا قبر یکی از این دو را در هر هفته

غُفِرَ لَهُ وَكُتِبَ بَرًّا رَوَاهُ الْبَيْهَقِيُّ فِي شُعَبِ الْإِيمَانِ مُرْسَلًا

آمرزیده شود مر آنکس را و نوشته شود بر ضد عاق در دیوان نیکی رواه بیهقی در شعب ایمان از روی ارسال

وَعَنِ ابْنِ مَسْعُودٍ أَنَّ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

وروایت است از ابن مسعود رض که آنحضرت صلی الله علیه وسلم

قَالَ كُنْتُ نَهَيْتُكُمْ عَنْ زِيَارَةِ الْقُبُورِ فَزُورُوهَا فَإِنَّهَا

فرمود که بودم که نهی کرده بودم شما را از زیارت قبرها پس اکنون زیارت کنید آنها را زیرا که قبرها

تُزَهِّدُ فِي الدُّنْيَا وَتُذَكِّرُ الْآخِرَةَ رَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ

بی رغبت میگرداند در دنیا و یاد میدهد آخرت را — روایت کرد ابن ماجه

كِتَابُ الزَّكٰوةِ

کتاب الزکوة

وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يُنْفِقُونَهَا فِي

و آنانکه ذخیره میکنند زر و نقره را و خرج نمی کنند آنرا در

سَبِيلِ اللهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ يَوْمَ يُحْمَى عَلَيْهَا

راه خدا پس بشارت ده ایشان را بعذاب دردناک روزیکه گرم کرده شود بر آن

فِي نَارِ جَهَنَّمَ فَتُكْوَى بِهَا جِبَاهُهُمْ وَجُنُوبُهُمْ وَظُهُورُهُمْ

در آتش دوزخ پس داغ کرده شود بآن پیشانی ایشان را و پهلوی ایشان را و پشت ایشان

هٰذَا مَا كَنَزْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ فَذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَكْنِزُونَ ۝

اینست آنچه ذخیره کردید برای خود پس بچشید آنچه ذخیره میکردید

وَأَقِيمُوا الصَّلٰوةَ وَآتُوا الزَّكٰوةَ وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ

و برپا دارید نماز را و بدهید زکوة را و آنچه پیش میفرستید برای خویشتن

مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللهِ إِنَّ اللهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ۝

از نیکوکاری خواهید یافت آنرا نزد خدا هر آئینه خدا بآنچه میکنید بیناست

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

مَا مِنْ صَاحِبِ ذَهَبٍ وَلَا فِضَّةٍ لَا يُؤَدِّي مِنْهَا حَقَّهَا إِلَّا إِذَا

نیست هیچ خداوند زر و سیم که نمیدهد از آن حق آن را مگر آنکه چون

كَانَ يَوْمُ الْقِيٰمَةِ صُفِّحَتْ لَهُ صَفَائِحُ مِنْ نَارٍ فَأُحْمِيَ عَلَيْهَا فِي

باشد روز قیامت کوفته و ساخته شود برای او صفیحها از آتش پس گرم کرده می شود بر آن صفیحها

نَارِ جَهَنَّمَ فَيُكْوٰى بِهَا جَنْبُهُ وَجَبِينُهُ وَظَهْرُهُ كُلَّمَا رُدَّتْ

آتش دوزخ پس داغ کرده می شود بآن صفایح پهلوی آنکس و پیشانی او و پشت او هرگاه که برد کرده شوند آن

أُعِيدَتْ لَهُ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ حَتّٰى

باز گردانیده شوند برای آنکس در روز که باشد اندازهٔ وے پنجاه هزار سال تا آنکه

يُقْضٰى بَيْنَ الْعِبَادِ فَيُرٰى سَبِيلُهُ إِمَّا إِلَى الْجَنَّةِ وَإِمَّا إِلَى

حکم کرده شود میان بندگان پس دیده شود راه وے بسوئے بهشت و یا بسوے

النَّارِ قِيلَ يَا رَسُولَ اللّٰهِ فَالْإِبِلُ قَالَ وَلَا صَاحِبُ إِبِلٍ

دوزخ گفتند صحابه یا رسول الله پس حکم شتر چیست گفت آنحضرت و نیست هیچ خداوند شتران که

لَا يُؤَدِّي مِنْهَا حَقَّهَا وَمِنْ حَقِّهَا حَلْبُهَا يَوْمَ وِرْدِهَا

ادا نمیکند از آن حق آنرا و از جملهٔ حقوق شتران دوشیدن شتران است روز ورود شتران

إِلَّا إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيٰمَةِ بُطِحَ لَهَا بِقَاعٍ قَرْقَرٍ أَوْفَرَ مَا كَانَتْ

مگر آنکه چون باشد روز قیامت بر روے انداخته شود صاحب شتران بصحرای فراخ هموار در حالیکه بود

لَا يَفْقِدُ مِنْهَا فَصِيلًا وَاحِدًا تَطَؤُهُ بِأَخْفَافِهَا وَتَعَضُّهُ

شتران فربه تر تمام در حالیکه گم نمیکند از آن شتران یک بچه شتر را پامال میکنند آنکس را بسمهای خود و میگزند آن شتران

بِأَفْوَاهِهَا كُلَّمَا مَرَّ عَلَيْهِ أُولَاهَا رُدَّ عَلَيْهِ أُخْرَاهَا فِي يَوْمٍ

بدهنهای خود هرگاه که بگذرد بروی اول آنها باز گردانیده شود بروی آخر آنها در روزے

كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ حَتّٰى يُقْضٰى بَيْنَ الْعِبَادِ

که باشد اندازهٔ آن پنجاه هزار سال تا آنکه حکم کرده شود میان بندگان

فيرى سبيله إما إلى الجنة وإما إلى النار قيل يا رسول الله

پس می بیند آنکس راه خود یا بسوی بهشت و یا بسوی دوزخ گفتند صحابه ای پیغامبر خدا

فالبقر والغنم قال ولا صاحب بقر ولا غنم لا يؤدي

پس چیست حکم بقر و غنم فرمود و نه خداوند بقر و نه خداوند غنم که ادا نمی کند

منها حقها إلا إذا كان يوم القيمة بطح لها بقاع قرقر

از آن حق آن مگر آنکه چون باشد روز قیامت بروی انداخته شود صاحب آن بصحرای فراخ

ولا يفقد منها شيئا ليس فيها عقصاء ولا جلحاء

درحالیکه کم نمیکند صاحب حق از این گاوان و گوسپندان چیزی را درحالیکه نیست در آن گاوان و گوسپندان پیچیده شاخها و نیست آنکه

ولا عضباء تنطحه بقرونها وتطؤه بأظلافها كلما

و نه شکسته شاخ میزنند آن گاوان صاحب خود را بشاخها و پامال میکنند این گاوان و گوسپندان آنکس را بظلفهای خود هرگاه که

مر عليه أولها رد عليه أخراها في يوم كان مقداره

بگذرد برو طائفهٔ نخستین باز گردانیده شود برو طائفهٔ پسین آنها در روزی که باشد اندازهٔ آن

خمسين ألف سنة حتى يقضى بين العباد فيرى سبيله

پنجاه هزار سال تا آنکه حکم کرده شود میان بندگان پس به بیند راه خود

إما إلى الجنة وإما إلى النار الحديث رواه مسلم

یا بسوی بهشت و یا بسوی دوزخ تا آخر حدیث روایت کرده مسلم

وعنه قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

و روایت است از وی گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

من آتاه الله مالا فلم يؤد زكوته مثل له يوم القيمة

کسیکه بدهد او را خدای تعالی مال پس ادا نکند زکوة آنرا مصور گردانیده شود برای وی مال او روز قیامت

شجاعا أقرع له زبيبتان يطوقه يوم القيمة ثم يأخذ

بصورت شجاع اقرع مار بی موی سر و دو نقطه سیاه است بالای دو چشم گردانیده شود آن مار مانند طوق در گردن آنکس روز قیامت

بلهزمتيه يعني شدقيه يقول انا مالك انا كنزك

هر دو طرف کنج دهن وے پس بگوید آن اژدها بزبان حال من مال توام من گنج توام که ذخیره کرده آن بودے

ثم تلا ولا يحسبن الذين يبخلون الاية رواه البخاري

پس خواند آنحضرت این آیت را تا آخر رواه بخاری

وعن عدي بن عميرة قال قال رسول الله صلى الله

و روایت است از عدی بن عمیره گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله

عليه وسلم من استعملناه منكم على عمل فكتمنا مخيطا

علیه وسلم هرکس که عامل گردانیدیم او را از شما بر عملے پس پوشید از ما چیزے را که بالمیت وے سوزنے است

فما فوقه كان غلولا ياتي به يوم القيامة رواه مسلم

پس پوشید چیزے را که بالاے سوزن است میباشد آن کتمان غلول می آید بکسن این فعل روز قیامت [illegible] مرده شود

وعن رافع بن خديج قال قال رسول الله صلى الله

و روایت است از رافع بن خدیج گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله

عليه وسلم العامل على الصدقة بالحق كالغازي

علیه وسلم عمل کننده بر صدقه بطریق حق [illegible] مانند است که غزا کننده است

في سبيل الله حتى يرجع الى بيته رواه ابوداود والترمذي

[illegible] تا [illegible] بخانه خود رواه ابو داؤد و الترمذی

وعن ابي هريرة رض قال لما توفي النبي صلى الله عليه

و روایت است از ابی هریره رض گفت ابو هریره چون وفات یافت آنحضرت صلی الله علیه

وسلم واستخلف ابوبكر بعده وكفر من كفر من العرب

وسلم و خلیفه گرفته شد ابوبکر بعد وے و کافر شد بانکار زکوة آنکه کافر شد از عرب

قال عمر بن الخطاب لابي بكر رض كيف تقاتل الناس

گفت عمر [illegible] ابوبکر صدیق را رض چگونه مقاتله میکنیم مردمان

وَقَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أُمِرْتُ أَنْ

و گفت که بتحقیق فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم امر کرده شده ام که

أُقَاتِلَ النَّاسَ حَتَّى يَقُولُوا لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ فَمَنْ قَالَ لَا إِلٰهَ

قتال کنم مردمان را تا وقتیکه بگویند لا اله الا الله پس کسیکه بگوید لا اله

إِلَّا اللّٰهُ عَصَمَ مِنِّي مَالَهُ وَنَفْسَهُ إِلَّا بِحَقِّهِ وَحِسَابُهُ عَلَى

الا الله نگاه دارد از من مال خود را و نفس خود را مگر بحق اسلام و حساب او بر

اللّٰهِ فَقَالَ أَبُو بَكْرٍ وَاللّٰهِ لَأُقَاتِلَنَّ مَنْ فَرَّقَ بَيْنَ الصَّلٰوةِ

خداست پس گفت ابو بکر بخدا سوگند هر آئینه قتال می کنم کسے را که فرق کند میان نماز

وَالزَّكٰوةِ فَإِنَّ الزَّكٰوةَ حَقُّ الْمَالِ وَاللّٰهِ لَوْ مَنَعُونِي عَنَاقًا

و میان زکوة زیرا که زکوة حق واجب در مال است بخدا سوگند اگر منع کنند مرا بزغاله

كَانُوا يُؤَدُّونَهَا إِلَى رَسُولِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

که بودند که ادا میکردند آنرا بسوے پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

لَقَاتَلْتُهُمْ عَلَى مَنْعِهَا قَالَ عُمَرُ فَوَاللّٰهِ مَا هُوَ إِلَّا رَأَيْتُ

هر آئینه مقاتله می کنم ایشانرا بر منع عناق گفت عمر پس سوگند بخدا نبود حال او ابو بکر مگر دانستم

أَنَّ اللّٰهَ شَرَحَ صَدْرَ أَبِي بَكْرٍ لِلْقِتَالِ فَعَرَفْتُ أَنَّهُ الْحَقُّ

بتحقیق که خدا کشاده سینه ابی بکر برای قتال پس شناختم که همین سبب حق از قتال کرد ابو بکر

مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

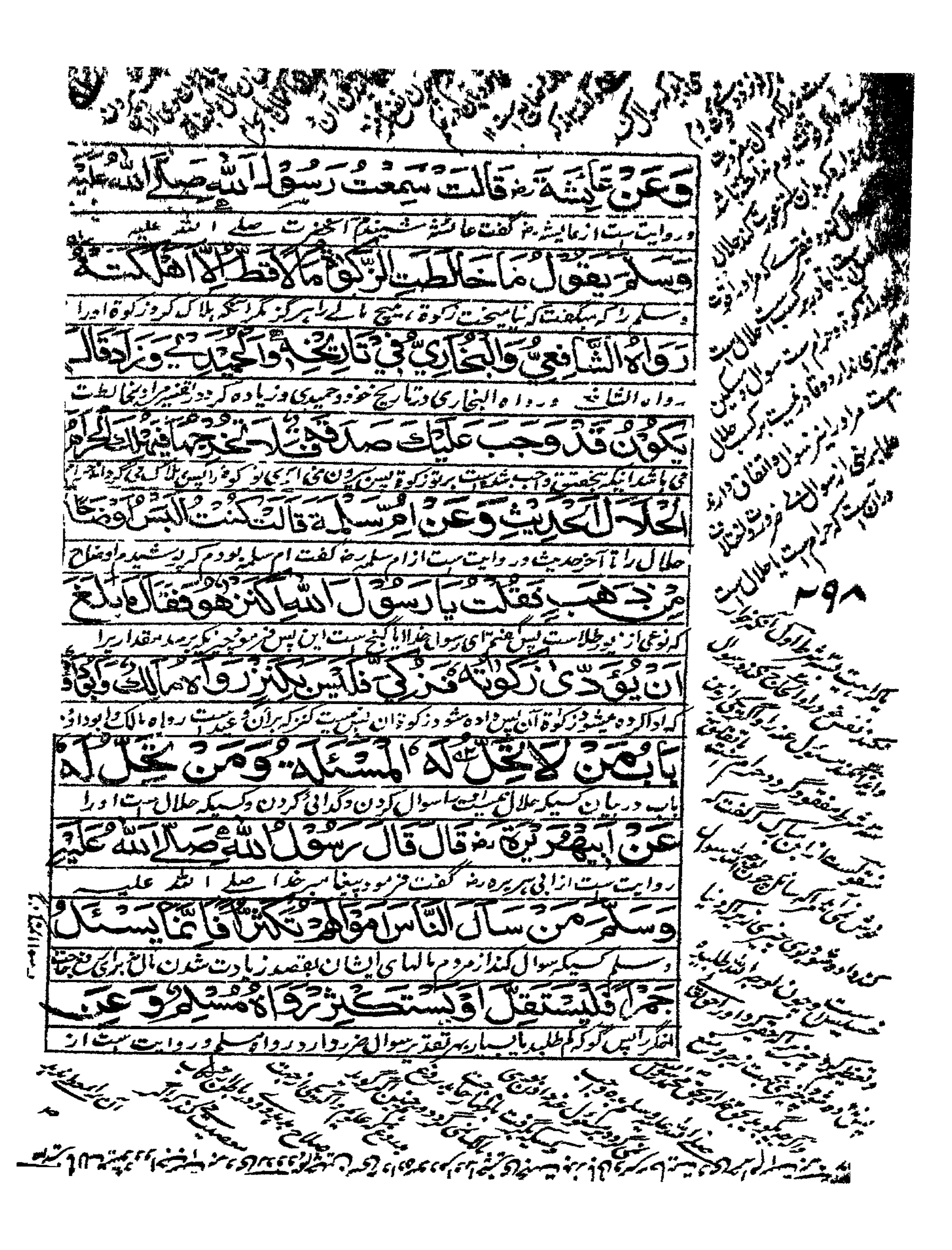
متفق علیه و هم از وے ست گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه

وَسَلَّمَ يَكُونُ كَنْزُ أَحَدِكُمْ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ شُجَاعًا أَقْرَعَ يَفِرُّ

وسلم میباشد گنج یکے از شما روز قیامت مار بزرگ که موی سر ندارد و بگریزد

مِنْهُ صَاحِبُهُ وَهُوَ يَطْلُبُهُ حَتَّى يُلْقِمَهُ أَصَابِعَهُ رَوَاهُ أَحْمَدُ

از آن مار صاحب آن گنج و حال آنکه آن مار میجوید او را تا آنکه لقمه گرداند آنرا انگشتان خود را رواه احمد



وَعَنْ عَائِشَةَ رض قَالَتْ سَمِعْتُ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ
و روایت ست از عایشه رض گفت عایشه شنیدم آنحضرت صلی الله علیه
وَسَلَّمَ يَقُوْلُ مَا خَالَطَتِ الزَّكٰوةُ مَالاً قَطُّ اِلَّا اَهْلَكَتْهُ
وسلم را که میگفت که نیامیخت زکوة هیچ مالی را هرگز مگر آنکه هلاک کرد زکوة او را
رَوَاهُ الشَّافِعِيُّ وَالْبُخَارِيُّ فِيْ تَارِيْخِهِ وَالْحُمَيْدِيُّ وَزَادَ قَالَ
روایت الشافعی و روایت البخاری در تاریخ خود و حمیدی و زیاده کرد در تفسیر از مخالطت
يَكُوْنُ قَدْ وَجَبَ عَلَيْكَ صَدَقَةٌ فَلَا تُخْرِجُهَا فَيُهْلِكُ الْحَرَامُ
می باشد اینکه بتحقیق واجب شده است بر تو زکوة پس بیرون نمی آری تو زکوة را پس هلاک میکند حرام
الْحَلَالَ الْحَدِيْثُ وَعَنْ اُمِّ سَلَمَةَ قَالَتْ كُنْتُ اَلْبَسُ اَوْضَاحًا
حلال را تا آخر حدیث و روایت ست از ام سلمه رض گفت ام سلمه بودم که می پوشیدم اوضاح
مِنْ ذَهَبٍ فَقُلْتُ يَا رَسُوْلَ اللّٰهِ اَكَنْزٌ هُوَ فَقَالَ مَا بَلَغَ
که نوعی از زیور طلاست پس گفتم ای رسول خدا آیا گنج ست این پس فرمود چیزی که برسد مقدار او را
اَنْ يُؤَدّٰى زَكٰوتُهُ فَزُكِّيَ فَلَيْسَ بِكَنْزٍ رَوَاهُ مَالِكٌ وَاَبُوْ دَاوٗدَ
که ادا کرده میشود زکوة آن پس داده شود زکوة آن پس نیست گنج که بر آن وعید ست روایه مالک و ابوداؤد

بَابُ مَنْ لَا تَحِلُّ لَهُ الْمَسْئَلَةُ وَمَنْ تَحِلُّ لَهُ

باب در بیان کسیکه حلال نیست او را سوال کردن و گدائی کردن و کسیکه حلال ست او را
عَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ
روایت ست از ابی هریره رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه
وَسَلَّمَ مَنْ سَاَلَ النَّاسَ اَمْوَالَهُمْ تَكَثُّرًا فَاِنَّمَا يَسْئَلُ
وسلم کسیکه سوال کند از مردم مالهای ایشان بقصد زیادت شدن مال برای جمع کردن جز این نیست که
جَمْرًا فَلْيَسْتَقِلَّ اَوْ يَسْتَكْثِرْ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ
اخگر را پس کم کند طلب یا بسیار بهر تقدیر سوال ضرر دارد روایه مسلم و روایت ست از

٢٩٨

الزبير بن العوام قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

زبیر بن عوام گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

لأن يأخذ أحدكم حبله فيأتي بحزمة حطب على

هر آئینه بگیرد یکے از شما رسن خود را پس بیارد پشته هیزم را بر پشت خود

ظهره فيبيعها فيكف الله بها وجهه خير له من أن يسأل

پس بفروشد آنرا پس باز دارد حق تعالی بآن پشته هیزم آبروی وی را بهتر است مر او را

الناس أعطوه أو منعوه رواه البخاري وعن ابن عمر رض

از آنکه سوال کند مردم را بدهند او را یا نه رواه البخاری و روایت است از ابن عمر رض

أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال وهو على المنبر

بدرستیکه آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود و حال آنکه وی بر منبر بود

وهو يذكر الصدقة والتعفف عن المسألة اليد العليا

و آن حضرت ذکر میکرد صدقه را و باز ایستادن از سوال حرام دست بالا

خير من اليد السفلى واليد العليا هي المنفقة والسفلى

بهتر است از دست پایان [illegible] آنحضرت که دست علیا دستی است که خرج کننده است

هي السائلة متفق عليه وعن أبي سعيد الخدري رض

سوال کننده متفق علیه و روایت است از ابی سعید خدری رض

قال إن أناسا من الأنصار سألوا رسول الله صلى الله

گفت که بعضے مردمان از انصار سوال کردند از رسول خدا صلی الله

عليه وسلم فأعطاهم ثم سألوه فأعطاهم حتى

علیه وسلم پس داد آن حضرت ایشان را پس سوال کردند پس داد ایشان را تا آنکه

نفد ما عنده فقال ما يكون عندي من خير فلن أدخره

تمام شد چیزیکه نزد آنحضرت بود پس فرمود آنچه باشد نزد من از خیر یعنی اگر مال پیش من [illegible] هرگز

وَمَنْ يَسْتَعْفِفْ يُعِفَّهُ اللّٰهُ وَمَنْ يَسْتَغْنِ يُغْنِهِ اللّٰهُ وَمَنْ

وکسیکہ باز ایستد از سوال ونگاہدارد خود را نگاہدارد او را خدا تعالی وکسیکہ بے تمنا ورزد

يَتَصَبَّرْ يُصَبِّرْهُ اللّٰهُ وَمَا أُعْطِيَ أَحَدٌ عَطَاءً هُوَ خَيْرٌ وَأَوْسَعُ

تکلف کند دور آید در صبر کردن صبر بخشد او را خدا و داده نشده است ہیچ یکی دادنی کہ آن بہتر است

مِنَ الصَّبْرِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ قَالَ

از صبر متفق علیہ و روایت است از عمر بن الخطاب رضہ گفت

كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُعْطِينِي الْعَطَاءَ

بود آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم میداد مرا بخشش

فَأَقُولُ أَعْطِهِ أَفْقَرَ إِلَيْهِ مِنِّي فَقَالَ خُذْهُ فَتَمَوَّلْهُ

پس می گفتم کہ بدہ آنرا کہ محتاج تر بود بسوی آن از من پس گفت آنحضرت بگیر آنرا پس مال ساز آنرا

وَتَصَدَّقْ بِهِ فَمَا جَاءَكَ مِنْ هٰذَا الْمَالِ وَأَنْتَ غَيْرُ مُشْرِفٍ وَلَا

و تصدق کن بآن پس چیزیکہ بیاید ترا ازین مال وحال آنکہ انتظار برنده و نہ سوال کننده

سَائِلٍ فَخُذْهُ وَمَا لَا فَلَا تُتْبِعْهُ نَفْسَكَ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ سَمُرَةَ

پس بگیر آنرا و چیزیکہ چنین نیست پس مگردان آنرا نفس خود را متفق علیہ روایت است

بْنِ جُنْدُبٍ رضہ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

سمرة بن جندب رضہ گفت سمرة فرمود آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم

الْمَسَائِلُ كُدُوحٌ يَكْدَحُ بِهَا الرَّجُلُ وَجْهَهُ فَمَنْ شَاءَ

سوالہا خراشہا و جراحتہا ست کہ مجروح می گرداند بآنہا مرد روی خود را پس کسیکہ خواہد

أَبْقَى عَلَى وَجْهِهِ وَمَنْ شَاءَ تَرَكَهُ إِلَّا أَنْ يَسْأَلَ الرَّجُلُ ذَا سُلْطَانٍ

نگاہدارد روی خود را و کسیکہ خواہد ترک کند آنرا مگر آنکہ سوال کند مرد خداوند سلطنت را کہ امیر است

أَوْ فِي أَمْرٍ لَا يَجِدُ مِنْهُ بُدًّا رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ وَالتِّرْمِذِيُّ وَالنَّسَائِيُّ

یا سوال کند در کاریکہ نمی یابد از آن چاره رواه ابوداؤد و ترمذی و نسائی

وَعَنْ سَهْلِ بْنِ الْحَنْظَلِيَّةِ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ

و روایت ست از سهل بن حنظلیه رض گفت فرمود پیغامبر خدا

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ سَأَلَ وَعِنْدَهُ مَا يُغْنِيْهِ

صلی الله علیه و سلم کسیکه سوال کند و نزد وی چیزی باشد که بی نیاز گرداند او را از سوال پس نیست ای

فَاِنَّمَا يَسْتَكْثِرُ مِنَ النَّارِ قَالَ النُّفَيْلِيُّ وَهُوَ اَحَدُ رُوَاتِهٖ فِيْ مَوْضِعٍ

مگر آنکه میکند طلب بسیاری از آتش گفته است نفیلی و آن یکی از راویان این حدیث ست در جای دیگر ازین حدیث

اٰخَرَ وَمَا الْغِنَى الَّذِيْ لَا يَنْبَغِيْ مَعَهُ الْمَسْأَلَةُ قَالَ قَدْرُ

و چیست غنا که روا نیست با وی سوال کردن گفت مقدار

مَا يُغَدِّيْهِ وَيُعَشِّيْهِ وَقَالَ فِيْ مَوْضِعٍ اٰخَرَ اَنْ يَكُوْنَ

چیزیست که آنرا قوت بامداد گرداند و قوت شبانگاه و گفته نفیلی در جای دیگر حد غنا اینست که باشد

لَهٗ شِبَعُ يَوْمٍ اَوْ لَيْلَةٍ وَيَوْمٍ رَوَاهُ اَبُوْ دَاوُدَ وَعَنْ

مر او را چیزے که سیر گرداند او را روز یا روز و شب رواه ابو داود روایت ست از

حُبْشِيِّ بْنِ جُنَادَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

حبشی بن جناده رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه

وَسَلَّمَ اِنَّ الْمَسْأَلَةَ لَا تَحِلُّ لِغَنِيٍّ وَلَا لِذِيْ مِرَّةٍ سَوِيٍّ

و سلم بدرستیکه سوال کردن حلال نیست مر توانگر را و نه مر خداوند قوة سلیم الاعضا را

اِلَّا لِذِيْ فَقْرٍ مُدْقِعٍ اَوْ غُرْمٍ مُفْظِعٍ وَمَنْ سَأَلَ النَّاسَ

ولیکن حلال ست مر خداوند فقر را که چسپا ننده است بخاک یا حلال ست مر خداوند دام را که

لِيُثْرِيَ بِهٖ مَالَهٗ كَانَ خُمُوْشًا فِيْ وَجْهِهٖ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ وَرَضْفًا يَأْكُلُهٗ

در قطاعت افگنده است و کسیکه سوال کند مردم را تا بسیار کند بآن مال خود را می باشد آن سوال زخمها در رو روز قیامت و سنگ

مِنْ جَهَنَّمَ فَمَنْ شَاءَ فَلْيُقِلَّ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْثِرْ

از دوزخ پس کسیکه خواهد کم کند و هر که خواهد زیاده کند

[Handwritten margin note:] خموش زخم ... رضف سنگ گرم ... سنگهای گرم ... [illegible]

رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنِ ابْنِ الْفِرَاسِيِّ أَنَّ الْفِرَاسِيَّ قَالَ

روایت کرد این را ترمذی و روایت ست از ابن الفراسی که منسوب ست بفراس بن غنم گفت

قُلْتُ لِرَسُولِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَسْأَلُ يَا رَسُولَ

ابن فراس از پدرش گفت گفتم مر پیغمبر خدا را صلی اللہ علیہ وسلم آیا سوال کنم من ای پیغمبر

اللّٰهِ فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا وَإِنْ كُنْتَ

خدا از مردم چیزی پس فرمود پیغمبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم سوال مکن و اگر ہستی تو

لَا بُدَّ فَسَلِ الصَّالِحِينَ رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ وَالنَّسَائِيُّ وَعَنْ

که البته میخواہی پس سوال کن صالحان را از جہت کرم ایشان روایت کرد ابو داود و النسائی و روایت از

عَلِيٍّ رض أَنَّهُ سَمِعَ يَوْمَ عَرَفَةَ رَجُلًا يَسْأَلُ النَّاسَ

علی کرم اللہ وجہہ که وی شنید روز عرفه مردیرا که سوال میکند مردمان را

فَقَالَ أَفِي هٰذَا الْيَوْمِ وَفِي هٰذَا الْمَكَانِ تَسْأَلُ مِنْ

پس فرمود آیا درین روز که عرفه است و درین مکان که عرفات ست سوال میکنی از

غَيْرِ اللّٰهِ فَخَفَقَهُ بِالدِّرَّةِ رَوَاهُ رَزِينٌ وَعَنْ عُمَرَ رض

غیر خدا پس زد علی کرم اللہ وجہہ آنمرد را بدره روایت کرد رزین و روایت ست از عمر رض

قَالَ تَعَلَّمُنَّ أَيُّهَا النَّاسُ أَنَّ الطَّمَعَ فَقْرٌ وَأَنَّ الْإِيَاسَ غِنًى

گفت عمر رض بدانید ای مردم که امید داشتن از مال مردم سبب فقر ست و نا امید بودن توانگری بی نیازی ست

وَإِنَّ الْمَرْأَ إِذَا يَئِسَ عَنْ شَيْءٍ اِسْتَغْنٰى عَنْهُ رَوَاهُ رَزِينٌ

و بدرستیکه مرد وقتیکه نا امید شود از چیزی بی نیاز میشود از آن روایت کرد رزین رض

وَعَنْ ثَوْبَانَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

و روایت ست از ثوبان مولای آنحضرت گفت که فرمود پیغامبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم

مَنْ يَّكْفُلُ لِي أَنْ لَّا يَسْأَلَ النَّاسَ شَيْئًا فَأَتَكَفَّلُ لَهٗ

کیست که ضامن شود مرا که سوال نکند از مردم چیزی پس ضامن شوم مر او را

بِالْجَنَّةِ فَقَالَ ثَوْبَانُ أَنَا فَكَانَ لَا يَسْأَلُ أَحَدًا شَيْئًا رَوَاهُ

به بهشت پس گفت ثوبان من ضامن می شوم پس بود ثوبان که سوال نمیکرد هیچ یکے را چیزی روا ه

أَبُودَاوُدَ وَالنَّسَائِيُّ وَعَنْ أَبِي ذَرٍّ رض قَالَ دَعَانِي

ابوداود و النسائی و روایت ست از ابی ذر رض گفت ابوذر رض خواند مرا

رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَهُوَ يَشْتَرِطُ عَلَيَّ أَنْ

آنحضرت صلے اللہ علیہ و سلم و حال آنکہ وی طلب شرط میکند بر من کہ

لَا تَسْأَلَ النَّاسَ شَيْئًا قُلْتُ نَعَمْ قَالَ وَلَا سَوْطَكَ إِنْ

سوال نکنی تو از مردم چیزی گفتم آرے شرط کردم و گفت آنحضرت رض طلب از کسے تازیانہ خود را کہ بیفتد

سَقَطَ مِنْكَ حَتَّى تَنْزِلَ إِلَيْهِ فَتَأْخُذَهُ رَوَاهُ أَحْمَدُ بَابُ

از دست تو تا آنکہ فرود آئی تو از اسپ بسوی تازیانہ پس بگیری آنرا روا ہ احمد باب

الْإِنْفَاقِ وَكَرَاهِيَةِ الْإِمْسَاكِ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ

الانفاق و کراہت امساک کسانیکہ خرچ میکنند اموال خویش

بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ

شب و روز پنہان و آشکارا پس ایشان را مزد ایشان ست نزدیک پروردگار ایشان

وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ۝ وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ

و نیست ترس بالیشان و نہ ایشان اندوہگین شوند باید کہ گمان نکنند آنانکہ

يَبْخَلُونَ بِمَا آتَاهُمُ اللّٰهُ مِنْ فَضْلِهِ هُوَ خَيْرًا لَهُمْ

بخل می کنند بانچہ عطا کردہ است ایشان را خدا از فضل خود این بخل بہتر ست برای خویش

بَلْ هُوَ شَرٌّ لَهُمْ سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخِلُوا بِهِ

بلکہ او بد ست برای ایشان نزدیک ست کہ بشکل طوق پوشانیدہ شود ایشان را آنچہ بخل کردہ اند بآن

يَوْمَ الْقِيَامَةِ قُلْ لِعِبَادِيَ الَّذِينَ

روز قیامت بگو آن بندگان مرا

اٰمَنُوْا یُقِیْمُوا الصَّلٰوۃَ وَیُنْفِقُوْا مِمَّا رَزَقْنٰھُمْ سِرًّا وَّعَلَانِیَۃً

که ایمان آورده اند برپا دارند نماز را و خرچ کنند از انچه ما روزی داده ایم ایشانرا پنهان و آشکارا

مِّنْ قَبْلِ اَنْ یَّاْتِیَ یَوْمٌ لَّا بَیْعٌ فِیْهِ وَلَا خِلٰلٌ مَنْ ذَا الَّذِیْ

پیش از آنکه بیاید روزیکه خرید و فروخت نیست دران و نه با یکدیگر دوستی بود کیست آنکه

یُقْرِضُ اللّٰهَ قَرْضًا حَسَنًا فَیُضٰعِفَهٗ لَهٗٓ اَضْعَافًا كَثِیْرَۃً

وام دهد خدا را وام دادن نیک پس دو چند سازد خدا اعمال را برای او بمراتب بسیار

وَاللّٰهُ یَقْبِضُ وَیَبْصُۜطُ وَاِلَیْهِ تُرْجَعُوْنَ ○ یٰۤاَیُّهَا الَّذِیْنَ اٰمَنُوْۤا

و خدا تنگ میسازد و کشاده میکند روزی را و بسوی او باز گردانیده میشوید اے مسلمانان

اَنْفِقُوْا مِمَّا رَزَقْنٰكُمْ مِّنْ قَبْلِ اَنْ یَّاْتِیَ یَوْمٌ لَّا بَیْعٌ فِیْهِ وَلَا خُلَّۃٌ وَّلَا

خرچ کنید از انچه روزی داده ایم شمارا پیش از آنکه بیاید روزی که خرید و فروخت نیست دران و نه دوستی و نه

شَفَاعَۃٌ وَالْكٰفِرُوْنَ هُمُ الظّٰلِمُوْنَ ○ اَلَّذِیْنَ یُنْفِقُوْنَ

سفارش و کافران ایشانند ظالمان آنانکه خرچ میکنند

اَمْوَالَهُمْ فِیْ سَبِیْلِ اللّٰهِ ثُمَّ لَا یُتْبِعُوْنَ مَاۤ اَنْفَقُوْا مَنًّا وَّلَاۤ

اموال خود را در راه خدا باز از پی آن انفاق نمی آرند منت نهادن را و نه

اَذًی لَّهُمْ اَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَیْهِمْ وَلَا هُمْ

ایذا رسانیدن را ایشان راست مزد ایشان نزدیک پروردگار ایشان و نیست ترس بر ایشان و نه ایشان

یَحْزَنُوْنَ ○ قَوْلٌ مَّعْرُوْفٌ وَّمَغْفِرَۃٌ خَیْرٌ

اندوهگین شوند سخن ملایم گفتن و در گذشتن از بی ادبی سائل بهتر ست

مِّنْ صَدَقَۃٍ یَّتْبَعُهَاۤ اَذًی وَاللّٰهُ غَنِیٌّ حَلِیْمٌ ○

از آن خیرات که از پسِ آن آزرده کردن ست و خدا بے نیاز بردبار ست

یٰۤاَیُّهَا الَّذِیْنَ اٰمَنُوْا لَا تُبْطِلُوْا صَدَقٰتِكُمْ

ای مومنان تباه مکنید خیرات خود را

بِالْمَنِّ وَالْأَذٰى كَالَّذِيْ يُنْفِقُ مَالَهٗ رِئَآءَ النَّاسِ

منت نهادن و آزرده کردن همچو کسیکه خرج میکند مال خود را برائے نمودن مردمان

وَلَا يُؤْمِنُ بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْاٰخِرِ فَمَثَلُهٗ كَمَثَلِ

و ایمان نیارد بخدا و روز قیامت پس صفت او مانند

صَفْوَانٍ عَلَيْهِ تُرَابٌ فَاَصَابَهٗ وَابِلٌ فَتَرَكَهٗ صَلْدًا

صفت سنگ صاف است که برو باشد از گل خاکی پس رسید بو باران عظیم پس گذاشت او را سخت و صاف مانده

لَا يَقْدِرُوْنَ عَلٰى شَيْءٍ مِّمَّا كَسَبُوْا ؕ وَاللّٰهُ لَا يَهْدِي

توانائی ندارند اهل ریا بر چیزے از آنچه عمل کردند و خدا راه نمی نماید

الْقَوْمَ الْكٰفِرِيْنَ ؕ عَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ

گروه کافران را در روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود

رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَوْ كَانَ لِيْ مِثْلُ اُحُدٍ

آنحضرت صلے الله علیه وسلم اگر می بود مرا مانند کوه احد

ذَهَبًا لَسَرَّنِيْ اَنْ لَا يَمُرَّ عَلَيَّ ثَلٰثُ لَيَالٍ وَعِنْدِيْ

طلا هر آئینه شاد میکرد انید مرا اینکه نگذرد بر من سه شب و حال آنکه نزد من

مِنْهُ شَيْءٌ اِلَّا شَيْءٌ اَرْصُدُهٗ لِدَيْنٍ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ

چیزے از آن باقیست مگر چیزیکه آماده سازم آنرا برائے وام روواه بخاری

وَعَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

وهم از وی روایت گفت فرمود پیغامبر خدا صلے الله علیه وسلم

مَا مِنْ يَّوْمٍ يُّصْبِحُ الْعِبَادُ فِيْهِ اِلَّا وَمَلَكَانِ يَنْزِلَانِ

نیست هیچ روزیکه صبح میکنند بندگان در وے مگر آنکه فرود می آیند دو فرشته از آسمان

فَيَقُوْلُ اَحَدُهُمَا اللّٰهُمَّ اَعْطِ مُنْفِقًا خَلَفًا وَيَقُوْلُ

پس میگوید یکی ازین دو فرشته خداوندا بده انفاق کننده را چیزے بجای او و میگوید فرشته

الآخر اللهم أعط ممسكا تلفا متفق عليه وعن

ودیگر خداوندا بده بخیل را هلاکی مال که نگاه میدارد متفق است بخاری ومسلم و روایت است از

أسماء رض قالت قال رسول الله صلى الله عليه

اسماء بنت ابی بکر گفت اسماء فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه

وسلم انفقي ولا تحصي فيحصي الله عليك ولا توعي

وسلم انفاق کن و شمار مکن که چند دهم پس احصا کند خدا بر تو و نگاه مدار مال

فيوعي الله عليك ارضخي ما استطعت متفق عليه

پس نگاه دارد خدا بر تو بده آنچه میتوانی اگرچه اندک باشد متفق علیه

وعن ابي هريرة رض قال قال رسول الله صلى الله

و روایت است از ابی هریرة رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله

عليه وسلم قال الله تعالى انفق يا ابن ادم انفق

علیه وسلم فرمود خدا تعالی انفاق کن ای پسر آدم تا انفاق کنم

عليك متفق عليه وعن ابي امامة رض قال قال

بر تو متفق علیه و روایت است از ابی امامه رض گفت فرمود

رسول الله صلى الله عليه وسلم يا ابن ادم ان تبذل

پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم گفت خدا در حدیث قدسی ای فرزند آدم بذل کردن تو

الفضل خير لك وان تمسكه شر لك ولا تلام

زیاده از قدر حاجت بهتر است مر ترا و نگاه داشتن تو آنرا و بخیل کردن بدتر است مر ترا و نکوهیده نمی شوی تو

على كفاف وابدأ بمن تعول رواه مسلم وعن

بر نگاه داشتن کفاف و آغاز کن در بذل زاید از کفاف بعیال خود رواه مسلم و روایت است از

جابر رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

جابر رض گفت جابر فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

اتَّقُوا الظُّلْمَ فَإِنَّ الظُّلْمَ ظُلُمَاتٌ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ وَاتَّقُوا

پرہیز کنید ظلم را زیرا کہ ظلم سبب ظلمات متعددہ است روز قیامت و پرہیز کنید

الشُّحَّ فَإِنَّ الشُّحَّ أَهْلَكَ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ حَمَلَهُمْ

بخل و حرص را زیرا کہ بخل نیست گردانیدہ است کسانیرا کہ پیش از شما بودند برانگیخت ایشان را

عَلٰى أَنْ سَفَكُوا دِمَاءَهُمْ وَاسْتَحَلُّوا مَحَارِمَهُمْ

بر آنکہ ریختند خون یکدیگر را و حلال گردانیدند چیزہا را کہ حرام گردانیدہ است خدا

رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَجُلٌ

روایت کرد مسلم و روایت است از ابی ہریرہ رض گفت ابو ہریرہ گفت مردے

يَا رَسُوْلَ اللهِ أَيُّ الصَّدَقَةِ أَعْظَمُ أَجْرًا قَالَ أَنْ

ای پیغمبر خدا کدام صدقہ بزرگتر است از روئے اجر و ثواب فرمود کہ بزرگترین صدقہا آنست کہ

تَصَدَّقَ وَأَنْتَ صَحِيْحٌ شَحِيْحٌ تَخْشَى الْفَقْرَ وَتَأْمُلُ الْغِنٰى

تصدق کنی و حال آنکہ تو تندرستی و بخیلی و حالیکہ میترسی درویشی را و امید میداری توانگری را

وَلَا تُمْهِلْ حَتّٰى إِذَا بَلَغَتِ الْحُلْقُوْمَ قُلْتَ لِفُلَانٍ

و توقف مکن تا آنکہ برسد روح در گلو بگوئی فلان کس را

كَذَا وَلِفُلَانٍ كَذَا وَقَدْ كَانَ لِفُلَانٍ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ

چنین و فلان را چنین و حال آنکہ ہست مر فلان را متفق علیہ

وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللهِ صَلَّى اللهُ

و روایت است از ابی ہریرہ رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی اللہ

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ السَّخِيُّ قَرِيْبٌ مِّنَ اللهِ قَرِيْبٌ مِّنَ الْجَنَّةِ

علیہ وسلم سخی نزدیک است از جناب رحمت و رضاے حق نزدیک است از بہشت کہ در آید آنرا

قَرِيْبٌ مِّنَ النَّاسِ بَعِيْدٌ مِّنَ النَّارِ وَالْبَخِيْلُ بَعِيْدٌ مِّنَ اللهِ

نزدیک است از دلہاے مردم بجہت بعید است از دوزخ و بخیل بعید است از رحمت حق

بعيدٌ من الجنّةِ بعيدٌ من النّاسِ قريبٌ من النّارِ

بعيد است از بهشت بعيد است از صحبت مردمان قريب است از دوزخ

ولجاهلٌ سخيٌّ احبُّ الى اللهِ من عابدٍ بخيلٍ رواه

وتحقيق جاهل سخی دوست داشته شده تر است از عابد بخيل رواه

الترمذيُّ وعن ابي سعيدٍ رض قال قال رسولُ الله

الترمذے و روايت است از ابی سعيد رض گفت فرمود پيغامبر خدا

صلّى اللهُ عليهِ وسلّم لانْ يتصدّقَ المرءُ في حياتهِ بدرهمٍ

صلے الله عليه وسلم هر آئينه تصدق كردن مرد يك درهم را در زندگانی خود

خيرٌ له من ان يتصدّقَ بمائةٍ عند موتهِ رواه ابوداود

بهتر است مر او را از تصدق كردن وے بصد درهم نزد مردن رواه ابو داود

وعن ابي الدرداءِ قال قال رسولُ اللهِ صلّى اللهُ عليهِ

و روايت است از ابی درداء گفت فرمود آنحضرت صلے الله عليه

وسلّم مثلُ الّذي يتصدّقُ عند موتهِ او يعتقُ كالّذي

وسلم حال كسيكه تصدق كند نزد مردن خود يا آزاد ميكند بنده را مانند حال كسے كه

يهدي اذا شبعَ رواه احمدُ والنّسائيُّ والدّارميُّ و

هديه ميفرستد طعام را بعد ازانكه سير شد رواه احمد والنسائی والدارمے و

الترمذيُّ وصحّحهُ وعن ابي سعيدٍ رض قال قال

الترمذی وحكم كرد بصحت آن و از ابی سعيد روايت است گفت فرمود

رسولُ اللهِ صلّى اللهُ عليهِ وسلّم خصلتانِ لا يجتمعانِ في

پيغامبر خدا صلے الله عليه وسلم دو خصلت جمع نشوند در

مؤمنٍ البخلُ وسوءُ الخلقِ رواه الترمذيُّ وعن

هيچ مسلمانی يكے بخيلی ديگر بد خلقی رواه الترمذی و روايت است از

اَبِي بَكْرِنِ الصِّدِّيْقِ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

ابی بکر الصدیق رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم

لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ خَبٌّ وَلَا بَخِيْلٌ وَلَا مَنَّانٌ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ

درنمی آید بہشت را این سہ کس اول مرد فریبندہ دوم بخیل و سوم مرد منت نہندہ بعد از عطا رواہ الترمذی

وَعَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

و روایت است از ابی ہریرہ رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی اللہ علیہ

وَسَلَّمَ شَرُّ مَا فِي الرَّجُلِ شُحٌّ هَالِعٌ وَجُبْنٌ خَالِعٌ رَوَاهُ اَبُوْدَاؤُدَ

وسلم بدترین خصلتہا کہ در مرد است دو خصلت است یکی بخل جزع و فزع کنندہ و دوم بزدلی ترسندگی کندہ دل را از جا از رواہ ابو داؤد

وَعَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ بَيْنَمَا رَجُلٌ بِفَلَاةٍ

و روایت است از آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم فرمود آنحضرت وقتیکہ مردی حاضر بود

مِنَ الْاَرْضِ فَسَمِعَ صَوْتًا فِي سَحَابَةٍ اسْقِ حَدِيْقَةَ فُلَانٍ

بہ بیابان از زمین پس شنید آوازی در ابری کہ میگوید آب دہ بستان فلان را

فَتَنَحّٰى ذٰلِكَ السَّحَابُ فَاَفْرَغَ مَاءَهٗ فِي حَرَّةٍ فَاِذَا شَرْجَةٌ

پس یکسو شد آن ابر پس ریخت آن آب خود را در زمین سنگستان پس ناگاہ آب راہے

مِنْ تِلْكَ الشِّرَاجِ قَدِ اسْتَوْعَبَتْ ذٰلِكَ الْمَاءَ كُلَّهٗ فَتَتَبَّعَ

از ان آب راہہا بتحقیق فرا گرفتہ است آن آب را ہمہ پس پیروی کرد آن مرد

الْمَاءَ فَاِذَا رَجُلٌ قَائِمٌ فِي حَدِيْقَتِهٖ يُحَوِّلُ الْمَاءَ بِمِسْحَاتِهٖ

آب را پس ناگاہ مردی ایستادہ است در حدیقہ خود میگرداند آب را بہ بیل آہنین

فَقَالَ لَهٗ يَا عَبْدَ اللّٰهِ مَا اسْمُكَ قَالَ فُلَانٌ لِلْاِسْمِ الَّذِيْ

پس گفت مر این مرد را اے بندہ خدا چیست نام تو گفت نام من فلان است آن نامے کہ

سَمِعَ فِي السَّحَابَةِ فَقَالَ لَهٗ يَا عَبْدَ اللّٰهِ لِمَ تَسْاَلُنِيْ

شنیدہ بود در ابر پس گفت صاحب باغ مر آن مرد را اے بندہ خدا چرا میپرسی مرا

عَنْ اِسْمِیْ فَقَالَ اِنِّیْ سَمِعْتُ صَوْتًا فِی السَّحَابِ الَّذِیْ

از نام من پس گفت آنمرد من شنیده ام آوازے را در ابر که

هٰذَا مَاءُهٗ وَیَقُوْلُ اسْقِ حَدِیْقَةَ فُلَانٍ لِاسْمِكَ فَمَا تَصْنَعُ

این آب اوست میگفت آن آواز یعنی کسیکه آواز میکرد آب ده حدیقه فلانرا میگفت مر نام ترا پس کار میکنی

فِیْهَا قَالَ اَمَّا اِذَا قُلْتَ هٰذَا فَاِنِّیْ اَنْظُرُ اِلٰی مَا یَخْرُجُ مِنْهَا

در حدیقه خود گفت من نخواسته بودم که اظهار کنم لیکن چون گفتی این را بگویم پس بدرستی من نگاه میکنم بسوی چیزیکه بیرون می آید از آن

فَاَتَصَدَّقُ بِثُلُثِهٖ وَاٰكُلُ اَنَا وَعِیَالِیْ ثُلُثًا وَاَرُدُّ فِیْهَا ثُلُثَهٗ

پس تصدق میکنم بسه یک آن و میخورم من و عیال من از ثلث آن و باز میگردانم در حدیقه خود ثلث آن

رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْهُ اَنَّهٗ سَمِعَ النَّبِیَّ صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَسَلَّمَ

روایت کرد مسلم وهم از ابی هریره است رض که وے شنید آنحضرت را صلی الله علیه وسلم

یَقُوْلُ اِنَّ ثَلٰثَةً مِّنْ بَنِیْ اِسْرَآئِیْلَ اَبْرَصَ وَاَقْرَعَ وَاَعْمٰی

که میگفت بدرستیکه سه کس بودند از قوم بنی اسرائیل یکے ابرص دوم اقرع سوم کور

فَاَرَادَ اللهُ اَنْ یَّبْتَلِیَهُمْ فَبَعَثَ اِلَیْهِمْ مَلَكًا فَاَتَی الْاَبْرَصَ

پس خواست خدا تعالی که ابتلا کند ایشانرا پس فرستاد خدا بسوی ایشان فرشته را پس آمد آن فرشته نزد ابرص

فَقَالَ اَیُّ شَیْءٍ اَحَبُّ اِلَیْكَ قَالَ لَوْنٌ حَسَنٌ وَّجِلْدٌ حَسَنٌ

پس گفت فرشته کدام چیز دوست داشته شده تر است بسوی تو گفت رنگ نیک و پوست نیک

وَیَذْهَبُ عَنِّی الَّذِیْ قَدْ قَذِرَنِی النَّاسُ قَالَ فَمَسَحَهٗ

و اینکه برود از من آنچه بتحقیق پلید و مکروه میدارند مرا مردم گفت آنحضرت پس مسح کرد فرشته او را

فَذَهَبَ عَنْهُ قَذَرُهٗ فَاُعْطِیَ لَوْنًا حَسَنًا وَّجِلْدًا حَسَنًا قَالَ

پس رفت از وے پلیدی وے پس داده شد او را رنگ نیک و پوست نیک گفت فرشته

فَاَیُّ الْمَالِ اَحَبُّ اِلَیْكَ قَالَ الْاِبِلُ اَوْ قَالَ الْبَقَرُ شَكَّ

پس کدام مال محبوب تر است بسوی تو گفت شتر یا گفت بقر بجاے ابل شک کرده است

اِسْحٰقُ اِلَّا اَنَّ الْاَبْرَصَ اَوِ الْاَقْرَعَ قَالَ اَحَدُهُمَا الْاِبِلُ

اسحق مگر اینکه ابرص یا اقرع گفت یکے ازان دو شتر

وَقَالَ الْاٰخَرُ الْبَقَرُ قَالَ فَاُعْطِیَ نَاقَةً عُشَرَاءَ فَقَالَ بَارَكَ

وگفت دیگر گاؤ گفت پس داده شد او را ماده شترے حامل ده ماه پس گفت فرشته برکت دهاد

اللّٰهُ لَكَ فِيْهَا قَالَ فَاَتَى الْاَقْرَعَ فَقَالَ اَیُّ شَیْءٍ اَحَبُّ اِلَيْكَ

خدای مر ترا درین ناقه گفت پس آمد نزد اقرع پس گفت فرشته کدام چیز محبوب تر است بسوے تو

قَالَ شَعَرٌ حَسَنٌ وَ يَذْهَبُ عَنِّیْ هٰذَا الَّذِیْ قَدْ قَذِرَنِیْ النَّاسُ

گفت موے نیک و اینکه برود از من آنچه که بتحقیق مکروه پنداشته اند مرا مردمان

قَالَ فَمَسَحَهٗ فَذَهَبَ عَنْهُ قَالَ وَاُعْطِیَ شَعَرًا حَسَنًا قَالَ فَاَیُّ

گفت پس مسح کرد پس رفت از وے گفت داده شد موے نیک گفت فرشته پس کدام

الْمَالِ اَحَبُّ اِلَيْكَ قَالَ الْبَقَرُ فَاُعْطِیَ بَقَرَةً حَامِلًا قَالَ

مال محبوب تر است بسوے تو گفت بقر پس داده شد او را گاوے باردار و حامله گفت فرشته

بَارَكَ اللّٰهُ لَكَ فِيْهَا فَاَتَى الْاَعْمٰى فَقَالَ اَیُّ شَیْءٍ اَحَبُّ اِلَيْكَ

برکت دهاد خدا مر ترا در آن گاو ان پس آمد فرشته نزد کور پس گفت کدام چیز محبوب تر است بسوے تو

فَقَالَ اَنْ يَّرُدَّ اللّٰهُ اِلَیَّ بَصَرِیْ فَاُبْصِرَ بِهِ النَّاسَ قَالَ

پس گفت کور اینکه باز گرداند خدا تعالی بسوے من بینائی من پس ببینم بوسے مردمان را گفت

فَمَسَحَهٗ فَرَدَّ اللّٰهُ اِلَيْهِ بَصَرَهٗ قَالَ فَاَیُّ الْمَالِ اَحَبُّ اِلَيْكَ

پس مسح کرد فرشته او را و باز گردانید خدا بسوے وی بینائی او را گفت فرشته پس کدام مال محبوب تر است بسوے تو

قَالَ الْغَنَمُ فَاُعْطِیَ شَاةً وَالِدًا فَاُنْتِجَ هٰذَانِ وَوَلَّدَ هٰذَا

گفت کور گوسپندان محبوب تر است پس داده شد گوسپند زاینده پس نتاج کردند این دو و تولید کرد این یعنے صاحب غنم

فَكَانَ لِهٰذَا وَادٍ مِّنَ الْاِبِلِ وَلِهٰذَا وَادٍ مِّنَ الْبَقَرِ وَلِهٰذَا

پس گشت حاصل مر این را وادی از شتر و مر این را وادی از گاوان و مر این را

وَادٍ مِنَ الْغَنَمِ قَالَ ثُمَّ اِنَّهُ اَتَى الْاَبْرَصَ فِي صُوْرَتِهِ وَهَيْئَتِهِ

وادی از گوسپندان گفت آنحضرت پستر بدرستے آن فرشتہ آمد ابرص را در ہمان صورت و ہیئت

فَقَالَ اِنِّيْ رَجُلٌ مِسْكِيْنٌ قَدِ انْقَطَعَتْ بِيَ الْحِبَالُ فِيْ سَفَرِيْ

پس گفت من مردے مسکینم تحقیق گسستہ است بمن اسباب طلب رزق در سفر

فَلَا بَلَاغَ لِيَ الْيَوْمَ اِلَّا بِاللّٰهِ ثُمَّ بِكَ اَسْاَلُكَ بِالَّذِيْ

پس نیست کفایت رسیدن مرا امروز مگر بخدا و فضل خدا پستر بتو سوال میکنم ترا بآنخدا که

اَعْطَاكَ اللَّوْنَ الْحَسَنَ وَالْجِلْدَ الْحَسَنَ وَالْمَالَ بَعِيْرًا اَتَبَلَّغُ

داده است ترا رنگ نیک و پوست نیک و داده است ترا مال شتر را که برسم

بِهِ فِيْ سَفَرِيْ فَقَالَ الْحُقُوْقُ كَثِيْرَةٌ فَقَالَ اِنَّهُ كَاَنِّيْ اَعْرِفُكَ

بآن در سفر خود پس گفت حقہا بسیار است پس گفت فرشتہ بدرستیکہ گویا من ترا می شناسم

اَلَمْ تَكُنْ اَبْرَصَ يَقْذَرُكَ النَّاسُ فَقِيْرًا فَاَعْطَاكَ اللّٰهُ

آیا نبودی تو ابرص کہ پلید و مکروہ داشتند ترا مردم و فقیر کہ مال نبود نداشتے پس داد ترا خدا ایں حا سلے

فَقَالَ اِنَّمَا وَرِثْتُ هٰذَا الْمَالَ كَابِرًا عَنْ كَابِرٍ فَقَالَ اِنْ كُنْتَ

پس گفت داده نشده ام اینمال را مگر میراث از آبا و اجداد بمن رسیده پس گفت فرشتہ اگر باشی تو

كَاذِبًا فَصَيَّرَكَ اللّٰهُ اِلٰى مَا كُنْتَ قَالَ وَاَتَى الْاَقْرَعَ فِيْ صُوْرَتِهِ

دروغ گو پس بگرداند ترا خدا ایتعالی بسوی حالی کہ بودی تو گفت و آمد آن فرشتہ اقرع را در ہمان صورت نخست

فَقَالَ لَهُ مِثْلَ مَا قَالَ لِهٰذَا وَرَدَّ عَلَيْهِ مِثْلَ مَا رَدَّ عَلٰى هٰذَا

پس گفت مر آنرا مانند آنچه کہ گفته بود مر ابرص را و رد کرد اقرع بر فرشتہ مانند آنچه رد کرد بر این

فَقَالَ اِنْ كُنْتَ كَاذِبًا فَصَيَّرَكَ اللّٰهُ اِلٰى مَا كُنْتَ قَالَ

پس گفت فرشتہ اگر باشی تو دروغ گو پس بگرداند ترا خدا ایتعالی باز گرداندہ بسوی حالیکہ بودی تو گفت آنحضرت

وَاَتَى الْاَعْمٰى فِيْ صُوْرَتِهِ وَهَيْئَتِهِ فَقَالَ رَجُلٌ مِسْكِيْنٌ

و آمد آن فرشتہ نزد اعمی در صورتے کہ نخست آمده بود پس گفت من مردے مسکینم

وَابْنُ سَبِيلٍ قَدِ انْقَطَعَتْ بِيَ الْحِبَالُ فِي سَفَرِي فَلَا بَلَاغَ

ومسافر بتحقیق گسسته است بمن اسباب طلب رزق در سفر پس نیست کفایت و رسیدن

لِيَ الْيَوْمَ إِلَّا بِاللهِ ثُمَّ بِكَ أَسْأَلُكَ بِالَّذِي رَدَّ عَلَيْكَ

مرا امروز مگر بتوفیق خدا پستر بتو سوال میکنم ترا بآن خدائیکه داده است ترا

بَصَرَكَ شَاةً أَتَبَلَّغُ بِهَا فِي سَفَرِي فَقَالَ قَدْ كُنْتُ

بینائی تو سوال میکنم گوسپندیکه برسم بآن در حصول سفر من پس گفت آن اعمی تحقیق بودم

أَعْمَى فَرَدَّ اللهُ إِلَيَّ بَصَرِي فَخُذْ مَا شِئْتَ وَدَعْ مَا شِئْتَ

کور پس باز گردانید خدایتعالی بسوی من بینائی من پس بگیر هرچه میخواهی از گوسپندان و بگذار هرچه میخواهی

فَوَاللهِ لَا أَجْهَدُكَ الْيَوْمَ بِشَيْءٍ أَخَذْتَهُ لِلّٰهِ فَقَالَ أَمْسِكْ

پس بخدا سوگند که منع نمیکنم و در مشقت نمی اندازم ترا امروز بچیزیکه بگیری تو آنرا برای خدا پس گفت فرشته

مَالَكَ فَإِنَّمَا ابْتُلِيتُمْ فَقَدْ رَضِيَ عَنْكَ وَسَخِطَ عَلَى

مال خود را پس جز این نیست که ابتلا و آزمایش کرده شده اید سه کس پس بتحقیق خشنود شد پروردگار از تو و خشم

صَاحِبَيْكَ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ أُمِّ بُجَيْدٍ قَالَتْ

دو یار تو متفق علیه است و روایت است از ام بجید انصاریه رض گفت

قُلْتُ يَا رَسُولَ اللهِ إِنَّ الْمِسْكِينَ لَيَقِفُ عَلَى بَابِي حَتَّى

گفتم ای رسول خدا بدرستیکه مسکین هر آئینه می ایستد بر در من تا آنکه

أَسْتَحْيِي فَلَا أَجِدُ فِي بَيْتِي مَا أَدْفَعُ فِي يَدِهِ فَقَالَ

شرم میدارم پس نمی یابم در خانه خود چیزیکه بنهم آنرا در دست وی پس فرمود

رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ادْفَعِي فِي يَدِهِ وَلَوْ

پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم بنه در دست وی اگرچه

ظِلْفًا مُحْرَقًا رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ وَعَنْ مَوْلًى لِعُثْمَانَ رض

سم سوخته باشد رواه ابوداؤد و روایت است از موسلی که بود عثمان را رض

قَالَ أُهْدِيَ لِأُمِّ سَلَمَةَ بِضْعَةٌ مِنْ لَحْمٍ وَكَانَ النَّبِيُّ

گفت فرستاده شده مر ام سلمه را پاره از گوشت و بود آنحضرت

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُعْجِبُهُ اللَّحْمُ فَقَالَتْ لِلْخَادِمِ ضَعِيهِ

صلی الله علیه وسلم که خوش می آمد او را گوشت پس گفت ام سلمه مر خادم را بنه آن گوشت را

فِي الْبَيْتِ لَعَلَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَأْكُلُهُ فَوَضَعَتْهُ

در خانه شاید که آنحضرت صلی الله علیه وسلم بخورد آنرا پس نهاد خادم آنرا

فِي كُوَّةِ الْبَيْتِ فَجَاءَ سَائِلٌ فَقَامَ عَلَى الْبَابِ فَقَالَ

در طاقچه خانه پس آمد سوال کننده پس ایستاد بر در پس گفت

تَصَدَّقُوا بَارَكَ اللّٰهُ فِيكُمْ فَقَالُوا بَارَكَ اللّٰهُ فِيكَ

تصدق کنید برکت کناد حق تعالی در شما پس گفتند اهل خانه مر سائل را که برکت کناد خدا در تو

فَذَهَبَ السَّائِلُ فَدَخَلَ النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ

پس رفت سائل پس درآمد پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم یعنی در خانه پس فرمود آنحضرت

يَا أُمَّ سَلَمَةَ هَلْ عِنْدَكُمْ شَيْءٌ أَطْعَمُهُ فَقَالَتْ نَعَمْ قَالَتْ

ای ام سلمه ایا هست نزد شما چیزے که بخورم پس گفت آرے هست پس گفت

لِلْخَادِمِ اذْهَبِي فَأْتِي رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

مر خادم را که برو پس بیار نزد پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

بِذٰلِكَ اللَّحْمِ فَذَهَبَتْ فَلَمْ تَجِدْهُ فِي الْكُوَّةِ إِلَّا قِطْعَةَ

آن گوشت را پس رفت خادمه پس نیافت آن گوشت را در طاقچه مگر سنگ پاره را

مَرْوَةٍ فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَإِنَّ ذٰلِكَ اللَّحْمَ

پس گفت آنحضرت صلی الله علیه وسلم پس بتحقیق آن گوشت

عَادَ مَرْوَةً لِمَا لَمْ تُعْطُوهُ السَّائِلَ رَوَاهُ الْبَيْهَقِيُّ فِي دَلَائِلِ النُّبُوَّةِ

گشت سنگ سفید از جهت نه دادن شما سائل را روایت کرد بیهقی در دلائل النبوة

وَعَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ رضہ قَالَ قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
و روایت است از ابن عباس رضہ گفت فرمود آنحضرت صلی اللہ علیہ و سلم

اَلَا اُخْبِرُكُمْ بِشَرِّ النَّاسِ مَنْزِلًا قِيلَ نَعَمْ قَالَ الَّذِي يُسْأَلُ
آیا خبر دہم شما را بہ بدترین مردم از روئے مرتبہ گفتہ شد آرے خبر دہ فرمود آن کسے کہ سوال کردہ شود

بِاللّٰهِ وَلَا يُعْطِي بِهِ رَوَاهُ اَحْمَدُ وَعَنْ اَبِي هُرَيْرَةَ رضہ اَنَّ
بنام خدا و نہ دہد بنام خدا روایت احمد و روایت است از ابی ہریرہ رضہ کہ

النَّبِيَّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دَخَلَ عَلَى بِلَالٍ وَعِنْدَهُ صُبْرَةٌ
آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم درآمد بر بلال و نزد او تودہ بود

مِنْ تَمْرٍ فَقَالَ مَا هٰذَا يَا بِلَالُ قَالَ شَيْءٌ اِدَّخَرْتُهُ لِغَدٍ
از خرما خشک پس گفت آنحضرت چیست این خرمای بلال گفت این چیزیست کہ ذخیرہ کردہ بودم برائے فردا

فَقَالَ اَمَا تَخْشَى اَنْ تَرَى لَهُ غَدًا بُخَارًا فِي نَارِ جَهَنَّمَ يَوْمَ
فرمود آیا نمی ترسی کہ ببینی مر این تمر را فردا دود در آتش دوزخ روز

الْقِيٰمَةِ اَنْفِقْ بِلَالُ وَلَا تَخْشَ مِنْ ذِي الْعَرْشِ اِقْلَالًا
قیامت خرچ کن اے بلال و مترس از خداوند عرش کم کردن را

وَعَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
و ہم از وے روایت گفت فرمود پیغامبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم

اَلسَّخَاءُ شَجَرَةٌ فِي الْجَنَّةِ فَمَنْ كَانَ سَخِيًّا اَخَذَ بِغُصْنٍ مِنْهَا
جوانمردی و سخی است در بہشت پس کسیکہ باشد سخی گرفتہ است شاخے از آن درخت

فَلَمْ يَتْرُكْهُ الْغُصْنُ حَتّٰى يُدْخِلَهُ الْجَنَّةَ وَالشُّحُّ شَجَرَةٌ فِي
پس نمی گذارد او را آن شاخ تا آنکہ می درآرد او را بہشت و بخل درختیست در

النَّارِ فَمَنْ كَانَ شَحِيحًا اَخَذَ بِغُصْنٍ مِنْهَا فَلَمْ يَتْرُكْهُ الْغُصْنُ
دوزخ پس ہرکہ بخیل است گرفتہ است شاخ آنرا پس نمی گذارد او را آن شاخ

حَتّٰى يُدْخِلَهُ النَّارَ رَوَاهُمَا الْبَيْهَقِيُّ فِي شُعَبِ الْإِيمَانِ وَعَنْ

تا آنکه درآرد او را در دوزخ روایت کرد این دو حدیث را بیهقی در شعب الایمان و روایت است از

عَلِيٍّ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بَادِرُوا

علی رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم شتابی کنید

بِالصَّدَقَةِ فَإِنَّ الْبَلَاءَ لَا يَتَخَطَّاهَا رَوَاهُ رَزِينٌ

بصدقه زیراکه بدرستے بلا تجاوز نمی کند صدقه را روایه رزین

بَابُ فَضْلِ الصَّدَقَةِ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ تَعَالَىٰ

وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللّٰهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ

وخرج کنید در راه خدا ومیفگنید خویشتن را بسوی هلاک

وَأَحْسِنُوا ۛ إِنَّ اللّٰهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ ۞ إِنْ تُبْدُوا الصَّدَقَاتِ

ونیکوکاری کنید هر آئینه خدا دوست میدارد نیکوکاران را اگر آشکارا کنید خیرات را

فَنِعِمَّا هِيَ ۖ وَإِنْ تُخْفُوهَا وَتُؤْتُوهَا الْفُقَرَاءَ فَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ

پس نیکو چیزیست آن واگر پنهان کنید و بدهید آن را بفقیران پس این بهتر است شمارا

وَيُكَفِّرُ عَنْكُمْ مِنْ سَيِّئَاتِكُمْ ۗ وَاللّٰهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ۞ عَنْ

واین دور سازد از شما بعض گناهان شمارا و خدا بآنچه میکنید آگاه است روایت است از

أَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ

ابی هریره رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم کسیکه

تَصَدَّقَ بِعَدْلِ تَمْرَةٍ مِنْ كَسْبٍ طَيِّبٍ وَلَا يَقْبَلُ اللّٰهُ إِلَّا الطَّيِّبَ

تصدق کند برابر قیمت تمر از کسب پاک ونمی پذیرد خدا تعالیٰ مگر پاک را

فَإِنَّ اللّٰهَ يَتَقَبَّلُهَا بِيَمِينِهِ ثُمَّ يُرَبِّيهَا لِصَاحِبِهَا كَمَا يُرَبِّي

پس بدرستیکه خدا تعالیٰ می پذیرد آنرا بدست راست خود پستر پرورش میکند آن صدقه را برائے صاحبش چنانکه

أَحَدُكُمْ فَلُوَّهُ حَتَّى تَكُونَ مِثْلَ الْجَبَلِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْهُ

یکے از شما کرہ اسپ خود را تا آنکہ بیا شد آن صدقہ مانند کوہ متفق علیہ وہم از وییست

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا نَقَصَتْ صَدَقَةٌ

گفت فرمود پیغمبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم کم نکرد ہیچ صدقہ چیزے را

مِنْ مَالٍ وَمَا زَادَ اللّٰهُ عَبْدًا بِعَفْوٍ إِلَّا عِزًّا وَمَا تَوَاضَعَ أَحَدٌ

از مال وزیادت نکردانید خدا تعالیٰ ہیچ بندہ را بسبب عفو کردن و مگر عزت و ر دنیا و فروتنی نکند ہیچ یکے

إِلَّا رَفَعَهُ اللّٰهُ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ

مگر آنکہ بلند گرداند قدر او را خدا تعالیٰ رواہ مسلم وہم از وییست گفت فرمود پیغامبر خدا

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ أَنْفَقَ زَوْجَيْنِ مِنْ شَيْءٍ مِنَ الْأَشْيَاءِ

صلے اللہ علیہ وسلم کسیکہ انفاق کند دو چیز را از چیز ہا

فِي سَبِيلِ اللّٰهِ دُعِيَ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ وَلِلْجَنَّةِ أَبْوَابٌ فَمَنْ كَانَ

در راہ خدا خواندہ می شود آنکس از درہائے بہشت ومر بہشت را درہا است پس کسیکہ باشد

مِنْ أَهْلِ الصَّلٰوةِ دُعِيَ مِنْ بَابِ الصَّلٰوةِ وَمَنْ كَانَ مِنْ

از اہل نماز یعنی غالب بیرونمائے خواندہ می شود از در بہشت کہ مخصوص است باہل نماز وکسیکہ باشد از

أَهْلِ الْجِهَادِ دُعِيَ مِنْ بَابِ الْجِهَادِ وَمَنْ كَانَ مِنْ أَهْلِ

اہل جہاد خواندہ می شود از در جہاد وکسیکہ باشد از اہل

الصَّدَقَةِ دُعِيَ مِنْ بَابِ الصَّدَقَةِ وَمَنْ كَانَ مِنْ أَهْلِ

صدقہ خواندہ می شود از باب صدقہ وکسیکہ باشد از اہل

الصِّيَامِ دُعِيَ مِنْ بَابِ الرَّيَّانِ فَقَالَ أَبُو بَكْرٍ مَا عَلَى مَنْ

روزہ خواندہ شود او را از در ریان یعنی در سیرابے پس گفت ابو بکر صدیق رضؓ نیست بر کسیکہ

دُعِيَ مِنْ تِلْكَ الْأَبْوَابِ مِنْ ضَرُورَةٍ فَهَلْ يُدْعَى أَحَدٌ

خواندہ شود از آن درہا ضرورتے پس آیا خواندہ می شود ہیچ یکے

مِنْ تِلْكَ الْاَبْوَابِ كُلِّهَا قَالَ نَعَمْ وَاَرْجُوْ اَنْ تَكُوْنَ مِنْهُمْ

از همه درها گفت آنحضرت آرے هست وامید میدارم که باشی تو ای ابوبکر رض از ایشان کسان

مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

متفق علیه . وهم از وے مرویست گفت فرمود پیغامبر خدا صلی اللہ علیه وسلم

مَنْ اَصْبَحَ مِنْكُمُ الْيَوْمَ صَائِمًا قَالَ اَبُوْبَكْرٍ اَنَا قَالَ وَمَنْ تَبِعَ

یعنی پرسید اصحاب را کیست که صبح کرد از شما امروز روزه دار گفت ابوبکر صدیق منم یا رسول اللہ و فرمود آنحضرت که

مِنْكُمُ الْيَوْمَ جَنَازَةً قَالَ اَبُوْبَكْرٍ اَنَا قَالَ فَمَنْ اَطْعَمَ مِنْكُمُ

از شما امروز جنازه را گفت ابوبکر صدیق منم گفت آنحضرت پس کیست که طعام خورانید از شما

الْيَوْمَ مِسْكِيْنًا قَالَ اَبُوْبَكْرٍ اَنَا قَالَ وَمَنْ عَادَ مِنْكُمُ الْيَوْمَ

امروز مسکین را گفت ابوبکر صدیق من هستم گفت وکیست که پرسید از شما امروز

مَرِيْضًا قَالَ اَبُوْبَكْرٍ اَنَا فَقَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

بیمار را گفت ابوبکر صدیق انا پس گفت آنحضرت صلی اللہ علیه وسلم

مَا اجْتَمَعْنَ فِيْ امْرِءٍ اِلَّا دَخَلَ الْجَنَّةَ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ

جمع نشوند این چهار چیز در یک روز هیچ مرد را مگر آنکه درآید در بهشت رواه مسلم و روایت است از

عَائِشَةَ رض قَالَتْ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

عایشه رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی اللہ علیه وسلم

خُلِقَ كُلُّ اِنْسَانٍ مِنْ بَنِيْ اٰدَمَ عَلٰى سِتِّيْنَ وَثَلٰثِ مِائَةِ مَفْصِلٍ

پیدا کرده شده است هر شخص از اولاد آدم بر سه صد و شصت بند

فَمَنْ كَبَّرَ اللّٰهَ وَحَمِدَ اللّٰهَ وَهَلَّلَ اللّٰهَ وَسَبَّحَ اللّٰهَ وَاسْتَغْفَرَ

پس کسیکه بگوید اللہ اکبر و الحمد للہ و لا اله الا اللہ و سبحان اللہ و طلب آمرزش کند از

اللّٰهَ وَعَزَلَ حَجَرًا عَنْ طَرِيْقِ النَّاسِ اَوْ شَوْكَةً اَوْ عَظْمًا

خدا و دور کند سنگے را از راه مردم یا خاری را یا استخوانے را

أَوْ أَمَرَ بِمَعْرُوفٍ أَوْ نَهَى عَنْ مُنْكَرٍ عَدَدَ تِلْكَ السِّتِّينَ وَالثَّلٰثِمِائَةِ

یا امر کند بمشروع یا نهی کند از نامشروع موافق عدد سه صد و شصت بند

فَإِنَّهُ يَمْشِي يَوْمَئِذٍ وَقَدْ زَحْزَحَ نَفْسَهُ عَنِ النَّارِ رَوَاهُ مُسْلِمٌ

پس بدرستیکه آنکس راه میرود یا شام میکند در آن روز حال آنکه دور انداخته است خود را از آتش روایت مسلم

وَعَنْ أَنَسٍ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

و روایت است از انس رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

مَا مِنْ مُسْلِمٍ يَغْرِسُ غَرْسًا أَوْ يَزْرَعُ زَرْعًا فَيَأْكُلُ مِنْهُ

نیست هیچ مسلمانی که به نشاند درختی را یا بکارد کشتی را پس بخورد از ان

إِنْسَانٌ أَوْ طَيْرٌ أَوْ بَهِيمَةٌ إِلَّا كَانَتْ لَهُ صَدَقَةٌ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ

آدمی یا پرنده یا چارپایه مگر آنکه باشد مر اورا صدقه متفق علیه

وَفِي رِوَايَةٍ لِمُسْلِمٍ عَنْ جَابِرٍ رض وَمَا سُرِقَ مِنْهُ لَهُ صَدَقَةٌ

و در روایتی مر مسلم را از جابر آمده است و آنچه دزدیده شد از ان نیز او را صدقه است

وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

و روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه

وَسَلَّمَ غُفِرَ لِامْرَأَةٍ مُومِسَةٍ مَرَّتْ بِكَلْبٍ عَلَى رَأْسِ رَكِيٍّ

وسلم که آمرزیده شد مر زنی زانیه که گذشت بسگی بر سر چاهی

يَلْهَثُ كَادَ يَقْتُلُهُ الْعَطَشُ فَنَزَعَتْ خُفَّهَا فَأَوْثَقَتْهُ

درحالیکه می برآرد آن سگ زبان خود را از تشنگی نزدیک است که بکشد او را تشنگی پس بکشید آن زن زانیه موزه خود را پس بربست

بِخِمَارِهَا فَنَزَعَتْ لَهُ مِنَ الْمَاءِ فَغُفِرَ لَهَا بِذٰلِكَ قِيلَ إِنَّ

بسر پوش خود پس بکشید آن زن برای آن سگ چیزی از آب پس آمرزیده شد مر آن زن را بآن عمل گفته شد بدرستیکه

لَنَا فِي الْبَهَائِمِ أَجْرًا قَالَ فِي كُلِّ ذَاتِ كَبِدٍ رَطْبَةٍ أَجْرٌ

ما را در احسان کردن بهیمه ها و سیراب کردن آنها ثواب است فرمود آنحضرت در احسان کردن به هر حیوان که خداوند جگر تر است

متفق علیه وعن ابی هریرة رض قال قال رسول الله

متفق علیه در روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود پیغامبر خدا

صلی الله علیه وسلم مر رجل بغصن شجرة علی ظهر

صلی الله علیه وسلم گذشت مردی بشاخ درختی که بر پشت

طریق فقال لانحین هذا عن طریق المسلمین لا یوذیهم

راه است و فوق او پس گفت هر آینه یکسو گردانم این شاخ را از راه مسلمانان تا ایذا نکند این شاخ مسلمانان را

فادخل الجنة متفق علیه وعنه قال قال رسول الله

پس در آورده شد آنمرد در بهشت متفق علیه وهم از وی مرویست گفت فرمود آنحضرت

صلی الله علیه وسلم لقد رایت رجلا یتقلب فی الجنة

صلی الله علیه وسلم هر آینه تحقیق دیدم مردی را که میگردد و متنعم میکند در بهشت

فی شجرة قطعها من ظهر الطریق کانت توذی الناس

بجهت درختیکه برید آنرا از ظاهر طریق وفوق آن بود آن درخت که آزار میکرد مردم را

رواه مسلم وعن ابی برزة رض قال قلت یا نبی الله

رواه مسلم و روایت از ابی برزه رض گفت ابو برزه گفتم ای نبی الله

صلی الله علیه وسلم علمنی شیئا انتفع به قال اعزل

صلی الله علیه وسلم بیاموزان مرا چیزی از اعمال که سود مند شوم بدان فرمود آنحضرت یکسو کن

الاذی عن طریق المسلمین رواه مسلم وعن عبد الله

آنچه آزار کند از راه مسلمانان از خار وسنگ وجز آن رواه مسلم و روایت است از عبد الله

بن سلام رض قال لما قدم النبی صلی الله علیه وسلم المدینة

بن سلام رض گفت هنگامیکه قدوم آورد آنحضرت صلی الله علیه وسلم مدینه را از مکه بهجرت

جئت فلما تبینت وجهه عرفت ان وجهه لیس بوجه

آمدم نزد آنحضرت پس هنگامیکه دیدم و تامل کردم روی مبارک آنحضرت را شناختم که روی وی نیست روی

كَذَّابٍ فَكَانَ اَوَّلُ مَا قَالَ يَا اَيُّهَا النَّاسُ اَفْشُوا السَّلَامَ

دروغ گوئی پس بود آنحضرت نخستین چیزیکه گفت در نصیحت ای مردم این کلام امر و فاش کنید سلام گفتن را

وَاَطْعِمُوا الطَّعَامَ وَصِلُوا الْاَرْحَامَ وَصَلُّوا بِاللَّيْلِ وَالنَّاسُ

وبخورانید طعام مسکینان را و پیوند بدر رحمها را یعنی قرابت را و نماز بگذارید در شب در حالیکه مردم

نِيَامٌ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ بِسَلَامٍ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ

در خواب باشند اینکار ها بکنید می در آیید به بهشت بسلامت از عذاب رواه الترمذی و ابن ماجه

وَالدَّارِمِيُّ وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ عَمْرٍو قَالَ قَالَ

والدارمی روایت است از عبد الله بن عمرو رض گفت فرمود

رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اُعْبُدُوا الرَّحْمٰنَ

پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم عبادت کنید خدای مهربان را

وَاَطْعِمُوا الطَّعَامَ وَاَفْشُوا السَّلَامَ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ بِسَلَامٍ

وبخورانید طعام گدا را و بلند گوئید سلام را می در آیید به بهشت بسلامت از بعد و حجاب

رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ اَنَسٍ رض قَالَ قَالَ

رواه الترمذی و ابن ماجه روایت است از انس رض گفت فرمود

رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِنَّ الصَّدَقَةَ لَتُطْفِئُ

پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم بدرستیکه تصدق کردن هر آئینه میکشد آتش

غَضَبَ الرَّبِّ وَتَدْفَعُ مِيْتَةَ السُّوْءِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ

خشم الهی او دور میگرداند مرگ بد را اشارتست بحصول سلامت رواه الترمذی

وَعَنْ اَبِيْ ذَرٍّ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

روایت است از ابی ذر رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

تَبَسُّمُكَ فِيْ وَجْهِ اَخِيْهِ صَدَقَةٌ وَاَمْرُكَ بِالْمَعْرُوْفِ صَدَقَةٌ

تبسم کردن تو یعنی لب شیرین کردن در روی برادر خود صدقه است امر کردن تو بما [illegible]

وَنَهْيُكَ عَنِ الْمُنْكَرِ صَدَقَةٌ وَإِرْشَادُكَ الرَّجُلَ فِي أَرْضِ الضَّلَالِ

و نهی کردن تو از منکر صدقه است و راه نمودن تو مرد را در زمینے گمراهی که مرد مے رود راه گم

صَدَقَةٌ وَنَصْرُكَ الرَّجُلَ الرَّدِيءَ الْبَصَرِ لَكَ صَدَقَةٌ

صدقه است و یاری دادن تو مرد تباه بینائی را مر ترا صدقه است

وَإِمَاطَتُكَ الْحَجَرَ وَالشَّوْكَ وَالْعَظْمَ عَنِ الطَّرِيقِ لَكَ صَدَقَةٌ وَإِفْرَاغُكَ

و دور کردن تو سنگ را و خار را و استخوان را از راه مر ترا صدقه است و ریختن تو

مِنْ دَلْوِكَ فِي دَلْوِ أَخِيكَ لَكَ صَدَقَةٌ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ

از دلو یعنی آب را در دلو برادر خود مر ترا صدقه است رواه ترمذی و روایت است از

سَعْدِ بْنِ عُبَادَةَ قَالَ يَا رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

سعد بن عباده رض گفت اے رسول خدا صلی الله علیه وسلم

إِنَّ أُمَّ سَعْدٍ مَاتَتْ فَأَيُّ الصَّدَقَةِ أَفْضَلُ قَالَ الْمَاءُ

بدرستیکه مادر سعد مرده است پس کدام صدقه بروح وی کنم بهتر است فرمود آنحضرت که آب

فَحَفَرَ بِئْرًا وَقَالَ هٰذِهِ لِأُمِّ سَعْدٍ رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ وَالنَّسَائِيُّ

پس کند سعد چاهی را تمام و در گفت این چاه برای ام سعد است رواه ابو داود و النسائی

عَنْ أَبِي سَعِيدٍ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

و روایت است از ابی سعید رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه

وَسَلَّمَ أَيُّمَا مُسْلِمٍ كَسَا مُسْلِمًا ثَوْبًا عَلَى عُرْيٍ كَسَاهُ اللّٰهُ مِنْ

وسلم هر مسلمانے که بپوشاند مسلمانے دیگر را جامه بر برهنگی بپوشاند او را خدا از

خُضْرِ الْجَنَّةِ وَأَيُّمَا مُسْلِمٍ أَطْعَمَ مُسْلِمًا عَلَى جُوعٍ

حلهای سبز بهشت و هر مسلمانے که بخوراند مسلمانے دیگر را بر گرسنگی

أَطْعَمَهُ اللّٰهُ مِنْ ثِمَارِ الْجَنَّةِ وَأَيُّمَا مُسْلِمٍ سَقَى مُسْلِمًا

بخوراند او را خدا تعالی از میوه های بهشت و هر مسلمانے که بنوشاند مسلمانے را

عَلٰى ظَمَاءٍ سَقَاهُ اللهُ مِنَ الرَّحِيقِ الْمَخْتُومِ رَوَاهُ اَبُوْدَاوُدَ

بر تشنگی بنوشاند او را خدا تعالی از شراب خالص که مهر کرده شد ظروف آن رواه ابوداود

وَالتِّرْمِذِيُّ وَعَنْ عَائِشَةَ رض اَنَّهُمْ ذَبَحُوا شَاةً

والترمذی و روایت است از عائشه رض بدرستیکه ایشان یعنی اهل بیت ذبح کردند گوسپند را

فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا بَقِيَ مِنْهَا فَقَالَتْ

پس فرمود آنحضرت صلے اللہ علیه وسلم چه چیز باقی ماند ازان گوسپند پس گفت عائشه

مَا بَقِيَ مِنْهَا اِلَّا كَتِفُهَا قَالَ بَقِيَ كُلُّهَا غَيْرَ كَتِفِهَا رَوَاهُ

باقی نماند از وے مگر شانهٔ وے یعنی همه بخشش کردند بفقیران فرمود آنحضرت باقی ماند

التِّرْمِذِيُّ وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رض قَالَ سَمِعْتُ رَسُوْلَ اللهِ

الترمذی و روایت است از ابن عباس رض گفت شنیدم آنحضرت را

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُوْلُ مَا مِنْ مُسْلِمٍ كَسَا مُسْلِمًا

صلی اللہ علیه وسلم که میگفت نیست هیچ مسلمانے که بپوشاند مسلمانیرا

ثَوْبًا اِلَّا كَانَ فِيْ حِفْظٍ مِنَ اللهِ مَا دَامَ عَلَيْهِ مِنْهُ خِرْقَةٌ

جامهٔ مگر آنکه باشد آنجامه پوشاننده در حفظ خدا تا آنوقت که باقی ماند ازان جامه پاره

رَوَاهُ اَحْمَدُ وَالتِّرْمِذِيُّ وَعَنْ اَبِيْ ذَرٍّ رض قَالَ

رواه احمد والترمذی و روایت است از ابوذر رض گفت

قَالَ رَسُوْلُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ثَلٰثَةٌ يُحِبُّهُمُ اللهُ

فرمود آنحضرت صلے اللہ علیه وسلم سه کس اند که دوست میدارد ایشانرا

وَثَلٰثَةٌ يُبْغِضُهُمُ اللهُ فَاَمَّا الَّذِيْنَ يُحِبُّهُمُ اللهُ فَرَجُلٌ اَتٰى

و سه کس اند که دشمن میدارد ایشانرا خدا پس آن کسانیکه دوست میدارد ایشان را خدا

قَوْمًا فَسَاَلَهُمْ بِاللهِ وَلَمْ يَسْاَلْهُمْ بِقَرَابَةٍ بَيْنَهُ وَبَيْنَهُمْ فَمَنَعُوْهُ

که آید گروهے را پس سوال کرد ایشان را بمحض نام خدا و سوال نکرد ایشان را از جهت خویشی

فتخلف رجل بأعيانهم فأعطاه سرا لا يعلم بعطيته

پس سبقت کرد مردی از ایشان سر گرد پس انداخت ایشان را پس داد او را نهانی در حالیکه نمیداند داده شده او را

إلا الله والذي أعطاه وقوم ساروا ليلتهم حتى إذا كان

مگر خدا تعالی و آنکسیکه داده است او را و دوم مردمی که از میان تو مرد که راه رفتند تمام شب تا آنکه وقتیکه

النوم أحب إليهم مما يعدل به فوضعوا رؤسهم

خواب دوست داشته شده تر است بسوی ایشان از هر چه برابر کرده شود بآن پس نهادند ایشان سرهای ایشان را

فقام يتملقني ويتلو آياتي ورجل كان في سرية

پس ایستاد و نماز میکرد در حالیکه شاخا میکند و میخواند آیات کتاب مرا سوم مردی که بود در لشکری

فلقي العدو فهزموا فأقبل بصدره حتى يقتل

پس ملاقات کرد دشمنان را پس شکست داده شدند اهل آن پس اقبال کرد این مرد بسینه خود تا آنکه کشته شود یا آنکه

أو يفتح له والثلاثة الذين يبغضهم الله الشيخ الزاني

باکشایش کرده شود و آن سه کس که دشمن میدارد ایشان را خدا تعالی یکی پیر زنا کننده

والفقير المختال والغني الظلوم رواه الترمذي والنسائي

دوم درویشی که تکبر کننده است سوم توانگر ظلم کننده روایت الترمذی و نسائی را

مثله وعن أنس رض قال قال رسول الله صلى الله عليه

مثل آنست و روایت است از انس رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه

وسلم لما خلق الله الأرض جعلت تميل فخلق الجبال

وسلم وقتیکه پیدا کرد خدا تعالی زمین را شروع کرد زمین که میل کند و بجنبد پس پیدا کرد خدا کوه را

فقال بها عليها فاستقرت فعجبت الملائكة من شدة

پس زد کوه را بر زمین پس قرار یافت زمین پس شگفت کردند فرشتگان از سختی

الجبال فقالوا يا رب هل من خلقك شيء أشد من الجبال

کوه ها پس گفتند ای پروردگار آیا هست از آفرینش تو چیزی سخت تر از کوه ها

قَالَ نَعَمِ الْحَدِيْدُ فَقَالُوْا يَا رَبِّ هَلْ مِنْ خَلْقِكَ شَيْءٌ اَشَدُّ

فرمود حق تعالے آرے آہن سخت تر است از کوہ پس گفتند فرشتگان اے رب آیا ہست از پیدایش تو چیزے سخت

مِنَ الْحَدِيْدِ قَالَ نَعَمِ النَّارُ فَقَالُوْا يَا رَبِّ هَلْ مِنْ

از آہن گفت پروردگار آرے آتش است پس گفتند اے رب آیا ہست از

خَلْقِكَ شَيْءٌ اَشَدُّ مِنَ النَّارِ قَالَ نَعَمِ الْمَاءُ فَقَالُوْا

پیدایش تو چیزے سخت تر از آتش گفت حق تعالے آرے آب است پس گفتند

يَا رَبِّ هَلْ مِنْ خَلْقِكَ شَيْءٌ اَشَدُّ مِنَ الْمَاءِ قَالَ نَعَمِ

اے رب آیا ہست از پیدایش تو چیزے سخت تر از آب گفت حق تعالے آرے

الرِّيْحُ فَقَالُوْا يَا رَبِّ هَلْ مِنْ خَلْقِكَ شَيْءٌ اَشَدُّ مِنَ الرِّيْحِ

باد است پس گفتند اے رب آیا ہست از پیدایش تو چیزے سخت تر از باد

قَالَ نَعَمِ ابْنُ اٰدَمَ تَصَدَّقَ صَدَقَةً بِيَمِيْنِهٖ يُخْفِيْهَا

گفت حق تعالے آرے سخت تر ازان صدقہ دادن فرزند آدم است کہ تصدق میکند بدست راست خود و میپوشد

مِنْ شِمَالِهٖ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ اَبِيْ ذَرٍّ رض قَالَ

از دست چپ خود رواہ الترمذی و روایت است از ابی ذر رض گفت

قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا مِنْ عَبْدٍ مُسْلِمٍ

فرمود پیغامبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم نیست ہیچ بندۂ مسلمان

يُنْفِقُ مِنْ كُلِّ مَالٍ لَهٗ زَوْجَيْنِ فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ اِلَّا

کہ خرچ کند از ہر مالے کہ مر او راست دو چیز چنانکہ دو اسپ دو شتر در راہ خدا تعالے مگر اینکہ

اسْتَقْبَلَتْهُ حَجَبَةُ الْجَنَّةِ كُلُّهُمْ يَدْعُوْهُ اِلٰى مَا

پیش می آیند او را پردہ داران بہشت ہر یک از ایشان میخوانند او را بسوے چیزے کہ

عِنْدَهٗ قُلْتُ وَكَيْفَ ذٰلِكَ قَالَ اِنْ كَانَتْ اِبِلًا فَبَعِيْرَيْنِ

نزد وست گفتم و چگونہ است انفاق دو چیز از ہر مال فرمود آنحضرت اگر باشد اموال شتر پس دو شتر را انفاق کند

وَاِنْ كَانَتْ بَقَرَةً فَبَقَرَتَيْنِ رَوَاهُ النَّسَائِيُّ وَعَنْ

واگر باشد مال گاو ان پس انفاق کند دو گاو را رواه النسائی در روایت است از

مَرْثَدِ بْنِ عَبْدِ اللّٰهِ قَالَ حَدَّثَنِي بَعْضُ اَصْحَابِ رَسُوْلِ اللّٰهِ

مرثد بن عبد اللہ گفت مرثد حدیث کردند مرا بعضے از اصحاب آنحضرت

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَنَّهُ سَمِعَ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

صلے اللہ علیہ وسلم کہ وے شنید آنحضرت را صلے اللہ علیہ

وَسَلَّمَ يَقُوْلُ اِنَّ ظِلَّ الْمُؤْمِنِ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ صَدَقَتُهُ رَوَاهُ

وسلم کہ میگفت کہ جای پناہ مومن و سبب آسایش وے در روز قیامت صدقہ اوست روا

اَحْمَدُ وَعَنِ ابْنِ مَسْعُوْدٍ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

احمد در روایت است از ابن مسعود رض گفت آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم

مَنْ وَسَّعَ عَلٰى عِيَالِهِ فِي النَّفَقَةِ يَوْمَ عَاشُوْرَاءَ وَسَّعَ

کسیکہ فراخی کند بر اہل و عیال خود در خرچ روز عاشورا را فراخ گرداند

اللّٰهُ عَلَيْهِ سَائِرَ سَنَتِهِ قَالَ سُفْيَانُ اِنَّا قَدْ جَرَّبْنَاهُ

خدایتعالی بر وے در باقی سال وے گفتہ است سفیان ثوری بدرستی ما آزمودیم این را

فَوَجَدْنَاهُ كَذٰلِكَ رَوَاهُ رَزِيْنٌ وَرَوَى الْبَيْهَقِيُّ فِي

پس یافتیم این را ہمچنین رواه رزین و روایت کرد بیہقی این حدیث را در

شُعَبِ الْاِيْمَانِ عَنْهُ وَعَنْ اَبِي هُرَيْرَةَ وَاَبِي سَعِيْدٍ وَجَابِرٍ

شعب ایمان از وے و از ابی ہریرہ رض و از ابی سعید و از جابر و حکم کرد بیہقی

وَضَعَّفَهُ وَعَنِ ابْنِ مَسْعُوْدٍ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ

بضعف این حدیث و روایت است از ابن مسعود رض گفت فرمود پیغامبر خدا

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِذَا اَنْفَقَ الْمُسْلِمُ نَفَقَةً عَلٰى اَهْلِهِ

صلے اللہ علیہ وسلم کہ چون انفاق کند مسلمان نفقہ را بر اہل خود

وهو يحتسبها كانت له صدقة متفق عليه

وحال آنکه وے نیت ثواب دارد بباشد آن نفقه مراورا صدقه اگرچه بفقرا نداده است متفق علیه

باب أفضل الصدقة

باب دربیان افضلیت صدقه

وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا

ومیدهند طعام را باوجود احتیاج بآن فقیر آنرا ویتیم را وزندانی را میگویند

إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكُورًا

جزاین نیست که طعام میدهیم شما را برای ذات خدای نمیخواهیم از شما مزدے ونه شکرے

مَثَلُ الَّذِينَ يُنفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ

صفت آنانکه خرچ میکنند اموال خودرا در راه خدا مانند

حَبَّةٍ أَنبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُنبُلَةٍ مِّائَةُ حَبَّةٍ

صفت یک دانه است که برویانید هفت خوشه را در هر خوشه صد دانه است

وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَن يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ لَن تَنَالُوا

وخدا دوچند میدهد هر کرا خواهد وخدا جواد دانا است هرگز نیابید

الْبِرَّ حَتَّىٰ تُنفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ وَمَا تُنفِقُوا مِن شَيْءٍ

نیکی را تا آنکه خرچ کنید از آنچه دوست میدارید وهر چیز که خرچ کنید

فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ عن أبي هريرة رض وحكيم بن حزام

پس هر آینه خدا بوے دانا است وروایت است از ابی هریره رض وحکیم ابن حزام رض

قالا قال رسول الله صلى الله عليه وسلم خير الصدقة

گفتند هردو که فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم بهترین صدقه

ما كان عن ظهر غنى وابدأ بمن تعول رواه البخاري

چیزیست که باشد ازقوت غنی یعنی عیال را محتاج نگذارد وآغاز کن بانفاق کسیکه خرچ ای میکنی زیر عیال دوم

٣٢٧

وَرَوَاهُ مُسْلِمٌ عَنْ حَكِيمٍ وَحْدَهُ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ

و روایت کرد مسلم از حکیم بن حزام تنها و روایت است از ابی هریرة رض گفت

قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دِينَارٌ أَنْفَقْتَهُ فِي سَبِيلِ

فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم یک دینار یست که انفاق کردهٔ در راه

اللهِ وَدِينَارٌ أَنْفَقْتَهُ فِي رَقَبَةٍ وَدِينَارٌ تَصَدَّقْتَ بِهِ عَلَى

خدا یعنی جهاد و دیگر دینار یست که انفاق کردهٔ تو آنرا در آزاد کردن بنده و دینار دیگر هست که تصدق کردهٔ تو بدان بر

مِسْكِينٍ وَدِينَارٌ أَنْفَقْتَهُ عَلَى أَهْلِكَ أَعْظَمُهَا أَجْرًا الَّذِي

مسکین و دینار دیگر هست که انفاق کردهٔ تو بر اهل و عیال خود بزرگترین آن دینارها از روی اجر آن دینار است

أَنْفَقْتَهُ عَلَى أَهْلِكَ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ ثَوْبَانَ رض

که انفاق کردهٔ بر اهل و عیال خود روایت کرد مسلم و روایت است از ثوبان رض

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَفْضَلُ دِينَارٍ

گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم فاضل ترین دینار یست

يُنْفِقُهُ الرَّجُلُ دِينَارٌ يُنْفِقُهُ عَلَى عِيَالِهِ وَدِينَارٌ يُنْفِقُهُ

که انفاق کند آنرا مرد دینار یست که انفاق کند آنرا بر عیال خود و دینار یست که انفاق کند آنرا

عَلَى دَابَّتِهِ فِي سَبِيلِ اللهِ وَدِينَارٌ يُنْفِقُهُ عَلَى أَصْحَابِهِ

بر چارپایهٔ خود که در راه خداست و دینار یست که انفاق کند آنرا بر یاران خود

فِي سَبِيلِ اللهِ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ عَائِشَةَ رض قَالَتْ

در راه خدا این سه کل افضل بشمار صدقه هست روایت کرد مسلم و روایت است از عائشه رض گفت

يَا رَسُولَ اللهِ إِنَّ لِي جَارَيْنِ فَإِلَى أَيِّهِمَا أُهْدِي قَالَ

اے پیغامبر خدا بدرستی مرا دو همسایه است بسوی کدام یکے ازین دو هدیه بفرستم فرمود آنحضرت

إِلَى أَقْرَبِهِمَا مِنْكِ بَابًا رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض

بفرست بسوی کسیکه نزدیکتر است در وی از دو در تو روایت کرد بخاری و روایت است از ابی هریره رض

قَالَ يَا رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَيُّ الصَّدَقَةِ

گفت اے پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم کدام صدقه

أَفْضَلُ قَالَ جُهْدُ الْمُقِلِّ وَابْدَأْ بِمَنْ تَعُولُ رَوَاهُ أَبُودَاوُدَ

فاضلتر است گفت آنحضرت آنکه مرد قلیل المال باشد و مشقت کند و بدهد و بدء کن بکسیکه عیال کند آنها یعنی رواه ابوداؤد

وَعَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ عَامِرٍ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى

و روایت است از سلیمان ابن عامر رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الصَّدَقَةُ عَلَى الْمِسْكِينِ صَدَقَةٌ وَهِيَ

الله علیه وسلم تصدق کردن بر مسکین ثواب یک صدقه دارد و صدقه

عَلَى ذِي الرَّحِمِ ثِنْتَانِ صَدَقَةٌ وَصِلَةٌ رَوَاهُ أَحْمَدُ وَالتِّرْمِذِيُّ

بر کسیکه قرابت ولادت و رحم دارد ثواب دو صدقه دارد یکی صدقه دوم صله رحم رواه احمد والترمذی

وَالنَّسَائِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ وَالدَّارِمِيُّ وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رض

والنسائی وابن ماجة والدارمی و روایت است از ابن عباس رض

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَلَا أُخْبِرُكُمْ

گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم آیا خبر نکنم شما را

بِخَيْرِ النَّاسِ رَجُلٌ مُمْسِكٌ بِعِنَانِ فَرَسِهِ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ

به بهترین مردمان مردیست که نگاه دارنده است عنان اسپ را در راه خدا یعنی جهاد با کافران

أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِالَّذِي يَتْلُوهُ رَجُلٌ مُعْتَزِلٌ فِي غُنَيْمَةٍ لَهُ

آیا خبر نکنم شما را بمردے که تابع و تالی اوست مردیست که گوشه گیرنده است در گوسپند چند که مر او راست

يُؤَدِّي حَقَّ اللّٰهِ فِيهَا أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِشَرِّ النَّاسِ رَجُلٌ

که ادا میکند حق خدا را در آن گوسپندان آیا خبر نکنم شما را ببدترین مردم مردیست که

يُسْأَلُ بِاللّٰهِ وَلَا يُعْطِي بِهِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَالنَّسَائِيُّ

سوال کرده می شود بنام خدا و نمی دهد بدان رواه الترمذی والنسائی

وَالدَّارِمِيُّ وَعَنْ اُمِّ بُجَيْدٍ قَالَتْ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى

و الدارمی و روایت است از ام بجید گفت فرمود پیغامبر خدا صلی

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رُدُّوا السَّائِلَ وَلَوْ بِظِلْفٍ مُحْرَقٍ رَوَاهُ

الله علیه وسلم باز گردانید سائل را اگرچه باشد سم سوخته رواه

مَالِكٌ وَالنَّسَائِيُّ وَرَوَى التِّرْمِذِيُّ وَاَبُوْدَاوُدَ مَعْنَاهُ

مالک و النسائی و روایت کرد ترمذی و ابوداود معنے این حدیث را

وَعَنِ ابْنِ عُمَرَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

و روایت است از ابن عمر رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه

وَسَلَّمَ مَنِ اسْتَعَاذَ بِاللّٰهِ فَاَعِيْذُوْهُ وَمَنْ سَئَلَ بِاللّٰهِ

وسلم کسیکه پناه طلبد بنام خدا پس پناه دهید او را و کسیکه سوال کند بنام خدا

فَاَعْطُوْهُ وَمَنْ دَعَاكُمْ فَاَجِيْبُوْهُ وَمَنْ صَنَعَ اِلَيْكُمْ

پس بدهید او را و کسیکه دعوت کند شما را پس اجابت کنید او را و کسیکه بکند بسوے شما

مَعْرُوْفًا فَكَافِئُوْهُ فَاِنْ لَمْ تَجِدُوْا مَا تُكَافِئُوْهُ فَادْعُوْا

نکوئی پس پاداش کنید او را پس اگر نیابید چیزے که پاداش کنید او را پس دعا کنید

لَهٗ حَتّٰى تَرَوْا اَنْ قَدْ كَافَأْتُمُوْهُ رَوَاهُ اَحْمَدُ وَاَبُوْدَاوُدَ

مر او را تا آنکه بدانید و گمان برید که مکافات کردید او را رواه احمد و ابو داؤد

وَالنَّسَائِيُّ وَعَنْ اَنَسٍ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى

والنسائی و روایت است از انس رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَفْضَلُ الصَّدَقَةِ اَنْ تُشْبِعَ كَبِدًا

الله علیه وسلم فاضل ترین صدقه آنست که سیر گردانی جگر

جَائِعًا رَوَاهُ الْبَيْهَقِيُّ فِيْ شُعَبِ الْاِيْمَانِ وَعَنْ عَائِشَةَ

گرسنه را مومن باشد یا کافر رواه بیهقی در شعب ایمان و روایت است از عایشه رض

قَالَتْ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا أَنْفَقَتِ
گفت فرمود پیغامبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم چون انفاق کند و تصدق نماید
الْمَرْأَةُ مِنْ طَعَامِ بَيْتِهَا غَيْرَ مُفْسِدَةٍ كَانَ لَهَا أَجْرُهَا بِمَا
زنے از طعام خانۂ خود درحالیکہ اسراف نماینده است باشد مرآن زن را ثواب آن بسبب
أَنْفَقَتْ وَلِزَوْجِهَا أَجْرُهُ بِمَا كَسَبَ وَلِلْخَازِنِ مِثْلُ ذٰلِكَ
انفاق کردن و باشد مرشوہر او را ثواب آن بسبب کسب کردن و باشد مرخزینہ دار را مانند آن ثواب زن
لَا يَنْقُصُ بَعْضُهُمْ أَجْرَ بَعْضٍ شَيْئًا مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ
کم نمی گرداند بعضے ازین سہ تن ثواب بعض را چیزے متفق علیہ است و روایت است از
أَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
ابی ہریرة رض گفت فرمود آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم
إِذَا أَنْفَقَتِ الْمَرْأَةُ مِنْ كَسْبِ زَوْجِهَا مِنْ غَيْرِ أَمْرِهِ
چون انفاق کند زن از مال شوہر خود بے حکم وے با علم زن برضاے زوج
فَلَهَا نِصْفُ أَجْرِهِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ أَبِي مُوسَى
پس باشد مرآن زن را نصف ثواب آن متفق علیہ و روایت است از ابی موسے
الْأَشْعَرِيِّ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
اشعری رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم
اَلْخَازِنُ الْمُسْلِمُ الْأَمِينُ الَّذِي يُعْطِي مَا أُمِرَ بِهِ كَامِلًا
گنجینہ دار مسلمان امانت دار کسیکہ مید ہد آنچہ کہ امر کرده شده است بدان بکمال و تمام
مُوَفَّرًا طَيِّبَةً بِهِ نَفْسُهُ فَيَدْفَعُهُ إِلَى الَّذِي أُمِرَ لَهُ بِهِ
درحالیکہ خوشش است بدادن نفس وے پس میرساند آنرا بسوئے کسیکہ امر کرده شده است مراو را بدان
أَحَدُ الْمُتَصَدِّقَيْنِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ عَائِشَةَ رض قَالَتْ
یکے از دو تصدق کنندگان است متفق علیہ و روایت است از عائشہ رض گفت عائشہ

أَنَّ رَجُلًا قَالَ لِلنَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ أُمِّي افْتُلِتَتْ

مردے گفت آنحضرت را صلی اللہ علیہ وسلم بدرستیکہ مادر من مردہ است بمرگ ناگہانی

نَفْسُهَا وَأَظُنُّهَا لَوْ تَكَلَّمَتْ تَصَدَّقَتْ فَهَلْ لَهَا أَجْرٌ إِنْ

وگمان میبرم اورا کہ اگر سخن میکرد چیزے تصدق میکرد پس آیا ہست مر اورا ثواب

تَصَدَّقْتُ عَنْهَا قَالَ نَعَمْ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ أَبِي أُمَامَةَ

تصدقے کہ میکنم از جانب وے فرمود آنحضرت آرے میرسد ثواب متفق علیہ وروایت است از ابی امامہ رض

قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ فِي خُطْبَتِهِ

گفت شنیدم آنحضرت را صلی اللہ علیہ وسلم کہ میگفت در خطبہ خود

عَامَ حَجَّةِ الْوَدَاعِ لَا تُنْفِقُ امْرَأَةٌ شَيْئًا مِنْ بَيْتِ زَوْجِهَا

در سال حجۃ الوداع انفاق نکند ہیچ زنے ہیچ چیز را از خانہ شوہر خود

إِلَّا بِإِذْنِ زَوْجِهَا قِيلَ يَا رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

مگر بحکم شوہر خود گفتہ شد یا رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم

وَلَا الطَّعَامَ قَالَ ذٰلِكَ أَفْضَلُ أَمْوَالِنَا رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ

وطعام را نیز انفاق نکند فرمود آن بہترین مالہای ما است رواہ الترمذی

كِتَابُ صِيَامِ رَمَضَانَ وَقِيَامِ لَيَالِيهِ

کتاب روزہ رمضان و قیام شبہای آن

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى

اے کسانیکہ ایمان آوردند لازم کردہ شد بر شما روزہ داشتن چنانکہ لازم کردہ شد

الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ۝ أَيَّامًا مَعْدُودَاتٍ

بر آنانکہ پیش از شما بودند تا باشد کہ پرہیزگاری کنید روزہ داشتن در روزہای چند شمردہ شدہ

فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ

[illegible] مسافر [illegible] لازم است بر وے شمار آن روز از روزہاے

أُخَرَ ط وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ طَعَامُ مِسْكِينٍ ط

دیگر و لازم است بر آنانکه می توانند روزه داشتن فدیه از خوراک یک درویش

فَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَهُوَ خَيْرٌ لَّهُ ط وَأَنْ تَصُومُوا خَيْرٌ لَّكُمْ

پس هر که بجا آرد نیکی را این بهتر است او را و آنکه روزه دارید بهتر است شما را

إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ○ شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ

اگر میدانید ماه رمضان آنست که نازل شد در وی

الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ

قرآن هدایت برای مردمان و سخنان روشن از هدایت و از جدا کردن حق و باطل

فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ وَمَنْ كَانَ مَرِيضًا أَوْ

پس هر که دریابد از شما آن ماه را پس باید که روزه دارد آنرا و هر که بیمار باشد یا

عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِّنْ أَيَّامٍ أُخَرَ ط يُرِيدُ اللهُ بِكُمُ الْيُسْرَ

مسافر پس لازم است شمار آنچه فوت شد از روزهای دیگر میخواهد خدا بشما آسانی

وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ ط وَلِتُكْمِلُوا الْعِدَّةَ وَلِتُكَبِّرُوا

و نمی خواهد بشما دشواری و میخواهد که تمام کنید شماره و به بزرگی یاد کنید

اللهَ عَلَى مَا هَدَاكُمْ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ۝

خدا را بشکرانه آنکه ره نمود شما را و تا باشد که شاکر شوید

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ

روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه

وَسَلَّمَ إِذَا دَخَلَ رَمَضَانُ فُتِّحَتْ أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَفِي رِوَايَةٍ

وسلم چون می درآید رمضان کشاده می شود درهای آسمان و در روایتی

فُتِّحَتْ أَبْوَابُ الْجَنَّةِ وَغُلِّقَتْ أَبْوَابُ جَهَنَّمَ وَسُلْسِلَتِ

کشاده می شود درهای بهشت و بسته می شود درهای دوزخ و زنجیر در پا کرده می شود

الشَّيَاطِينُ وَفِي رِوَايَةٍ أَبْوَابُ الرَّحْمَةِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ

شیاطین و در روایت دیگر گشاده می شود در ہاے رحمت متفق علیه

وَعَنْ سَهْلِ بْنِ سَعْدٍ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

و روایت است از سهل بن سعد رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي الْجَنَّةِ ثَمَانِيَةُ أَبْوَابٍ مِنْهَا بَابٌ يُسَمَّى

علیه وسلم که در بهشت هشت در است از جمله در ہا دریست که نامیده می شود آنرا

الرَّيَّانَ لَا يَدْخُلُهُ إِلَّا الصَّائِمُونَ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ

ریان در نمی آید آنرا مگر روزه داران متفق علیه است و روایت است از

أَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

ابی هریره رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

مَنْ صَامَ رَمَضَانَ إِيمَانًا وَاحْتِسَابًا غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ

ہر کہ روزه دارد رمضان را از جهت ایمان بخدا و چشم داشت اجر آمرزیده شود مراو را آنچه پیش گذشته است

مِنْ ذَنْبِهِ وَمَنْ قَامَ رَمَضَانَ إِيمَانًا وَاحْتِسَابًا غُفِرَ لَهُ

از گناه و ہر کسیکه قیام کند رمضان را یعنی نماز گذارد در شبہا و ے از جهت ایمان و حسبة لله آمرزیده می شود مراو را

مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَمَنْ قَامَ لَيْلَةَ الْقَدْرِ إِيمَانًا وَاحْتِسَابًا

آنچه پیش رفته است از گناه وی و کسیکه قیام کند در شب قدر بجهة ایمان و احتساب

غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْهُ قَالَ

آمرزیده شود او را گناه گذشته متفق علیه و هم از وے مرویست گفت

قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كُلُّ عَمَلِ ابْنِ آدَمَ

فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم همه عمل نیک آدمی زاد

يُضَاعَفُ الْحَسَنَةُ بِعَشْرِ أَمْثَالِهَا إِلَى سَبْعِ مِائَةِ ضِعْفٍ

زیاده کرده می شود یک نیکی به ده چندے تا هفت صد مانند

قَالَ اللّٰهُ تَعَالیٰ إِلَّا الصَّوْمَ فَإِنَّهُ لِيْ وَأَنَا أَجْزِيْ بِهِ يَدَعُ

گفت خدا تعالی مگر روزه زیرا که آن برای من است و من جزا میدهم بآن هرچه میخواهم ترک میدهد

شَهْوَتَهُ وَطَعَامَهُ مِنْ أَجْلِيْ لِلصَّائِمِ فَرْحَتَانِ فَرْحَةٌ

خواهش نفس و طعام خود را از برای من مر روزه دار را دو فرحت است یک فرحت

عِنْدَ فِطْرِهِ وَفَرْحَةٌ عِنْدَ لِقَاءِ رَبِّهِ وَلَخُلُوْفُ فَمِ الصَّائِمِ

نزد کشادن روزه و فرحت دیگر نزد لقای پروردگار خود در آخرت و هر آئینه بوی دهن روزه دار

أَطْيَبُ عِنْدَ اللّٰهِ مِنْ رِيْحِ الْمِسْكِ وَالصِّيَامُ جُنَّةٌ فَإِذَا كَانَ

خوشتر است نزد خدا از بوی مشک و روزه سپر است پس چون باشد

يَوْمُ صَوْمِ أَحَدِكُمْ فَلَا يَرْفُثْ وَلَا يَصْخَبْ فَإِنْ سَابَّهُ أَحَدٌ

روز روزهٔ یکی از شما پس باید که تکلم نکند بکلام قبیح و فحش و خصومت نکند پس اگر دشنام دهد یا بزند او را کسے

أَوْ قَاتَلَهُ فَلْيَقُلْ إِنِّيْ امْرُءٌ صَائِمٌ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ

یا خصومت کند او پس باید که بگوید بدرستیکه من مرد روزه دارم متفق علیه و روایت است از

أَبِيْ هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

ابی هریره رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

إِذَا كَانَ أَوَّلُ لَيْلَةٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ صُفِّدَتِ الشَّيَاطِيْنُ

چون بباشد نخستین شب از ماه رمضان بند کرده می شوند شیاطین

وَمَرَدَةُ الْجِنِّ وَغُلِّقَتْ أَبْوَابُ النَّارِ فَلَمْ يُفْتَحْ مِنْهَا بَابٌ

و سرکشان از جن و بسته می شود درهای دوزخ پس کشاده نمی شود ازان درها هیچ درے

وَفُتِّحَتْ أَبْوَابُ الْجَنَّةِ فَلَمْ يُغْلَقْ مِنْهَا بَابٌ وَيُنَادِيْ

و کشاده می شوند درهای بهشت پس بند کرده نمی شود ازان درها هیچ درے و ندا میکند

مُنَادٍ يَا بَاغِيَ الْخَيْرِ أَقْبِلْ وَيَا بَاغِيَ الشَّرِّ أَقْصِرْ وَلِلّٰهِ عُتَقَاءُ

آواز دهنده اے طلب کننده نیکی پیش آ و اے طالب بدی باز ایست خود را از گناه و مر خدای راست آزاد کردگان

مِنَ النَّارِ وَذٰلِكَ كُلَّ لَيْلَةٍ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ

از دوزخ وآن آزادگی در همه شب است رواه ترمذی وابن ماجه

وَأَحْمَدُ عَنْ رَجُلٍ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ

واحمد از شخصی ورروایت است از ابی هریره رض گفت فرمود پیغامبر خدا

أَتَاكُمْ رَمَضَانُ شَهْرٌ مُبَارَكٌ فَرَضَ اللّٰهُ عَلَيْكُمْ صِيَامَهُ

آمد شما را رمضان که ماهیست برکت داده شده فرض گردانیده است خدا بر شما روزه آنرا

تُفْتَحُ فِيهِ أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَتُغْلَقُ فِيهِ أَبْوَابُ الْجَحِيمِ وَتُغَلُّ

کشاده می شود درو درهای آسمان وبسته می شود درو درهای دوزخ وغل کرده میشوند

فِيهِ مَرَدَةُ الشَّيَاطِينِ لِلّٰهِ فِيهِ لَيْلَةٌ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ

درو گروه شیاطین مر خدا است را در رمضان شبی بهتر است از هزار ماه

مَنْ حُرِمَ خَيْرَهَا فَقَدْ حُرِمَ رَوَاهُ أَحْمَدُ وَالنَّسَائِيُّ

کسیکه حرام گردانیده شد نیکی وثواب آنرا پس به تحقیق حرام گردانیده شد از خیر کثیر رواه احمد والنسائی

وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ عُمَرَ رض أَنَّ رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

ودروایت است از عبدالله بن عمر رض بدرستیکه پیغامبر خدا صلی الله علیه

وَسَلَّمَ قَالَ الصِّيَامُ وَالْقُرْآنُ يَشْفَعَانِ لِلْعَبْدِ يَقُولُ الصِّيَامُ

وسلم گفت که روزه وقرآن شفاعت میکنند مر بنده را میگوید روزه

أَيْ رَبِّ إِنِّي مَنَعْتُهُ الطَّعَامَ وَالشَّهَوَاتِ بِالنَّهَارِ فَشَفِّعْنِي

ای پروردگار من بدرستیکه من باز داشتم او را از خوردن و شهوات دیگر بروز پس قبول کن شفاعت را

فِيهِ وَيَقُولُ الْقُرْآنُ مَنَعْتُهُ النَّوْمَ بِاللَّيْلِ فَشَفِّعْنِي فِيهِ

درحق وی ومیگوید قرآن منع کردم او را از خواب بشب پس قبول کن شفاعت مرا درحق

فَيُشَفَّعَانِ رَوَاهُ الْبَيْهَقِيُّ فِي شُعَبِ الْإِيمَانِ وَعَنْ أَنَسِ بْنِ

پس قبول کرده میشود هر دو روایت کرد این حدیث را بیهقی در شعب الایمان ودروایت است از انس بن

مَالِكٍ قَالَ دَخَلَ رَمَضَانُ فَقَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِنَّ

مالک گفت انس درآمد رمضان پس فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم بدرستیکه

هٰذَا الشَّهْرَ قَدْ حَضَرَكُمْ وَفِيْهِ لَيْلَةٌ خَيْرٌ مِّنْ اَلْفِ شَهْرٍ مَنْ حُرِمَهَا

این ماه بتحقیق حاضر شد شمارا و در وی شبی است بهتر از هزار ماه کسیکه محروم گردانیده شد از آن

فَقَدْ حُرِمَ الْخَيْرَ كُلَّهٗ وَلَا يُحْرَمُ خَيْرَهَا اِلَّا كُلُّ مَحْرُوْمٍ رَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ

پس بتحقیق محروم گردانیده شد از خیر همه محروم گردانیده نمیشود از خیر این شب مگر هر کسیکه محروم است از سعادت رواه ابن ماجه

وَعَنْ سَلْمَانَ الْفَارِسِيِّ رضـ قَالَ خَطَبَنَا رَسُوْلُ اللّٰهِ

و روایت است از سلمان فارسی رضـ گفت سلمان خطبه خواند مارا آنحضرت

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِيْ اٰخِرِ يَوْمٍ مِّنْ شَعْبَانَ فَقَالَ

صلی الله علیه وسلم در پسین روز از ماه شعبان پس فرمود

اَيُّهَا النَّاسُ قَدْ اَظَلَّكُمْ شَهْرٌ عَظِيْمٌ شَهْرٌ مُّبَارَكٌ

ای مردمان بتحقیق سایه انداخت شمارا ماهی بزرگ ماهی است که برکت کرده شده است

شَهْرٌ فِيْهِ لَيْلَةٌ خَيْرٌ مِّنْ اَلْفِ شَهْرٍ جَعَلَ اللّٰهُ صِيَامَهٗ

و شهریست که در وی یکشبی است بهتر از هزار ماه گردانیده است خدای تعالی روزه آنماه را

فَرِيْضَةً وَّقِيَامَ لَيْلِهٖ تَطَوُّعًا مَنْ تَقَرَّبَ فِيْهِ بِخَصْلَةٍ

فرض و گردانیده است نماز کردن در شب وی نفل و سنت کسیکه نزدیکی جوید بدرگاه حق در وی بخوبی و عملی

مِنَ الْخَيْرِ كَانَ كَمَنْ اَدّٰى فَرِيْضَةً فِيْمَا سِوَاهُ وَمَنْ اَدّٰى

از نیکی باشد همچو کسیکه بگذارد فرض را در ماهی که جز رمضانست و کسیکه ادا کند

فَرِيْضَةً فِيْهِ كَانَ كَمَنْ اَدّٰى سَبْعِيْنَ فَرِيْضَةً فِيْمَا سِوَاهُ

فریضه در وی باشد همچو کسیکه بگذارد هفتاد فرض را در ماهی که جز رمضان است

وَهُوَ شَهْرُ الصَّبْرِ وَالصَّبْرُ ثَوَابُهُ الْجَنَّةُ وَشَهْرُ الْمُوَاسَاةِ

و آن ماهیست که در وی صبر است از شهوات نفس و صبر کردن ثواب او بهشت است و آن ماهیست که در وی

وَشَهْرٌ يُزَادُ فِيْهِ رِزْقُ الْمُؤْمِنِ مَنْ فَطَّرَ فِيْهِ صَائِمًا كَانَ

و ماہیست کہ درویکے زیادہ کردہ می شود رزق مومن کیسکہ روزہ کشایاند روزہ داریرا باشد

لَهٗ مَغْفِرَةً لِذُنُوْبِهٖ وَعِتْقَ رَقَبَتِهٖ مِنَ النَّارِ وَكَانَ لَهٗ

مراورا سبب آمرزیدن مرگناہان اورا و سبب آزادگی ذات وے از آتش و باشد مراورا

مِثْلُ اَجْرِهٖ مِنْ غَيْرِ اَنْ يَّنْتَقِصَ مِنْ اَجْرِهٖ شَيْءٌ قُلْنَا

مانند مزد اوبے آنکہ کم شود از مزد وے چیزے گفتیم ما

يَا رَسُوْلَ اللّٰهِ لَيْسَ كُلُّنَا نَجِدُ مَا نُفَطِّرُ بِهِ الصَّائِمَ فَقَالَ

اے پیغامبر خدا نیست ہمہ باین صفت کہ بیابیم چیزیرا کہ روزہ کشایانیم بآن پس فرمود

رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُعْطِي اللّٰهُ هٰذَا الثَّوَابَ

آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم میدہد خدایتعالے این ثواب

مَنْ فَطَّرَ صَائِمًا عَلٰى مَذْقَةِ لَبَنٍ اَوْ تَمْرَةٍ اَوْ شَرْبَةٍ مِنْ

کیسرا کہ روزہ کشایاند روزہ داریرا یدمی از شیر آمیختہ بآب یا بیلخرما یا از آب

مَاءٍ وَمَنْ اَشْبَعَ صَائِمًا سَقَاهُ اللّٰهُ مِنْ حَوْضِيْ شَرْبَةً

وکیسکہ سیر گرداند روزہ داریرا بنوشاندا ورا خدایتعالے از حوض من کہ کوثر ہست نوشیدنے

لَا يَظْمَأُ حَتّٰى يَدْخُلَ الْجَنَّةَ وَهُوَ شَهْرٌ اَوَّلُهٗ رَحْمَةٌ

کہ تشنہ نگردد بعد ازوے ہرگز تا آنکہ درآید بہشت را و آن ماہ است کہ اول وے سبب افاضت رحمت

وَاَوْسَطُهٗ مَغْفِرَةٌ وَّاٰخِرُهٗ عِتْقٌ مِّنَ النَّارِ وَمَنْ خَفَّفَ

ومیان وے سبب مغفرت و آخر وے آزادیست از آتش دوزخ وکیسکہ تخفیف کند

عَنْ مَمْلُوْكِهٖ فِيْهِ غَفَرَ اللّٰهُ لَهٗ وَاَعْتَقَهٗ مِنَ النَّارِ وَعَنْ

از جاریہ و غلام خود کہ روزہ دارند بیامرزد خدایتعالے مراورا و آزاد گرداند اورا از دوزخ و روایت است از

ابْنِ عَبَّاسٍ رض قَالَ كَانَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

ابن عباس رض بدرستیکہ بود آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم

اِذَا دَخَلَ شَهْرُ رَمَضَانَ اَطْلَقَ كُلَّ اَسِيْرٍ وَاَعْطَى كُلَّ سَائِلٍ

چون می درآمد ماہ رمضان رہا میکرد ہر قیدیرا و میداد ہر خواہندہ را

وَعَنِ ابْنِ عُمَرَ رض اَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ

و روایت است از ابن عمر رض بدرستیکہ آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم فرمود

اِنَّ الْجَنَّةَ تُزَخْرَفُ لِرَمَضَانَ مِنْ رَأْسِ الْحَوْلِ اِلَى حَوْلٍ

کہ بہشت آراستہ می شود برائے رمضان از سر سال تا سال

قَابِلٍ قَالَ فَاِذَا كَانَ اَوَّلُ يَوْمٍ مِنْ رَمَضَانَ هَبَّتْ رِيْحٌ

آیندہ گفت پس چون بیاشد نخست روزے از رمضان می وزد بادی

تَحْتَ الْعَرْشِ مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ عَلَى الْحُوْرِ الْعِيْنِ فَيَقُلْنَ

زیر عرش از برگہائے بہشت بر حوران بہشت پس میگویند آن حوران بہشت

يَا رَبِّ اجْعَلْ لَنَا مِنْ عِبَادِكَ اَزْوَاجًا تَقَرُّ بِهِمْ اَعْيُنُنَا

اے پروردگار ما گردان مارا از بندگان خود شوہران کہ خنک گردد و قرار گیرد بایشان چشمہاے ما

وَتَقَرُّ اَعْيُنُهُمْ بِنَا رَوَى الْبَيْهَقِيُّ الْاَحَادِيْثَ الثَّلٰثَةَ

و خنک گردد و قرار گیرد چشمہاے ایشان با روایت کرد بیہقی این احادیث ہر سہ را

فِيْ شُعَبِ الْاِيْمَانِ وَعَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ رض عَنِ النَّبِيِّ

در شعب ایمان و روایت است از ابی ہریرہ رض کہ آنحضرت

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَنَّهُ قَالَ يُغْفَرُ لِاُمَّتِيْ فِيْ اٰخِرِ

صلے اللہ علیہ وسلم گفت آمرزیدہ می شود مر امت من در آخر

لَيْلَةٍ مِنْ رَمَضَانَ قِيْلَ يَا رَسُوْلَ اللهِ اَهِيَ لَيْلَةُ الْقَدْرِ

شبے از رمضان گفتہ شد یا رسول اللہ ایا آن شب قدر است

قَالَ لَا وَلٰكِنَّ الْعَامِلَ اِنَّمَا يُوَفّٰى اَجْرَهٗ اِذَا قَضٰى عَمَلَهٗ

گفت آنحضرت نیست ولکن کار کنندہ دادہ نمی شود مزد او مگر وقتیکہ تمام کند عمل خود را و آن در آخر شب باشد

رواه احمد وعن ابي هريرة رض قال قال رسول الله

رواه احمد و روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود پیغامبر خدا

صلى الله عليه وسلم من لم يدع قول الزور والعمل به

صلی الله علیه وسلم روزه دار که ترک نه کند سخن دروغ و باطل را و عمل کردن را بزور

فليس لله حاجة في ان يدع طعامه وشرابه رواه البخاري

پس نیست مر خدای را حاجتی در آنکه ترک کند وی خوردنی و نوشیدنی خود را روایت کرد این حدیث را بخاری

وعنه رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

و هم از وے است گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم

من افطر يوما من رمضان من غير رخصة ولا مرض

کسیکه افطار کند یکروز از رمضان بے رخصت شرعی چنانکه سفر و پیری و بے مرض

لم يقض عنه صوم الدهر كله وان صامه رواه احمد

قضا نکند از وے روزه تمام عمر اگرچه روزه دارد تمام عمر رواه احمد

والترمذي وابوداود وابن ماجة والدارمي والبخاري

و الترمذی و ابوداود و ابن ماجه و الدارمی و روایت کرد بخاری

في ترجمة باب وعنه رض قال قال رسول الله صلى

در ترجمه باب یعنی بطریق تعلیق حدیث بیاورده است و هم از وے روایت گفت فرمود آنحضرت صلی

الله عليه وسلم كم من صائم ليس له من صيامه

الله علیه وسلم بسا روزه دار که نیست اورا حاصل از روزه خود

الا الظمأ وكم من قائم ليس له من قيامه

مگر تشنگی و بسا شب خیز و نماز گذار که نیست مر اورا حاصلے از قیام خود

الا السهر رواه الدارمي

مگر بیداری رواه دارمے

ع چنانکه روزه دارد و از دروغ و غیبت و از دیگر بیجاها خود را باز ندارد ۱۲

ع چنانکه نماز در زمین مغصوب یا بے طهارت و یا بی جماعت فرض و بیجا آرد و ارکان و آداب و در ریا ... نداد ۱۲

بَابُ السُّحُوْرِ وَالْاِفْطَارِ

باب دربیان سحر و افطار

عَنْ اَنَسٍ رضؓ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰہِ صَلَّی اللّٰہُ عَلَیْہِ وَسَلَّمَ

روایت است از انس رضؓ گفت فرمود پیغامبر خدا صلے اللہ علیہ و سلم

تَسَحَّرُوْا فَاِنَّ فِی السُّحُوْرِ بَرَکَۃً مُتَّفَقٌ عَلَیْہِ وَعَنْ

طعام سحر بخورید زیراکہ در طعام سحر برکت است متفق علیہ و روایت است از

عَمْرِو بْنِ الْعَاصِ رضؓ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰہِ صَلَّی اللّٰہُ عَلَیْہِ

عمرو بن العاص رضؓ گفت فرمود پیغامبر خدا صلی اللہ علیہ

وَسَلَّمَ فَصْلُ مَا بَیْنَ صِیَامِنَا وَصِیَامِ اَھْلِ الْکِتٰبِ اَکْلَۃُ

وسلم فرق میان روزہ ما و روزہ اہل کتاب خوردن

السَّحَرِ رَوَاہُ مُسْلِمٌ وَعَنْ سَہْلٍ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰہِ

سحر است رواہ مسلم و روایت است از سہل گفت فرمود پیغامبر خدا

صَلَّی اللّٰہُ عَلَیْہِ وَسَلَّمَ لَا یَزَالُ النَّاسُ بِخَیْرٍ مَا عَجَّلُوا

صلے اللہ علیہ وسلم ہمیشہ اند مردم ملابس بخیر مادام کہ شتابی کنند در

الْفِطْرَ مُتَّفَقٌ عَلَیْہِ وَعَنْ اَبِیْ ھُرَیْرَۃَ رضؓ قَالَ قَالَ

کشادن روزہ متفق علیہ و روایت است از ابی ہریرہ رضؓ گفت فرمود

رَسُوْلُ اللّٰہِ صَلَّی اللّٰہُ عَلَیْہِ وَسَلَّمَ قَالَ اللّٰہُ تَعَالٰی اَحَبُّ

پیغامبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم گفت خدا تعالیٰ دوست تر

عِبَادِیْ اِلَیَّ اَعْجَلُھُمْ فِطْرًا رَوَاہُ التِّرْمِذِیُّ وَعَنْ

بندگان من بسوی من شتاب کنندہ ترین ایشانست در روزہ کشادن رواہ الترمذی و روایت است از

سَلْمَانَ بْنِ عَامِرٍ رضؓ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰہِ صَلَّی اللّٰہُ عَلَیْہِ وَسَلَّمَ

سلمان بن عامر رضؓ گفت سلمان فرمود آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم

اذا افطر احدكم فليفطر على تمر فانه بركة فان لم يجد

چون افطار کند یکے از شما پس باید کہ افطار کند بر خرما پس بدرستیکہ افطار بخرما سبب برکت است پس اگر نیابد

فليفطر على ماء فانه طهور رواه احمد والترمذي

پس باید کہ افطار کند بر آب پس بدرستیکہ آب پاک کنندہ است حدث را رواه احمد والترمذی

وابوداود وابن ماجة والدارمي ولم يذكر فانه بركة

وابوداود وابن ماجه والدارمی وذکر نکرده است لفظ فانه برکة را

غير الترمذي وعن انس رض قال كان النبي صلى

جز ترمذی و روایت است از انس رض گفت انس بود آنحضرت صلی

الله عليه وسلم يفطر قبل ان يصلي على رطبات فان

الله علیه وسلم کہ افطار میکرد پیش از آنکہ نماز بگذارد بر چند خرماے تر پس اگر

لم تكن رطبات فتميرات فان لم تكن تميرات حسا

نمیبود خرماے تر پس افطار میکرد بر چند خرماهای خشک پس اگر نمی بود خرماهای خشک مینوشید

حسوات من ماء رواه الترمذي وابوداود وعن زيد

چند کف آب را رواه ترمذی وابوداود و روایت است از زید

بن خالد رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

بن خالد رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه و سلم

من فطر صائما او جهز غازيا فله مثل اجره رواه البيهقي

کسیکہ روزه بکشاید روزه دار را یا سامان کند غزا کننده را پس او راست مانند اجر او رواه البیهقی

في شعب الايمان ومحي السنة في شرح السنة وعن

در شعب ایمان و محی السنه در کتاب شرح سنه و روایت است از

ابي هريرة رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

ابی هریره رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

لَا يَزَالُ الدِّيْنُ ظَاهِرًا مَا عَجَّلَ النَّاسُ الْفِطْرَ لِاَنَّ الْيَهُوْدَ

همیشه است دین غالب ما دام که شتابی کنند مردم افطار را زیرا که یهود

وَالنَّصَارٰی یُؤَخِّرُوْنَ رَوَاهُ اَبُوْدَاوُدَ وَابْنُ مَاجَةَ

و نصاری تاخیر می کنند در افطار رواه ابوداود و ابن ماجه

وَعَنْ اَبِیْ عَطِیَّةَ قَالَ دَخَلْتُ اَنَا وَمَسْرُوْقٌ عَلٰی

و روایت است از ابی عطیه گفت که داخل شدم من و مسروق بر

عَائِشَةَ فَقُلْنَا یَا اُمَّ الْمُؤْمِنِیْنَ رَجُلَانِ مِنْ اَصْحَابِ

عایشه رض پس گفتیم ما اے ام المومنین دو مرد اند از یاران

مُحَمَّدٍ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَسَلَّمَ اَحَدُهُمَا یُعَجِّلُ الْاِفْطَارَ وَیُعَجِّلُ

محمد صلی الله علیه وسلم یکے ازان دو مرد شتابی میکند در روزه کشادن و شتابی میکند

الصَّلٰوةَ وَالْاٰخَرُ یُؤَخِّرُ الْاِفْطَارَ وَیُؤَخِّرُ الصَّلٰوةَ قَالَتْ

نماز را و دیگرے ازان دو تاخیر میکند روزه کشادن را و تاخیر میکند نماز گذاردن را گفت عائشه رض

اَیُّهُمَا یُعَجِّلُ الْاِفْطَارَ وَیُعَجِّلُ الصَّلٰوةَ قُلْنَا عَبْدُ اللّٰهِ بْنُ

کدام ازان تعجیل میکند افطار را و تعجیل میکند نماز گذاردن را گفتیم ما عبد الله بن

مَسْعُوْدٍ قَالَتْ هٰکَذَا صَنَعَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ

مسعود رض گفت عائشه رض همچنین کرده است پیغامبر خدا صلی الله علیه

وَسَلَّمَ وَالْاٰخَرُ اَبُوْمُوْسٰی رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ اَبِیْ هُرَیْرَةَ

وسلم و گفتیم و آن مرد دیگر که تاخیر میکند ابوموسی اشعری است رواه مسلم و روایت است از ابی هریره

قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَسَلَّمَ نِعْمَ سَحُوْرُ

گفت که فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم نیکو طعام سحر

الْمُؤْمِنِ التَّمْرُ رَوَاهُ اَبُوْدَاوُدَ

مسلمان خرما است رواه ابوداود

ف کلام و دین ... اشارت است ازان دین و غلبه آن ... مخالفت اعدا

بَابُ صِیَامِ التَّطَوُّعِ

باب دربیان روزهٔ نفل

عَنْ اَبِیْ هُرَیْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ

روایت است از ابی ہریرہ رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی اللہ علیہ

وَسَلَّمَ اَفْضَلُ الصِّیَامِ بَعْدَ رَمَضَانَ شَهْرُ اللّٰهِ الْمُحَرَّمُ

وسلم فاضلترین روزہا بعد از روزہ رمضان روزہ ماہ خدا است کہ محرم است

وَاَفْضَلُ الصَّلٰوةِ بَعْدَ الْفَرِیْضَةِ صَلٰوةُ اللَّیْلِ رَوَاهُ مُسْلِمٌ

وفاضلترین نمازہا بعد نماز فرض نماز شب کہ تہجد است رواہ مسلم

وَعَنْ اَبِیْ قَتَادَةَ رض اَنَّ رَجُلًا اَتَی النَّبِیَّ صَلَّی اللّٰهُ

وروایت است از ابی قتادہ رض کہ مردے آمد آن حضرت را صلی اللہ

عَلَیْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ کَیْفَ تَصُوْمُ فَغَضِبَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّی

علیہ وسلم پس گفت آمرد چگونہ روزہ میداری پس درخشم آمد آنحضرت صلی

اللّٰهُ عَلَیْهِ وَسَلَّمَ مِنْ قَوْلِهٖ فَلَمَّا رَاٰی عُمَرُ غَضَبَهٗ قَالَ

اللہ علیہ وسلم از گفتن آمرد پس چون دید عمر خشم آنحضرت را گفت

رَضِیْنَا بِاللّٰهِ رَبًّا وَّبِالْاِسْلَامِ دِیْنًا وَّبِمُحَمَّدٍ نَبِیًّا

راضی شدیم بخدا کہ پروردگار ما است وراضی شدیم باسلام کہ دین ما است وراضی شدیم بمحمد کہ پیغامبر

نَعُوْذُ بِاللّٰهِ مِنْ غَضَبِ اللّٰهِ وَمِنْ غَضَبِ رَسُوْلِهٖ فَجَعَلَ

پناہ میخواہیم بخدا از غضب خدا واز غضب رسول وے پس در استاد

عُمَرُ رض یُرَدِّدُ هٰذَا الْکَلَامَ حَتّٰی سَکَنَ غَضَبُهٗ فَقَالَ

عمر رض کہ تکرار میکرد این کلام را تا آنکہ آرام یافت غضب آنحضرت پس گفت

عُمَرُ یَا رَسُوْلَ اللّٰهِ کَیْفَ مَنْ یَّصُوْمُ الدَّهْرَ کُلَّهٗ قَالَ لَا صَامَ

عمر یا رسول اللہ چگونہ است حال آن کسے کہ روزہ دارد در ہمہ روزگار ہمیشہ گفت آنحضرت نہ روزہ

وَلَا أَفْطَرَ أَوْ قَالَ لَمْ يَصُمْ وَلَمْ يُفْطِرْ قَالَ كَيْفَ مَنْ يَصُوْمُ

روزه افطار کرد او یا گفت لم یصم و لم یفطر شک راویست گفت عمر چگونه است حال کسیکه روزه دارد

يَوْمَيْنِ وَيُفْطِرُ يَوْمًا قَالَ وَيُطِيْقُ ذٰلِكَ أَحَدٌ قَالَ كَيْفَ

دو روز و افطار کند یک روز فرمود آنحضرت آیا طاقت دارد آنرا هیچ کسے گفت عمر چگونه است

مَنْ يَصُوْمُ يَوْمًا وَيُفْطِرُ يَوْمًا قَالَ ذٰلِكَ صَوْمُ دَاوُدَ قَالَ

حال کسیکه روزه یک روز دارد و افطار کند یک روز را گفت آنحضرت این روزهٔ داود پیغمبر است گفت عمر

كَيْفَ مَنْ يَصُوْمُ يَوْمًا وَيُفْطِرُ يَوْمَيْنِ قَالَ وَدِدْتُ أَنِّيْ

چگونه است حال کسیکه روزه دارد یک روز و افطار کند دو روز فرمود آنحضرت که دوست میدارم کہ من

طُوِّقْتُ ذٰلِكَ ثُمَّ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

طاقت داده شوم آنرا بستر فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم

ثَلٰثٌ مِّنْ كُلِّ شَهْرٍ وَرَمَضَانُ إِلٰى رَمَضَانَ فَهٰذَا صِيَامُ

بس است یا اول است سه روز از هر ماه و رمضان تا رمضان برابر اداده قوم پس اینست روزه تمام

الدَّهْرِ كُلِّهٖ صِيَامُ يَوْمِ عَرَفَةَ أَحْتَسِبُ عَلَى اللّٰهِ أَنْ يُّكَفِّرَ

روزگار روزه روز عرفه در موده ثواب چشم دارم معتمد بر فضل خدا که تکفیر کند

السَّنَةَ الَّتِيْ قَبْلَهٗ وَالسَّنَةَ الَّتِيْ بَعْدَهٗ وَصِيَامُ يَوْمِ

سالے را که پیش از وست و تکفیر کند سالے را که بعد از وست و روزه روز

عَاشُوْرَاءَ أَحْتَسِبُ عَلَى اللّٰهِ أَنْ يُّكَفِّرَ السَّنَةَ الَّتِيْ قَبْلَهٗ

عاشورا چشم دارم از خدا تعالی که تکفیر کند گناهان سالے را که پیش از وست

رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْهُ قَالَ سُئِلَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

روایه مسلم و هم از ابی قتاده گفت پرسیده شد پیغامبر خدا صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنْ صَوْمِ الْاِثْنَيْنِ فَقَالَ فِيْهِ وُلِدْتُ وَفِيْهِ

علیه وسلم از سبب روزهٔ دوشنبه پس فرمود آنحضرت در آن روز زائیده شده ام و در آن روز

أُنْزِلَ عَلَيَّ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ أَبِي أَيُّوبَ الْأَنْصَارِيِّ

نخست فرستاده شده است وحی بر من رواه مسلم و روایت است از ابی ایوب انصاری رض

أَنَّهُ حَدَّثَهُ أَنَّ رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ

که وے حدیث کرد این حدیث را که آنحضرت صلی الله علیه وسلم گفت

مَنْ صَامَ رَمَضَانَ ثُمَّ أَتْبَعَهُ سِتًّا مِنْ شَوَّالٍ كَانَ

کسیکه روزه دارد رمضان را پستر تابع گرداند آنرا شش روزه از شوال باشد

كَصِيَامِ الدَّهْرِ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ أَبِي سَعِيدِ

ہمچو روزه روزگار ہمیشه رواه مسلم و روایت است از ابی سعید

الْخُدْرِيِّ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

خدری رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

مَنْ صَامَ يَوْمًا فِي سَبِيلِ اللّٰهِ بَعَّدَ اللّٰهُ وَجْهَهُ عَنِ النَّارِ

کسیکه روزه دارد یکروز در راه خدا یعنے در جهاد دور دارد خدایتعالی ذات او را از آتش دوزخ

سَبْعِينَ خَرِيفًا مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ عَائِشَةَ رض قَالَتْ

هفتاد سال مراد از خریف سال است عرب ابتدای سال بخریف کنند متفق علیه و از عائشه رض مرویست گفت

كَانَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَصُومُ الْاِثْنَيْنِ

بود آنحضرت صلی الله علیه وسلم که روزه میداشت در بعضے احیان بروز دوشنبه

وَالْخَمِيسَ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَالنَّسَائِيُّ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ

و پنجشنبه رواه ترمذی و النسائی و روایت است از ابی هریره رض

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تُعْرَضُ

گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم عرض کرده میشوند در درگاه عزت

الْأَعْمَالُ يَوْمَ الْاِثْنَيْنِ وَالْخَمِيسِ فَأُحِبُّ أَنْ يُعْرَضَ عَمَلِي

اعمال بندگان روز دوشنبه و پنجشنبه پس دوست میدارم که عرض کرده شود عمل من

وَأَنَا صَائِمٌ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ أَبِي ذَرٍّ رض قَالَ

ودر حالیکه من روزه دارم روایت کرده ترمذی و روایت است از ابی ذر رض گفت

قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَا أَبَا ذَرٍّ إِذَا

فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم ای ابو ذر چون

صُمْتَ مِنَ الشَّهْرِ ثَلٰثَةَ أَيَّامٍ فَصُمْ ثَلٰثَ عَشْرَةَ وَأَرْبَعَ عَشْرَةَ

روزه داری از ماه سه روز پس روزه دار سیزدهم و چهاردهم و

وَخَمْسَ عَشْرَةَ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَالنَّسَائِيُّ وَعَنْ أَبِي أُمَامَةَ

و پانزدهم را روایت کرد ترمذی و نسائی و روایت است از ابی امامه رض

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ صَامَ يَوْمًا

گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم کسیکه روزه دارد یک روز

فِي سَبِيلِ اللّٰهِ جَعَلَ اللّٰهُ بَيْنَهُ وَبَيْنَ النَّارِ خَنْدَقًا كَمَا بَيْنَ

در راه خدا میگرداند خدا میان وے و میان آتش خندق بقدر مسافتی که میان

السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ عَامِرِ بْنِ

آسمان و زمین است روایت کرد ترمذی و روایت است از عامر بن

مَسْعُودٍ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

مسعود رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

الْغَنِيمَةُ الْبَارِدَةُ الصَّوْمُ فِي الشِّتَاءِ رَوَاهُ أَحْمَدُ

غنیمت بارده روزه داشتن است در زمستان کنایت است از حصول اجر بے مشقت روایت کرد احمد

وَالتِّرْمِذِيُّ وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رض أَنَّ رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى

و ترمذی و روایت است از ابن عباس رض که آنحضرت صلی

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَدِمَ الْمَدِينَةَ فَوَجَدَ الْيَهُودَ صَائِمًا

الله علیه وسلم قدوم آورد مدینه را پس یافت یهود را روزه دارنده

يَوْمَ عَاشُورَاءَ فَقَالَ لَهُمْ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ

روز عاشورا پس گفت مر ایشان را پیغامبر خدا صلی الله علیه

وَسَلَّمَ مَا هٰذَا الْيَوْمُ الَّذِيْ تَصُوْمُوْنَهُ فَقَالُوْا هٰذَا

وسلم چیست این روز یکه روزه میدارید شما در آن پس گفتند یهود این

يَوْمٌ عَظِيْمٌ اَنْجَى اللهُ فِيْهِ مُوْسٰى وَقَوْمَهُ وَغَرَّقَ فِرْعَوْنَ

روز بزرگ است رستگاری داده است خدا در وی موسی را و قوم او را و غرق کرده است فرعون را

وَقَوْمَهُ فَصَامَهُ مُوْسٰى شُكْرًا فَنَحْنُ نَصُوْمُهُ فَقَالَ

و قوم او را پس روزه داشت موسی درین روز بجهت شکرانه پس ما روزه میداریم برای متابعت پس گفت

رَسُوْلُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَنَحْنُ اَحَقُّ وَاَوْلٰى بِمُوْسٰى

آنحضرت صلی الله علیه وسلم پس ما سزاوار تریم بموسی

مِنْكُمْ فَصَامَهُ رَسُوْلُ اللهِ وَاَمَرَ بِصِيَامِهِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ

از شما پس ما نیز روزه میداریم پس روزه داشت درین روز آنحضرت و امر کرد بروزه داشتن درین روز

وَعَنْ حَفْصَةَ رض قَالَتْ اَرْبَعٌ لَمْ يَكُنْ يَدَعُهُنَّ

و روایت است از حفصه رض گفت چهار خصلت اند که نبود که ترک نمیکرد

النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ صِيَامَ يَوْمِ عَاشُوْرَاءَ وَالْعَشْرِ

پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم روزهٔ روز عاشورا و روزه دهم ذالحجه

وَثَلٰثَةِ اَيَّامٍ مِّنْ كُلِّ شَهْرٍ وَرَكْعَتَانِ قَبْلَ الْفَجْرِ رَوَاهُ

و روزه سه روز از هر ماه و دو رکعت سنت قبل از نماز بامداد رواه

النَّسَائِيُّ وَعَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ رض قَالَ كَانَ رَسُوْلُ اللهِ

لنسائی و روایت است از ابن عباس رض گفت ابن عباس که بود آنحضرت

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا يُفْطِرُ اَيَّامَ الْبِيْضِ فِيْ حَضَرٍ

صلی الله علیه وسلم که افطار نمیکرد روزهای ایام بیض را نه در حضر

وَلَا سَفَرٍ رواہ النسائی وَعَنْ اَبِیْ ہُرَیْرَۃَ رض قَالَ

و نہ در سفر رواہ النسائی و روایت است از ابی ہریرۃ رض گفت

قَالَ رَسُوْلُ اللّٰہِ صَلَّی اللّٰہُ عَلَیْہِ وَسَلَّمَ لِکُلِّ شَیْءٍ زَکٰوۃٌ

فرمود پیغامبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم مر ہر چیز را از نعمتہاے الٰہی زکوٰۃ است

وَزَکٰوۃُ الْجَسَدِ الصَّوْمُ رواہ ابن ماجۃ وَعَنْہُ اَنَّ

و زکوٰۃ بدن و صحت وے روزہ است رواہ ابن ماجہ و ہم از وے مرویست کہ

النَّبِیَّ صَلَّی اللّٰہُ عَلَیْہِ وَسَلَّمَ کَانَ یَصُوْمُ یَوْمَ الْاِثْنَیْنِ

آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم بود کہ روزہ میداشت روز دوشنبہ را

وَالْخَمِیْسِ فَقِیْلَ یَا رَسُوْلَ اللّٰہِ اِنَّکَ تَصُوْمُ الْاِثْنَیْنِ

و پنجشنبہ را پس گفتہ شد اے رسول اللہ بدرستیکہ روزہ میداری دوشنبہ را

وَالْخَمِیْسَ فَقَالَ اِنَّ یَوْمَ الْاِثْنَیْنِ وَالْخَمِیْسَ یَغْفِرُ

و پنجشنبہ را پس فرمود بدرستیکہ روزہ دوشنبہ و پنجشنبہ می آمرزد

اللّٰہُ فِیْہِمَا لِکُلِّ مُسْلِمٍ اِلَّا ذَا ھَاجِرَیْنِ یَقُوْلُ دَعْہُمَا

خدایتعالیٰ در آن مر ہر مسلمان را مگر دو قطع کنندہ رحم را میگوید خدا کہ بگذار ایشان را

حَتّٰی یَصْطَلِحَا رواہ احمد وابن ماجۃ وَعَنْہُ قَالَ

تا اتفاق کنند و صلح نمایند رواہ احمد و ابن ماجہ و ہم از وے مرویست کہ گفت

قَالَ رَسُوْلُ اللّٰہِ صَلَّی اللّٰہُ عَلَیْہِ وَسَلَّمَ مَنْ صَامَ یَوْمًا

فرمود پیغامبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم کسیکہ روزہ دارد روزے

اِبْتِغَاءَ وَجْہِ اللّٰہِ بَعَّدَہُ اللّٰہُ مِنْ جَہَنَّمَ کَبُعْدِ غُرَابٍ

بجہت طلب کردن ذات خدا و رضاے وے دور میگرداند او را خدا از دوزخ مانند دوری زاغ

طَائِرٍ وَھُوَ فَرْخٌ حَتّٰی مَاتَ ھَرِمًا رواہ احمد وروی

پرندہ در حالیکہ آن زاغ چوزہ است تا آنکہ بمیرد در غایت پیری رواہ احمد و روایت کرد

وَعَنْ سَلَمَةَ بْنِ قَيْسٍ فِي شُعَبِ الْإِيْمَانِ الْبَيْهَقِيُّ

وروایت است از سلمه بن قیس از شعب ایمان در بیهقی

بُرَيْدَةَ قَالَ دَخَلَ بِلَالٌ عَلٰى رَسُوْلِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

بریدہ رض گفت درآمد بلال بر پیغامبر خدا صلے اللہ علیہ

وَسَلَّمَ وَهُوَ يَتَغَدّٰى فَقَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

وسلم وآنحضرت طعام چاشت میخورد پس فرمود آنحضرت صلے اللہ علیہ

وَسَلَّمَ الْغَدَاءَ يَا بِلَالُ قَالَ إِنِّيْ صَائِمٌ يَا رَسُوْلَ اللّٰهِ فَقَالَ

وسلم حاضر شوی اے بلال طعام را گفت بلال روزه دارم یا رسول اللہ پس گفت

رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نَأْكُلُ رِزْقَنَا وَفَضْلُ

آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم میخوریم ما رزق خود را وزیادت

رِزْقِ بِلَالٍ فِي الْجَنَّةِ أَشَعَرْتَ يَا بِلَالُ إِنَّ الصَّائِمَ

رزق بلال در بهشت است آیا شعور داری ومیدانی اے بلال که روزه دار

يُسَبِّحُ عِظَامُهُ وَيَسْتَغْفِرُ لَهُ الْمَلٰئِكَةُ مَا أُكِلَ عِنْدَهُ

تسبیح میکنند استخوانهای وے وآمرزش میخواهند مر او را فرشتگان مادام که خورده شود نزد وے

رَوَاهُ الْبَيْهَقِيُّ فِي شُعَبِ الْإِيْمَانِ وَعَنْ عَامِرِ بْنِ سَهْلٍ

رواه بیهقی در شعب ایمان وروایت است از عامر بن سہل

الْجُرَمِيِّ سَمِعْتُ رَجُلًا يُحَدِّثُ أَنَّهُ سَمِعَ أَنَسَ ابْنَ

الجرمی که شنیدم مردی را که حدیث میکرد که وے شنید انس بن

مَالِكٍ يَقُوْلُ فِي الْجَنَّةِ قَصْرٌ لَا يَدْخُلُهُ إِلَّا صَوَّامُ

مالک را که میگفت که در بهشت محل و مکانی است که داخل نمیشود آنرا مگر کسیکه روزه

رَجَبَ رَوَاهُ ابْنُ شَاهِيْنَ فِي التَّرْغِيْبِ

در ماه رجب روایت کرد ابن شاهین در ترغیب

باب فضيلة ليلة القدر

باب در بيان فضيلت شب قدر

حٰمٓ ۚ وَالْكِتٰبِ الْمُبِيْنِ ۙ اِنَّاۤ اَنْزَلْنٰهُ فِيْ لَيْلَةٍ مُّبٰرَكَةٍ اِنَّا

قسم بكتاب واضح كه هر آئينه ما فرود آورديم اين كتاب را در شب مبارك هر آئينه

كُنَّا مُنْذِرِيْنَ ۝ فِيْهَا يُفْرَقُ كُلُّ اَمْرٍ حَكِيْمٍ ۝ اَمْرًا مِّنْ

ما بوديم ترساننده در آن شب مبارك فصل كرده مى شود هر كار استوار فرود آورديم آنرا بوى كردن از

عِنْدِنَا ۭ اِنَّا كُنَّا مُرْسِلِيْنَ ۝ رَحْمَةً مِّنْ رَّبِّكَ ۭ اِنَّهٗ هُوَ

نزديك خويش هر آئينه ما بوديم فرستنده فرود آورديم آنرا بسبب رحمت از نزد پروردگار تو هر آئينه اوست

السَّمِيْعُ الْعَلِيْمُ ۝ وَالْفَجْرِ ۝ وَلَيَالٍ عَشْرٍ ۝ وَّالشَّفْعِ وَالْوَتْرِ ۝

شنوا دانا قسم بصبح و بشبهاے ده گانه و قسم بجفت و طاق

وَالَّيْلِ اِذَا يَسْرِ ۝ هَلْ فِيْ ذٰلِكَ قَسَمٌ لِّذِيْ حِجْرٍ ۝ اِنَّاۤ اَنْزَلْنٰهُ

و قسم بشب چون روان شود آيا درين مقدمه سوگند معتبر است صاحب خرد را هر آئينه ما فرود آورديم

فِيْ لَيْلَةِ الْقَدْرِ ۝ وَمَاۤ اَدْرٰىكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ ۝ لَيْلَةُ الْقَدْرِ

قرآن را در شب قدر و چه چيز مطلع ساخت ترا كه چيست شب قدر شب قدر

خَيْرٌ مِّنْ اَلْفِ شَهْرٍ ۝ تَنَزَّلُ الْمَلٰٓئِكَةُ وَالرُّوْحُ فِيْهَا بِاِذْنِ

بهتر است از هزار ماه فرود مے آيند فرشتگان و روح پاك در آن شب بفرمان

رَبِّهِمْ ۚ مِنْ كُلِّ اَمْرٍ ۝ سَلٰمٌ ۛ هِيَ حَتّٰى مَطْلَعِ الْفَجْرِ ۝

پروردگار خويش براے سرانجام هر كار محض سلامتى است آن شب تا وقت طلوع فجر

عَنْ اَنَسٍ رضـ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

و روايت است از انس رضـ گفت فرمود آنحضرت صلے الله عليه وسلم

اِذَا كَانَ لَيْلَةُ الْقَدْرِ نَزَلَ جِبْرَئِيْلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ

چون مى باشد ليلة القدر فرود مى آيد جبرئيل عليه السلام

فِي كَبْكَبَةٍ مِنَ الْمَلٰئِكَةِ يُصَلُّوْنَ عَلٰى كُلِّ عَبْدٍ قَائِمٍ

در جماعة از فرشتگان و دعا می کنند و درود میفرستند بر هر بنده که ایستاده است

اَوْ قَاعِدٍ يَذْكُرُ اللّٰهَ عَزَّ وَجَلَّ فَاِذَا كَانَ يَوْمُ عِيْدِهِمْ

یا نشسته که یاد میکند مر خدای را عز وجل پس چون باشد روز عید مسلمانان

يَعْنِيْ يَوْمَ فِطْرِهِمْ بَاهٰى بِهِمْ مَلٰئِكَتَهٗ فَقَالَ يَا مَلٰئِكَتِيْ

یعنی روز افطار ایشان مفاخرت میکند خدای تعالی به بندگان فرشتگان خود را پس میگوید ای فرشتگان

مَا جَزَاءُ اَجِيْرٍ وَفّٰى عَمَلَهٗ قَالُوْا رَبَّنَا جَزَاؤُهٗ اَنْ يُّوَفّٰى اَجْرَهٗ

چیست پاداش مزدوری که تمام کرد عمل خود را میگویند فرشتگان پروردگارا پاداش او نیست که تمام داده شود

فَقَالَ مَلٰئِكَتِيْ عَبِيْدِيْ وَاِمَائِيْ قَضَوْا فَرِيْضَتِيْ عَلَيْهِمْ

پس میگوید پروردگار فرشتگان من غلامان من و پرستاران من گذاردند طاعت مرا که فرض گردانیدم بر ایشان

ثُمَّ خَرَجُوْا يَعُجُّوْنَ اِلَى الدُّعَاءِ وَعِزَّتِيْ وَجَلَالِيْ وَكَرَمِيْ وَ

پستر بیرون آمدند درحالیکه بر میدارند آواز خود را بدعا سوگند بغلبه قدرت و بزرگی وجود

عُلُوِّيْ وَارْتِفَاعِ مَكَانِيْ لَاُجِيْبَنَّهُمْ فَيَقُوْلُ ارْجِعُوْا فَقَدْ

و بلند قدری و بلندی رتبه من هر آئینه اجابت میکنم دعای ایشان را پس میگوید خدا برگردید بتحقیق

غَفَرْتُ لَكُمْ وَبَدَّلْتُ سَيِّئَاتِكُمْ حَسَنَاتٍ قَالَ فَيَرْجِعُوْنَ

آمرزیدم مر شما را و تبدیل میکنم بدیهای شما را به نیکیهای گفت آنحضرت میگروند بندگان

مَغْفُوْرًا لَّهُمْ رَوَاهُ الْبَيْهَقِيُّ فِيْ شُعَبِ الْاِيْمَانِ وَعَنْ

درحالیکه آمرزیده شده است ایشانرا رواه بیهقی در شعب بیان و روایت است از

عُبَادَةَ ابْنِ الصَّامِتِ رض قَالَ خَرَجَ النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

عباده بن صامت رض گفت عباده بیرون آمد آنحضرت صلی الله علیه

وَسَلَّمَ لِيُخْبِرَنَا بِلَيْلَةِ الْقَدْرِ فَتَلَاحٰى رَجُلَانِ مِنْ

وسلم تا خبر دهد مارا بلیلة القدر پس نزاع نمودند و خصومت میکردند بیکدیگر دو مرد از

الْمُسْلِمِينَ فَقَالَ خَرَجْتُ لِأُخْبِرَكُمْ بِلَيْلَةِ الْقَدْرِ فَتَلَاحَى

مسلمانان پس گفت آنحضرت بیرون آمدم تا خبر دهم شما را بشب قدر که کدام شب است پس نزاع کردند

فُلَانٌ وَفُلَانٌ فَرُفِعَتْ وَعَسَى أَنْ يَكُونَ خَيْرًا لَكُمْ فَالْتَمِسُوهَا

فلان و فلان پس برداشته شد آن شب از خاطر من و نزدیک است که باشد بهتر برداشتن از خاطر تعین آن بهتر

فِي التَّاسِعَةِ وَالسَّابِعَةِ وَالْخَامِسَةِ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ

در شب بست و نهم و بست و هفتم و بست و پنجم روایه البخاری

وَعَنْ أَبِي بَكْرَةَ قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ

و روایت است از ابی بکره گفت شنیدم آنحضرت را صلی الله علیه

وَسَلَّمَ يَقُولُ الْتَمِسُوهَا يَعْنِي لَيْلَةَ الْقَدْرِ فِي تِسْعٍ يَبْقَيْنَ

و سلم که میگفت که طلب بکنید آنرا یعنی شب قدر را در نه شب که باقی می مانند

أَوْ فِي سَبْعٍ يَبْقَيْنَ أَوْ فِي خَمْسٍ يَبْقَيْنَ أَوْ ثَلَاثٍ أَوْ آخِرِ لَيْلَةٍ

یا در هفت شب که باقی می مانند یا در پنج شب که باقی می مانند یا در سه شب که باقی میمانند یا شب آخر

رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رض أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ

روایه الترمذی و روایت است از ابن عباس رض که پیغامبر خدا صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ الْتَمِسُوهَا فِي الْعَشْرِ الْأَوَاخِرِ مِنْ رَمَضَانَ

علیه و سلم فرمود طلب کنید او را در ده شب اخیر از رمضان

لَيْلَةَ الْقَدْرِ فِي تَاسِعَةٍ تَبْقَى فِي سَابِعَةٍ تَبْقَى فِي خَامِسَةٍ تَبْقَى

شب قدر را در شب بست و نهم که باقی بماند و در شب بست و هفتم که باقی بماند و در شب بست و پنجم که باقی

رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَعَنْ عَائِشَةَ رض قَالَتْ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ

روایه البخاری و روایت است از عائشه رض گفت فرمود پیغامبر خدا

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تَحَرَّوْا لَيْلَةَ الْقَدْرِ فِي الْوِتْرِ مِنَ الْعَشْرِ

صلی الله علیه و سلم بجوئید شب قدر را در شبهای طاق از ده

الاواخر من رمضان رواه البخاري وعن زر

اخير از رمضان روايت كرد اين را بخاري روايت است از زر

بن حبيش قال سألت ابي بن كعب فقلت ان اخاك ابن

بن حبيش گفت سوال كردم ابي ابن كعب را پس گفتم كه برادر تو ابن

مسعود يقول من يقم الحول يصب ليلة القدر فقال

مسعود ميگويد كسيكه قيام ليل كند سال تمام درمي يابد شب قدر را پس گفت

رحمه الله اراد ان لا يتكل الناس اما انه قد علم انها

رحمت كند ابن مسعود را خدا ايشان خواست ابن مسعود كه اعتماد نكنند مردم آگاه باش بدرستيكه ابن مسعود

في رمضان وانها في العشر الاواخر وانها ليلة سبع و

كه شب قدر در رمضان است در ده اخير است از رمضان و بدرستيكه آن بست و هفتم است

عشرين ثم حلف لا يستثني انها ليلة سبع وعشرين

پس سوگند خورد ابي در حاليكه استثنا نمي كرد يعني ان شاء الله نگفت وجزم ميكرد كه شب قدر بست و هفتم است

فقلت باي شيء تقول ذلك يا ابا المنذر قال بالعلامة

پس گفتم ابي ابن كعب را بچه چيز و بكدام دليل ميگوئي آنرا اے ابا منذر گفت ابي بسبب كه خبر داده است ما را آنحضرت

او بالاية التي اخبرنا رسول الله صلى الله عليه وسلم

يا با آيت كه خبر داد ما را رسول خدا صلى الله عليه وسلم

انها تطلع يومئذ لا شعاع لها رواه مسلم وعن

علامت آفتاب در صبح آن شب مي برآيد در حاليكه نيست روشني مر او را روايت كرد اين را مسلم و روايت است از

عائشة قالت قلت يا رسول الله صلى الله عليه وسلم

عائشه رضي الله عنها گفت گفتم يا رسول الله صلى الله عليه وسلم

ارايت ان علمت اي ليلة ليلة القدر ما اقول فيها قال

خبر ده مرا اگر بدانم كه كدام شب است شب قدر در يابم آنرا چه گويم از ذكر و دعا در آن شب گفت آنحضرت

لِي اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ عَفُوٌّ تُحِبُّ الْعَفْوَ فَاعْفُ عَنِّي

بگو این دعا را خداوندا بدرستیکه عفو کننده و دوست میداری عفو را پس عفو کن از ما

رَوَاهُ اَحْمَدُ وَابْنُ مَاجَةَ وَالتِّرْمِذِيُّ وَصَحَّحَهُ

روایت کرد احمد و ابن ماجه والترمذی و صحیح گفت ترمذی این حدیث را

بَابُ قِيَامِ شَهْرِ رَمَضَانَ وَلَيْلَةِ النِّصْفِ مِنْ شَعْبَانَ

این باب در قیام ماه رمضان است و در قیام نصف از شعبان یعنی شب برات

عَنْ عَائِشَةَ رض اَنَّ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

روایت است از عائشه رض که آنحضرت صلے الله علیه وسلم

خَرَجَ لَيْلَةً مِنْ جَوْفِ اللَّيْلِ فَصَلّٰى فِي الْمَسْجِدِ وَصَلّٰى رِجَالٌ

برآمد شبے از میان شب پس نماز گذارد در مسجد و نماز گذاردند مردان

بِصَلٰوتِهِ فَاَصْبَحَ النَّاسُ فَتَحَدَّثُوْا فَاجْتَمَعَ اَكْثَرُ مِنْهُمْ

همراه نماز آنحضرت پس صبح کردند مردمان پس یاد کردند پس جمع شدند زیاده تر از ایشان

فَصَلَّوْا مَعَهُ فَاَصْبَحَ النَّاسُ فَتَحَدَّثُوْا فَكَثُرَ اَهْلُ الْمَسْجِدِ

پس نماز گذاردند با آنحضرت پس صبح کردند مردمان پس یاد کردند پس بسیار شدند اهل مسجد

مِنَ اللَّيْلَةِ الثَّالِثَةِ فَخَرَجَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

از شب ثالث پس برآمد آنحضرت صلے الله علیه وسلم

فَصَلّٰى فَصَلَّوْا بِصَلٰوتِهِ فَلَمَّا كَانَتِ اللَّيْلَةُ الرَّابِعَةُ عَجَزَ

پس نماز گذارد آنحضرت پس نماز گذاردند نماز آنحضرت یعنی با جماعت هرگاه که شد شب چهارم تنگ آمد

الْمَسْجِدُ عَنْ اَهْلِهِ حَتّٰى خَرَجَ بِصَلٰوةِ الصُّبْحِ فَلَمَّا قَضَى

مسجد از کثرت اهل آن تا آنکه برآمد آنحضرت برای نماز فجر پس هرگاه که ادا کرد آنحضرت

الْفَجْرَ اَقْبَلَ عَلَى النَّاسِ فَتَشَهَّدَ ثُمَّ قَالَ اَمَّا بَعْدُ فَاِنَّهُ

نماز فجر را متوجه شد بر مردمان پس کلمه شهادت خواند پستر فرمود لیکن بعد حمد و نعت پس بدرستیکه شان این است

لَمْ يَخْفَ عَلَيَّ مَكَانُكُمْ وَلٰكِنِّي خَشِيتُ أَنْ تُفْتَرَضَ عَلَيْكُمْ

ر نخوف کرده شد بر شان تا و لیکن من خوف کردم که فرض شود این نماز تراویح بر شما با جماعت

فَتَعْجِزُوا عَنْهَا فَتُوُفِّيَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

پس عاجز آئید شما ازاد اے آن پس وفات کرد آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم

وَالْأَمْرُ عَلٰى ذٰلِكَ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض

وحال آنکہ حال تراویح برایں بود رواہ البخاری ــــ وروایت است از ابی ہریرہ رض

قَالَ كَانَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُرَغِّبُ فِي قِيَامِ

گفت کہ بود پیغامبر صلے اللہ علیہ وسلم کہ ترغیب میفرمود صحابہ را در گذاردن نماز تراویح

رَمَضَانَ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَأْمُرَهُمْ فِيهِ بِعَزِيمَةٍ فَيَقُولُ مَنْ

در رمضان بے آنکہ امر کند ایشان را در قیام رمضان بجد تاکید و ایجاب پس فرمود آنحضرت کسیکہ

قَامَ رَمَضَانَ إِيمَانًا وَّاحْتِسَابًا غُفِرَ لَهٗ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهٖ

قیام کند رمضان را بجہت ایمان و تصدیق بثواب و طلب اجر آخرت آمرزیدہ شود او را چیزیکہ پیش گذشتہ

الْحَدِيثَ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض أَنَّ

تا آخر حدیث رواہ مسلم وروایت است از ابی ہریرہ رض بدرستیکہ

رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ مَنْ قَامَ رَمَضَانَ

آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم فرمود کسیکہ قیام کند رمضان را

إِيمَانًا وَّاحْتِسَابًا غُفِرَ لَهٗ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهٖ قَالَ ابْنُ شِهَابٍ

بجہت ایمان و طلب ثواب آخرت آمرزیدہ شود چیزیکہ پیش رفتہ است از گناہان وگفت ابن شہاب

فَتُوُفِّيَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَالْأَمْرُ عَلٰى ذٰلِكَ

پس قبض کردہ شد روح آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم وحال آنکہ شان وکار قیام رمضان بر

ثُمَّ كَانَ الْأَمْرُ عَلٰى ذٰلِكَ فِي خِلَافَةِ أَبِي بَكْرٍ وَصَدْرًا

پستر بود امر برہمین روش در زمان خلافت ابی بکر ہمچنین بود امرش در زمان اول

مِنْ خِلَافَةِ عُمَرَ وَعَنْ عَبْدِ الرَّحْمٰنِ بْنِ عَبْدِ الْقَارِيِّ

خلافت عمر رضی قیام رمضان غیر جماعت در روایت است از عبد الرحمن بن عبد القاری

اَنَّهُ قَالَ خَرَجْتُ مَعَ عُمَرَ ابْنِ الْخَطَّابِ لَيْلَةً فِي رَمَضَانَ

گفت که بیرون آمدم با عمر ابن الخطاب شبے از رمضان

اِلَى الْمَسْجِدِ فَاِذَا النَّاسُ اَوْزَاعٌ مُتَفَرِّقُوْنَ يُصَلِّي الرَّجُلُ

بسوے مسجد پس ناگاه مردم پریشان و جدا جدا نشستند نماز میکرد مردے

لِنَفْسِهٖ وَيُصَلِّي الرَّجُلُ فَيُصَلِّي بِصَلٰوتِهِ الرَّهْطُ فَقَالَ عُمَرُ

برے خود تنها و نماز میکرد مردے پس نماز میکردند با نماز وے قومے پس گفت عمر بن الخطاب

اِنِّيْ اَرٰى لَوْ جَمَعْتُ هٰؤُلَاءِ عَلٰى قَارِئٍ وَاحِدٍ لَكَانَ اَمْثَلَ

بدرستیکه من اگر جمع کنم اینمردم را بر یک امام هر آینه باشد افضل

ثُمَّ عَزَمَ فَجَمَعَهُمْ عَلٰى اُبَيِّ ابْنِ كَعْبٍ ثُمَّ خَرَجْتُ مَعَهٗ لَيْلَةً

پستر عزم کرد پس جمع کرد مردم را بر ابی ابن کعب گفت عبد الرحمن بن قار پستر بیرون آمدم با عمر شب

اُخْرٰى وَالنَّاسُ يُصَلُّوْنَ بِصَلٰوةِ قَارِئِهِمْ قَالَ عُمَرُ

دیگر در حال آنکه مردم نماز میگذاردند بنماز امام خود گفت عمر رضی

نِعْمَتِ الْبِدْعَةُ هٰذِهٖ وَالَّتِيْ تَنَامُوْنَ عَنْهَا اَفْضَلُ مِنَ الَّتِيْ

نیکو بدعت است این بدعت و آن نماز یکه خواب میکنید و غفلت میورزید شما از ان فاضلتر است از ان نما

تَقُوْمُوْنَ يُرِيْدُ اٰخِرَ اللَّيْلِ وَكَانَ النَّاسُ يَقُوْمُوْنَ اَوَّلَهٗ

که قیام میکنید میخواست عمر آخر شب را و بودند مردم که قیام میکردند در اول آن

رَوَاهُمَا الْبُخَارِيُّ وَعَنْ عَائِشَةَ رض قَالَتْ فَقَدْتُ

روایت کرد این حدیث هر دو را بخاری و در روایت است از عائشه رض گفت عائشه که گم کردم و نیافتم

رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَيْلَةً فَاِذَا هُوَ

آنحضرت صلے الله علیه وسلم را در شب نوبت خود پس ناگاه دیدم که آنحضرت

بِالْبَقِيعِ فَقَالَ أَكُنْتِ تَخَافِينَ أَنْ يَحِيفَ اللّٰهُ عَلَيْكِ وَرَسُولُهُ

بمقبرهٔ مدینه مشهور است پس گفت آنحضرت که آیا بودی تو که میترسید با که جور و ستم میکند خدا بر تو و پیغامبر او

قُلْتُ يَا رَسُولَ اللّٰهِ إِنِّي ظَنَنْتُ أَنَّكَ أَتَيْتَ بَعْضَ نِسَائِكَ

گفت عائشه که گفتم یا رسول الله بدرستیکه من گمان بردم که تو آمدی به بعضے از زنان خود

فَقَالَ إِنَّ اللّٰهَ تَعَالَى يَنْزِلُ لَيْلَةَ النِّصْفِ مِنْ شَعْبَانَ إِلَى

پس فرمود آنحضرت که سببش آن بود که بدرستی خدایتعالی نزول میکند بفضل و رحمت در شب نیمه از شعبان بسوی

السَّمَاءِ الدُّنْيَا فَيَغْفِرُ لِأَكْثَرَ مِنْ عَدَدِ شَعْرِ غَنَمِ كَلْبٍ

آسمانی که فرود تر از آسمانها است پس می آمرزد مر بیشتر را از شمار موهای گوسفندان قبیله کلب بیشترین عرب است

رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ وَزَادَ رَزِينٌ مِمَّنِ اسْتَحَقَّ النَّارَ

روایه الترمذی و ابن ماجه و زیاده کرد رزین لفظ ممن استحق النار را

وَعَنْ عَائِشَةَ رض عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

و روایت است از عائشه رض از آنحضرت صلی الله علیه وسلم

قَالَ هَلْ تَدْرِينَ مَا فِي هٰذِهِ اللَّيْلَةِ يَعْنِي لَيْلَةَ النِّصْفِ

که فرمود آیا در می یابی تو اے عائشه که چه چیز است درین شب از برکات و غرایب یعنے شب نیمه

مِنْ شَعْبَانَ قَالَتْ مَا فِيهَا يَا رَسُولَ اللّٰهِ فَقَالَ فِيهَا أَنْ يُكْتَبَ

از شعبان گفت عائشه چه چیز است درین شب یا رسول الله پس فرمود آنحضرت که درین شب نوشته شود

كُلُّ مَوْلُودٍ بَنِي آدَمَ فِي هٰذِهِ السَّنَةِ وَفِيهَا أَنْ يُكْتَبَ كُلُّ

هر که زائیده شود از فرزندان آدم درین سال و دیگر در آن شب نوشته شود هر که

هَالِكٍ مِنْ بَنِي آدَمَ فِي هٰذِهِ السَّنَةِ وَفِيهَا تُرْفَعُ أَعْمَالُهُمْ

هالک شود از فرزندان آدم درین سال و درین شب برداشته شود کردارهای فرزندان آدم

وَفِيهَا تَنْزِلُ أَرْزَاقُهُمْ فَقَالَتْ يَا رَسُولَ اللّٰهِ مَا مِنْ أَحَدٍ

و در آن شب نازل کرده شود رزقهاے بنی آدم پس گفت عائشه ای پیغمبر خدا نیست هیچ یکے

يَدْخُلُ الْجَنَّةَ اِلَّا بِرَحْمَةِ اللهِ تَعَالٰی فَقَالَ مَا مِنْ اَحَدٍ

کہ در آید بہشت را مگر برحمت خدا تعالیٰ پس گفت آنحضرت کہ نیست ہیچ یکے کہ

يَدْخُلُ الْجَنَّةَ اِلَّا بِرَحْمَةِ اللهِ تَعَالٰی ثَلٰثًا قُلْتُ وَلَا اَنْتَ

در آید بہشت را مگر برحمت خدا تعالیٰ گفت آنحضرت این کلمات را سہ بار گفت عائشہ گفتم و نہ در آئی بہشت را

يَا رَسُوْلَ اللهِ فَوَضَعَ يَدَهٗ عَلٰی هَامَتِهٖ فَقَالَ وَلَا اَنَا اِلَّا

اے پیغمبر خدا پس نہاد آنحضرت دست مبارک خود را بر سر مبارک خود پس گفت نہ من می آیم بہشت را مگر

اَنْ يَّتَغَمَّدَنِيَ اللهُ مِنْهُ بِرَحْمَتِهٖ يَقُوْلُهَا ثَلٰثَ مَرَّاتٍ رَوَاهُ

بپوشد مرا خدا تعالیٰ برحمت خود در حالیکہ میگفت آنحضرت این کلمات را سہ بار روایت کرد

الْبَيْهَقِيُّ فِي الدَّعَوَاتِ الْكَبِيْرِ وَعَنْ اَبِيْ مُوْسٰی

بیہقی در دعوات کبیر و روایت است از ابی موسے

الْاَشْعَرِيِّ رض عَنْ رَسُوْلِ اللهِ صَلَّی اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ اِنَّ

اشعری رض از آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم فرمود آنحضرت کہ بدرستیکہ خدا تعالیٰ برابینہ

اللهَ لَيَطَّلِعُ فِيْ لَيْلَةِ النِّصْفِ مِنْ شَعْبَانَ فَيَغْفِرُ لِجَمِيْعِ خَلْقِهٖ

واقف می شود بر احوال بندگان در شب نصف از شعبان پس می آمرزد مر ہمہ خلق را

اِلَّا لِمُشْرِكٍ اَوْ مُشَاحِنٍ رَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ وَرَوَاهُ اَحْمَدُ

مگر کافر را و دشمن دارندہ و کینہ ورزندہ مسلمانان را روایت کرد ابن ماجہ و روایت کرد احمد

عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ عَمْرِو بْنِ الْعَاصِ وَفِيْ رِوَايَةٍ اِلَّا اثْنَيْنِ

از عبد اللہ بن عمرو بن العاص و در روایت احمد آمدہ کہ خدا می بخشد ہمہ را مگر

مُشَاحِنٍ وَقَاتِلِ النَّفْسِ وَعَنْ عَلِيٍّ رض قَالَ قَالَ

مشاحن را و خون ناحق ریزندہ و کشندہ نفس را و روایت است از علی رض گفت فرمود

رَسُوْلُ اللهِ صَلَّی اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِذَا كَانَتْ لَيْلَةُ النِّصْفِ

آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم چون باشد شب نیمہ

مِنْ شَعْبَانَ فَقُومُوا لَيْلَهَا وَصُومُوا يَوْمَهَا فَإِنَّ اللّٰهَ تَعَالٰى

از شعبان پس قیام کنید شب آنرا و روزه دارید روز آنرا پس بدرستیکه خدای تعالی

يَنْزِلُ فِيهَا لِغُرُوبِ الشَّمْسِ إِلَى السَّمَاءِ الدُّنْيَا فَيَقُولُ أَلَا

نزول میکند برحمت درین شب بوقت غروب آفتاب بسوی آسمان دنیا پس میگوید آیا نیست

مِنْ مُسْتَغْفِرٍ فَأَغْفِرَ لَهُ أَلَا مِنْ مُسْتَرْزِقٍ فَأَرْزُقَهُ أَلَا

هیچ آمرزش خواهنده پس بیامرزم مر او را آیا نیست هیچ روزی خواهنده پس روزی دهم او را آیا نیست

مُبْتَلًى فَأُعَافِيَهُ أَلَا كَذَا أَلَا كَذَا حَتّٰى يَطْلُعَ الْفَجْرُ رَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ

هیچ بلا رسیده پس برهانم او را از بلا کذا و کذا کنایت است از انواع ارباب حاجات میگوید خدا این کلمات را تا وقت طلوع فجر

بَابُ الْاِعْتِكَافِ

باب دربیان اعتکاف

عَنْ عَائِشَةَ رض أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

روایت است از عائشه رض بدرستیکه آنحضرت صلے اللہ علیه وسلم

كَانَ يَعْتَكِفُ الْعَشْرَ الْأَوَاخِرَ مِنْ رَمَضَانَ حَتّٰى تَوَفَّاهُ

بود که اعتکاف میکرد در ده شب آخر از رمضان تا آنکه میرانید او را

اللّٰهُ تَعَالٰى ثُمَّ اعْتَكَفَ أَزْوَاجُهُ بَعْدَهُ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ

خدای تعالے پس معتکف شدند ازواج مطهره آنحضرت بعد از وی متفق علیه

وَعَنْ أَنَسٍ رض قَالَ كَانَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

و روایت است از انس رض گفت که بود آنحضرت صلے اللہ علیه

وَسَلَّمَ يَعْتَكِفُ فِي الْعَشْرِ الْأَوَاخِرِ مِنْ رَمَضَانَ

وسلم که اعتکاف میکرد در ده شب آخر از رمضان

فَلَمْ يَعْتَكِفْ عَامًا فَلَمَّا كَانَ الْعَامُ الْمُقْبِلُ اعْتَكَفَ عِشْرِينَ

پس اعتکاف نکرد یکسال پس وقتیکه شد سال آینده اعتکاف کرد دو ده شب یکی قضا و دیگر ادا

بودست میدارد اعتکاف کند پس ثابت شد سنیت آن ۱۲

رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَرَوَاهُ اَبُوْدَاوُدَ وَابْنُ مَاجَةَ عَنْ

روایت کرد اسے ترمذی و روایت کرد اسے ابوداؤد و ابن ماجہ از

اُبَيِّ بْنِ كَعْبٍ وَعَنْ عَائِشَةَ رض قَالَتِ السُّنَّةُ عَلَى

ابی ابن کعب و روایت است از عائشہ رض گفت عائشہ سنت بر

الْمُعْتَكِفِ اَنْ لَا يَعُوْدَ مَرِيْضًا وَلَا يَشْهَدَ جَنَازَةً

معتکف آنست کہ عیادت نکند مریض را و حاضر نشود نماز جنازہ را

وَلَا يَمَسَّ الْمَرْاَةَ وَلَا يُبَاشِرَهَا وَلَا يَخْرُجَ لِحَاجَةٍ

و مساس نکند زن را و مباشرت نکند او را و بیرون نیاید برائے حاجتے

اِلَّا لِمَا لَا بُدَّ مِنْهُ وَلَا اعْتِكَافَ اِلَّا بِصَوْمٍ وَلَا اعْتِكَافَ

مگر برائے حاجتے کہ چارہ نیست از آن و روا نیست اعتکاف مگر بروزہ و روا نیست اعتکاف

اِلَّا فِيْ مَسْجِدٍ جَامِعٍ رَوَاهُ اَبُوْدَاوُدَ وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رض

مگر در مسجد جامع یعنے مسجد جماعت روایت کرد اسے ابوداؤد و روایت است از ابن عباس رض

اَنَّ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ فِي

کہ پیغامبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم گفت در حق

الْمُعْتَكِفِ هُوَ يَعْكِفُ الذُّنُوْبَ وَيُجْرٰى لَهُ مِنَ

معتکف کہ آن منع کردہ می شود و باز داشتہ می شود از گناہان و جیرا دادہ میشود مر او را از

الْحَسَنَاتِ كَعَامِلِ الْحَسَنَاتِ كُلِّهَا رَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ

حسنات کہ فوت می شود او را بسبب اعتکاف او مثل عامل حسنات ہمہ روایت کرد اسے ابن ماجہ

كِتَابُ فَضَائِلِ الْقُرْاٰنِ

کتاب در بیان فضائل القرآن

فَاِذَا قَرَاْتَ الْقُرْاٰنَ فَاسْتَعِذْ بِاللّٰهِ مِنَ الشَّيْطٰنِ الرَّجِيْمِ

پس چون قصد کنی خواندن قرآن را پس پناہ طلب کن بخدا از شیطان راندہ شدہ

٣٦١

قُلْ لَئِنِ اجْتَمَعَتِ الْاِنْسُ وَالْجِنُّ عَلٰٓى اَنْ يَّاْتُوْا بِمِثْلِ هٰذَا

بگو اگر جمع شوند آدمیان وجن بر آنکه بیارند مانند این

الْقُرْاٰنِ لَا يَاْتُوْنَ بِمِثْلِهٖ وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيْرًا

قران هرگز نیارند مانند آن اگرچه باشد بعض ایشان بعض را مدددهنده

اَمْ يَقُوْلُوْنَ افْتَرٰىهُ قُلْ فَاْتُوْا بِعَشْرِ سُوَرٍ مِّثْلِهٖ مُفْتَرَيٰتٍ

ایا میگویند بربسته است قرآن را بگو پس بیارید ده سوره مانند این بربافته

وَّادْعُوْا مَنِ اسْتَطَعْتُمْ مِّنْ دُوْنِ اللّٰهِ اِنْ كُنْتُمْ صٰدِقِيْنَ

وبخوانید هرکرا توانید بجز خدا اگر راست گو هستید

وَاِنْ كُنْتُمْ فِيْ رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلٰى عَبْدِنَا فَاْتُوْا بِسُوْرَةٍ

واگر هستید در شبه ازانچه فرود آوردیم بر بنده خود پس بیارید یک سوره

مِّنْ مِّثْلِهٖ وَادْعُوْا شُهَدَآءَكُمْ مِّنْ دُوْنِ اللّٰهِ اِنْ كُنْتُمْ

مانند آن وبخوانید مددگاران خودرا بجز خدا اگر هستید

صٰدِقِيْنَ ۝ فَاِنْ لَّمْ تَفْعَلُوْا وَلَنْ تَفْعَلُوْا فَاتَّقُوا النَّارَ

راست گو پس اگر نکردید والبته نتوانید کرد پس حذر کنید از آن آتش سوزان

الَّتِيْ وَقُوْدُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ اُعِدَّتْ لِلْكٰفِرِيْنَ ۝

که آتش انگیز آن مردمان وسنگها باشد اماده کرده شده است برای کافران

لَوْ اَنْزَلْنَا هٰذَا الْقُرْاٰنَ عَلٰى جَبَلٍ لَّرَاَيْتَهٗ خَاشِعًا مُّتَصَدِّعًا

اگر فرود می آوردیم این قرآن را بر کوهی هرآیینه میدیدی آنرا نیایش کرده پاره پاره شده

مِّنْ خَشْيَةِ اللّٰهِ ۝ اِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَاِنَّا لَهٗ لَحٰفِظُوْنَ ۝

از خوف خدا هرآینه ما فرو فرستادیم قرآن را وهرآینه ما ورا نگاه بانیم

اِنَّآ اَنْزَلْنٰهُ قُرْءٰنًا عَرَبِيًّا لَّعَلَّكُمْ تَعْقِلُوْنَ ۝ وَهٰذَا كِتٰبٌ

هرآینه ما فرستادیم آنرا قرآن عربی باشد که شما دریابید داین کتابی است

جزء ۱۵ رکوع ۱۰

جزء ۱۲ رکوع ۲

جزء ۱ رکوع ۳

جزء ۲۸ رکوع ۶

جزء ۱۴ رکوع ۱

جزء ۱۲ رکوع ۱

مُصَدِّقٌ لِّسَانًا عَرَبِيًّا لِّيُنذِرَ الَّذِينَ ظَلَمُوا وَبُشْرَىٰ

باور دارنده در زبان عربی برآنکه بترساند ستمگاران را و برای مژده دادن

لِلْمُحْسِنِينَ عَنْ عُثْمَانَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

نیکوکاران را روایت است از عثمان رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلے اللہ

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خَيْرُكُمْ مَنْ تَعَلَّمَ الْقُرْآنَ وَعَلَّمَهُ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ

علیه وسلم بهترین شما کسے که آموخت قرآن را و آموزانید آنرا رواه البخاری

وَعَنْ عَائِشَةَ رض قَالَتْ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

و روایت است از عائشه رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلے اللہ علیه

وَسَلَّمَ الْمَاهِرُ بِالْقُرْآنِ مَعَ السَّفَرَةِ الْكِرَامِ الْبَرَرَةِ

وسلم نیکو در یابنده و استاد در قرآن بحفظ و تجوید با ملائکه که بزرگانند و نیکوکار

وَالَّذِي يَقْرَأُ الْقُرْآنَ وَيَتَتَعْتَعُ فِيهِ وَهُوَ عَلَيْهِ شَاقٌّ لَهُ

و آن کسے که میخواند قرآن را و در میماند در خواندن آن و خواندن قرآن بر او دشوار است او را

أَجْرَانِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنِ ابْنِ عُمَرَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ

دو اجر است متفق علیه و روایت است از ابن عمر رض گفت فرمود آنحضرت

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا حَسَدَ إِلَّا عَلَى اثْنَيْنِ رَجُلٌ

صلے اللہ علیه وسلم نیست جائز رشک بردن مگر بر دو کس یکے مردیست

آتَاهُ اللّٰهُ الْقُرْآنَ فَهُوَ يَقُومُ بِهِ آنَاءَ اللَّيْلِ وَآنَاءَ

که داده است او را خدا تعالے قرآن را پس آن مرد برمیخیزد بقرآن یعنے میخواند آنرا در ساعات

النَّهَارِ وَرَجُلٌ آتَاهُ اللّٰهُ مَالًا فَهُوَ يُنْفِقُ مِنْهُ آنَاءَ

صبح و شام دوم مرد یکه داده است او را مال پس آن مرد انفاق میکند از آن در ساعات

اللَّيْلِ وَآنَاءَ النَّهَارِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رض

صبح و شام متفق علیه و روایت است از ابن عباس رض

قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِنَّ الَّذِیْ

گفت فرمود آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم بدرستیکہ آنکسے کہ

لَیْسَ فِیْ جَوْفِهٖ شَیْءٌ مِّنَ الْقُرْاٰنِ كَالْبَیْتِ الْخَرِبِ رَوَاهُ

نیست در درونِ وے چیزے از قرآن ہمچو خانہ ویران است رواہ

التِّرْمِذِیُّ وَالدَّارِمِیُّ وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ عَمْرٍو رض

الترمذے والدارمی در روایت است از عبد اللہ بن عمرو رض

قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَیْهِ وَسَلَّمَ یُقَالُ لِصَاحِبِ

گفت فرمود پیغامبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم گفتہ می شود مر صاحب

الْقُرْاٰنِ اِقْرَاْ وَارْتَقِ وَرَتِّلْ كَمَا كُنْتَ تُرَتِّلُ فِی الدُّنْیَا

قرآن را بخوان وترقی مدارج کن وبتجوید بخوان قرآن را چنانکہ ترتیل میکردی در دنیا

فَاِنَّ مَنْزِلَكَ عِنْدَ اٰخِرِ اٰیَةٍ تَقْرَاُهَا رَوَاهُ اَحْمَدُ وَالتِّرْمِذِیُّ

بدرستیکہ منزل تو نزد آخر آیتے کہ می خوانی آنرا رواہ احمد والترمذے

وَاَبُوْدَاوُدَ وَالنَّسَائِیُّ وَعَنْ اَبِیْ سَعِیْدٍ رض قَالَ قَالَ

وابوداود والنسائے در روایت است از ابی سعید رض گفت فرمود

رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَیْهِ وَسَلَّمَ یَقُوْلُ الرَّبُّ تَبَارَكَ

آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم کہ میگوید پروردگار تبارک

وَتَعَالٰی مَنْ شَغَلَهُ الْقُرْاٰنُ عَنْ ذِكْرِیْ وَمَسْئَلَتِیْ اَعْطَیْتُهٗ

وتعالے کسے کہ بازدارد او را قرآن از ذکر کردن من و دعا و سوال من میدہم او را

اَفْضَلَ مَا اُعْطِی السَّائِلِیْنَ وَفَضْلُ كَلَامِ اللّٰهِ عَلٰی سَائِرِ

بیشتر از آنچہ میدہم سوال کنندگان را و فضل کلام خدا بر باقی کلام خلائق

الْكَلَامِ كَفَضْلِ اللّٰهِ عَلٰی خَلْقِهٖ رَوَاهُ التِّرْمِذِیُّ وَالدَّارِمِیُّ

ہمچو فضل خدا ست بر مخلوق او رواہ الترمذی والدارمی

وَالْبَيْهَقِيُّ فِي شُعَبِ الْإِيمَانِ وَعَنِ ابْنِ مَسْعُودٍ رض قَالَ

والبیہقی در شعب ایمان در روایت است از ابن مسعود رض گفت

قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ قَرَأَ حَرْفًا مِنْ

فرمود پیغامبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم کسیکہ بخواند یک حرف از

كِتَابِ اللّٰهِ فَلَهُ بِهِ حَسَنَةٌ وَالْحَسَنَةُ بِعَشْرِ أَمْثَالِهَا لَا أَقُولُ

کتاب خدا پس مراو راست نیکی و ہر نیکی جزا دادہ می شود بدہ چند او نمیگویم

الٓمٓ حَرْفٌ أَلِفٌ حَرْفٌ وَلَامٌ حَرْفٌ وَمِيمٌ حَرْفٌ رَوَاهُ

الم یک حرف است بل الف تنہا حرفیست و ہمچنین لام حرف است و میم حرف است رواہ

التِّرْمِذِيُّ وَالدَّارِمِيُّ وَعَنْ مُعَاذٍ الْجُهَنِيِّ رض قَالَ

الترمذی والدارمی در روایت است از معاذ الجہنی رض گفت

قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ

فرمود آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم کسیکہ بخواند قرآن را

وَعَمِلَ بِمَا فِيهِ أُلْبِسَ وَالِدَاهُ تَاجًا يَوْمَ الْقِيٰمَةِ ضَوْءُهُ

وعمل کرد بچیزیکہ در قرآن است پوشانیدہ شوند پدر و مادر او تاج روز قیامت کہ روشنائی او

أَحْسَنُ مِنْ ضَوْءِ الشَّمْسِ فِي بُيُوتِ الدُّنْيَا لَوْ كَانَتْ

خوشتر و قوی تر از روشنائی آفتاب باشد در خانہ ہاے دنیا اگر می بود آفتاب

فِيكُمْ فَمَا ظَنُّكُمْ بِالَّذِي عَمِلَ بِهٰذَا رَوَاهُ أَحْمَدُ وَأَبُو دَاوُدَ

در خانہ ہای شما پس چیست گمان شما بآن کسیکہ بخواند و عمل کند بقرآن رواہ احمد و ابوداود

وَعَنْ عُقْبَةَ بْنِ عَامِرٍ رض قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللّٰهِ

و روایت است از عقبہ بن عامر رض گفت شنیدم آنحضرت را

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ لَوْ جُعِلَ الْقُرْآنُ فِي إِهَابٍ ثُمَّ

صلے اللہ علیہ وسلم کہ میگفت اگر دانیدہ می شد قرآن در پوستے پستر

الْحَرْقِ فِي النَّارِ مَا احْتَرَقَ رَوَاهُ الدَّارِمِيُّ وَعَنْ عَلِيٍّ
انداختہ می شد در آتش نمی سوخت روا ه الدارمی و روایت است از علی
قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ
گفت فرمود پیغامبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم ہر کہ بخواند قرآن را
فَاسْتَظْهَرَهُ فَأَحَلَّ حَلَالَهُ وَحَرَّمَ حَرَامَهُ أَدْخَلَهُ اللّٰهُ
پس یاد کرد آنرا پس حلال گرداند حلال آنرا و حرام گرداند حرام آنرا در می آرد خدا تعالیٰ
الْجَنَّةَ وَشَفَّعَهُ فِي عَشَرَةٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ كُلُّهُمْ قَدْ
در بہشت و قبول میکند شفاعت او را در دہ کس از اہل بیت وے کہ ہمہ ایشان بتحقیق
وَجَبَتْ لَهُمُ النَّارُ رَوَاهُ أَحْمَدُ وَالتِّرْمِذِيُّ وَابْنُ مَاجَهْ
واجب شدہ است مر ایشان را آتش رواہ احمد والترمذی و ابن ماجہ
وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ
و روایت است از ابی ہریرہ رضؓ گفت فرمود آنحضرت صلے اللہ
عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تَعَلَّمُوا الْقُرْآنَ فَاقْرَؤُهُ فَإِنَّ مَثَلَ
علیہ وسلم بیاموزید قرآن را پس بخوانید آنرا پس بدرستیکہ حال
الْقُرْآنِ لِمَنْ تَعَلَّمَ فَقَرَأَهُ وَقَامَ بِهِ كَمَثَلِ جِرَابٍ مَحْشُوٍّ
قرآن مر کسے را کہ آموخت پس خواند آنرا و قیام کرد بدان ہمچو انبانی است کہ پر کردہ
مِسْكًا تَفُوحُ رِيحُهُ كُلَّ مَكَانٍ وَمَثَلُ مَنْ تَعَلَّمَهُ
مشک میدمد بوے وے در ہر جا و حال کسیکہ آموخت قرآن را
فَرَقَدَ فَهُوَ فِي جَوْفِهِ كَمَثَلِ جِرَابٍ أُوكِيَ عَلَى مِسْكٍ
پس خواب کرد حال آنکہ قرآن در شکم اوست ہمچو حال انبان مشک است کہ بستہ شدہ است بر
رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَالنَّسَائِيُّ وَابْنُ مَاجَهْ وَعَنْ
رواہ الترمذی والنسائی و ابن ماجہ و روایت است از

أَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
ابی ہریرۃ رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم
إِنَّ اللّٰهَ تَعَالَى قَرَأَ طٰهٰ وَيٰسٓ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَ السَّمٰوَاتِ
بدرستیکہ خدا تعالے خواند یعنے اظہار کرد سورہ طہ ویس را پیش ازانکہ پیدا کند آسمان ہا
وَالْأَرْضَ بِأَلْفِ عَامٍ فَلَمَّا سَمِعَتِ الْمَلٰئِكَةُ الْقُرْاٰنَ قَالَتْ
وزمین را بہزار سال پس ہرگاہ کہ شنیدند فرشتگان قرات طہ ویس را گفتند فرشتگان
طُوبٰى لِأُمَّةٍ يَنْزِلُ هٰذَا عَلَيْهَا طُوبٰى لِأَجْوَافٍ تَحْمِلُ هٰذَا
خیر و خوبی باد مرا متے را کہ فرود فرستادہ شود این ہر دو سورہ برآن امت و خوبی باد مرآن شکمہا را و
وَطُوبٰى لِأَلْسِنَةٍ تَتَكَلَّمُ بِهٰذَا رَوَاهُ الدَّارِمِيُّ وَعَنْ
وخوبی باد مر زبان ہا را کہ تکلم کنند باین رواہ الدارمی و روایت است از
أَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
ابی ہریرۃ رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم
أَعْرِبُوا الْقُرْاٰنَ وَاتَّبِعُوا غَرَائِبَهُ وَغَرَائِبُهُ فَرَائِضُهُ
اظہار کنید معانی قرآن را و پیروی کنید غرایب قرآن را و غرایب وے فرایض او
وَحُدُودُهُ وَعَنْ عَائِشَةَ رض أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ
وحدود اوست و روایت است از عائشہ رض کہ آنحضرت صلے اللہ علیہ
وَسَلَّمَ قَالَ قِرَاءَةُ الْقُرْاٰنِ فِي الصَّلٰوةِ أَفْضَلُ مِنْ
وسلم گفت خواندن قرآن در نماز بہتر است از
قِرَاءَةِ الْقُرْاٰنِ فِي غَيْرِ الصَّلٰوةِ وَقِرَاءَةُ الْقُرْاٰنِ فِي غَيْرِ
خواندن قرآن در غیر نماز وخواندن قرآن در غیر
الصَّلٰوةِ أَفْضَلُ مِنَ التَّسْبِيحِ وَالتَّكْبِيرِ وَالتَّسْبِيحُ أَفْضَلُ
نماز افضل است از تسبیح وتکبیر وتسبیح بہتر است

مِنَ الصَّدَقَةِ وَالصَّدَقَةُ أَفْضَلُ مِنَ الصَّوْمِ وَالصَّوْمُ

از صدقه دادن در راه خدا وصدقه دادن بهتر است از روزه داشتن وروزه داشتن

جُنَّةٌ مِنَ النَّارِ وَعَنْ عُثْمَانَ ابْنِ عَبْدِ اللهِ ابْنِ أَوْسٍ

سپر است از آتش دوزخ وروایت است از عثمان ابن عبد الله ابن اوس

الثَّقَفِيِّ عَنْ جَدِّهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

الثقفی از جد خود که اوس است گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

قِرَاءَةُ الرَّجُلِ الْقُرْآنَ فِي غَيْرِ الْمُصْحَفِ أَلْفُ دَرَجَةٍ وَقِرَاءَتُهُ

ثواب خواندن مرد قرآن را در غیر مصحف هزار درجه دارد و ثواب خواندن او

فِي الْمُصْحَفِ تُضَعَّفُ عَلَى ذٰلِكَ إِلَى أَلْفَيْ دَرَجَةٍ وَعَنْ

در مصحف زیاده کرده می شود بر آن تا دو هزار درجه وروایت است از

ابْنِ عُمَرَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

ابن عمر رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

إِنَّ هٰذِهِ الْقُلُوبَ تَصْدَأُ كَمَا يَصْدَأُ الْحَدِيدُ إِذَا أَصَابَهُ

بدرستیکه این دلهای مردم زنگ میگیرد یعنی تیره میگردد چنانکه زنگ میگیرد آهن وقتیکه میرسد آنرا

الْمَاءُ قِيلَ يَا رَسُولَ اللهِ مَا جِلَاؤُهَا قَالَ كَثْرَةُ ذِكْرِ الْمَوْتِ

آب گفته شد ای رسول خدا چیست سبب روشنی وصفائی وی گفت بسیار یاد کردن مرگ

وَتِلَاوَةُ الْقُرْآنِ رَوَى الْبَيْهَقِيُّ الْأَحَادِيثَ الْأَرْبَعَةَ فِي

وخواندن قرآن است روایت کرد بیهقی این چهار حدیث را در

شُعَبِ الْإِيمَانِ وَعَنِ الْحَسَنِ مُرْسَلًا أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى

شعب ایمان وروایت است از حسن بصری از روی ارسال که آنحضرت صلی

اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ مَنْ قَرَأَ فِي لَيْلَةٍ مِائَةَ آيَةٍ لَمْ يُحَاجَّهُ

الله علیه وسلم فرمود کسیکه بخواند در شبی صد آیت قرآن محاجات نکند وخصومت ننماید از

الْقُرْآنَ تِلْكَ اللَّيْلَةَ وَمَنْ قَرَأَ فِي لَيْلَةٍ مِائَتَيْ آيَةٍ

قرآن در آن شب و کسیکه بخواند در شبے دو صد آیت

كُتِبَ لَهُ قُنُوتُ لَيْلَةٍ وَمَنْ قَرَأَ فِي لَيْلَةٍ خَمْسَ مِائَةِ آيَةٍ

نوشته شود براے وے طاعت شب و کسیکه بخواند در شبے پنجصد آیت

إِلَى الْأَلْفِ أَصْبَحَ وَلَهُ قِنْطَارٌ مِنَ الْأَجْرِ قَالُوا وَمَا الْقِنْطَارُ

تا هزار صبح میکند در حالیکه مر او راست قنطار از اجر گفتند صحابه و چیست قنطار

قَالَ اثْنَا عَشَرَ أَلْفًا رَوَاهُ الدَّارِمِيُّ وَعَنْ أَبِي مُوسَى

گفت آنحضرت قنطار مقدار دوازده هزار است رواه الدارمی و روایت است از ابی موسی

الْأَشْعَرِيِّ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

اشعری رض گفت ابی موسی که فرمود آنحضرت صلے الله علیه وسلم

تَعَاهَدُوا الْقُرْآنَ فَوَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَهُوَ أَشَدُّ

رعایت و مداومت کنید بقرآن پس سوگند بخدا که بقا ذات من در دست قدرت او هر آینه قرآن سخت

تَفَصِّيًا مِنَ الْإِبِلِ فِي عُقُلِهَا مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ

از روے رها شدن از شتر که بسته باشد پاے وے در رسن متفق علیه و روایت است از

أَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

ابی هریره رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلے الله علیه وسلم

لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يَتَغَنَّ بِالْقُرْآنِ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَعَنْ

نیست از ما کسیکه تغنی نکند بقرآن یعنے مستغنی شود از همه رواه بخاری و روایت است از

الْبَرَاءِ بْنِ عَازِبٍ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ

براء بن عازب رض گفت فرمود آنحضرت صلے الله علیه

وَسَلَّمَ زَيِّنُوا الْقُرْآنَ بِأَصْوَاتِكُمْ رَوَاهُ أَحْمَدُ وَأَبُو دَاوُدَ

وسلم بیارائید قرآن را بخوش آوازهاے شما رواه احمد و ابو داود

وَابْنُ مَاجَةَ وَالدَّارِمِيُّ وَعَنْ سَعْدِ بْنِ عُبَادَةَ رض قَالَ

وابن ماجہ والدارمے وروایت است از سعد بن عبادہ رض گفت

قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا مِنِ امْرِءٍ يَقْرَأُ

فرمود پیغامبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم نیست ہیچ مردیکہ می خواند

الْقُرْاٰنَ ثُمَّ يَنْسَاهُ اِلَّا لَقِيَ اللّٰهَ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ اَجْذَمَ رَوَاهُ

قرآن را پستر فراموش گرداند آنرا مگر آنکہ پیش می آید خدا را روز قیامت منقطع الاعضا یعنی بیحجت

اَبُوْدَاوٗدَ وَالدَّارِمِيُّ وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ عَمْرٍو رض

ابوداود والدارمے وروایت است از عبد اللہ بن عمرو رض

اَنَّ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ لَمْ يَفْقَهْ

کہ آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم فرمود کہ نفہمید

مَنْ قَرَءَ الْقُرْاٰنَ فِيْ اَقَلَّ مِنْ ثَلَاثٍ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ

کسیکہ خواند قرآن در کمتر از سہ روز رواہ الترمذے

وَاَبُوْدَاوٗدَ وَالدَّارِمِيُّ وَعَنْ عُقْبَةَ بْنِ عَامِرٍ رض قَالَ

و ابوداود والدارمے وروایت است از عقبہ بن عامر رض گفت

قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَلْجَاهِرُ بِالْقُرْاٰنِ

فرمود پیغامبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم جہر کنندہ قرآن را

كَالْجَاهِرِ بِالصَّدَقَةِ وَالْمُسِرُّ بِالْقُرْاٰنِ كَالْمُسِرِّ بِالصَّدَقَةِ

ہمچو آشکارا دہندہ است صدقہ را و آہستہ خوانندہ قرآن را ہمچو پنہان دہندہ است صدقہ را

رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَاَبُوْدَاوٗدَ وَالنَّسَائِيُّ وَعَنِ اللَّيْثِ

رواہ الترمذے و ابوداود والنسائے وروایت است از لیث

بْنِ سَعْدٍ رض عَنِ ابْنِ اَبِيْ مُلَيْكَةَ عَنْ يَعْلَى ابْنِ مَمْلَكٍ رض

بن سعد رض روایت میکند از ابن ابی ملیکہ از یعلے ابن مملک رض

أَنَّهُ سَأَلَ أُمَّ سَلَمَةَ رضـ عَنْ قِرَاءَةِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ

که وے پرسید از ام سلمہ رضـ از قرارت پیغمبر صلے اللہ علیہ

وَسَلَّمَ فَإِذَا هِيَ تَنْعَتُ قِرَاءَةً مُفَسَّرَةً حَرْفًا حَرْفًا

وسلم پس ناگاہ ام سلمہ صفت میکند قرأت آنحضرت را کہ پیدا وکشادہ است حرف بعد از حرف جدا جدا

رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَأَبُو دَاوُدَ وَالنَّسَائِيُّ وَعَنْ حُذَيْفَةَ

رواہ الترمذی و ابو داؤد والنسائی و روایت است از حذیفہ

رضـ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِقْرَءُوا

رضـ گفت فرمود آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم بخوانید

الْقُرْآنَ بِلُحُونِ الْعَرَبِ وَأَصْوَاتِهَا وَإِيَّاكُمْ وَلُحُونَ

قرآن را بلحن عرب و خوش آوازہاے ایشان و دور دارید خود را از لحن

أَهْلِ الْعِشْقِ وَلُحُونَ أَهْلِ الْكِتَابَيْنِ وَسَيَجِيءُ بَعْدِي

اہل عشق و لحن ہاے اہل دو کتاب یعنے توریت و انجیل و زود باشد کہ بیاید پس از من

قَوْمٌ يُرَجِّعُونَ بِالْقُرْآنِ تَرْجِيعَ الْغِنَاءِ وَالنَّوْحِ لَا يُجَاوِزُ

گروہے کہ ترجیع کنند بقرآن مانند سرود و نوحہ و نمیگذرد قرآن

حَنَاجِرَهُمْ مَفْتُونَةً قُلُوبُهُمْ وَقُلُوبُ الَّذِينَ يُعْجِبُهُمْ

گلو ہاے ایشان را در فتنہ انداختہ شدہ است دلہاے ایشان و دلہاے آنکسان کہ خوش می آید ایشان را

شَأْنُهُمْ رَوَاهُ الْبَيْهَقِيُّ فِي شُعَبِ الْإِيمَانِ وَرَزِينٌ فِي

حال ایشان رواہ بیہقی در شعب ایمان و رزین در

كِتَابِهِ وَعَنِ الْبَرَاءِ بْنِ عَازِبٍ رضـ قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللهِ

کتاب خود و روایت است از براء بن عازب رضـ گفت شنیدم آنحضرت را

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ حَسِّنُوا الْقُرْآنَ بِأَصْوَاتِكُمْ

صلے اللہ علیہ وسلم کہ میگفت نیک گردانید قرآن را بآوازہاے خود